



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

حقیقت

۲۳

تعمیر و تجدید
سازمانی امام خمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۱۶ | صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۳ |
| ۱۶ | مشخصات کتاب |
| ۱۷ | اشاره |
| ۲۹ | مصاحبه امام خمینی با رادیو - تلویزیون سوئد |
| ۳۰ | پیام امام خمینی به مردم غیور کردستان به مناسبت کشتار وحشیانه رژیم در آن سامان |
| ۳۱ | بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب علیه اسلام و روحانیت |
| ۳۱ | طرح (افیونی بودن اسلام) توطئه ای برای استثمار |
| ۳۲ | شواهد و آثار تاریخی، متون و اسناد قرآن و حدیث، دلیلی بر تحرک اسلام |
| ۳۶ | حجت ما در نزاع با دستگاه جبار پهلوی مبارزات حضرت امیر(علیه السلام) و حضرت سیدالشهداء است |
| ۳۷ | تجلی دموکراسی واقعی در سیر و سلوک حاکمان صدر اسلام با توده های مردم |
| ۳۸ | حکومت اسلامی تجلی دموکراسی و برابری مردم در مقابل قانون |
| ۳۹ | تبلیغات طویل المدت اجانب برای جداسازی صفوف مردم از روحانیت |
| ۴۰ | نهیض اسلامی ایران، مشت محکمی بر دهان غارتگران شرق و غرب |
| ۴۰ | غفلت نورزید که اجانب برای اغفال شما نقشه کشیده اند |
| ۴۱ | مصاحبه امام خمینی با رادیو - تلویزیون هلند |
| ۴۳ | پیام امام خمینی به مناسبت کشتار وحشیانه رژیم در دانشگاه |
| ۴۳ | تشبثات و فریبکاری های شاه و طرفدارانش برای بقای سلطنت |
| ۴۳ | ملت ایران شاه را اساس تمام خیانت ها و جنایت ها می داند |
| ۴۴ | خواست ملت، الغای رژیم غیر شرعی و غیر قانونی پهلوی |
| ۴۴ | نهیض را در تمام ابعاد ادامه دهید |
| ۴۴ | ارتش و قوای انتظامی از اوامر شاه سرپیچی و به ملت بپیوندند |
| ۴۵ | صبور باشید که پیروزی نزدیک و خدا با صابران است |
| ۴۶ | بیانات امام خمینی در مورد توبه و تعهدات فریبکارانه شاه |

- ۴۶ تعهد بر جبران اشتباهات گذشته و استمداد از روحانیون ، از تشبثات شاه برای حفظ سلطنت
- ۴۸ چماق و سرنیزه دو پناهگاه شاه
- ۴۹ ایستادگی ملت در برابر حکومت های نظامی رسمی و غیر رسمی شاه
- ۵۰ مخالفت روحانیون با شاه بر سر اغراض و منافع شخصی نیست
- ۵۰ مظاهر تمدن بزرگ (صلی الله علیه و آله و سلم)
- ۵۱ آشتی و سازش با شاه خیانت به اسلام و ملت است
- ۵۳ مصاحبه امام خمینی با خبرنگار روزنامه یونان (توزیها)
- ۵۵ مصاحبه کنونی ایران را چگونه ارزیابی می فرمائید ؟
- ۵۹ مصاحبه امام خمینی با رادیو تلویزیون آلمانکنال ۲
- ۶۰ مصاحبه امام خمینی با تلویزیون آمریکائی سی بی اس
- ۶۲ سخنرانی امام خمینی در غفلت ها و اشتباهات علما و رجال سیاسی در طول سلطنت سلسله پهلوی
- ۶۲ اشتباهات علما و رجال سیاسی در طول سلطنت پهلوی
- ۶۴ اگر این نهضت الهی خاموش شود دیگر قابل عود نیست
- ۶۵ اینکه شاه سلطنت کند نه حکومت ، خیانتی است بر ملت اسلام
- ۶۷ در مقابل ملت نه تانگ کارگر است نه تشرهای توخالی کارتر
- ۶۷ اهداف انقلاب را برای مردم جهان روشن سازیم
- ۶۹ مصاحبه امام خمینی با روزنامه انگلیسی (فاینشال تایمز)
- ۷۱ پیام امام خمینی به ملت غیور ایران به مناسبت روی کار آمدن دولت نظامی
- ۷۴ مصاحبه امام خمینی با روزنامه هلندی دی ولت گرانت
- ۷۹ مصاحبه امام خمینی با مجله آلمانی اشپیگل
- ۸۳ مصاحبه امام خمینی با خبرگزاری آسوشیتدپرس
- ۸۵ مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران انگلیسی ، فرانسوی و آلمانی
- ۸۷ بیانات امام خمینی در مورد توبه و تعهدات دروغین شاه برای دوام سلطنت
- ۸۷ تشبثات فریبده شاه برای اغفال مردم
- ۸۸ توبه نامه ای همراه چماق
- ۸۹ اعترافات شاه حربه ای برای به دست گیری یک سلطنت آرام

- ۸۹ کشتار مردم ، همزمان با توبه نامه
- ۸۹ ملت فریب توبه شاه را نخواهد خورد
- ۹۱ طلب عفو شاه از ملت ، با وجود جنایات جبران ناپذیر
- ۹۲ به شاه مهلت ندهید
- ۹۲ وکلای مجلس منتخبان سفارت یا ملت ؟
- ۹۳ اهمال و سستی در نهضت خیانت به اسلام است
- ۹۳ دانشگاه استعماری پرورده دست اجانب ، سدی در برابر شکوفائی استعدادها
- ۹۴ نقشه رضاخان در جداسازی ملت از دیانت
- ۹۴ شاه ، از بین برنده ذخیره های مادی و معنوی ایران
- ۹۵ ملت شجاعت و بیداری خودش را در تاریخ ثبت کرد
- ۹۵ تبلیغات شاهانه بر علیه اسلام
- ۹۶ کیفیت زندگی حاکمان اسلامی و روش برخورد آنها با مردم
- ۹۷ خواسته ملت ، اجرای قوانین مترقی اسلامی به دست حاکمان متقی
- ۹۷ اسلام با فساد مخالف است نه با تمدن
- ۹۹ مصاحبه امام خمینی با رادیو تلویزیون ژاپن
- ۱۰۰ مصاحبه امام خمینی با تلویزیون A . R . D آلمان
- ۱۰۲ مصاحبه امام خمینی با هفته نامه انگلیسی ساندی تلگراف
- ۱۰۳ مصاحبه امام خمینی با خبرگزاری آمریکائی یونایتدپرس
- ۱۰۵ بیانات امام خمینی در مورد نیرنگ جدید شاه (دستگیری شرکای جرم و رهائی زندانیان سیاسی)
- ۱۰۵ دستگیری شرکای جرم و رهائی زندانیان سیاسی ، از تشبثات شاه برای بقای سلطنت
- ۱۰۶ غفلت در نهضت ، مهلتی است بر پایگیری قدرت رژیم برای سرکوبی ملت
- ۱۰۷ ملت تعهدات شاه را مبنی بر جبران و عذر اشتباهات گذشته باور ندارد
- ۱۰۸ بوق های تبلیغاتی در داخل و خارج ، مبلغ قتل عام اقلیت های مذهبی بعد از تشکیل حکومت اسلامی
- ۱۰۸ اشاره
- ۱۰۹ کدام یک ارتجاعی است ؟ احیاء تاریخ ۲۵۰۰ ساله یا قوانین مترقی ۱۴۰۰ ساله اسلام
- ۱۰۹ اسلام با موانع رشد و فرهنگ مخالف است نه با تمدن و مظاهر آن

- اسلام ، حامی و حافظ حقوق و حیثیت و شخصیت زن ----- ۱۱۰
- تبلیغات اجانب بر علیه اسلام و روحانیت توطئه ای برای استثمار ۱۱۰
- همراهی و سازش با شاه ، خیانت به اسلام و مسلمین است ۱۱۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جوانان دختر و پسر فرانسوی علاقه مند به اسلام ----- ۱۱۲
- مصاحبه امام خمینی با رادیو تلویزیون هلند ۱۱۴
- مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران برزیلی ، انگلیسی ، تایلندی ، ژاپنی ، و آمریکائی ۱۱۶
- مصاحبه امام خمینی با مجله ی هفتگی نیوروآمستردام ----- ۱۱۹
- پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد کمک به مسلمانانی که در رابطه با مبارزات اسلامی ایران خسارت دیده اند ----- ۱۲۱
- مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران آلمانی ، فرانسوی ، ایتالیائی ، اسپانیائی ----- ۱۲۲
- مصاحبه امام خمینی با مجله آمریکائی ۱۲۶
- مصاحبه امام خمینی با نماینده سازمان عفو بین المللی ----- ۱۲۸
- مصاحبه امام خمینی با نماینده مجله عربی زبان «القومی العربی» ۱۳۰
- مصاحبه امام خمینی با روزنامه لبنانی (النهار) ۱۳۲
- مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران ان بی سی آمریکا ۱۳۵
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ایرانیان در پاریس ۱۳۸
- شکست شاه در توسل به حکومت نظامی و سرنیزه برای برقراری آرامش ۱۳۸
- تا دست اجانب دخیل در امور کشور است از آرامش خبری نخواهد بود ۱۳۸
- برچیده شدن حکومت شیطان پهلوی و برقراری حکومتی بر اساس قانون الهی خواست واحد اقشار ملت ۱۳۹
- ملت دیگر فریب توبه شاه را نخواهد خورد ۱۳۹
- اشخاص صالح ، مجری قوانین شرع الهی بعد از سرنگونی حکومت شاه ۱۴۰
- ضرورت بیداری و تبلیغ در قبال تبلیغات سوء اجانب ۱۴۱
- وظیفه ایرانیان مقیم خارج آگاه کردن دنیا از خیانت ها و جنایات شاه و اجانب در ایران ۱۴۲
- مصاحبه امام خمینی با خبرنگار مصری ۱۴۴
- بیانات امام خمینی پیرامون ابعاد سیاسی - عبادی اسلام ۱۴۸
- آخرین دسیسه های حکومت نظامی ۱۴۸
- اسلام دیانتی عبادی - سیاسی است ۱۴۸

- مسائل مطروحه در نماز جمعه ۱۴۹
- اختلاف در مذهب مسیحیت ۱۴۹
- قرآن کتابی جامع الاطراف است ۱۴۹
- هدف از جهاد در اسلام ۱۵۰
- اسلام مکتب انسان ساز است ۱۵۰
- اسلام دینی الهی و جهانگیر است ۱۵۱
- اجتماعات اسلامی مظهر همبستگی و اخوت است ۱۵۱
- جنايات رژيم شاه و وظائف مردم ۱۵۲
- بیانات امام خمینی در مورد ابعاد مختلف وابستگی رژیم پهلوی ۱۵۴
- عدم برنامه در نظام جمهوری اسلامی ، از تبلیغات رژیم بر علیه نهضت اسلامی ایران ۱۵۴
- پافشاری رژیم و وابستگی مبنی بر ضروری بودن سلطنت شاه ۱۵۴
- پایگاه های عظیم تسلیحاتی آمریکا در ایران ، شواهدی بر وابستگی رژیم ۱۵۶
- عدم استفاده آمریکا از منابع نفتی خویش و خریداری نفت ایران در قبال سلاح ۱۵۶
- هیاهو و تبلیغات ساختگی رضاشاه برای لغو کاپیتولاسیون ۱۵۷
- تصویب قرارداد کاپیتولاسیون خلاف روح انسانیت است ۱۵۷
- التزام رژیم برای انجام ماموریتی از طرف اجانب !! ۱۵۸
- خیانت و خلافتکاری های شاه و دیگر صاحب منصبان برای احراز پست و مقام ۱۶۰
- عدم رشد فرهنگی و بی علاقهگی رژیم به دین و کشور ، موجبات وابستگی کشور به استعمارگران ۱۶۰
- سلطنت شاه غده ای سرطانی برای نابودی همه شوئونات مملکت ۱۶۱
- بیانات امام خمینی در مورد خواسته های ملت ۱۶۲
- غیر قابل باور بودن اظهارات شاه مبنی بر عدم اطلاع از خیانت ها و جنایت ها ۱۶۲
- شرط قبولی توبه شاه ، جبران حقوق بر باد رفته ۱۶۴
- شاه و شورای سلطنت هر دو آلت دستی برای تامین مقاصد اجانب ۱۶۶
- سلب اختیار از مردم ، اساس رژیم تحمیلی سلطنتی ۱۶۶
- مخالفت مردم با سلطه خاندان پهلوی و اصل رژیم سلطنتی ۱۶۸
- تحقق جمهوری اسلامی مبنی بر رجوع به آراء مردم ۱۷۰

- ۱۷۱ ----- مصاحبه امام خمینی با خبرنگار آلمانی
- ۱۷۳ ----- مصاحبه امام خمینی با خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند
- ۱۷۴ ----- مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران البیرق
- ۱۷۶ ----- بیانات امام خمینی در مورد حق مسلم و مشروع ملت ها در تعیین سرنوشت و اشاره به هدفنهایی ملت ایران
- ۱۷۶ ----- تحقق جمهوری اسلامی ، آرمان نهائی ملت
- ۱۷۷ ----- تکیه بر استقلال اقوام در تعیین سرنوشت
- ۱۸۰ ----- دلیل پشتیبانی ابرقدرت ها از شاه تثبیت منافع خودشان است
- ۱۸۲ ----- حکومت اسلامی تجزیه بردار نیست
- ۱۸۳ ----- مصاحبه امام خمینی با مجله هفتگی و یکلای گرین
- ۱۸۴ ----- مصاحبه امام خمینی با روزنامه آلمانی دنیای سوم
- ۱۹۰ ----- پیام امام خمینی به کارگران و کارمندان شرکت نفت
- ۱۹۰ ----- اعتصاب کارگران شرکت نفت ، اعتصابی کوبنده و با ارزش
- ۱۹۰ ----- دولت نظامی ، دوامی ندارد
- ۱۹۱ ----- آمریکا باید در پشتیبانی از شاه تجدید نظر کند
- ۱۹۱ ----- سهمگین بودن قهر انقلابی ملت
- ۱۹۲ ----- مصاحبه امام خمینی با خبرگزاری انگلیسی رویتر
- ۱۹۴ ----- مصاحبه امام خمینی با رادیو- تلویزیون آلمانی زبان سوئیس
- ۱۹۷ ----- بیانات امام خمینی در مورد نفی اصل رژیم سلطنتی و لغو کلیه قراردادهای استعماری
- ۱۹۷ ----- اصل باطل رژیم سلطنتی باید ملغی شود
- ۱۹۸ ----- تفویض سلطنت (این موهبت الهی !!) به سلسله پهلوی با آراء ملت یا کودتا و سرنیزه ؟ !
- ۲۰۰ ----- عدم دخالت اراده مردم در تفویض قدرت به مدعیان سلطنت
- ۲۰۰ ----- حق تعیین سرنوشت مملکت و انتخاب وکلای مجلس به عهده سفارتخانه ها یا ملت ؟ !
- ۲۰۱ ----- تجدید نظر در قراردادهای غیرقانونی بعد از تشکیل حکومت اسلامی
- ۲۰۲ ----- ایستادگی قاطع مردم
- ۲۰۲ ----- اخطار به تمامی پشتیبانان رژیم شاه
- ۲۰۳ ----- دلیل اصلی مبارزات مردم بر علیه شاه وابستگی او به اجانب است

- ۲۰۴ ایستادگی و مقاومت مردم در برابر حکومت نظامی و کودتای آمریکائی
- ۲۰۵ مصاحبه امام خمینی با بولتن خبری خاورمیانه و مجله الاقتصاد العربی
- ۲۰۸ مصاحبه خبرگزاری لیبی با امام خمینی
- ۲۱۰ سخنرانی امام خمینی در مورد ضرورت قیام بر علیه ظلم به عنوان یک فرضیه و عمل بی چون و چرا به تکالیف مقدس الهی
- ۲۱۰ تکالیف ما ، نتایج و احتمالات پیروزی
- ۲۱۰ جلوگیری از ظلم یک تکلیف شرعی است
- ۲۱۱ سلطنت غاصب پهلوی ، مخالف قانون اساسی و حکم شرع است
- ۲۱۲ ما مکلفیم به ادای شرع مقدس
- ۲۱۲ ملت ، متحول شده است
- ۲۱۳ اثرات مقاومت مردم در پیشروی نهضت
- ۲۱۴ مقصد اعلی ، تشکیل حکومت اسلامی
- ۲۱۴ مساله ، یک مساله ای شرعی است
- ۲۱۵ عکس العمل ما در مقابله با تبلیغات
- ۲۱۶ ویژگی های حاکم اسلامی
- ۲۱۶ میزان و تخمین خیانت ها بعدها معلوم می شود
- ۲۱۷ بیانات امام خمینی در مورد تاءثیر جو اختناق در مهاجرات نیروهای عظیم انسانی
- ۲۱۷ خودکامگی رژیم پهلوی ، سبب مهاجرت نیروهای انسانی
- ۲۱۷ تبلیغ اهداف ملت بر عهده ایرانیان مقیم خارج
- ۲۱۹ بیانات امام خمینی در مورد مغایرت رژیم پهلوی با اصول انسانی و اهمیت تبلیغات گسترده جهت معرفی نهضت
- ۲۱۹ کشتار و حکومت نظامی تأثیری در قیام استقلال طلبانه ملت ندارد
- ۲۲۰ اصل رژیم پهلوی و سلطنت شاه مغایر با قانون اساسی است
- ۲۲۱ دلایل محکم بر اثبات عدم صلاحیت شاه
- ۲۲۲ مفهوم آزادی در قاموس کارتر
- ۲۲۳ خروج شاه از ایران کلید حل بن بست و ایجاد آرامش در مملکت
- ۲۲۴ تکلیف ایرانیان مقیم خارج ، تبلیغ نهضت و مقابله با تبلیغات سوء رژیم شاه
- ۲۲۵ بیانات امام خمینی در تشریح کیفیت خلافت از دیدگاه اسلام

- کیفیت ولایت و برنامه حضرت امیر سلام الله علیه نمونه ای برای تشکیل حکومت اسلامی ۲۲۵
- بیداری و فریاد حکومت اسلامی ملت ایران ، لیبکی به فرمایش رسول اکرم ۲۲۶
- توبه بدون جبران شاه ، حربه ای برای تحکیم حکومت جور ۲۲۶
- اسلام ، تدوین کننده برنامه حکومتی ۲۲۷
- مفهوم استقلال و آزادی مملکت در تمدن وابسته ۲۲۸
- افراد صالح متخصص ، عهده دار اجرای برنامه های مدون اسلام ۲۲۸
- برقراری حکومت اسلامی در ایران ، عامل شناسایی اسلام به جهانیان ۲۲۸
- بیانات امام خمینی در مورد تاءثیر سازنده (اعتقاد به خدا) و بررسی حقیقتاصیل نهضت استقلال طلبانه ایران ۲۳۰
- قیام الله کنید که هیچ خسروانی ندارد ۲۳۰
- خوف از قدرت ها کسانی باید داشته باشند که اعتقاد به خدا ندارند ۲۳۱
- قیام ملت ایران ، یک قیام الهی است ۲۳۲
- وظیفه ایرانیان مقیم خارج ، کمک تبلیغاتی به نهضت ایران ۲۳۵
- بیانات امام خمینی درباره دلائل اعتصابات سراسری و اهداف قیام ملت ایران ۲۳۷
- براندازی سلطنت پهلوی خواست صریح و بی ابهام ملت ۲۳۷
- طرح خطر تجزیه مملکت ، توطئه ای برای حفظ دستگاه شاه ۲۳۸
- ارتش شاهنشاهی حربه ای برای تامین مقاصد اجانب ۲۳۸
- دانشگاه استعماری ، تامین کننده منافع اجانب ۲۴۱
- اصلاحات ارضی و صنایع مونتاژ حربه ای برای استعمار اقتصادی ۲۴۳
- قیام مردم ایران ، قیامی بی نظیر در طول تاریخ ۲۴۴
- زنده نگه داشتن نهضت ، تکلیفی بر تمام اقشار ملت ۲۴۵
- سیاست قدم به قدم ، عاملی برای خاموشی نهضت ۲۴۶
- بیانات امام خمینی در مورد اقدامات خلاف قانون اساسی و خائنانه رژیم رسوای پهلوی ۲۴۷
- اصل اول این است که ملت رژیم پهلوی را نمی خواهد ۲۴۷
- حکومت رضاخان نیز بر اساس سرنیزه و کودتا بود ۲۴۷
- وکلائی مجلس فرمایشی شاه یا انتصاب دولت بودن یا سفارت آمریکا ۲۴۸
- شعار (مرگ بر شاه) ملت موافق قانون اساسی است ۲۴۹

- ۲۵۰ اگر سرنیزه و حکومت نظامی را بردارید ، با انجام یک فرماندم حقیقت آشکار می شود
- ۲۵۱ سلطانی که به سوگند خود وفا نکند خائن و متخلف است
- ۲۵۱ تمام قراردادهای در زمان رضاشاه و محمدرضا برخلاف قانون و باطل است
- ۲۵۲ اصلاحات ارضی شاه یکی از بزرگترین خیانت ها
- ۲۵۲ باید با مصاحبه و تبلیغات نهضت را معرفی کنید
- ۲۵۳ پیام امام خمینی به ملت شجاع ایران به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم
- ۲۵۳ محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر
- ۲۵۳ بر عموم است که با دولت نظامی مخالفت کنند
- ۲۵۴ افشاگری جرائم رژیم شاه ، یک تکلیف الهی است
- ۲۵۶ پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت کشتار مردم در حرم امام رضا (علیه السلام)
- ۲۵۷ بیانات امام خمینی در مورد توبه مفتضح شاه پس از مشاهده قهر و انتقام الهی
- ۲۵۷ توبه شاه و استمداد او از علماء اعلام و مراجع عظام بعد از نزول عذاب الهی
- ۲۵۸ نظارت مستقیم شاه در کشتار و سرکوبی مردم توسط مامورینش
- ۲۵۹ ادای حق الناس و جبران خیانت های گذشته شرط پذیرش توبه شاه
- ۲۶۲ قیام برای خدا شکست و انحراف ندارد
- ۲۶۲ کمک و ادای تکلیف به نهضت ، با تبلیغ و انعکاس خواسته های ملت
- ۲۶۳ مصاحبه امام خمینی با روزنامه لبنانی السفیر
- ۲۶۷ بیانات امام خمینی در نقد احساسات کذافی بشر دوستانه کارتر و افشای ماهیت واقعی ابرقدرت
- ۲۶۷ دلسوزی و بشر دوستی کارتر مبنی بر هراس از عدم ثبات در منطقه (صلی الله علیه و آله و سلم)
- ۲۶۸ حفظ ثبات منطقه در گرو قدرتمندی و استقلال ایران است
- ۲۷۰ پایمال شدن استقلال مملکت با دخالت و تصرف اجانب در همه شئون
- ۲۷۰ ثبات ایران از دیدگاه کارتر(صلی الله علیه و آله و سلم)
- ۲۷۱ ارادل و اوباش کیستند؟ فریادگران استقلال و آزادی یا ضایع کنندگان حقوق بشر
- ۲۷۱ قیام برای خدا کنید که آن قیام پیروز است
- ۲۷۳ بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات سوء ابر قدرت ها جهت لوٹ نمودن مبارزات مشروعملت ایران
- ۲۷۳ بسیج و گسترش نیروهای تبلیغاتی در داخل و خارج بر علیه مبارزات ملت ایران

- سلطه شاه عامل موثر بر هم زنده ثبات منطقه ----- ۲۷۳
- کارتر فریادهای آزادیخواهی رابه ارادل و اوباش نسبت می دهد ----- ۲۷۵
- در منطق کارتر قتل و غارت حقوق بشر ، امری ضروری برای نجات ایران است ----- ۲۷۵
- فریاد استقلال طلبانه و آزادیخواهی اقشار مردم بر علیه غارتگران ----- ۲۷۶
- با تبلیغ و انعکاس اهداف قیام ملت ، به نهضت کمک کنیم ----- ۲۷۷
- بیانات امام خمینی پیرامون عمق جنایات و خیانت های شاه در ابعاد مختلف ----- ۲۷۹
- مقصد نجات امت است ----- ۲۷۹
- ایجاد پایگاه تسلیحاتی برای آمریکا در ازای ذخائر ملت ----- ۲۷۹
- شاه ، مجری طرح آمریکایی اصلاحات ارضی ----- ۲۸۰
- همکاری شاه با اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین ----- ۲۸۱
- شاه ، کهنه نوکری برای حفظ منافع اجانب ----- ۲۸۲
- تکلیف ما ، تبلیغ و روشنگری بر علیه دستگاه های تبلیغاتی اجانب ----- ۲۸۳
- مصاحبه روزنامه نگاران نروژی و فاینشنال تایم لندن و الرای تونسسی با امام خمینی ----- ۲۸۵
- بیانات امام خمینی در مورد نتایج سلطه دست های جنایتکار بر ذخائر ملت ----- ۲۸۸
- مقدرات مملکت ما همه به دست دیگران (اجانب) است ----- ۲۸۸
- بیانات امام خمینی در مورد پوچی ادعای بر هم خوردن ثبات منطقه در صورت نبودن شاه ----- ۲۸۹
- خطر تجزیه ایران و کمونیسم داخلی ، از تشبثات شاه برای دوام سلطنت ----- ۲۸۹
- قدرت شاه اتکال به ملت ندارد ----- ۲۸۹
- هراس دو ابرقدرت از یکدیگر مانع تعدی آنان به ایران است ، نه قدرت پوسیده شاه ----- ۲۹۰
- ادعای باطل شاه مبنی برقدرتمندی او در جلوگیری از تعدی ابرقدرت ها ----- ۲۹۲
- ادعای باطل شاه مبنی بر حفظ ثبات کشور و ممانعت از فعالیت کمونیست های داخلی ----- ۲۹۲
- وظیفه ایرانیان مقیم خارج ، تبلیغ و انعکاس خواسته ملت در رسانه های گروهی ----- ۲۹۳
- مصاحبه امام خمینی با تایمز انگلستان ----- ۲۹۵
- مصاحبه امام خمینی با لوژورنال - فرانسه ----- ۲۹۷
- فرمان امام خمینی به مهندس بازرگان در مورد رسیدگی به اوضاع شرکت نفت ----- ۲۹۹
- مصاحبه امام خمینی با خبرنگار آمریکائی ----- ۳۰۱

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد 3

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 5-126-422-964: ؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 3-127-422-964: ؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: فتوا های شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 - -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 66-73

ص: 1

اشاره

- ۲۲ - مظاهر تمدن بزرگ
- ۲۳ - آشتی و سازش با شاه خیانت به اسلام و ملت است
- ۲۵ مصاحبه امام خمینی با خبرنگار روزنامه یونان (توزیها) ۵۷/۸/۱۵
- ۲۷ مصاحبه امام خمینی با مجله عربی زبان المستقبل ۵۷/۸/۱۵
- ۳۱ مصاحبه امام خمینی با رادیو - تلویزیون آلمان کانال ۲ ۵۷/۸/۱۵
- ۳۲ مصاحبه امام خمینی با تلویزیون آمریکائی سی بی اس ۵۷/۸/۱۵
- ۳۴ سخنرانی امام خمینی در غفلت‌ها و اشتباهات علما و رجال سیاسی در طول سلطنت
سلسله پهلوی ۵۷/۸/۱۶
- ۳۴ - اشتباهات علما و رجال سیاسی در طول سلطنت پهلوی
- ۳۶ - اگر این نهضت الهی خاموش شود دیگر قابل عود نیست
- ۳۷ - اینکه شاه سلطنت کند نه حکومت، خیانتی است بر ملت اسلام
- ۳۹ - در مقابل ملت نه نانک کارگر است نه تشرهای توخالی کارتر
- ۳۹ - اهداف انقلاب را برای مردم جهان روشن سازیم
- ۴۱ مصاحبه امام خمینی با روزنامه انگلیسی «فاینانشال تایمز» ۵۷/۸/۱۶
- ۴۳ پیام امام خمینی به ملت غیور ایران به مناسبت روی کار آمدن دولت نظامی
۵۷/۸/۱۶
- ۴۶ مصاحبه امام خمینی با روزنامه هلندی دی ولت گرانٹ ۵۷/۸/۱۶
- ۵۱ مصاحبه امام خمینی با مجله آلمانی اشپیگل ۵۷/۸/۱۶
- ۵۵ مصاحبه امام خمینی با خبرگزاری آسوشیتدپرس ۵۷/۸/۱۶
- ۵۷ مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران انگلیسی، فرانسوی و آلمانی ۵۷/۸/۱۶
- ۵۹ بیانات امام خمینی در مورد توبه و تسعدهات دروغین شاه برای دوام سلطنت
۵۷/۸/۱۷
- ۵۹ - تسبیحات فریبده شاه برای اغفال مردم
- ۶۰ - توبه‌نامه‌ای همراه با چماق
- ۶۱ - اعترافات شاه حربه‌ای برای به دست‌گیری یک سلطنت آرام
- ۶۱ - کشتار مردم، همزمان با توبه‌نامه

- ۶۱ - ملت فریب توبه شاه را نخواهد خورد
- ۶۳ - طلب عفو شاه از ملت، با وجود جنایات جبران‌ناپذیر
- ۶۴ - به شاه مهلت ندهید
- ۶۴ - وکلای مجلس منتخبان سفارت یا ملت؟
- ۶۵ - اعمال و سستی در نهضت خیانت به اسلام است
- ۶۵ - دانشگاه استعماری پرورده دست اجانب، سدی در برابر شکوفایی استعدادها
- ۶۶ - نقشه رضاخان در جداسازی ملت از دیانت
- ۶۶ - شاه از بین برنده ذخیره‌های مادی و معنوی ایران
- ۶۷ - ملت شجاعت و بیداری خودش را در تاریخ ثبت کرد
- ۶۷ - دولت و سلطنت در پناه مجلس غیرقانونی
- ۶۷ - تبلیغات شاهانه بر علیه اسلام
- ۶۸ - کیفیت زندگی حاکمان اسلامی و روش برخورد آنها با مردم
- ۶۹ - خواسته ملت، اجرای قوانین مترقی اسلامی به دست حاکمان متقی
- ۶۹ - اسلام با فساد مخالف است نه با تمدن
- ۷۱ مصاحبه امام خمینی با رادیو - تلویزیون ژاپن ۵۷/۸/۱۷
- ۷۲ مصاحبه امام خمینی با تلویزیون آلمان ARD ۵۷/۸/۱۷
- ۷۴ مصاحبه امام خمینی با هفته‌نامه انگلیسی ساندی تلگراف ۵۷/۸/۱۷
- ۷۵ مصاحبه امام خمینی با خبرگزاری آمریکائی یونایتدپرس ۵۷/۸/۱۷
- ۷۷ بیانات امام خمینی در مورد نیرنگ جدید شاه (دستگیری شرکای جرم و رهائسی زندانیان سیاسی) ۵۷/۸/۱۸
- ۷۷ - دستگیری شرکای جرم و رهایی زندانیان سیاسی، از تشنات شاه برای بقای سلطنت
- ۷۸ - غفلت در نهضت مهلتی است بر پایگیری قدرت رژیم برای سرکوبی ملت
- ۷۹ - ملت تمهدهات شاه را مبنی بر جبران و عنر اشتباهات گذشته باور ندارد
- ۸۰ - بوق‌های تبلیغاتی در داخل و خارج مبلغ قتل‌عام اقلیت‌های مذهبی بعد از تشکیل حکومت اسلامی
- ۸۱ - کدام‌یک ارتجاعی است؟ احیاء تاریخ ۲۵۰۰ ساله یا قوانین مترقی ۱۴۰۰ ساله اسلام
- ۸۱ - اسلام با موانع رشد و فرهنگ مخالف است نه با تمدن و مظاهر آن
- ۸۲ - اسلام، حامی و حافظ حقوق و حیثیت و شخصیت زن
- ۸۲ - تبلیغات اجانب بر علیه اسلام و روحانیت توطئه‌ای برای استثمار
- ۸۳ - همراهی و سازش با شاه خیانت به اسلام و مسلمین است

- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جوانان دختر و پسر فرانسوی علاقه‌مند به اسلام ۵۷/۸۱۸ ۸۴
- مصاحبه امام خمینی با رادیو - تلویزیون هلند ۵۷/۸۱۸ ۸۶
- مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران برزیلی، انگلیسی، تایلندی، ژاپنی و آمریکائی ۵۷/۸۱۸ ۸۸
- مصاحبه امام خمینی با مجلهٔ هفتگی نیو روو آمستردام ۵۷/۸۱۸ ۹۱
- پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد کمک به مسلمانانی که در رابطه با مبارزات اسلامی ایران خسارت دیده‌اند ۵۷/۸۱۹ ۹۳
- مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران آلمانی، فرانسوی، ایتالیائی و اسپانیائی ۵۷/۸۱۹ ۹۴
- مصاحبه امام خمینی با مجله آمریکائی ۵۷/۸۱۹ ۹۸
- مصاحبه امام خمینی با نماینده سازمان عفو بین‌المللی ۵۷/۸۱۹ ۱۰۰
- مصاحبه امام خمینی با نماینده مجله عربی زبان «القومی العربی» ۵۷/۸۲۰ ۱۰۲
- مصاحبه امام خمینی با روزنامه لبنانی «النهار» ۵۷/۸۲۰ ۱۰۴
- مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران ان بی سی آمریکا ۵۷/۸۲۰ ۱۰۷
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ایرانیان در پاریس ۵۷/۸۲۱ ۱۱۰
- ۱۱۰ - شکست شاه در توسل به حکومت نظامی و سرنیزه برای برقراری آرامش
- ۱۱۰ - تا دست اجانب دخیل در امور کشور است از آرامش خبری نخواهد بود
- ۱۱۱ - برچیده شدن حکومت شیطانی پهلوی و برقراری حکومتی براساس قانون الهی خواست واحد اقتدار ملت
- ۱۱۱ - ملت دیگر فریب توبه شاه را نخواهد خورد
- ۱۱۲ - اشخاص صالح، مجری قوانین شرع الهی بعد از سرنگونی حکومت شاه
- ۱۱۳ - ضرورت بیداری و تبلیغ در قبال تبلیغات سوء اجانب
- ۱۱۴ - وظیفه ایرانیان مقیم خارج آگاه کردن دنیا از خیانتها و جنایات شاه و اجانب در ایران

- ۱۱۶ مصاحبه امام خمینی با خبرنگار مصری ۵۷/۸/۲۱
- ۱۲۰ بیانات امام خمینی پیرامون ابعاد سیاسی - عبادی اسلام ۵۷/۸/۲۱
- ۱۲۰ - آخرین دسیسه‌های حکومت نظامی
- ۱۲۰ - اسلام دیانتی عبادی - سیاسی است
- ۱۲۱ - مسائل مطروحه در نماز جمعه
- ۱۲۱ - اختلاط در مذهب مسیحیت
- ۱۲۱ - قرآن کنای جامع الاطراف است
- ۱۲۲ - هدف از جهاد در اسلام
- ۱۲۲ - اسلام مکتب انسان‌ساز است
- ۱۲۳ - اسلام دینی الهی و جهانگیر است
- ۱۲۳ - اجتماعات اسلامی مظهر همبستگی و اخوت است
- ۱۲۴ - جنایات رژیم شاه و وظایف مردم
- ۱۲۶ بیانات امام خمینی در مورد ابعاد مختلف وابستگی رژیم پهلوی ۵۷/۸/۲۱
- ۱۲۶ - عدم برنامه در نظام جمهوری اسلامی از تبلیغات رژیم بر علیه نهضت اسلامی ایران
- ۱۲۶ - بافتاری رژیم و وابستگی مبنی بر ضروری بودن سلطنت شاه
- ۱۲۸ - پایگاه‌های عظیم تسلیحاتی آمریکا در ایران، شواهدی بر وابستگی رژیم
- ۱۲۸ - عدم استفاده آمریکا از منابع نفتی خویش و خریداری نفت ایران در قبال سلاح
- ۱۲۹ - هیاهو و تبلیغات ساختگی رضانشاه برای لغو کاپیتولاسیون
- ۱۲۹ - تصویب قرارداد کاپیتولاسیون خلاف روح انسانیت است
- ۱۳۰ - التزام رژیم برای انجام مأموریتی از طرف اجانب
- ۱۳۲ - خیانت و خلاقاری‌های شاه و دیگر صاحب‌منصبان برای احراز پست و مقام
- ۱۳۲ - عدم رشد فرهنگی و بی‌علاقگی رژیم به دین و کشور موجبات وابستگی کشور به استعمارگران
- ۱۳۳ - سلطنت شاه غده‌ای سرطانی برای نابودی همه شوئونات مملکت
- ۱۳۴ بیانات امام خمینی در مورد خواسته‌های ملت ۵۷/۸/۲۲
- ۱۳۴ - غیرقابل باور بودن اظهارات شاه مبنی بر عدم اطلاع از خیانت‌ها و جنایت‌ها
- ۱۳۶ - شرط قبولی توبه شاه، جبران حقوق برادررفته ملت
- ۱۳۸ - شاه و شورای سلطنت هر دو آلت دستی برای تأمین مقاصد اجانب
- ۱۳۸ - سلب اختیار از مردم، اساس رژیم تحمیلی سلطنتی
- ۱۴۰ - مخالفت مردم با سلطه خاندان پهلوی و اصل رژیم سلطنتی
- ۱۴۲ - تحقق جمهوری اسلامی مبنی بر رجوع به آراء مردم

- ۱۲۳ مصاحبه امام خمینی با خبرنگار آلمانی ۵۷/۸/۲۲
- ۱۴۵ مصاحبه امام خمینی با خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند ۵۷/۸/۲۲
- ۱۴۶ مصاحبه امام خمینی با خبرنگار البیروق ۵۷/۸/۲۲
- ۱۴۸ بیانات امام خمینی در مورد حق مسلم و مشروع ملت‌ها در تعیین سرنوشت و اشاره به هدف نهائی ملت ایران ۵۷/۸/۲۴
- ۱۴۸ - تحقق جمهوری اسلامی آرمان نهائی ملت
- ۱۴۹ - تکیه بر استقلال اقوام در تعیین سرنوشت
- ۱۵۲ - دلیل پشتیبانی ابرقدرت‌ها از شاه تثبیت منافع خودشان است
- ۱۵۴ - حکومت اسلامی تجزیه‌بردار نیست
- ۱۵۵ مصاحبه امام خمینی با مجله هفتگی ویکلی‌گرین ۵۷/۸/۲۴
- ۱۵۶ مصاحبه امام خمینی با روزنامه آلمانی دنیای سوم ۵۷/۸/۲۴
- ۱۶۲ پیام امام خمینی به کارگران و کارمندان شرکت نفت ۵۷/۸/۲۴
- اعتصاب کارگران شرکت نفت، اعتصابی کوبنده و باارزش
- دولت نظامی دوامی ندارد
- ۱۶۳ - آمریکا باید در پشتیبانی از شاه تجدیدنظر کند
- سهمگین بودن قهر انقلابی ملت
- ۱۶۴ مصاحبه امام خمینی با خبرگزاری انگلیسی رویتر ۵۷/۸/۲۵
- ۱۶۶ مصاحبه امام خمینی با رادیو - تلویزیون آلمانی زبان سوئیس ۵۷/۸/۲۵
- ۱۶۹ بیانات امام خمینی در مورد نفی اصل رژیم سلطنتی و لغو کلیه قراردادهای استعماری ۵۷/۸/۲۶
- اصل باطل رژیم سلطنتی باید ملغی شود
- ۱۶۹ - تفویض سلطنت (این موهبت الهی) به سلسله پهلوی با آراء ملت یا کودتا و سرنیزه!!
- ۱۷۲ - عدم دخالت اراده مردم در تفویض قدرت به مدعیان سلطنت
- ۱۷۲ - حق تعیین سرنوشت مملکت و انتخاب و کلای مجلس به عهده سفارتخانه‌ها یا ملت؟
- ۱۷۳ - تجدیدنظر در قراردادهای غیرقانونی بعد از تشکیل حکومت اسلامی

- ۱۷۴ - ایستادگی قاطع مردم ۵۷/۸/۲۸
- ۱۷۴ - اخطار به تمامی پشتیبانان رژیم شاه
- ۱۷۵ - دلیل اصلی مبارزات مردم بر علیه شاه وابستگی او به اجانب است
- ۱۷۶ - ایستادگی و مقاومت مردم در برابر حکومت نظامی و کودتای آمریکایی
- ۱۷۷ - مصاحبه امام خمینی با خبرنگار خبرگزاری میلپاپست ۵۷/۸/۲۶
- ۱۸۰ - مصاحبه خبرگزاری لیبی با امام خمینی ۵۷/۸/۲۶
- ۱۸۲ - سخنرانی امام خمینی در مورد ضرورت قیام بر علیه ظلم به عنوان یک فرضیه و عمل بی چون و چرا به تکالیف مقدس الهی ۵۷/۸/۲۷
- ۱۸۲ - تکالیف ما، نتایج و احتمالات پیروزی ۵۷/۸/۲۵
- ۱۸۲ - جلوگیری از ظلم یک تکلیف شرعی است
- ۱۸۳ - سلطنت غاصب پهلوی، مخالف قانون اساسی و حکم شرع است
- ۱۸۴ - ما مکلفیم به ادای شرع مقدس
- ۱۸۴ - ملت متحول شده است
- ۱۸۵ - اثرات مقاومت مردم در پیشروی نهضت
- ۱۸۶ - مقصد اعلی، تشکیل حکومت اسلامی
- ۱۸۶ - مسأله، یک مسأله‌ای شرعی است
- ۱۸۷ - عکس العمل ما در مقابله با تبلیغات
- ۱۸۸ - ویژگی‌های حاکم اسلامی
- ۱۸۸ - میزان و تخمین خیانت‌ها بعدها معلوم می‌شود
- ۱۸۹ - بیانات امام خمینی در مورد تأثیر جو اختناق در مهاجرت نیروهای عظیم انسانی ۵۷/۸/۲۷
- ۱۸۹ - خودکامگی رژیم پهلوی، سبب مهاجرت نیروهای انسانی
- ۱۸۹ - تبلیغ اهداف ملت بر عهده ایرانیان مقیم خارج
- ۱۹۱ - بیانات امام خمینی در مورد مغایرت رژیم پهلوی با اصول انسانی و اهمیت تبلیغات گسترده جهت معرفی نهضت ۵۷/۸/۲۷
- ۱۹۱ - کشتار و حکومت نظامی تأثیری در قیام استقلال‌طلبانه ملت ندارد
- ۱۹۲ - اصل رژیم پهلوی و سلطنت شاه مغایر با قانون اساسی است
- ۱۹۳ - دلایل محکم بر اثبات عدم صلاحیت شاه
- ۱۹۴ - مفهوم آزادی در قاموس کارتر
- ۱۹۵ - خروج شاه از ایران کلید حل بن‌بست و ایجاد آرامش در مملکت
- ۱۹۶ - تکلیف ایرانیان مقیم خارج، تبلیغ نهضت و مقابله با تبلیغات سوء رژیم شاه

- بیانات امام خمینی در تشریح کیفیت خلافت از دیدگاه اسلام ۵۷/۸/۲۸
- ۱۹۷ - کیفیت ولایت و برنامه حضرت امیر سلام الله علیه نمونه‌ای برای تشکیل حکومت اسلامی
- ۱۹۸ - بیداری و فریاد حکومت اسلامی ملت ایران لیبکی به فرمایش رسول اکرم
- ۱۹۸ - توبه بدون جبران شاه، حربه‌ای برای تحکیم حکومت جور
- ۱۹۹ - اسلام، تدوین‌کننده برنامه حکومتی
- ۲۰۰ - مفهوم استقلال و آزادی مملکت در تمدن وابسته!
- ۲۰۰ - افراد صالح متخصص، عهده‌دار اجرای برنامه‌های مدون اسلام
- ۲۰۰ - برقراری حکومت اسلامی در ایران عامل شناسایی اسلام به جهانیان
- بیانات امام خمینی در مورد تأثیر سازنده «اعتقاد به خدا» و بررسی حقیقت اصیل نهضت استقلال طلبانه ایران ۵۷/۸/۲۸
- ۲۰۲ - قیام‌الله کنید که هیچ خسروانی ندارد
- ۲۰۳ - خوف از قدرت‌ها کسانی باید داشته باشند که اعتقاد به خدا ندارند
- ۲۰۴ - قیام ملت ایران یک قیام الهی است
- ۲۰۷ - وظیفه ایرانیان مقیم خارج کمک تبلیغاتی به نهضت ایران
- بیانات امام خمینی درباره دلایل اعتصابات سراسری و اهداف قیام ملت ایران ۵۷/۸/۲۹
- ۲۰۹ - براندازی سلطنت پهلوی خواست صریح و بی‌ابهام ملت
- ۲۱۰ - طرح خطر تجزیه مملکت توطئه‌ای برای حفظ دستگاه شاه
- ۲۱۰ - ارتش شاهنشاهی حربه‌ای برای تأمین مقاصد اجانب
- ۲۱۳ - دانشگاه استعماری تأمین‌کننده منافع اجانب
- ۲۱۵ - اصلاحات ارضی و صنایع مونتاز حربه‌ای برای استعمار اقتصادی
- ۲۱۶ - قیام مردم ایران، قیامی بی‌نظیر در طول تاریخ
- ۲۱۷ - زنده نگه‌داشتن نهضت، تکلیفی بر تمام اقشار ملت
- ۲۱۸ - سیاست قدم به قدم عاملی برای خاموشی نهضت
- بیانات امام خمینی در مورد اقدامات خلاف قانون اساسی و خائنانه رژیم رسولی پهلوی ۵۷/۸/۳۰
- ۲۱۹ - اصل اول این است که ملت رژیم پهلوی را نمی‌خواهد
- ۲۱۹ - حکومت رضاخان نیز براساس سرنیزه و کودتا بود
- ۲۲۰ - وکلای مجلس فرمایشی شاه یا منصوب دولت بودند یا سفارت آمریکا
- ۲۲۱ - شعار «مرگ بر شاه» ملت موافق قانون اساسی است
- ۲۲۲ - اگر سرنیزه و حکومت نظامی را بردارید با انجام یک فراندنم حقیقت آشکار می‌شود

- ۲۲۳ - سلطانی که به سوگند خود وفا نکند خائن و متخلف است
- ۲۲۳ - تمام قراردادهای در زمان رضاشاه و محمدرضا برخلاف قانون و باطل است
- ۲۲۴ - اصلاحات ارضی شاه یکی از بزرگترین خیانتها
- ۲۲۴ - باید با مصاحبه و تبلیغات نهضت را معرفی کنید
- ۲۲۵ - پیام امام خمینی به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم ۵۷/۹/۱
- ۲۲۵ - محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر
- ۲۲۶ - بر عموم است که با دولت نظامی مخالفت کنند
- ۲۲۶ - افشاگری جرائم رژیم شاه یک تکلیف الهی است
- ۲۲۸ - پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت کشتار مردم در حرم امام رضا (ع) ۵۷/۹/۲
- ۲۲۹ - بیانات امام خمینی در مورد توبه مفتضح شاه پس از مشاهده قهر و انتقام الهی ۵۷/۹/۲
- ۲۲۹ - توبه شاه و استمداد او از علماء اعلام و مراجع عظام بعد از نزول عذاب الهی
- ۲۳۰ - نظارت مستقیم شاه در کشتار و سرکوبی مردم توسط مأمورینش
- ۲۳۱ - ادای حق الناس و جبران خیانت‌های گذشته شرط پذیرش توبه شاه
- ۲۳۴ - قیام برای خدا شکست و انحراف ندارد
- ۲۳۴ - کمک و ادای تکلیف به نهضت، با تبلیغ و انعکاس خواسته‌های ملت
- ۲۳۵ - مصاحبه امام خمینی با روزنامه لبنانی السفير ۵۷/۹/۲
- ۲۳۹ - بیانات امام خمینی در نقد احساسات کذائی بشردوستانه کسارترو و افشای ماهیت واقعی ابرقدرت‌ها ۵۷/۹/۳
- ۲۳۹ - دلسوزی و بشردوستی کارتر مبنی بر هراس از عدم ثبات در منطقه!!
- ۲۴۰ - حفظ ثبات منطقه در گرو قدرتمندی و استقلال ایران است
- ۲۴۲ - پایمال شدن استقلال مملکت با دخالت و تصرف اجانب در همه شؤون
- ۲۴۲ - ثبات ایران از دیدگاه کارتر!!
- ۲۴۳ - ارادل و اوباش کیستند؟ فریادگران استقلال و آزادی یا ضایع‌کنندگان حقوق بشر
- ۲۴۳ - قیام برای خدا کنید که آن قیام پیروز است
- ۲۴۵ - بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات سوء ابرقدرت‌ها جهت لوث نمودن مبارزات مشروع ملت ۵۷/۹/۳
- ۲۴۵ - بسیج و گسترش نیروهای تبلیغاتی در داخل و خارج بر علیه مبارزات ملت ایران

- ۲۴۵ — سلطه شاه عامل مؤثر بر هم‌زنده ثبات منطقه
- ۲۴۷ — کارتر فریادهای آزادیخواهی را به اراذل و اوباش نسبت می‌دهد
- ۲۴۷ — در منطق کارتر قتل و غارت حقوق بشر، امری ضروری برای نجات ایران است!!
- ۲۴۸ — فریاد استقلال‌طلبانه و آزادیخواهی اقشار مردم بر علیه غارتگران
- ۲۴۹ — با تبلیغ و انعکاس اهداف قیام ملت، به نهضت کمک کنیم
- ۲۵۱ — بیانات امام خمینی پیرامون عمق جنایات و خیانت‌های شاه در ابعاد مختلف
۵۷/۹/۴
- ۲۵۱ — مقصد، نجات امت است
- ۲۵۱ — ایجاد پایگاه تسلیحاتی برای آمریکا در ازای ذخائر ملت
- ۲۵۲ — شاه مجری طرح آمریکایی اصلاحات ارضی
- ۲۵۳ — همکاری شاه با اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین
- ۲۵۴ — شاه کهنه نوکری برای حفظ منافع اجانب
- ۲۵۵ — تکلیف ما، تبلیغ و روشنگری بر علیه دستگاه‌های تبلیغاتی اجانب
- ۲۵۶ — استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی خواسته همه ملت
- ۲۵۷ — مصاحبه روزنامه‌نگاران نروژی و فاینشال تایمز لندن و الرای تونس با امام خمینی
۵۷/۹/۸
- ۲۶۰ — بیانات امام خمینی در مورد نتایج سلطه دست‌های جنایتکار بر ذخائر ملت
۵۷/۹/۵
- ۲۶۰ — مقدرات مملکت ما همه به دست دیگران (اجانب) است
- ۲۶۱ — بیانات امام خمینی در مورد بوجی ادعای برهم خوردن ثبات منطقه در صورت نبودن شاه
۵۷/۹/۵
- ۲۶۱ — خطر تجزیه ایران و کمونیسیم داخلی از تشبثات شاه برای دوام سلطنت
- ۲۶۱ — قدرت شاه انکال به ملت ندارد
- ۲۶۲ — هراس دو ابر قدرت از یکدیگر مانع تعدی آنان به ایران است نه قدرت پوسیده شاه
- ۲۶۴ — ادعای باطل شاه مبنی بر قدرتمندی او در جلوگیری از تعدی ابر قدرتها
- ۲۶۴ — ادعای باطل شاه مبنی بر حفظ ثبات کشور و ممانعت از فعالیت کمونیست‌های داخلی
- ۲۶۵ — وظیفه ایرانیان مقیم خارج تبلیغ و انعکاس خواسته ملت در رسانه‌های گروهی
- ۲۶۷ — مصاحبه امام خمینی با تایمز انگلستان
۵۷/۹/۶

- ۲۶۹ مصاحبه امام خمینی با لوژورنال - فرانسه ۵۷/۹/۷
- ۲۷۱ فرمان امام خمینی به مهندس بازرگان در مورد رسیدگی به اوضاع شرکت نفت ۵۷/۹/۸
- ۲۷۳ مصاحبه امام خمینی با خبرنگار آمریکائی ۵۷/۹/۱۰

شرح مبارزات

یازده

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی/تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

مشخصات نشر: تهران: وزارت ارشاد اسلامی، 1364.

مشخصات ظاهری: ج.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد هفدهم 1364.

یادداشت: عنوان عطف: صحیفه نور

شماره کتابشناسی ملی: 8 5 6 3 4 0 2

ص: 12

تاریخ سخنرانی: 13/8/57

سؤال: شاه با دکتر امینی وارد مذاکراتی شده است که نشان می دهد شاه حاضر به عقب نشینی ها و نرمش هائی می باشد ، اوزندانیان سیاسی را آزاد ساخته است . آیا حضرت آیت الله می توانند نقشی را برای شاه در يك دولت با آزادی های بیشتر بپذیرند ؟

جواب: شاه مدتی است که مشغول اجرای نقشه ای است که ملت را فریب دهد ، با اشخاصی مذاکره و عقب نشینی هائی کرده که برای فریب ملت است اما ملت حاضر نیست که شاه باشد ، هر قدر هم عقب نشینی کند . حرف قاطع با پشتیبانی ملت این است که شاه با جنایتهائی که نسبت به ملت و کشور و خیانت هائی که تا کنون کرده است قابل پذیرش نیست ، نه خودش و نه سلسله اش ، باید این سلسله منقرض شود . طرز حکومت با رفراندم تعیین می شود .

سؤال: گفته اید که اگر لازم باشد به جنگ مسلحانه دعوت خواهید کرد ، آیا هنوز هم این نظر را دارید ؟

جواب: ما حتی الامکان از جنگ مسلحانه پرهیز داریم و معتقدیم به همین ترتیب که ملت پیش می رود ، کار را حل کنیم اما اگر سرسختی نشان دهد و ابرقدرت ها هم به او کمک کنند ممکن است در این مطلب تجدید نظر کنیم .

پیام امام خمینی به مردم غیور کردستان به مناسبت کشتار وحشیانه رژیم در آن سامان

بسمه تعالی

سلام بر برادران اسلامی کردستان که با قیام دلاورانه به نهضت اسلامی سایر برادران پیوسته و با شجاعت و شهامت در مقابل طاغوت ایستاده، مجال را بر دشمن اسلام و کشور تنگ کرده اند. امروز ما مکلف هستیم که در هر لباس و هر شغل هستیم از اختلاف کلمه احتراز و به وحدت اسلامی که پیوسته مورد سفارش کتاب و سنت است گرایش نموده و کلمه حق را علیا و کلمه باطل را سفلی قرار دهیم.

در این موقع حساس که کشور ما و اسلام عزیز در معرض خطر عظیم است تکلیف همه گروه ها و افراد خطیر و عظیم است. سستی و سردی در حال حاضر و اختلاف و افتراق کلمه، در حکم انتحار و به هدر دادن خون فرزندان اسلام است.

ما از همت بزرگ فرزندان کرد اسلام و از جوانان برومند آزادیخواه و استقلال طلب آن سامان تشکر و تقدیر می کنیم. ما و شما در صف واحد در مقابل طاغوت بپاخاسته و از کیان اسلام و کشور بزرگ اسلامی دفاع می کنیم و با ایثار خون جوانان عزیز، درخت رشد ملت را آبیاری می نماییم.

اینجانب از مساعی جمیله شما برادران محترم قدردانی نموده توفیقتان را در فرو ریختن پایه ستمگری از خداوند تعالی خواستارم. الحق ملت ایران با همبستگی بیمانند خود و ایستادگی در مقابل دشمنان اسلام و کشور، يك ملت نمونه است که نام بزرگ خود را در تاریخ ثبت و راه مبارزه با ستمگران را به ملت های مظلوم آموخت.

برادران محترم! در این نهضت مقدس که تشکیل حکومت اسلامی سرلوحه اهداف آن است و ضمانت از آزادی و استقلال از ثمرات آن، صبور باشید و گول تبلیغات انگل های سود طلب را نخورید و به خدای بزرگ و قرآن کریم اتکاء کنید و به پیش روید. خداوند با صابران است و دست حق با عدالتخواهان می باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب علیه اسلام و روحانیت

طرح (افیونی بودن اسلام) توطئه ای برای استثمار

بسم الله الرحمن الرحيم

باز امروز در روزنامه های شوروی (برای من ترجمه کرده بودند) در یکی از آنها تیتروش این بود که اسلام افیون جامعه است .

ما هر نظامی را يك دفعه ملاحظه می کنیم ، خود نظام را ، مثلا نظام شاهنشاهی ، نظام جمهوری ، یکی هم حکومت اسلام است . يك وقتی متن اسلام را بررسی می کنیم ببینیم که آیا متن ماهیت اسلام چطور است ، آیا این افیون است و در دعوت هایی که کرده است دعوت کرده است به اینکه مردم چرت بزنند ؟ بخوابند ؟ تبلی کنند ؟ يك بررسی راجع به خود متن اسلام است که سندش قرآن است (از همه سندها ، بالاتر در اسلام قرآن است) يك بررسی در قرآن باید بشود و آن کسانی که گوششان پیش روزنامه ها و عرض می کنم که مبلغین خارجی هست باید سر بسته و در بسته يك مطلبی را قبول نکنند . کسی که يك مطلبی بشنود و قبل از اینکه دلیلی بر آن مطلب پیدا بکند قبول کند ، این از فطرت انسانی خارج است . فطرت انسانی اینطور است که مطلبی را همین طوری قبول نمی کند تا هر چه گفتند فوراً قبول کند ، این طور نیست ، بلکه اگر مطلبی به او تبلیغ کردند یا مطلبی را گفتند ، این دلیل می خواهد که به چه دلیل شما يك همچو مطلبی را مثلا می گوید .

اینها می گویند ، مال حالا هم نیست ، سابقه دار است مساله و ریشه اش هم برای این است که این ملت اسلام را از قرآن جدا کنند ، از اسلام جدا کنند . این تبلیغاتی که شده است و از تعبیراتشان گاهی (اسلام افیون جامعه است) (که همین امروز آنچه من خواندم نوشته بود یا دیروز دیدم) گاهی (دین افیون جامعه است) وقتی دین را می گویند که افیون جامعه است ، باید انسان ببیند که اولاً این حرفی که اینها می گویند و تبلیغی که اینها می کنند ، اساس این حرف چه است ، برای چه يك نفر روزنامه نویسی که در شوروی هست او يك همچو مطلبی را ، تیتروی را در روزنامه اش می نویسد ، این چه نظری دارد که از آن طرف دنیا يك همچو مطلبی را می نویسد که اسلام کذا یا دین کذا ؟ و اساس این مطلب چه هست ؟

اساس این مطلب همین است که اینها که می خواهند استفاده بکنند از شما و مملکت شما ، استثمار کنند شما را و مملکت شما را هم هر چه دارد ببرند ، باید آن چیزهایی که احتمال می دهند که مانع باشد از این غارتگری ، اینها را از جلو بردارند که آزادانه بتوانند يك کاری را که می خواهند انجام

بدهند، چه بکنند؟ این مانع یا احتمال مانعیت در چه هست؟ یکی در اسلام است، خود اسلام یا دین، - اینها دیدند که دین يك مطلب - نه اینکه اینها همین طوری خودشان گفتند، اینها مطالعات کردند و روی مطالعات این مسایل را می گویند، طرح می کنند. اینها متن قرآن را مطالعه کرده اند، اسلام را هم مطالعه کردند و فهمیده اند که قرآن يك کتابی است که اگر مسلمان ها به آن اتصال پیدا کنند، تودهنی می زند به این اقوامی که می خواهند بیایند سلطه پیدا کنند بر مسلمین. قرآن می گوید هرگز خدای تبارك و تعالی سلطه ای برای غیر مسلم بر مسلم قرار نداده است، هرگز نباید يك همچو چیزی واقع بشود، يك تسلطی، يك راهی، اصلا يك راه نباید پیدا بکند (لن يجعل الله للكافرين على المسلمين سبيلا) اصلا راه نباید داشته باشند. مشرکین و این قدرت های فاسده، راه نباید داشته باشند بر مسلمین.

اینها مطالعه کردند، دیدند که وضع قرآن و اسلام و متون اسلام چه است که اگر این متون را مسلمین بر آن اطلاع پیدا کنند و اتصال پیدا کنند مسلمین بر قرآن و متشبه بشوند به قرآن و اسلام، فاتحه این غارتگری ها و این سلطه جویی ها را می خوانند، پس چه بکنند که این سلطه جویی ها به قوت خودش باقی باشد و این غارتگری ها هم ادامه پیدا کند؟ اینها باید این ملت را از اسلام جدا کنند. ادیان دیگر هم، چون این مطلب تابع به آنطور که مثلا پانصد سال، هزار سال سابقه داشته باشد نداشته است. آنوقتی که اروپایی ها راه پیدا کردند به ممالک شرق و دیدند که يك طعمه خوبی است ممالک شرق و برای بلعیدن این طعمه مطالعات کردند، این مسایل پیدا شده است. اینکه سایر ادیان را هم می گویند مقدمه این است که اسلام را بگویند و الا آن ادیان دیگر خیلی مورد احتیاطشان نیست، مقدمه این است که اسلام را در نظر مسلمین از آن پایه ای که دارد منحطش کنند، مسلمین را از اسلام جدا بکنند، به ذهنشان بیاورند که اسلام يك دینی است که آمده است که جامعه را خواب کند تا قدرتمندها بخورند این جامعه را، منطق اینها این است (یعنی منطق نیست) حرف اینها این است و حرف هم روی این اساس است که می خواهند که با این کلام، با این تبلیغات شما را جدا کنند از اسلام. باید همین طوری، جوان های ما همین طور قبول کنند که تا در يك روزنامه ای، در يك کتابی، در يك مجله ای نوشته شد که اسلام افیون جامعه است همه دست بگیرند و بگویند همین است؟! کسی که يك مطلبی را همین طوری قبول کند، این اصل از فطرت اسلامی، از فطرت انسانی خارج است. فطرت انسانی برای هر مطلبی که واضح نیست دلیل طلب می کند، همینطوری قبول نمی کند.

شواهد و آثار تاریخی، متون و اسناد قرآن و حدیث، دلیلی بر تحرك اسلام

خوب ما باید مطالعه کنیم، ببینیم که آیا متن اسلام که سندش قرآن و حدیث است، این متن اسلام اینطوری است؟! قرآن اینطوری است که جامعه را دعوت کرده به اینکه خواب بروند و قلدرها بخورند این جامعه را؟! سلاطین و - نمی دانم - اینها بخورند این جامعه را و هر کاری دارند، هر سلطه ای که دارند آن سلطه را تحقق بدهند؟! یا قرآن اینجور نیست؟ این خیلی دقت نمی خواهد، يك نظر سطحی می خواهد به قرآن که قرآن را بخواند يك نظر سطحی ببیند که در قرآن راجع به جنگ ها چقدر است

و جنگ‌ها با کی بوده، چقدر آیات ما راجع به جنگ‌ها و آداب جنگ و تحریک به جنگ و وادار کردن و امر کردن و الزام کردن به اینکه مسلمین باید بروند سراغ قتال و جنگ، چقدر آیات است و جنگ با کی بوده است این يك مساله سطحی است این دیگر دقت و علمیت نمی‌خواهد، جنگها با مشرکین بوده است. در حجاز اولی که شروع به جنگ شد، خوب پیغمبر اکرم در مدینه بودند و عده هم کم بود و - عرض می‌کنم - تا اندازه ای که توانستند، قبلا که در مکه بودند نقشه کشی بود، مساله، مساله درست کردن کار و سازنده کردن بود که افراد را بسازند و آنجا هم مجال اینکه يك کاری انجام بدهد، ندادند مشرکین. این مشرکین ثروتمند و قدرتمند هیچ مجال ندادند که پیغمبر دعوت بکنند در مکه، چندین سال هم مثل حبس بود، در آنجا بلکه همه اش در مکه که بود يك حبسی بود برای او (مثل حالای ایران که يك حبسی است برای مردم، حالا نمی‌خواهم چه بکنم) وقتی که ایشان دیگر از مکه یا مایوس شدند یا دیدند که مدینه برای کارشان بهتر است با مدینه ای‌ها روابط پیدا کردند و روابط زیر زمینی و سری پیدا کردند و مطلب را مهیا کردند و رفتند مدینه. مدینه رفتند و خیلی طول نکشید که جنگ‌ها شروع شد به دعوت قرآن یعنی متن اسلام، یعنی سند اسلام، جنگ‌ها در مدینه شروع شد و چندین جنگ، زیاد جنگ‌ها بوده است، این جنگ‌ها با کی بوده است؟

افیونی که اینها می‌گویند می‌گویند که اسلام که افیون جامعه است اسلام آمده است مردم طبقه سه و فقرا را بر ایشان لائتی بگویند، خوابشان بکند تا آن قدرتمندها بخورند آنها را، منافع آنها را بلع کنند!! بلکه ادیان را می‌گویند اینها که اصل ادیان را آن قدرتمندها درست کرده اند برای همین معنا، يك دینی درست کرده اند که مردم را دعوت کنند به اینکه مردم مزاحمت با آنها نکنند، دعوت کنند به اینکه بخورید و کتک بخورید و صحبت هم نکنید، حرفی نزنید. ببینیم این جنگ‌های متعددی که در اسلام واقع شده، زمان رسول اکرم بوده (حالا بعد از زمان رسول اکرم باز حرف دیگر است) زمان خود پیغمبر اسلام بوده است که متن اسلام است، دیگر هیچ حاشیه نیست، متن اسلام است، قرآن است و آن که قرآن را آورده است برای مردم، آئی که اینها می‌گویند که دین را قدرتمندها درست کردند که آن ضعفا و فقرا را، منافعشان را استثمار کنند و استعمار کنند، ببینیم که آیا این جنگ‌ها، جنگ اینطور بوده است که پیغمبر اکرم همدست شده است با قدرتمندها و حمله کرد، به فقرا؟! یا با فقرا ساخته و حمله کرده به قدرتمندها؟ هر کس همان ظواهر اول تاریخ را ببیند می‌بیند اینطور بوده که پیغمبر يك دسته فقیر دورش جمع بوده اند يك دسته بوده اند که هیچ جا نداشتند غیر صفا اصحاب صفا، یعنی يك جائی که توی این حیاط يك جایی شما فرض کنید که يك جائی بود به آن صفا می‌گفتند، اینها آنقدر بی جا بودند که اصحاب صفا ای داشتند و اصحاب پیغمبر بودند و آنجا می‌خوابیدند، اینقدر بی چیز بودند، چیزی نداشتند اینها، فقرا بودند، اینها بودند که در جنگ‌ها يك خرما را (در تاریخ است اینها) يك دانه خرما را این می‌گذاشت دهانش که يك خرده ای چیز پیدا کند در می‌آورد می‌داد به آن، آن هم می‌گذاشت دهانش بعد در می‌آورد می‌داد به آن، جنگ هم بود. دارائیشان این بود، وضع زندگی، آئی که اطراف پیغمبر جمع شده بودند گداها بودند، خوب فقرا و گداها جمع شدند دور پیغمبر، همین فقرا و

گداها با تعلیم قرآن در زمان خود رسول اکرم حجاز را فتح کردند، آنهایی که هیچی بودند، یعنی پیغمبر نتوانست مکه بماند، شب، نصف شبی فرار کرد از مکه به مدینه بعد از اینکه روابطش را با مدنی ها و با بعضی از مدنی ها درست کرده بود فرار کرد از آنجا به مدینه نصف شب و نمی توانست در آنجا هیچ کاری انجام بدهد. وقتی هم آمد مدینه وارد شد به يك عده ای که همانطور که عرض کردم اینها از فقرا بودند. نه اینکه اینها از اغنیا و ثروتمندها بودند و پیغمبر با ثروتمندها بست و بند کرد که فقرا را مثلا خاموش کند.

تمام جنگ هائی که پیغمبر کرده است با این مشرکین عرب، مشرکین طاعی بوده، مشرکین قدرتمند بوده، جنگجو بوده منتهی تعلیمات اسلام و آن دلداری هائی که اسلام به این عده کم می داده است آنها را جوری تربیت کرده بودند که یکی آنها يك وقت صد نفر را می کشت. يك نفرشان صد تا را می کشت. تعلیم اسلام بوده است، یعنی اسلام يك جور انسان و يك جور آدمی بار می آورده است که در مقابل قدرت ها از هیچ چیز نمی ترسیدند، همچو قدرتمند اینها بار آمده بودند که یکیشان می گفت که من با شصت هزار نفر، این مال بعد از اسلام است، بعد از پیغمبر اکرم است، شصت هزار نفر لشکر آن طلیعه لشکر روم شصت هزار نفر بودند، طلیعه اش یعنی آنها که جلو آمدند که لشکر حالا عقبند. اسلام اینطور آدم هائی می سازد که گفت که سی نفر بیاید همراه من می رویم توی شصت هزار نفر آدم. سی نفر! سی تا یکی! با او چک و چانه کردند که آقا نمی شود، قبول کرد که شصت نفر، شصت تا آدم رفت و شصت هزار رومی را عقب نشانند. خوب رفتند شیخون زدند و با شمشیر آنها را زدند و شکستشان دادند آنها را. اینها طبقه فقرا حالا زمان پیغمبر را داشتم عرض می کردم که ما باید ببینیم که آیا این قرآن که متن اسلام است و این پیغمبر که آورنده اسلام و آنوقت اسلام بی حواشی بوده و خود اسلام بوده، متن اسلام بوده، این اسلام در آن متن اولیه ای که هیچ دیگر تصرفی از هیچ جا در آن نبوده، این آیا مردم را دعوت کرده به اینکه با اغنیا بسازید؟! اغنیا اگر از شما چیزی بردند، این قدرت ها اگر آمدند و مال شما را برداشتند، شما دیگر حرف نزنید؟! شما انشاءالله بهشت می روید، حرف نزنید؟! یا همین قرآن مردم را، این گداها را - عرض می کنم - فقیر، آن فقیرها که نه مکان داشتند و يك عده کثیری از آنها روی صفا مسجد یعنی يك جای بی سقف، زمین بی سقف آنجا زندگی می کردند و پهلوی هم می خوابیدند و هیچ چیز هم نداشتند که بخورند، يك چیزی یابه آنان می دادند از این طرف و آن طرف می رفتند پیدا می کردند می خوردند و آن جمعیتی که يك خرما را این طوری دور می زدند، با این جمعیت راه افتاد و حجاز را، قدرتمندها را عقب زد، این افیون است؟ یا این محرك است؟ تو با این حرفت می خواهی افیون درست کنی. اینهایی که این حرف را زدند که اسلام افیون است، می خواهند مسلمین را خواب کنند، می خواهند مسلمین را از اسلام جدا کنند و مسلمین خواب بروند و آنها مال مسلمین را بخورند. این کلام افیون است، نه اسلام افیون است. اینکه می گوئید اسلام افیون جامعه است، خود این برای اغفال مردم است. چیزهایی که برای اغفال مردم است این افیون است، نه اینکه آمده است، نه آن حقیقتی که آمده و در همان زمان خودش با يك عده فقیر، مملکت حجاز را فتح کرده

و عدل و انصاف را تا آخر حجاز برده . این زمان خود پیغمبر است ، بعد که قدرت پیدا شد و عرض بکنم که قوه پیدا شد در همان قرن اول اسلام ، در همان قرن مثلا سی سال ، در همان قرن های اول ، سی سال اول و سی و پنج سال اول ، دو تا امپراطوری را اینها شکست دادند ، امپراطور روم و امپراطور ایران ، ایران را فتح کردند ، روم را فتح کردند ، این افیون است ؟ !

این اسلام آمده است که بسازد با کسری و مردم را بگوید تبعیت کنید از کسری ؟ ! این آمده است که بسازد با سلطان روم و بگوید به مردم روم ، تعلیم کند که بسازید با اینها ؟ ! یا این آمد و دو تا امپراطوری را شکست داد و عقبشان زد برای اینکه عدل را در عالم و برای این فقرا برای اینکه این فقرا را آنها می خوردند جلویشان را بگیرد ؟

مردیکه تو روزنامه ، حالا این را می نویسد ، در یک همچو زمانی این مطلب را می نویسد که افیون است . خوب پیش تر یک غفلت هائی بوده است ، شده است یک غفلت هائی اما خوب الان مردم ، جوان های ما قرآن را نگاه کردند ، از قرآن هم اطلاع دارند ، مع الاسف خوب بعضی شان هم همین طور یک چیزی قبول می کنند ، همین طور یک صدائی که می آید اینها دنبالش می روند . یک صدائی بلند شود اینها هم دنبالش می روند اما انسان ، آدم باید اگر یک مطلبی را شنید راجع به یک نظامی ، راجع به یک جهتی مطلبی را شنید ، باید برود مطالعه کند ببیند صحیح می گوید این آدم . این مردیکه که نوشته است اسلام افیون جامعه ، این واقعا اسلام افیون جامعه است ؟ ! این خود اسلام . می آیم سراغ آنهایی که اسلام در زمان خودش یعنی زمانی که متن بوده است و پیغمبر بوده و قرآن ، پیغمبر بوده و قرآن ، بعدش هم در زمان های بعدی که اسلام با چیزها ، جنگ ها ، جنگ های بین همین طایفه طبقه سه بوده است با امپراطوری ها ، منتها اسلام همچو قدرتی داده بود به این یک عده جمعیت کم چند هزاری که رفتند امپراطوری روم را فتح کردند و امپراطوری ایران را هم فتح کردند ، امپراطوری ایران که وقتی که مثلا در جنگ ها تجهیز قوا می کردند ، اسب هایشان چه و عرض می کنم زین های اسب طلا ، نمی دانم چه بساطی اینها داشتند ، همین سر و پا برهنه ها را ، همین هائی که پیاده می رفتند و چندتایشان یک شتر داشتند و البته یکی یک شمشیر داشتند ، قدرت داشتند ، شمشیر داشتند اما چند نفر با هم یک شتر داشتند و چند نفر با هم مثلا یک اسب ، ده تا اسب در یک جمعیتشان پیدا می شد ، اسبی نداشتند ، شتر حسابی نداشتند ، اسبی نداشتند ، آذوقه حسابی نداشتند اما قدرت داده بود اسلام به اینها یعنی تحت تعلیمات متن اسلام و آن کسی که متن اسلام را پیاده کرده بود ، یک همچو قدرتی به مسلمین داده بود که همین آدم هائی که دیروز چیزی نبودند و یک عده فقرائی با هم آنجا می لولیدند ، امروز شمشیر را کشیدند و دو تا امپراطوری که تمام دنیا ، آنوقت از اینجاها خبری نبوده ، آنوقت این دو تا امپراطوری بوده است و یکی روم بوده و یکی ایران بوده است ، این دو امپراطوری را ، این یک مشت عرب مفلوک و گدا که شمشیر چند تا در این مثلا ده هزار ، بیست هزار نفر بوده ، اینها همه شمشیر نداشتند ، همه زره نداشتند ، همه چیز نداشتند ، با همین دست خالی راه افتادند لکن قدرت روحی داشتند ، مثل ما نبودند که ضعیف النفس و ضعیف القلب باشند ، قدرت روحی - روحی - داده بود

اسلام به آنها ، همین عده قلیل با همین قدرت الهی که به آنها داده شده بود و پشتوانه ای که اسلام دنبالش بود و دعوتی که اسلام می کرد از اینها ، راه افتادند و آن دو تا امپراطوری بزرگ را شکست دادند و فتح کردند . ایران فتح شد در زمان قبل از اینکه سی سال از اسلام بگذرد ، ایران فتح شد و روم فتح شد و مملکت اسلام رفت تا آن طرف افریقا و تا همه جا ، تا اسپانیا رفت خوب بعد بیعرضگی کردند خود مسلمان ها که يك مساله دیگر است .

پس ما متن اسلام را که مطالعه بکنیم اینجور نبوده است که متن اسلام آمده است که سلاطین را تسلط بدهد بر فقرا ، بر طبقه بعد ، قدرتمندها را سلطه بدهد بر غیر قدرتمندها ، متن اسلام اینجور نبوده است .

حجت ما در نزاع با دستگاه جبار پهلوی مبارزات حضرت امیر (علیه السلام) و حضرت سیدالشهداء است

آنهایی که دعوت به اسلام می کردند مثل خود پیغمبر و بعدش مثلا خلفای اولی که يك جور دیگری بودند و بعدش حضرت امیر سلام الله علیه ، اینها چه جور بودند ؟ اینها چه جور آدم هائی بودند ؟ چه جور زندگی می کردند ؟ آیا اینها هم از آنها بودند که ملای درباری بودند ؟ مثلا پیغمبر درباری خودش بوده است ؟ ! یا اینکه پیغمبر با دربارها جنگ کرده ، دربارها را شکسته ؟ حضرت امیر درباری بوده است ؟ ! یا حضرت امیر هم جنگ کرده با يك قدرتی که متشبهت به اسلام هم بوده مثل معاویه که حجت ما الان بر این نزاعی که بین ، بر این مبارزه ای که بین مسلمین و بین این دستگاه فاسده است حجت ما در جواز این و لزوم این عمل ، حضرت امیر سلام الله علیه است و عمل سیدالشهدا سلام الله علیه که دو نفر آدمی که اینها قدرت داشتند ، آن شامات را آنها گرفته بودند و تحت قدرتشان بود و جنگ ها ، چیزها داشتند ، فوج های از سرباز داشتند اینها که مسلمان بودند . حالا کسی به ما بگوید خوب این مردیکه که قرآن چاپ کرده است . این مسلمان است ؟ ! ما حجتمان بر این است که اگر چنانچه این مبارزه را ادامه بدهیم و صد هزار نفر از ما کشته بشود ، برای دفع ظلم اینها و برای اینکه دست آنها را از مملکت اسلامی کوتاه کنیم ارزش دارد . حجتمان هم کار حضرت امیر سلام الله علیه و کار حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه است . یزید هم يك قدرتمند بود و يك سلطان بود و عرض می کنم که همه بساط سلطنت را یزید داشت ، بعد از معاویه او بود دیگر ، حضرت سید الشهداء به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد ؟ با ظل الله طرف شد ؟ (سلطان را نباید دست زد) . به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد ؟ سلطان عصری که شهادتین را می داد و می گفت من خلیفه پیغمبر هستم . برای اینکه يك آدم قاچاق بود ، برای اینکه يك آدمی بود که می خواست این ملت را استثمار کند ، می خواست بخورد این ملت را ، منافع ملت را می خواست خودش بخورد و اتباعش بخورند ، آنقدری که او خورد بیشتر است از اینقدری که این آقا می خورد ؟ ! حساب باید کرد . اینها هم عبارت است از آن کسانی که در صدر اسلام بودند و اسلام با دست اینها قدرتمند شده و بسط پیدا کرده . خود پیغمبر با

قدرتمندها جنگ کرده و بعدش هم آنهایی که صدر اول بودند باز با قدرتمندها و سلاطین جنگ کردند ، بعدش هم حضرت امیر با قدرتمندها جنگ کرده است ، کجایش افیون بوده ؟ کجای اینها درباری بودند ؟

تجلی دموکراسی واقعی در سیر و سلوک حاکمان صدر اسلام با توده های مردم

می گویند که ما می خواهیم که يك مملکتی باشد دموکراسی باشد . شما حساب بکنید که ، ببینید که اسلام (ما حساب صدر اسلام را می خواهیم بکنیم که متن اسلام است ، خود اسلام و متن اسلام است) ببینیم که آیا این حکومت اسلام و این رژیم اسلام ، يك رژیم دموکراسی بوده است ؟ يك رژیم قلدری و استبداد بوده ؟ شما این قصه هایی را که تاریخ نقل کرده است ، این قصه ها زیادند اما حالا یکی دو تا قصه اش ، این قصه هائی که تاریخ نقل کرده شبیه این را در یکی از ممالک که درجه اول از دموکراسی را دارد بیاورید بعد بگوئید که این بهتر از آن ، يك قصه مال رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (قصه هاست منتها حالا- من یکیش را می گویم) يك قصه مال حضرت امیر سلام الله علیه ، يك قصه هم مال عمر . وقتی که عمر می خواست برود به مصر برای اینکه فتح کرده بودند مصر را و قدرتمند شده بود اسلام ، همه جا را گرفته بودند ، می خواست وارد بشود به مصر ، يك شتر بود ، و خودش بود و یکی هم همراهش ، سوار این شتر یکیشان می نشست و آن یکی جلویش را می گرفت و می برد ، آن که خسته می شد (قسمت کرده بودند) این سوار می شد . آنوقتی که وارد (به حسب تاریخ) مصر شدند ، نوبت آن غلام بود که سوار باشد و آقای خلیفه جلو شترش را گرفته بود و داشت می بردش که مردم مصر آمده بودند به استقبال . خلیفه عبارت از این بود ، ما عمر را قبول نداریم اما این عمل ، عمل اسلامی آنوقت بوده یعنی نقش اسلام بوده است ولو خودش يك آدمی بوده که ما نپذیرفتیم او را ، اما عملی که کرده است این عملی بوده که نقش اسلام این بوده یعنی پیغمبر هم این صورت بود . یعنی پیغمبر هم سوار يك الاغی می شده يك کسی هم پشتش می نشسته و مساله برایش می گفته ، آن را تعلیمش می کرده ، آن پشت سری را تعلیمش می کرده . شما در تمام این دموکراسی ها بیاورید که اینجوری باشد که سلطان وقت که سلطنتش چند مقابل ایران بوده است ، چند مقابل فرانسه بوده ، شما بیاورید يك سلطان دموکراتی که با غلام خودش اینجوری رفتار بکند که آن سوار بشود ، يك شتر باشد و چیزی بیشتر از این نه ، آن جمال و جلال هیچ نباشد در کار . هر سلطانی دموکراتی را که بیاورید اگر بخواهد وارد يك مملکت شکست خورده بشود ، ببینید با چه جوری وارد می شود ، آنها چه جوری وارد می شوند ، این هم وارد شده در يك مملکتی که فتح شده است ، سوار شتر غلام و خودش حالا نوبت او هست ، خودش دستش را جلو گرفته و افسار شتر را دارد می کشد ، آمدند اشراف مصر آنجا و همه هم تعظیم کردند . این تعلیم اسلام بوده . خود پیغمبر اکرم وقتی که در يك جمعیتی بودند و نشسته بودند می خواستند مثلا مساله بگویند و صحبت بکنند و قضاوت بکنند و همه کارها ، وضع جوری بوده است که کسی وارد می شد از خارج و او را نمی شناخت نمی دانست کدام یکی آقا است عرض می کنم که سلطان به اصطلاح هست و کدام یکی رعیت است ، اینها دور هم نشسته بودند با هم وعده کرده بودند ،

صحبت می کردند ، هیچ معلوم نبود که پیغمبر این است یا این است یا او هست ، دور تا دور نشسته بودند ، این مسندی هم که برای من ، شما برای من درست کردید این هم نبوده . روی زمین می نشستند ، همین روی زمین می نشستند ، همان روی زمین نهارشان را می خوردند ، آن هم آن نهار ، شما خیال کردید یک نهار درست می کردند ، سفره می انداختند ، یک بساطی بوده است ؟ همان آدمی که ، همین حضرت امیری که سلطنتش بیشتر از چند مقابل ایران بوده ، سفره اش چی بوده ؟ یک ظرفی بوده که توی آن نان های جو بوده و سرش را هم مهر می کرده که مبادا دخترش مثلا یا پسرش ترحم کنند و توی این یک چیزی بریزند ، یک چربی ، یک روغنی که یک خرده نرم بشود ، سرش را مهر می کرده که دست به آن نزنند وقتی می خورده . این نان خشک خوراک این امپراطور بوده که از مملکت ایران بیشتر تحت امپراطوریش بوده ، آن سلوکش که گفتم .

دو تا قصه از آنها نقل می کنم ، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن اواخر عمرشان رفتند منبر فرمودند که هر کس به من حقی دارد بگوید . خوب کسی حقی نداشته بود . یک عرب پا شد گفت من یک حقی دارم (چی هست) ؟ شما در جنگ کذا که می رفتید یک شلاق به من زدید (به کجا زد) ؟ به شانه ام (بیا عوضش بزن) گفت نه من آنوقت شانه ام باز بوده ، شما هم شانه تان را باز کنید ، (بسیار خوب) شانه را باز کرد ، عرب رفت بوسید ، گفت من می خواستم ببوسم بدن رسول الله را ، یعنی مساله این بوده و مطلب این است که یک رئیس مطلق حجاز آنوقت بوده است . و جاهای دیگر ، او بیاید بالای منبر و بگوید هر کس حق دارد بگوید ، یک نفر نیاید بگوید به اینکه توده شاهی از من برداشتی . حالا اگر چنانچه هر یک از این ممالک دموکراسی را بیاورید ، یکی برود بالای منبر بگوید که هر که حق دارد بگوید ، اولاً" می گوید این را ؟ حق می دهد به ملت که اگر یک شلاق زده باشد بیا شلاقت را بزن ؟ این حق را کدام دموکراسی ، کدام سلطان ، کدام رئیس جمهور ، کدام عرض می کنم سلطان عادل رئیس جمهور عادل و دموکراسی یک همچو کاری می کند ؟ این اسلامی است که می گوید استبداد است و این دموکراسی های دیگر . ما می گویم که دموکراسی نیست ممالک شما ، استبداد با صورت های مختلف ، رئیس جمهوری های شما هم مستبدند به صورت های مختلف منتها اسم ، اسما خیلی زیاد است ، الفاظ خیلی زیاد است ، محتوا ندارد .

حکومت اسلامی تجلی دموکراسی و برابری مردم در مقابل قانون

حضرت امیر سلام الله علیه آنوقتی که سلطنتش (من تعبیر به سلطنت می کنم روی مذاق حالا والا نباید این تعبیر را بکنم) خلافتش که همین نظیر سلطنت ها بوده است ، یعنی نظیر به این معنا که همه جا تحت ولای او بوده است چندین مقابل ایران بوده حجاز و مصر و عراق و ایران و خیلی جاها ، قاضی خودش نصب کرده برای قضاوت ، عربی رفته ، یهودی است ، رفته است شکایت کرده پیش قاضی از حضرت امیر که یک زرهی از من است پیش ایشان ، حالا- من که چیزش را نمی دانم اما اصل متن قضیه را می دانم ، قاضی خواست حضرت امیر را ، رفت در محضر قاضی ای که خودش او را نصب کرده است ، قاضی حضرت امیر را احضار کرد ، رفت ، نشستند جلو او ، حتی تعلیم داده به قاضی ظاهرا

در همین جا است که (نه، به من زیادتر از این نباید احترام کنی، قضاوت باید همچو هر دو علی السواء باشیم) یکی یهودی بود و یکی هم رئیس عرض می کنم که از ایران گرفته تا حجاز تا مصر تا عراق، قاضی رسیدگی کرد و حکم بر ضد حضرت امیر داد. شما پیدا بکنید در تمام دوره های سلطنت ها و رئیس جمهورها و اینها يك همچو وضعی که يك رئیسی با يك یهودی که تبعش بوده و با آن قاضی ای که قاضی ای بوده است که خودش رعیت است آن قاضی، شما پیدا کنید يك همچو قضیه ای در تمام جمهوری ها، در تمام سلطنت ها، در تمام رژیم ها تا ما بگوئیم رژیم اسلام يك رژیمی است که پائین تر از سایر رژیم هاست. ما که رژیم اسلام را می خواهیم. يك همچو چیزی می خواهیم. ما که می گوئیم حکومت اسلام، همچو چیزی می خواهیم. ما می خواهیم يك حکومتی باشد که اگر قاضی دادگستری او را احضار کرد، برود آنجا. حالا به اعلیحضرت می شود گفت که شما، يك کسی بگوید که شما مال مرا غصب کردید؟! یکی از این مازندرانی ها برود بگوید که شما مال مرا غصب کردید؟! قاضی جرات می کند؟! حالا هم حتی، حالا هم که همه بچه ها دارند داد می زنند که مرگ بر شاه، همین حالا هم جرات می کند قاضی که احضاریه بفرستد برای اعلیحضرت؟! حالا چند سال پیش از این را که می دانید چه مصیبتی بود. رئیس جمهوری اینجا چطور، قاضی، قاضی دادگستری احضارش میکند؟! احضار کرد، می رود آن محضر؟! بنشیند حکم بر خلافش بکند، بی چون و چرا قبول می کند؟! ما که می گوئیم حکومت اسلام، اینها تبلیغات می کنند که اینها می خواهند هرج و مرج کنند. این هرج و مرج است که ما می خواهیم ما این را می خواهیم، ما می خواهیم يك حاکمی در همه ایران (اگر انشاءالله موفق بشوند مسلمین) در همه ممالک اسلامی، يك حکومت باشد آنجوری، يك حکومت باشد که مال مردم را نخورد، يك حکومت باشد که برای قانون متواضع باشد یعنی سر پیش قانون فرود بیاورد، قانون هر چه گفت قبول بکند، نه اینکه قانون برای مردم عادی باشد، قدرتمندها از قانون مستثنی باشند. الان مالیات قدرتمندها نمی دهند، تقسیم اراضی قدرتمندها نشده است، قدرتمندها، این حرف ها نیست. علم تا پریروز هم همه املاکش سر جای خودش بود برای اینکه وزیر دربار بود و نخست وزیر بود نیست این حرف ها حرف است این حرف ها، اصلاحات، بازی بود این حرف ها انقلاب سفید همه اش بازی بود.

تبلیغات طویل المدت اجانب برای جداسازی صفوف مردم از روحانیت

من حالا- خسته شدم لکن به شما آقایان عرض بکنم تبلیغات سیصد ساله است که اسلام را، مسلمین و اسلام را از هم جدا کرده. تبلیغات قریب سیصد ساله است که روحانین را با شما جدا کرده. روحانین در زمان رضا شاه پهلوی سوار اتومبیلشان نمی کردند. مرحوم حاج شیخ عباس تهرانی رحمة الله گفت من عراق می خواستم سوار اتومبیل بشوم شوفر گفت که ما دو تا طایفه را سوار

نمی‌کنیم یکی آخوند یکی فاحشه را. زمان رضا شاه ما اینجور بودیم. زمان این هم که شما دارید می‌بینید. آنها تبلیغاتی است که از خارج برای این است شما را از روحانین جدا کنند، از اسلام جدا کنند آنوقت تمام منافع شما را ببرند و یکی نباشد بگویند نه.

نهیض اسلامی ایران، مشت محکمی بر دهان غارتگران شرق و غرب

من حالا دیگر حال این را، وقت این را ندارم که بعد بیائیم سراغ این طبقات بعد و بعد از آن اوائل اسلام و ببینیم که کی بوده است که تا حالا که ما اینجا نشستیم، بر ضد این سلاطین قیام کرده، این چه جمعیتی بوده اند، آیا اینها مسلمین بوده اند یا نه؟ این مردی که الان نوشته است که اسلام افیون جامعه است، الان این قیامی که در ایران شده است و نهضتی که الان بالفعل شده است، این نهضت، نهضت اسلامی است یا نهضت دیگری؟ این نهضت اسلامی به برکت اسلام و عرض می‌کنم که - مسلمین، به راه مسلمین پیدا شده است، داد اسلام است که بلند شده است و دارد با مشت می‌زند تو دهن شوروی یا تو دهن آمریکا، این افیون است؟! اسلام افیون است؟! تو الان می‌گویی افیون است که مردم را دلسرد کنی، بگذارند نفت‌ها را بخورید و گازها را بخورید. خودت هم می‌دانی که افیون نیست. همه شماها می‌دانید که اسلام محرک است. اسلام مردم را رو به ترقی برده است، رو به جنگ برده، رو به جدال با کفار برده است و با شماها.

غفلت نورزید که اجانب برای اغفال شما نقشه کشیده اند

الان در يك وقتی می‌گویند که اسلام افیون است که مملکت ایران و سی میلیون اسلامی و مسلم قیام کردند بر ضد قدرت‌ها و همه هم اسلام است که اینها را وادار کرده بود و همه داد اسلام دارند می‌زنند در يك همچو وقتی این مردك می‌نویسد که اسلام افیون جامعه است، شاید چند تا جوان هم از آنها که غفلت دارند از امور، همین طوری قبول بکنند، بیدار بشوید آقا! ای جوان‌های ما بیدار بشوید! بدانید نقشه‌ها چه است برای چه شما را می‌خواهند دور کنند از اسلام؟ برای چه شما را می‌خواهند به مکتب‌های دیگر نزدیک کنند؟ اینها خیر شما را نمی‌خواهند، اینها می‌خواهند شما را ببلعند. اسلام نمی‌گذارد شما را ببلعند، روحانیت اسلام نمی‌خواهد شما را ببلعند. انشاءالله خداوند همه شما را توفیق بدهد. مویذ باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه امام خمینی با رادیو - تلویزیون هلند

سؤال: به نظر شما علت تظاهرات اخیر ایران چیست؟ پیش بینی می کنید چه نوع اتفاقی رخ دهد؟

جواب: علت تظاهرات، کارهایی است که شاه در این مدت کرده است مردم از اختناق و کشتارها ناراضی و تظاهرات روبه زیاد است. پیش بینی می شود که اگر خیلی دامنه پیدا کند، انقلاب بالاتری پیش آید، اگر شاه به عقل آید و زودتر خودش کنار رود، آرامش نسبی تحقق پیدا خواهد کرد.

سؤال: برنامه سیاسی شما چیست؟ آیا شما مبارزه مسلحانه یا ترور شاه را روش قابل قبولی می دانید؟

جواب: برنامه ما این است که با ادامه همین تظاهراتی که در ایران جریان دارد، انشاءالله مسائل حل شود و اگر چنانچه دیدیم قابل حل نیست، مبارزه مسلحانه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سؤال: شما می خواهید چه نوع رژیمی را جانشین نظام کنونی سازید؟ آیا شما تمدن اسلامی را با تمدن غربی کنونی ناسازگار می دانید؟

جواب: رژیمی که به جای رژیم ظالمانه شاه خواهد نشست، رژیم عادلانه ای است که شبیه آن رژیم در دموکراسی غرب نیست و پیدا نخواهد شد. ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی هائی که در غرب هست مشابه باشد، اما آن دموکراسی ای که ما می خواهیم به وجود آوریم، در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام، کاملتر از دموکراسی غرب است.

سؤال: اخیراً شما سلطنت را که در قانون اساسی 1906 آمده است مورد انکار قرار دادید، آیا در این مورد توضیحی دارید؟

جواب: اکنون همه ملت ایران بپاخاسته و رژیم سلطنتی را نمی خواهند. رژیم سلطنتی که مستندش

قانون اساسی است ، باید مطابق با آراء ملت باشد و ملت قاطبتا بر خلاف آن رای داده اند . بنابر این رژیم سلطنتی محکوم است و بکلی باید از بین برود .

سؤال : آیا حضرت تعالی در مبارزه علیه شاه بهتر و موثرتر نبود که دعوت شاه را به ایران پذیرفته و به ایران برمی گشتید ؟

جواب : من برای آگاه کردن دنیا بهتر می دانم در اینجا باشم . در ایران هنوز اختناق وجود دارد ، لذا رفتن به ایران فعلا " منتهی است .

ص: 14

پیام امام خمینی به مناسبت کشتار وحشیانه رژیم در دانشگاه

تشبثات و فریبکاری های شاه و طرفدارانش برای بقای سلطنت

بسم الله الرحمن الرحيم

دروود به ملت شریف و شجاع ایران ایدهم الله تعالی .

من نمی دانم از کدام مصیبت های ملت و از کدام جنایت های شاه بنویسم ، قلم من عاجز است . آیا جنایاتی را که در دانشگاه به دست دژخیمان شاه واقع شد ، متذکر شوم یا از کشتارهایی که در سراسر ایران به امر این جنایتکار حرفه ای صورت گرفت ؟ من قدرت ندارم جنایات سراسر ایران را که برادران و خواهران ما را به خاک و خون کشیده بشمارم . هر روز اخبار واصله ما را به جنایات بزرگ تازه ای آگاه می گرداند ، هر روز فرزندان اسلام به مصیبت های تازه ای مبتلا هستند . کار شاه و حکومت او به رسوائی کشیده شده است و در پناه کولی ها و اشرار جیره خوار می خواهد خود را حفظ کند و در عین حال از فریبکاری دست نکشیده و می خواهد با تشکیل حکومت به اصطلاح ملی و با تزه های مبتذل و تبلیغات بی اساس و بیهوده ملت را اغفال کند و بعضی از شاهدوستان طرفدار آمریکا را برانگیخته که از طرفی مردم را از برکنار رفتن شاه بترسانند که با وضع جغرافیائی ایران اگر شاه برود مملکت می رود و از طرفی برای نجات شاه به دوره گردی پردازند و اشخاصی را از روحانی و سیاسی با خود همراه کنند ، غافل از آنکه مردم چنان آشنا به مسائل سیاسی شده اند که این حرکات مذبوحانه را به چیزی حساب نمی کنند .

ملت ایران شاه را اساس تمام خیانت ها و جنایت ها می داند

ملت ایران شاه را می شناسد که اوست اساس تمام خرابی ها و خیانت ها و جنایت ها ، اوست که ابرقدرت ها را بر شوون سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی کشور مسلط نموده و با مهلت دادن به او کشور از دست می رود . این طرح های خائنانه مملکت را به نیستی تهدید می کند ، این طرح ها از حلقوم طرفداران آمریکاست . ملت غیور ایران بپاخاسته تا کشور را از پرتگاه نیستی نجات دهد و دست غارتگران را کوتاه کند و طرح های خائنانه را بر هم زند . ملتی که در عزای عزیزان خویش به سوگ نشسته و تمام جنایات را از شاه می داند ، طرح سازش با شاه را چگونه می پذیرد ؟

این از خدا بی خبران و خائنان به ملت و اسلام می خواهند شاه را در مسند سلطنت نگهداشته و سپس به قدرت شیطانی رسانند تا خشک و تر را به آتش انتقام بسوزانند .

خواست ملت ، الغای رژیم غیر شرعی و غیر قانونی پهلوی

اکنون که ملت ایران بر سر دوراهی مرگ و حیات و آزادی و اسارت و استقلال و استعمار و عدالت اقتصادی و استثمار واقع است و در پیشگاه خداوند تعالی و نسل آتیه مسوول است ، باید تا رسیدن به هدف ، نهضت را هر چه شور انگیزتر ادامه دهد ، و طمع کسانی را که با توطئه های شیطانی می خواهند خون جوانان ما را به هدر دهند . قطع کند و به این مصلحت اندیشی های مامورین شاه و آمریکا با مشت گره کرده جواب دهد و به تذکرات زیر توجه نماید:

1- هدف اسلامی ما بر چیده شدن رژیم سلطنتی و سرنگونی سلطنت سلسله پهلوی است که غیر قانونی و غیر شرعی بودن آن بر همه روشن است و خیانت و جنایت بی پایان آن روشنتر و ملت ایران با هر طرحی که لازمه اش بقاء نظام شاهنشاهی و حفظ سلسله پهلوی است مخالف است و هیچ ابهامی در این پیشنهاد که ملت ایران با رفتارندم خود در سراسر کشور مکرر اعلام نموده نیست و نظام حکومتی ایران جمهوری اسلامی است که حافظ استقلال و دموکراسی است و بر اساس موازین و قوانین اسلامی اعلام می شود و ما این پیشنهاد را در آتیه نزدیک به آراء عمومی رسماً مراجعه می کنیم و هر کس و یا هر گروه که با این پیشنهادهای سه گانه موافق نیست راه او غیر از راه ما و ملت ایران است .

نهضت را در تمام ابعاد ادامه دهید

2- برای رسیدن به این هدف مقدس لازم است به نهضت اسلامی به همه ابعادش ادامه داد:

الف - ادامه اعتصابات در تمام دستگاه های دولتی و هدف اصلی اعتصاب همان است که در بند اول ذکر شد .

ب - پشتیبانی از اعتصابات کارمندان موسسات دولتی بخصوص کارمندان و کارگران شرکت نفت و جلوگیری از هدر دادن این مخزن عظیم و ادامه اعتصابات تا رسیدن به هدف اسلامی .

ج - کمک مالی به کسانی که در اثر اعتصابات ضرر دیده اند ، اعم از اصناف شجاع و کارگران و زحمتکشان متدین و محروم و کارمندان محترم و کمک برای ادامه اعتصاب در همه اقشار .

ارتش و قوای انتظامی از اوامر شاه سرپیچی و به ملت بپیوندند

بر صاحب منصبان و سران نیروهای هوایی ، زمینی و دریائی است که با افراد خود به ملت بپیوندند که اطاعت شاه اطاعت طاغوت است و بر سربازان و سایر قوای انتظامی است که از اوامری که بر خلاف مسیر ملت است سرپیچی کنند که اطاعت این اوامر مخالفت با قرآن مجید و پیغمبر اسلام

(صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) و امام عصر عجل اللہ تعالی فرجه الشریف می باشد و بر خانواده ها و عائله ارتش و سایر قوای انتظامی است که آنان را از مخالفت با ملت و از ظلم و ستم به خواهران و برادران اسلامی خود باز دارند و آنان را بر این اعمال ظالمانه مواخذه کنند که عاقبت این ستمکاری ها به ضرر آنان است . اینجانب از ملت شریف و شجاع ایران تشکر می کنم که با شجاعت و پایداری خود کنگره های قصر ستمکاری را یکی پس از دیگری فرو ریخت و دلیرانه این بت شیطانی را شکست .

صبر باشید که پیروزی نزدیک و خدا با صابران است

عزیزان من ! صبور باشید که پیروزی نهائی نزدیک و خدا با صابران است . خود و فرزندان نسل آتیه را سرفراز کنید که ایران امروز جایگاه آزادگان است و سستی و هراس به خود راه ندهید که نمی دهید و به وسوسه های شیطانی بستگان دستگاه ظلم گوش فرا ندهید . شما ملت ایران و همت و شجاعت شما زبانزد جهانیان و سرمشق آزادیخواهان است . من از این راه دور چشم امید به شما دوخته ام و آنچه در قدرت دارم در خدمت به شما که خدمت به حق است نثار می کنم و صدای آزادیخواهی و استقلال طلبی شما را به گوش جهانیان رسانده و می رسانم و از خداوند تعالی سلامت و عظمت شما ملت نجیب بزرگ را خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

روح اللہ الموسوی الخمینی

ص: 17

بیانات امام خمینی در مورد توبه و تعهدات فریبکارانه شاه

تعهد بر جبران اشتباهات گذشته و استمداد از روحانیون ، از تشبثات شاه برای حفظ سلطنت

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

باز شاه به دو وسیله برای نجات خودش متوسل شد ، یکی به وسیله فریب ، یکی به وسیله سرنیزه . به وسیله فریب این بود که نطقی که کرد التزام داد ، تعهد داد به ملت که این اشتباهاتی که کرده است دیگر همچو اشتباهی نمی شود و از این به بعد دیگر به قانون اساسی به همه معنا عمل می شود و جبران آن اشتباهاتی که کرده بوده میکند و از عموم ملت خواستار شد که دست از این مخالفت بردارند و از آیات عظمای و علمای اعلام خواستار شد که مردم را هدایت کنند که آنها آرام باشند و از سایر اقشار ملت از قبیل کارگرها و محصلین و جوان ها و همه اینها خواستار این شد که از این مخالفت ها دست بردارند و به ایران فکر کنند .

در حرف های ایشان خیلی مسائل هست ، یکی اینکه بررسی بشود که آیا این کارهایی که تا حالا انجام داده است ، اشتباهات بوده یا تعمدات بوده . این مخالفت هائی که از قانون کرده ، از اسلام کرده ، این خیانت هائی که به ملت کرده ، این جنایت هائی که کرده است ، آیا آنطور که ادعا میکند این اشتباهی این کار را کرده است ؟ مثلا این نفتی که به آمریکا داده خیال کرده است که اینها يك طایفه ای از ، يك محله ای از ایران است ؟ يك شهری از شهرهای ایران است و نفت را دارد به ایرانی ها می دهد ؟ ! این اسلحه هایی که به درد ما نمی خورد و به جای نفت پایگاه برای آمریکا درست کرده است خیال کرده است که این اسلحه ها ارز است ؟ ! پول است ؟ ! اشتباه کرده این ؟ ! به خیال اینکه دارد پول می گیرد لیره می گیرد این چیزها را گرفته است ؟ ! این جنایت هائی که در ایران تا حالا کرده است ، حبس هائی که کرده است ، زجرهائی که کرده است شکنجه هائی که داده است ، قتل های عامی که کرده است اینها اشتباهی بوده است ؟ ! مثلا به مدرسه فیضیه که ایشان کماندوها را فرستادند و ریختند در مدرسه فیضیه و قرآن ها را آتش زدند ، عمامه ها را آتش زدند ، جوان ها را دست و پا شکستند ، حجره ها را خراب کردند ، شکستند ، خیال می کرده است که این يك جائی از روسیه است و حمله به روسیه است و اشتباهی ، اشتباه از کار درآمده ؟ ! عقیده ایشان این بوده است که مدرسه فیضیه يك جائی است که از محل های

اجانب است؟! یا این اشخاصی که ایشان حبس کرده اشتباه کرده است و این اعتقادش این بوده است که در باغستان اینها را برده است؟! و حالا معلوم شده نه، این حبس بوده نه باغ!! این اشخاصی را که از علما در حبس رفتند یا کشته شدند یا پای آنها را در روغن داغ گذاشتند یا آنطور که می گویند اهره کردند پای بعضی ها را و همین طور از رجال سیاسی، اشتباهات بوده؟! اینها تخیلات بوده است؟! حالا از این اشتباهات دیگر ایشان نمی کنند و حالا تعهد دارند می دهند؟! مگر همین ایشان نبودند که اول سلطنتشان قسم خوردند، تعهد دادند (خوب کسی که بخواهد سلطنت پیدا بکند این تعهدات را باید بدهد) ایشان تعهد داده است و همین التزامات که حالا دارد می گوید آنوقت هم داده است و بعد از آن تعهدات و التزامات این کارها را کرده است، حالا يك تعهد دیگری که می دهد یعنی حالا فرق کرده است این تعهد با آن تعهد؟! یعنی حالا می گوید تعهدی است که دیگر قابل برگشت نیست؟! این تعهد آنوقت برگشت داشته اما حالا این تعهد دیگر قابل برگشت نیست؟! حالا این اشتباهاتی که کرده است. چطور جبران شده است؟! بیش از ده سال عمر يك انسان را، نه يك انسان، آنقدر انسان را ده سال در حبس، در يك محفظه با آن وضع، با آن شکنجه ها، با آن اذیت ها، با آن اهانت ها، ده سال، پانزده سال يك قدری کمتر، يك قدری بیشتر عمر اینها را تلف کرده، اینها جبرانش چیست؟! همین تعهد آقا جبران کرد اینها را که من تعهد کرده ام؟! یکی کسی که اینقدر جنایت کرده، حالا به مجرد اینکه آمد تعهد کرد حالا می خواهد تمام بشود قضیه؟! حالا ما فرض می کنیم که خیر تعهد ایشان صادقانه است، فرض است بر او (مطلب معلوم است) رضا شاه به مرحوم فیروز آبادی وقتی آمده بود به نجف، مرحوم فیروز آبادی در حرم ملاقات کرده بود، رضا شاه گفته بود من مقلد شما هستم آقا مرحوم فیروز آبادی گفته بود (مطلب معلوم است).

قضاوت ایشان من را یاد کتاب موش و گربه انداخت امروز. کتاب ارزنده ای است کتاب موش و گربه، کتاب آموزنده ای است. این همان وضع حال سلاطین و قلدرها را در وقت قدرت و در وقت کمی قدرت، وضع حيله بازی آنها را مجسم کرده است به اسم کتاب موش و گربه که سجاده را يك وقت انداخته و نماز خوانده و توبه کرده و پیش خدا استغفار کرده که من دیگر کاری نمی کنم، تا این موش های بیچاره بازی خوردند و برایش چیز بردند و امثال ذلك و بعد هم افتاد پنج تا از آنها را یکدفعه گرفت. آنوقت یکی یکی می گرفت حالا پنج تا پنج تا. ما می دانیم که شما توبه تان همان توبه گری است، همان توبه گری است، این را ملت دیگر می داند، لازم نیست اینقدر شما زحمت بکشید و هی حرف بزنید. این آیات عظام و علماء اعلام که حالا ایشان می گویند که (هدایت کنید مردم را، چه بکنید) اینها آنها بودند که تا دیروز هر وقتی که این صحبت می کرد (ارتجاع سیاه) اسم اینها بود. در لغت شاه اینها مرتجعین بودند آن هم مرتجعین سیاه

در یکی از نطق هایشان (آنوقت که ما قم بودیم) ایشان در يك جایی، یکی از شهرهای ایران گفت که از اینها، از این مرتجعین مثل حیوان نجس احتراز کنید. آن حیوان نجس که آنوقت گفت، حالا- آیات عظام شد و علمای اعلام! اگر مهلتش بدهند این آیات عظام و علمای اعلام که نفس بکشد، نفس

دوم باز حیوان نجس است. این اشتباهات که همه آن تعمدات بوده است و همه آن کارهای عمدی بوده است و خیانت‌ها همه عمدی بوده است و ایشان می‌گویند اشتباهات شده است، اینها اگر چنانچه این ملت به این مهلت بدهند تمام این اشتباهات دوباره از سر گرفته می‌شود الان این يك حيله ای است که ایشان مرتکب شده‌اند. از آن طرف با نطقش که (من متعهدم دیگر از این کارها نکنم، بیایید به حال ایران فکر کنید، بیایید همه تان به فکر ایران باشید!) ما به ایشان می‌گوئیم که ما چون فکر ایرانیم این حرف‌ها را داریم می‌زنیم. این ملت که می‌بینند ایران را شما از دست اینها دارید خارج می‌کنید، همه قلدرها را بر ما مسلط کردید، همه مخازن ما را بردید، از این جهت است که این ملت این قیام را کرده و این نهضت را کرده. ما هم برای این است که به فکر ایران هستیم و داریم فکر ایران را می‌کنیم، با شما که مبدا اشتباهات به قول خودتان و تعمدات به قول ما هستید مبارزه و معارضه می‌کنیم. فکر اسلام، فکر يك کشور مسلمان، فکر يك مستضعفین ما را وادار کرده که با شما اینطور معارضه و مخالفت بکنیم. (پس بیایید فکر ایران بکنید) ما فکر ایران می‌خواهیم بکنیم، فکر ایران هستیم، نه اینکه ما چون شما را با شما معارضه کردیم پس از فکر ایران رفته ایم. این باز این حرف‌ها را نمی‌کنند این آدم. چه جور، چه عنصری است این آدم؟ چه جور فکر می‌کند یا اینکه کی را بازی می‌خواهد بدهد؟ این الان به نظرش کی رسیده؟ کی بازی می‌خورد از این حرف که اگر ایشان نباشند ایران نیست دیگر. همین که ایشان سرشان را زمین بگذارند (بالاخره ایشان يك وقتی خواهند مرد، انشاءالله زودتر) آن روز به فرمایش ایشان دیگر ایرانی در کار نیست! بالاخره پس ایران از دست ما رفته است، یا حالا که بعد از ده روز دیگر، یا بعد از مثلا چند ماه دیگر به فرمایش ایشان ایران دیگر رفتنی است برای اینکه آن که ایران را نگهداشته ایشان است و وقتی ایشان نباشد دیگر تن ما مبادا!

این يك راه است که ایشان تشبث کرده و همان راه خدعه است که دیروز وزیر ایشان آمد و وزیر ایشان هم که ایشان گفته است (یا که از بالا سر، ارباب‌ها دیکته می‌کنند این حرف‌ها را) آن روز هم خودشان آمدند و (اشتباه کردیم و چه کردیم، بیایند همه با هم چه بکنیم، جوان‌ها بیایند با هم مصالحه بکنیم) به این حرف مردم گوش نداد. همین امروز در جاهای مختلف ایران در تهران و جاهای دیگر همان حرف‌هایی بود که بود.

چماق و سرنیزه دو پناهگاه شاه

تشبث دومشان هم این بود، پناه به سرنیزه برده. الان دو پناهگاه ایشان دارند یکی چماق است، چماق اشرازی یا آنهایی که اجیر کردند، پول می‌دهند يك اشرازی را اجیر می‌کنند و با چماق به جان مردم می‌اندازند، یکی هم سرنیزه این اشخاصی که در خیابان‌ها دارند چه می‌کنند، این سرنیزه تازگی ندارد حالا مدتی است که با سرنیزه ما زندگی می‌کنیم، ملت ایران مدتی است که، ایشان دیگر پناهگاهی ندارد جز سرنیزه و چماق. آقائی که تا دیروز، حالا هم اگر يك خرده ره‌ایش کنند باز می‌گویند این حرف‌ها را، حالا عجب است که امروز نگفته که ملت شاهدوست؟! اصفهان داشت فریاد مردم بلند

می شد و داد و قال می کردند که مرگ بر این سلطنت پهلوی . ایشان در نقش می گفت مردم اصفهان شاهدوست !! آن کس که پهلویش بوده از عمالش (مردم ایران اصلش به تخت و تاج علاقه دارند! علاقه ذاتی این مردم به این تخت و تاج دارند!) این منطق ایشان است که مردم رژیم سلطنتی را می خواهند ، چه بکنند بیچاره ها ، الان این همه فریادها برای این است که احتمال می دهند خدای نخواستہ مثلا یک رژیم سلطنتی به هم بخورد از این جهت به خیابان ها می ریزند و فریاد می زنند!!

ایستادگی ملت در برابر حکومت های نظامی رسمی و غیر رسمی شاه

این هم یک تشبث ایشان کردند که به سر نیزه پناه بردند و به چماق پناه بردند . اینهم یک چیزی است که تا حالا مدتی است که این مساله هست و فایده نکرده یعنی آن حکومت نظامی که از قوانینش مثلا این است که یا اعلام کردند به اینکه بیش از دو نفر نباید اجتماع بکنند ، اگر اجتماع بکنند چه خواهد شد ، در همان پشت سر اعلامیه و پشت سر این حرفها هفتاد هزار نفر ، صد هزار نفر ، سیصد هزار نفر مردم حرکت می کردند و از این طرف و آن طرف می رفتند و حرف هایشان را می زدند . این حکومت نظامی نتوانست در مردم تاثیر بکند . یک مردمی که از جان خودشان گذشتند دیگر این را نمی شود با حکومت نظامی اینها را جلوگیری کرد . یک مردمی که جوانشان را می دهند و بعد هم افتخار می کنند ، یک زنی که اولادش را ، جوانش را فدا می کند و بعد هم می گوید که من مفتخرم به اینکه یک همچین خدمتی به اسلام کردم ، این نمی شود دیگر با سرنیزه ، مگر سرنیزه غیر از این است که می کشد آدم را آن هم می گوید من می خواهم بکشند مرا این را نمی شود با سرنیزه ، این راه حل های احمقانه است که یک وقت حکومت نمی دانم آشتی می آورند و آن بساط را درست می کنند حالا هم حکومت نظامی آوردند ، حکومت نظامی ! مگر - شما- تا حالا حکومت مان نظامی نبوده ؟ بله حاکمش نظامی نبوده است یعنی یک نفر وکیل بوده حالا- حاکم شده اما حکومت ، آنکه طرز حکومت بود طرز حکومت نظامی بود یعنی همه ایران حکومت نظامی بود ، بعضی های آن رسمی بود ، بعضی های آن غیر رسمی بود . مردم حکومت نظامی را دیده اند دیگر چیز عجیبی نیست که حالا به چشم مردم عجب بیاید و بترسند از آن ، چیز عادی مردم است . کسی خیال کند که این راه حل است ، حکومت نظامی راه حل است یا دنبال این مثلا آمریکا خیال بکند به اینکه کودتای نظامی می شود ، کودتای نظامی میشود این رژیم را می برد و نظامیان می آیند ، مگر می شود ؟ یعنی در مردم مگر تاثیر دارد این ؟ مردم عادت کردند به این حکومت نظامی ها . یک چیز تازه ای یک وقت بود ، سابق بله ، سابق ایام که مردم باز آشنا به این مسائل نبودند و نشده بودند ، اگر یک نظامی می آمد توی بازار و هر غلطی می خواست بکند کسی نبود بگوید نه . اگر دو تا ستاره اینجای یک کسی بود دیگر وامصیبتا بود ، هر جا می رفت و هر کاری می خواست بکند و هر شرارتی می خواست بکند ، کسی نبود که بگوید نه ، اما حالا اگر خودش هم بیاید وسط میدان می ریزند تکه تکه اش می کنند . حالا غیر آنوقت است ، این ملت غیر آن ملت است . این تحول که حاصل شده است برای این ملت ، مردم را عوض کرده ، یک چیز دیگرند اینها ، یک موجودات دیگری شده اند

اینها . اینها دیگر خوف اینکه حکومت نظامی بشود یا مثلاً يك رژيم نظامی روی کار بیاید ، اینها خوف این را دیگر ندارند برای اینکه نظامی هم این است که اینها دیده اند و همراهش مبارزه و معارضا کردند و ازش كتك هم خورده اند و آدم هم ازشان كشته اند ، همه اینها را مردم دیده اند . وقتی بنا شد که آدم را بخواهند بكشند ، چه رژيم نظامی باشد ، چه حکومت نظامی باشد ، چه عادی باشد . مردم تن داده اند به كشته شدن . بنابراین اینها راه حل نیست که کسی بخواهد حل كند يك قضیه ای را یعنی درد مردم را دوا بكند .

مخالفت روحانیون با شاه بر سر اغراض و منافع شخصی نیست

در روزنامه شوروی هم يك چیزی نوشته بود (یکی از اتباع آمریکا هم ، از دوستان شاه و اتباع آمریکا هم همان را تکرار کرده بود که این ، آن به تعبیر دیگر آمده ، این به تعبیر دیگر) به تعبیر اینکه این روحانیون که در این قضیایا مخالفند با شاه این اصلاحات ارضی ضرر به آنها زده است ، چون ضرر به آنها زده است از این جهت منافعشان در خطر شده است ، اینها مخالفت می کنند . آن هم گفته است که فلان آدم ، فلانی ، این غرض شخصی دارد با شاه . ما دیروز عرض کردیم که غرض شخصی نیست و قضیه این حرف ها نیست . اما این که او نوشته است ، آن هم اشتباه است برای اینکه روحانیون حالا زندگی شان خیلی بهتر از آنوقتی است که اصلاحات ارضی نشده بود ، هر که می خواهد برود ببیند . اگر مساله ، مساله چیز است که زندگی شان چطور است ، زندگی روحانیون حالا صد درجه بهتر از آنوقت است ، چیزی از آنها بهم نخورده است که ، اگر نفوذ کلمه ندارند ، که نفوذ کلمه هم دارند لکن دارید می بینید دیگر . اگر ندارند چطور ایشان تشبث کرده که (ای مراجع عظام ، ای علمای اعلام بیایید این مردم را هدایت کنید ، بیایید چه بکنید) يك دفعه اینها آن می شوند! يك دفعه وقتی جواب کاغذ مراجع را می دهد در همان اوایل امر می گوید که می نویسد که ، شما بروید ارشاد عوام را بکنید یعنی شما حق دخالت در امور مملکت ندارید ، بروید ارشاد عوام بکنید . به ایشان باید گفت که ما ارشاد عوام را کردیم ، عوام الان هدایت شدند و ارشاد شدند و شما خواب بودید اینها ارشاد کردند ، حالا که ارشاد کردند تشبث پیدا کردید که (حالا بروید دیگر ، مرا حفظ بکنید الان و چه بکنید ، به ایران فکر بکنید!)

مظاهر تمدن بزرگ (صلی الله علیه و آله و سلم)

اینها تشبثات است ، فایده ندارد هیچی غیر از يك کلمه و آن این است که این رژيم برود و این آمریکا و شوروی و نمی دانم انگلستان و همه اینهایی که در این سفره ایران که افتاده مجانی دارند استفاده می کنند ، اینها هم دست مجانشان را بردارند . ما که نمی خواهیم بهشان نفت ندهیم تا دست و پا بزنند که يك ملتھائی را از سرما خواهید شكست ، نخیر ، ما می خواهیم نفتمان در اختیار خودمان باشد ، هر مقدار دلمان می خواهد بفروشیم و می فروشیم . هر رژيم پیش بیاید نقش را می خواهد بفروشد اما نه اینطور . غارت گری را ما با آن مخالفیم ، نه فروش را به قیمت صحیح خودش به قیمت

صحیح خودش می فروشیم و ارز می گیریم . پول می خواهیم ما ، می خواهیم مردم برای -مردم - صرف بشود . اینجا نفت ما را زیادتر از آن اندازه ای که باید استخراج کنند استخراج می کنند ، پول هم که نمی گیرند یا آهنپاره می گیرند یا طیاره های به آن قیمت های گزاف می گیرند . آن مقداری هم که می گیرند صرف این ملت نمی شود . الان این ملت چی دارد بیچاره ؟ شما چهار تا بازاری مثلا چیزدار تهران را یا چهار تا از ارباب هائی که از همین طعمه ارتزاق می کنند نگاه نکنید ، شما پایتان را توی زاغه ها بگذارید ، شما پایتان را تو دهات بگذارید بروید خوزستان و دهات خوزستان را ملاحظه کنید ، تاسف دارد خدا می داند . آب ، شط آب دارد در خوزستان . من يك وقتی که شاید سی سال پیش از این ، چقدر سال پیش از این بود که عبور کردم از ، به خوزستان رفتم ، می خواستم عتبات بروم ، خوب این آب يك شط آب است ، يك رود و دورود نیست ، يك شطی که کشتیرانی توی آن می شود ، زمین ، تا چشم می کنی زمین افتاده و هیچ زراعت ندارد ، من توی ذهنم آمد که شاید ، شاید خاک این لیاقت زراعت ندارد . يك جایی پیاده شدیم من رفتم خاک را برداشتم خاک خوب ، لکن دست خیانت نمی گذارد . آب از آنجا دارد هرز میرود زمین هم آنجا افتاده است و مردم خوزستان برای اینکه بچه هایشان را که مریض می شوند پیش يك طبیب بروند طبیب نیست ، هیچی ندارند ، در ده تا ده ، بیست تا ده يك وقت می بینی يك درمانگاه نیست ، تمدن بزرگ این است ؟ ! يك درمانگاه در بیست تا ده ! بعضی جاها درمانگاه اصلش نیست ، طبیب نمی دانند چی است . در روزنامه های خودشان نوشتند که آب اینقدر نیست که -این - صبح که این بچه را از خواب بلند می شود و چشمش را به واسطه تراخمی که برای خاطر حکومت فاسد این تراخم ها هست ، چشمش را نوشته آب ندارند تا تر کند چشمش باز بشود ، با بول این کار را می کند . در روزنامه بود این با بول این چشم بچه را که -تراخم - به واسطه تراخم به هم چسبیده تر می کنند که نوشته اند برای نداشتن آب (توی روزنامه اینطور بود) يك همچو زندگی ما داریم در اثر اشتباهات آقا!! آقا اشتباه کرده اند تا حالا ، حالا بعد از این اشتباهات بیرون می روند یعنی ایران می شود تمدن بزرگ ! اشتباه شما یکی و دو تا و ده تا نیست ، تعمدات شما یکی و دو تا و ده تا نیست . مرتب از مابین روزنامه نگارها می پرسند به اینکه خوب ، شما چرا با شاه بدی ؟ این چرا دارد ؟ ! خوب شما برسید ، این ملت ، این فریاد بچه ها و آن فریاد بزرگ ها ببینید چه کرده این آدم که با او بد هستند . با او بد هستند از باب اینکه يك دشمنی شخصی با هم دارند ؟ ! سی میلیون دشمن شخصی است ؟ !

آشتی و سازش با شاه خیانت به اسلام و ملت است

این شاه اینقدر خیانت کرده است و اینقدر جنایت کرده در این مملکت که دیگر راه آشتی نیست . راهی نیست که کسی بگوید که شما اشتباهاتتان تا حالا هیچ ، حالا از این به بعد انشاءالله که اشتباه نمی کنی . راه نگذاشتی برای این کار . امکان ندارد يك همچو مطلبی . اگر يك روحانی ، يك سیاسی ، يك بازاری ، يك دانشگاهی بخواهد بگوید که بیائید ، به مردم بخواهد این را بگوید بیائید با هم خوب سازش کنید ، شاه امروز آمده توبه کرده و عرض کنم که استغفار کرده ، خوب ، بیائید

ببخشید، این را مردم خائن می دانند چه چیز را ببخشیم؟ مگر يك مطلبی است قابل بخشش؟ آقا بچه ها و جوان های ما را به خون کشیده، چه چیز را ببخشیم ما؟ مملکت ما را به باد داده این آدم، کجایش ببخشیم؟ از حالا به بعد چی؟ خاندان های مردم را به عزا نشانده، حالا بسم الله الرحمن الرحيم تمام شد قضیه؟! (ببخشید من اشتباه کرده بودم) این حرف شد در عالم؟! برای کی این حرف ها را این می زند. در هر صورت مسیر همین است. غیر از این، هر کس غیر از این فکر کند خائن به ملت است، خائن به مملکت است. هر کس غیر از این فکر کند خائن به اسلام است. اگر این رامهلت بدهید فردا نه اسلام برای شما می ماند، نه مملکت برای شما می ماند، نه خاندان برای شما می ماند. مهلت ندهید این را، فشار بدهید این گلو را تا خفه بشود.

انشاءالله خداوند همه شما را توفیق بدهد، موید باشید، خونسرد باشید و خداوند شر این ارباب ها را از سر ما کم کند

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 24

مصاحبه امام خمینی با خبرنگار روزنامه یونان (توزیها)

سؤال: ملت بزرگ ایران در مبارزه نهائی برای رهائی از چنگال سلسله پهلوی و ساختمان آینده نوین گام نهاده اند، آیا اعتقاد دارید که این مبارزه اکنون به پیروزی نزدیک میشود؟ در این صورت اعتقاد شما مبتنی بر چه واقعیت است؟

جواب: بله ما اعتقاد داریم که مبارزه به پیروزی نزدیک است. امروز شاه و نظام سلطنتی بیش از هر زمان دیگری متزلزل می باشد شاه برای حفظ خود یا سلطنت خانواده اش حاضر به هر گونه عقب نشینی شده است. ملت ما طی تظاهرات مداوم چند میلیون نفری و دادن هزارها تلفات مخالفت قاطع خود را با نظام کنونی اعلام کرده است. ملت ما قیام کرده است و همین ملت پیروز است.

سؤال: به نظر شما دخالت های خارجی که هدفشان سلب آزادی و استقلال ملت ایران می باشد کدام است؟

جواب: سیاست های خارجی آمریکا و انگلیس و روسیه و چین و سایرین از رژیم فاسد شاه و جنایت های او پشتیبانی می کنند، اقتصاد ما را بر هم زده، ارتش ما را وابسته کرده و فرهنگ ما را آلوده ساخته اند اما ملت با قیام خود به دخالت های این اجانب پایان خواهد داد.

سؤال: مقام و موضع مرحله جدید مبارزات خلق ایران را نسبت به مبارزات زمان دکتر مصدق چگونه می بینید؟

جواب: مبارزات کنونی ایران یک حرکت کاملاً اسلامی است و در جهت تغییر کامل نظام شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی می باشد.

سؤال: اثرات آینده پیروزی خلق ایران در سرنوشت خاورمیانه چه خواهد بود؟

جواب : پیروزی ملت مسلمان ایران بدون شك سرمشق خوبی برای سایر ملل ستمدیده جهان خصوصا ملت های خاورمیانه خواهد بود که چگونه يك ملتی با اتکاء به ایدئولوژی انقلابی اسلام بر قدرت های عظیم فائق می آید .

ص: 26

مصاحبه کنونی ایران را چگونه ارزیابی می فرمائید؟

سؤال: اوضاع کنونی ایران را چگونه ارزیابی می فرمایید؟ جواب: رژیم فاسد شاه با اجرای سیاست های غلط و ویرانگر خود باعث ورشکستگی مملکت شده است، با اعمال زور و شکنجه و اعمال خلاف انسانی هزاران نفر را از بین برده است، اما مردم ما علیرغم همه این فشارها، علیه شاه و خاندان او قیام کرده اند و نهضت عظیم اسلامی مردم ما تا سرنگونی رژیم سلطنتی ادامه خواهد یافت.

سؤال: شما تصریح فرموده اید که راغب ایجاد حکومت اسلامی هستید همانند حکومتی که در ایام علی - رضی الله عنه - وجود داشت، آیا معنی آن این است که به هنگام سقوط خاندان پهلوی، حکومت خلافت اسلامی را بر پا خواهید داشت؟

جواب: حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام علی علیه السلام الهام خواهد گرفت و متکی به آراء عمومی ملت می باشد و نیز شکل حکومت با مراجعه به آراء ملت تعیین خواهد گردید.

سؤال: از سال 1963 شاه شما را متهم می کند که در مقابل گام های اصلاحی وی ایستاده اید، نخست از انقلاب سفید تا برسد به آنچه او اعطای آزادی (لیبرالیسم) نامیده است، رد شما بر این اتهامات چیست؟ برنامه سیاسی و اصلاحی که شما بدان فرا می خوانید و یا به اجرا در خواهید آورد چیست وقتی به حکومت رسیدید؟

جواب: هدف شاه از انقلاب ادعائیش وابسته کردن هر چه بیشتر کشور به آمریکا بود و در زمینه اصلاحات ارضی، آمار واردات سالیانه مواد غذایی، این مطلب را به خوبی نشان می دهد و در روستاها نیز فقر دهقانان به حدی رسید که دسته دسته به طرف شهرها هجوم بردند تا با زندگی در زاغه های اطراف شهر و دستمزد ناچیز کارخانه ها سد جوع کنند. لذا برنامه ما

این است که کشاورزی کشور با تامین شرایط زندگی دهقانان هم سطح سایر مردم کشور به حدی رسد که کلیه نیازهای داخلی را برآورده سازد و صنایع مونتاژ استعماری را که نتیجه آن حداقل سطح زندگی کارگر و افزایش درآمدهای افسانه ای افرادی محدود شد، به صنایع مستقل و مطابق نیازهای جامعه تبدیل نماید و در زمینه منابع زیرزمینی مطابق مصالح و نیازهای داخلی با رعایت مصالح بشری در سطح جهانی استفاده شود.

سؤال: در گذشته به افسران و سربازان ارتش ایران ندهائی در مورد عدم اجرای اوامر شاه داشته اید و تا کنون هنوز موضع ارتش در میان کلیه احزاب سیاسی در ایران نامعلوم است، آیا شما هنوز انتظار موضعی از ارتش دارید؟ چه موضعی و چگونه؟

جواب: نیروهای نظامی از همین مردم هستند و ما امیدواریم که آنها هر چه زودتر به خود آیند و به صفوف مبارزه ملت بپیوندند ولی آنچه مسلم است شاه نمی تواند تنها با اتکاء به ارتش به حکومت خود ادامه دهد. سؤال: در حال وقوع يك حرکت کودتای نظامی بر ضد شاه، موضع شما چه خواهد بود؟ برای حرکت ارتش دو فرض متصور است: 1- در کنار جنبش توده های مخالف. 2- و امکان دارد شکل دیکتاتوری به خود بگیرد همان گونه که در شیلی رخ داد، بنابراین چه راهی است که شما را قادر سازد مانع از شکل دیکتاتوری گردد؟

جواب: بن بست کنونی رژیم، نتیجه دیکتاتوری شاه و برنامه های استعماری او متکی به ارتش و سازمان های پلیسی می باشد و کودتای نظامی قهرا به دست اجانب انجام میشود و چیزی جز ادامه وضع کنونی نیست. لذا هیچ مشکلی را حل نمی کند و تا حکومتی به دست خود مردم سرکار نیاید مبارزه آنان ادامه خواهد داشت.

سؤال: اتصال رئیس جمهور آمریکا، کارتر با شاه و کمک وی به شاه، روز جمعه سیاه عامل مهمی بود که شاه مجدداً به قدرت خود اطمینان یابد. شما معتقدید تا چه وقت ایالات متحده آمریکا شاه و رژیم او را در حمایت خواهد داشت؟

جواب: حمایت کارتر از شاه اوضاع را مشکلتر می کند و بر شدت مبارزات ملت ایران می افزاید و او باید هر چه زودتر بفهمد که حمایت از شاه نه به نفع ملت ایران است و در نتیجه به نفع مردم آمریکا نیز نیست.

سؤال: در وقتی که درها برای امکان مذاکره باز شد، چه زمینه ای برای مذاکره با ایالات متحده آمریکا دارید؟ و حدود این مذاکره چیست؟
جواب: ملت ایران با دولت ایالات متحده یا هر دولت دیگری که از شاه و جنایات او حمایت می کند تا زمانی که آزادی و استقلال کشور تامین نشده است، مذاکره ای نخواهد داشت و پس از سرنگونی رژیم شاه با همه ملل جهان بر اساس حفظ آزادی و استقلال کشور گفتگو خواهیم کرد.

سؤال: در گذشته تصریح فرمودید وقتی که تظاهرات کنونی در ایران به اسقاط شاه منجر نگردد، شما مردم را به جنبش مردمی مسلحانه فرا خواهید خواند، اعتقاد دارید که چه زمانی برای اعلان جنبش مسلحانه فرا خواهد رسید؟

جواب: ما هنوز امیدواریم که مبارزات ملت ایران با شیوه ای که فعلا تعقیب می شود به سرنگونی رژیم شاه بیانجامد.

سؤال: در این اواخر عده ای از شخصیت های مخالفین در ایران را استقبال کرده اید و در بین آنان دکتر سنجابی نیز بوده است و گفته شده کسانی را که شما با آنان گفتگو کرده اید، با رای شما مبنی بر ضرورت سرنگونی شاه و خانواده اش موافقت کرده اند، آیا این اتحاد نظر مقدمه تشکیل يك جبهه مشترك برای مخالفین به حساب می آید؟ و آیا می پذیرید دسته های مارکسیستی از مخالفین در هنگام ایجاد این جبهه بدان پیوندند؟

جواب: جنبش اسلامی کنونی ملت ایران همه جامعه را در بر گرفته و به همین صورت هم به پیش می رود و متذکر می شوم که ما با هیچ جبهه و دسته ای رابطه نداشته و نداریم و هر کس و یا هر گروهی که مسائل ما را نپذیرد، او را نمی پذیریم.

سؤال: گفته می شود اینکه اصرار شما مبنی بر سقوط خانواده پهلوی و قهرآمیزی اغتشاشات مردمی ایران از حدود درگیری سیاسی تجاوز خواهد کرد و اینکه قهرآمیزی مزبور در حقیقت مبارزاتی است از اکثریت مردم بر ضد اقلیت های مذهبی، صحت این گفتارها در چه حدی است؟

جواب: جنبش کنونی ملت مسلمان ایران با هدف های سه گانه ای که اعلام شده است، همه افراد

جامعه را دربر گرفته و هر کس یا هر گروهی که این هدف های سه گانه را تایید و تعقیب کند ، حقوق حقه او محفوظ خواهد بود .

سؤال : روابط خود را با همسایه های عرب ایران چگونه می بیند ؟

جواب : جهت نهضت اسلامی ما بر ضد این رژیم شاه است و هر گروه و دسته ای هم که با این رژیم همکاری کند و آنها را استعانت نماید مورد مخالفت و نفرت مردم قرار می گیرد .

علائق ما با ملت های همسایه و مسلمان عرب دارای ویژگی های خاص اسلامی است لذا ما خواستار نزدیکی هر چه بیشتر این ملت ها با هم می باشیم این استعمار و دست اجانب است که میان این مسلمانان اختلاف انداخته و می اندازد .

سؤال : ناپدید شدن امام موسی صدر فکر هموطنان لبنانی را اشغال کرده است ، آیا در خصوص آن تماس هائی برقرار کرده اید ؟ و نتیجه تماس ها چه بوده است ؟

جواب : در خصوص وضعیت حجت الاسلام آقای سید موسی صدر که مورد علاقه بسیاری از مسلمین است اقداماتی کرده ایم و متأسفانه تا کنون به نتیجه نرسیده ایم .

سؤال : در خلال اقامت خود در فرانسه آیا تماس هائی بین شما و حکومت فرانسه حاصل شده است ؟

جواب : خیر .

سؤال : گفته شده شما بر اثر ارزیابی اوضاع در لبنان ، بر پیشنهاد اقامتتان در لبنان موافقت نکرده اید ، آیا جائی برای خود ، خارج از فرانسه برگزیده اید ؟ و کجا ؟

جواب : اقامت من در فرانسه موقتی است .

مصاحبه امام خمینی با رادیو تلویزیون آلمانکنال 2

سؤال: شاه ایران حکومت نظامی تشکیل داده، نظر یا عکس العمل شما چیست؟

جواب: با این حکومت نظامی، مردم همان رفتار را می کنند که با حکومت های نظامی دیگر کردند و این دست و پا کردن ها در ایران دیگر هیچ رنگی ندارد و فایده ای برای شاه ندارد. شاه باید برود و چاره ای جز این نیست.

سؤال: حضرتعالی سلطنت مشروطه را قانونی قبول خواهید کرد؟ و اگر شاه استعفا بدهد و فرزندش به جای او بنشیند، مورد قبول شما خواهد بود؟

جواب: هرگز سلطنت مشروطه مورد قبول ما و ملت نخواهد بود، بلکه رژیم سلطنتی باید از بین برود و این سلسله هم بخصوص مورد تنفر این ملت است، باید از بین برود و مردم خودشان رژیم را انتخاب کنند سؤال:

موضع و روابط حضرتعالی پس از اینکه حکومت اسلامی در ایران به قدرت برسد در رابطه با کشورهای بزرگ دنیا، ابرقدرت ها و کشورهای شرق و غرب و سایر کشورها چگونه خواهد بود؟

جواب: تمام کشورها اگر احترام ما را حفظ کنند، ما هم احترام متقابل را حفظ خواهیم کرد و اگر کشورها و دولت ها بخواهند به ما تحمیلی بکنند، از آنها قبول نخواهیم کرد. نه ظلم به دیگران می کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می رویم.

سؤال: راجع به مسلمانانی که در روسیه هستند، آیا مورد نظر شما هستند و کمکی بدیشان برای رهایی شان می توان کرد؟

جواب: آنها برادران ما هستند. ما با تمام مسلمانان برادر هستیم و این يك اصل اسلامی است که هر مسلمانی باید به مسلمان دیگر کمک کند.

مصاحبه امام خمینی با تلویزیون آمریکائی سی بی اس

سؤال: واکنش حضرتعالی درباره آخرین مساله ای که اتفاق افتاده تغییر دولت و سخنرانی شاه چیست؟

جواب: تغییر دولت ها تاثیری در نهضت عمومی مردم ایران ندارد. دولت ها چه دولت نظامی باشند و چه دولت های دیگر، نمی توانند مسائل را حل کنند یعنی قیامی که از مردم صادر شده، این قیام را بشکنند. حرف های شاه هم حرف هائی است که دیگر ملت از او نمی پذیرد. این مطالبی که حالا گفته و تعهدی که داده است، آغاز سلطنتش هم این تعهد را داد و قسم خورد، تعهد را داد و خلاف کرد. اکنون دیگر این تعهدات اثری ندارد. ایشان بدون اینکه خودشان را خیلی زحمت دهند باید بروند تا ملت خودش تکلیف کشور را تعیین کند.

سؤال: چگونه می خواهید شاه را برکنار کنید؟ با قیام مسلحانه؟ یا با قرار دادن ارتش در کنار مردم؟ چگونه؟

جواب: ما امیدواریم احتیاجی به قیام مسلحانه نیفتد و با همین اعتصابات و تظاهرات و اظهار انزجار ملت، مسائل حل شود و امید این را داریم ارتش هم که از خود این ملت است و ملت برادر اوست پشت به ملت نکند و در کنار ملت قرار گیرد لکن اگر این شکل مبارزات ملت مفید واقع نشد و لازم آمد یک طور دیگر عمل شود، ممکن است ما تجدید نظر کنیم.

سؤال: شما با شاه چه خواهید کرد؟ آیا قبول دارید که نفی بلد شود؟ یا باید محاکمه گردد؟

جواب: اگر شاه فرار کند که دست ما به او نمی رسد ولی اگر او را دستگیر کنیم بر حسب قوانین و احکام حکومت اسلامی رفتار خواهیم کرد، اگر چنانچه مرتکب قتل شده باید او را قصاص کنند و اگر امر به قتل کرده حبس ابد خواهد شد و علی ایحال حکومت وی باید از بین برود و خودش هم به واسطه خیانت ها و جنایت هایی که کرده است باید محاکمه شود.

سؤال: دولت پیشنهادی شما چگونه خواهد بود و چه کسی آن را اداره خواهد کرد؟

جواب: راجع به چگونگی دولت و رژیم، پیشنهاد ما جمهوری اسلامی است و چون ملت، ملت مسلم است و ما را هم خدمتگزار خود می داند، از این جهت حدس می زنم به پیشنهاد ما رای دهد. ما از طریق رفتارندم با ملت يك جمهوری اسلامی تشکیل می دهیم. و اما شخص، این تابع آراء مردم است و الان شخص معینی در نظر نیست.

سؤال: رابطه يك دولت اسلامی و دولت آمریکا در آینده چگونه خواهد بود؟

جواب: باید ببینیم آمریکا خودش در آینده چه نقش دارد. اگر آمریکا بخواهد همانطور که حالا با ملت ایران معامله می کند با ما رفتار کند، نقش ما با او خصمانه است و اگر چنانچه آمریکا به دولت ایران احترام بگذارد، ما هم با همان احترام متقابل عمل می کنیم و با او به طور عادلانه که نه به او ظلم کنیم و نه به ما ظلم کند، رفتار خواهیم کرد و اشکالی پیش نمی آید.

ص: 33

سخنرانی امام خمینی در غفلت ها و اشتباهات علما و رجال سیاسی در طول سلطنت سلسله پهلوی

اشتباهات علما و رجال سیاسی در طول سلطنت پهلوی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

در طول سلطنت این سلسله يك اشتباهاتی شده است که خیلی موجب تأسف است. بعضی اشتباهات در زمان رضا شاه و بعضی هم در زمان حکومت این. از اول که کودتا شد، کودتای رضا شاه شد و با امر انگلیس ها این امر واقع شد. اشتباه این بود که، آنهایی که اطلاعات داشتند و مسائل را می توانستند بفهمند، مردم را مطلع نکردند. رضا شاه هم بعضی از این کارهایی که، این آدم می کند، در اوایل امرش شروع کرد، روضه خوانی شروع کرد، دستجات ارتش را در روز عاشورا، (اینها را من خودم شاهدیم، یادم هست) دسته های ارتش را روز عاشورا برای سینه زنی بیرون آورد، خودش این تکیه هائی که در تهران بود راه می افتاد دوره و به این تکیه ها یکی یکی می رفت، در آن جائی که بود روضه خوانی مفصل داشت، این سنخ حقه بازی هائی که حالا این دارد يك جور دیگر، او هم از اول با این سلاح وارد شد و همان وقت هم اشخاصی بودند که اطلاع بر این مسائل داشتند و می دانستند که این چه جور است. یکی از غفلت هائی که شده است این است که اینها شروع نکردند که به مردم، به ملت، چهره او را نمایش بدهند.

دنبال این کارهایی که ریاکارانه انجام داد، آن چهره دیگرش را نمایش داد که تمام پایگاه های مذهبی را تعطیل کرد، یعنی تمام تکیه ها و مجالس وعظ و خطابه و اینها را، تمام را بکلی تعطیل کرد که در تمام ایران دیگر يك مثلا مجلس روضه خوانی، يك مجلس وعظ و خطابه نگذاشت بماند و آن کارهایی که همه می دانید و کرد و باز در همان زمان یکی از اشتباهات این بود که مردم یا آنهایی که باید مردم را آگاه کنند پشتیبانی از مدرس نکردند. مدرس تنها مرد بزرگی بود که با او مقابله کرد و ایستاد و مخالفت کرد و در مجلس هم بعضی ها موافق با مدرس بودند و بعضی ها هم سر سخت مخالفت می کردند با مدرس و در آن وقت باز يك جناح هائی می توانستند که پشت سر مدرس را بگیرند و پشتیبانی کنند و اگر پشتیبانی کرده بودند مدرس مردی بود که با منطق قوی و اطلاعات خوب و شجاعت و همه اینها موصوف بود و ممکن بود که در همان وقت شر این خانواده کننده بشود و نشد. از آن بدتر که من هر وقت فکرش را می کنم واقعا متأسف می شوم این است که خوب، متفقین حمله کردند به ایران و آن

حرف هایی که رضا شاه می زد و آن ثناخوانی هایی که برای او می کردند و خودش می کرد که دیگر این مملکت مملکتی است که هیچ کس دیگر قدرت ندارد به آن تعرض کند - هیچ کس دیگر چطور - مثل ثناخوانی های خود ایشان . پسر ، پسر اوست ، واقعا پسر اوست ، پسر حق است ! بعد از اینکه دیدند يك طبل تو خالی بود ، اعلامیه اول به دوم نرسید . اینها وقتی که می گویند مؤاخذه کرد از یکی از این سر کرده ها که آخر چرا ، دو ساعت ؟ گفتند پنج دقیقه باید باشد ، دو ساعت چیست چیزی نداشتیم ، آنها همه چیز داشتند . يك مملکتی که آنهمه بساط درست کردند برای اینکه سرکوبی کرد همه را چه ، همه را چه ، این سرکوبی ها ، سرکوبی های قدرت خود ملت بود در زمان رضا شاه ، قدرت هائی ملت داشت ، البته آنها هم متعددی بودند لکن پشتوانه مملکت بودند . آنها را با همین امر خارجی ها خلع سلاح کرد و هر زور و قدرتی را با بست و بندی که می کرد با خارج و اینها ، قدرتش را گرفت و آنها هم ، خارجی ها هم این مطلب را روی نقشه عمل می کردند که این قدرت هائی که در ایران هست این قدرت ها را بگیرند از دستشان و خلع سلاحشان کنند که اگر يك وقتی اینها بخواهند يك مثلا قدرت نمائی بکنند دیگر چیزی دستشان نباشد . در هر صورت او این کار را کرد و قدرت ها را هم از دست اینها گرفت و خودش هم به همانطور که میدانید رفت و بردند او را و جواهرات مملکت را هم (به طوری که من نقل می کنم از کسی که او نقل می کرد از يك صاحب منصبی که همراه رضا شاه در این سفر موریشس بود که چمدان های جواهر همراه رضا شاه جمع کرده بود اینها را که ببرد) به او گفتند بیا برو جای دیگر ، او خیال می کرد حالا می خواهند او را ببرند آنجا و خوب آنجا برود در يك قصری مثلا زندگی کند ، جواهرها را حمل کردند و او گفته بود که وقتی ، یعنی قصه ها نقل کرده بود او ، یکی اینکه سر پلی که باید از آنجا دیگر عبور کنند ایستاد و گریه کرد ، گریه بی اثر و او را با همه جواهرات و چمدان های پر در يك کشتی بردند و بعد از آن در میان دریا که رسیدند يك کشتی دیگری که مخصوص حمل دواب بود آوردند و متصل کردند به این و گفتند برو (باید برود) رفت و چمدان ها کو ؟ گفتند می آورند آنها را ، ایشان از آن راه رفت و چمدان ها از آن راه رفت حالا- پیش انگلیس ها . حالا ایشان هم دارد می فرستد . بله ، او رفت و اینکه موجب تأسف است و واقعا موجب تأسف است ، این است که مردم دیده بودند تعدیات رضا شاه را ، چیزی نبود که دیگر مخفی باشد . من خودم شاهد این قضیه بودم که وقتی که سه مملکت ، یعنی لشگر سه مملکت ، ارتش سه مملکت دشمن به ایران حمله کرد و همه چیز در معرض خطر بود ، وقتی که رضا شاه را اطلاع دادند که بردند ، مردم شادی می کردند ، کانه به مقدم اینها شادی می کردند که اینها ولو دشمن هستند ولیکن از این بدتر نمی کنند . وقتی که يك شخصی ، يك سلطانی ، يك قدرتمندی ، پشتوانه ملت را ندارد این است که وقتی که می برند او را وقتی که از آنجا بخواهد خارج بشود ، عوض اینکه يك ملتی مثلا يك انقلابی بکند که چرا ، این ملت شادی می کنند که خوب شد رفت و واقعا هم خوب شد رفت . اما آنکه تأسف دارد این است که اگر در آن وقت که متفقین آمدند و رضا شاه رفت ، یکصد بلند شده بود که ما پسرش را نمی خواهیم ، نمی گذاشتند . این را آنها نصب کردند ، خود شاه گفت ، خود شاه نوشت این را ، منتها بعدش شنیدم که آن را حکش کردند ، این جمله را که (متفقین

صلاح دیدند من باشم) این را حکش کردند. اگر آن وقت يك نفر مثلا از رجال، يك نفر از علما، يك جمعی از مردم صدا کرده بودند که ما نمی خواهیم این سلسله را، اینها چه کردند با ما، پدرش چه کرد که این چه بکنند. این یکی از غفلت هایی بود در تاریخ ایران که مسیر تاریخ ایران را اگر این غفلت نشده بود برگردانده بود و ما حالا ابتلاء به این صحبت ها اینجا نداشتیم و نه من اینجا بودم و نه آقایان، همه سر کار خودشان در مملکت خودشان بودند. این غفلت بزرگ از رجال سیاسی و علما و - عرض می کنم که - سایر اقشار مملکت ما واقع شد و این آدم را تحمیل کردند بر ما و دنباله اش هم گرفتند که قدرتمندش کنند. از آن وقت تا حالا هم غفلت ها شده است، قوام السلطنه می توانست این کارها را بکند لکن با غفلت ها، با ضعف نفس ها، نکرد. از او بالاتر دکتر مصدق بود، قدرت دست دکتر مصدق آمد لکن اشتباهات هم داشت. او برای مملکت می خواست خدمت بکند لکن اشتباه هم داشت. یکی از اشتباهات این بود که آنوقتی که قدرت دستش آمد این را خفه اش نکرد که تمام کند قضیه را، این کاری برای او نداشت آنوقت، هیچ کاری برای او نداشت بلکه ارتش دست او بود، همه قدرت ها دست او بود و این هم این ارزش نداشت آن وقت، آن وقت اینطور نبود که این يك آدم قدرتمندی باشد و مثل بعد که شد، آن وقت ضعیف بود و زیر چنگال او بود لکن غفلت شد. غفلت دیگر اینکه مجلس را ایشان منحل کرد و یکی یکی وکلا را وادار کرد که بروید استعفا بدهید وقتی استعفا دادند يك طریق قانونی برای شاه پیدا شد و آنکه بعد از اینکه مجلس نیست تعیین نخست وزیر با شاه است، شاه تعیین کرد نخست وزیر را. این اشتباهی بود که از دکتر واقع شد و دنبال او این مرد را دوباره برگرداندند به ایران، به قول بعضی که محمدرضا شاه رفت و رضا شاه آمد. بعضی گفته بودند این را به دکتر که کار شما این شد که محمدرضا شاه رفت (محمدرضا آن وقت يك آدم بیعرضه ای بود و تحت چنگال او بود) او رفت و رضا شاه آمد یعنی يك نفر قلدر آمد. اینها آنوقت گفتند نمی دانستند که بعدها رضا شاه چند آتشی است. این هم یکی از اشتباهات بود که شده است و حالا هم يك موقع حساسی است که من از اشتباهات می ترسم الان ماها مکلفیم دیگر، ما اشتباهات را تا حالا دیدیم و من خوف این دارم که باز اقشار این ملت ما، این رجال علمی ما، رجال سیاسی ما - عرض می کنم که - اشخاص روشنفکر ما يك اشتباهی بکنند که اگر این اشتباه بشود دیگر ما تا آخر گرفتار هستیم، دیگر چنین نیست که ما باز يك امیدی داشته باشیم که يك انقلابی بشود.

اگر این نهضت الهی خاموش شود دیگر قابل عود نیست

شما همه می دانید و هر کس تاریخ را می داند این را می داند که این نهضتی که الان در ایران هست شبیهش در تاریخ ایران نبوده است، اگر نگوییم در تاریخ دنیا نبوده، در تاریخ ایران نبوده یعنی يك چیزی که بچه 7 ساله با پیرمرد 70 ساله با لهجه واحد بگویند که ما نمی خواهیم این را، يك نهضتی که سرنیزه ها، توپ و تانک ها، سربازها - عرض می کنم که - ارتش در خیابانها بگردند و مردم را زیر بگیرند و مردم را بکشند و باز بایستند با مشت گره زده بگویند نمی خواهیم، ما در تاریخ

ایران بی اشکال است که نداریم، در تاریخ هم من نمی دانم هست یا نه که يك همچو قصه ای مثل قصه ایران و يك همچو تحولی که در ایران واقع شده است هیچ سابقه ندارد و من می دانم این معنا را و هر عاقلی باید بداند که اگر چنانچه این نهضت خاموش بشود، دیگر قابل عود نیست چنین نیست که این کلیدش مثل کلید برقی باشد که آدم حرکتش بدهد روشن بشود، حرکتش بدهد خاموش بشود این حرف ها نیست در کار. این با يك زحمت هائی و با دست خدای تبارك و تعالی يك همچو مطلب بیسابقه در ایران پیدا شده است و الان هست. الان در عین حالی که دولت نظامی است و شهرهای ایران اشغال شده باید گفت که اشغال شده است شهرهای ایران، دست نظامی است و دست ارتش است معذلك از هر گوشه صدا بلند می شود و تظاهرات می شود و باز مرگ بر شاه می گویند، يك همچو مطلبی تا حالا نبوده است و بعدها هم امید اینکه يك همچو چیزی بشود نیست. من خوف این را دارم که با اشتباه ماها و شماها و اقشار ملت، این نهضت به ثمر نرسد و بخوابد و مملکت ما دیگر تا آخر اسیر باشد و زیر چکمه خارجی.

اینکه شاه سلطنت کند نه حکومت، خیانتی است بر ملت اسلام

الان دارند دست و پا می زنند که با هر وسیله ای که هست چه آنهایی که توی مجلس رفتند و با اسم وکالت رفتند در مجلس، چه آنهایی که بیرون مجلس هستند و از طرفدارهای شاه هستند، دارند دست و پا می کنند که این را نگاهش دارند، با هر وسیله ای که هست، با این مانورهای که در مجلس این چند وقت دیدید که طی شده است و این مخالف شد و آن موافق شد آنجا، این همه مخالف ها و موافق ها در يك چیز با هم موافقند و آن این است که شاه باشد. (انتخابات آزاد!) این فریاد می زنند انتخابات آزاد، معنی انتخابات آزاد چیست؟ معنی این است که اعلیحضرت همایون امر کنند که مردم انتخاب بکنند و این رژیم به جای خودش رسمی و امر انتخابات هم به دست شاه، یعنی به امر او لکن آزاد! این معنی انتخابات آزاد! باید رژیم دموکراسی باشد، شاه سلطنت کند، نه حکومت. این حرف ها، همه این حرف ها توی مجلس گفته بشود، بیرون مجلس گفته بشود، هر جا گفته بشود، این مطلبی است که آنها الان از خدا می خواهند که يك همچو چیزی را ملت قبول کند که شاه سلطنت کند و حکومت نکند، دو سه ماه هم همین کار را می کند، يك سال هم ممکن است همین کار را بکند، ولی فردا چه؟ ما فرض هم می کنیم که خوب ایشان سلطنت بکند و دیگر از این به بعد حکومت نکند، دیگر از این به بعد هم يك آدمی بشود که انقلاب ماهیت بدهد و بشود يك نفر آدم سالم صحیح خیلی تمام عیار، ما فرض این را می کنیم، فرض باطل، اینهمه جنایات که کرد چه، هیچ؟ اشخاص عادی اگر يك کسی يك نفر آدم را بکشد، بعد بیاید بگوید آقا معذرت می خواهم ببخشید، رهايش می کنند؟ قانون رهايش می کند این را؟ یا نه؟ خوب ببخشید که تو آدم کشتی، ببخشید هم حرف شد؟ يك آدمی که 25 سال بر مقدرات مملکت ما مسلط بود و 25 سال یا بیشتر خیانت به مملکت ما کرد، تمام ثروت این مملکت را داد به غیر، تمام چیزهای مقدرات این مملکت را به دست غیر سپرد، نفت ما را آنطور از بین برد، گاز را از آنطرف از

بین برد، دارد می برد، اینهمه آدم کشت، اینهمه قتل عام ها کرد، قتل عام 15 خرداد 15 هزار نفر کشتار بود، قتل عام های حالا در این سال های اخیر بیشتر از این معانی بود، حالا می فرمایند که خیر ما - اشتباهاتی کردیم، حالا دیگر ما تعهد می کنیم!! ایشان فرمودند تعهد می کنیم که از این به بعد اشتباه نشود!! ما فرض می کنیم که شما تعهد بکنید که از این به بعد اشتباه نشود و اشتباه هم ما فرض می کنیم که خیر دیگر بعدها نشود، تا حالا ایش چه؟ رجال سیاسی یا عرض می کنم که - رجال علمی را که ده سال، 15 سال، 5 سال تا کم و زیاد، اینها را به حبس انداختید و اینها را آنقدر زجر دادید، آنها را آنقدر چیز کردید، آمدند بیرون با مزاج های ضعیف، حالا همین قدری که از زندان رها شدند، تمام شد؟ ده سال عمر يك نفر انسان را، عمر هزاران نفر انسان را تو در حبس ها از بین بردی حالا هیچ؟! ما بگذریم که می خواهد آقا سلطنت حالا بکند!؟

حالا بگوئیم که بسیار خوب اعلیحضرت بفرمایند آن بالا و سلطنت کنند و روز سلام هم همه بیایند به سلام ایشان و خودشان هم در قصر اعلای کجا مشغول عیاشی بشوند، دیگر لازم نیست حکومت بکنند حالا مساله اینطور است؟ این را هیچ انصاف داری، هیچ مسلمانی این را می تواند بگوید؟ هیچ مسلمانی هیچ آدم با وجدانی، هیچ انسانی می تواند يك همچو حکمی بکند که يك نفر آدم جانی که بیست و چند سال بر این ملت حکومت باطل کرده، حکومت غیر قانونی کرده، بیست و چند سال مال این مردم را هدر داده، بیست و چند سال قتل عام ها کرده، اجانب را بر این مملکت مسلط کرده، حالا تا گفت که خوب من اشتباه کردم، ببخشید من اشتباه کردم اشتباهاتی واقع شد، این اقرار به جرم است که در محاکم با این اقرار به جرم این را محکومش می کنند، حالا ما فرض می کنیم بسیار خوب شما دیگر حالا عابد و مسلمان شدید، اما تا اینجا چه؟ تا این حدی که شما این عمل ها را کردید، در محاکم دنیا، در محکمه عدل الهی، در احکام اسلام، در احکام قوانین عرفیه، هیچ، تمام شد؟ تا معذرت خواستید چون شما شاه هستید، چون معذرت خواستید تمام شد؟ ما رها کنیم و برویم؟ حالا دیگر هر کسی برود سر کسب خودش؟ ساختن یا ذکر سازش، ذکر سازش با این آدم، طرح این مطلب که ما با این يك سازشی بکنیم، این سلطنتش باشد حکومت نکند یا خیر ایشان بروند و فرح خانم تشریف بیاورند و سلطنت بر ما بکنند و بعدش هم خیر، انتخابات آزاد و همه چیز درست، طرح این خیانت بر ملت اسلام، بر این ملت مظلوم است. این مادری که دیروز با 5 نفر عائله اینجا نشسته و نهار خورده و امشب وقتی که می رود سر سفره دو نفر پیرزن و پیرمرد هستند و چند نفر جوانشان مرده، اینها هیچ دیگر؟ ایشان معذرت خواستند تمام شد؟ آدم مسلم می تواند این حرف را بزند؟ این جوانمرده که می بیند جوان ها دارند می روند به مدرسه و بچه او دیروز می رفته و حالا نیست در این جمعیت، در مقابل اینها جواب چیست؟ آخر ما چه بگوئیم به این ملت؟ ما بگوئیم با اعلیحضرت ساختیم و خون های بچه های شما هیچ؟ زیر پا؟ تمام؟ این خیانت نیست؟ چطور در ذهن يك آدم باید يك چنین چیزی واقع بشود، این چه غفلتی است؟ این چه غفلت شیطانی است؟ چه وسوسه شیطانی است که در ذهن آدم بیاید که حالا ما دیگر بگذریم، دیگر چه بکنیم؟ حالا بگذریم دیگر، (بر همه رنج وارد شده، گذشتیم ما،

شما هم بگذرید دیگر .) چه چیز را بگذریم ، مگر حق من است که بگذرم ؟ این حق يك ملت است . مگر می تواند کسی بگذرد از این حق ؟ يك ملت است ، اسلام است ، خداست ، مگر قابل عفو است ؟ من خوف يك همچو اشتباه و لغزشی دارم و باید همه دست به دست هم بدهند و این لغزش را نگذارند واقع بشود . این تشبثاتی که الان از همه اطراف تشبث شده است و تشبث دارند می کنند ، بر شما جوان هاست که در اینجا صدا بلند کنید ، بر آنهایی که در ایران هستند در ایران صدا بلند کنند ، نگذارند در این موقع حساسی که به آخر سنگر رسیده است یکوقتی برد کند این آدم ، این خطری است الان برای ایران ، الان يك خطر بزرگی برای ایران هست که اگر يك سستی بکنند و يك لغزش در اینجا واقع بشود ، یا بترسند از این هیاهویی که کارتر در آنجا گفته است که خیر ما منافعمان پیش ایشان است ، ایشان حاصل با عبارت دیگر خدمتگزار ماست . ما نمی گذاریم ، این نوکر باید بماند اینجا . تعبیر او با این تعبیر نیست اما واقعه همین است . تعبیرش ، لفظش این نیست ، واقعه این است که ما دیگر از کجا پیدا کنیم يك همچو نوکری ، این را نباید از آن بترسید .

در مقابل ملت نه تانگ کارگر است نه تشرهای توخالی کارتر

با يك ملت نمی شود که يك کار تحمیلی تا آخر بشود ، چنانچه دیدیم که با نظامی نتوانستند این کار را بکنند . ایشان خیلی هم میل داشت ، خیلی هم مایل بود که نظامی ها قتل عام بکنند ، اصلا يك دو سه میلیون جمعیت را بکشند ، لکن نمی شود ، قضیه اینطور نیست . آن اربابها هم نمی توانند این کار را بکنند . حالا خیال کنید که اگر این کار نشود از آن طرف لشکر روس وارد می شود!! از آن طرف لشکر آمریکا وارد می شود!! و از آن طرف لشکر انگلیس وارد می شود!! اینها شعر است حالا ، يك ملت وقتی يك چیزی را نخواهد ، نمی شود و حالا ملت نمی خواهد . يك ملت است ، قضیه يك حزب و يك نمی دانم يك جبهه و يك عرض بکنم جمعیت نیست ، يك ملت است که الان می گوید نه ، در مقابل (نه) ملت ، نه سرنیزه کارگر است ، نه تانگ کارگر است ، نه توپ کارگر است نه تشرهای توخالی کارتر و نمی دانم کرملین . این حرف ها نیست تو کار ، هر چه می خواهند تو روزنامه هایشان بنویسند یا می خواهند خود ایشان را بلند کنند .

اهداف انقلاب را برای مردم جهان روشن سازیم

ما امیدواریم که خداوند این اجتماع ایرانی ها بر حق خودشان را پیروز کند . ما امیدواریم که خداوند تائید کند این شجاع هائی که در ایران قیام کرده اند و می خواهند حق خودشان را بگیرند و ما همه موظفیم که هر کدام در هر جا هستیم به هر قدر می توانیم کمک کنیم به ایرانی ها انشاءالله ، همه مان ، یعنی همین مقدار هم که می توانیم کمک کنیم که هر کداممان در هر جا هستیم بگوئیم به آنها . شاید نمی دانم چند هزار ایرانی در خارج کشور است ، این چندین هزار ایرانی که در خارج کشور هست می توانند به چند صد هزار خارجی مطلب خودشان را بگویند ، این تبلیغاتی که در خارج شده است خنثی

کنند که (یک جمعیتی هستند اینها هرج و مرج طلبند و قابل این نیستند که به اینها آزادی بدهیم) این حرف های مفتی که شاه و بلندگوهای شاه دارند، اینها را باید خنثی بکنید شماها. مردمی هستند که ایستاده اند می گویند ما حقان را می خواهیم. ما می خواهیم آزاد باشیم، ما می خواهیم زیر دست مستشارهای آمریکائی نباشیم این رشد ملت ماست. ملت ما یک رشدی کرده است که دیگر نمی خواهد این مسائل را و نخواهد دیگر ان شاءالله شد این مسائل. خداوند همه تان را انشاءالله تأیید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 40

مصاحبه امام خمینی با روزنامه انگلیسی (فاینشال تایمز)

سؤال: با سفارش کردن مردم ایران در مورد مبارزه با رژیم شاهنشاهی، آیا نتایج مهم این برخورد را که خون زیادی خواهد ریخت می پذیرید؟ اگر این برخوردها شدت یابد، در نظر دارید که مبارزه تان را ادامه دهید؟ اگر شورش خونین در ایران راه بیفتد، بدون قید و شرط از آن پشتیبانی خواهید کرد؟ جواب: ملت ایران برای رهایی از چنگال دیو استبداد و استعمار و رسیدن به حکومت اسلامی، نهضت مقدس اسلامی خود را آغاز کرد و به یاری خدای تعالی تا رسیدن به پیروزی ادامه خواهد داد، بدیهی است که چون دشمنان قسم خورده مردم یعنی شاه و حامیانش به آسانی حاضر به کنار رفتن نیستند، لهذا لجاجت دشمنان ملت و مقاومت دلیرانه مردم مسلمان در مقابل آنان ضایعاتی برای آنان به بار خواهد آورد و لیکن مسلمان می داند که اگر کشته شود، در صف شهدای کربلاست و چیزی را از دست نمی دهد و بدین مناسبت تا پیروزی نهائی به قیام خود ادامه می دهد.

سؤال: اخیراً مخالفت خود را بر علیه دولت نظامی جدید اعلان کرده اید، آیا از مردم خواهید خواست که علاوه بر اینکه بر ضد شاه بپاخیزند، بر ضد ارتش نیز قیام کنند؟

جواب: ما اکنون ملت را دعوت به هجوم و حمله به ارتش نکرده ایم تنها از سربازان و افسران ارتش خواسته ایم که اطاعت از فرماندهان خود نکنند و به صاحب منصبان ارتش نیز هشدار داده ایم که از شاه اطاعت و حمایت نکنند و من امیدوارم که سربازان و افسران که پیوندشان با مردم بریده نشده است، هر چه زودتر به آغوش باز ملت باز گردند تا پیروزی را در آغوش کشند.

سؤال: آیا راه سازشی باقی مانده است که شما از طرف شاه بپذیرد؟

جواب: نه، هرگز.

سؤال: کم شدن تولید نفت ایران برای اقتصاد کشورهای غربی خیلی گران تمام می شود. آیا از اصل قطع شدن نفت پشتیبانی می کنید؟
جواب: کارگران محروم و کارمندان شرکت نفت، برای خواسته های سیاسی مشروع خود اعتصاب کرده اند و من از مردم خواسته ام که از اعتصاب آنان حمایت کنند و کشورهای غربی اگر مایل نیستند که ضرری به آنان وارد شود، حتی اگر به قیمت نابودی ملت و کشور ایران تمام شود، لازم است بدانند که ملت مسلمان ایران برای به دست آوردن حقوق مشروع و قانونی خود به هر گونه اقدام مفید دست می زند ولو به نابودی منافع غرب بیانجامد.

سؤال: آیا از سوء قصد به منافع خارجی ها در ایران پشتیبانی خواهید کرد؟

جواب: اگر خارجی ها به آزادی و استقلال ملت ایران احترام بگذارند، هرگز از ناحیه مردم به حقوق آنان در محدوده قانونیش زیانی وارد نخواهد شد.

سؤال: چه روابطی با مقامات فرانسوی دارید؟

جواب: من به کشور فرانسه وارد شده ام و از مردم محترم این کشور هیچ بدی ندیده ام و با هیچ مقام دولتی هم رابطه ای ندارم بودن من در فرانسه موقتی است.

سؤال: آیا پس از اتمام مدت اقامتتان در فرانسه، تقاضای پناهندگی سیاسی را با شرائطی که احتمالاً "به شما تحمیل خواهد شد، خواهید پذیرفت؟

جواب: من از هیچ دولتی تقاضای پناهندگی نخواهم کرد.

سؤال: اگر رژیم فعلی کنار رود، چیزی را که در اصلاحات ارضی انجام شده از بین خواهید برد؟

جواب: از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد. طبیعی است که چون ملت ایران بیش از 90 درصد مسلمانند، باید این حکومت بر پایه های موازین و قواعد اسلامی بنا شود.

پیام امام خمینی به ملت غیور ایران به مناسبت روی کار آمدن دولت نظامی

بسم الله الرحمن الرحيم

درود و تحیات وافره بر ملت شجاع ایران، ملت با وفائی که با جان نثاری برای احیای اسلام و آزادی و استقلال کشور کاخ های غارتگران را به لرزه درآورد.

ملتی که پیشنهاد سیاست آشتی ملی را که جز خدعه یی نبود، به چیزی نشمرد. ملتی که جوان و جان می دهد تا از زیر بار ستمکاران غارتگر بیرون بیاید و رژیم سلطنتی را سرنگون و حکومت جمهوری اسلامی متکی به آراء ملت را مستقر کند.

من گر چه می دانم که فریبکاری های شاه و نرمش لفظی و ارباب عملی او، در صفوف فشرده ملت بزرگ ما تاثیری ندارد لکن در هر موقع و در هر پیشامد لازم می دانم تذکراتی به شما عزیزانم بدهم

1- هدف همان است که در سخنرانی ها و اعلامیه های خود ذکر نموده ام

الف - سرنگونی سلطنت پهلوی و رژیم منحوس شاهنشاهی.

ب - بپا داشتن حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ضوابط اسلام، متکی به آراء ملت.

2- نهضت با شیوه های گوناگون خصوصا اعتصابات در همه ادارات و دستگاه های دولتی باید ادامه داشته باشد. دولت نظامی ایران غاصب و مخالف قانون است و بر ملت است که از آن اطاعت نکنند و سرپیچی و کارشکنی تا حد فلج نمودن دستگاه های دولتی پیش رود. من از جمیع کارمندان محترم دولت و سایر موسسات که با اعتصاب خود پشتیبانی از برادران و خواهران خود کرده اند تشکر می کنم. این يك وظیفه اسلامی و لازم الاجراست.

3- شاه با روی کار آوردن دولت نظامی دست به توطئه دیگری زده است و آن اینکه از طرفی در پیشگاه خدا و ملت عذر و تقصیر می خواهد و اعتراف به اشتباهات و جنایات خویش در طول سلطنت ننگین می کند و از آیات عظام و علمای اعلام و سایر طبقات استمداد می کند و از طرفی دیگر دولت نظامی اش با سرکوبی شدید و قتل ها و اعزام چماق به دست ها و سرنیزه دارها و توپ و تانکها بر ملت مظلوم می تازد و عزیزان ما را بیش از پیش به خاک و خون می کشد، به خیال آنکه با این نقش می تواند خودش را از گناه قتل و غارت های دوران سلطنتش تبرئه نماید و با دستگیری ماموران فاسد خود که يك عمر عامل خیانت های او بوده اند، خود را توبه کار معرفی نماید. شاه در يك دست چماق و

سرنیزه و مسلسل برای سرکوبی ملت دارد و در دست دیگر توبه نامه و اعتراف به خیانت ها و جنایت ها و عذر و تقصیر را گرفته است .

ملت هوشمند و بیدار ایران نه از آن چماق و سرنیزه هراس دارد و نه از این خدعه و نیرنگ فریب می خورد . این شخص که از مراجع عظام و علمای اعلام برای فرونشاندن نهضت اسلامی و باز کردن راهی در برابر چپاول و هدم اسلام و قرآن کریم استمداد می نماید ، همان مردکی است که تا دیروز علمای اسلام و روحانیون عظیم الشان را مرتجع و راه آنان را که راه اسلام و قرآن کریم است ، ارتجاع سیاه می نامید و در یکی از نطق های خود با کمال وقاحت گفت که از این طبقه که مثل حیوان نجس است اجتناب کنید و در نطقی دیگر با کمال بیشرمی گفت روحانیون مثل کرم ها درنجاست می لولند چه شد که امروز این چنین با روحانیون آشتی می کند این نیز خدعه نیست ؟ این مثل دولت آشتی نیست ؟ او که امروز به سیاسیون و جوانان ملت روی آورده و از آنان برای وطن استمداد می کند ، همان است که گروه هائی از آنان را اعدام و شکنجه و زندان کرده و می کند ، جوانان غیرتمند ما را به خاک و خون کشیده و می کشد ، دانشگاه های ما را به قتلگاه های جوانان ما تبدیل نموده است .

من از جنایاتی که اخیراً در دانشگاه ها با فرزندان اسلام نموده اند در سوگم . من از دانشجویان عزیز که در راه اسلام و کشور فدائی داده اند و در مقابل شاه با مشتی گره کرده ایستاده و او را محکوم کرده اند تشکر می کنم .

من از جوانان غیور ایران که ملت ما را سرفراز نموده اند احساس غرور می کنم . ملت ایران باید بداند که این نطق های فریبنده برای اغفال مردم و فرونشاندن آتش خشم ملت است تا تثبیت مقام کرده و قدرت را بازیابد و خدا می داند که اسلام و روحانیت و عموم ملت پس از آن با چه مصیبت های دردناکی مواجه خواهد شد .

عزیزان من ! از این هیاهوی نظامی نهراسید که نمی هراسید . شما ملت شجاع ثابت کردید که این تانک ها و مسلسل ها و سرنیزه ها زنگ زده است و با اراده آهنین ملت نمی تواند مقابله کند و از این نرمش های شیطانی و توبه نامه های ابلیسی فریب نخورید که نمی خورید . شاه در اول سلطنت غاصبانه خود سوگند خورد که به اسلام وفادار باشد و به ملت خیانت نکند و اکنون اعتراف می کند که خائن است و اسلام و ایران را به تباهی کشانیده است و تمام خیانت ها عمدی بوده است که امروز اسم اشتباه بر آن گذاشته است غفلت نکنید که این اشتباهات عمدی تکرار خواهد شد و کشور را به نیستی و ملت را به تباهی خواهد کشاند . امروز بر تمام طبقات ملت از مراجع عظام و علمای اعلام و مدرسین و فضلالی عالی مقام و اساتید محترم دانشگاه ها و دانشسراها و دانشجویان دلیر و طلاب شجاع تا جناح های سیاسی و روشنفکر ، از کارگران و کشاورزان تا بازاریان و اصناف ، از کارمندان دولت تا افسران نیروهای سه گانه ، از سربازان تا صاحب منصبان عالی رتبه و بر همه اقشار ملت تکلیف الهی و وجدانی است که با اتحاد کلمه و بدون هراسی از قدرت ها و ابرقدرت ها ، هدف اسلامی خود را تعقیب و گلوی این ستمگر تاریخ را بفشارند و با قاطعیت و جدیت به سوی هدف پیش روند که وعده خداوند

به مستضعفین نزدیک است و کشتن و کشته شدن در راه خدا سرافرازی است و در خاتمه از ملت شریف ایران که بارها در اینگونه مسائل امتحان خود را داده اند، خواهش می‌کنم که به خواهران و برادران خود که در اثر اعتصابات و تظاهرات لطمه مالی و جانی دیده‌اند، با احترام تمام آنان را یاری دهند و این وظیفه الهی را به بهترین وجه عمل نمایند که خمینی همیشه به یاد آنان است و دست آنان را می‌فشارد. از خداوند تعالی توفیق و تائید همه را خواستارم و خذلان و شکست دشمنان ملت را خواهانم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 45

مصاحبه امام خمینی با روزنامه هلندی دی ولت گران

سؤال: در مورد گفتار شاه و اعتراف به (اشتباهات گذشته) و این که اعلام داشته است که (پیام انقلابی) را شنیده است و اینطور به نظر می رسد که شما مردم را به قیام خوانده اید، بنابراین راه دیگر و ممکن را برای رسیدن به يك رژيم ديمقراطيك نمی بینید؟

جواب: اولاً اینکه شاه به اشتباهات گذشته اعتراف می کند، چیزی جز فریب و نیرنگ نیست و گمان کرده است به صرف اعتراف، ملت از او دست برمی دارد و دیگر اینکه اگر مجرمی به گناه خود اعتراف نمود، بر حسب اعترافش باید محاکمه و مجازات شود و دلیل اینکه به دروغ می گوید پیام انقلابی شما را شنیدم، این است که اگر شنیده است (که حتما شنیده) پیام ملت به او (شاه) در برابر مملکت این است که شاه و همه خاندان سلطنت باید کنار بروند. بنابر این اگر این پیام را شنیده و می خواهد به پیام ملت عمل کند چرا کنار نمی رود و سرنوشت مردم را به دست خودشان نمی سپارد؟ و دائماً خود را با سرنیزه به مردم تحمیل می کند؟ و آیا در چنین صورت، باز هم ما بپذیریم که شاه می خواهد دموکراسی را برقرار کند؟

سؤال: حدس می زنید امکان این باشد که ارتش از شاه همانطوری که خواسته اید، سرپیچی کند؟ اگر جواب مثبت می دهید، آیا دلائل موجهی برای آن دارید؟ و اگر نه، به نظر شما شانس واقعی این هست که يك قیام مسلحانه ایجاد شود؟

جواب: اینکه مسلم است در میان ارتش صاحب منصبانی هستند که با حمایتشان از شاه و حمایت شاه از آنان، در غفلت مملکت شريك بوده اند و همچنین در کشتارها و شکنجه ها همدست یکدیگر، لیکن سربازان و نیز بسیاری از افسران و درجه داران هستند که هنوز دل هایشان با ملت است و از دست شاه بخصوص به علت تسلط مستشاران آمریکائی بر آنان رنج می برند و اینان به دلیل پیوندی که با مردم دارند، دیر یا زود به آغوش ملت باز می گردند و هم اکنون آثار آن ظاهر شده است.

سؤال: به فرض اینکه شاه بپذیرد کنار رود و یا مجبور به کناره گیری شود، چه راهی را باید دنبال کرد تا به جمهوری اسلامی رسید؟ فکر می کنید که در طی این راه به هیچ مشکلی برخورد خواهید کرد؟

جواب: همان مردمی که دست در دست هم دادند و دلیرانه عرصه را بر شاه تنگ کردند، همان ها با هدایت کسانی که همیشه دلسوز آنان بوده اند، نوع حکومت دلخواه خود را انتخاب می کنند و بدیهی است که چون مسلمانند، در همه مراحل کار، اسلام تنها ملاک ضابطه نظام اجتماعی و نوع حکومت خواهد بود و بر این اساس من جمهوری اسلامی را پیشنهاد کرده ام و به رای عمومی می گذارم و بدیهی است که هر کاری، هر چه مهمتر، با مشکلاتی بزرگتر روبرو خواهد شد.

سؤال: اگر انتخابات آزاد شود، آیا مردم را به میانه روی دعوت خواهید کرد؟

جواب: با وجود شاه هیچ طرحی را نمی پذیریم که جز توطئه چیزی نیست و در صورت سرنگونی شاه، مردم دعوت می کنیم که به هیچ دولتی رای ندهند جز آنکه خود آنان دولت را سرکار آورند.

سؤال: يك دولت اسلامی چگونه تشکیل خواهد شد؟

جواب: با طرحی که تدارك دیده ایم تلاش می کنیم که عموم ملت از همه طبقات آگاهانه و آزادانه نمایندگان خود را انتخاب کنند و سپس نمایندگان دولت را و مسولین هر مقامی را انتخاب می کنند.

سؤال: اولین اقدام يك دولت اسلامی چه خواهد بود؟

جواب: اولین اقدام این است که همه عوامل فساد و مهمتر اینکه همه انگیزه های فساد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی و سایر زمینه ها با کمال جدیت باید ریشه کن شود.

سؤال: با آنهایی که از نظر شما خائن هستند و آنها که منافع خود را می خواهند، چه خواهید کرد؟

جواب: جوابش همان است که قبلا- "گفتم، مردم هر کس و یا هر گروه را برای به دست گرفتن مسولیت ها صالح بدانند، انتخاب می کنند و خائنین را محاکمه و مجازات می نمایند.

سؤال: جبهه ملی با رد کردن سلطنت مشروطه، قدم مهمی در جهت شما برداشته، آیا شما نیز به نوبه

خود حاضرید يك قدم در جهت مخالفين غير روحانی دولت بردارید؟

جواب: رژیم سلطنتی را بیش از يك سال است که عموم مردم در سراسر ایران به شدت محکوم کرده اند، بنابراین هر کس و یا هر گروه هم سلطنت را رد کند، با ملت هماهنگی کرده است و در صورتی که در این قدم استقامت کند، ملت او را فراموش نمی کند و من خود را در کنار مردم احساس می کنم.

سؤال: قانون اساسی 1906 هیأتی از علمای مذهبی را مسوول تطبیق مجلس با قرآن قرار داده است، آیا در جمهوری اسلامی نیز يك چنین مجمعی پیش بینی می شود؟

جواب: نظارت علمای اسلام چون گذشته بر مجلس تأیید خواهد شد.

سؤال: شما برای ایران، بر خلاف خواست شاه يك مدرنیزه کردن واقعی می خواهید، آیا می توانید مشخص کنید که فرق بین این دو مدرنیزاسیون چیست؟

جواب: بازسازی و نوسازی کشور قطعا مورد تأیید و از برنامه های ماست. آنچه را که شاه به نام مدرنیزه کردن انجام داده، جز خرابی و ویرانی به بار نیاورده است. نفت، این طلای سیاه را حراج کردن و در عوض کشور را پر از آهنپاره نمودن، مدرنیزه کردن است؟! به کمک چند صد کارخانه، صنایع موتتاژ وابسته را رواج دادن، مدرنیزه کردن است؟! ده ها هزار مستشار نظامی را با هزینه های سرسام آور بر ارتش و بر مقدرات مملکت مسلط کردن، مدرنیزه کردن است؟! و...

سؤال: در جمهوری اسلامی حقوق اقلیت های مذهبی، نژادی و سیاسی چه خواهد بود؟ آیا حزب کمونیست آزاد خواهد بود؟

جواب: اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهبی آزادی داده است، آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان ها قرار داده است، بهره مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می کنیم. در جمهوری اسلامی کمونیست ها نیز در بیان عقاید خود آزادند.

سؤال: مشخصا حقوق زنان در جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ تکلیف مدارس مختلط چه می شود؟

مساله تنظيم توالد و تناسل و سقط جنين چگونه خواهد شد ؟

جواب : از حقوق انساني ، تفاوتی بين زن و مرد نيست زيرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد . بله در بعضی از موارد تفاوت هائی بين زن و مرد وجود دارد که به حيثيت انساني آنها ارتباط ندارد . مسائلي که منافات با حيثيت و شرافت زن ندارد آزاد است . سقط جنين از نظر اسلام حرام است .

سؤال : گفته ايد که در جمهوری اسلامی ايران به صادرات گاز و نفت به کشورهای غربی ادامه داده و تکنولوژی آنها را وارد خواهيد کرد ، تحت چه شرائطی ؟

جواب : ما نه چاه های نفت را می بنديم و نه درهای مملکت را به روی خود می بنديم و نه کشور را به بازار مصرف هر چه که غرب می سازد و می خواهد به ما تحميل کند ، تبديل می کنيم . ما از نفت استفاده خواهيم کرد ولي دليلی ندارد که همیشه صادر کننده آن باشيم . ما چیزی را که نداريم و به آن نیاز داريم . از خارج می خريم ولي چرا خود توليد کننده مايجتاج خود نباشيم ؟ سياست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی ، استقلال و حفظ منافع مردم است که اين اصل را هرگز فدای چیزی نمی کنيم .

سؤال : شما وابستگی بسيار بزرگ ايران را به کشورهای غربی بخصوص آمريکا مشخص کرده ايد ، چگونه فکر می کنيد که به آن پايان دهيد ؟

جواب : ملتی که برای به دست آوردن آزادی و استقلال کشته می دهد ، برای حفظ و پاسداری از آن ، صبر و استقامت و رنج را می پذيرد .

سؤال : آیا نظر ملی کردن خصوصاً کمپانی های نفتی را داريد ؟

جواب : ما هر قراردادی را که به ضرر ايران باشد ، به نفع ايران لغو خواهيم کرد .

سؤال : آیا خارجی ها و بخصوص آمريکائی ها را از ايران بيرون خواهيد کرد ؟ اگر جواب مثبت است ، خطر اين نيست که کمبود تکنيسين و متخصصين پيدا کنيد (بخصوص صنايع نفتی) ؟

جواب : ما دشمن غير ایرانی نيستيم ولي کسانی که بودن آنان را به ضرر ملت بدانيم ، به آنان اجازه

اقامت نمی دهیم . ما به قدر کفایت از نیروی انسانی ماهر برخورداریم .

سؤال : آیا نمی ترسید که آمریکا جمهوری اسلامی را براندازد ؟ و همین طور روسیه ؟ چه اقداماتی برای جلوگیری از يك چنین احتمالی خواهید کرد ؟

جواب : در حال حاضر نهضت اسلامی ایران علیه شاه ، چیزی کمتر از رویارویی با آمریکا و شوروی نیست که مستقیم و غیر مستقیم از او حمایت می کنند .

سؤال : در مورد تعویض لحن مطبوعات شوروی در مورد اینکه اوضاع ایران به وضوح به هم خورده ، چه می کنید ؟

جواب : شوروی با سیاست های فرصت طلبانه خود در بسیاری از جاها حیثیت خود را از دست داده است و او به خیال این است که همیشه می توان از آب گل آلوده استفاده کرد . ما دست سود جویان شوروی را از ایران قطع خواهیم کرد .

سؤال : نظر شما در مورد دلیل آمریکا که می گوید اگر اوضاع ایران آشفته شود شوروی از آن بهره برداری می کند تا بتواند راهی به خلیج فارس باز کند ، چیست ؟

جواب : آمریکا سخن متناقض زیاد گفته است . چندی پیش بود که کارتر گفت : (می گویند شوروی در ناآرامیهای ایران دخالت دارد) حرف کارتر صحیح نیست و اگر ایران مستقل باشد ، بر طبق ضوابط ، کنترل خلیج را به عهده می گیرد .

سؤال : به فرض اینکه خیزش ایرانیان گسترش نیابد و اینکه شاه واقعا اقدام به آزادی کند و در طی يك فرآیند ، ایرانیان رای به ماندن حکومت سلطنتی یا مشروطه سلطنتی بدهند ، در این مورد چه خواهید کرد ؟

جواب : انقلاب ایران يك نهضت اسلامی است که ادامه دارد و با رفتن یا ماندن شاه نیز ادامه دارد . اگر شاه لجاجت کند و کنار نرود ، نهضت همچنان ادامه خواهد داشت . اصولاً "حکومت مشروطه سلطنتی مورد تنفر شدید مردم است . از طرفی شاه محال است به مردم ستمدیده ایران آزادی دهد . آیا تظاهرات و اعتصابات سراسر ایران فرآیندی علیه شاه نیست ؟

مصاحبه امام خمینی با مجله آلمانی اشپگل

سؤال: از آغاز سال، صدها هزار نفر از مردم به نام شما به خیابان‌ها ریخته و بر علیه شاه تظاهرات کرده‌اند، بیش از هزار نفر انسان در مبارزه با ارتش و پلیس جان خود را از دست داده‌اند، آیا شما این شورش خلقی را سازمان داده‌اید؟ و برای چه هدفی؟

جواب: سبب اصلی قیام مردم کشور، شخص شاه و رژیم اوست. این پدرش و خود اوست که طی 55 سال:

الف - با اسلام با کینه توزی دشمنی کرده‌اند و در هدم اسلام به عنوان حافظ آزادی و استقلال کشور کوشیده‌اند.

ب - تمام آزادی‌ها و حقوق ملت مطرح در قانون اساسی را از میان برده‌اند.

ج - استقلال کشور را بکلی از میان برده است. تمام بنیادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که این ملت طی قرون برای زندگانی مستقل خویش فراهم آورده بود، به وسیله این رژیم از میان برده شده است. بیشتر از این، برنامه‌های اقتصادی که آمریکائیان به دست این رژیم، توأم با فساد بسیار اجرا کرده‌اند دستگاه اقتصادی را از میان برده و امروز مردم کشور به صدور نفت و ورود کالا گذران می‌کنند اما همین گذران، به قیمت انهدام اقتصاد کشور در سال‌های آینده تمام می‌شود که نفت رو به اتمام می‌گذارد و درآمد آن کاهش می‌پذیرد. مردم کشور بیدار شدند و به حرکت آمدند. من حرف مردم را می‌زنم. ما همه یک صف هستیم و یک حرف را می‌زنیم، ما می‌خواهیم شاه و رژیم سلطنتی نباشد، یعنی آزادی و استقلال باشد. اسلام ضامن وحدت کشور در عین آزادی و استقلال است، قیام مردم برای این هدف است.

سؤال: از زمانی که شاه شما را در سال 1963 مجبور به ترك ایران کرد مرتباً گفته‌اید شرط بازگشت شما به ایران سرنگونی شاه می‌باشد، این شرط هنوز به جای خود باقی است؟

جواب: به دستور شاه از سال 1964 تا زمان خروج از عراق به صورت تبعید در آن کشور به سر می‌بردم و فعلاً "به ایران بر نمی‌گردم".

سؤال: در تهران خبرهای تایید نشده ای شنیده می شود که طبق آنها شما با رفتن شاه هم راضی هستید، با جانشین او پسر 19 ساله اش رضا تحت شرایطی کار خواهید کرد؟ آیا این خبرها صحیح هستند؟ و شرایط مزبور دقیقا چه شرایطی است؟

جواب: خیر، این خبرها صحیح نیستند. با سلطنت و نیز ادامه سلطنت و حکومت این خانواده مخالفیم.

سؤال: خشم ملاهای محلی و تظاهر کنندگان، غالباً بر علیه هدف های اماکن عمومی زیادی متوجه شده و بانک ها و سینماها به آتش کشیده شده و مغازه های بزرگ به تاراج رفته است.

جواب: به آتش کشیدن سینماها و بانک ها مسبوق به درخواست ما نبوده است، رژیم شاه این تاسیسات را برای تخریب اقتصاد و فرهنگ کشور در حد افراط مورد استفاده قرار داده است و به همین جهت هدف مخالفت مردم شده اند. مردم عصبانی نیستند، آگاه هستند در غرب اطلاع کافی از نقش تخریبی این موسسات ندارند، نمی دانند که بانک ها به شدت مردم را استثمار کرده اند، زمینه تولید مردم زحمتکش را به سود شرکت های بین المللی و توسعه بازار فرآورده های خارجی از بین برده اند. سینماها کارشان از بین بردن روحیه مقاومت در نسل جوان کشور بوده است، امروزه این امر مورد اقرار گرداندگان دستگاه های تبلیغاتی خود رژیم نیز هست البته مردم از راهنمایی های صمیمانه و صادقانه ما پیروی می کنند.

سؤال: اگر ما شما را درست فهمیده باشیم، هدف شما فقط سرنگونی شاه نیست بلکه از بین بردن رژیم شاهنشاهی است اما به عقیده شما چه چیز باید به جای آن بنشیند؟ یک دموکراسی پارلمانی؟ یک دموکراسی خلقی از نوع مارکسیستی آن؟ یا یک حکومت خدائی آنطور که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است؟

جواب: تعیین نظام سیاسی با آراء خود مردم خواهد بود. ما طرح جمهوری اسلامی را به آراء عمومی می گذاریم. اینک کشور بر سر دو راهی مرگ و حیات، آزادی و اسارت، استقلال و استعمار، عدالت اقتصادی و استثمار قرار گرفته است. این حکومت حیات ملی را باید نجات دهد، به مردم کشور آزادی و به کشور استقلال را بازگرداند و به جای نظام استثماری، عدالت اقتصادی را برقرار سازد.

سؤال: چه کسی باید در ایران که یک کشور در حال توسعه با کوشش به سوی کشوری صنعتی شدن

است، خواست ملت را به قدرت سیاسی مبدل کند؟ در چنین اجتماعی با اکثریت شیعی، تکلیف اقلیت ها چه می شود؟

جواب: خواست ملت را نمایندگان منتخب او به تصمیم و تدبیر سیاسی و رهبری سیاسی دور از فساد و خدمتگزار مردم تعیین می کنند. اقلیت های مذهبی به بهترین وجه از تمام حقوق خود برخوردار خواهند بود.

سؤال: از گروه کوچک رهبران سیاسی کنونی و سودجویان از این رژیم که بگذریم، در چه مواردی کشور ایران در آینده با اوضاع امروز تفاوت هایی خواهد داشت؟

جواب: موارد اختلاف ایران فردا را با ایران امروز در پاسخ سؤال پنجم شما داده ام، در اینجا این نکات را می افزایم:

الف - رهبری سیاسی از سلطه بیگانه آزاد می شود، از فساد مالی و سیاسی پاک می شود

ب - اقتصاد کشور از سلطه بیگانه آزاد می گردد و دیگر برنامه های اقتصادی، برنامه هایی نخواهند بود که هدف های شرکت های بین المللی را در ایران به اجرا بگذارد.

ج - جامعه آینده ما جامعه آزادی خواهد بود و همه نهادهای فشار و اختناق و همچنین استثمار از میان خواهد رفت.

د - انسانی که امروز در نظام پلیسی از فعالیت های فکری و آزادی در کار محروم شده است، تمامی اسباب ترقی واقعی و ابتکار را به دست خواهد آورد. جامعه فردا جامعه ای ارزیاب و منتقد خواهد بود که در آن تمامی مردم در رهبری امور خویش شرکت خواهند جست.

سؤال: در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و آسیا در سال های گذشته، یک موج قوی اتحاد اسلامی به وجود آمده است، بی شک دخالت مذهب در زندگی سیاسی در این کشورها رشد داشته است تا چه حدودی اوضاع کنونی ایران با این (پان اسلامیسیم) مربوط می شود؟

جواب: این پدیده جهانی است. در حقیقت بشر امروز دارد به دوران جدائی مادیات از معنویت پایان می دهد. در همه جا مادیات جای خود را در اعتلای معنوی انسان دارد باز می یابد. مادیات که معنی آن در تحصیل قدرت مادی به هر وسیله و از هر راه خلاصه می شد، کار بشریت را مواجه با بن بست ساخته است. اینک زمان آن است که فعالیت مادی، آمادگی برای اعتلای معنوی انسان تلقی شود و همین تلقی است که بشریت امروز و فردا را به مذهب باز می گرداند. اسلام دینی است که با تنظیم فعالیت های مادی، راه را به اعتلای معنوی انسان می گشاید.

ترقی واقعی همین است که رشد خود انسان هدف فعالیت های مادی گردد و اسلام دین این ترقی است .

سؤال : در اولین کنفرانس اتحاد اسلامی در افغانستان در بهار امسال ، شوروی نیز با نمایندگان زیادی آمده بود ، به نظر شما بین کشورهای سوسیالیستی و حرکت جدید اسلامی مسائل مشترکی وجود دارد ؟

جواب : این گونه کنفرانس ها به نام اسلام تشکیل می شود اما هدف اسلامی ندارد و کسانی که به نام نماینده مسلمانان در این کنفرانس ها شرکت می کنند ، فاقد نمایندگی مردم هستند . شوروی نقش شتر مرغ را بازی میکند ، از سوئی ضد مذهب اسلام است و آزادی مذهبی مردم مسلمان زیر سلطه را از میان برده است ، از سوی دیگر نماینده این مردم مسلمان است ! شوروی با روشی که در عمل پیش گرفته است و ملل مسلمان را به زیر سلطه خویش در آورده است دیگر حتی شایستگی دعوی طرفداری از مظلومیت و مخالفت با استثمار را نیز ندارد .

سؤال : در ایران نیز حداقل به عنوان هدف بر علیه دشمن واحد (شاه) مذاکراتی بین مخالفین مذهبی و مارکسیست ها وجود داشته است ، برای چه هدفی ؟

جواب : هیچ گونه مذاکراتی وجود نداشته است .

سؤال : روزنامه های فرانسوی خبر داده اند شما در آینده نزدیک محل اجباری خویش را در نزدیکی پاریس ترك کرده و مبارزه بر علیه شاه را از افغانستان ادامه خواهید داد ، با این تعویض محل چه چیز در نظر دارید ؟

جواب : فعلا "درباره ترك فرانسه تصمیمی نگرفته ام .

مصاحبه امام خمینی با خبرنگاری آسوشیتدپرس

سؤال: نظر شما درباره دولت نظامی که شاه منصوب کرده است چیست؟

جواب: توطئه جدید شاه یعنی انتصاب دولت نظامی برای کشتار بیشتر و تسلیم مردم ایران است که نه تنها راه برای شاه نیست بلکه هم شاه و هم حامیان وی را در بن بست بدتری قرار می دهد.

سؤال: آیا انتصاب این دولت سقوط و سرنگونی رژیم فعلی را آسانتر و یا مشکل تر می کند؟

جواب: آنچه مسلم است سرنگونی رژیم را قطعی تر می کند.

سؤال: آیا بین رهبران مخالفان سیاسی که شما از بدو ورودتان به فرانسه با آنان تماس داشته اید اجماع وجود دارد؟

جواب: من همیشه به همه افراد و سران قوم توصیه کرده ام که از خواست ملت که سرنگونی رژیم شاه است منحرف نشوند.

سؤال: با توجه به اینکه بعضی از این رهبران خواستار رژیم غیر دینی هستند که در تناقض است با اصول اسلامی که شما از آن دفاع می کنید، آیا فکر می کنید زمینه تفاهمی بین شما و آنها وجود دارد؟

جواب: در نهضت مقدس اسلامی ایران جایی برای این گونه افراد نیست.

سؤال: درباره کوشش شاه برای اینکه زندگی عمومی را با بعضی از جنبه های نوگرایی غربی منطبق کند چه نظر دارید؟

جواب: اصولاً- "رژیم پهلوی از بدو تحمیل به ملت ایران از هر گونه نوگرایی واقعی جلوگیری نموده است و وابستگی همه جانبه و ورشکستگی اقتصادی ایران از دلایل بارز ارتجاعی بودن این رژیم است .

سؤال: آیا شما از يك حکومت مارکسیستی طرفدار روس که از يك کودتا سربرآورد ، حمایت خواهید کرد ؟

جواب: نهضت اسلامی ملت پیاخاسته ایران ، محلی برای چنین امری نگذاشته است و ما با چنین دسیسه هائی همان عملی را خواهیم کرد که با رژیم کنونی شاه .

سؤال: به نظر شما سیاست ایران از این هنگام به بعد در باره وضعیت خاورمیانه چه باید باشد ؟

جواب: آنچه مسلم است ما ژاندارم منطقه نخواهیم بود .

سؤال: شما مثل دیگر سران اسلامی با موافقت نامه کمپ دیوید مخالفت می کنید ؟

جواب: موافقت نامه کمپ دیوید و نظائر آن ، توطئه ای برای مشروعیت بخشیدن به تجاوزات اسرائیل است که نتیجتاً شرایط را به نفع اسرائیل و به ضرر اعراب و فلسطینی ها تغییر داده است . چنین وضعیتی مورد قبول مردم منطقه نخواهد بود .

سؤال: به نظر شما ایران باید نفت خود را برای هدف های سیاسی استفاده کند و احتمالاً- "صدور نفت را به طرف کشورهای غربی در صورت يك زد و خورد محتمل میان کشورهای عربی و دنیای اسلام با غرب قطع کند ؟

جواب: در تمام زمینه ها ما در جهت منافع مردم خود گام برمی داریم و به آنچه صلاح آنان و پاسخگوی آرمان اسلامی آنان باشد عمل می کنیم . سؤال: آیا فکر می کنید که بعد از سقوط رژیم فعلی ، شخصاً نقشی در حکومت جدید به عهده بگیرید ؟

جواب: خیر ، نه میل و رغبت من و نه سن و نه موقعیت من اجازه چنین چیزی را می دهد .

مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران انگلیسی، فرانسوی و آلمانی

سؤال: شاه برای همکاری، به دولت نظامی متوسل شده است و ارتشبد از هاری را انتخاب کرده که او قول داد انتخاباتی کاملاً آزاد در آینده بر پا کند، شاه همچنین از آیت الله و سایر آیات عظام برای برقراری مجدد صلح و آرامش در ایران طلب کمک و یاری کرده است، عکس العمل شما در مقابل این اعمال چیست؟

جواب: تشبثات شاه، از طرفی فریبکاری که در نطقش استمداد از روحانیون و سایر ملت و افراد مملکت کرد و از طرفی در عملش که دولت نظامی برای سرکوبی ملت و قتل و غارت برپا نمود، به هیچ وجه تاثیری در سرنوشت ما و در نهضت ندارد. وعده انتخابات آزاد امری موهوم و اصلاً انتخابات، چه آزاد و چه غیر آزاد، قانونی نیست چون نه شاه قانونی است و نه دولت شاه قانونی است، پس موضوعی برای انتخابات پیدا نمی شود که آزاد باشد یا غیر آزاد و ملت هرگز با او موافقت نخواهد کرد.

سؤال: دیروز شاه در سخنرانی خود به ملت ایران گفت که او نهایت کوشش خود را برای يك دولت ائتلافی کرده ولی موقعیتی در این مورد به دست نیاورده و مجبور شده است دولت نظامی روی کار آورد، او معتقد است که این دولت موقتی است، آیا شما نظر او را می پذیرید؟ اگر نه، آیا شما معتقدید که ارتش در موقع انتخابات از قدرت خود صرف نظر خواهد کرد و قدرت را به مجلس واگذار خواهد نمود؟ آیا شاه به وعده های خود عمل خواهد کرد؟ آیا اشتباهات، ستمگری ها، بی قانونی ها و فسادها تکرار نخواهد شد؟

جواب: شاه برای حفظ خودش مشغول توطئه و تشبثات است، به هر طریقی که بتواند تشبث می کند و لهذا ممکن است دنبال این بوده که اشخاصی را با خودش همراه کند لکن برای اینکه ملت ایران قاطبه "برخلاف اوست و اصل رژیم را نمی خواهد، افراد ملی با او همکاری نخواهند کرد و نمی توانند با کسی که ملت برخلاف اوست همکاری کنند. قضیه انتخابات آزاد و وعده های شاه همه برخلاف است و انتخابات، چه آزاد و چه غیر آزاد، با بودن شاه و با بودن

این رژیم، غیر قانونی است و وعده های شاه هم تمام بر اساس فریب است و ملت ایران دیگر از این توطئه ها گول نمی خورد .

سؤال : شما يك رهبر بزرگ مذهبی با نفوذ فوق العاده ای در ایران هستید ، اگر شاه از واگذاری قدرت و صرف نظر کردن از قدرت خودداری کند و در قدرت باقی بماند ، آیا شما از نفوذ خود برای از میان بردن او با صدور اجازه برای يك انقلاب عمومی اقدام خواهید کرد که منجر به خونریزی و قتل عام خواهد شد ؟ آیا عمل شما راه اسلام است ؟ ماهیت جمهوری اسلامی که شما تبلیغ می کنید چیست ؟

جواب : ما امیدواریم که شاه با همین نهضتی که به طرز فراگیر تمام ایران را گرفته است و کارمندان و کارکنان دستگاه های دولتی یکی پس از دیگری اعتصاب می کنند و در حال تعطیل و فلج کردن دستگاه های دولتی هستند نتواند دیگر باقی بماند و به حیات خود ادامه دهد لکن اگر چنانچه احتیاج به قیام مسلحانه بیفتد ، ممکن است ما در این امر تجدید نظر کنیم و اسلام در صورت لزوم برای حفظ کیان اسلام و مصالح ملت ، قیام مسلحانه را در موقع خودش و مقتضیات خودش اجازه می دهد و خونریزی برای حفظ قوانین اسلام و برای حفظ مصالح ملت ، راه اسلام است . و اما طرز حکومتی که ما پیشنهاد می کنیم ، حکومت جمهوری اسلامی است و اساسش بر آزادی و استقلال کشور و عدل و تعدیل تمام دستگاه های دولتی است و این در وقتی که عمل شود ، دنیا خواهد دید که چیست .

ص: 58

بیانات امام خمینی در مورد توبه و تعهدات دروغین شاه برای دوام سلطنت

تشبثات فریبنده شاه برای اغفال مردم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

آقایان شعاع می دادند که می کشیم دشمن خونخوار تو، این دشمن خونخوار من فقط نیست، اینها، این آدم و پدرش پنجاه سال است که دشمن خونخوار ملت است، دشمن خونخوار استقلال کشور ماست، دشمن خونخوار آزادی ملت ماست، دشمن خونخوار مخازن سرشار ملت ماست، دشمن خونخوار فرهنگ ماست، دشمن خونخوار اقتصاد ماست، دشمن خونخوار نظامی ما و ارتش ماست، دشمن خونخوار همه اقشار ملت، دشمن خونخوار اسلام است، دشمن خونخوار علماء اسلام است، دشمن خونخوار فرزندان اسلام و ایران است.

حالا که ملت ما توجه پیدا کرده به این دشمنی و این نهضت عظیم اسلامی برپا شده است، ایشان تشبثات مختلفی می کنند. تا قبل از این شکوفائی نهضت، ایشان از دوره تشبثاتی کرد که راه بزرگش عبارت از این حرف هایی که میزد و خطابه هائی که می خواند و این مطالبی که در کتابی که برایش تهیه کرده بودند، مثل کتاب ماموریت برای وطنم و کتاب دیگرش که اینها را دیگران نوشته بودند به اسم ایشان و ایشان هم این را منتشر کردند و از این راه تبلیغات که ایران به واسطه ایشان، به واسطه اعلیحضرت آریامهر به کجا رسیده است، دیگر آمریکا مثل پدر بزرگ ما نیست که ما از او اطاعت کنیم، دیگر دست اجانب را ما قطع کردیم از این مملکت، نه شوروی دیگر جرات دارد که به ما دست درازی کند و نه آمریکا قدرت دارد که به ما تعدی کند و این حرف هائی که در کتاب هایش و هر جا پیش می آمد، از این حرف ها الهی ماشاءالله داشت که کتاب هایش هم که ملاحظه کردید چه مسائلی در آن هست، تمدن بزرگ و این مسائل.

و تشبث دیگرش هم به زور بود و ساواک و نظامی و تسلط پاسبان و نظامی و ساواک و اینها به جان و مال مردم تا قبل از این شکوفائی نهضت بوده. وقتی که از پیش از يك سال شکوفائی پیدا کرد این نهضت و گسترش پیدا کرد در تمام ایران و هر روز هم گسترشش زیادتر می شود و انشاء الله تا آخر هم این گسترش و این نهضت هست، در این برهه از زمان که این گسترش پیدا شد، ایشان مختلف تشبث کرد و پناهگاه پیدا کرد. يك وقتی با پیش آوردن دولت آشتی و اینکه این دولت آشتی آمده است

که بر طبق مرام ملت عمل کند، خواست های ملت را به ملت بدهد، بعضی کارهای بچگانه هم کردند. آن همه مراکز فساد در ایران موجود است و مورد پشتیبانی خود شاه و دستگاهش هست، آنوقت: (قمارخانه ها را ما بستیم یا مثلا تغییر تاریخ دادیم)، برای خاطر اینکه مردم را اغفال کنند، بعد که دیدند که مردم اغفال نشدند و صدای مردم باز هست و همین مانوری که داده بودند مردم روشن کردند و برخلاف آن تظاهرات کردند، متشبث شد به حکومت نظامی، در عین حالی که دولت، دولت آشتی بود، حکومت، حکومت نظامی و آنطور قتل هایی که همه میدانید و آنطور کشتارهایی که همه می دانید. اول، حکومت آشتی، دولت آشتی، دنبال او وقتی این نشد سرنیزه و حکومت نظامی. لکن مردم مملکت ما، کشور ما به این هم اعتنا نکردند. این تحولی که در روحیه جامعه ما پیدا شده است که نظیر در هیچ جا ندارد، در خود تاریخ ایران همچو نظیری از برای آن نیست، این نحو تحول روحی از برای جامعه ای آن هم تحول فراگیر که همه اطراف مملکت را فرا گرفته است، حکومت نظامی که از قوانینش این است که، یا از اعلامیه هایشان این است که بیش از دو نفر حق ندارند با هم اجتماع کنند، جمعیت های دویست هزار نفری، سیصد هزار نفری، نیم میلیون نفری در همان مراکز حکومت نظامی بیرون می آمدند و حرکت می کردند و مرگ بر شاه می گفتند.

توبه نامه ای همراه چماق

اینها دیدند که از راه حکومت نظامی هم کار انجام نگرفت، این دفعه که چند روز پیش باشد، اینها با هر دو حربه پیش آمدند یعنی شاه یک دستش توبه نامه بود، یک دستش چماق. این توطئه بود، من اینطور حدس می زنم و همین بوده است که اینها این اجتماع مثلث یا مربع را که کردند در پیش شاه، قرارشان بر این شد که شاه بیاید و حرف های آدم توبه کار را بزند و هی در پیشگاه ملت تعهد بدهد (من متعهد می شوم به اینکه این اشتباهات را دیگر تکرار نکنم، تا حالا اشتباهاتی شد و من متعهد می شوم ملتزم میشوم در پیشگاه ملت که دیگر تکرار نشود این کارها و این اشتباهات) و بعد هم به طایفه طایفه از ملت رو آورد، به روحانیون، به مراجع عظام (به تعبیر او) و علماء اعلام که من از شما تقاضا دارم که مردم را هدایت کنید، مردم آرام بنشینند و من دیگر بنا دارم به این که از این به بعد یک انتخابات آزادی، یک ملت آزادی، آزادی به همه معنا بدهم و شما مردم را آرام کنید و به سیاسیون رو آورد و تقاضا کرد که شما هم کمک کنید در اینکه مردم دیگر اینطور کارها را نکنند و ما آزادی می دهیم، انتخابات آزاد، مجلس صحیح و دیگر از این کارهایی که بیشتر شده است و آن اشتباهات نمی کنیم و بعد هم رو به جوان ها آورد که شما از این ملت هستید و چه و بعد هم رو به پدر و مادر جوان ها که نگذارید جوان هایتان بیایند تو خیابان ها و این کارها را بکنند و به همه اقشار ملت ایشان رو آوردند و اعتراف کردند در محضر ملت و رادیو هم از قراری که گفتند در همه برنامه هایش این جد عظیم کرده است و این توبه نامه را خوانده است.

اعترافات شاه حربه ای برای به دست گیری يك سلطنت آرام

و این اقرار به این است که تا حالا- من این کارهایی که کرده ام اشتباه بود، اقرار به این است که من جرم مرتکب شده ام در حضور ملت ایشان اقرار کرده است به اینکه من تا حالا آزادی را از ملت سلب کرده بودم و حالا می خواهم که این آزادی را از این اشتباه دست بردارم و فهمیدم که این کار اشتباهی بوده است و می خواهم دست بردارم. اقرار به این است که مجلس ملی تا حالا نبوده است و مجلس سرنیزه ای بوده است و من این را هم اشتباه کرده بودم، انتخابات دیگر آزاد است، آزاد می شود. اقرار به این است که این قتل و غارت هایی که توسط مامورین من و اینهایی که از ساواک و غیره شد من به ایشان امر کردم که بکشید و بزنید، این اشتباهی بوده است و من از این به بعد این کار را نمی کنم. اقرار به این است که این حبس هایی که ما کردیم و این علما و سیاسیون و سایر طبقات را به حبس بردیم و ده سال، پانزده سال، کمتر، بیشتر اینها در حبس بوده اند، این يك اشتباهی بوده است که خوب بود نشود ولی خوب، شد لکن دیگر تکرار نمی شود و ما از این به بعد از این کارها نمی کنیم. شما هم بیائید دست بردارید و من همان سلطان باشم و شما رعیت باشید، شما آرام باشید که من يك سلطنت آرامی، دلخواهی بکنم و من هم قول می دهم و التزام می دهم و ضمانت می دهم که دیگر از این کارها نکنم. این آن دستی است که توبه نامه را دارد.

کشتار مردم، همزمان با توبه نامه

قرار این بود که ایشان بیایند در محضر ملت و این حرف ها را بزنند، دنبال او نخست وزیر هم همین حرف ها را تکرار کرده بود و هر دو می گفتند که ای ملت بیائید (به طبقات ملت که قیام کرده اند) بیائید همه مان به فکر ایران باشیم، در اندیشه ایران باشیم، بیاید دست از این کارها بردارید که ما همه در اندیشه ایران باشیم. این آن دست توبه ای است که در يك دستش توبه نامه بود، مصادف با همین توبه نامه يك دست دیگری هم بلند کرد و با شدت شروع کردند به آدمکشی، با شدت هر چه تمامتر الان در ایران مشغولند، همین حالا، الان. ما امروز صبح از قم اطلاع داریم که گفتند تا کنون قم اینطور نبوده است، اینگونه انقلابی که امروز در قم هست و آتش گرفته است و آتش سوزی و تفنگ و فساد، آن کسی که تلفن کرده بود به اینجا گفته بود که قم تا کنون يك همچین چیزی به خودش ندیده بود من حالا دیگر اطلاع از جاهای دیگر ندارم لکن اینطور هست مساله، زنجان هم که می گویند همین مسائل هست و شدت دارد.

ملت فریب توبه شاه را نخواهد خورد

این يك دست را اینطور گرفته است، وقتی آنجا نگاه می شود (آقا استغفرالله من توبه کردم، غلط کردم) يك دست را هم اینطور گرفته، شمشیر را دارد می زند به سر و کله مردم. خوب مردم باور کنند؟ اگر باز دنبال این مطلب نظامی نبود در کار و حکومت نظامی نبود و مثلا -يك- به خیال

خودشان يك حکومت ملی بود ، باز احتمال این می رفت که چند نفر آدم بی اطلاع از عمق اشیاء باور کنند . البته آنهایی که مطالعه کردند درباره روحیه این شخص و دیده اند که 30 سال ، بیست و چند سال این چکاره بوده است و این تبدیل لباس ها را از او دیده اند ، تبدیل چهره ها را او دیده اند که يك وقت به يك چهره عابد زاهد در می آید و دنبالش آن چهره ای که پنج پنج می گیرد ، اینها دیده اند مردم این را . آنهایی که اطلاع دارند از مسائل ، که تو هر چیزی بگوئی باور نمی کنند ، اگر لااقل با يك دست آمده بودی بیرون و همان قضیه عذرخواهی در پیشگاه ملت و توبه نامه ، احتمال می رفت که يك دسته مثلا مردمی که سطحی نگاه میکنند ، اینها باورشان بیاید ، خوب این هم برای تو يك چیزی بود که يك دسته سطحی نظر کن باورشان بیاید مطلب را ، اگر آن دسته بگذارند که اینها تفکر غلطی بکنند . لکن تو هر دو را با هم اجرا کردی این ناشیگری است . یا آنهایی که دارند تعلیم می دهند این مسائل را غرض دارند با این مردك و می خواهند کلکش را بکنند منتهی مستقیما نمی خواهند این کار را انجام بدهند می خواهند به غیر مستقیم این کار را انجام بدهند که به مردم بفهمانند که آقا توبه این آقا این است ، این توبه ای که دارد می کند و در پیشگاه ملت عذر تقصیر می خواهد و التزام می دهد و ضمانت می کند ، این الا-ن که توی زبانش التزام و ضمانت است زیر عبایش تفنگ است ، این را ملت باورش بیاید ؟ کدام ملت ، کدام احمق باورش می آید این را ؟ چه کسی این مطلب را باورش می آید ؟ آنها هم که مطالعه در حال شما نکرده اند ، آخر باورشان می آید يك همچین مطلبی که با هم تو این کار را داری انجام می دهی ؟ کسی احتمال می دهد که نظامی بدون اینکه شاه امر بکند آدم بکشد ؟ نظامی به روی مردم آتش روشن کند بدون اینکه امر مستقیم شاه در این مساله باشد ؟ ! اینها در این جلسه ای که داشتند فکر علیلشان به این منتهی شد که بیاید يك کاری بکنیم که اعلیحضرت را مصون نگه داریم و بگوئیم که آقا توبه کار است لکن نظامی خودش کار خودش را انجام بدهد ، یعنی نظامی ها هستند که این را انجام می دهند نه شاه و جوری اینها ترتیب آن را دادند که خود مطلب ، متن قضیه مطلب را روشن کرد که چه هست ، همان قضیه دم خروس است . متن قضیه معلوم بود که این يك صورت سازی است و به نظر انسان می رسد که اینهایی که این مطلب را تنظیم کرده اند با اینکه از آن طرف دیدند که ریاکاری ها به جایی نرسید ، حکومت نظامی و سرنیزه هم به جایی نرسید ، کلا "ضم این دو تا ، ضم شی به لاشی است ، ضم هیچی به هیچی است ، آن به جایی نرسید ، این هم به جایی نرسید ، خوب دوتایش هم همین است دیگر به جایی نمی رسد . اینها در عین حالی که این معنا را دیدند این طرح را دادند که مردم در خود طرح بفهمند که مساله این نیست که ایشان می گوید من توبه کردم و اینکه يك انتخابات آزادی و يك عرض می کنم مملکت صحیحی و مستقلى و آزادی بعد از این من تحویل می دهم ، همین حالایی که دارد می گوید استغفرالله التوبه ، همین حالا مسلسل های او با امر او دارد مردم را می کشد ، همین حالا که التوبه او باز قلمش خشك نشده است ، قم را به آتش زدند و زنجان را به آتش زدند ، سایر مملکت هم حتما این چیزها هست که ما لابد تا عصری یا شبی اطلاع پیدا می کنیم . نمی شود این مردم را دیگر بازی داد ، فکری دیگر باید بکنند اینها .

اگر این طرح از ابرقدرت هاست بسیار احمقانه است ، اگر از خود دستگاه هم هست ، که توی آن احمق هست ، آدم ناقلا هم هست . اگر احمق ها تنظیم کرده باشند که احمقانه است ، اگر این آدم های چیز فهم تنظیم کرده باشند ، بر ضد او می خواهند تنظیم بکنند . آنها هم با ملت معلوم می شود همراهند ، می خواهند مردم را بیدار کنند که ای مردم ! بدانید که توبه این آقا حمله است ، نه مرگ است . توبه گرگ را می گویند مرگ است اما توبه ایشان حمله است .

طلب عفو شاه از ملت ، با وجود جنایات جبران ناپذیر

با این وضع چطور ممکن است که يك بن بستی که الان هست این برداشته بشود و يك ملتی که بپاخاسته است و همه اقشار آن بیدار شده است و همه توجه به مسایل به طور صحیح پیدا کرده اند و خیانت ها همه روشن شده است و جنایت ها هر روز دارد می شود ، چطور امکان دارد که يك مردم اینطور که حالا پا شده اند و حق خودشان را مطالبه می کنند یا خود مردم یا سران مردم ، از روحانی و سیاسی و بازاری و دانشگاهی بیایند واسطه بشوند که آقا ، آقا توبه کردند ، بیائید ببخشید ، عذر می خواهند . من عرض کردم که ما فرض کنیم که این آقا توبه کرده است و بعد از این هم کوشش می کند در اینکه دموکراسی را اجرا کند و کوشش می کند در اینکه استقلال برای مملکت ما- عرض می کنم تهیه کند و همه خوبی ها هم به فرض محال این در خودش می خواهد جمع بکند ، خوب تا حالا- چه ؟ تا حالا این کارهایی که کرده است ، این جرم هایی که کرده است ، هیچ ؟ يك نفر آدمی که چندین هزار خانواده را بی سرپرست کرده است ، چندین هزار مادر را بی فرزند کرده است ، چندین هزار پدر را بی اولاد و بی جوان کرده است حالا می آید در پیشگاه ملت (آقا ببخشید ، معذرت می خواهم) می پذیرند ؟ آن کسی که پذیرد ، جواب این مادر و پدرها را چه می دهد ؟ آن که قبول کند که ایشان سلطنت بکنند نه حکومت ، اگر هم ما فرض کنیم که این نیرنگ نیست که هست ، بلاشکال هست ، اگر این هم فرض کنیم ، خوب جواب این مردم را ما چه بگوئیم ؟ آن پیرزنی که بچه هایش همه شان کشته شده اند و منزلش خالی شد است از اولاد ، جواب این را ما چه بگوئیم ؟ بگوئیم که اعلیحضرت حالا سلطنت بکنند یا اعلیحضرت باشند ؟ ! در سلام ها مردم بروند سلام بدهند به اعلیحضرت و برای جان او دعای خیر بکنند ؟ ! تا حالا این کارهایی که کرده است ، ده سال علماء اسلام را ، سیاسیون ایران را عرض بکنم که بازاری و دانشگاهی و دانشکده ای را این حبس کرده است ، عمر اینها را در حبس تلف کرده است ، این ده سالی که این عمر را تلف کرده ، هیچ ؟ حالا آزاد ؟ (حالا آزادیم) . آزادی معنایش این است که از اول دیگر عمر تو برگشت ؟ یا این عمر تلف شد ، از بین رفت ، يك جوان پیر شد در این زندان تو . من بعضی جوان هائی که قبل از زندان دیده بودم ، با من مصافحه می کردند ، با حالا وقتی مقایسه می کنم مقایسه يك پهلوان است با يك پیرمرد . تمام ؟ هیچ اینها ؟ ریش های اینها سیاه بود ، حالا آمدند بیرون سفید است ، مزاج اینها سالم بود ، حالا آمدند دردمند هستند ، معالجه باید بکنند . حالا ما فرض می کنیم که ایشان نخیر ، توبه صحیح و مشروع کرده است ، آیا جرم هائی که کرده اند هیچ دیگر ؟ اینها همه عفو ؟ ملت عفو بکند ؟ !

(بیانید به ایران فکر نکنیم) از فرمایشات ایشان و وزیرشان است که: (بیانید به ایران فکر نکنیم). خوب، ما داریم به ایران فکر می‌کنیم، ما حالا چند سال است که داریم به ایران، این ملت ایران دارد به ایران فکر می‌کند که این نهضت را کرده است برای اینکه می‌بیند ایران از دست دارد می‌رود، رفت از دست. می‌خواهد این ایران را نجات بدهد، به ایران فکر می‌کند که نجاتش بدهد. بیائیم شما را دوباره باز کنیم راهتان را برای زیادتر چپاول کردن و زیادتر پیوست کردن ایران را به قدرت‌های بالا؟! که به ایران فکر کنیم! فکر کنیم به ایران برای اینکه خیانت کنید به ایران؟! - فکر کنید که ایران خوب است که باز باز ایران (این از افکار ایشان است) باز ایرانی‌ها نرسیده‌اند به آنجا که آزادی‌یادشان بدهند، ایرانی‌ها باید تحت مهمیز اختناق و نظامی و چکمه خارجی باشند و داخلی. آقا می‌فرمایند که باز ایرانی‌ها نرسیده‌اند به آنجائی که آزادی به آنها بدهیم. این منطق اینهاست و آن مردک می‌گوید که از بس آزادی زیاد دادند این صداها بیرون آمده است. کارتر می‌گوید که یک آزادی تندی داده بودند، از این جهت مردم صدایشان در آمده است. این حرف‌های اینهاست که دارند می‌زنند، ما چه بکنیم با این جمعیت؟ غیر از این‌الان، غیر از این راهی هست که این گلوی کثیف را فشار بدهند تا اینکه تمام بشود این قضایا؟ یا ما راهی غیر از این داریم؟ راه آسانی هست؟ راه اینکه ایشان باز در ایران باشد هست؟ یا خیر، این راه، راهی است که انتحار ملت است. این راه، راهی است که ملت ما را به باد خواهد داد. این تر، تری است که ایران را تبه خواهد کرد، بدتر از این خواهد کرد. تا حالا هر چه کرده فساد بوده است و حالا مهلت می‌خواهد برای حمله‌های بعد، خدا می‌داند که اگر مهلت به او بدهند، اگر ملت ایران به این آدم مهلت بدهد خدا می‌داند که ضربه‌ای به شما می‌زند که دیگر سربلند نکنید. من قبل از این هم این مطلب را گفته بودم که مهلت ندهید به این که ضربه می‌زند و حالا یک سال است که دارد ضربه می‌زند و از این بدتر خواهد کرد.

وکلاي مجلس منتخبان سفارت يا ملت؟

این حرف‌هایی هم که حالا- می‌زند، اگر چنانچه این حرف‌های خود شاه است که دیگر بیچگانه به نظر آدم می‌آید (اگر من بروم دیگر ایران از بین خواهد رفت، اگر من بروم تجزیه می‌شود، بیانید به ایران فکر کنیم، اگر من بروم ایران تجزیه می‌شود، آن طرف روس‌ها می‌آیند، آن طرف آمریکائی‌ها می‌آیند) حالا- برای قدرتمندی ایشان است که نمی‌آیند و نیامده‌اند هم تا حالا!! ما ارتشمان که با مستشارهای آمریکا دارد اداره می‌شود. پایگاه‌هایی که در چندین جای مملکت ما درست شده است که آمریکائی‌ها درست کرده‌اند، نفتمان هم که دارند آنها می‌خورند، گازمان هم که دارند شوروی‌ها می‌برند، ما الان همه چیزمان مستقل و آزاد؟! خود ایشان گفتند که لیست می‌فرستادند آمریکایی‌ها، از سفارت‌ها لیست وکلا می‌آمد که شما باید اینها را وکیل کنید و چاره‌ای هم جز این نبود منتها دنبالش این ادعا را می‌کرد که بله، آن وقت بوده، این زمان پدرم بود (آن پدری که اینقدر این برایش تعریف

می کرد) همین را گفت (خوب، آن وقت بود، من حالا دیگر این کارها را نمی گذارم بکنند) حالا دیگر قضیه دوستی نیست، حرف ها، حرف هائی است که نمی گیرد دیگر، درست نیست این حرف ها.

اهمال و سستی در نهضت خیانت به اسلام است

و الان يك تكليف بیشتر از برای ایرانی ها نیست و آن اینکه این نهضت را محکم نگه دارند و هر چه می توانند بکوبند این دستگاه را تا برود از اینجا. اگر سستی بکنند و بکنیم خیانت کرده ایم به این ملت و خیانت کرده ایم به اسلام و قرآن کریم، برای اینکه این آدم با همه چیز ما بد است، این دشمن خونخوار همه چیز ماست. اگر يك کسی سستی کند در این قضایا، اهمال کند در این قضایا، کلمه ای بگوید که همراهی باشد با این آدم، این خائن به ملت است، خائن به اسلام است و باید احتراز کرد از او. تکلیف همه شما، همه شمائی که در خارج هستید این است که با ملت ایران همراهی کنید، پیوند کنید به ملت ایران.

دانشگاه استعماری پرورده دست اجانب، سدی در برابر شکوفائی استعدادها

اگر می دانید که از این مطالبی که سؤال کردند از من این آقایانی که از خارج آمده بودند، از آلمان آمده بودند که ما راجع به این کاری که داریم می کنیم، قبلاً" از این آقایان هم، جلوی اینها هم يك دسته دیگر چند روز پیش از این آمدند به من گفتند، اینها هم همین مطلب را با اضافه يك کلمه ای گفتند، آقایان خودشان اعتقادشان این است که این کاری که اینها دارند می کنند برای ایران منفعت که ندارد، يك خطری برای ایران هست و این آقایان هم تصریح کردند) کار تا آنوقتی که نفت ما از بین برود این هم کارش تمام می شود، این نمی شود جای نفت را بگیرد برای اینکه این عمرش بیشتر از این نیست. اینها را آن آقایان می گفتند، این اطلاع دیگر مال خود آقایان است که باید داشته باشند و آن آقایان می گفتند که ما که در اینجا، در این بنگاه داریم کار می کنیم ما را به يك حدی دارند نگه می دارند و نمی گذارند رشد علمی بکنیم. پس شما در اینجا نه نتیجه علمی می برید و نه خدمت به وطن می کنید بلکه می گوئید مضر است و اگر چنانچه اینطور تشخیص دادید باید نروید در این بنگاه، باید يك کار دیگر انجام بدهید. تکلیف محول بر تشخیص خودتان است، اگر شما آقایان تشخیص دادید که این يك بساطی است برای اینکه شماها را، جوان ها را نگذارید قوه هایتان، استعدادهایتان شکوفائی پیدا کند، چنانچه دانشگاه های ما اینطور هست، چنانچه همه جای ایران اینجوری است که نمی خواهند بگذارند جلو بروید شما، می خواهند شما را همچو به يك حد عقبی نگه دارند تا اینکه تحت فرمان اجانب که می خواهید واقع بشوید اعتراضی نداشته باشید. شما را به يك حد محدودی نگه می دارند، کارشناس ها را از خارج می آورند و قوای ملت ما صرف این می شود که فرمان از کارشناس ها ببرند و به عبارت دیگر اینها عملگی بکنند و آنها آقائی بکنند، اینها عملگی بکنند و ماهی چندر غاز بگیرند، آنها آنجا بنشینند و پیپ بکشند و يك طرح برخلاف و ضد ملت ایران بدهند و در ماه نمی دانم چقدرها

می گیرند ، خدا می داند که چقدر می گیرند اینها .

نقشه رضاخان در جداسازی ملت از دیانت

اصلا از اول نقشه این بوده است . از زمان رضا شاه این نقشه ها بود که باید این ملت را عقب نگه داشت ، باید این ملت را از دیانتش منفصل کرد . اینها می دانستند که این چیزی که اعتراض است و آن چیزی که محرك مردم و جامعه باز می تواند باشد قرآن کریم است و آنهایی که از قرآن متابعت می کنند . از زمان رضاشاه این مطلب پیش آمد که اسلام را و خدمتگزاران به اسلام را هر دو را کوبید . يك خطابه در تمام ایران نبود ، يك منبر در تمام ایران نبود . همه منابر تعطیل بود که سرتاسر ایران در ماه محرمش ، در ماه رمضان هیچ چیز نبود ، هر آخوندی سر از منزل در می آورد گرفتار می شد و می بردند او را به کلاتری ، همین طور عبایش را می بردند با جامه اش می گفتند برو بیرون . این یکی را رها می کردند ، آن یکی را می گرفتند جای دیگری . همان وقت چه جنایاتی این مرد کرد به اسلام و مسلمین ، بعد هم به ارث داد به این مرد و این را هم همه دارید می بینید که دارد چه می کند یعنی این صفحه ای که ظاهر است ، می بینیم این صفحاتی که در باطن است و آن مطالبی که در باطن است و من و شما مطلع نیستیم و اشخاص مطلع الان جرات نمی کنند حرف بزنند و بعد صدایش در می آید ، اینها الی ماشاءالله است . ما الان نمی توانیم تصور کنیم که اینها چه کرده اند با این مملکت ، اینها با این اسلام چه کرده اند ، با این مسلمین چه کرده اند ، با این ملت چه کرده اند ، با ذخایر ما چه کرده اند .

شاه ، از بین برنده ذخیره های مادی و معنوی ایران

ما دو تا ذخیره ، يك ملت دو تا ذخیره ممکن است داشته باشد که ایران داشت : یکی ذخیره های مادی زیرزمینی و یکی هم ذخیره ها که عبارت از این جوان ها بود ، اینها هم از ذخایر ملت است دیگر ، این هر دوی اینها را تباه دارد می کند و خواهد کرد . اما مواد طبیعی نفتش را که آنطور داد و گازش را آنطور داد و دارد می دهد مراتعش را که آنطور به قول خودش ملی کرد لکن به دیگران داد و جنگل هایش را به دیگران داد و همه اینها را داده به غیر . اینها اسناد به من نوشته بودند منتها حالا نوشته اش پیش من نیست ، نوشته نجف مانده است . همه اینها را به غیر داده اند . زراعت مان را که بکلی از بین برده است ، بعد از 30 سال دیگر که نفت ، اینطور اگر بدهند تمام می شود ، اگر به اینطور دست و دل بازی نفت ما را به غیر بدهند بعد از 30 سال ، چند سال دیگر تمام می شود ، آن روزی است که نه ملت ما نفت دارد و نه زراعت دارد . اگر این آدم باقی باشد ، بعد از 30 سال دیگر يك ملت گدا ، الان نصف ملت گداست ، آنوقت تمام ملت گدا خواهد شد ، پشتوانه هیچ چیز ندارد . این را اگر مهلتش بدهید ، آقا تمام حیثیات مادی و معنوی شما را از بین می برد .

این راجع به ذخایر ما که زیر زمینی است یا روی زمینی است و راجع به جوان های ما که از ذخایر بزرگ ما هستند نمی گذارند اینها تحصیل کنند ، رشد فکری برای اینها نمی گذارند ، اینها را تا

يك، (حتی آن کس که خارج آمده و تحصیل می کند جویری کرده اند که اینها هم تحصیلشان، تحصیل حسابی نشود)، به يك حدی می خواهند اینها را نگه دارند که در همان حد، همان عملگی برای آنها بکنند، همین نمی گذارند قوه اعتراض در اینها پیدا بشود، نمی گذارند رشد فکری در اینها پیدا بشود که مقابل اینها بایستند و نگذارند اینها اینقدر چپاول کنند.

ملت شجاعت و بیداری خودش را در تاریخ ثبت کرد

حالا بحمدالله این بت شکسته شد و این سد برداشته شد و برداشته خواهد شد، بعد زیادترو ملت ما قیام کرد و شجاعت خودش را و بیداری خودش را در تاریخ ثبت کرد ملت. ملت اثبات کرد که نه نیرنگ های شاهانه و نه چماق های شاهانه نمی تواند جلوی آن را بگیرند. نه حکومت نظامی و نه نخست وزیر نظامی، اینها دیگر قابل این نیستند که جلوی يك ملت را بگیرند. امروز که حکومت نظامی است و دولت نظامی است، همین امروز در ایران باز همان نهضت ها و همان حرف ها و همان (مرگ بر شاه) ها الان هم موجود است در ایران.

دولت و سلطنت در پناه مجلس غیر قانونی نمی شود يك ملتی را چیز کرد، از این حرف هائی که کارتر می گوید که (ما همراهی می کنیم و ما همچو نوکری را نمی توانیم از دست بدهیم و این منافع ما را در ایران چه می کند). و مال انگلستان می گوید - دیگر عرض کنم که - خیر ما نمی توانیم بنشینیم کسی که منافع ما را در آنجا چه می کند). ما برای همین جهت داریم فریاد می زنیم که این آدم آمده است که منافع انگلستان و آمریکا و شوروی را تامین کند، این خائن است، این مخالف با همه چیز ملت ماست، قانونا این دیگر سلطان نیست از اول هم نبوده است. این سلسله پهلوی از اول غیر قانونی سلطنت کرده است، از اول با سرنیزه مجالس را درست کرده است. مجلس ملی ما نداشتیم هیچ وقت، مجلس ملی که سلطنت او را، مجلسی که سلطنت او را تثبیت کرد، مجلسی بود که با سرنیزه درست شده بود و من اطلاع دارم و شاهد قضیه بوم و هر که هم سن من است او هم اطلاع دارد و شاهد بوده است. يك سلطنت غیر قانونی و يك مجلس غیر قانونی و يك دولت غیر قانونی دارد بر ما حکومت می کند، بعد آقا می گویند که ما انتخاب را آزاد قرار می دهیم. اصلا انتخابات غیر قانونی است با وجود شما، شما وجودت غیر قانونی است، انتخابات یعنی چه؟ انتخابات آزاد یعنی چه؟ باید قانونی باشد، انتخابات را باید شاه بر حسب قانون باید شاه امرش را بدهد، تو شاه نیستی، تو یاغی هستی، يك آدم یاغی تو هستی، برخلاف قانون در این مسند نشستی.

تبلیغات شاهانه بر علیه اسلام

مهلت ندهید آقا، همه، همه موظفیم و اگر کوتاهی کنیم، همه خائنینیم. من امیدوارم که شما جوان ها

با وحدت عمل و وحدت اراده، بدون اینکه با هم اختلافی بکنید، همه یکصدا باشید و پشتیبانی از این نهضت بکنید که این نهضت به نفع مملکت شما و به نفع خود شماست. تبلیغاتی که در اطراف این مسائل می شود این تبلیغات همه تبلیغات شاهانه است، اینکه اسلام نمی تواند دیگر حالا اداره بکند، مال 14 قرن پیش است، اسلام دیکتاتوری دوم است، اسلام نمی تواند که حاجات فعلی مردم را برآورد، اسلام دعوت به ارتجاع می کند، از این مسائلی که دیگر کهنه شده است اینها، اینها دیگر کهنه شده است این در ده بیست سال پیش از این ممکن بود یک کسی یک چیزی بگوید ولیکن حالا دیگر کهنه شده است، همین آقائی که ارتجاع سیاه می گفت و عرض می کنم که به شئی غیر مبارك، ارتجاع، ارتجاع سیاه و چیز سرخ، اینها دارند مملکت را چه می کنند، حالا آمده است دستش را دراز کرده است که مراجع عظام و روحانیون اعلام بیایند و با من کمک کنند که من این جنایات را توسعه بدهم و زیادش کنم و ادامه اش بدهم. این وضع ایشان این بود. این حرف ها کهنه شده است.

کیفیت زندگی حاکمان اسلامی و روش برخورد آنها با مردم

اسلام آن اسلامی است که در نیم قرن فتح کرد تمام این ممالک را برای اینکه آدمشان کند، نه فتح اسلام مثل فتح سلطنت های سلطان های دیگر، مثل فتح نادرشاه است، خیر. آن طرز حکومت اسلام، طرز حکومت آدمسازی است. شما خود روسای اسلام را باید ملاحظه کنید، مثل پیغمبر اکرم که رئیس اسلام است، امیرالمومنین که بعد از او رئیس اسلام بود. شما خود آنها را ببینید که وضع شان چه جور بوده است، دیکتاتوری بوده است؟ پیغمبری که با مردم دیگر وقتی می نشست معلوم نبود آقا کدام است و نوکر کدام است و - عرض بکنم که - اصحاب کدام است و خود پیغمبر کدام است پیغمبری که با مردم همانجور می نشست و با هم همانطور جلسه می کردند و همانطور جلسه شان، جلسه بنده ها و فقرا بود و زندگیش، زندگی فقرا بود و بیت المال، مال مردم بود و هیچ تصرفی نمی کرد، مثل یکی از فقرا زندگی می کرد و با مردم وقتی که معاشرت می کرد، اعلام کرد به اینکه هر کس حقی دارد به من بگوید، یکی پیدا نشد (غیر یک نفر آدمی که اشتباهها گفت برای غرضی) که بگوید توده شاهی از ما برداشتی، که بگوید یک ظلمی تو به من کردی. این آخر عمر می فرمود هر که حرفی دارد به من بگوید، هیچ کس پیدا نشد که بگوید تو به ما یک ظلمی کردی، یک بدی گفתי عرض می کنم که به این ملت یک نعوذبالله خیانتی کردی، فقط یکی در بین اینها پا شد گفت که شما یک شلاق به من زده اید. گفت به او بیا عوض آن را بزن. گفت به اینجا من. گفت بیا عوض آن را بزن. گفت نه اینجوری نبود برهنه بودم. برهنه شد. بعد رفت بوسید آنجا را، گفت که من این را گفتم که اینجا را ببوسم یعنی دروغ گفتم، نه نکرده اید. شما در حکومت های دنیا یک همچین حاکمی پیدا کنید، ما یک همچین حاکم، دنبال یک همچین حاکم می گردیم، البته نمی توانیم پیدا کنیم اینجور اما دنبال این می گردیم که لااقل به بعضی احکام اینها خوب عمل بکنند، خیانت نکنند به این ملت، نخورد مال این ملت را، بر ندارد مال این ملت را ببرد به آمریکا و به سایر ممالک و ویلا برای خودش و بچه هایش و

طایفه اش درست بکند .

پیغمبر وقتی که از دنیا رفت هیچ چیز نداشت . این هم آن حاکم دوم که دیگر توسعه حکومتش سرتاسر شرق را گرفته بود و تا اروپا هم رفته بود تقریباً ، آن هم آن حاکم که زندگیش يك پوست داشت ، آنجا شب ها روی آن دوتایی زن و شوهر می خوابیدند که حضرت امیر باشد و فاطمه زهرا سلام الله علیها و روزها علف شتر را روی آن می ریختند که علف بخورد آن . این بارگاه ، تخت و بارگاه اعلیحضرت سلطان بود . کار می کرد ، مثل سایر عمله ها کار می کرد نداشت این جایی را ، آدم و دستگاه نداشت . نه اینکه کار می کرد که جمع بکند ، کار می کرد و وقف می کرد . همان روزی که با او بیعت کردند بیل و کلنگش را برداشت و رفت سراغ کاری که انجام می داد آنجا يك چشمه ای را می خواست حفر کند ، خودش با دست خودش حفر کرد ، وقتی در آمد ، تبریکش کو ؟ گفت که این تبریک را برای ورثه بگو ، بیاور قلم و کاغذ ، و قلم و کاغذ آوردند ، همان وقت وقف کرد برای يك جهتی . آن هم زندگی و خوراکش که از نان و جو نگذشت ، بالاتر نبود ، آن هم چند تا لقمه بود . ما يك همچین حاکمی ، دنبال این می گردیم پیدا نمی کنیم البته ، خود ایشان هم فرموده که (خوب شما طاقت ندارید اینقدر ، لکن تقوا داشته باشید)

خواسته ملت ، اجرای قوانین مترقی اسلامی به دست حاکمان متقی

ما دنبال يك حاکم تقوادر ، تقوای سیاسی لااقل داشته باشد ، نخورد مال این ملت را ، هدر ندهد این ملت را ، ما دنبال این می گردیم . ما می گوئیم حکومت اسلامی ، می خواهیم يك حکومتی باشد که يك قدری شبیه باشد به این حاکم های ما . آنوقت کجای حکومت اسلامی دیکتاتوری بوده است که آقایان سخت از این می ترسند . دیکتاتوری چیست ؟ حکومت اسلام حکومت قانون است . اگر شخص اول مملکت ما در حکومت اسلامی يك خلاف بکند ، اسلام او را عزلش کرده است ، يك ظلم بکند ، يك سیلی به يك کسی بزند ، ظلم است ، اسلام او را عزلش کرده ، او دیگر قابلیت از برای حکومت ندارد . این دیکتاتوری است ؟ حکومت قانون است ، قانون خداست . یعنی حاکم ، یعنی شخص اول مملکت ، اگر يك کسی يك چیزی داشته باشد ، شکایتی داشته باشد از او ، پیش قاضی می رود و او را حاضرش می کند و او هم حاضر می شود ، وظیفه است . حضرت امیر این کار را کرد ، ما هم يك همچین حکومتی می خواهیم ، حکومت قانون . قانون یعنی آن قانون آن هم قانون مترقی اسلام .

اسلام با فساد مخالف است نه با تمدن

اینها می ترساند شما را از حکومت اسلامی ، می گویند اگر حکومت اسلامی باشد زن ها را می کنند توی يك اطاق و درش را قفل می کنند ، تا آخرت توی آن اطاق باقی باشید . زن ها در صدر اول اسلام جنگ می رفتند بیشتر آنها در طول جنگ بودند برای مداوای زخمی ها ، بیشتر از انتظار شما يك سینمای اخلاقی ، يك سینمای آموزنده بیاورید ، اگر يك کسی با آن مخالفت کرد . با آن مراکز

فساد دولت اسلام مخالف است، نه با تمدن مخالف است. این تمدن است که سرتاسر يك مملکتی آنقدر مرکز فساد داشته باشد؟ کتابخانه نداشته باشد، مرکز فساد داشته باشد؟ با این مخالف است، نه با ترقی مخالف است. مردك در یکی از حرف هایش آنوقت که ما قم بودیم، در یکی از حرف هایش گفت که این آخوندها می گویند که ما نمی خواهیم این تمدن را، اینها می خواهند با الاغ بروند، از این قبیل. خوب آدم چه بکند با يك همچین آدمی؟ حالا آمده است بعد از این همه حرف هائی که يك وقت گفت که این مالاها مثل حیوان نجس هستند از ایشان احتراز کنید، يك وقت گفت که اینها با کرم ها، مثل کرم هائی می مانند که در نجاست می غلطند، همین آقا به جامعه روحانیت این حرف ها را زد حالا آمده است می گوید که (علمای، مراجع عظام و علمای اعلام) خوب میدانند دروغ میگوئی. احتمالش که یکی بدهد نقص دارد در ادارك.

در هر صورت خداوند شماها را تایید کند، موفق باشید، همه با هم باشید، آقا اگر چنانچه متفرق بشوید، کاری از پیش نمی برید، یکی یکی کار از پیش نمی رود، همه با هم مجتمع، یدالله مع الاجماعه.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 70

مصاحبه امام خمینی با رادیو تلویزیون ژاپن

سؤال: دولت جدید نظامی در ایران سر کار آمده، آیا فکر می کنید تغییری در وضع داده خواهد شد و مانعی برای پیروزی دوستان شما در آنجا خواهد بود؟

جواب: دولت جدید چیز تازه ای نیاورده، ایران مدت هاست با حکومت نظامی اداره می شود و حالا هم نخست وزیر نظامی است و وضع جدیدی پیش نمی آید و مردم به مقاومت خود ادامه می دهند و شکست دستگاه قطعی تر شده است.

سؤال: الان يك اتحاد جدید بین تمام نیروهای مخالف در ایران بوجود آمده است، از يك طرف در راس مسلمانان شیعه شما هستید و بخشی هم چپ های افراطی هستند، آیا فکر نمی کنید که در آینده موجب مشکلات داخلی بشود؟

جواب: خیر، چپ ها تعداد بسیار قلیلی هستند. در ایران 35 میلیون مسلمان هستند که همه در خیابان ها از اسلام داد می زنند، چه کسانی در مقابل این 35 میلیون آگاه و معتقد می توانند بایستند. ما از این جهت هیچ مشکلی که قابل حل نباشد، نداریم.

سؤال: بعد از کار افتادن شاه، تصمیم شما و نظر شما در مورد دولت های آینده چیست؟ و بخصوص موضع شما راجع به نفت؟

جواب: دولت آینده، دولت مستقل و بدون اتکاء به سایر دول می باشد و برنامه این است که نفوذ دولت ها و ابر قدرتها را از ایران قطع کنیم و نفت را که مال ملت است در اختیار خود ملت بگذاریم و به کسانی می فروشیم که ارز به ما بدهند. ما نمی خواهیم نفت را نگه داریم، ما می خواهیم نفت را به کسانی که مشتری هستند بفروشیم و هر مشتری بهتری که یافتیم به او می فروشیم و هرگز اجازه نمی دهیم آهنپاره به جای پول به ما تحمیل کنند.

مصاحبه امام خمینی با تلویزیون A . R . D آلمان

سؤال: حضرت آیت الله! شرایط شما برای يك دولت مورد قبول چیست؟ و همین طور هدف های شما برای اینکه جامعه ایرانی را از وضع کنونی به جامعه مورد قبول خودتان تبدیل کنید، چیست؟ و آینده سلسله پهلوی را چه جور پیش بینی می کنید؟

جواب: اما در مورد سلسله پهلوی، اصولاً ما هیچ شرطی را در حکومت شاه با تبدیل حکومت او به حکومتی دیگر در سلسله او نخواهیم پذیرفت. با رفتن سلسله پهلوی، يك نظام جمهوری اسلامی مترقی پیش می آید که در این نظام به اتکاء ملت، سرنوشت ایران معلوم و دولت تعیین می شود.

سؤال: منتقدین خارجی چنین تصور کرده و بیان می کنند که اگر حضرت تعالی در مسائل سیاسی ایران نفوذ پیدا کنید پیشرفت هائی که در زمینه مدرنیزه کردن جامعه بوجود آمده از بین خواهد رفت. اگر این درست نیست، لطفاً نظرتان را بفرمائید.

جواب: تاکنون که پیشرفت هائی در ایران نشده است. آنچه انجام گرفته به شکل پیشرفت است و در واقع جز تخریب بیش نیست. اگر حکومت به دست ملت بیفتد، آنها در مصالح خودشان کوشا خواهند بود و آنگاه انشاءالله سریعاً پیشرفت حاصل می گردد.

سؤال: در صورت تغییرات شدید در ایران، چه نتایجی برای کشورهای اروپای غربی بویژه آلمان غربی بوجود خواهد آورد، بخصوص در زمینه نفت؟

جواب: نتایج بدی به بار نخواهد آورد. با همه دولی که به احترام ما رفتار کنند، ما نیز با آنها به احترام متقابل رفتار خواهیم کرد و نفت را پس از آنکه در اختیار ما باشد و کسی در آن دخالت نکند، به مشتریان خود خواهیم فروخت و پول آن را خرج خود ملت می کنیم.

سؤال: با آمریکائی هائی که در کشور شما هستند چه خواهید کرد؟ و همچنین آیا از نفوذ شوروی ها در کشور خود نگران نیستید؟

جواب: آمریکائی هائی که به ضرر ما در ایران هستند، آنها را تحمل نخواهیم کرد. اما کسانی که به ضرر ما نیستند، مثل سایر خارجی ها در آنجا زندگی خواهند کرد. ما از نفوذ شوروی به هیچ وجه باکی نداریم و نمی ترسیم زیرا جامعه ما اجازه چنین نفوذی را به آنان نمی دهد.

سؤال: نظرتان درباره اوضاع کلی کشور و حکومت نظامی جدید چیست؟

جواب: حکومت نظامی جدید همزمان با نطق شاه، یکی برای اغفال و دیگری برای سرکوبی ملت است. نه آن اغفال اثری دارد و نه این سرکوبی مردم. همه بپاخاسته و حق مشروع خودشان را مطالبه می کنند و این قیام تا اینکه مردم حق خود را گرفته و این سلسله را منقرض کنند، ادامه دارد.

سؤال: برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی فعلی چه برنامه ها و تصمیماتی در نظر دارید؟

جواب: فعلا- اعتصابات، تظاهرات و هر چه سریعتر کردن دامنه اعتصابات مورد نظر است، اگر پیشرفت نکرد، نظر ما متناسب با آن شرایط تغییر خواهد کرد.

ص: 73

مصاحبه امام خمینی با هفته نامه انگلیسی ساندی تلگراف

سؤال: آیا اگر هم مخالفین شاه با هم متحداً علیه شاه فشار بیاورند، آیا امکان پذیر نیست که اوضاع ایران بدون دست زدن به جهاد مسلحانه حل شود؟ اگر نیست، چه گروه از مردم اعم از کارگران، سربازان، محصلین، کشاورزان و... را می توان در این جهاد مسلحانه به حساب آورد؟

جواب: ما امیدواریم مسائل ایران بدون قیام مسلحانه، با همین نهضتی که اکنون تمام اقشار ایران را فرا گرفته است و با همین فشارهایی که ملت بر شاه وارد می کند حل شود، اگر چنانچه حل نشد و یا احتیاجی به قیام مسلحانه پیدا شد، تمام اقشار ملت در آن شرکت خواهند کرد و يك طبقه معینی در آن انحصار نخواهد داشت

مصاحبه امام خمینی با خبرنگاری آمریکائی یونایتدپرس

سؤال: آیا فکر می کنید که موقعیت ایران با انتصاب دولت نظام بهبود خواهد یافت؟

جواب: هرگز، آنچه مسلم است سرنگونی رژیم را سریعتر می گرداند

سؤال: آیا از اینکه مقامات دولتی از جمله رئیس ساواک، به خاطر فساد بازداشت شده اند خوشحالید؟

جواب: این دستگیری ها برای تبرئه شاه از يك عمر خیانت است و ملت آگاه ایران دیگر فریب این خیمه شب بازی هارا نمی خورد.

سؤال: آیا میل دارید که در راس يك جمهوری اسلامی به خدمت پردازید؟ آیا خود به انجام امور روزمره حکومتی می پردازید یا يك نخست وزیر را برای انجام آن انتصاب خواهید کرد؟

جواب: کرارا گفته ام نه میل و رغبت من، نه سن و موقعیت من اجازه چنین چیزی را می دهد. نمایندگان منتخب مردم، هیئت دولت را انتخاب خواهند کرد.

سؤال: آیا جمهوری اسلامی شما اجازه خواهد داد تا مذاهب دیگر به طور آزاد و آشکار به انجام امور مذهبی شان پردازند؟

جواب: بله، تمام اقلیت های مذهبی در حکومت اسلامی می توانند به کلیه فرائض مذهب خود آزادانه عمل نمایند و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه حفاظت کند.

سؤال: آیا شما نظر بر این دارید تا دولت نظامی و شاه را خلع نمائید؟

جواب : سرنگونی شاه خواست ملت ایران است و دولت نظامی نماینده ملت نخواهد بود .

سؤال : اگر شاه خلع ید شود ، با او چه خواهید کرد ؟

جواب : اگر شاه فرار کند که از قدرت ما خارج است و در صورتی که به دست ملت گرفتار شود ، او را طبق قوانین و ضوابط اسلامی محاکمه و مجازات می نمائیم .

ص: 76

بیانات امام خمینی در مورد نیرنگ جدید شاه (دستگیری شرکای جرم و رهائی زندانیان سیاسی)

دستگیری شرکای جرم و رهایی زندانیان سیاسی، از تشبثات شاه برای بقای سلطنت

اعوذبالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

از دست و پاهایی که شاه دارد می زند، یکی هم این شریک جرم هایش است که اینها را (یک عده اش را) گرفته اند. در این حکومت نظامی که، یعنی دولت نظامی و حکومت نظامی که به پا کردند، دیدند که خیلی فایده نکرد، حالا یک راه دیگری پیش گرفتند و آن آنکه، آنهایی که تا دیروز با او شریک جرم بودند، بعضی شان 12 سال، 13 سال در همه جنایاتی که شاه کرده است شریک بودند، حالا به عنوان اینکه آن خیانت کرده و جرم کرده، گرفته اند. آن شریک را گرفته اند که این شریک محفوظ بماند.

گمان کردند که - مردم - الان همه اذهان مردم متوجهند که آن شریک ها را گرفتند دیگر مساله ای نیست و باید، مردم اجازه بدهند که شاه باشد. برای اینکه خوب شما دیگر چه می خواهید؟ شاه از آن طرف آمده است عذرخواهی کرده است که ببخشید من اشتباه کرده بودم، بعد از این هم دیگر من اشتباه نمی کنم، از آن طرف هم خوب، زندانی های سیاسی را، خیلی از آنها را رها کرده است، از اهل علم، از افراد سیاسی و سایر طبقات، از این طرف هم یک عده ای از این اشخاصی که در دولت ها بودند و آنها خلاف کرده اند - همه را - این عده را گرفته است و می خواهد که اینها را محاکمه مثلا بکند. می گوید شما ملت ایران چرا اینقدر لجاجت می کنید؟ من باید باشم! دیگر شاه از این بهتر کجا ما پیدا بکنیم که دزدها را گرفته و سیاسی ها را رها کرده است زندانی ها را رها کرده و قول و قرار هم داده به اینکه بعد از این دیگر زاهد بشود و عابد و مسلمان؟! دیگر شما چه طلبی از شاه دارید که در سرتاسر ایران باز اعتصابات می کنید؟! این اعتصابات دیگر چیست؟ چرا باز سرتاسر ایران اعتصاب است؟ چرا شرکت های نمی دانم هواپیمائی و دیگران، اتوبوس و - این چیزها - شرکت واحد در اعتصاب است؟ خوب، پزشک ها چرا اعتصاب کردند؟ باید پرسید که این مسائل (ما اگر بخواهیم تحلیل کنیم این مسائل را) جرم را زیاد می کند یا جرم را قصر می کند؟ شما این دولت هایی که تشکیل داده اید، همه اینها به دست شما تصویب شده است و این مجرم هایی که حالا گرفتید، اینها همه شان اینهایی بودند که در دولت های شما بودند، شریک جرم شما بودند، شما حالا می گوئید اینها مجرم

هستند؟ شما این مجرم ها را روی کار آوردید ، می گوئید دزد هستند؟ شما این دزدها را روی کار آورده اید . حالا شما يك مجرمی را یا مجرم هایی و يك خائن هایی را خودتان در دولت ها سر کار آوردید و با هم مشترکا مشغول شدید به چاپیدن این مملکت و به اذیت کردن این مردم . حالا اگر دو نفر یا ده نفر با هم شريك شدند و يك جرمی را انجام دادند یا يك خیانتی کردند ، بعد یکی از آنها قدرتمندتر بود يك چند نفری از آنها را فرض کنیم گرفت ، این جرم خودش محتوم است برای اینکه شرکای جرم را گرفته است؟! یا خود این ، اقرار به این است که من خیانت کردم این اشخاص را آوردم روی کار؟ بعضی از اینها که 12 سال یا بیشتر در مسند نشسته بودند ، شما این 12 سال هیچ اطلاع از حال این نداشتید ، حالا تازه امروز مطلع شدید؟! هیچ اطلاعی تا چند ماه قبل از این ، از این ، 12 ، 13 سال پیش از این تا چند ماه قبل از این شما هیچ اطلاعی از حال این آدم که نخست وزیر شما بود و در کارها دخالت داشت و مشاور شما بود و همه کارها را با نظر و فرمان مبارك انجام می داد ، شما تا حالا هیچ اطلاع نداشتید که این آدم چکاره است؟! همین دو سه روز مطلع شدید؟! همین چند روز و چند ماه شما مطلع شدید؟! اگر يك آدمی 12 ، 13 سال مشغول خیانت و مشغول چپاولی بوده و شما اطلاع نداشتید ، شما لیاقت اینکه در این پست باشید (اگر پستی باشد) شما همچو لیاقتی ندارید ، آدم نالایقی هستید . اگر مطلع بودید ، چنانچه هستید و بودید ، خوب دو نفر شريك جرم بودید منتها تو شريك بزرگه بودی ، او شريك کوچکه بوده ، حالا شريك بزرگه اگر شريك کوچکه را گرفت و حبسش کرد ، اسباب این می شود که دیگر جرمی در کار نباشد؟! یا جرم هست و تو شريك کوچکه را گرفتی ، ملت شريك بزرگه را می خواهد .

غفلت در نهضت ، مهلتی است بر پایگیری قدرت رژیم برای سرکوبی ملت

همان حجتی که تو داری بر اینکه این شريك جرم را گرفتی یا این شرکای جرم را گرفتی ، با همان دلیلی که شما این شرکای جرم را گرفتید ، به همان دلیل ملت از تو مؤاخذه می کنند و می خواهند تو را بگیرند . این راه مفر است ، اینها راه عقلانی نیست که شما می خواهید يك راهی درست کنید که این نجات پیدا بکند ، این راه نجات نیست که . تمام این حرف ها و تمام این نیرنگ ها برای این است که خوب احتمال ، ولو در صد احتمال يك احتمال ، ولو در هزار احتمال يك احتمال اینها احتمال می دهند که مردم را مثلا يك بازی بدهند ولو آن طبقه مثلا متعارف مردم بازی بدهند لکن ما می بینیم که مردم بازی نمی خورند . همین حالا که هم آن شريك جرم ها را گرفته است و هم آن نطق را مکررا (می گویند) گذاشته است و شنیدند و خوب ما هم شنیدیم این نطق ها را و هم نطق آن نخست وزیر نظامی و آن نطق را هم ما شنیدیم که دیروز کرد ، هم سرنیزه آقایان و همه چیزها ، هم حمله به مردم و هم ریختن توی بیمارستان و در بیمارستان را شکستن و توی بیمارستان آدم کشتن و هم حمام قم که سه نفر را به واسطه گاز خفه کرده اند و هم همدان و هم همه جا ، باز همان حرف ها و همان انقلابات و همان اعتصابات و همان صداها هست و نمی شود نباشد . يك ملتی که بیشتر از پنجاه سال زیر دست و پای

اینها خرد شده است، حالا که چشم هایش را باز کرده و می بیند که باید این مجرم ها را با زور و با فشار و با هیاهو و با - عرض بکنم - تظاهرات و اعتصابات و اینها شکست داد، همین ملت می داند این معنا را که اگر چنانچه يك غفلت کوچکی حالا بکند، يك غفلت بسیار كوچك الان اگر بکند، باز این مطلب برمی گردد به پنجاه سال پیش از این و دیگر نمی تواند این ملت حتی بعد از پنجاه سال دیگر هم يك همچو نهضتی را ایجاد کند و يك همچو قیامی بکند. خوب، ملت این را می داند، می داند که اگر امروز این تا آن آخر نقطه نرود و تا سرنگونی این آدم، این نهضت را ادامه ندهد، بر می گردد به حال رضا شاه و بدتر از او و این دفعه اگر چنانچه این قدرت پیدا بکند، دیگر نه بر بچه مهلت می دهد نه بر بزرگ، همه مخالفین خودش را که همه ملت است، سرکوب می کند و هیچ هم مضایقه ندارد ایشان.

ملت تعهدات شاه را مبنی بر جبران و عذر اشتباهات گذشته باور ندارد

همچو خیال نکنید که يك، بله خیلی مثلا عدالت اجتماعی، هر چند روز يك دفعه که منبر می رفت می گفت: (عدالت اجتماعی را من می خواهم چی بکنم، فضای باز سیاسی و عدالت اجتماعی و انتخابات آزاد و تمدن بزرگ و دروازه تمدن بزرگ) و از این شعرهایی که صدتایش يك غاز در بازار ایران دیگر ارزش ندارد او پشت سر هم می بافت و حالا هم باز دست برنداشته است. هر وقت صحبت می کند باز از آن حرف ها می زند منتها صفحه ها مختلف می شود، گاهی وقت ها با آن صورت ها در می آید و گاهی وقت ها - با، چیز می شود. گاهی وقت ها - به بازاری ها، وقتی قم آمد، آنجا دست و پایش را هم گم کرده بود. آن وقتها که قم آمد، يك دفعه که در همان نزدیکی های 15 خرداد، جلوی 15 خرداد بود، این آمد قم، گفتند که وقتی که وارد شد همچو دست و پایش را گم کرده بود که باید از این راه برود، از توی يك کوچه ای شروع کرد رفتن، بعد رفتند گفتند آقا راه این طرف است بفرمائید، از این راه هدایتش کردند آمد و وقتی که رفت ایستاد در بیرون صحن، ایستاد و صحبت بکند، در حرکاتش هم که می پرید بالا و می پرید پائین، باز مردم يك حرف هایی داشتند و رفت ایستاد و بازاری های متدین قم را به حرف های نامربوط بست، گفت: (ریشوهای کذا)، از این حرف های نامربوط، به علما که بدتر از این گفت: (حیوان نجس) از این مسائل، همین آقا حالا آمده مقابل ملت و باز توبه می کند و عرض اخلاص می کند به همه طبقات ملت که ما اشتباهاتی کردیم خوب دیگر از این به بعد اشتباه نمی کنیم.

خوب اگر اشتباه کردی چرا حالا دوباره می کشی؟ اگر شما تصدیق داری که اشتباه کردی، از آدمکشی اشتباه بیشتر می شود؟! از جوان های مردم را کشتن، از زن های مردم را کشتن دیگر اشتباه بالاتر داری تو؟! اگر اعتراف داری که شما اشتباه کردی و می گویی می خواهم برگردم از این اشتباه ها، دیگر اینها تکرار نمی شود، اگر اینطور است خوب برگرد از اشتباه خود، تو که می گویی می خواهم برگردم از اشتباه، مردم چطور باور کنند؟ تو می گویی اشتباه کردم و الان داری آدم می کشی. مگر امکان دارد که نظامی بدون اجازه این آدم، آدم بکشد؟ چه داعی دارند آنها آدم بکشند برای خاطر يك کسی دیگر؟ تا او

فرمان ندهد و خودشان را لازم الاطاعه ندانند و جرات نکنند تخلف بکنند، آدم نمی کشند. تا فرمان ایشان نباشد کسی آدمکشی نمی کند و این ارادلی ها را نمی کند. فرمان مستقیم این است که اینها را وادار می کند به آدمکشی و اینطور چیزها. همین آدمی که می گوید که من عذر می خواهم از شما و اشتباه شده و چطور و من تعهد می دهم، ضمانت می دهم به اینکه چه نکنم، خوب یک دفعه دیگر هم ضمانت و تعهد خودت را دادی، اول سلطنت شیطانیت. تو همین تعهدها را دادی و قسم هم خوردی و در مجلس هم رفتی و همه این کارها را کردی و دنبالش به قول خودت این اشتباهات را کردی و این غلطها را، حالا چه شده است که دوباره آمدی؟ آنوقت باز یک فرجه ای شده است مثلاً فرض کنید ده روز، یک ماه و دو ماه، سه ماه بعدش این کار را کردی، تو امروز در عین حالی که می گویی من اشتباه کردم و دیگر من نمی کنم از این کارها و دیگر - عرض می کنم که - تعهد کردم که تکرار نشود، در عین حال داری انجام همین کثافتکاری ها را می دهی و همین جنایتکاری ها را، آنوقت مردم چطور بپذیرند از تو؟ و - کلام - مثلاً فرض کنید اگر خدای نخواستہ یک عالمی بیاید به مردم بگوید ساکت بشوید، چطور مردم گوش کنند به حرف این عالم؟ خوب می گویند این عالم (خیلی خیلی بخواهند تاءدب کنند) می گویند این عالم اشتباه کرده است یا شاید هم بگویند این آدم درباری است. خیلی بخواهند ادب کنند می گویند خوب این آقا آدم ساده ای است، آدم صافی است و نفهمیده که این چه جور جنسی است. ملت نمی شود، آقا نمی شود ملت را دیگر اینقدر نفهم حساب کرد، یک ملتی که ایستاده و دارد فریاد می زند و حق مشروع خودش را دارد مطالبه می کند، این را دیگر نمی شود با این چیزها خوابش کرد.

بوق های تبلیغاتی در داخل و خارج، مبلغ قتل عام اقلیت های مذهبی بعد از تشکیل حکومت اسلامی

اشاره

از آن طرف تبلیغات همه جانبه، مثلاً دیدند که خوب، در ایران (حالا هم ایران، هم خارج، هر دورا می خواهند این انحراف حاصل بشود) اقلیت های مذهبی هست و خارج ایران هم به این مساله خوب اهمیت می دهند، راجع به اقلیت های مذهبی اینها درست کردند که اگر چنانچه حکومت اسلامی تشکیل بشود، دیگر همه اقلیت های مذهبی را از بین خواهند برد. اینها، ببینیم که شما بهتر رفتار می کنید با اقلیت های مذهبی یا اسلام بهتر رفتار کرده است؟ تو که هم اقلیت مذهبی و هم اکثریت مذهبی را داری پایمال می کنی و از بین میبری، تو که همه حقوق بشر را در ایران از بین بردی، تونه مسلم را گذاشتی آزاد باشد، نه غیر مسلم را. اقلیت های مذهبی در اسلام احترام دارند، آزادند، احترام دارند. مثل اینها که (می گویند که) مرتب می آیند سؤال می کنند خوب اگر چنانچه حکومت اسلام شد، با اقلیت های مذهبی چه می کنید؟ این برای این است که مرتب تزریق شده به ایشان که اگر اینطور شد، قتل عام می کنند مثلاً یهودی ها را، قتل عام می کنند نصاری را، قتل عام می کنند زرتشتی ها را. در کدام وقت اتفاق افتاده است که در اسلام وقتی که در یک مملکت اسلامی که در حال جنگ نبوده و در حال صلح بوده، اقلیت های مذهبی را قتل عام کرده باشند یا قتل کرده باشند؟ این همین اقلیت مذهبی است که

وقتی که يك زن یهودی را ذمی را خلخالش را می برند ، حضرت امیر می گوید اگر انسان بمیرد این ارزش دارد که آدم بمیرد ، وقتی که بشنود يك زن ذمه ای را ، زنی که در پناه اسلام بوده است ، اینها خلخال را از پایش کشیدند ، يك همچین اسلامی و يك همچین حکومت اسلامی می آید اقلیت های مذهبی را چه بکند ؟!

کدام يك ارتجاعی است ؟ احیاء تاریخ 2500 ساله یا قوانین مترقی 1400 ساله اسلام

اینها همه تبلیغات است که طرفدارهای شاه و شاه با بوق های خودشان این تبلیغات را می کنند برای اینکه حکومت اسلام و اسلام و عرض می کنم - روحانیت اسلام را پیش مردم یا لاقل پیش این اشخاص که در خارج ایران هستند یعنی این عده که خودشان از غیر مسلم هستند و غیر مذهبی هستند ، پیش اینها لاقل لکه دار بکنند . که (نه ، اینها می خواهند يك حکومت چیزی بکنند ، ارتجاعی ، يك حکومت ارتجاعی ارتجاع اسلامی) . - اسلام را - خود این آقا ، ارتجاعی معرفی می کند . این می گوید این مطلب را که خیر ، (دین مبین اسلام) اینها را می گوید اما از آن طرف هم آنهایی که اسلام را دارند به مردم می گویند ، می گوید اینها مرتجع هستند ، مرتجع یعنی اینها برگشتند به 1400 سال پیش از این ، تبلیغ می کنند يك چیزی را که 1400 سال پیش از این آمده است . غفلت از اینکه خود ایشان 2500 ساله را حالا پیش کشیده ، ایشان مرتجع نیستند اما اینها که 1400 سال پیش قوانین مترقی را دارند می گویند ، اینها که می گویند باید تودهنی زد به این آدمی که سلب آزادی از مردم کرده ، باید تودهنی زد به این آدمی که سلطه دیگران را در ایران برقرار کرده و مردم را زیر سلطه ابرقدرت ها قرار داد اینها مرتجعند ؟! اما آنهایی که مال مردم را دارند می خورند به زور و با فشار و سلب آزادی از همه کردند ، نه اینها متمدن هستند و اینها دروازه باز - نمی دانم - آزادی است !!

اسلام با موانع رشد و فرهنگ مخالف است نه با تمدن و مظاهر آن

این حرف ها و این شعرها و این چیزهایی که در خارج درست کردند اینها خوف این است که يك وقت خدای نخواستہ بعضی جوان های ما هم به اشتباه بیفتند که مبادا يك همچین چیزی بشود ، مبادا يك وقتی اسلام بیاید در خانه را روی زن ها ببندد ، قفلش کند که دیگر بیرون نیایند از خانه . زن ها در صدر اسلام توی میدان ها می رفتند ، در همین جنگ های اسلامی تو میدان ها می رفتند برای پرستاری این چیزها ، اینهایی که کشته می شدند آنجا . (زنها در محفظه بمانند) چه کسی چنین چیزی به شما گفته است که باید اینطور باشد ؟ آنها آزادند مثل مردها . چه کسی گفته است که اقلیت های مذهبی را اینها خواهند چه کرد و چه کرد ؟ بلی یکی از درد دل هایشان این است که در قمارخانه ها را می بندند ، این راست است ، در مراکز فساد را می بندند ، حکومت اسلامی نمی گذارد این کاباره ها که همه جوان های ما را به بدبختی کشیده ، نمی گذارد اینها باز باشد . اگر اینها را طرفدار هستند مردم ، این

روشنفکرها و این - عرض می کنم که - متجددین با این مفسده ها موافقت ، نه ، حکومت اسلامی جلوی قمارخانه ها را می بندد در شان را - عرض می کنم که - و مراکز فساد و کاباره هایی که این فسادها در آن می شود ، اینها را در آن می بندد . این فرم سینماها را تغییر می دهد یعنی این سینماهایی که الان جوان های ما را دارند به فساد می کشند و به فحشا می کشند ، اینها می گویند این فرم نباید باشد ، می خواهند سینما باشد ، سینمای آموزنده باشد سینمای اخلاقی باشد . با فساد اسلام مخالف است ، با فساد کشیدن جوان ها ، مسلمین را به فساد کشیدن مخالف است ، با غارتگری مخالف است . اسلام نمی خواهد غارت بیت المال را ، غارت کنند بیت المال را ، اسلام با تمدن مخالف نیست ، با این توحش ها مخالف است ، با این فحشایی که راه انداختند اینها مخالف است ، با مال ملت را صرف قمارخانه کردن در جزیره نمی دانم کجا مخالف است . اینها البته جلوگیری می شود . حکومت اسلامی اگر آمد ، این مفسده ها را از بین بر می دارد ، نمی گذارد جوان های ما فاسد بشوند ، نمی گذارد این فرهنگ عقب نگه داشته بشود تا اینکه نگذارد این جوان ها رشد نکنند . خوب همین جوان های خارج آمدند به من می گویند که (ما را نمی گذارند که رشد علمی بکنیم ، ما را به يك حدی نگه می دارند ، نمی گذارند) با این چیزها مخالف است ، البته اسلام با این چیزها مخالف است .

اسلام ، حامی و حافظ حقوق و حیثیت و شخصیت زن

اسلام می خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند . اسلام زن ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود . آنقدری که اسلام به زن خدمت کرده است ، خدا می داند به مرد خدمت نکرده است آنقدر که به زن خدمت کرده . شما نمی دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده . حالا هم اینها دارند از جاهلیت بدتر می کنند آنوقت آنها بی اهمیت می کردند ، حالا ایشان می فرمایند که زن باید لعبت باشد . زن باید نمی دانم چه باشد . يك همچین حرفی که به کرامت زن بر می خورد . اعتقاد ایشان درباره زن این است که باید (يك تعبیر سویی کرده بود) اینطوری باشد . اسلام می خواهد زن این طوری نباشد ، اسلام می خواهد زن همانطوری که مرد همه کارهای اساسی را می کند ، زن هم بکند اما نه اینکه زن يك چیزی بشود که آقا دلشان می خواهد که بزرگ کرده بیاید توی جامعه و با مردم مخلوط بشود ، با جوان ها آن طوری مخلوط بشود . اینها را جلو می خواهد بگیرد اسلام ، می خواهد زن را حیثیت و احترامش را حفظ کند ، می خواهد شخصیت به زن بدهد که از این شیئیت بیرون بیاید . اینها می خواهند بفروشند ، از این دست به آن دست کنند ، این را مخالف است اسلام . با زن مخالف است اسلام ، ؟! اسلام به زن خدمتی کرده است که در تاریخ همچون سابقه ای ندارد ، اسلام زن را از توی آن لجنزارها برداشته است و آورده شخصیت به او داده است ، اسلام با زن مخالف است ؟! اینها تبلیغات است .

تبلیغات اجانب بر علیه اسلام و روحانیت توطئه ای برای استثمار

می خواهند شما را از اسلام دور کنند و مالتان را بخورند . اینها می خواهند شما را از روحانیت

کنار بزندان و مالتان را بخورند . می خواهند نگذارند فرهنگ شما رشد پیدا کند و اموال زیرزمینی تان را بخورند و در اسارت نگهتان دارند تا آخر و اگر امروز همه ملت دست به دست هم ندهند و هر چه خواهد شد ، خودشان را نجات ندهند از این گرفتاری ، تا آخر در گرفتاری هستند .

همراهی و سازش با شاه ، خیانت به اسلام و مسلمین است

و هر کس يك كلمه بگوید که موافق باشد با سازش با این مرد ، خیانت کرده هم بر اسلام و هم بر مسلمین و هم بر کشور خود خیانت کرده است . خودتان را بیایید و ناظر باشید اشخاصی را که می خواهند يك همچین کارهائی را بکنند . اگر يك وقت از دهن کسی بیرون آمد ، تو دهنی به او بزنی که همچین غلطی را نکند . انشاءالله خداوند همه تان را حفظ کند ، موفق باشید و خدمت کنید به کشور خودتان و اسلام خودتان .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 83

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جوانان دختر و پسر فرانسوی علاقه مند به اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

با این دسته گلی که به حضورتان تقدیم داشتیم، احساس پر شور خودمان را منعکس کردیم که حضور شما در فرانسه باعث شده علاقه مان به اسلام تشدید شود، بخصوص با توجه به وضعیت خاصی که اینجا دیده ایم و علاقه مند شدیم که دسته جمعی سفری به ایران بکنیم و از نزدیک رابطه خاصی را که اسلام بین انسان و خدا مطرح می کند ببینیم.

امام: من امیدوارم که حکومت اسلامی در ایران تشکیل شود و مزایایی که در حکومت اسلام هست، بر بشر روشن گردد تا بشریت بفهمد که اولاً اسلام چگونه است و روابط بین حکومت و ملت ها چه روابطی است و طرز اجرای عدالت به چه صورت است و شخص اول مملکت در زندگی با رعیت هیچ فرقی ندارد. اگر چنانچه بعضی از مزایای اسلام را مردم بفهمند، امید این هست که همه به اسلام رو بیاورند. در حکومت اسلام، شخص اول که خلیفه مسلمین است زندگی عادی در عرض فقیرترین افراد و یا پایین تر از آن است و عدالت اجتماعی و برنامه هائی را که اسلام اجرا می کند به مصلحت تمام طبقات است، این نوع حکومت سابقه ندارد.

حاکم اسلام مثل حاکم های دیگر از قبیل سلاطین، یا روسای جمهوری نیست. حاکم اسلام، حاکمی است که در بین مردم، در همان مسجد کوچک مدینه می آمد و به حرفهای مردم گوش می کرد و آنهایی که مقدرات مملکت دستشان بود، مثل سایر طبقات مردم در مسجد اجتماع می کردند و اجتماعشان به صورتی بود که کسی که از خارج می آمد نمی فهمید که کی رئیس مملکت است و کی صاحب منصب است و چه کسانی مردم عادی هستند. لباس همان لباس مردم، معاشرت همان معاشرت مردم و برای اجرای عدالت طوری بود که اگر چنانچه يك نفر از پائین ترین افراد ملت، بر شخص اول مملکت، ادعائی داشت و پیش قاضی می رفت، قاضی شخص اول مملکت را احضار می کرد و او هم حاضر می شد و اگر چنانچه اسلام آنطوری که هست پیاده شود و اجرا گردد، امید آن را داریم که تمام بشر تحت لوای اسلام درآیند، تمام مکتب ها شکست بخورد و مع الاسف نگذاشتند مردم اسلام را بشناسند برای مردم، گاهی اسلام را به صورت و وصف ارتجاع تعبیر کرده اند و گاهی به خشونت تعبیر کرده اند و گاهی به اینکه چیزی که در هزار و چند سال پیش از این بوده است و حالا نمی تواند جامعه را اداره کند، تمام اینها تبلیغات سوء است و شواهد زنده ای در متن اسلام است که این

مسائل اینطور نیست که مبلغین سایر ملل برای اسلام گفته اند و ما می خواهیم اسلام را، لا اقل حکومتش را به يك نحوی که به حکومت اسلام در صدر اسلام شباهت داشته باشد اجرا بکنیم تا شما معنی درست دموکراسی را به آن حدی که هست بفهمید و بشر بدانند که دموکراسی که در اسلام است با این دموکراسی معروف اصطلاحی که دولت ها و روسای جمهور و سلاطین ادعا می کنند، بسیار فرق دارد.

ص: 85

مصاحبه امام خمینی با رادیو تلویزیون هلند

سؤال: نام شما بر سر زبان جوانان ایران است. چگونه می خواهید این محبوبیت عجیب را تشخیص بدهید؟

جواب: آنها تشخیص دادند که ما همان مطالبی را تعقیب می کنیم که در نهاد آنها و آرزوی دیرینه آنهاست و ما را خدمتگزار خود می دانند، از این جهت به ما علاقه دارند کما اینکه من به آنان علاقه دارم.

سؤال: موقعیت کمونیست ها را در ایران چگونه ارزیابی می کنید؟ تا چه اندازه و علل ارزیابی؟ نظر شوروی درباره وضع فعلی چیست؟

جواب: کمونیست ها در ایران قدرتی ندارند. تقریباً همه ایرانیان مسلمان هستند و در این نهضت ثابت کردند که چقدر به اسلام علاقه دارند و حکومت اسلامی می خواهند. اما شوروی مانند سایر ابرقدرت ها پشتیبانی از شاه می کند و این ابرقدرت ها با این پشتیبانی می خواهند شاه را حفظ کنند لکن دیر شده است و نمی توانند او را حفظ کنند ملت، شاه را نمی خواهند، او باید برود.

سؤال: در وضع فعلی فرانسه، بعضی از وکلای مجلس راجع به اقامت شما در فرانسه از دولت سوالاتی کرده و اظهار نگرانی نموده اند. آیا نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: ما از دولت فرانسه که همیشه خود را از طرفداران حقوق بشر معرفی می کند، انتظار داریم همگام با ما نهضتی را که علیه ظلم و ستم شاه در ایران برپا شده است و هیچ مطلبی غیر از مطالب مشروع اولیه حقوق بشر را خواستار نیست، تأیید نماید و به پشتیبانی ما برخیزد و اگر آزادیخواه است، آزادیخواهی خود را به اثبات برساند. و از ملت فرانسه انتظار داریم که از ملت ایران دفاع نماید. ملتی که زیر پای ابرقدرت ها هر روز کشته و زخمی می دهد و باز

برای احقاق حقوق خود دست از مبارزات آزادیخواهانه خود برداشته است .

سؤال : می توان گفت بعد از به وجود آمدن دولت جدید و زندانی کردن عده ای ، مساله و موقعیت جدیدی بوجود آمده است ؟

جواب : ایران از مدتی پیش با حکومت نظامی اداره می شود و این کارهایی که شاه می کند مانورهایی است که تاثیری در نهضت ما ندارد و طرح هایی است که به تحريك شاه و اجانب عمل می شود ولی فایده ای برای شاه ندارد . شاه شدیداً مورد خشم ملت واقع شده است دولت نظامی ، وجود و عدمش یکسان است .

سؤال : آیا يك هماهنگی بین کلیه نیروهای مخالف در ایران امکان پذیر است ؟

جواب : ما نیروی مختلفی نداریم . ملت ایران به تمام معنی به پاخاسته است که حق خودش را مطالبه کند و آنهایی که وابسته به شاه هستند و از او جیره خواری می کنند ، آنها می شود مختلف باشند تا با يك سیاست هماهنگی پیدا کنند . ملت ایران یکپارچه است و هر شخصی که با خواست ملت ایران مخالفت کند خائن است .

سؤال : آیا شما آماده فرمان دادن حرکت مسلحانه علیه شاه هستید ؟

جواب : ما امیدواریم بدون جنگ مسلحانه به پیروزی برسیم و شاه کنار برود و اگر چنانچه يك وقت اقتضا کرد ، مبارزه مسلحانه را مورد بررسی قرار می دهیم .

مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران برزیلی، انگلیسی، تایلندی، ژاپنی، و آمریکائی

سؤال: حضرت آیت الله! پس از این ناراحتی ها و ناآرامی های اخیر دانشجویان و سپس روی کار آمدن يك دولت نظامی، آیا شما فکر می کنید اوضاع کنونی برای سرنگونی شاه است؟ و آیا توقیف آقای هویدا نخست وزیر اسبق، تغییری در اوضاع ایجاد کرده است؟ و بالاخره آیا شما هواداران خودتان را به يك مبارزه مسلحانه علیه شاه تشویق و توصیه خواهید نمود؟

جواب: دولت نظامی تاثیری در مسائل ایران ندارد بلکه در ازیاد ناراحتی ها و اعتصابات و تظاهرات نقش اساسی دارد، لذا پس از تشکیل حکومت نظامی، مسائل بدین صورت که ملاحظه میکنید، تشدید شده است، چنانچه توقیف هویدا هم اثری ندارد، این هم يك مانوری است که خیال می کنند برای اسکات مردم، اینگونه امور تاءثیر دارد. چیزی که بلا اشکال تاءثیر فی الجمله دارد این است که خود شاه و سلسله او بروند و آنوقت يك آرامش نسبی حاصل خواهد شد. و اما روش ما در مبارزه عجالتا همین است که هست و من امید این را دارم که همه مسائل را حل کند لکن اگر طول کشید و احتیاج افتاد، تجدید نظر خواهیم کرد.

سؤال: حضرت آیت الله! برای جانشینی رژیم کنونی، شما خواستار جمهوری اسلامی هستید، چنین دولتی آیا آزادی های دموکراتیک را برای همه مردم تضمین خواهد کرد؟ و در چنین دولتی نقش خود شما شخصا چه خواهد بود؟ ضمنا در مورد آزادی های دموکراتیک می خواهیم بدانیم آیا کمونیست ها و مارکسیست ها آزادی اظهار عقیده و بیان خودشان را دارند یا نه؟

جواب: دولت اسلامی، يك دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت های مذهبی آزادی به طور کامل هست و هر کسی می تواند اظهار عقیده خودش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را به عهده دارد و دولت اسلامی، تمام منطق ها را با منطق جواب خواهد داد. و اما من هیچ فعالیت در داخل خود دولت ندارم و به همین نحو که الان هستم، وقتی هم که دولت اسلامی تشکیل شود، نقش هدایت را دارم.

سؤال: سیاست خارجی جمهوری اسلامی، خصوصا در رابطه با ابرقدرتها چه خواهد بود؟

جواب: سیاست دولت اسلامی، حفظ استقلال، آزادی ملت و دولت و کشور و احترام متقابل بعد از استقلال تمام می باشد و فرقی بین ابرقدرت ها و غیر آنها نیست.

سؤال: شما نفوذ غرب بخصوص آمریکا را مذموم شمرده اید، این نفوذ چگونه می تواند محدود شود اگر ایران به این ترتیب کنونی به فنون و تکنولوژی غربی وابسته است و غرب هم احتیاج مبرمی به نفت خام شما دارد؟

جواب: حکومت اسلامی و خواست ملت ما برای همین است که نفوذ غرب و همه کشورها را در ایران از بین ببرد. وقتی يك ملت با تمام اقشار آن برای يك هدف قیام کردند، هیچ نفوذی نمی تواند خلاف آن را تحمیل کند. و اما قضیه نفت، ما بعد از اینکه استقلال خود را به دست آوردیم و نفت در اختیار ما قرار گرفت، می خواهیم بر حسب اختیار خودمان نفتمان به فروش رود و ارز گرفته و صرف مصالح کشور کنیم، ما از حیث فروش مضایقه ای نداریم لیکن نه مثل فروشی که الان انجام می گیرد.

سؤال: حضرت آیت الله! تا چه مدت انتظار خواهید کشید که شاه روی کار باشد و بعد دستور جهاد مسلحانه بدهید؟

جواب: تا وقتی مایوس شوم از اینکه به ترتیبی که در پیش است، مقصود ما حاصل نشود.

سؤال: برای یکشنبه آینده در تهران دستور اعتصاب عمومی صادر شده است، آیا این آغاز يك مبارزه جدی با دولت نظامی کنونی در ایران است؟

جواب: مبارزه به همین شکلی که هست، همیشه جدی بوده منتها نوسان داشته است، البته حکومت نظامی و دولت نظامی موجب ناآرامی مردم و بیشتر شدن این اعتصابات و تظاهرات شده است.

سؤال: نتیجه مذاکرات شما با آقای دکتر کریم سنجابی و جبهه ملی چه بوده است؟

جواب: مذاکرات به آن معنایی که گفته می شود توافق حاصل شده است، نبوده. من مسائلی را که مورد

نظم بوده طرح کردم و آنها قبول کردند . من مسائلی را که همیشه خواست ملت است طرح می کنم ، هر کس آن را پذیرفت به خواست ملت عمل کرده است . خواست ملت ، رفتن شاه و استقرار حکومت اسلامی است ، به تظاهرات بنگرید .

ص: 90

مصاحبه امام خمینی با مجله ی هفتگی نیورووآمستردام

سؤال: چه چیز را از شاه خرده می گیرید؟ مشروعیتش، اختناقش و یا اعمال اقتصادی و اجتماعیش؟

جواب: اولاً در آغاز، سلطنت شاه و نیز پدرش بر خلاف میل ملت بوده و ثانیاً از ناحیه اجانب و برای حفظ منافع آنان بر ما تحمیل شده است، به همین جهت کلیه برنامه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی وی همگی بر خلاف مصالح مردم انجام شده که نتایج زیانبار آن در همه زمینه ها اکنون مشهود است.

سؤال: چرا تغییر جهت شاه، شما را قانع نمی کند؟ آیا مردم ایران از پاکسازی نظامیان راضی نخواهند شد؟ چگونه در مقابل ارتش مقاومت می کنید؟

جواب: شاه زیر فشار ملت تن به این تغییر جهت داده است و این برای رهائی از بن بست است که گرفتار آن شده است تا آتش خشم مردم را خاموش کند و سپس با تجدید قوا مجدداً دست به خیانت بزند و در برابر ملت، نه ارتش و نه هیچ قدرتی نمی تواند بایستد، مگر تا کنون شاه با اتکاء به ارتش حکومت خود را تحمیل نکرده است که می بینیم شکست خورده است.

سؤال: اگر شاهنشاهی از بین برود، چگونه می خواهید جمهوری اسلامی خود را از پایه بسازید به طوری که مطمئن باشید که از تغییرات، کسانی که از رژیم شاه استفاده کرده اند دوباره به نفع خود استفاده نکنند؟

جواب: ما با تکیه بر دستورات اسلامی و اجرای مقررات آن در همه زمینه ها تلاش خواهیم کرد که از سوئی دست عناصر فاسد کوتاه شود و از طرفی انگیزه های فاسد کننده نابود شود و دیگر اینکه عموم مردم را موظف می دانیم که انحراف از مسیر اسلامی را در هر کجا که می بینند از پائین ترین و بالاترین مقامات بلافاصله جلوگیری کنند و بدین ترتیب از رشد فساد جلوگیری می شود و مجال بر عناصر فاسد نیز بسته می ماند.

سؤال: بازگشت به قوانین قرآن برای زنان یعنی چه؟ تفریحات مردم در چه حدی است؟ (الکل، فیلم و غیره)

جواب: در نظام اسلامی، زن به عنوان يك انسان می تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به صورت يك شی، نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند و در مورد آنچه را که به نام تفریحات شناخته شده است، اسلام با هر چیزی که انسان را به پوچی و از خود بیگانه شدن می کشاند، مبارزه میکند. شرابخواری و میگساری در اسلام ممنوع است. فیلم های منحرف کننده از اخلاق متعالی انسان، ممنوع است.

سؤال: برنامه شما راجع به اصلاحات ارضی، برنامه صنعتی کردن، فروش مواد اولیه مثل نفت و موضع شما در مورد اوپک و جنگ اعراب چیست؟

جواب: ایران به سرعت می تواند مشکل کشاورزی خود را حل کند به طوری که هم کشاورز به يك زندگی انسانی در حد دیگران برسد و هم مملکت از واردات مواد غذایی بی نیاز گردد و ما برای صنعتی شدن کشور تلاش می کنیم و لکن نه صنعت مونتاژ که هم کشور را هر چه بیشتر به اجانب وابسته کرده است و هم اکثریت فقیر و محروم را در خدمت مشتی ثروت اندوز متجاوز قرار داده است.

سؤال: آیا بعد از تمام شدن مدت ویزای توریستی شما تا دو ماه دیگر مایل هستید فرانسه را به قصد يك کشور دیگر اروپای غربی ترك کنید؟ آیا به هلند خواهید رفت؟

جواب: اقامت من در پاریس موقتی است و در اولین فرصت که امکان فعالیت در يك کشور اسلامی داشته باشم به آنجا می روم.

سؤال: در مورد تحویل کشتی هلندی به نیروی دریایی ایران در حالی که کشور به شدت از طرف آمریکا مسلح شده است، چه فکر می کنید؟

جواب: اصلی که غیر قابل تغییر است، این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد ولی در خصوص این گونه مسائل، مسوولین فنی دولت منتخب، در آینده آنها را بررسی می کنند و دولت تصمیم می گیرد.

پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد کمک به مسلمانانی که در رابطه با مبارزات اسلامی ایران خسارت دیده اند

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت عموم علمای اعلام و حجج اسلام ایران دامت برکاتهم واعلت کلمتهم

پس از اهدای سلام و تحیات وافره، به عرض محترمتان می رساند، در این موقع که دست جنایتکاران و دژخیمان شاه بیش از پیش به خون جوانان و اطفال ما آغشته شده است و کشتگان و مجروحان بسیاری به جا گذاشته و عده کثیری را در سراسر کشور بی خانمان و بی سرپرست نموده است و حضرات آقایان و اینجانب را به عزا نشانده است، در این موقع که اعتصابات و تعطیلات عمومی برای اعتراض به دستگاه جبار و احقاق حق مردم بی پناه صورت گرفته است، بدیهی است این حوادث ضایعاتی در دنبال دارد و قشرهایی از کسبه و کارمندان و کارگران محترم و محروم دچار مضیقه شده و می شوند و این امر موجب نگرانی شدید اینجانب است لهذا از حضرات آقایان تقاضای محترمانه دارم که در تمام شهرستان ها و توابع آنها هیئت هائی را که مورد وثوق هستند، انتخاب و مقرر فرمایند تا نیازمندان را چه از حیث لزوم جراحی و چه از حیث فقدان سرپرست و چه در اثر گرفتاری های اقتصادی که در اثر اعتصابات و تعطیلات بحق خود با آن دست به گریبانند بر طرف نموده و به قدر مقدور نیازهای آنان را رفع کنند، تا با پشتگرمی با اعتصابات خود ضربه شدیدی بر پیکر دشمن وارد آورند و بر ملت شجاع و آگاه است که خود نیز مستقیماً به خواهران و برادران خود کمک کنند و دین الهی خود را ادا نمایند.

حضرات آقایان مجازند از سهم مبارك امام در این امر مشروع و مقدس صرف نمایند و وکلای اینجانب در هر کجا هستند مجازند تا نصف سهم مبارك امام علیه السلام را صرف این نیازها نمایند و نیز حضرات آقایان از بازرگانان و مردم خیرخواه دعوت نموده و آنان را تشویق کنند تا نگذارند برادران و خواهران آنان که در راه اسلام و احقاق حق خود صدمه دیده اند و به ملت بزرگ خود خدمت کرده اند و در راه آنان خون داده اند، به سختی بیفتند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و سربلندی ملت عظیم الشان اسلام و ایران را خواستارم و قطع ایادی اجانب را امیدوار.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی

سؤال: حضرت آیت الله لطفاً درباره آن قسمت از قانون اساسی 1906 که طبق نظرتان باید تغییر پیدا کند و جمهوری اسلامی بوجود آید، توضیحاتی بفرمائید.

جواب: قانون اساسی دو مرحله داشته است:

1- مرحله پیش از کودتای رضاخان، در آن وقت طوری بوده است که ایرانی ها و مسلمین نمی توانسته اند طرح حکومت اسلامی را بدهند از این جهت برای تقلیل ظلم استبدادهای قاجار و پیش از قاجار بر این شدند که قوانین وضع شود و سلطنت به صورت سلطنت مشروطه درآید. در عین حال در قوانین پیش بینی این مسائل شده است. تمام مسائلی را که الان ما مطرح می کنیم می توانیم به متمم قانون اساسی استناد کنیم. این يك مرحله است از قانون اساسی.

2- مرحله ای بود که پس از کودتای رضا شاه انجام گرفت و به قانون اساسی اضافه شد. در آنوقت رضاشاه کودتا کرد و به دنبال او قضایائی واقع شد و بالاخره به این منتهی گردید که رضا شاه با قدرت سرنیزه و قلدری قانون اساسی را تغییر دهد و يك مجلس موسسان با زور و قلدری تاسیس کرد و ملت به هیچ وجه با او موافق نبود. در مجلسی که ملت هیچ گونه دخالتی در آن نداشت، موادی از قانون اساسی را تغییر داد، سلطنت قاجار را منقرض و سلطنت پهلوی را تصویب نمود. بنابر این، قانون اساسی در مرحله اول با حفظ متمم آن، برای همین مسائلی که ما طرح کرده ایم می تواند مستند ما باشد. در مرحله دوم، مساله سلطنت رضا شاه و سلسله پهلوی اصلاً قانونیت نداشته و این سلسله بر خلاف قانون اساسی بر این مملکت تحمیل شده است. رضا شاه را انگلیسی ها بر ما تحمیل کردند و بعد هم که متفقین به ایران آمدند محمدرضا شاه را تحمیل نمودند.

سؤال: حضرت آیت الله! شما در برنامه های خودتان و برای حل مشکلات اقتصادی، گویا نظر داده اید که می خواهید بانک ها را ببندید، آیا در شرایط کنونی در این دوران از وضع اقتصادی ممکن است ما بانک ها را ببندیم؟

جواب : چنین مساله ای اصلا نبوده است ، بنابراین سؤال شما اساسی ندارد .

سؤال : حضرت آیت الله! از چندی پیش شاه نسبت به بعضی از مخالفین خود نظر مساعدی را نشان داده است ، چرا شما نظر موافق شاه را رد کرده اید ؟ و همین طور می پرسند که شما با آقایان مهندس بازرگان و دکتر سنجابی در اینجا ملاقات هائی داشته و مذاکراتی کرده اید ، نتیجه مذاکرات چه بوده است ؟

جواب : اما مسائلی که شاه همیشه طرح می کند و به صورت های مختلف در می آورد ، تمام اینها برای فریب ملت است . ملت که اکنون رشد پیدا کرده و خیانت ها و جنایت هائی که در این 50 سال در ایران شده ملاحظه کرده است ، خدعه ها را نمی پذیرد و اینکه ما نپذیرفتیم ، برای اینکه ملت نمی پذیرد ما هم نمی پذیریم و تمام اینها خدعه است . شاه می خواهد با این خدعه ها بر تخت سلطنت مستقر شود و بعد از چندی کارهای خود را و بلکه بدتر از آن را شروع کند . و اما مذاکرات با آقایان بازرگان و سنجابی ، بله اینها آمدند و من مسائل ایران را و مصالح ملت را به آنان گفته ام و آنان هم مخالفتی ابراز نداشتند .

سؤال : حضرت آیت الله! چندی است که اقلیت های مذهبی مثل یهودیان ، مسیحیان و زرتشتیان احساس ترس و ناراحتی می کنند ، وضعیت آینده آنها را در يك حکومت اسلامی چگونه می بینید و چه نظری دارید ؟ بخصوص که در کشورهای غربی اینگونه برخوردها را با اقلیت ها به عنوان يك نوع نژادپرستی تلقی می کنند .

جواب : تمام مطالبی که اخیرا پخش شده تبلیغاتی است که شاه بر ضد این نهضت به راه انداخته است . اسلام نسبت به این اقلیت ها احترام قائل است و این شاه است که می خواهد با این حرف ها نهضت ما را آلوده کند . باید غرب متوجه باشد که اسلام نسبت به اقلیت های مذهبی بسیار با احترام رفتار می کند . من بارها گفته ام که آنان در ایران آزادانه مراسم خود را انجام می دهند و ما موظفیم از آنان نگهداری نمائیم .

سؤال : نظر حضرت آیت الله در مورد روی کار آمدن دولت نظامی جدید و دستگیری هویدا نخست وزیر اسبق و همچنین تصمیمی که نخست وزیر از هاری در مورد ثروت خاندان پهلوی اعلام کرده است ، چیست ؟

جواب : تمام اینها تشبثاتی است که هیچ کدام ارزش و واقعیت ندارد . هویدا از شرکاء شاه و يك

شريك ضعيفى بود كه در خيانت ها با شاه شركت داشت و شاه ظاهرا هويدا را براى نجات خودش دستگير کرده است . غرض اين است ملت را فريب دهد كه مى خواهد اصلاحات كند ، چنانچه قضيه ثروت خاندان پهلوى و اينكه مى خواهند تعديلى بكنند ، بيش از فريب هيچ نيست . اول بايد از خود شاه سؤال كنند و او را در مورد اينهمه ثروتى كه از ايران خارج کرده و در بانك هاى خارجى همه را متمرکز نموده است محاكمه نمايند و بعد خاندانش را . او و خاندان او جناياتى را كه مرتكب شده اند قابل كنترل نيست و اينها هم نمى خواهند كارى بكنند ، اينها مى خواهند فريب دهند .

اما دولت نظامى هم كه صورت ديگرى از شاه است ، صورت قلدرى شاه است ، اين هم نهضت را و ناآرامى مردم را تشديد کرده و مى كند . از ايران هم اين چنين گزارش رسيده است .

سؤال : آيا حضرت آيت الله خيال دارند پس از پيروى انقلاب و بازگشت به ايران در راس حكومت قرار بگيرند و مسووليت رسمى در دولت جديد پذيرند يا خير ؟

جواب : خير ، ما مسووليت هدايت را داريم ، اشتغال به كارهاى ديگر خير .

سؤال : به نظر حضرت آيت الله چه چيزى در ايران بايد عوض شود و برنامه سياسى شما چيست ؟

جواب : تمام خرابكارى هاى محمدرضا شاه بايد اصلاح شود . قراردادهائى كه بر ضرر ملت است ، پيش ملت اعتبار ندارد . برنامه سياسى ما ابتدا آزادى ، دموكراسى حقيقى و استقلال به تمام معنى و قطع ايدى دولت هاى كه تصرفاتى در داخل مملكت کرده اند مى باشد .

سؤال : حضرت آيت الله ! سياستى را كه شما در آينده در قبال دولت آلمان خواهيد داشت ، چگونه ارزيايى مى كنيد ؟ آيا به نظر شما سياست كنونى كه بين ايران و آلمان هست تغيير پيدا خواهد كرد ؟

جواب : آلمان هم مثل ساير کشورهاست و هر قراردادى با آلمان اگر به ضرر ملت ما باشد اعتبار ندارد و ما با آلمان و ساير کشورها با احترام متقابل عمل مى كنيم و اجازه ظلم به آنها نمى دهيم ، چنانچه به آنها ظلم نخواهيم كرد .

سؤال : اينها اصرار دارند كه در مورد 14 هزار آلمانى كه مى گويند در ايران وجود دارند ، شما در آينده

با آنها چه کار خواهید کرد؟

جواب: اگر آنها به کارهای عادی خودشان بپردازند و یا در خدمت دولت، طوری که مصلحت ایران است عمل کنند مجازند که در ایران بمانند.

سؤال: حضرت آیت الله! فرموده اید که نظام آینده ایران يك جمهوری اسلامی است، نقش سایر احزاب سیاسی مخالف شاه که غیر اسلامی هستند، در این جمهوری چه خواهد بود؟

جواب: فعالیت های احزاب اگر چنانچه مضر نباشند آزاد است.

سؤال: تاثیر استقرار يك جمهوری اسلامی موفق را در ایران بر روی مناطق مسلمان نشین روسیه شوروی چگونه می بینید؟ آیا به نظر حضرتعالی دلیل مخالفت روس ها با جنبش اسلامی به خاطر نگرانی آنها از تاثیرات يك جنبش موفق در ایران بر روی مناطق مسلمان نشین نیست؟

جواب: درست نمی شود پیش بینی کرد که چه تاثیری دارد لکن مخالفت شوروی با نهضت ما و موافقت با شاه بدین جهت است که می خواهد در ایران دست و نفوذ داشته باشد و در امور داخلی ما دخالت کند. حکومت اسلامی نه به او و نه به دولت های دیگر اجنبی چنین اجازه ای نخواهد داد.

سؤال: به نظر حضرتعالی در صورت ادامه مبارزات کنونی، نقش ارتش و آینده ارتش چگونه خواهد بود؟ آیا حضرتعالی تصور می فرمائید که با شیوه های کنونی مبارزه، جنبش موفق شود، یا اینکه امکان دارد مجبور باشید شیوه های دیگری را هم اتخاذ کنید؟

جواب: ما امید این را داریم که با همین شیوه حاضر، نهضت موفق شود. همچنین امید این را داریم که ارتش به خود آمده و به ملت بپیوندند و اگر چنانچه از این شیوه مایوس شدیم ممکن است راجع به شیوه فعالیت نهضت تجدید نظر کنیم.

مصاحبه امام خمینی با مجله آمریکائی

سؤال: اگر شاه سرنگون شود، نقشی را که ایالت متحده خواهد داشت چه خواهد بود؟

جواب: آنچه را که ما از آمریکا انتظار داریم این است که به مصالح ملت و استقلال مملکت ما احترام بگذارد و از دخالت در امور ما خودداری کند.

سؤال: در صورت دخالت روسیه، آیا شما از اثرات سیاسی آن بیمناک نیستید؟

جواب: ما در راه کسب آزادی و استقلال از هیچ قدرتی نمی هراسیم و در صورت دخالت روس ها، روش ما همان خواهد بود که با دیگران داریم.

سؤال: تحت حکومت جدید، آیا ایران به تجهیزات پیچیده و گرانبهای نظامی که شاه اکنون از آمریکا می خرد، نیازی خواهد داشت؟

جواب: ما با خرید اسلحه که حاصلی برای مردم فقیر کشورمان ندارد مخالفیم، نه در گذشته نیاز داشته ایم و نه در آینده نیازی خواهیم داشت.

سؤال: به نظر شما چرا آمریکا می کوشد که شاه را بر تخت شاهی نگاه دارد؟

جواب: چون در غارت مخازن کشور ما و تاسیس پایگاه های نظامی در نقاط مختلف مملکت، شاه دست نشانده ای مطیع و تسلیم است.

سؤال: آیا شما تمایلی به فروش نفت به آمریکا دارید؟

جواب: ما نفت خود را به آمریکا و سایر مشتریان می فروشیم اما نه به شکلی که اکنون عمل می شود

که کاملاً" به ضرر ملت است ، بلکه بر اساس رعایت مصالح ملت خودمان و با حفظ استقلال کشور .

سؤال : آیا هیچ احتمال می رود که يك انقلاب موفق در ایران ، کشورهای خلیج را نیز تحت تاثیر قرار دهد ؟

جواب : هیچ حادثه ای در جهان امروز در هر نقطه ای که اتفاق می افتد بدون تاثیر در نقاط دیگر نیست لکن میزان اثر پذیری مردم در نقاط دیگر بستگی به آگاهی و انتخاب خود آنان دارد .

سؤال : تاکنون شما فرمان جنگ مسلحانه صادر نکرده اید ، آیا اگر شرایط اقتضا کند ، چنین خواهید کرد ؟

جواب : ما امیدواریم که ملت با روش های کنونی به اهداف خود برسد ، اگر شاه و حامیان وی دست از لجاجت برندارند ، این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد .

ص: 99

مصاحبه امام خمینی با نماینده سازمان عفو بین المللی

سؤال: هدف شما سرنگونی نظام شاهنشاهی و آزادی مردم تحت ستم ایران و استقرار حکومت اسلامی است.

الف - آیا حرکت کنونی ایران متشکل است و دارای یک تشکیلات می باشد؟

ب - شما چه معیارهائی را برای شایسته بودن یک تشکیلات، مقرر می فرمائید؟

ج - چه معیارهائی را مقرر می نمائید که نشان دهنده شایستگی و لیاقت گروه یا گروه هائی باشد که پس از پیروزی، هدایت مردم می تواند به عهده آنها باشد؟

جواب: الف - در بدترین شرایط اختناق و خفقان که بر ایران حاکم است، عملکرد نهضت ملت ایران نشانه وجود یک روح تشکیلاتی است که توانسته است جنبش را به مرحله کنونی برساند و به موازات نزدیک شدن جنبش به مرحله بهروزی نهائی، فرم تشکیلات قطعی تر و اعلام خواهد شد.

ب - برخوردارى از يك رهبرى صد درصد مورد اعتماد و امين، داشتن شعارها و آرمان هائی که كاملاً تجسم دهنده خواسته های عموم مردم باشد، از معیارهای ضروری و اولیه است و آن شعارها در مرحله کنونی عبارت است از سرنگونی سلطنت پهلوی و برچیده شدن نظام شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی.

ج - نداشتن سوابق مشکوک و شناختن درست هویت جامعه ایرانی و آرمان های اساسی آنها در ابعاد مادی و معنوی، تقوا و صداقت و درستی در عمل، قدرت رهبری و اداره امور و استقامت در مبارزه برای عقیده شرائط اساسی برای هدایت مردم است.

سؤال: الف: آیا در حکومت اسلامی، مارکسیست ها آزادی عقیده و آزادی بیان عقیده دارند؟

ب - آیا در حکومت اسلامی، مارکسیست ها آزادی انتخاب شغل دارند؟

جواب: الف: در حکومت اسلامی، همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده ای هستند و لیکن آزادی خرابکاری را ندارند.

ب: در اسلام، آزادی انتخاب شغل بر هر فردی برحسب ضوابط قانونی محفوظ است.

سؤال: از نظر اسلامی، زنان تا چه حد مجازند در ساختمان بنای حکومت اسلامی شرکت نمایند؟

جواب: زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقاء می دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شئی بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسوولیت هائی به عهده بگیرد.

ص: 101

مصاحبه امام خمینی با نماینده مجله عربی زبان «القومی العربی»

سؤال: آیا حرکت ایران دارای تشکیلات سیاسی است؟

جواب: این حرکت از متن جامعه و فطرت انسانها برخاسته است و متکی به شخص یا اشخاصی نیست و از روحیه قوی تشکیلات سیاسی آشنا با فهم مردم جامعه ایران برخوردار است و این عامل، خود تضمین کننده جایگزینی يك تشکیلات سیاسی نیرومند به جای رژیم شاه می باشد.

سؤال: در تماس هایی که رهبران مخالفین با شما گرفته اند نتیجه اش مثبت بوده است یا منفی؟

جواب: ملت ایران خواسته های خود را که عبارت از سرنگونی سلطنت پهلوی و برچیده شدن نظام شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی است، اعلام کرده است و من جمهوری اسلامی را به ملت ایران پیشنهاد کرده ام که بعد از سقوط شاه به آراء عمومی می گذاریم و هیچ گروه و شخصی نمی تواند با خواست ملت ایران مخالفت کند و الا محکوم به نابودی است و رهبران مخالفین هم با آنچه من گفته ام موافقت کرده اند.

سؤال: مشارکت فعال زنان در انقلاب چه معنایی دارد؟

جواب: زندان های شاه از زنان شیردل و شجاع مملو است. در تظاهرات خیابانی، زنان ما بچه های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل به میدان مبارزه آمده اند. جلسات سیاسی که زنان در شهرهای مختلف ایران پیاپی می کنند کم نیست، آنان نقش بسیار ارزنده ای را در مبارزات ما ایفاء کرده اند. مادران شجاع فرزندان اسلام خاطره جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ، زنده کرده اند. در چه تاریخی این چنین زنانی را سراغ دارید، در چه کشوری؟

سؤال : موضع شما نسبت به اعراب چیست ؟

جواب : ما دست خود را به سوی کشورهای عربی که به مبارزات خود علیه اسرائیل ادامه می دهند ، دراز کرده و همیشه پشتیبان آنان در مقابل اسرائیل بوده ایم . امید است ملت های عرب از مبارزات ملت ایران دفاع نمایند .

سؤال : قدرت هائی که امکان دارد پس از برچیدن رژیم با آنان همکاری کنید کدام است ؟

جواب : ما با کشورهای همکاری می نمائیم که از هم اکنون موضع خودشان را در مقابل شاه روشن کنند .

سؤال : اقلیت های مذهبی در حکومت اسلامی دارای چه حقوقی هستند ؟

جواب : تمام های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی ، خود را موظف می داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران ، ایرانی و محترم هستند .

ص : 103

مصاحبه امام خمینی با روزنامه لبنانی (النهار)

سؤال: آیا به نظر حضرت آیت الله، با روی کار آمدن دولت جدید نظامی در ایران و دستگیری هویدا، تغییراتی در وضع ایران رخ خواهد داد؟ آیا این درگیری‌ها به یک جنگ داخلی منجر خواهد شد یا نه؟

جواب: آمدن دولت نظامی تاثیری در امور ندارد، بلکه نهضت را تشدید می‌کند و کار شاه را سخت‌تر می‌نماید و رفتش را نزدیکتر. گرفتن هویدا و امثال او که در دزدی و فساد شریک شاه بوده‌اند، برای فریب مردم است، اینها هم تاثیری ندارد.

سؤال: آیا در نظر دارید مبارزه خود را به روش نبرد مسلحانه ارتقا دهید؟

جواب: اکنون ما به همین ترتیب که ملت قیام کرده است، امیدواریم که قضایا حل شود و اگر چنانچه حل نشود، در این امر تجدید نظر خواهیم کرد.

سؤال: تایید مسکو و واشنگتن از رژیم شاه را چگونه تفسیر و تعبیر می‌کنید؟

جواب: معلوم است که اینها بهتر از شاه، نوکری پیدا نمی‌کنند که استفاده شان را از ایران هر چه زیادتر کند و به ایران خیانت کرده و به آنان خدمت کند. در هر حال آنها خدمتگزاری می‌خواهند و بهتر از شاه کسی نیست.

سؤال: نظر حضرت آیت الله در مورد جنبش فلسطین و مردم فلسطین به طور اعم و نسبت به بیت المقدس به طور اخص چیست؟ چه روابطی بین شما و سازمان آزادیبخش فلسطین وجود دارد؟

جواب: ما از سالهای بسیار قبل، همیشه راجع به اسرائیل و غاصب بودن آن صحبت کرده ایم.

همیشه بنای ما این است که در کنار برادران فلسطینی خود بایستیم و هر وقت هم قدرت پیدا کنیم، همان طوری که آنها از حقشان دفاع می کنند، ما هم مثل برادر با آنها همدوش و هم‌رزم خواهیم بود. بیت المقدس باید به مسلمین برگردد، اسرائیلی ها غاصبند. مع الاسف من نمی توانم دول عربی را بفهمم که علیرغم تعداد انبوه جمعیت و دارا بودن همه شکل امکانات مادی فراوان، نمی توانند حقوق و سرزمین های خود را باز گردانده، از وطن خود دفاع کنند و این از جهت اختلافاتی است که بین آنان وجود دارد و من امیدوارم که اختلافات را رفع کنند و حکومت ها به مسائل اسلامی توجه داشته باشند و به خواست خدا این ماده سرطانی را از سرزمین های خود قطع نمایند.

سؤال: به نظر حضرت آیت الله، چه کسانی در اخفای امام موسی صدر نقش داشته اند؟ آیا به نظر حضرتعالی، امام موسی صدر هنوز زنده اند؟ آیا تصور می فرمائید که ایشان به لبنان برگردند یا خیر؟ بین شما و مجلس اعلای شیعه در لبنان چه ارتباطی وجود دارد؟

جواب: راجع به اینکه ایشان را چه کسی مخفی کرده است، من اطلاعی ندارم، اما راجع به اینکه ایشان زنده اند و برگردند امیدوارم که زنده باشند و برگردند. من به ایشان علاقه دارم و امیدوارم که به سلامت برگردند و کار خودشان را ادامه دهند.

سؤال: ماهیت حکومت جمهوری ای که مورد نظر حضرتعالی است چیست؟ و مشخصات آن چگونه است؟

جواب: ماهیت جمهوری اسلامی این است که با شرائطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکاء به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام می باشد.

سؤال: حضرت آیت الله! برای مسلمانان به طور اعم و مسلمانان لبنان و مردم فلسطین، بخصوص پس از وقایع اخیر لبنان چه پیامی دارید؟

جواب: برای همه مسلمین، پیام من این است که با دارا بودن تمام امکانات و با جمعیت عظیمی که مسلمین دارند و با ممالک کثیری که تحت سلطه و قدرت آنهاست، آنها با هم اتحاد کنند، اگر چنانچه متحد شوند، هیچ يك از ابرقدرت ها قدرت اینکه به آنها تجاوز کنند ندارند. تمام بدبختی های مسلمین برای این تفرقه ای است که بینشان هست. ملت های مسلم با هم اجتماع کنند و حکومت ها را الزام کنند به اینکه دست از تفرقه بردارند و دست از منافع اجانب هم

بردارند .

و اما نسبت به لبنان ، از اوضاع لبنان و ظلمی که بر مسلمانان آنجا می رود شدیداً متاسفم و امیدوارم که خداوند آنان را تأیید کند و آنان را از زیر سلطه اجانب بخصوص آمریکا نجات دهد .

ص: 106

مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران ان بی سی آمریکا

سؤال: این تظاهرات و اعتصابات و پیاده روی های اعتراض آمیز که در ایران انجام می شود، در جهت خدمت به چه اهدافی است؟

جواب: باید از فریادهائی که مردم می کشند، اهدافشان را به دست آورد. همه فریاد می زنند که (آزادی، استقلال، حکومت اسلامی، مرگ بر سلطنت پهلوی) و... اینها اهداف آنان است.

سؤال: آیا هیچ شانس مصالحه ای را حضرت آیت الله با شاه امکان پذیر می دانند؟

جواب: خیر، شاه دیگر قابلیت مصالحه ندارد و جز این که برود هیچ چاره ای نیست.

سؤال: بعضی از دول غربی ادعا می کنند که شاه بایستی بماند برای اینکه مخالفین، برنامه مشخصی که بتواند مملکت را اداره کند، ندارند، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: اینها تبلیغات طرفداران شاه است که می خواهند مملکت در این هرج و مرجی که هست باقی باشد و شاه يك حکومت استبدادی غیر قانونی بر مردم بکند. ایران رجال برجسته و کارشناس های متعهد و مسوول دارد که اداره مملکت را به عهده می گیرند، ولی این اداره ای که شاه می کند که تمامش مبنی بر خیانت و خسارت ملت می باشد، هیچ دردی را دوا نمی کند. اصولاً "شاه در این سی و چند سال چه دردی را دوا کرده است؟

سؤال: در صورت رفتن شاه، چه نقشی را حضرت آیت الله در حکومت آینده برای خود در نظر دارند؟

جواب: من برای خودم نقشی جز هدایت (ملت و حکومت) برنمی گیرم.

سؤال: نظر شما درباره این ترس و نگرانی در میان آمریکائی ها که اگر شاه برود یا خلع شود، جریان نفت به غرب قطع خواهد شد، چیست؟

جواب: این هم یکی از تبلیغات شاه و طرفداران اوست. ما با برقراری حکومت اسلامی، نمی خواهیم نفت را زیرزمین نگه داریم. برای اداره کشور، ما احتیاج به پول نفت داریم، به هر کس که بخرد، به طور عادلانه نفت را می فروشیم و درآمد حاصل از آن را آنطور که صلاح ملت باشد به کار می اندازیم، لکن به طرزی که شاه عمل می کند که خیانت است، ما نمی خواهیم عمل کنیم.

سؤال: حضرتعالی از نفوذ خارجیان در ایران شکایت کرده اید، ممکن است بفرمائید که اینها، (اجانب) چه کشورهایی هستند؟

جواب: در راس آنها آمریکا است که نفوذ او در همه شوون کشور معلوم است. ملت ایران به واسطه اعمال نفوذ آمریکا است که از حکومت و دولت آن تنفر دارد. دخالت آمریکا دیگر تقریباً بی واسطه است، من می ترسم که این دخالت ها منتهی به نگرانی ملت ایران از ملت آمریکا نیز بشود. باید ملت آمریکا دولت را وادار کند که در امور داخلی کشور ما دخالت نکند که موجب اینهمه نگرانی و ناآرامی شده است.

سؤال: آیا حضرتعالی نگران این نیستید که شورش های اخیر و معضلات ایران به استقرار يك حکومت کمونیستی منجر شود؟

جواب: هرگز، ایران همانطور که دیده می شود، تمام اقشار فریاد اسلام و حکومت اسلامی می زنند، کمونیست اگر هم باشد، عدد بسیار قلیلی است که امکان هیچ فعالیت موثری برای آنها نیست، ما از این جهت هیچ اضطرابی نداریم.

سؤال: اخیراً حضرتعالی با بعضی از رهبران دیگر مخالف شاه ملاقاتهایی داشته اید، نظیر سنجابی، آیا آنها هم با برنامه های شما موافق هستند؟ و توافق هایی در این زمینه وجود دارد؟

جواب: آنها مطالبی را که ما گفتیم تصدیق کردند و با ما اظهار موافقت کردند. شخص ملی یا مذهبی در این مسائلی که ما طرح کردیم، تردید نخواهد کرد مگر آنکه از عمال شاه باشد.

سؤال: حضرت آیت الله پیش بینی می کنند که در ماه آینده چه حوادثی در ایران اتفاق می افتد؟

جواب : تا شاه در ایران است و ابرقدرت ها برای نگهداری او تلاش می کنند ، آدم کشی ها و حوادث اخیر در ایران ادامه دارد ، ولی اگر شاه برود و ملت قهرمان ایران خودش امور کشورش را به دست گیرد ، آرامش به ایران باز خواهد گشت و حکومت اسلامی تشکیل می شود و ان شاءالله تمام امور به صلاح ملت جریان می یابد .

سؤال : آیا حضرت آیت الله قصد دارند به ایران باز گردند ؟

جواب : الان معلوم نیست با این اوضاع آشفته که به دست شاه انجام می گیرد و اخیرا به اوج خود رسیده است ، لازم باشد به ایران باز گردم . بودن من در خارج که بتوانم فریاد ایرانیان مظلوم را به همه عالم برسانم ، بهتر است و لیکن هر موقع که صلاح ملت باشد به ایران بر می گردم .

سؤال : آیا حضرت آیت الله هیچ گونه نگرانی یا ترسی از امنیت شخصی خود دارند ؟

جواب : اینها مهم نیست و اشکالی ندارد . اصولا اگر با کشتن من انقلاب به نتیجه کامل خود برسد ، چرا به چنین امری راضی نباشم ؟ خون من از خون سایر ایرانیان رنگین تر نیست . در هر صورت خداوند ، عالم و حافظ است .

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ایرانیان در پاریس

شکست شاه در توسل به حکومت نظامی و سرنیزه برای برقراری آرامش

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

از يك طرف گرفتاری ملت ایران تقریبا به اوجش رسیده است ، حکومت نظامی ، دولت نظامی ، در تمام خیابان ها آنطور که گفته اند توپ و تانک مستقر است ، مقابل همه مساجد لوله توپها قراول می روند و مردم را در مضیقه قرار دادند ، در مضیقه ارزاق قرار دادند ، حتی بعضی گفته اند که در مضیقه آب هم هستند ، من نمی دانم صحیح است یا نه . با همه قوا شاه دارد با مردم مبارزه می کند ، تقریبا مبارزه به اوجش رسیده و از طرفی شاه هم سقوطش نزدیک شده است برای اینکه تقریبا این تیر آخری است که اینها در ترکش داشتند و قبلا" هم این معنا حدس زده می شد که اینها بفهمند که اثری ندارد این کارها برای اینکه دولت نظامی هم غیر از آن نظامی که سابق بود نیست ، خوب همان نظام است و همان نظامی است و بر فرض اینکه حالا این دولت هم يك قدری شقی تر و شدیدتر باشد لکن با این سرنیزه ها نمی شود آرام کرد ملت را ، با سرکوبی نمیشود راضی کرد مردم را . اینها دنبال این هستند که راضی کنند مردم را ، آرام کنند مردم را . مگر امکان دارد که به زور راضی بکنند کسی را ؟ یا با سرنیزه آرام کنند ؟ با سرنیزه موقتا میتوانند سرکوبی کنند که مثلا موقتا صدایی در نیاید لکن فایده ندارد . بر فرض اینکه صداها در نیاید ، اعتصابات را چه می کنند ؟ الان ایران به شکل تعطیل درآمده یعنی در همه چیز الان اعتصاب هست ، با سرنیزه می توانند که مردم را ، همه را سرکار ببرند و همه چرخ ها را راه بیندازند ؟ ! اینها دیگر شکست خورده اند . این دولت نظامی از اول معلوم بود شکست خورده است لکن حالا همه فهمیدند که شکست خورده است . حالا دارند با تفنگ و مسلسل و اینها می خواهند مردم را آرام کنند اعتصابات را مثلا بشکنند ، این امکان ندارد .

تا دست اجانب دخیل در امور کشور است از آرامش خبری نخواهد بود

ما که می گوئیم شاه تا نرود آرامش برای مردم پیدا نمی شود ، ما مطالعه اوضاع ایران را کرده ایم . کارهایی که شاه برای خارجی ها کرده و به نفع خارجی ها کرده است ، خوب مطالعه شده است این مسائل ، معلوم است که دیگر نمی شود با این حرف ها کار را درست کرد . حالا این تیر آخری را هم

به ترکش گذاشتند . آن قدم بعد از این است که يك کودتای نظامی بشود و شاه را ببرند و يك نوکر دیگری بیاید ، آن هم فایده ندارد . تا دست دیگران مثل آمریکا و شوروی و اینها در ایران کار می کنند نه آرامش برای مردم هست و نه این اعتصابات را می توانند ختمش کنند . باید آنها دست بردارند از ایران . ایران ، ملت ایران می خواهد مستقل باشد ، می خواهد آزاد باشد ، باید آزادی بدهند به و ملت را رها کنند به حال خودش ، فشار نیاورند روی ملت که با سرنیزه و توپ و تانک و اینها فشار بیاورند که مردم راضی بشوند ، مردم دلخوش بشوند ، امکان ندارد يك همچو مطلبی .

برچیده شدن حکومت شیطانی پهلوی و برقراری حکومتی بر اساس قانون الهی خواست واحد اقشار ملت

ما هم که حکومت اسلامی می گوئیم ، می خواهیم يك حکومتی باشد که هم دلخواه ملت باشد و هم حکومتی باشد که خدای تبارک و تعالی نسبت به او گاهی بگوید که اینهایی که با تو بیعت کردند ، با خدا بیعت کردند (انما بیایعون الله) يك همچو دستی حاکم باشد که بیعت با او بیعت با خدا باشد . در جنگ هم وقتی که تیری انداخته است و رمی کرده است باز خدا بفرماید که (و مارمیت اذرمیت و لکن الله رمی) تو تیر نینداختی ، خدا تیر انداخت ، دست او را دست خدا بداند ظل الله باشد ، یدالله باشد حکومت ، حکومت الهی باشد . ما حکومتی را که می خواهیم ، يك همچو حکومتی می خواهیم . آرزوی ما این است که يك همچو حکومتی سرکار بیاید که تخلف از قانون الهی نکند . پیغمبر اکرم از باب اینکه دستش دستی بود که تخلف در تمام عمرش از کارهایی که خدا فرموده بود نکرده بود ، این دست دست خدا می شود ، بیعت با خداست . از آنجائی که کارهایی را که کرده بود اراده اش تابع اراده خدا کارش تابع کارهای خدا ، حکومتش حکومت الهی است به او گفته می شود که تو تیر نینداختی ، وقتی که تیر انداختی تو نبودی ، خدا تیر انداخت . با اینکه پیغمبر تیر انداخته بود اما ظل خدا بود ، هیچ حرکتی از خود نداشت ، هر چه داشت تبع قانون بود ، قرآن مجسم بود پیغمبر ، قانون مجسم بود پیغمبر . ما يك حکومتی می خواهیم که قانون باشد ، تبع قانون باشد ، نه يك حکومتی که تبع شیطان باشد و شیطان مجسم باشد ، ابلیس مجسم باشد در بین مردم مثل محمدرضا خان . اینها ابلیسند ، اینها لشکر ابلیسند . این دولت ابلیس است ، تابع ابلیس است ، شیطان است ، تابع شیطان است ، حکومتی نظامی ، همان حکومت شیطانی است ، يك حکومتی است که بر خلاف رضایت خدا و بر خلاف رضایت ملت است ، يك همچو حکومتی شیطانی است .

ملت دیگر فریب توبه شاه را نخواهد خورد

ما می خواهیم يك حکومت الهی باشد ، موافق میل مردم ، رای مردم و موافق حکم خدا . آن چیزی که موافق با اراده خداست موافق میل مردم هم هست . مردم مسلمانند ، الهی هستند ، وقتی بینند عدالت را می خواهد اجرا بکند ، خدا می خواهد عدالت در بین مردم اجرا بشود ، خدا می خواهد که

به حال این ضعفا و طبقه سوم يك فكري بشود ، نه مثل حالا كه همه قدرت ها را روى هم گذاشتند ، يك عده اى مى خورند تا تخمه مى كنند ، يك عده اى از گرسنگى ريختند اطراف تهران و نه آب دارند و نه برق دارند و نه نان دارند و نه چيزى دارند (مى خواهد عدالت باشد) بله اينها مرتب صدای عدالت اجتماعى و احكام مبين اسلام را مى گویند ، اين حرف ها را مى زنند اما ادعاست . مى آیند در مقابل ملت و توبه مى كنند لكن فريب است اين . فريب نبايد بخورد اين ملت و نمى خورد (تا حالا ما اشتباه کرده بوديم و از اين به بعد ديگر اشتباه نمى كنيم) كى همچو التزامى داده كه شما اشتباه نكنيد . اشتباه كه نبوده ، عمدا اين مال ملت را داديد به آمريكا و شوروى خورده است ، عمدى است اين كارها ، اشتباهى نيست . ميدانيد داريد چه ميكنيد ، عالم ، عامد با همه توجه به اينكه اين مال ، مال ملت است و اين آمريكا دشمن اين ملت است و اين مال ملت را به اين دشمن ملت مجانى داديد . شما عالميد ، نه اينكه اشتباه بوده . بعد از اين هم همين كارها را مى كنيد و ممكن است كه بعد از اين باز بيايد بگوئيد من اشتباه كردم . شما اشتباه نكرديد ، شما عمدا مال اين ملت را به ديگران داديد برخلاف مصلحت ملت و ما يك حكومتى مى خواهيم كه روى مصالح اين ملت كار بكند .

اشخاص صالح ، مجرى قوانين شرع الهى بعد از سرنگونى حكومت شاه

البته ما دستمان به حكومتى كه مثل پيغمبر باشد كه ديگر نمى رسد تمام شد دستمان به يك حاكمى مثل على بن ابيطالب كه نمى رسد . اينها را ما حالا نمى خواهيم بگوئيم كه ما مى خواهيم على بن ابيطالب سلام الله عليه بيايد ما از كجا پيدا كنيم يك همچو چيزى اما ما ميخواهيم يك حكومتى باشد كه لااقل تبع قانون باشد ، تبع قانون اسلام باشد ، تبع قوانين مجعوله صحيح باشد . اينها از اول كه آمدند برخلاف قانون آمدند و تا آخر هم برخلاف قوانين رفتار مى كنند از اول نه شرع مقدس با اينها موافق بود نه قوانين جارى مملكت موافق با اينها بود ، تا حالا هم هر چه كردند ، بر خلاف قوانين كردند ، برخلاف شرع مقدس كردند ، بر خلاف رضای خدا كردند ، برخلاف رضای مردم كردند ، ما مى خواهيم يك دولتى تشكيل بدهيم ، دولتش مشكل نيست كه خيال مى كنند كه اين را ما از آسمان مى خواهيم يك دولتى بياوريم ، نخير توى همين زمين اشخاصى هستند كه مى توانند به عدالت رفتار كنند ، اشخاصى هستند كه شريف هستند ، در همين زمين ، در همين ايران ، در همين خارج ، در همين داخل ما داريم اشخاصى كه اينها مى توانند اداره بكنند مملكتشان را ، مى توانند كه عدالت كنند بين مردم ، مى توانند مردم را به عدالت وادار كنند ، مى توانند تنظيم كنند امور مملكت را نه به اين اختلاف و اين به هم خوردگى اى كه الان هست مى توانند اقتصاد مملكت را مهار كنند .

ما داريم چيز ، خوردن ها زياد است ، حلقوم ها خيلى گشاد است . تمام نفت را در يك حلقوم ، دو تا حلقوم فرو مى برند ، البته مملكت ديگر ورشكست مى شود . آنقدر بخور هست كه هر چه در آيد از اين مملكت ، اين بخورها زيادتر دهانشان باز است و حلقومشان باز است . ما مى خواهيم اين حلقوم ها را ببنديم ، اين مردمى كه حلقوم هايشان خيلى كوچك است ، به اينها يك تقسيمى بشود ، يك چيزى به اينها

برسد. ما يك همچو حكومتی می خواهیم، نه حكومتی كه همه اش را خودش و عائله اش ببلعد و بخورد و برود، حالا ادعا بكنند (بیائید محاكمه كنید اینها را، بیائید این اموال اینها را صورت بگیرید محاكمه كنید) آخر برای کی این حرف ها را مردك می زنی؟ مگر مردم نمی شناسند تو را؟! نشاخشند تو را؟! تو واقعا می خواهی محاكمه كنی عائله خودت و خواهرهای خودت را؟! تو خودت را بنشین محاكمه كن، اجازه بده خودت را محاكمه كنند، ببینیم خودت چقدر خوردی، توراس دزدها و سارق ها هستی، تمام خیانت ها را تو كردی، خواهرهایت هم دنبال تو هستند، آنها هم مثل تو. برادر و خواهر و عمو و عموزاده و هر چه دارد، دیگر هر چی هست. می گویند 60 هزار نفر همین عائله و بسط آنهائی كه با او هستند هست، می گویند 60 هزار نفرند، شاید هم بیشتر باشد. همه منافع مملكت ما توی این حلقوم ها دارد فرو می رود، آنوقت می گویند اقتصاد ما اقتصاد كذاست. (فكر اقتصاد را كرده اید؟) ما فكر این را كردیم كه وقتی این منافع بشود، این خوراك حلقوم ها منها بشود، منافع مملكت ما به قدر خودش بیشتر هست. ما غنی هستیم، دزدی ها زیاد است، خوراك زیاد است، حلقوم های گشاد است، ویلاهای خارجی باید اداره بشود، باید به اشخاص خارج، به مطبوعات خارجی سالی نمی دانم صد میلیون دلار بدهند كه از آقا تعریف بكنند و بگویند كه ایشان عدالت اجتماعی دارد و ملت ایران نرسیدند به این حدی كه آزاد بشوند. یعنی چه نرسیدند به این حد؟ ملت ایران نمی خواهند آزاد بشوند؟! نرسیدند به آن حد كه آزاد بشوند؟! شماها نرسیدید به آن حد كه آدم بشوید، كارترها نرسیدند به آنجا كه فكر آدمی بكنند، انسان باشند، نه ملت ایران نرسیده كه می گویند نمی خواهیم مالمان را بدهیم به تو.

ضرورت بیداری و تبلیغ در قبال تبلیغات سوء اجانب

بیدار بشوید آقایان. این تبلیغات در خارج زیاد شده است، حالا هم دارند تبلیغات می كنند، از هر طرف تبلیغات كه (نمی توانند اینها مملكت را اداره كنند) اگر اداره كردن، كشتن مردم است، همه حیوانات هم می توانند اداره كنند، اگر گرگ ها هم بریزند توی مملكت ما بهتر از این اداره می كنند مملكت را. نمی توانند كدام است؟ مگر مملكت ایران رجال ندارد؟ مگر محصلین نداریم ما؟ آنها یا در خارج از كشور به سر می برند و جرات نمی كنند بیایند در ایران یا در خود ایران در انزوا هستند، وقتی كه تو بروی و این رژیم برچیده بشود اشخاص لایق صحیح می آیند اداره می كنند مملكت را، نمی توانند كدام است؟ شماها نمی توانید كه آن قدر سروصدا بلند شده است و نمی توانید هم الان بخوابانید. الان شما نمی توانید اداره كنید مملكت تان را، خوب بروید وقتی نمی توانید، ما خودمان را اداره می كنیم.

تبلیغات زیاد است، شما هم توجه بكنید، شماها هم تبلیغ بكنید، در مقابل این تبلیغات تبلیغ بكنید، بگوئید اینها نمی توانند اداره كنند، بهتر از این چه دیگر كه الان نمی توانند، همه كارهای مملكت الان لنگ است، الان همه در اعتصابند از باب اینکه همه ناراضی هستند. شما يك عده ناراضی، يك مملكت ناراضی درست كرده اید. اگر کسی بتواند يك مملكتی را اداره كند كه اینقدر ناراضی پیدا

نمی کند. شما نمی توانید اداره کنید، وقتی نتوانستید همه ناراضی، تاجر بروی ناراضی، کاسب بروی ناراضی، اداری بروی ناراضی، ارتش بروی ناراضی. شما خیال کردید که همه ارتش مثل این چند تا الدنگ هستند که به جان مردم افتادند؟ نه همه اینطور نیستند، آنها به ما پیغام داده اند (ما حاضریم، چه) پیغام دادند، اگر وقتش شد آنها هم حاضرند برای کارها. کی را شما راضی قرار دادید، شما چهار نفر را راضی کردید که به جان مردم افتاده اند دارند مال و جان مردم را از بین می برند. این چهار نفر را با پول راضی کردید، یا پول نفت ما را به اینها خوردانید یا چیزهای دیگر منافع مملکت ما را به جان مردم ریختند، ما می خواهیم اینها را بیرون بریزیم از مملکت مان، اینها بروند سراغ کارشان. تا حالا چاپیدند پس است. بعد بروند جای دیگر بچاپند.

وظیفه ایرانیان مقیم خارج آگاه کردن دنیا از خیانت ها و جنایات شاه و اجانب در ایران

شما همه موظفید که مطالب ایران را بگوئید برای مردم، بگوئید برای این اروپائی ها، برای این آمریکائی ها، مطالب را به آنها بگوئید، حالیشان کنید که مملکت ایران وضعیتش این است، یک مملکت ناراضی الان پیدا شده است و این مملکت ناراضی با دست آمریکا و شوروی و با نوکری محمدرضا خان پیدا شده است اینها و پدرش که مثل این بود یا یک خرده بهتر از این شاید، شاید. بگوئید آقا، با هر کس ملاقات می کنید بگوئید مسائل ایران را. اینها بد معرفی کرده اند ایران را، اینها معرفی کرده اند که اینها یک مردم وحشی هستند که نمی گذارند اداره بشود مملکت شماها وحشی هستید که نگذاشتید این مملکت ما دست خود ما باشد تا اداره اش بکنیم - شما - هر جا شما دست می گذارید دست آمریکا آنجاست. این مملکت، ارتش را دست می گذاریم 60 هزار نفر یا 45 هزار نفر مستشار آنجا هست، حالا - دارند کم کم می روند، فرهنگش را دست بگذاریم دست اینها تویش بوده، مجلسش، مجلس از خود اینهاست، افرادش شاه با لیست اینها تعیین شده، شاهش با دست خود اینهاست، همه اش با دست اینهاست. ما چه چیز داریم دیگر؟ ما هیچ چیز نداریم الان، اقتصاد ما داریم؟ همه اش دست اینهاست، همه اش با خیانت این مرد و جنایات آنها، ارباب ها دارد می شود. ما می خواهیم یک مملکتی باشد دست خود شماها، دست این سروپا برهنه هائی که دارند گرسنگی می خورند برای اینها فکر بکنید شماها، می خواهیم دست یک دسته ای بیفتد که اینها شرافت انسانیت داشته باشند، اعتقاد به یک خدائی و یک روزی که حساب ها کشیده می شود داشته باشند - نه مثل اینها که اصلا خدا شناسند - تا برای این فقرا یک کاری بشود، برای خود مملکت یک کاری بشود، از دست این نفتخوره های مفتخور یک قدری نجات پیدا کنیم ما. شما موظفید که به هر جا می روید، با هر کس تماس پیدا می کنید، این درد این مملکت را بگوئید و درمانش را هم که رفتن این مردک و عرض کنم به هم خوردن این رژیم باطل و دست برداشتن اجانب از سر ما، این هم درمانش است. اگر این درد برود آن درمان پیدا بشود که آنها بروند و این هم برود - همه شان دردند و مثل یک غده سرطانی می باشند - و اینها را ما قطع شان

بکنیم، مملکت یک مملکت خوبی است، هم وسعتش خیلی زیاد است هم نعمتش خیلی زیاد است، همه چیزش هست اما یک دسته خائن دارد به همش می زند اوضاعش را، این دسته خائن بروند، یک مملکت خوبی داریم هم خودمان اداره اش می کنیم. انشاءالله خدا همه تان را توفیق بدهد، موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 115

مصاحبه امام خمینی با خبرنگار مصری

سؤال: چگونگی شروع جنبش اسلامی و خواست های اساسی این جنبش را توضیح دهید، جنبش اخیر چگونه شروع شده و چرا؟

جواب: فکر حکومت اسلامی، اینکه باید اسلام حکومت کند و نه غیر اسلام، یک فکری نیست که تازگی داشته باشد. در ابتداء اسلام، برنامه اسلام این بوده است که حکومت الهی همه جا باشد. نهایت اینکه، غفلت مسلمین از مصالح خودشان و اخیرا هم دستهای استعمار از چند صد سال پیش به این طرف موجب شد که حتی طرح همچون آرمانی نشود. جنبش اسلامی اخیر بیش از 15 سال است که به رهبری علمای ایران با مخالفت با طرح های شاه شروع شده است، طرح هایی که مخالف اسلام و ایران بوده و دنباله خیانت های گذشته او نیز بود. مردم از علما طرفداری کردند. اختلافات زیاد واقع شد که این مطلبی است طولانی. آنچه تقریبا در این يك سال واقع شد، اینکه کم کم خواسته های ملت به صورت طرحی درآمد و منتهی به این شد که همان خواست های صدر اسلام بایستی طرحش ریخته شود و در این طرح نه فقط ایران از زیر بار استعمار و ظلم بیرون می رود، بلکه سر مشقی باشد برای همه کشورهای اسلامی، چه ایران و چه سایر کشورهایی که زیر فشار و استبداد هستند. نظر ما که ملت هم با آن موافق است این است که پس از از بین رفتن حکومت قلدری و خلاف اسلامی شاه، يك دولت اسلامی و يك جمهوری اسلامی متکی به قوانین اسلامی و آراء مردم که اکثریت قریب به اتفاق مسلم هستند، در ایران مستقر بشود و احکام اسلام آنطور که هست اجرا گردد و همه مطالب ایران و نظام آن بر طبق خواست های اسلامی جریان پیدا کند.

سؤال: به نظر حضرت آیت الله، کیفیت و ماهیت حکومت اسلامی که مطرح فرموده اید چیست؟ و وجه تمایزش با آن اسلامی که در قانون اساسی منظور شده است چیست؟ آیا در طرح مساله حکومت اسلامی، بیشتر نظر به مسائل اجتماعی اسلام است یا مسائل سیاسی اسلام؟ آیا منظور از اجرای دقیق احکام اسلام این است که فی المثل دست دزد را از این به بعد قطع کنید؟ چگونه برداشتی دارید؟

جواب: مطلب مورد نظر این است که نظامی که مخالف نظام اسلام است، در همه چیز، هم فرهنگش برخلاف اسلام است، هم ارتشش و هم اقتصادش و هم سیاستش، بایستی منقلب شود و نظام اسلامی تحقق پیدا کند. پس از اینکه نظام اسلامی تحقق پیدا کرد، آنوقت مجلس هست، آراء و کلاء مجلس هست، تمام اینها هست. ما می خواهیم همه احکام اسلامی را جاری کنیم و عملاً ثابت خواهیم کرد که احکام اسلام مترقی است و بهتر از این است که دزد را ببرند و دزد بیرون بیاورند.

سؤال: می خواهیم بفهمیم درباره بعضی ها که می گویند حضرت آیت الله برنامه واضحی ندارند و آنچه که طرح می کنند يك سری شعار است و شاید اختلافات شخصی بین شاه و ایشان است، می خواهیم درباره تمام اینها صحبت فرمایید، آیا اختلاف شخصی وجود دارد؟ چرا يك برنامه اقتصادی واضحی ندارید؟

جواب: اما برنامه، خیال می کنند برنامه در کار نیست، خیر، برنامه هست، اسلام برنامه دارد، ما خودمان هم برنامه داریم لکن برنامه اسلام است و مترقی و بهتر از برنامه هائی است که به دست استعمارگران پیاده شده است. اما اینکه اختلاف شخصی در کار باشد، ابتدا من اختلاف شخصی با کسی ندارم، اگر اختلاف شخصی می بود، ممکن بود من بگذرم و می گذشتم. اختلاف، اختلاف اسلامی است و این شخص با مصالح اسلام و مصالح کشور مسلمین مخالفت و خیانت کرده است و بنابراین مساله چیزی نیست که کسی بتواند از آن بگذرد.

سؤال: آیا شما برنامه اقتصادی معینی دارید؟ من پاسخ خصومت شخصی را فهمیدم و لیکن آیا حضرتعالی برنامه واضح و مشخصی دارید؟

جواب: بلی، برنامه مشخص و واضحی داریم. برنامه اسلام مشخص و واضح است.

سؤال: آیا ما می توانیم خطوط اصلی آن را بفهمیم؟

جواب: فعلاً خیر، باید بروید مطالعه کنید و خطوط اصلی را دریابید. در آینده، ما تمام خطوط سیاسی، اقتصادی و فرهنگ خود را بیان می کنیم.

سؤال: اگر چنانچه ارتش همواره در تایید شاه باقی بماند، آیا حضرتعالی وسیله دیگری برای رسیدن

به اهدافتان دارید؟

جواب: وسائلی چون وسائل نظامی که شاه به آن متوسل شده است، دیگر تاثیری ندارد، اینها شکست خورده و نمی توانند کاری انجام دهند و این ملت را خاموش کنند و قهرا خودشان تسلیم خواهند شد اما اگر شاه پافشاری کند ما شیوه های مبارزاتی را متناسب با آن تغییر خواهیم داد.

سؤال: نسبت به مسائل اقتصادی و اینکه شاید برنامه نباشد، حضرتعالی در خواست بیرون رفتن شاه را از سلطنت خواستارید، آیا اگر شاه سلطنت را رها کرد و اوضاع اقتصادی به همین شکل باقی بماند، آیا وضع عوض شده است؟

جواب: نه، اوضاع اقتصادی عوض خواهد شد و يك اقتصاد صحیح و سالم ما عرضه می کنیم و الان اینها اقتصاد ما را ورشکست کرده و از بین برده اند. اینها خرج هایی کرده اند که خلاف مصلحت بوده است، دزدی هایی کرده اند که خیانت بوده است و برای حفظ خود به اشخاصی پول هائی بسیار گزاف داده است و ما تمام اینها را از بین می بریم و اطمینان داریم که دیگر اقتصاد عقب مانده نخواهیم داشت و به نیازهای مردم محروممان جواب مثبت خواهیم داد.

سؤال: چرا حضرتعالی نیروهای سیاسی مخالف دیگر را از همکاری با خود در مبارزه برای رسیدن به هدف هایتان دور می کنید؟ مثل کمونیست ها که همان هدف را دارند.

جواب: نه، ما نمی توانیم کمونیست ها را بپذیریم برای اینکه خطر آنان برای کشور ما کمتر از خطر شاه نیست، ما آنها را نمی توانیم بپذیریم.

سؤال: راجع به کشورهای عربی، آیا از بعضی از آنها حق پناهندگی سیاسی در خواست کرده اید و موضع آنها چیست؟ انتقادات شما نسبت به عراق چیست؟ و بودن شما در عراق؟ برداشت شما از موضع گیری حکومت فرانسه نسبت به بودن شما در پاریس چیست؟

جواب: اما نظر من نسبت به دول عربی نظر خوبی نیست. دولت های عربی نه توانسته اند استقلال خودشان را حفظ کنند و نه توانسته اند يك وحدتی بین خودشان ایجاد نمایند که اسرائیل را از بین ببرند. اختلافات بین خودشان و خیانت بعضی از سران دولت های عربی باعث این شده است که صهیونیست ها در اینجا باشند و خودشان را تثبیت کنند و اخیرا هم متأسفانه

رئیس مصر این کار را دارد انجام می دهد ، البته ممکن است بعضی ها نسبتاً بد نباشند لکن روی هم رفته نتوانسته اند يك اتحادی بین خودشان ایجاد کنند که به واسطه آن اتحاد ، هم از استعمار نجات پیدا کنند و هم از اذتاب استعمار که از آن جمله اسرائیل است . و اما نسبت به ملت عرب ، همه برادر ما هستند و ما با آنها مثل برادر رفتار می کنیم . اما اینجا دولت فرانسه فعلاً " رفتاری مسالمت آمیز دارد .

ص: 119

بیانات امام خمینی پیرامون ابعاد سیاسی - عبادی اسلام

آخرین دسیسه های حکومت نظامی

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

من از اینکه آقایان به واسطه تنگی جا در زحمت هستند معذرت می خواهم . انشاءالله خداوند همه تان را حفظ کند . امروز روز عید بود و در ایران خواستند نماز عید را انجام بدهند لکن در خیلی جاها مانع شدند از این که این مراسم مذهبی بجای بیاید . در قم با گاز اشک آور مردم را متفرق کردند که نماز نخوانند ، در بعضی جاها هم ریختند و خیلی وحشیگری کردند . بالاخره این تیر آخری است که شاه در ترکش داشت و با کمال وحشیگری در تمام ایران با مردم معامله کردند و بنا دارند معامله کنند . حکومت نظامی ، نخست وزیر نظامی و بی خبر از خدای تبارک و تعالی لکن فایده ندارد ، این دست و پا زدن ها فایده ندارد . شاه دیگر در بین ملت پایگاهی ندارد . سلطنت رضا شاه که از اول هم قانونی نبود حالا دیگر اگر قانونی هم بود ، يك سلطنت یاغیگری است و مردم با فریاد در همه جا خط بطلان کشیدند بر این سلطنت . الان یاغی است شاه و با یاغیگری دارد یغما می کند ، هم بیت المال را و قتل عام می کند مردم را .

اسلام دیانتی عبادی - سیاسی است

این موافقی که در اسلام هست مثل عید فطر ، عید اضحی (قربان) و حج ، موافق حج ، نماز جمعه و جماعات که در شب و روز انجام می گیرد ، این موافق جنبه های عبادی دارد و جنبه های سیاسی اجتماعی هم دارد یعنی جنبه عبادت در جنبه سیاسی ، اینها مدغمند ، منضم به همنند . دیانت اسلام يك دیانت عبادی تنها نیست و فقط وظیفه بین عبد و خدای تبارک و تعالی ، وظیفه روحانی تنها نیست و همین طور يك مذهب و دیانت سیاسی تنها نیست ، عبادی است و سیاسی ، سیاستش در عبادات مدغم است و عبادتش در سیاست مدغم است یعنی همان جنبه عبادی يك جنبه سیاسی دارد ، همین اجتماع در اعیاد برای نماز ، این عبادت است لکن آن اجتماع خودش جنبه سیاست دارد . مسلمان ها باید از این اجتماعاتی که هست ، از این اجتماعات استفاده های زیاد بکنند مثلا مسجدها در صدر اسلام به این صورتی که بعدش به توسط اشخاص منحرف به این صورت های مبتدل در آمد ، در صدر اسلام اینطور

نموده است، مسجدها محلی بوده است که از همان مسجد ارتش راه می افتاد برای جنگ با کفار و با قلدرها، از همان توی مسجد. آنجا خطبه خوانده می شد، دعوت می شدند مردم به اینکه فلان مثلا آدم متعددی در فلان جا قیام کرده بر ضد مسلمین یا مال مردم را چپاول می کند، قلدری می کند، انحرافات دارد و از همان مسجد راه می افتادند و می رفتند طرف دشمن، از همان جا قراردادهای حاصل می شد.

مسائل مطروحه در نماز جمعه

در خطبه نماز جمعه مقدرات مملکت باید بیان بشود، مسائل سیاسی که در مملکت جریان باید پیدا کند، مسائل اجتماعی که در مملکت باید جریان پیدا کند، گرفتاری های مسلمان ها، اختلافات مسلمان ها در آن خطبه ها باید طرح بشود و رفع بشود. جنایات امثال محمدرضا خان باید در این خطبه های جمعه گفته بشود و انتقاد بشود. راه هایی که ممکن است با آن راه ها این جانی ها را از بین برد، در نماز جمعه باید گفته بشود. نماز جمعه عبادت است لکن عبادتی که مدغم در سیاست است، سیاست، در عبادت مدغم است.

اختلاف در مذهب مسیحیت

مثل مذهب مسیح یعنی این مذهبی که حالا در دست مسیحی ها هست و من گمان ندارم که مسیح علیه السلام مذهبش این بوده است که اینها الان می گویند که هیچ کاری نداشته باشند به زندگی مردم و هیچ کاری به وضع سیاسی نداشته باشند و همین بروند يك زندگی بزنند و دنبال آن زنگ هم يك عبادت مختصری بکنند و تمام بشود برود تا آخر، نیست. من گمان نکنم که در دنیا همچو مذهبی، مذهب مسیحی باشد. منحرف شده است این مذاهب، مذهب یهود و همین طور مذهب نصاری انحرافات پیدا کرده است، دست در این وارد شده است.

قرآن کتابی جامع الاطراف است

مذهب اسلام که سندش قرآن است و محفوظ است، حتی يك کلمه تغییر نکرده است. اینطور است که قرآن مشتمل بر همه چیز است یعنی يك کتاب آدم سازی است، همین طور که آدم همه چیز است، معنویت دارد، مادیت دارد، ظاهر دارد، باطن دارد. قرآن کریم هم که آمده است این انسان را بسازد، همه ابعاد انسان را می سازد یعنی کلیه احتیاجاتی که انسان دارد، چه احتیاجاتی که شخص دارد و چیزهایی که مربوط به شخص است، روابط بین شخص و خالق تبارک و تعالی و مسائل توحید، مسائل صفات حق تعالی، مسائل قیامت، اینها هست، مسائل سیاسی و اجتماعی و قضیه جنگ با کفار و اینها. قرآن پر است از این آیاتی که این آیات مردم را وادار کرده است و پیغمبر را مامور کرده است که جنگ کنند با کسانی که متعدی هستند، با ظالم ها جنگ بکنند، يك کتابی است که تحرك آورده است یعنی عربی که در آنوقت در زمانی که وارد شد قرآن کریم، يك مردم متفرق و يك مردمی بودند

که با خودشان همان هی و می رفتند، در بین خودشان يك جنگ و جدالی بود و هیچ فکر امور سیاسی نبودند و همان بین خودشان مثل يك طویف وحشی بودند در قبل از يك نیم قرن، قبل از يك نیم قرن در حدود سی سال این امپراطوری ها را همین عده عرب کمی که ابتدا دور رسول اکرم بودند و اینها را ساخت پیغمبر اکرم، در يك مدت کمی دو تا امپراطوری که آنوقت تقریبا تمام دنیا زیر بیرق این امپراطوری ها بوده، یکی امپراطوری ایران بود و یکی هم روم بود، هر دو را آنها فتح کردند. همچو تحرکی در اینها آورد که از جزیره العرب راه افتادند آمدند ایران را گرفتند و رفتند روم را گرفتند و رفتند تا اروپا همه جا را تسخیر کردند.

هدف از جهاد در اسلام

و تسخیرها تسخیری نبود که مثلا فرض کنید مثل ناپلئون باشد که بخواهد يك مملکتی را بگیرد، تسخیرهای اسلامی برای این بود که مردم را بسازد، مردم را موحد کند، مردم را عادل کند، مردم را روشن کند به مسائل. اینطور بوده است، نه این است که می خواستند کشور گشائی کنند، نه مسائل کشور گشائی نبوده، مسائل این بوده است که می خواستند مردم را روپراه کنند یعنی وحشی ها را متمدن کنند، یعنی کسانی که همدیگر را می خوردند. قرآن کریم در نیم قرن، این جمعیتی که - هم را - همیشه جنگ می کردند و یکدیگر را می خوردند، به يك صورت عادلانه در آورد که با هم آنطور رفتار می کردند که ممالک متمدنه رفتار می کردند و بالاتر از این.

اسلام مکتب انسان ساز است

در هر صورت اسلام مثل مذاهب دیگر یعنی مذهبی که حالا ظاهرش به ما رسیده است، آنطور نیست. همه چیزهای انسان را می سازد، هم انسان را از حیث عقل می سازد، هم انسان را از حیث اخلاق و تهذیب اخلاق می سازد، هم انسان را از حیث ظاهر و آداب ظاهری می سازد، هم در همه اموری که انسان به آن احتیاج دارد، اسلام دخالت دارد. مثل حکومت ها نیست که فقط در امور مثلا اجتماعیشان، سیاسیشان دخالت داشته باشند اما کاری به این نداشته باشند که خودش توی خانه چه می کند، به اینها ربطی ندارد هر کس توی خانه خودش هر کاری می کند، حکومت ها به او کاری ندارند، اگر در خانه خودش هم قمار بازی بکند حکومت چکار دارد، اگر بله بیاید خلاف مثلا نظم بجا بیاورد آنوقت حکومت ها می آیند سراغش. اسلام، همان در منزل خودتان که خلوت هستید آنجا با شما کار دارد، در توی عائله تان که چند نفر هستید باز کار دارد به شما، می آید توی همسایه تان، با شما نسبت به همسایه هایتان کار دارد، با همشهری تان باز کار دارد، با هم مذهبی های تان کار دارد با خلاف مذهبی های تان هم همه، همه اینها را آداب دارد یعنی اسلام اینطور نیست که مثل حکومت اسلامی فقط حکومت باشد، اسلام يك صورتش حکومت است، يك ورقش باب حکومت است و باب سیاسات است، يك طرف دیگرش باب ساختن این انسان است از حیث معنویات که به خودش کار دارد، تو باید

در اعتقادات چه باشی، در اخلاق چه باشی، در آداب عملی چه باشی، باید چه باشد اینطور چیزها، اسلام کار دارد به همه، اینها را سایر دول و اجتماعات کاری به اینها ندارند. یعنی هیچ دولتی نمی آید به شما بگوید که شما توی خانه تان وقتی که هستید فلان کار را نباید بکنید، به آن کار ندارد، هر کس توی خانه اش هر کاری بکند اما اسلام توی خانه، تنهایی شما باشید با شما کار دارد یعنی می گوید باید چه جور باشی، اخلاقت چه جور باشد، ادراکات عقلی ات چه جور باشد، اعمال، خودت با بچه ات باید چه جور آدابی داشته باشی، بچه با پدرش چه جور باشد، پدر با فرزندش چه باشد، بچه با مادرش چه جور باشد، مادر با فرزندش چطور باشد، برادر با برادرش چطور باشد، همه این عاقله با هم چطور باشند. این عاقله با عاقله دیگر چطور باشد، تمام اینها را آداب دارد اسلام برایش، نظر دارد به آنها.

اسلام دینی الهی و جهانگیر است

راجع به اجتماع هم نظر دارد، مسائلی دارد که مربوط به همه بشر است، هیچ مملکتی دون مملکتی نیست، اسلام اینطور نیست که یک مملکت داشته باشد به اسم ایران مثلاً یا به اسم عراق یا به اسم کذا، اینجورها نیست، تمام عالم تحت نظرش هست یعنی نظر اسلام به این بوده است که بشر بسازد، تمام بشر را، هیچ قوم و خویشی با یک قطبی، دون قطبی ندارد، با شرق یا غرب، با شمال و جنوب، با جایی هیچ قوم و خویشی ندارد، یک دین الهی است همانطوری که خدای تبارک و تعالی خدای همه است، نه خدای شرقی ها و مسلمان ها یا غربی ها یا مسیحی ها یا یهودی ها، اینطور نیست، خدای همه است و نسبت به همه رازق است و عرض می کنم خالق است و اینها، اسلام هم یک دینی است مال همه، یعنی آمده است که همه بشر را به این صورتی که می خواهد در آورد، به یک صورت عادلانه در آورد، به صورتی که یک بشر به بشر دیگر یک قطره، به قدر یک سر سوزن تعدی نکند، یک بشر با بچه خودش تعدی نکند، با زن خودش تعدی نکند، یک زن با شوهر خودش تعدی نکند، دو تا برادر با هم تعدی نکنند، اینها با رفقای دیگرشان تعدی نکنند، می خواهد یک انسان عادل به تمام معنا که انسان باشد، هم عقلیتش عقلیت انسان باشد، هم نفسیتش نفسیت انسان باشد، هم ظاهرش ظاهر انسان و مودب به آداب انسانی باشد، می خواهد این مطلب را اجرا بکند.

اجتماعات اسلامی مظهر همبستگی و اخوت است

یک شعبه از اسلام هم عبارت از حکومتش هست که همین حکومت هم در همین آداب شرعی مسائل حکومتی هم هست مثلاً در حج، این موافقی که در حج هست و مردم را دعوت کرده است ذات مقدس حق تعالی که بروند به حج و آنجا موافق دارد. مسلمین نتوانستند آنطوری که حج باید استفاده ازش بشود، استفاده کنند. این یک مجمع عمومی است از همه طوائف مسلمین، یک دعوتی است از تمام طوائف که هر جوری هستند، در شرق اقصی هستند یا در غرب ابعد هستند، هر جایی می خواهند باشند، شمال، جنوب، هر جا، در هر مملکتی که هستند دعوت شده اند مردم، آن هم ناس دعوت شده اند،

نه اینکه فقط مسلمین ، همه باید مسلم بشوند و همه باید بروند یعنی کسانی که مستطیع هستند ، اشخاص مستطیع که بتوانند خودشان را به مکه برسانند . اینها را دعوت کرده که بروند در آنجا هر سال يك دفعه . يك مجمع عمومی می خواسته است تشکیل بدهد در آنجا ، در مجمع عمومی اگر مسلمین قدر بدانند حل مسایلی که ، مشکلاتی که از برای طوائف مسلمین است در آنجا باید بشود مثلا اگر مسلمین ایران بروند در آنجا و مسائلشان را برای مردم دیگر بگویند بر مسلمین دیگر لازم است که در این مسائل و مشکلات با اینها همراهی بکنند و همه اینهایی که آمدند به حج وقتی فهمیدند که مثلا ایران چه می خواهد ، چه می کند ، دولت ایران به مردم چه می کند ، همه اینها وقتی که می روند به بلاد خودشان تبلیغ کنند که چه و همین طور اگر آنها هم يك چیزی دیدند از حکومت خودشان یا از مردم خودشان دیدند و اینجا آمدند و به آنها عرضه داشتند اینها هم مکلفند که از آنها همراهی بکنند . اینطور است اسلام که اجتماعاتش اجتماعات سیاسی است در عین حالی که عبادت است . نماز جماعت را انسان خیال می کند خوب يك عبادتی است که با هم جمع می شوند يك نمازی را می خوانند لکن در این جماعت ها مسائل سیاسی باید طرح بشود یعنی آن کسی که هفته ای يك دفعه در منبر می رود و نماز جمعه می خواند و منبر می رود و خطبه می خواند باید مسائل سیاسی مسلمین را در آنجا طرح بکند و بگوید و آن چیزهایی که ، مثلا اشتباهاتی که از دولت ها واقع می شود ، در آنجا طرح بشود و مردم را هدایت کند به ، هم زندگیشان و هم مبداشان و هم معادشان و هم چیزهایی که در زندگی لازم دارند .

جنایات رژیم شاه و وظایف مردم

و در هر صورت حالا که مملکت ایران جوری شده است که از عبادات مردم هم حالا با سرنیزه جلو می گیرند ، امروز نگذاشتند که در قم این فریضه الهی بجا بیاید ، در جاهای دیگر هم همین طور - اشتباه اینها - حالا تمام اخبار به ما نرسیده است لکن خیلی ، در بسیاری از جاها کشتار بوده است و مردم را با سرنیزه جواب داده اند و جواب اشخاصی که می گویند که آقا مخازن ما رانده به دیگران ، جواب اشخاصی که می گویند ما آزادی می خواهیم اینقدر اختناق پنجاه ساله ما را خفه کرد ، جواب اشخاصی که می گویند که ما استقلال می خواهیم ، تو همه مملکت ما را به دیگران دادی ، جوابش حالا- این است که نخست وزیر نظامی و وزرای نظامی و حکومت نظامی و با نظام می خواهد خودش را نگه دارد . از آن طرف چماق به دست ها را می ریزد به جان مردم ، از آن طرف حکومت نظامی را درست می کند . از این طرف می گوید باید نظم باشد ، از آن طرف خودش شلوغکاری ، دستور می دهد که چماق به دستها را بریزند توی شهر و شهرها را آتش بزنند و چه بکنند . این وضع مملکت ما و این وضع حکومت شاه و این وضع زندگی آخر نکبت بار این مرد خبیث است و بر همه ماها هست که به این مسلمین که در ایران هستند کمک بکنیم لااقل کمک تبلیغاتی بکنیم که به اشخاصی که در اینجا ملاقات می کنید یا مثلا این اروپائی ها را که ملاقات می کنید به اینها بفهمانید که مساله این است ، اینطور نیست که مردم ایران يك مردم عرض می کنم که وحشی هستند و اینها می خواهند تادیشان کنند و نمی شود ، چنانچه شاه

اینطور معرفی می کند شما را . شما به مردم بگوئید که مردم ایران يك مردمی هستند که می خواهند از دست این ظلم نجات پیدا بکنند ، می خواهند آزاد بشوند ، می خواهند مستقل بشوند ، می خواهند زندگی انسانی بکنند و این مرد نمی گذارد این کار را بکنند .

خداوند انشاءالله همه تان را حفظ کند ، موفق باشید انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 125

بیانات امام خمینی در مورد ابعاد مختلف وابستگی رژیم پهلوی

عدم برنامه در نظام جمهوری اسلامی، از تبلیغات رژیم بر علیه نهضت اسلامی ایران

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

باز يك رشته تبلیغاتی اینها دارند که بله این نهضت اسلامی يك امر روشنی دارد و مابقی ابعادش غیر معلوم و نیست دیگر چیزی. آن امر روشنی که دارد این است که همه مردم می گویند که باید این رژیم برود و این شاه برود و حکومت اسلامی تشکیل بشود. این در لسان همه مردم است لکن اینها برنامه ای ندارند، همین طور می گویند حکومت اسلامی، حکومت اسلامی يك چیز غیر معلومی است، برنامه ندارد. یا در لسان بعضی اشخاص بی اطلاع این که اساس ندارد، اصلا جمهوری اسلامی بی اساس است و از این سنخ حرف ها.

پافشاری رژیم و وابستگی مبنی بر ضروری بودن سلطنت شاه

خوب، حالا ما دو قدم داریم، قدم اول، قدم اینکه باید این اساسی که الان هست، این وضعی که الان هست، اینها باید برداشته بشود. اینکه می گویند که روشن است، در این معنا اشکال دارند؟ اینهایی که با اساس این نهضت خیلی به خیال خودشان موافقت ندارند، در کدام قدم موافق نیستند؟ در این قدم اول که باید این بساط که تا حالا هست و این رژیم باید به هم بخورد، این وضعی که الان ایران دارد و در ظرف این پنجاه سال اوج گرفته است و سابق هم بد بوده است، بوده است اینطورها، در این اشکال دارند که می گویند نه همین اوضاع باید باشد؟

خوب اینها که (مثلا اگر کسی پیدا بشود، خوب، هستند اشخاصی که طرفدار شاه و رژیم شاه، آنهایی که یا وابستگی به خود شاه دارند یا وابستگی به آمریکا دارند) می گویند که نه، این اوضاع حالا باید باشد و به تعبیر بعضی ها شاه غیبت کند (که حالا فکر آن را کردند) اینها معتقدند که این اوضاع خوب است و باید باشد؟ یا اوضاع بد است، لکن لازم است باشد از باب اینکه دیگر چاره ای نیست؟ اگر معقدند که این اوضاع خوب است، معنایش این است که اختناق پنجاه ساله همه خوب است. در همه روزنامه ها و مراکز تبلیغی، اختیاری در کار نباشد و در تحت نظر سازمان امنیت باشد،

این يك چیز خوبی است! می توانید، جرات دارند بگویند که در عین حالی که این دستگاه تبلیغاتی در تحت نظر سازمان امنیت تنظیم می شود و هیچ روزنامه نگاری حق ندارد که تخلف کند از مطالبی که آن القا می کند و دستگاه تبلیغاتی رادیو حق ندارد که غیر از آن چیزی که آنها برنامه می دهند پخش کند، در عین حالی که اینطور است، معذالك این کار خوبی است؟ این را می تواند يك نفر مسلمان یا يك نفر انسان يك چنین مطلبی را اظهار کند؟ اگر می تواند، خوب یکی از اینهایی که با این حرف ها مخالفند بیاید این را اعلام کند. هر کس، هر کدام را اینها انتخاب کنند که خود شاه یا هر کس که از دوستان شاه هست بیایند این را اقرار کنند به اینکه دستگاه های تبلیغاتی ما، دستگاه های مطبوعاتی ما، همه آنها بی اختیار هستند و هیچ اراده ای از خودشان در پخش اخبار ندارند و همه را سازمان امنیت تنظیم می کند و اینها باید حتما حرف او را پخش کنند و این خوب است. یکی از اینهایی که می گویند شاه باید باشد، بیایند این مطلب را خوب، در يك روزنامه ای، در يك ورقه علیحده ای خودشان طبع کنند و منتشر کنند و امضا هم نکنند، نه اینکه همین طوری بنویسند. بنویسند که من که فلان آدم هستم قبول دارم که اینطور چیزها می شود لکن من می گویم این کار خوبی است. یا مثلا فرهنگ ما که عقب افتاده است قبول می کنند که عقب افتاده است و نمی گذارند يك فرهنگ مستقلی ما داشته باشیم، فرهنگ تبع است، تبع اراده سفارتخانه هاست، بیایند این را بگویند که نه، ما که می خواهیم شاه بماند برای اینکه فرهنگ ما باید اینطور باشد و این کار خوبی هم هست، نه اینکه بگویند ملزیم، بگویند نه، کار خوب است، خیلی خوب است که فرهنگ ما يك فرهنگ عقب افتاده ای باشد و نگذارند که جوان های ما تربیت بشوند، تربیت علمی بشوند، جوری بشوند که خودشان سازنده باشند. آن کس می گوید که ما با بقاء شاه موافقیم، این مطلب را اگر قبول دارد که اینطور هست لکن می گوید که (صحیح است لکن باید اینجور باشد خوب است اینطور باشد) خوب بیایند این را منتشر کنند این مطلب را با امضا يك نفر در همه ایران پیدا کنید که این را بگویند و منتشرش هم بکنند و خودش را هم معرفی کند که من کی، پسر کی، يك چنین مطلبی را می گویم. گمان ندارم پیدا بشود يك کسی که این حرف را بزند. یا قبول دارم که مستشارهای خارجه این ارتش ما را در تحت نظر دارد و ارتش ما تحت قیادت مستشارهای خارجه هستند لکن این چیز خوبی است، تحت قیادت آنها بودن چیز خوبی است. و هکذا همه ابعادی که الان ما به آن مبتلا هستیم، چه در ناحیه اصلا نظام فرهنگی یا نظام ارتشی و چه در ناحیه اقتصاد قبول بکنند به اینکه نفت ما را بی حساب دارند به آمریکا می دهند و به جای آن پایگاه برای آمریکا در ایران درست می کنند، این را قبول کنند لکن بگویند این کار خوبی است که ما می کنیم، انسان دوستی است و محبت به همونوع است و مهمان پروری است و اینطور چیزها که ما نفتمان را بدهیم، خوب يك هدیه ای است به يك مملکتی، خوب هدیه می خواهیم بدهیم نفتمان را، آنها هم بیایند به جای اینکه به ما پول بدهند اسلحه بدهند، اما نه اسلحه به ما بدهند، این اسلحه ای که اینها خیال دارند که بیاورند در ایران و پایگاه درست کنند در مقابل شوروی، بی بهانه نمی شود آورد، بی بهانه اینکه پول نفت را ما داریم می دهیم منتها پول نفت را اسلحه می دهیم، اسلحه احتیاج دارد ایران. این اسلحه های

بسیار هنگفت و زیادی که ایرانی اصلا نمی داند که چکارش بکند تا راه بیفتد و به این ایرانی هم نشان نمی دهند این مطلب را که این را چکار بکن که به راه بیفتد ، اینها در اینجا می خواستند پایگاه درست کنند در مقابل شوروی . اگر همین طوری بگویند ما می خواهیم پایگاه درست کنیم ، خوب صدایش در می آید این هم ، این قارداش هم صدایش در می آید می گوید من هم باید اینجا يك گوشه دیگر شروع بکنم . آنها نمی خواهند اینجور بشود ، می گویند که ما نفت داریم می خریم و عوض داریم می دهیم . عوض چیست ؟ عوض این است که اسلحه می دهیم و لیکن واقع مطلب پایگاه درست کردن برای آمریکا است و الان ایران خیلی از جاهای آن این پایگاه ها را دارد و مهیاست . خوب ، این را می گویند که يك کاری است که شده است و می شود لکن کار خوبی هست انسان چنین انساندوست باشد . خوب اگر این را هم خوب می دانند ، این هم يك نفر پیدا بشود از دوستان شاه یا از رفقای آمریکا که این مطلب را تصدیق کند به همین طوری که من طرح می کنم و امضا کند . پس این مطلب را که نمی تواند کسی بگوید که اینها کار خوبی است و چی .

پایگاه های عظیم تسلیحاتی آمریکا در ایران ، شواهدی بر وابستگی رژیم

باقی می ماند در این زمینه اینکه يك مطلب دیگر بگویند این رفقای شاه و عرض می کنم چاکرها و غلامزاده ها که نه ، اینطور نیست ، چنانچه خود اعلیحضرت می فرمایند که خیر ، ما مستقیم و ما احتیاج به چیزی نداریم و ارتش ما الان جلوی روس را می تواند بگیرد ، جلو انگلستان را می تواند بگیرد و جلو آمریکا را می تواند بگیرد و خیر - (با تعبیر خود اینکه) پدر بزرگ ما نیست که هر چه او بگوید ما بشنویم و از این حرف ها ، این مطلب را می خواهند بگویند که پایگاه ندارد آمریکا در ایران ؟ خوب بروند ببینند ، اینها پایگاهشان معلوم است در کوهستان کجا ، در کوهستان کجا در کجا ، این پایگاه ها معلوم است الان ، ساخته شده و زیر زمین هایش همه درست و مجهز . می گویند نفت نمی دهیم ما به آمریکا ، انکار دارند این را ، نه اینکه می گویند می دهیم و خوب است ، می گویند ما نفت نمی دهیم به آمریکا ، من خوب ، آن هم که همه عالم می دانند که شما دارید نفت می دهید . می گویند نفت را به اندازه می دهیم ، آنها هم همه می دانند که این نفتی که شما می دهید و خودتان می گویند تا بیست سال دیگر ، سی سال دیگر تمام می شود ، این برای این است که بی اندازه می دهید .

عدم استفاده آمریکا از منابع نفتی خویش و خریداری نفت ایران در قبال سلاح

آمریکا نفت دارد نه اینکه احتیاج به نفت دارد آمریکا ، آمریکا چاه های نفت زیاد دارد و استخراج نمی کند یعنی به این معنی که رسیده اند به چاه ها و آنجائانی که نفت زیر زمین دارند ، آنها هم هست . چاه ها را ، سر آنها را بسته اند برای آتیه خودشان و از این هدیه ناقابل اعلیحضرت دارند . می گیرند ولی همه نفت های خودشان زیر زمین مانده است . الان چاه ها را کرده اند رسیده اند به نفت و در آن را بسته اند و نشسته اند روی آن و دستشان را دراز کرده اند که بابا نفت بده . اینها که می گویند ما

نفت نمی دهیم ، نداده ایم به آمریکا یا به اندازه دادیم ، خوب شما از این پولی که دارید می گیرید و از این اسلحه ای که وارد کرده اید و از این بیلیون ها اسلحه هائی که وارد کردید معلوم است که چقدر داده اید و الان هم معلوم است که چقدر دارید می دهید به آمریکا و سایر ممالک دیگر و می گویند بله ما می دهیم ، این را مدعی هستند که ما می دهیم لکن ارز می گیریم ، خوب اینها یکی شان بنویسد که ما پول می گیریم از آمریکا . همه شان قبول دارند که ما می دهیم و اسلحه می گیریم . خوب این اسلحه را قائلند به اینکه برای مملکت ما اینهمه اسلحه و اینهمه تجهیزات لازم است ؟ و ما می خواهیم يك قدرت مثل شوروی پیدا بکنیم ، يك قدرتی مثل آمریکا پیدا بکنیم ؟ اینطوری است که ما لازم داریم اینطور چیزها را و متخصص داریم نسبت به اینطور مسائل و خود ما داریم اداره می کنیم .

خوب ، همه می دانند که چهل و پنج هزار ، بعضی هم می گویند شصت هزار مستشار آمریکائی هست ، کارشناس های آمریکائی هست در ایران با مصونیت ، نه مصونیت فقط اینها ، مصونیت هر چه آمریکائی هست که اینها مصون کردند آمریکائی ها را ، اینها قصه هائی است که تاریخ باید ثبت کند ، بعدها بفهمند که وضع ایران چه بوده است .

هیاهو و تبلیغات ساختگی رضاشاه برای لغو کاپیتولاسیون

در زمان رضاشاه وقتی که کاپیتولاسیون به اصطلاح خودشان لغو شد (آن هم لغویش حرف بود ، اما حالا لغو شد) چه بساطی درست کردند در تبلیغات که بله دیگر اعلیحضرت به آنجا رسیدند که لغو کردند کاپیتولاسیون را ، چه کردند و فلان . مدت ها روزنامه ها و رادیو بساط جشن این را گرفتند که اعلیحضرت رضاشاه کاپیتولاسیون را لغو کرد . يك وقت آنطور هیاهو کردند و جشن گرفتند . آن روزی که اعلیحضرت محمدرضا شاه خلف صدق اعلیحضرت رضاشاه آمد کاپیتولاسیون را برای اینها درست کرد باز همین بساط بلند ، شد که ای چه خدمت بزرگی ، چه خدمت بزرگی کردند ، این بیچاره مطبوعات ، خوب اسیر سازمان امنیت بودند باید بنویسند ، آنها دیکته کنند اینها بنویسند که چه خدمت بزرگی ، دیگر از این خدمت بزرگتر نمی شد که اعلیحضرت کردند! چه کردند ؟ اینکه او لغو کرد ، ایشان اثبات کردند ، در لغوش ما جشن باید بگیریم در اثباتش هم باید جشن بگیریم . وضع يك مملکتی اینطوری است که می گویند خروس می گوید که من بیچاره را در عزاخانه سر می برند ، در عروسی خانه هم سر می برند (خنده حضار) .

نصوب قرارداد کاپیتولاسیون خلاف روح انسانیت است

وضع ایران اینجور است که آن طرف قصه را هیاهو می کنند ، این طرف قصه هم هیاهو می کنند . اینها چیزهائی است که ما حالا می شنویم و داریم می بینیم . بعدها آیا باورشان بیاید يك همچو رژیم هائی را ما گذارندیم . آخر من در سن خودم این قضیه را دیدم . شماها یادتان نیست ، هیچ کدامتان یادتان نیست اما من در سن خودم بوده این قضیه . آن قضیه جشن های آنجای او در سن ما بوده ، این

قضیه جشن ها و بساط اینجای او هم ، هیاهوی اینجای او هم در همان وقتی بوده که ما بودیم هر دوی آنها را ، وضع اینطور است که طرفین قضیه را باید عرض می کنم که برای آن جشن بگیریم و پایکوبی کنیم که اعلیحضرت آنجا آنطور کردند و اینجا اینطور کردند . می گویند نشده است ؟ خوب ، شده است منتهی می گویند خوب شده است . خوب شده یعنی چه ؟ یعنی اینکه این آشپز مثلا سفارت آمریکا ، آن کاسب خیابان مثلا فلان جا که آمریکایی است ، اگر این يك شخص محترمی ، يك شخص عالیمقامی ، يك فیلسوفی ، يك عالمی ، يك کسی را بگیرد زیر ، عمدا هم بگیرد زیر ، دولت ایران حق ندارد ، هیچ حق ندارد که این را بخواهد ، این باید رجوع شود به سفارت ، سفارت خودشان بلدند چه بکنند .

معنی اثباتش این است که (ایشان برای آن آنقدر چیز کردند و آن شخصی هم که در مجلس آورد آنقدر برای آن نوحه خوانی کرد) هر فردی از افراد آمریکائی در اینجا مصون است ، کسی حق ندارد ، دادگستری حق ندارد که اگر این کاری کرد بخواهد او را عرض بکنم که ارتش حق ندارد در این امر دخالت کند ، هیچ کس حق ندارد در این امر دخالت کند ، این باید مستقیما در پیش خود آمریکائی ها و در سفارتخانه یا در فرض کنید که خود مملکت آمریکا این قضیه باید حل بشود ، آن هم که معلوم است راه حلش چیست . این را می گویند که يك چیز خوبی است ؟ ! خیلی خوب واقع شده که مصونند اینها و عرض می کنم که هیچ کس حق ندارد به آنها چیزی بکند اما اگر شخص اول این مملکت (هر کس هست ، هر زهرماری اگر هست به اصطلاح شما) اگر چنانچه يك فراشی از آنها را زیر بگیرد این باید محاکمه بشود ؟ ! از آن طرف هیچ شما حق ندارید انتقاد کنید اما از آن طرف خیر باید محاکمه بشود . خوب این را می گویند که يك چیز خوبی است ؟ ! و آن کسی که می گوید نظام شاهنشاهی ایشان باید باقی بماند و شاه باید باشد و سلطنت بکند و چطور ، می گوید این وضع تا حالا خوب بوده و باید شاه باشد ؟ ! یا خیر این وضع را قبول ندارد و می گوید نه این وضع خوب نیست ؟ اگر می گوید خوب است این وضع ، خوب يك چیز بنویسد امضا کند که : (این وضع را ما قبول داریم ، خیلی هم خوب است ، يك فراشی از آنها را اگر ما اذیت کردیم باید آنطور بشود ، يك کس بزرگی از ما را اگر چه کردند آنها نباید در آنها چه بشود .) این هم گمان ندارم که يك آدم ، يك انسانی بتواند بنویسد .

بله اینکه بعضی از اینها اصلا از وضع انسانیت خارج شدند مثل خود اعلیحضرت که اصلا روح انسانیت از او رفته است ، يك روح دیگری است الان در او ، نه روح انسان ، لهذا حرف ها هم همین طوری چرت و پرت خیلی گفته می شود ، می گوید . این هم که کسی نمی تواند اینطور بگوید .

التزام رژیم برای انجام ماموریتی از طرف اجانب !!

پس این طرف صفحه را که ما نگاه می کنیم که قضیه رفتن ایشان است ، از این راه که نمی توانید بگوئید که نه ، این کارها همه خوب است ، تا حالا هر چه واقع شده ، فرهنگ ما عقب است خوب است ، اقتصاد ما شکست خورده است و انگل است خوب است ، نظام ما تحت نظارت - عرض می کنم که -

مستشاران آمریکائی است این هم خوب است ، این را که نمی توانید بگوئید ، باقی می ماند اینکه نه ، این طرف را قبول داریم که اینها خوب نیست لکن چه کنیم چاره نداریم باید اینطور باشد ما موافقیم با اعلیحضرت و با بقاء اعلیحضرت برای اینکه ملزمیم که اینطور باشد ، ما ، التزام داریم ، ملتزم هستیم به اینکه باید فرهنگمان تا يك حد معینی باشد ، از اینجا بالا نرود ، ما را ملزم کردند به اینکه ارتش شما باید تحت نظر اینها باشد ، ما را ملتزم کردند به اینکه وکلای شما را باید ما تعیین کنیم ، شما خودتان نباید دخالت داشته باشید ، ملت هم نباید دخالت داشته باشند ، ملتزمیم به این معنا ، چون ملتزمیم پس باید باشد . اگر این مطلب را می گویند ، خوب الان ملت ایران پا شدند می گویند که ما این التزام ها را قبول نداریم ، تا حالا هم هیچی نشده ، حالا هم دارند می روند ، دارند دنبال می کنند این را . خوب اینها اگر قبول دارند که این يك چیز بدی است لکن ما را الزام کردند ، حالا ملت ایران تمامی پا شدند که این التزامی که می گوید ما دادیم یا شاه که ماموریت برای وطنش داشته است و خودش نوشته ماموریت برای وطنم و من هم می گویم ماموریت برای وطنش داشته لکن او می گوید ماموریت داشتیم که چه کنم و چه کنم ، برسانم آن را به نمی دانم دروازه بزرگ تمدن ! من می گویم نخی ماموریت داشتید برای وطنتان که نفتتان را بدهید و عرض می کنم فرهنگتان را به زمین بزنید و وطنتان را بیاورید به حالی که الان هست ، خرابه ای که الان اسمش را ما وطن گذاشتیم . اگر اینها قبول دارند که این رژیم تا حالا خیانت کرده است منتهی می گویند ملزم است ، ملزم است که خیانت نکند ، این را ما می توانیم بپذیریم از وکیل ، از وزیر ، از شاه ، از همه اینها که (من ملزم خیانت بکنم) ؟ ! خوب برو کنار ، کی ترا ملزم کرده که نخست وزیر بشوی ؟ کی ترا ملتزم کرده که وکیل بشوی ؟ کی ترا ملتزم کرده وزیر بشوی ؟ کی ترا التزام کرده که شاه باشی ؟ استعفا بده ، آدمی که این عرضه را ندارد که در مقابل اجنبی بایستد و مصالح مملکتش را تامین کند ، آدمی که در تحت اسارت غیر است و باید حتما مصالح مملکتش را فدای ، آنها بکند ، ما فرض می کنیم که شما اگر بخواهید سلطنت محفوظ باشد ، باید این خیانت ها را بکنی ؟ لکن تو معذوری ؟ ! کی گفت باید سلطنت شما محفوظ باشد ؟ تو اگر يك آدمی هستی ، انسان هستی ، اگر يك آدمی هستی که خائن نیستی بیا اعلام کن بگو که من نتوانستم این مملکت شما را ، مصالح مملکت شما را حفظ کنم من استعفا کردم . ملت آنقدر به سر تو گل می ریختند که تا عرش برین بود ، نه مثل حالا که همه داد بزنند (مرگ بر این سلطنت پهلوی) برای اینکه از تو خیر ندیدند . کی ترا ملتزم کرده که به سلطنت باقی باشی تا خیانت بکنی ؟ مگر می شود که انسان عذر بیاورد که وکیل بوده ، ده سال ، پانزده سال به اینجا وکیل بوده و وکیل مردم هم نبوده وکیل شاه بوده ، نخی وکیل سفارتخانه بوده ، همه را هم خودشان می دانند ، رفتند توی این خراب شده و هر چه خواستند ، هر کار زشتی خواستند کردند ، هر خیانتی را خواستند بکنند ، حالا ازشان می شود پذیرفت که من ملزم بودم ، مجبور بودم ؟ ! کی گفت تو وکیل بشوی ؟ مگر کسی آمد به تو الزام کرد ترا که حتما بیا وکیل بشو ؟ ! تو برو پشت آن تریبون و بگو ، قصه را بگو که من را از طرف سفارتخانه آوردند اینجا و من وکیل رسمی این مملکت نیستم از این جهت من از این مجلس می روم بیرون ، آنوقت بین با تو چه معامله می کنند . مگر می شود اینها عذر باشد که

وزیر بگوید من معذورم برای اینکه من ملزم بودم، شاه بگوید من معذورم برای اینکه سفارتخانه من را الزام کرده، نمی دانم کی بگوید من معذورم، این حرف ها چیست؟

خیانت و خلافتکاری های شاه و دیگر صاحب منصبان برای احراز پست و مقام

اینها معذور نیستند، اینها خائن هستند و عمدا هم خیانت کردند و برای خاطر ریاست خیانت کردند. می خواستند چند روزی، او می خواسته سلطان باشد او می خواسته عرض می کنم وزیر باشد، او می خواسته وکیل باشد، او می خواسته سناتور باشد و اینها، اینها عمدا به این مملکت ما خیانت کردند و تمام اینهایی که در این دستگاه وارد بودند و خدمت کردند به این دستگاه، اینها همه خائنند و هیچ لیاقت اینکه به اینها يك كاری ولو حمالی را رجوع کنند ندارد، نمی شود آقا که يك مملکتی که اینها دارند، اینها مستشارهای آنها هستند و اینها مشیر و مشارهای آنها هستند و تمامشان واضح است خیانتشان.

من می گویم حالا ما فرض می کنیم که شما رای هم بر خلاف ندادید، شما آدمی بودید که مثلا خلاف آنها را می خواستید بگوئید، ما اینها را فرض می کنیم لکن می توانید این را انکار کنید که شما وکیل ملت نبودید و رفتید در این مجلس و حقوق گرفتید؟ این را می توانید انکار کنید؟ اگر می توانید، بنویسید که ما وکیل مجلس نبودیم، اینجا همین جوری رفتیم و خیر اینجا که می رفتیم هیچی نبود و نگرفتیم، تا به شما بگویند که نخیر آقا شما در مجلس حقوق گرفتی از این ملت، حقوق ملت را گرفتی، وکیل ملت هم نبود، خلاف قانون اساسی کردید و خیانت کردید به این مردم و پول این مردم را گرفتید در صورتی که وکیل نبودید شما. اگر وکیل را سفارتخانه تعیین کند یا شاه تعیین کند که وکیل نیست، این که قانونی نیست وکالتش، وکالت باید هر جایی، در هر حوزه ای همان اهالی آن حوزه چیز بکنند. خوب، بگویند ما را تعیین کردند، وکیل مثلا تهران بیاید بگوید من را تهرانی ها چه کردند تا همه تهرانی ها بگویند ما اطلاع نداشتیم، آن که وکیل آذربایجان است بیاید بگوید من وکیل آذربایجانم تا مردم بگویند که نه آقا ما اطلاعی از این نداریم. کجا اطلاع داشتند مردم از این وکلا؟ کی می شناسد اینها را؟

عدم رشد فرهنگی و بی علاقتی رژیم به دین و کشور، موجبات وابستگی کشور به استعمارگران

نمی شود اینها را عذر حساب بکند کسی بگوید من معذورم، ما مجبور بودیم که این فرهنگ را در این حد نگه داریم، ما مجبور بودیم که این ارتش را تحت چیز قرار بدهیم، ما مجبور شدیم. خوب اینهمه صاحب منصب توی ارتش وقتی دیدند که صاحب منصب های آمریکا آمدند چه کردند، همه استعفا بدهند. مگر آقا می شد آنوقت، اگر همه صاحب منصب های ما وقتی که دیدند آمریکائی ها دارند اینها را، مستشار دارد آمریکا در اینجا و اینها باید تحت نظارت آنها باشند، اگر همه اینها يك روز

استعفای خودشان را می فرستادند در مجلس یا پیش شاه که ما نمی خواهیم با این وضع ، مگر امکان داشت آنوقت مستشار بیاید ؟ اینکه مستشار می آید برای اینکه شما رشد ندارید ، چون رشد ندارید از این جهت مستشارها می آیند - که - بالای سر شما و شما را می خواهند اداره کنند . اگر شماها رشد داشتید ، اگر شما يك انسانی بودید که علاقه به این مملکت داشتید ، علاقه به این آب و خاک داشتید ، اگر يك انسان متدین بودید که اساس مسائل است این ، همچو چیزی امکان نداشت برایتان که بنشینید آنجا و بخواهید صاحب منصب باشید لکن صاحب منصبی که يك مردیکه از آمریکا آمده هر چه بگوید ، باید اطلاعاتش بکنید ، خوب استعفا می کردید ، کی به شما الزام کرد که آقا بیا تو سپهبد باش یا بیا تو ارتشبد باش ، استعفا می کردی ، حالا استعفا کنید ، الان که می بینید که همه مسائل واضح شده است و خیانت شاه واضح شده و خود شاه آمده پشت - عرض می کنم که - رادیو و اقرار به ذنب و گناه خودش کرده ، اسمش را اشتباه گذاشته (تا حالا من کارهایم اشتباه بود از این جهت از اینجا به بعد این اشتباهات را نمی کنم) شمائی که يك شاهی را می بینید که خیانت های خودش را اقرار کرده ، پشت رادیو اعلام کرده ، دستش را پیش ملت دراز کرده که (ببخشید مرا ، من اشتباه کردم) خوب همین حالا - همه تان بروید آن کنار یا بروید کنار از ارتش یا متصل بشوید به مردم ، باز نریزید به جان مردم و مردم را بکشید . پس شما همه خیانتکارید ، شما را نمی توانیم بگوئیم يك انسانی هستید که امین این مملکت هستید ، شما خائنین در این مملکت ، شما لیاقت هیچ چیز را ندارید . بله صاحب منصب های جزء نمی توانند ، آنها چیز کردند ، آنها می گویند ما حاضریم به اینکه کارهایی را انجام بدهیم . ان شاء الله بلکه انجام بدهند .

سلطنت شاه غده ای سرطانی برای نابودی همه شؤونات مملکت

پس این ورق مطلب که قضیه این است که این رژیم باید از بین برود ، این فاسد است ، يك غده فاسد را اگر در نیاورند يك انسان را از بین می برد ، هلاک می کند . نمی تواند يك نفر آدمی که مریض است ، غده مثلا فرض کنید سرطانی دارد حاضر نشود که این غده را بیاید در آورید ، این خوب ، می کشد غده اگر در نیاورید این سلطنت يك غده ای است در این مملکت که اگر در نیاید فاسد می کند مملکت ، این غده باید در بیاید چاره نیست ، این غده ، سرطانی و بدتر از سرطان است ، این باید بیرون بیاید . باقی می ماند آن طرف قضیه که من حالا خسته هستم برای ادامه گفتن آنها ، ان شاء الله خداوند همه تان را موفق کند ، توفیق به همه تان بدهد . يك روز انشاء الله بروید به ایران که ایران وضعش عوض شده باشد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در مورد خواسته های ملت

غیر قابل باور بودن اظهارات شاه مبنی بر عدم اطلاع از خیانت ها و جنایت ها

اعوذبالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

ما سه اصل پیشنهاد کردیم که حالا- می خواهیم ببینیم که آیا آنهایی که محتمل است مخالفت بکنند با این اصول با کدام يك از اینها مخالفت می کنند .

يك اصل این بود که ملت ایران چنانچه در این مدت از تظاهراتشان ، از شعارشان ظاهر شد این سلطنت سلسله پهلوی را نمی خواهند و این يك فراند می بود که سرتاسر کشور به آن رای دادند ، با فریاد به آن رای دادند که ما نمی خواهیم این سلسله پهلوی را . خوب اگر کسی با این مخالف است و در مقابل ملت ایران می گوید که ما می خواهیم که سلسله پهلوی همین طوری که بودند باز باشند عرض کردیم که يك دفعه می گوید که این کارهایی که شاه کرده است ما تصدیق داریم که این کارها را کرده لکن این کارها خوب است ، اینکه نفت ما را داده است به آمریکا در مقابلش يك مقدار آهن خریده است که به درد ما نمی خورد ، اینکه فرهنگ ما را به عقب رانده است ، اینکه اینهمه جوان های ما را کشته است ، اینهمه حبس ها ، اینهمه زجرها ، این اختناق ها ، اینها را قبول دارد که اینها کرده اند لکن می گوید اینها کار خوبی است . اگر کسی این مطلب را بگوید ، خوب است که اعلام کند و امضا کند که من آن آدمی هستم که این کارها را می گویم خوب است . من گمان ندارم کسی در تمام ایران پیدا بشود که يك همچو اعلامی بکند . و یا این است که می گوید که نه ، این کارها را نکردند اینها و اینها را کسان دیگری کردند . چنانچه بعضی همچو چیزی گفته اند که اعلیحضرت بی اطلاع بودند از این مسائل ، اصلا هر چه گذشته بر این مملکت و هر چه ظلم شده است و هر چه خیانت شده ، دیگران کردند و شاه اصلا اطلاع از این مسائل ندارد . همه افراد ایران اطلاع دارند ، الا شاه !! شاه توی این جمعیت نبوده است ؟! در بین این مردم نبوده است ؟! ایشان که در فرمایشات خودشان همیشه می گویند که همه کارها به دست من انجام می گیرد . و دیگران هم همین طور می گویند که هر چه عمل می شود به دست شاه است . در قضیه مدرسه فیضیه که ریختند و در مدرسه فیضیه آن کارها را کردند ، ما آنوقت می دیدیم که به هر کس مراجعه می شد ، می گفتند که اعلیحضرت فرموده است . چنانچه ما آن روز در یکی از اعلامیه ها همین مطلب را نوشتیم که به هر جا مراجعه می شود ، می گویند که اعلیحضرت فرموده اند ، اعلیحضرت

فرموده اند که بروید مدرسه فیضیه را بهم بریزید و چه بکنید . و راست هم می گفتند ، کسان دیگر يك چنین کارهائی را اجازه - نمی داد - نمی توانستند بدهند بدون اطلاع شاه ، شاه که تمام نظام ایران در تحت رهبری ایشان هست (ایشان هم خودشان قبول دارند این را) و در نظام نمی شود حکم قتل کسی را یا حکم غارت يك جائی را یا حکم قتل عام يك ناحیه ای را يك رئیس شهربانی بدهد یا يك ارتشبد بدهد ، هیچ کدام نمی توانند . همه اینها باید با امر خود شاه یا اجازه او باشد . اینها باید اجازه بخواهند از او و او اجازه بدهد . همه این قراردادهائی که در مجلس واقع شده و مجلس نوشته و گذرانده و اینها همه ، بگوئیم که شاه اصلا اطلاع نداشته است ؟ ایشان در حال غش بوده در این مدتی که سلطنت کرده است ؟ ! خوب ، اگر در حال غش نباشد ، آدم بیدار باشد و شاه يك مملکتی هم باشد آن هم يك شاهی که همه می دانند که همه کارها دست خود این است و همه دیکتاتوری ها را این دارد می کند ، آنوقت کسی بگوید که (چنانچه گفتند ، اینهائی که طرفداران شاه و آمریکا ، این حرف ها را گفتند که) گناهی گردن ایشان نیست ، ایشان هیچ اطلاعی از این مسائل نداشتند . شاه که آمد در قم و در حضور اینهمه جمعیت ایستاد و نطق کرد و بدگویی کرد به علمای اسلام و بدگویی کرد به طبقات مردم ، این گناهش گردن دیگران است !! ایشان اصلا نداشته از این مسائل !! شاهی که پشت رادیو می گوید که این ملاحا ، این فلان ، اینها ارتجاعی هستند ، اینها چه هستند ، به مردم امر می کند که از اینها مثل حیوان نجس احتراز بکنید ، ایشان اطلاعی نداشته است !! این چه گناهی شد ، گناهش گردن دیگران است که چیز کرده اند !! ایشان اطلاعی نداشته است !! به ایشان دیکته کرده اند ، ایشان هم ندانسته اند اینها چه نوشته اند اینجا ، از رو خوانده است مثل بچه هائی که يك چیزی می خوانند و متوجه نمی شوند مفادش چیست ، ایشان هم خوانده و نفهمیده است که مفاد این چه هست !! قضیه اطلاعات ارضی به اصطلاح خودشان و این بساطی که درست کردند و ایشان خودش می گوید (انقلاب شاه و ملت ، انقلاب سفید) ایشان که می گوید انقلاب (شاه و ملت) ، نه این انقلاب شاه و ملت نبوده است ، شاه بی اطلاع از این مسائل بوده است !! خودش که می گوید (انقلاب شاه و ملت) روی کاغذی این را نوشته اند که این را بخوان و این آنقدر ادراک نمی کند که بفهمد انقلاب شاه و ملت یعنی شاه هم دخالت دارد!! این همین این عبارت را می خواند و نمی داند چه چیز نوشته است روی اینجا!! (به منطبق این آقائی که می گوید شاه بی اطلاع بوده است ، از همه امور بی اطلاع است) پس اینکه نمی شود کسی باورش بیاید . حالا فرضا یکی هم این حرف را بزند اما ماها می توانیم باور بکنیم که این شاه که همه کارها را خودش می گوید که باید به نظر من باشد و منم که همه کارها را انجام می دهم و دیگران را هیچ حساب نمی کرد ، تا چند وقت پیش از این اصلا نه وزیری و نه وکیل و نه چیزی ، هر چه او می گوید ، آن باید بشود ، چیزهای دیگر چه است ! پس این مطلب را نمی شود گفت که ، نمی توانیم بگوئیم که این کارها همه خوب بوده است و این که کرده است ، خوب کاری کرده است . این را که نمی توانیم بگوئیم . نمی توانیم بگوئیم که این کارها بد بوده است لکن شاه بی اطلاع بوده است از این مسائل و اینها همین طور خودبخود دیگران کرده اند و نسبت به شاه داده اند . چنانچه حالا دارند يك

دسته ای را که از رفقای ایشان بوده و - عرض می کنم که - با هم در جرم ها شریک بودند ، حالا این دسته را گرفته اند . حالا من هم نمی دانم چه جوری گرفته اند یعنی واقعا يك حقیقتی است این یا اینکه می خواهند مردم را بازی بدهند ، آنها باز رفاقت خودشان باقی است و اینها را به صورت مثلا از مردم مخفی کرده اند ، يك جانی هم برایشان ، جای خوبی هم درست کردند ، این را ما اطلاع نداریم . حالا ما فرض می کنیم که ایشان با آنها دیگر وفا نکرده و شریک ها را گرفته اند . اینها البته می خواهند همچو صورتی را ، ایشان هم خیال دارد يك همچو صورتی را به ذهن مردم بیاورد که حالا که من فهمیدم که اینها خیانت کرده اند ، حالا همه اینها را دیگر من می گیرم . معلوم شد که اینها خیانتکارند . 12 ، 13 سال ، 14 سال کسی وزیر او بوده و عرض می کنم با هم همه کارها را انجام داده اند ، حالا تازه ایشان این چند روزی که مردم مقابلش ایستاده اند ، حالا فهمیده است که اینها کارهای بدی کرده اند که این مردم دارند اینطور هیاهو می کنند و حالا اینها را گرفتند برای اینکه مردم بفهمند که نخیر ، اعلیحضرت می خواهند اصلاحات کنند ، همانطور که اصلاحات ارضی کردند و انقلاب سفید درست کردند ، حالا می خواهند انقلاب اداری کنند و می خواهند مسائل را درست کنند و وزرا را بگیرند و وزرای زمان کذا و زمان کذا و می خواهند کارها را درست کنند . دیگر مردم چه حرفی دارند!! این هم که کسی باورشان دیگر از ایشان نمی آید که اینطور کارها بدون اطلاع ایشان شده است .

شرط قبولی توبه شاه ، جبران حقوق بر باد رفته

ملت خوب يك صحبت دیگر هم ممکن است کسی بکند که نخیر ، این همه بد بوده است و ایشان هم کرده اند لکن توبه قبول است . آمده است می گوید من توبه کردم ، توبه پیش خلق و خالق قبول است و هر که يك کاری بکند توبه بکند ولو هر چه کار بدی باشد ، این را باید از او قبول بکنیم . این هم يك راه است که کسی بگوید که حالا دیگر شاه سلطنت بکند و حکومت نکند و توبه هم کرده است و کارهایی هم که تا حالا کرده است تمام ، هیچی دیگر ، حالا توبه کرده . در توبه هم این مطلب هست . (حالا اگر ما فرض کنیم توبه هم بکند) توبه پیش خدا هم قبول نیست مگر اینکه آن چیزهایی که مربوط به حقوق مردم است رد بشود . اگر يك کسی را کشت و بعد بگوید من توبه کردم ، این توبه قبول نیست باید این را که کشته است جبران بکند ، وقتی جبران کرد آنوقت پیش خدا هم وقتی توبه بکند ، قبول است . ایشان بدون جبران ، چون شخص اول مملکت است ، خدا يك حساب دیگری برایش باز می کند ؟ ! شخص اول مملکت را دیگر خدا حساب این را نمی کند که این بیست و چند سال جرم مرتکب شده است ، اموال مردم را خورده است ، نفوس مردم را تلف کرده است ، امر به خرابی ها کرده است ، خیانت ها کرده است ، جنایت ها کرده است !! خدا از باب اینکه ایشان شاهند ، (معلوم می شود که پیش خدا مثلا به منطق اینها شاه و غیر شاه فرق دارد) چون شاه است ، از این جهت می گوید که نه این دیگر قبول است !! مردم که جوان هایشان از بین رفته اند ، بروند گم بشوند اینها چه هستند ، مقابل شاه که نمی شود این حرف ها را زد!! بگوئیم که توبه ایشان قبول است بدون اینکه شرایط توبه قبول باشد ؟ اگر

مردم عادی مال مردم را خورده اند ، بگوید توبه کردم ، مال مردم را باید بدهد تا توبه باشد والا این همان توبه گرگ می شود و ایشان خوب ، بیایند حالا اگر واقعا توبه کرده اند ، بسم الله بیایند در بانک های خارجه را اول باز بکنند و این اموالی که در این بانک ها هست ، اینها را برگردانند به ملت . این يك راهش ، تا برسیم به کشته ها ، حالا راه مالی اش . اینهمه اموال مردم را اتلاف کرده است و اینهمه نفت را داده به غیر و در مقابلش يك چیزی که به درد ملت نمی خورد بلکه ضرر برای ملت دارد ، بیاید اول اینها را جبران کند ، اعلام کند که من می خواهم جبران کنم . ایشان اعلام کرده است ، می گویند که اعلام کرده است به اینکه این خاندان من هم ، این کسانی که مربوط به من هستند اینها هم باید رسیدگی بشود ، ببینیم که آیا اینها خلافی کرده اند ؟ نکرده اند ؟ اگر خلافی کرده اند خوب اینها هم باید محاکمه بشوند! ایشان باز . . . که خاندان ایشان خلافی کردند یا نکردند ؟ معلوم می شود این هم از آن مسائلی است که مخفی است برایشان و اطلاع ندارند!! حالا می خواهند ببینند که آیا این خاندان به کسی خلافی کرده اند ، يك جرمی کرده اند! ، اگر مرتکب شده اند . خوب حالا خود ایشان که می گوید که توبه کردم و مقابل ملت می ایستد و می گوید که خوب ، من يك اشتباهاتی کرده ام و حالا تعهد می کنم که نکنم و حالا متلزمم که دیگر نکنم ، ضمانت می کنم و اینها را مکرر می کند . خوب يك کسی می ایستد ، يك ملت می ایستند مقابل او ، می گویند که تا حالا این کارها را که کردی ، خوب جبران بکن ، آنوقت بگو که ضمانت می کنم . مساله يك مساله حقوقی است ، همچو نیست که يك مساله ای بین تو و خدا باشد ، خدا بین تو و خودش را ممکن است که بیامرزد . ما وکیل عمومی خدا نیستیم ، اما خدا قبول نمی کند مگر که مسائل حقوقی حل بشود . حق مردم به عهده تو است الان ، تو الان حق يك ملت در عهده ات است . تو مال هائی که مال این ملت است به باد داده ای ، توده سال جوان های ما را در توی محبس با آن وضع با آنها رفتار کردی و امر کردی که اینطور بکنند . خوب اینها را باید جبران بکنی تا بعد بگوئی (استغفرالله) ، تو جبران نکرده می گوئی که من توبه کردم ، ما باورمان می آید که تو توبه کار هستی ؟ ! ملت نشاخته اند تو را ؟ ! مگر شما آن اولی هم که آمدی سلطنت کردی همه این التزامات (اول قانونا باید التزام بدهی) همه این التزام ها را دادی و بعد آمدی (به قول خودت) این اشتباه ها را کردی . تو از این به بعد دیگر اشتباه بکن نیستی ؟ ! یا اینکه باز این را می گوئی که مردم را به غفلت بیاندازی و باز مشغول بشوی به این کارهای اشتباهی که می گوئی کردم ؟

پس آنکه موافق با ایشان است و اصل اول ما را که عبارت از رفتن شاه و این سلسله است می گوید قبول ندارم ، باید یکی از این مسائل را قائل بشود به اینکه نه همه کارهای ایشان خوب بوده و شماها ملتفت نیستید ، مردم ملتفت نیستند که اختناق يك چیز خوبی است ، نه خوب است و ایشان کارهای خوبی کرده اند ، همه اش اختناق و اینطور چیزهاست ، اینها هم خوب است . یا خیر ، نکرده است ایشان با بی اطلاع بوده است یا توبه کرده ایشان . وقتی این راه ها همه بسته باشد ، خوب باید ایشان نباشد .

شاه و شورای سلطنت هر دو آلت دستی برای تامین مقاصد اجانب

يك مطلب ديگر هم هست كه خوب ايشان نباشند ، ايشان بروند و بعد آقازاده ايشان بيابند و عيال محترم ايشان بيابند و شوراي سلطنتي تشكيل بشود و اداره بكنند . آنها كه كاري نكرده اند ديگر ، آنها ديگر خوب و صحيح هستند!! ملت ايران نمي تواند اينها را پذيرد . يك ملتي كه از يك شخصي اين همه رنج برده و از پدرش آن همه رنج برده است ، آن همه خيانت ديده است ، اين احتمال را مي دهد كه اين پسر هم پسر همان پدر است ، چنانچه اين پدر هم پسر همان پدر بود . و از خطاهاي ملت ما اين بود كه گذاشتند اين پسر بعد از آن پدر بيايد سلطنت بكنند و بسيار آسان بود آن وقت اگر پيشنهاد مي كردند به اين متفقيين و آن وقت مي ايستادند و مي گفتند: ما اين را نمي خواهيم آن وقت بسيار آسان بود كه ايشان نباشند . خوب ، اين پسر ، پسر همين پدر است . شنيدم گفته است كه اين پدر من بي خود اين حبسي ها را نگه داشته و اينها خرج دارند ، اينها را بكشد ، از بين ببرد اينها . مي گویند اينطور ايشان گفته است كه اين حبسي ها را براي چه خرجشان را مي دهند ، بكشدشان . اگر احتمال اين معنا را بدهند ملت ، يك مساله مهمي است . مسائل مهمه را احتمال هم وقتي كه انسان بدهد ، بايد احتياط كند او را . اگر شما يك احتمال صحيحي بدهيد كه از اين اطاق وقتي كه مي رويد بيرون ، يك حيوان ، يك سبعي در اينجا هست كه شمارا مي كشد ، نخواهيد رفت از اينجا بيرون همان احتمالش را بدهيد . خوب حالا ما اين احتمال را نمي دهيم اما اگر من احتمال اين معنا را بدهم كه يك ، شما احتمال اين معنا را بدهيد كه بيرون اينجا يك سبعي است آدمكش ، احتياط مي كنيد ، نمي رويد بيرون . ما احتمال اين معني را مي دهيم كه اين خانواده سبعي هستند كه اينها ملت را خواهند به باد داد . همانطوري كه تا حالا كرده اند بعد از اين هم خواهند كرد . يك آلت دستي هستند از غير (مساله اين حرف ها نيست كه ، ما حالا روي احتمال داريم صحبت مي كنيم والا مساله احتمال نيست) ايشان يك آلت دستي است ، پدر ايشان هم يك آلت دستي بود . آنها مي خواهند حالا آن آلت دست ديگري آن بعدي را آلت دست قرار بدهند براي خودشان و چطور ملت مي تواند قبول بكنند كه اينها باز باشند و - عرض مي كنم كه - آقائي بكنند بر ملتي در صورتي كه آنطور خيانت ها را كرده اند . بنابراین اصل اول ما را گمان ندارم كه بتواند كسي انكار كند كه اين اصل نبايد باشد .

سلب اختيار از مردم ، اساس رژيم تحميلي سلطنتي

يكي هم قضيه اصل دوم اين است كه اصل رژيم سلطنتي بي ربط است . رژيم سلطنتي رژيم كهنه ارتجاعی است ، در وقت خودش هم بي ربط بوده است . اينكه ارتجاع مي گوئيم ، يك وقت اين است كه يك چيزي در وقت خودش خوب بوده است ولي حالا ديگر كهنه شده است ، سلطنت اگر چنانچه در وقت خودش هم يك چيزي بوده ، حالا ديگر كهنه شده است ، ديگر سلطنت يك مساله ارتجاعی است لكن سلطنت از اول چيز مزخرفي بوده است ، يك آدم سلطان بر يك مردم بدون اينكه مردم اختياري داشته باشند! حالا آن شخص اول و سلطان اولش كه هميشه با زور آمده اند به مردم

تحمیل شده اند ، هیچ وقت نبوده است که مردم اراده داشته باشند در تعیین يك سلطان ، همیشه با قلدری و زور آمده اند و تحمیل کرده اند بر مردم و ظلم خودشان را بر مردم تحمیل کرده اند و هر کاری خواسته اند به سر ملت ها آورده اند و بعد هم که يك سلسله ای ، اولی دزد بود و همه کارهای زشت را می کرد حالا- اصلا در رژیم های دنیا این جزو مضحکه هاست ، يك کسی می آید برخلاف مثلا يك رژیم قیام می کند ، این حالا که قیام کرد ، این قیام غلط است ، این مجرم است ، قیام کرده است بر ضد يك رژیم ، آمد و غلبه کرد و کشت و زد و همه کار زشت را کرد و غالب شد ، حالا که غالب شد همه می شناسند او را ، حالا شد اعلیحضرت ، تا حالا دزد بود ، يك راهزنی آمد و زد و مثلا سلسله قاجاریه را می خواهد به هم بزند ، تا حالا اسمش این بود که این آدم قیام برخلاف سلطنت کرده و چطور است و این دزد است و این خائن است و همه این حرف ها را و لقب ها را به او می دادند ، حالا زورش زیاد شده و زد و آنها را بیرون کرد ، تا بیرون کرد آقای آمریکا از آن طرف ایشان را می شناسد و آقای انگلستان هم از آن طرف می شناسد و حالا شد اعلیحضرت و هر که بر ضد این قیام کند مجرم است . تا حالا ایشان مجرم بوده است ، حالا که ، به زور به مردم غلبه کرد و او را زد و بیرون کرد ، همین دزد شد (اعلیحضرت) ! بنای دولت ها این است همین دزدی که تا حالا دزد بود و اگر گرفته بودند او را ، می گشتند او را و همه هم می گفتند صحیح است این کشتن ، حالا که زور شد و غلبه کرد ، حالا دیگر می شناسند او را یکی بعد از دیگری . همین پریروز افغانستان همین طور شد دیگر . همین پریروز افغانستان بعد از اینکه اینها آمدند ، اول هی اینها آمدند و چه ، هی حرف ها می زدند برایشان ، وقتی که غلبه کردند او از آن طرف شناختش ، او از آن ور شناختش ، او از آن طرف شناختش .

بنابراین است که همه دیگر این دزد سرگردنه را حالا دیگر از این به بعد القاب تغییر کرد ، شد (اعلیحضرت) و هر کس بر خلافش بگوید ، خلاف رژیم سلطنتی او چیزی بگوید یا اهانتی بر او بکند چند سال هم حبس باید برود . اصل رژیم سلطنتی از اول يك چیز غلطی بوده . چه معنی دارد که يك نفر آدم که مثل همه ماها هست اکثر آنها هم از همه این جمعیت ها کمتر بوده اند . ادراکاتشان هم کمتر بوده است ، اکثرا اینجوری بوده اند ، خوب بله قلدری را داشتند ، قلدری ها را داشتند خیلی زورمند بودند اما ادراکاتشان مثل يك آدم متعارف هم خیلی هایشان نبوده ، آنوقت این شد شخص اول و شد شاه ، بعدش دیگر به مردم هیچ ارتباط ندارد . خوب ، حالا فرض ما می کنیم که آن مجلسی که رضا شاه با سرنیزه درست کرد و همه دیدیم ، نه يك مجلس ملی بود و ملت آمد و دید که قاجاریه مثلا خلاف هستند ، آنها را کنار گذاشت و شد ایشان ، بعد دیگر از اختیار مردم شد بیرون برای اینکه حالا ایشان با اختیار مردم شد بعد هر کاری بکند ، مردم هر چه فریاد بزنند که آقا تو با اختیار ما ، با انتخاب ما شاه شدی ما نمی خواهیم دیگر ، برو سراغ کارت ، دیگر گوش نمی دهند ، دیگر سرنیزه است . مثل همین حالایی که پیش آمده ، آنها قرار دادند ، يك کسی را انتخاب کردند ، آن طبقه جلو انتخاب کردند حالا ما باید جرم این پسر را هم بکشیم . ما انتخاب کردیم این را ؟ ! آخر این عقلایی است که در 50 سال قبل يك طبقه دیگر ، يك جمعیت دیگر يك کسی را انتخاب کنند به سلطنت بعد پسر او بی انتخاب این مردم و با

مخالفت این مردم باز سلطان باشد بر این مردم؟ یعنی هر کاری که بخواهد بکند (نخیر، سلطان مشروطه باشد)، بی انتخاب مردم چراباشد؟ چه معنا دارد؟ هر کسی، هر جمعیتی، هر اجتماعی حق اولیش این است که خودش انتخاب بکند یک چیزی را که راجع به مقدرات مملکت خودش است. کدام یک از این ملت ما، الان این طبقه اگر در تمام ایران شما بگردید یک نفر را پیدا بکنید که بگوید من دخالت داشتم در انتخاب محمدرضا خان به سلطنت، پیدا نمی کنید. هیچ کس، هیچ کس دخالت نداشت است. موهبت الهی بوده است (به قول خودشان) بدون اینکه مردم دخالت داشته باشند. خوب، در قانون اساسی غلط ما این است که سلطنت یک موهبت الهی است که ملت می دهند به یک شخصی. خوب ما حالا قبول کردیم، یک موهبت الهی است که ملت می دهند، کی ملت دادند این را؟ کی ملت اصلا اختیار در این باب داشتند؟ ایشان کودتا کرد و آمد ایران، آمد تهران - را - از قزوین آمد تهران را گرفت و کودتا کرد و یک عده ای را گرفت و حبس کرد و کم کم ماند. اولش نمی دانم رئیس قشون بود و بعد کم کم شد وزیر جنگ و بعد کم کم شد نخست وزیر و بعد هم با سرنیزه مجلس درست کرد و با سرنیزه الزام کرد اینها را که باید قاجاریه را خلع بکنید و باید من سلطنت کنم، همه اش سرنیزه بود. موهبت الهی که مردم می دهند، فرض کنیم که مطلبش این است که این موهبت الهی است و مردم می دهند به یک کسی، مردم می دهند، آخر مردم کجا دادند؟ کی مردم همچو کاری کردند؟ و من عرض کردم که حالا ما فرض می کنیم که این مردم هم دادند به پدر ایشان و خوب حالا بعدش چه؟ آن جمعیتی که آنجا بوده اند یک کسی را وکیل کرده، وکیل من که نبوده است پدر من. شما همه تان آن زمان هیچ یادتان نیست، هیچ کدامتان رای آن وقت نداشتید، نبودید تا رای بدهید. هیچ کدام شما آن وقت نبودید، ما هم که بودیم که رای نداشتیم، خوب، رای که به او ندادند. حالا ما فرض می کنیم که یک جمعیت رای دادند به او، الان که ما می خواهیم زندگی بکنیم، مقدرات مملکت مان را تحت نظر یک کسی قرار بدهیم یک کسی بخواهد دخالت در امور مملکتی ما بکند بدون اینکه ما اصلا اطلاعی داشته باشیم و بدون اینکه اختیاری داشته باشیم ایشان باید هر کاری دلش می خواهد بکند؟

مخالفت مردم با سلطه خاندان پهلوی و اصل رژیم سلطنتی

بنابراین اصلا رژیم سلطنتی یک چیز غلطی است. رژیم سلطنتی چیست؟ باید مردم خودشان یک کسی را تعیین کنند. مثلا فرض کنید که یک وکیلی را تعیین می کنند برایشان کار بکنند، باید مردم خودشان یکی را تعیین کنند که او دخالت کند در امورشان، هر وقت او را نخواستند، بگویند برو گم شو! یک رژیمی که اینطور استقرار دارد اگر انسان فهمید به اینکه، هر آدمی بفهمد که هر کاری بکند دیگر از دست مردم خارج است که بگویند برو، دیگر او هست تا آخر، سلطنت اینطوری است که یک کسی که سلطان شد دیگر او هست، بیخ ریش مردم هست، یک همچو آدمی هر چه خلاف بخواهد بکند دستش باز است خوف این را ندارد که عزلش بکنند، عزلی توی کار نیست، او هست تا آخر (همه هم شاهدوست اند) اما اگر بنا باشد که یک نفر آدم را پنج سال، ده سال، هشت سال بگویند که شما بیا در

این مملکت رئیس جمهور مثلا باش، کارهای این مملکت را اداره بکن، خود مردم آزاد یکی را تعیین بکنند، این آدم هر چه هم بد باشد به فکر خودش هست لاقلا، برای اینکه می گوید خوب من پنج سال دیگر رئیس جمهور افتاده ام، وقتی افتادم پدر مرا مردم در می آورند، اگر به يك کسی ظلم کرده باشم اینها پدر من را در می آورند، حالا قدرت دست من است بعد از پنج سال دیگر يك آدمی هستم عادی، مثل سایر مردم. نمی کند قهرا. اصلا از اول رژیم سلطنتی يك چیز غلطی بوده است و تحمیل شده است به مردم. اصل دوم ما هم این است که رژیم سلطنتی يك اصلی است بی ربط، باید اختیار دست مردم باشد. این يك مساله عقلی است، هر عاقلی این مطلب را قبول دارد که مقدرات هر کسی باید دست خودش باشد، مائی که، يك جمعیتی که مملکت مال خودشان است، چیزهایی که در مملکت است باید به صرفه خودشان خرج بشود، باید همه چیز این مملکت در راه صلاح خود این مملکت باشد يك کسی که اصلش با مردم جداست و می گوید که مردم چکاره هستند من خودم هر کاری دلم می خواهد بکنم، چطور می شود مقدراتش را مردم دست يك همچو آدمی بدهند که هر کاری دلش می خواهد بکند و به مردم دیگر دخالت نباشد؟ به خلاف اینکه مردم امسال يك کسی را قرار بدهند، همه جمع بشوند با هم قرار بدهند که این آقا رئیس جمهور ما، پنج سال هم ایشان رئیس جمهور. ما فرض می کنیم که يك آدمی باشد که خیلی جلب باشد، این آدم خیلی جلب نمی تواند، عقل اجازه اش نمی دهد که در این پنج سال تو هر کاری داری بکن، هر چه هم می خواهی ظلم بکن و - عرض می کنم که - چه می شود. ما فرض می کنیم نه دیگر حقی برای مردم نباشد و حال آنکه در جمهوری حق است و مردم می توانند بگویند نه، تو غلط کردی برو دنبال کارت، اگر جمهوری اسلامی باشد که دیگر واضح است برای اینکه اسلام برای آن کس که سرپرستی برای مردم می خواهد بکند ولایت بر مردم دارد يك شرایطی قرار داده است که وقتی يك شرطش نباشد، خود به خود ساقط است، تمام است، دیگر لازم نیست که مردم جمع بشود، اصلا خودش هیچ است اگر بیجا - اگر - يك سیلی بزند، رئیس جمهور اسلام اگر يك سیلی بیجا به يك نفر بزند ساقط است، تمام شد ریاست جمهوریش دیگر و باید برود سراغ کارش آن سیلی را هم عوضش باید بیاید بزند توی صورتش. ما يك همچو چیزی می خواهیم.

بنابراین اصل اول که عبارت از اینکه ما این خاندان را نمی خواهیم این واضح است، باید همین طور باشد، مردم هم با ما موافقتند. مساله مردمی است. مساله به حسب حق مردم، مردمی است همه مردم فریاد کردند توی خیابان ها، حالا هم دارند فریاد می کنند. همین امروز هم گفتند پنجاه هزار نفر در اصفهان قیام کرده اند و - عرض می کنم - نهضت کرده اند و تظاهر کرده اند و از این حرف ها. الان هم همان حرف ها را دارند می زنند. اصل دوم هم که سلطنت رژیم سلطنتی اصلش غلط است این هم هر عاقلی اگر تصور مطلب را بکند، تصدیقش هم می کند که يك همچو رژیمی اصلا درست نیست. باید اختیار دست خود مردم باشد و چه بکنند. يك کس دیگری یکی را سلطان بکند، این سلطان بر یکی دیگر باشد، این مقدرات این دست آنهاست. هر کس مقدراتش دست خودش است. این نسل حالا مقدراتشان دست خودشان باید باشد، نه دست يك کسی که هفتصد سال پیش از این بوده و حالا رفته

سراغ کارش رئیس جمهور معنایش این است که مقدرات دست خود مردم است . مردم الان می خواهند قرار دهند يك کسی را رئیس جمهور ، بعد از پنج سال دیگر تمام می شود عملش ، یکی دیگر را قرار می دهند بعديش را می آورند . این بهتر از اوست و آن غلط بوده است و این صحیح ، این ممکن است صحیح باشد منتهی ما جمهور به آن معنایی که هر کس را بخواهند قرار بدهند ، در سایر جاها هم اینطور نیست که هر کس يك شرایطی در آن هست ، در رئیسی که باید حکومت کند بر مردم ، حاکم مردم يك شرایطی در اسلام دارد که اگر آن شرایط ملاحظه بشود ، يك حکومت عدل و صحیح منعقد می شود .

تحقق جمهوری اسلامی مبنی بر رجوع به آراء مردم

اصل سوم ما این است که ما حکومت اسلامی می خواهیم . يك جمهوری اسلامی که به آرای مردم رجوع می کنیم و شرایط را هم می گوئیم ، آن شرایط در اسلام هست برای هر کس که می خواهید تعیین کنید ، هر که این شرایط را دارد این را بخواهند ، شرایطش نباشد که هر دزدی را بخواهند قرار بدهند هیچ عاقلی این را نمی پذیرد که هر دزدی را بخواهند قرار بدهند و قرار هم نمی دهند . این شرط سوم را هم ، این اصل سوم را هم حالا من خسته شده ام بعد عرض می کنم . و بعضی از حرف هائی که گفته شده است و نطقی که امروز باز اعلیحضرت فرموده اند و حرف هائی که زده اند ، اینها دیگر بعد يك تاملی در آن بکنیم ببینیم چه ایشان گفته است و ما باید چه بگوئیم .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

مصاحبه امام خمینی با خبرنگار آلمانی

سؤال: بر سر آلمانی های مقیم ایران در صورتی که اوضاع ایران عوض شود و حکومت اسلامی به روی کار آید، چه خواهد آمد؟

جواب: با آنها به طور انسانی رفتار می شود و در صورتی که مصالح ملت را مراعات کنند، ابدا ضرری بر آنها وارد نخواهد شد.

سؤال: بر سر سرمایه های صنعتی آلمانی ها در ایران چه خواهد آمد؟

جواب: اگر سرمایه ها از خودشان باشد، آن هم محفوظ خواهد ماند و ظلمی بر کسی وارد نخواهد شد.

سؤال: همانطوری که حضرت آیت الله اطلاع دارید، شاه به نام ملت ایران قراردادهائی را با آلمانی ها و خارجی ها بسته است. آیا يك

دولت جدید به رهبری حضرت آیت الله این قراردادها را ادامه می دهد؟ و چه اتفاقی بر سر این قراردادها رخ خواهد داد؟

جواب: قراردادهائی که موافق مصالح ملت است، به قوت خود باقی می ماند.

سؤال: همانطور که مسبوق هستید، سرمایه هائی به نام ایران در آلمان سرمایه گذاری شده است. این سرمایه ها، چه سرنوشتی پیدا

خواهد کرد؟

جواب: این سرمایه ها مال کشور و ملت است و دولتی که می آید به مصلحت ملت عمل خواهد کرد.

سؤال: در حکومت آینده، آزادی زنان چگونه خواهد بود؟ آیا اینها باید مدارس را رها کرده و به منازل بروند، یا اینکه بر ایشان امکان

خواهد داشت به تحصیلات خود ادامه دهند؟

جواب: این حرف هائی که راجع به زنان و یا مسائل دیگر شنیده اید ، اینها همه تبلیغات شاه و اشخاص مغرض است . زن ها آزاد هستند و در تحصیل هم آزاد هستند ، در کارهای دیگر هم آزادند ، همانطور که مردها آزادند . حالا است که نه زن آزاد می باشد و نه مرد .

ص: 144

مصاحبه امام خمینی با خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند

سؤال: کشور ما، کشور آزادی است و ما بسیار خوشحالیم که حضرتعالی به فرانسه تشریف آورده اید. حضرت آیت الله درباره وضع ایران پس از توقیف دکتر سنجابی چه نظری دارند؟

جواب: با توقیف دکتر، اسباب تحولی نمی شود. این هم از دست و پاهائی است که شاه می زند به خیال اینکه دکتر را تسلیم کند و معلوم نیست که کسی تسلیم شاه بشود یا اشخاص محترمی تسلیم شاه بشوند.

سؤال: نظر حضرتعالی درباره احتمال مبارزه مسلحانه چیست؟ دو سه روز پیش از این آقای شریعتمداری در این باره گفته اند هنوز تصمیمی در این باره گرفته نشده است.

جواب: ما امیدواریم قبل از اینکه نوبت به مبارزه مسلحانه برسد، مسائل به دلخواه ملت ختم شود. اگر چنانچه يك وقت مقتضی شد، آنوقت تجدید نظر می کنیم.

سؤال: حضرتعالی می فرمائید که بایستی در ایران، جمهوری اسلامی استقرار پیدا کند و این برای ما فرانسوی ها چندان مفهوم نیست زیرا که جمهوری می تواند بدون پایه مذهبی باشد، نظر شما چیست؟ آیا جمهوری شما بر پایه سوسیالیسم است؟ مشروطیت است؟ برانتخاباتی استوار می باشد؟ دموکراتیک است؟ چگونه است؟

جواب: اما جمهوری به همان معنائی است که همه جا جمهوری است لکن این جمهوری بر يك قانون اساسی ای متکی است که قانون اسلام می باشد. اینکه ما جمهوری اسلامی می گوئیم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می شود، اینها بر اسلام متکی است لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه جا هست.

مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران البیرق

سؤال: حضرت آیت الله! جنبشی که شما معرفی می فرمائید و ارزش های روحی و مردمی که از آن برخوردار است آیا به تنهایی می تواند به اسم اکثریت ایرانی و بدون چپی ها و بدون مخالفین سنتی، حکومت را در دست بگیرد و اگر امروز بر اساس شعارهایی که شما مطرح می فرمائید رفرا ند می در ایران صورت گیرد، نسبت درصد آرائی را که ممکن است به دست آورید چقدر خواهد بود؟

جواب: اکثریت قاطع ملت ایران مسلمان است و به آنچه که ما بخواهیم رای می دهد. همه ملت ایران شاه را نمی خواهند. آیا 90 درصد مردم ایران که مسلمانند، به عنوان اکثریت يك جامعه نمی توانند يك جمهوری اسلامی تشکیل دهند؟

سؤال: آیا امکان دارد که شوروی به جنبش شما کمک کند؟ آیا حضرت آیت الله به طور کلی از آمریکا مایوس هستند یا اینکه معتقدید اگر روزی برای آمریکا مسلم شود که ایام حکومت شاه رو به پایان است، مصلحت خود را بر خواهد گزید؟

جواب: اما راجع به شوروی، ما احتیاجی به کمک او نداریم و همانطور که از آمریکا کمک قبول نمی کنیم از شوروی هم کمک قبول نخواهیم کرد. اما راجع به آمریکا، آمریکا البته همیشه مصالح خودش را ملاحظه می کند و لیکن ملت دیگر به آمریکا اعتنا نمی کند و شاه باید برود و غیر از این هیچ راهی نیست، چه آمریکا و شوروی بخواهند یا نخواهند.

سؤال: آیا امکان دارد ارتش ایران به نفع جنبش شما تحول یابد؟ یا اینکه ارتش دوستدار شاه باقی خواهد ماند؟ یا اینکه از برگشتن ارتش به راه درست مایوس شده اید؟ یا اینکه معتقدید شهوت حکومت بر نظامیان غالب آید و آنان خود زمام حکومت را به دست گیرند و سربازهای آنها به ملت بپیوندند؟

جواب: آیا سران جیره خوار ارتشی که پنجاه سال است توسط آمریکا خریداری شده اند به این سرعت قابل تغییر هستند؟ ارتش شاه را نمی خواهد و لکن قدرت دست سران ارتش است. ارتش، خصوصا افسران و درجه داران جوان آن با ملت هستند ولی فعلا "قدرت يك انقلاب را ندارد، فعلا" حکومت را نظامیان آمریکا در دست گرفته اند ولی باید دانست که اداره این حکومت بسیار مشکل است، اصولا" نظامی نمی تواند حکومت کند.

سؤال: شوروی ها می گویند که علت انقلاب دینی بر ضد شاه این است که اصلاحات ارضی امتیاز املاکی را که روحانیون داشته اند از آنها گرفته است، جواب شما به چنین اتهامی چیست؟

جواب: اگر کسی از وضع زندگی روحانیون مطلع باشد خوب میداند که روحانیون املاکی نداشته و ندارند، روحانیون از طبقه سوم می باشند. مساله، مساله اصلاحات ارضی نیست، مبارزات ملت ایران معلول جنایات و خیانات 35 ساله شاه است که توسط روحانیون برملا گردید و برای درهم کوبیدن رژیم شاه است.

بیانات امام خمینی در مورد حق مسلم و مشروع ملت ها در تعیین سرنوشت و اشاره به هدفنهایی ملت ایران

تحقق جمهوری اسلامی، آرمان نهائی ملت

بسم الله الرحمن الرحيم

ما عرض کردیم که ملت ایران (که ما هم دنبال ملت ایران هستیم) آنها سه تا اصل را تقاضا دارند و در تظاهراتی که سرتاسر ایران کردند و حالا هم می کنند این سه تا اصل را ذکر می کنند و مقصودشان تحقق این سه تا اصل است، البته آن که مقصود اصلی و هدف اصلی است آن اصل سوم است که حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی، آن که هدف نهائی و اصل است آن است لکن دو اصل دیگر هم در آن منضم است یعنی اگر همان اصل هم فقط می گفتند، این دو تا اصل هم لازمه آن هست. آنها که می گویند ما حکومت اسلامی می خواهیم یا جمهوری اسلامی می خواهیم، تحقق جمهوری اسلامی نفی رژیم سلطنتی است و نفی رژیم سلطنتی نفی شاه است در صورتی که شاه هم قانونی بوده باشد حکومتش والا از اول دیگر بی اساس است. این دو تا اصل اگر چه هدف اصلی نیست لکن دو تا اصل مهم است که به يك وجهی اینها هم هدف هستند، البته هدف نهائی عبارت از همان تاسیس يك حکومت عدل اسلامی است لکن خود همین معنا که باید این شخص و این سلسله بروند سراغ کارشان این هم خودش يك هدفی است - هدفی شده است از برای ایرانی ها برای اینکه بعد از آنکه ایرانی ها تمام جنایاتی که تا حالا برایشان شده است در این 50 سال و تمام بدبختی هائی که اینها داشته اند، چه از اینکه نگذاشته اند رشد فکری بکنند جوان ها و از آن طرف به واسطه زیادی مراکز فساد - که مراکز فحشا و فساد و اشاعه این مراکز، چه از ناحیه اینکه مثلا مشروب فروشی چقدر هست این کازینوها و این بساط چقدر هست، مجلاتی که اسباب فساد می شود و جوان ها را فاسد می کند چقدر در این 50 سال بوده است و ترویج از آنها کرده اند و رادیوها چه حالی داشتند، سینماها چه حالی داشتند، تلویزیون ها چه حالی داشتند همه اینها به واسطه این است که این رژیم و این حکومت، حکومتی است که می خواهد که این جوان های ما را فاسد کند و این مراکز زیاد فحشا و همه اطراف و همه جوانب فحشا را رواج دادن برای این است که جوان ها را از دانشگاه ها بکشند به میخانه ها و به کارهای زشت و بد. پس این جنبه که عبارت از فاسد کردن جوان های ماست، این هم زیر سر همین حکومت فاسد است که اگر حکومت، حکومت صالح بود، مصالح مسلمین را و مصالح ملت را در نظر می گرفت، نمی گذاشت که این قوه بزرگ و این نیروی عظیم ملی فاسد بشود و کار از آن نیاید. این را مردم از

چشم همین هیئت حاکمه ای که شاه اینجا درست کرده ، همین رژیم فاسد می دانند و از آن طرف هم اینکه راجع به فرهنگمان ، راجع به اقتصادمان ، هر چه بدبختی در ایران تحقق پیدا کرده ، ملت ایران از دست اینها می دانند و واقع هم همین است که حکومت فاسد موجب همه فسادهایی است که از همه اطراف به ما احاطه کرده . بنابراین خود این الان يك هدفی شده است برای مردم که این آدم نباید باشد و این رژیم نباید باشد ، این خودش يك هدف کانه اصیلی الان از برای مردم است ولو اینکه وقتی که ما آن هدف اصلی را ملاحظه کنیم ، این مقدمه اوست و لازمه اوست . نبودن این رژیم لازمه بودن رژیم صحیح اسلامی است بنابراین ، این دو تا اصل به آنطوری که عرض کردم اشکالی در آن نیست و کسی نمی تواند ، يك کسی که بخواهد درست فکر کند ، عاقلانه فکر کند ، بستگی نداشته باشد به آمریکا یا به شاه ، نمی تواند دیگر تصدیق کند که این رژیم باید باشد ، با این فسادهایی که مترتب بر آن هست معذک باید باشد و نمی تواند انکار کند که فساد در کار بوده و اینقدر هم قضیه شور بوده که خود خان هم فهمیده است برای اینکه خوب چند روز پیش از این پشت رادیو دیدید که اقرار کرد به همه اشتباهات منتهی اسمش را اشتباهات گذاشت لکن اقرار به این کرد که تا حالا هر چه شده است کارهای خلاف بوده و از این به بعد نمی شود .

بنابراین يك مساله ای است که خود ایشان هم ، حالا گاهی وقت ها يك کاسه هائی که از آش داغ تر هم هست داریم ، ممکن است که در بین مردم که به اثر فکر عقب افتاده اند یا اینکه خیر ، طمع دارند و باز میل دارند که شاه باشد و آمریکائی ها باشند ، اینها باز شاه را بخواهند تنزیهش کنند و بگویند چه هست ، ممکن است باشد ولی خود ایشان هم تصدیق کرده به اینکه در این مدت اشتباهات بوده است و ما هم عرض کردیم که قضیه اشتباهات نبوده ، تعمدها بوده است و از آنوقت تا حال هر چه کار کردید شما بر ضد ملت کردید و سلطانی (اگر چنانچه ما فرض هم بکنیم که يك سلطانی باشد که روی قوانین درست آمده باشد روی کار) اگر چنانچه خیانت به يك ملتی کرد ، این دیگر لیاقت سلطنت ندارد و ساقط است .

تکیه بر استقلال اقوام در تعیین سرزودت

بنابراین اصل اول و دوم که این نباید باشد و رژیم سلطنتی یعنی يك رژیم کهنه غلطی از اول بوده و بر حسب عقل هم يك مطلب غلطی است که مثلا در 700 سال پیش از این يك جمعیتی ، ما فرض کنیم که اگر هم اینجور بوده ، با اینکه اینجور که نبوده است این ، این را ما می دانیم که از اول اینطور نبوده است که با تصویب ملت روی کار آمده باشد ، سرسلسله قاجاریه را همه می دانند که آمد و زد و گرفت و زدند و به هم زدند اوضاع را ، خود رضاشاه را همه ما دیدیم او را دیگر ، آن شنیدنی است ، و آن هم دیدنی است که ما که یادمان هست اینکه ایشان هم آمد و گرفت و زد و چه کرد و با زور و با سرنیزه سلطه پیدا کرد و سلطنت پیدا کرد که هیچ ابداه به ملت ارتباط نداشت ، حالا ما فرض کنیم که نه ، يك سلطنتی را ملت آورده است روی کار ، در 700 سال پیش از این ملت ایران جمع شد و يك

سلطانی را، خودش را و اعقابش را سلطان کردند. راجع به آن سلطانی که در زمان خودشان است و سر و کار خودشان با آنهاست بسیار خوب، خوب شما خواهید مقدرات مملکت خودتان را، مملکت از شماست و مقدرات مملکت هم باید به دست شماها باشد و شما هم يك نفر را منتخب کردید، خوب ما از این پیرمردهای 70 سال پیش از این، 700 سال پیش از این پرسیم شما نسبت به ما چکاره هستید؟ شما به چه دلیل يك کسی را سلطان برای ما قرار دادید؟ ما خودمان در این زمان باید انتخاب کنیم. به مجرد اینکه در 700 سال پیش از این يك اشخاصی آمدند و يك کسی را یا يك سلسله ای را سلطان کردند، این اسباب این می شود که نسبت به ما هم يك وضع عقلی قانونی داشته باشد؟ به چه دلیل؟ هر قانونی این را بگوید، غلط است که باید حتما شما تسلیم بشوید به آنی که 700 سال پیش از این به عقل خودش يك چیزی را گفته است و يك کسی سلطان کرده است. بنابر این اگر هم ما فرض می کردیم که سلطنت مثلا رضاشاه يك سلطنتی بوده است که روی تصویب مردم بوده و آن مجلسی که درست کرده اند، آن قلابی که درست کردند نه يك مجلس صحیحی ما فرض کردیم بوده است، آنها هم موکل هایشان يك طایفه دیگری بودند، الان اکثریت جمعیت الا نادرشان، نادرشان که چند نفری در هر شهری ممکن است پیدا بشود که یادشان است آن وقت، اگر هم یادشان باشد آن وقت معلوم نیست که اکثر اینها به يك حدی رسیده بودند که رای داشته باشند، بچه بودند یا جوان بودند، خوب حالا ما فرض می کنیم که در 70 سال پیش از این، و یا 100 سال پیش از این يك جمعیتی آمدند، جمعیتی که پدران این طایفه بودند و آمدند و رای دادند به اینکه وکلای تعیین کردند، می گوئیم حالا آزاد بودند همه اش گفتنی است والا نیست اینطورها (فرض کنیم که خیر، آزاد بودند وکلای را تعیین کردند آنها، آن وکلا، وکلای اینها بودند، بسیار خوب، وکلای آنها حق داشتند که يك کسی را تعیین کنند که مقدرات اینها دست او باشد. درست خوب به چه مناسبت این وکلا، وکلای ما که نبوده اند، خوب شما که آن وقت نبودید. تا وکیل داشته باشید، وکیل های شما که نبودند. به چه مناسبت آنها مقدرات شما را دست پسر رضاخان دادند؟ چه حقی، پدران ما چه حقی داشتند که يك همچنین کاری بکنند؟ نه ما پدرانمان را وکیل کرده بودیم و نه خودمان وکیل کرده بودیم این وکلا را، اینها بیجا يك همچون کاری کردند.

بنابراین اصل رژیم سلطنتی بطلانش همراه خودش است، خود قانون اساسی آنوقت که این فروغش همه اش پوسیده است، همین خود قانون اساسی می گوید که سلطنت يك موهبتی است الهی که به اعلیحضرت آن را مردم می دهند. حالا موهبت الهی است و مردم می دهند، حالا این، چه جور شده که مردم وکیل خدا هستند، این موهبت را مردم می دهند، این چه است؟ شاید آن وقت هم اینها دیدند که نمی شود مثلا دعوا کرد با رضاخان یا با آن سلاطین که آن وقت بودند نمی شود خیلی دعوا کرد، خواستند، يك استخوان لای زخم بگذارند. قضیه این حرف ها نیست بیخود است، این نظام غلط پوسیده ای است. در هر صورت در خود قانون اساسی هم این است که سلطنت موهبت الهی است که مردم می دهند به شاه. حالا ما همین ماده را می خواهیم عمل بکنیم به آن مردم باید سلطنت را بدهند به شاه، ما از

سرتاسر این مملکت سؤال می کنیم که سلطنت ایشان را آیا شما دادید به ایشان؟ هیچ کس جواب آره ندارد برای اینکه اگر هم صحیح باشد پدران شما (اگر صحیح باشد، من عرض می کنم دروغ است این حرف اما اگر هم صحیح باشد) این موهبت الهی را دادند به رضاخان، خوب رضاخان مرد و سلطنت او هم تمام شد. پدران ما نه وکیل ما بوده اند نه ولی ما بودند، هیچی نبودند. آن وقت اکثر مردم نبودند در کار تاپدرشان يك کاری برایشان بکنند. بنابر این به چه دلیل الان محمدرضاخان به حسب قانون اساسی، به حسب همین قانون که موهبت الهی است که مردم دهند به شاه، خوب از ایشان ما می پرسیم که کدام مردم به شما چنین رای دادند؟ شما خودتان قبول دارید که این رای را به پدر شما دادند آن هم آنهایی که دادند، الان از آنها کمی مانده است هیچی نمانده است تقریباً، اگر هم داده باشند. بنابر این روی موازین قانون اساسی یعنی روی همین ماده ای که شاه به آن استناد می کند برای سلطنت خودش، روی همین ماده ایشان سلطنت ندارد برای اینکه موهبت الهی باید ملت بدهند به يك کسی که شاه بشود و ملت نداده اند به او. عرض کنم اینها روی این است که سلطنت رضا شاه را مردم داده باشند به او و مردم نداده اند و ما دیگر میدانیم و ما فرض می کنیم که خیر، آن سلطنت موهبت الهی بوده است که مردم داده اند به شاه. حالا- ما این هم فرضش می کنیم که خیر، خود این مردم همه با هم جمع شدند و این موهبت الهی را تقدیم آقای آریا مهر کردند، خوب الان که مردم همه دارند گویند نمی خواهیم، خوب تمام می شود قضیه. خوب يك چیزی را مردم دادند، حالا می گیرند. يك چیزی که اختیارش دادند دست یکی کسی است، اختیار گرفتنش هم دست خود اوست.

ما فرض می کنیم که همه مردم جمع شدند يك روزی گفتند که محمدرضاخان سلطنت برای او باشد. ما این موهبت الهی را تقدیم ایشان کردیم، حالا را شما چه گوئید؟ تو حالا می خواهی سلطنت بکنی، سلطنت سابق بسیار خوب، تا حالا قانونی هستی به قول خودت، از حالا که مردم دارند گویند نه، دیگر چه؟ می گوئید که همه باز هم می گویند آره؟ اصفهانی ها داشتند آتش می زدند به همه چیز، باز آنجا، مردیکه آنجا (ایشان بود يا يك کسی از رفقای ایشان) می گفت که مردم شاهدوست اصفهان!! الان هم اینها این حرف ها را می زنند که مردم شاهدوست ایران!! خوب الان این مردم شاهدوست همه با هم جمع شده اند می گویند ما نمی خواهیم يك مطلبی را، يك کسی را من وکیل کردم، مادامی که عزلش نکردم وکیل است، وقتی عزلش کردم دیگر نمی تواند بگوید تو وکیل کردی مرا دیگر حق نداری حرف بزنی، خوب سلطنت يك چیزی بوده که مردم باید بدهند به يك کسی، حالا ما هم فرض کنیم مردم دادند به شما، حالا می گویند نمی خواهیم، حالا دیگر ایشان چه می گوید؟ پس ایشان یاغی است الان. اینکه من گاهی می نویسم یاغی، نه این است که مبالغه ای است، مبالغه نیست، ایشان الان یاغی است یاغی عبارت از آن آدمی است که بیاید بیخودی يك جایی، یا به ضد قوانین بخواهد يك حکومتی بکند، بخواهد يك کلاهبرداری بکند، ایشان تمام این استفاده هائی که در این مدت کرده روی یاغیگری بوده است و کلاهبرداری بوده. اگر فرض کنید سلطنت يك حقوقی داشته است و ایشان حقوقش را گرفته، کلاهبرداری بوده برای اینکه سلطنت نبوده که تا حقوق بگیرد ایشان. ما فرض می کنیم که

خیر، ایشان همچو موافق با همه مواد قوانین عمل کرده و سلطنت هم يك حقوقی داشته و آن حقوق ناچیز را هم ایشان گرفته، ما از ایشان پرسیم که شما به چه دلیل گرفتگی؟ شما که سلطان نیستید که حقوق بگیرید. الان که مردم دارند فریاد می زنند که (نه) به چه مناسبت شما در جایی که مال ملت است نشستہ ای؟ جایی که مال ملت است روی حکمفرمائی می کنی، مردم را دعوت می کنی شما که، مال ملت است اینها، چه می گوئی به مردم؟

بنابراین این اصلی که ایشان نباید باشد، مردم می گویند نباید باشد اما حالا مردم می گویند نباید باشد، شاید اکثرا غافل باشند از اینکه این نباید که از اول باشد، نبوده از اول، نه اینکه نباید باشد. مال آنی است که تا حالا بوده، حالا می گوئیم آقا تا حالا شما بودید بسیار خوب، حالا از این به بعد چه گوئید، خوب برو دیگر بس است دیگر تا حالا هر کاری کردی خوب یا بد، بسیار خوب از حالا ما نمی خواهیم. این مال (نبايد باشد) است اما وقتی که مطلب را بازش کنیم از هم یا تاریخ این سلطنت ایشان را آنهائی که یادشان است و آنهائی که تو کتاب ها نوشته اند اگر نوشته باشند و جرات کرده باشند، نوشته اند، منتها ظاهر نیست بعد پیدا می شود اینها. و آنهائی که اطلاع به واقعه دارند خوب، می دانند که قضیه این نبوده است که يك سلطنت اعطائی باشد که قانون اساسی گوید که اعطا کردند. این سلطنت رضاخان، پدر محمدرضا، این يك سلطنت زوری قلدری، مجلس سرنیزه ای و الزامی به اینکه شما باید رای بدهید به اینکه آن دسته بروند و این دسته بیایند، نه آن دسته درست بود و نه این دسته درست بود.

دلیل پشتیبانی ابرقدرت ها از شاه تثبیت منافع خودشان است

قضیه این نبود که يك مجلس قانونی بوده و يك انتخاب قانونی بوده و اینها و ما حالا می گوئیم که شما تا حالا درست بودید. اصلا از اول غلط بوده، از اول نبوده ایشان شاه. پدرش را انگلیسی ها تحمیل کردند به ما و خودش را هم متفقین یعنی هم انگلیس و هم روس و هم آمریکا تحمیل کردند به ما، الان هم پشت سرش ایستادند و هر شب و هر روز داد می زنند به اینکه نه، ما این را خواهیم، ما بهتر از این کسی را نداریم (با تعبیر اینکه بعضی وقت ها تعبیر به اینکه، می گویند تعبیر شده است به اینکه این آدم ماست) کارتر بگوید این را که (این آدم ماست، این باید باشد) ما نمی خواهیم آقا، خوب يك کسی که شما گذاشته اید برای منافع خودتان ما منافع خودمان را باید ملاحظه کنیم، ملت ایران می گوید منافع خودم را می خواهم ملاحظه کنم، نه منافع آمریکا را. خوب، آمریکا و انگلستان و روس همه شان جمع شدند به اینکه /ایشان را / باید باشد ایشان، همه فریاد ملت ایران این است که اینها چکاره اند که می گویند این باید باشد؟، ما ملت و مملکت مال ما، هیچ کدام شما حق ندارید بگوئید که ایشان باید باشند. (منافع ما را ایشان بهتر از دیگران حفظ می کند)!! خوب منافع شما را حفظ می کند، به ما چه ربطی دارد؟ وقتی بنام منافع شما را اینها حفظ می کنند شما ببردش يك جایی هر چه هم دلتان می خواهد به او، هر کاری می خواهید بکنید این چه معنا دارد که شما يك کسی منافع شما را چیز

می کند و لکن از ما می دزدد و به شما می دهد. ما می خواهیم نذرزد، می خواهیم دستش را بگیریم که نذرزد دیگر، مال مردم را بر ندارد بدهد به شما. ما اشکالمان سر هر دوی شماهاست، سر آمریکاست که دارد می خورد و می برد، سر این است که دارد می دهد اموال مردم را به غارت. در اینجا حرف های دیگر هست، حرف ها می زند، ایشان مکر را این را می گویند که اگر چنانچه من بروم این مملکت تجزیه می شود، حالا ایران است، بعد ایرانستان می شود، یعنی تبع مثلا روس ها، یک تکه اش تبع روس ها مثل ازبکستان و نمی دانم چه می شود این هم ایرانستان شود و آن طرفش هم چهار قسمت می شود، آن طرفش هم دست انگلیس ها می افتد آن طرفش هم دست مثلا روس ها می افتد این طرفش هم دست آمریکائی و تجزیه می شود ایران.

الان که ایران، ایران است برای خاطر به صدقه سر ایشان است که ایران است، اگر ایشان نباشند این تجزیه می شود و هر کدام یک تکه اش را می برند!! خوب اینکه هر کدام یک تکه را می برند، به نفع آنهاست یا به ضرر آنهاست؟ خوب، لابد به نفع آنهاست که می برند. خوب حالا ما باید ملاحظه کنیم بینیم که اگر ایشان باشند تجزیه می شود، یا اگر ایشان نباشند؟ اگر نباشد که شما نباشید تجزیه می شود، اگر بروید تجزیه می شود که به نفع آنهاست، چه شد که همه اینها طرفدار شمایند؟ شما می گوئید اگر من نباشم آذربایجان را روس ها می برند، روس ها از خدا می خواهند آذربایجان را ببرند، آن طرف هم انگلیس ها می برند، آنها هم از خدا خواهند که یک طرف را ببرند، یک مقدارش را هم مثلا فرض کنید که کسی دیگری می برد، آمریکائی ها می برند، آنها هم که می خواهند. اگر رفتن شما به نفع آنهاست و اگر شما بروید تجزیه می شود، پس چرا از شما اینقدر تائید می کنند؟ کارتر هر روز هر وقت یک صحبتی پیش آید می گوید که ما این را لازم داریم، این باید باشد، این نفع ماست. این که نباشد نفعش بیشتر است. می گوئی آنها نمی فهمند تو می فهمی؟ کارتر و آمریکائی ها و انگلستان و اینها نمی فهمند که اگر من بروم اینجوری می شود و به نفعشان است، از این جهت پشتیبانی می کنند؟ که نمی توانی تصدیق کنی پس معلوم می شود که با بودن شما تجزیه است و الان تجزیه است. الان ما یک مملکت مستقلی نداریم، یک مملکتی که ارتشش زیر دست یک کس دیگر است، فرهنگش باز زیر دست دیگری است، مجلسش به دست دیگری است، ما چه داریم آخر؟ یک مملکتی مجلس دارد، اگر یک مجلسی دارد، مملکتی است، ما مجلس نداریم. تو خودت در نوشته هایت گفتی، در صحبت هایت گفتی که لیست می آوردند. زمان پدرش را دارد می گوید یا توجه ندارد، یک وقت شروع می کند تعریف کردن از پدر و یک وقت هم می گوید تا چند سال پیش از این لیست می آوردند می دادند به ما، به حکومت ها که وکلا را تعیین کنند. زمان پدرش هم می گوید همین طور بوده است و زمان خودش هم تا مدتی اینطور بوده منتهی حالا دیگر، حالا دیگر اینطور نیست. خوب ما که مملکتمان وضعش این است که لیست باید بیاورند تا وکلائی که مردم باید تعیین کنند، حتی تو هم نباید تعیین کنی، باید سفارتخانه ها تعیین کنند که اینها را شما باید قرار بدهید و کیل/ما که / پس مجلس ما نداریم. وقتی مجلس نداریم دیگر قانون اساسی یعنی عمل به قانون اساسی معنا ندارد مجلسی

نیست که عمل به قانون اساسی باشد . پس ما قانون اساسی هم که به آن عمل بکنیم الان نیست در کار .

يك قانون اساسی بوده است و نوشته اند و گذاشتند کنار . فرهنگ ما را هم که همه می دانید که فرهنگی است که آنها درست کرده اند برای ما ، نظاممان که آنطوری است ، اقتصادمان که از همه چیز بدتر است همه اینها الان تحت تصرف دیگران است . الان مملکت ما يك مملکت تجزیه شده ای ، مملکتی است که تحت نظر دیگران و تحت سلطه دیگران است و هر چه منافع هست دارند می برند و می خورند و علاوه بر آن دارند جوانان ما را خراب می کنند و ضایع می کنند و از طرفی نمی گذارند تحصیل بکنند . حتی اینهایی که در خارج آمده اند ، اینها که الان در خارج آمده اند برای نیروی اتمی اینها ، خوب چند دسته شان يك دودسته شان پیش من آمده اند و حرفشان این است که نمی گذارند که ما تحصیل بکنیم درست ، ما را به يك حد پائین تر از آن که هستیم نگه می دارند و نمی گذارند تحصیل بکنند اینها . نمی گذارند در خود دانشگاهمان تحصیل بکنند اینها ، تحصیلشان را به يك حد محدودی که بیشتر از آن حد نروند که مبادا آدمی پیدا بشود در مقابلشان بایستد . پس رفتن شما اسباب این می شود که این تجزیه برداشته بشود یعنی استقلال بشود ، مستقل بشویم .

حکومت اسلامی تجزیه بردار نیست

این طرحی که ما داریم را ایشان می گویند که این طرح اصلا همان قضیه تجزیه است . اینکه همه مردم دارند می گویند (حکومت اسلامی یعنی يك حکومت تجزیه شده !! و همه اطراف مملکت يك صدا دارند می گویند ما حکومت اسلامی خواهیم این معنی لا تجزیه است ، این معنی این است که همه يك چیز می خواهند . تجزیه معنایش این است که يك دسته چیزی را بخواهد و دسته دیگر چیز دیگری را . یکی از حرف هایش این است که آنوقت کردستان خودش علیحده می شود . اگر به این ترتیبی که اینها گویند کردستان علیحده می شود ، بلوچستان علیحده می شود ، لرستان علیحده یعنی هر کدام حکومت مستقل و خودمختاری خواهند ، ما می گوئیم که الان وضع همه جا خراب است . اینهمه مردم که الان دارند فریاد می کنند که ما حکومت اسلامی می خواهیم معنایش این است که تجزیه نمی خواهیم ، معنایش این است که کردستان علیحده حکومت اسلامی می خواهد ، آن هم حکومت اسلامی می خواهد ، آن هم حکومت اسلامی . همه شان دارند حکومت اسلام می خواهند . الان شما به کردستان بروید فریاد حکومت اسلامی است ، به بلوچستان بروید فریاد حکومت اسلامی است ، به خراسان بروید ، به هر جا بروید همین صحبت هاست ، همین آس است و همین کاسه که حکومت اسلامی می خواهیم . وقتی بنا شد يك ملتی همه اش حکومت اسلامی بخواهد ، این دیگر تجزیه بردار است ؟ !! این را می شود گفت تجزیه ؟ !! این تبلیغات است . حالا من خسته شدم که مابقی فرمایشات ایشان را درست توضیح بدهیم . انشاءالله خداوند تائید کند همه شما را و اصلاح کند امور مسلمین را و ایران را .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه امام خمینی با مجله هفتگی و یکلی گرین

سؤال: شما فرمودید که مبارزه مسالمت آمیز خواهد بود، چرا از این حد بیرون رفته و به صورت فعالیت های تخریبی در آمده است؟

جواب: مبارزه از طرف ملت با آرامی شروع شد لکن از طرف شاه خشونت آمیز شد و مردم را به عصیان بیشتر وا داشت. به علاوه بسیاری از این تخریب ها به دست خود مامورین شاه انجام گرفته و می گیرد، مردم فقط مراکز فساد را می کوبند زیرا خواستار يك حکومت حق هستند.

سؤال: شما گمان می کنید که نظامیان به دستور شاه از روز یکشنبه شهرها را رها کردند و رفتند تا این کارها انجام بگیرد و سوژه باشد برای حکومت نظامی که بعدا ایجاد کنند؟

جواب: اکثر آتش سوزی های آن روز از طرف دستگاه بوده است و مردم فقط مراکز فحشا و استعمار را از بین می بردند.

سؤال: اگر شاه برود، بر سر ایران چه می آید؟ آیا ایران از تحت نفوذ آمریکا بیرون می رود؟

جواب: به منظور ما اگر چنانچه شاه برود، ایران، ایران خوبی خواهد شد انشاءالله، نفوذ ابرقدرت ها از آن برداشته می شود و ایران مال ایرانی می شود و همه قوای ایران بعدا صرف تعمیر خرابی های شاه خواهد شد.

مصاحبه امام خمینی با روزنامه آلمانی دنیای سوم

سؤال: آقای خمینی! آیا به نظر شما با توجه به افزایش فشار بر رژیم شاه، دوران سلطنت وی رو به پایان است؟

جواب: بله، رژیم شاه با اعمال خشونت و کشتار بی سابقه مردم در سال گذشته و با فساد بی حد و حصر، آنچنان کشور را بر هم زده است که جز با رفتن شاه امکان ندارد راه حلی را که مورد قبول مردم باشد عنوان نمود.

سؤال: پس از سرنگونی رژیم شاه چه نوع حکومتی را پیشنهاد می کنید؟ آیا شما درصدد حفظ نظام سلطنتی در چهار چوب قانون اساسی و همچنین حفظ سلطنت پهلوی هستید؟ شما چه نوع حکومتی را ترجیح می دهید؟

جواب: ملت ایران خواستار حکومت اسلامی است و من جمهوری اسلامی متکی به آراء مردم را پیشنهاد کرده ام و سلطنت پهلوی و یا نظام شاهنشاهی چیزی است که ملت ایران طی بیش از یک سال گذشته عموماً آن را نفی کرده اند و هر کسی با آن موافق باشد، خائن به ملت ایران است.

سؤال: خواست های مردم در مورد درآمد بیشتر و شرائط اجتماعی اقتصادی بهتر، نقش اساسی در موقعیت سیاسی کنونی ایران ایفا می کند، این منافع موجه مردم چگونه می تواند به دست آمده و عملی گردد؟

جواب: با رفتن شاه ترمیم خرابی ها ممکن خواهد بود. کشاورزی که بکلی از بین رفته است، اصلاح میگردد. در آمد حاصله از نفت که حیف و میل و صرف هزینه های زائد و مضر شده است، به مصرف رفاه حال مردم فقیر خودمان خواهد رسید. توزیع ثروت و درآمدها بر اساس عدالت اسلامی، وضع توده های مردم ما را بهبودی خواهد بخشید.

سؤال: برای برنامه های اصلاحی شاه که به عنوان (انقلاب سفید) یا (انقلاب شاه و مردم) مطرح است، چه اهمیتی قائل هستید؟ امروزه شما درباره اصلاحات ارضی چگونه فکر می کنید؟ و اثرات آنرا بر جمعیت روستائی و مهاجرت مداوم آنها چگونه می بینید

جواب: اصلاحات ارضی شاه جز برنامه ای برای از بین بردن کشاورزی ایران و تحمیل اقتصاد تکی محصولی بر جامعه ما چیزی نبود، به طوری که امروز اکثر نیازهای غذایی ما از خارج وارد می شود. با برهم خوردن وضع کشاورزی، دهقانان، دهات و زمین ها را رها کرده و به شهرها هجوم آورده اند. سیاست غلط شاه هم در مورد صنایع مونتاژ، نه تنها مشکلی را حل نکرد و زندگی روستائیان مهاجر را حتی در حد قابل تحمل تاءمین نمود، بلکه کشور را هر چه بیشتر وابسته به اجانب کرد که اثرات سوء اقتصادی آن غیر قابل محاسبه است.

سؤال: همزمان با اصلاحات ارضی، سرمایه ای کردن صنایع در ایران نیز به شکل پروژه های موقت صنعتی توسعه پیدا کرده است. تاسیس این صنایع منجر به تغییراتی در تولید و توزیع کالاها می شود. بازاریان تقاضای کاهش تولید کالاها را نکردند، بلکه خواستار بازگشت به شرائط تولیدی سنتی گشتند، آیا شما فکر می کنید که با توجه به منافع بازاریان و مصرف کنندگان، توسعه کالای های مصرفی صنعتی چگونه باید سازمان داده شود؟

جواب: سیاست صنعتی رژیم شاه، توسعه صنایع مصرفی و مونتاژ و وابسته کردن صنایع به صنایع اجنبی است. سیاست صنعتی دولت جمهوری آینده بر اساس ایجاد صنایع بنیادی و ما در خواهد بود به طوری که هر گونه وابستگی از بین برود. با ایجاد صنایع بنیادی ما در، توسعه کالاهای مصرفی صنعتی نیز به شکلی توأم با آن پیشرفت می کند که منافع مصرف کنندگان ایرانی را مقدم بر هر چیز حفظ خواهد کرد.

سؤال: به گفته شاه قرار است ایران ظرف 20 سال آینده به يك کشور صددرصد غربی تبدیل شود. این موضوع، هم به دموکراسی غربی (صرفنظر از احزاب کمونیست) و هم به شرائط تولید و سطح زندگی در غرب دلالت دارد، آیا به نظر شما این مساله آینده مطلوبی برای ایران در بر دارد؟ و شما چه راه حلی پیشنهاد می کنید؟

جواب: شاه برای اغفال مردم از اینگونه حرف ها بسیار گفته و می گوید و امروز در ایران و در بسیاری از کشورها برای کسی کمترین تردیدی باقی نمانده است که شاه برای سرپوش گذاشتن بر روی جنایات و نیز شکست های پی در پی خود متوسل به چنین دروغپردازی ها

میشود. گذشته از این ملت ایران با داشتن مکتبی مترقی چون اسلام، دلیلی ندارد که برای پیشرفت و تعالی خود از الگوهای غربی و یا کشورهای کمونیست تقلید کند.

سؤال: آیا شما دارای نظریات به خصوصی درباره کاهش تفاوت فاحش زندگی بین مردم شهری و روستائی، بورژوا و کارگر و دهقان هستید؟

جواب: آری، برنامه های اسلامی ما که در آینده به خواست خداوند اعلام و اجرا خواهد شد به بهترین وجهی می تواند به این امر مهم پردازد تا سرمشقی برای همه مردم جهان باشد.

سؤال: شما چگونه می خواهید فساد مالی کنونی و تورم همراه آن را از بین ببرید؟

جواب: چنانچه دست دزدها و غارتگران داخلی و خارجی کوتاه شود و برنامه های اقتصادی بر اساس نیازهای معقول و منطقی جامعه طرح ریزی و اجرا گردد و نیز قوانین غیرالهی که وسیله دست سودجویان است از میان برود، مساله ای به نام تورم برای مملکت باقی نخواهد ماند.

سؤال: در دولت بدون شاه، شیعه چه نقشی به عهده خواهد داشت؟

جواب: اساساً در تشکیلات حکومتی، شاه و مقام سلطنت زائده ای است که اگر دخالتی در امور نکند که نباید بکند، دلیلی بر ماندنش نیست و اگر دخالت کند که همیشه شاه چنین کرده است و با دخالتش در امر حکومت، حقوق تمامی ملت را پایمال کرده و هنگامی هم که مردم می خواهند حق خود را از وی بگیرند لجاجت می کند و دست به کشتار می زند، اینجاست که شیعه دست به کار می شود و با استمداد از فرهنگ غنی اسلام چنین نهضت عظیمی پیاپی می کند و تا جایگزینی نظامی که منطبق با موازین مورد قبول اسلام است از پای نمی نشیند.

سؤال: تشیع در نظر کشورهای غربی به عنوان عنصری محافظه کار در پیشرفت قلمداد شده است. همچنین ما خواست های شیعیان را مبنی بر کناره گیری زنان از صحنه زندگی اجتماعی و نیز بازگشت به قوانین شیعی که می خواهد سنت مذهبی مبنای قوانین حکومتی قرار گیرد، همانطوری که در قانون اساسی که به طور غیر قانونی به صورت از بین رفته در آمده نیز ذکر شده است، شنیده ایم. ما همچنین شنیده ایم که تشیع، سبک زندگی غربی را برای اینکه با سنت های مذهبی توافق ندارد رد می کند، آیا ممکن است شما نظر خود را درباره این مساله بر

جواب: تشيع كه مكتبي است انقلابي و ادامه اسلام راستين پيامبر است همچون خود شيعيان هميشه مورد حملات ناجوانمردانه مستبدان و استعمارگران بوده است. تشيع نه تنها زنان را از صحنه زندگي اجتماعي طرد نمي كند، بلكه آنان را در جامعه در جايگاه رفيع انساني خود قرار مي دهد. ما پيشرفت هاي دنياي غرب را مي پذيريم ولي فساد غرب را كه خود آنان از آن ناله ميكنند نه.

سؤال: ايراني بودن، يك موقعيت ملي مستحكمي را بوجود آورده است كه تناقضات چندانى را بين اقليت هاي مذهبي از قبيل يهودي ها، مسيحي ها و يارو حانيون اقليت ها در ايران بوجود نياورده است. در حكومت مورد نظر شما روابط بين اين اقليت ها چگونه خواهد بود؟

جواب: اسلامي بودن، بيش از ايراني بودن بين افراد ملت ايران روابط مستحكم برقرار كرده است. اقليت هاي مذهبي نه تنها آزادند، بلكه دولت اسلامي موظف است از حقوق آنان دفاع كند و ديگر اينكه هر ايراني حق دارد كه مانند همه افراد از حقوق اجتماعي برخوردار باشد. مسلمان يا مسيحي و يا يهودي و يا مذهب ديگر فرقي ندارد.

سؤال: نفوذ غرب در ايران داراي اهميت است. مثلاً 40000 مستشار آمريكائي به طور دائم در ايران به سر مي برند كه اغلب در ارتش هستند. سياست خارجي شما چگونه خواهد بود؟

جواب: حضور مستشاران نظامي آمريكائي در ايران، به دنبال سياست هاي ضد اسلامي و ضد ملي رژيم ايران است كه علاوه بر هزينه هنگفت آن كه بر ملت سنگيني مي كند آنان را چنان تسلطي بر ارتش و مقدرات كشور داده است كه شرف و حيثيت صاحب منصبان و درجه داران ارتش را به دست آنان لكه دار و نابود كرده است و ما در اينگونه موارد بر اساس يك سياست مستقل و آزاد بدون دخالت قدرت ها عمل خواهيم كرد.

سؤال: در مقايسه با كشورهاي (اوپك) نرخ كنوني نفت در ايران بسيار پايين است. آيا به نظر شما در مقايسه با كالاهاي سرمايه اي خريداري شده از غرب، بهاي نفت ايران كافي است يا تعديلاتي بايد صورت گيرد؟

جواب: طبقه سرمايه دار غرب به منظور حداكثر سود و نيز تسكين بحران هاي اقتصادي، در مصرف

نفت بی نهایت اسراف می کند بدون آنکه به بحران عظیم و خطرناک آینده جهان به هنگام پایان یافتن این ماده حیاتی بیندیشد . بحرانی که از يك سو کشورهای تولید کننده نفت که پس از پایان این منابع عظیم ، قدرت خرید خود را از دست می دهند و از سویی سایر کشورها نیز ناچار خواهند شد بهای غیرقابل تحملی برای انرژی لازم بپردازند . بنابر این مساله نفت ، تنها مساله قیمت آن نیست که هم اکنون غیر عادلانه است ، مساله این است که باید به نفت نقش بایسته و حساب شده در اقتصاد کشورها و به طریق اولی کشورهای نفتخیز داد و به اقتصاد کشور قابلیت رشد واقعی بخشید و نه رشد کاذب . ما سیاست نفتی خود را بر این اساس تنظیم خواهیم کرد . در این صورت است که می توانیم به عنوان طرف مساوی درباره قیمت نفت و فرآورده های آن و قیمت کالاهائی که می خریم ، به آنچه عدل است عمل نمائیم .

سؤال : به نظر شما روابط آینده تان با روسیه شوروی ، کشورهای عضو پیمان ورشو و چین کمونیست چگونه است ؟ روابط کنونی این کشورها با ایران ممکن است خیلی سرد توصیف شود .

جواب : در حال حاضر روسیه شوروی و چین هر دو خود را با حمایت از شاه در صف مخالفین ملت ایران قرار داده اند . در آینده ، سیاست خارجی ما بر مبنای اصل حفظ آزادی و استقلال کشور و احترام متقابل خواهد بود . آنها با رعایت این اصل باید تصمیم بگیرند .

سؤال : شما برای ایران چه اهمیتی را در خلیج فارس و اقیانوس هند قائل هستید ؟

جواب : اهمیت استراتژیکی منطقه غیر از اهمیتی است که برای کسانی که چشم طمع به منطقه دوخته اند ، دارد . ما بر اساس حفظ آزادی و استقلال بدون قبول نقش ژاندارمی ، با سایر مردم منطقه امنیت آن را حفظ خواهیم کرد و مانع نفوذ ابرقدرت ها خواهیم شد .

سؤال : روابط شما با برادران عرب مسلمان چگونه خواهد بود ؟ این روابط در حال حاضر تا حدودی محدود است .

جواب : روابط ما برادرانه است که منشا آن از مذهبمان است و تاریخ و فرهنگمان نیز مشترك است . ما همیشه مشکلات یکدیگر را می فهمیم و دشمنانمان نیز مشترك هستند .

سؤال : در حال حاضر ممکن است ایران را در مناقشات خاور میانه طرفدار اسرائیل نامید ، چه اصلاحاتی را پیشنهاد می کنید ؟

جواب : رژیم شاه در شرایط فعلی طرفدار اسرائیل است و من نزدیک 20 سال است که در اعلامیه ها و سخنرانی های خود با این امر مخالفت کرده و طرفداری خود را از مبارزات بحق ملت عرب و فلسطین اعلام داشته ام .

سؤال : چرا شما مجبور شدید عراق را ترك كنید ؟ چرا برای ادامه تبعید خود ، در پاریس اقامت می کنید ؟ در صورتی که امکان بازگشت به ایران به شما پیشنهاد شده است ، چرا پاریس را دوست دارید ؟

جواب : عراق تحت فشار شاه مرا در فشار قرار داد و من وظیفه شرعی و الهی خودم دیدم که برای انجام مبارزات خود بناچار آن کشور را ترك کنم . در فرانسه موقتا می باشم و مکان هم برای من مطرح نیست .

ص: 161

پیام امام خمینی به کارگران و کارمندان شرکت نفت

اعتصاب کارگران شرکت نفت، اعتصابی کوبنده و با ارزش

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام من و ملت ایران بر کارگران و کارمندان شرکت نفت ایران. رحمت خداوند تعالی بر شما آگاهانی که با اعتصاب پر ارزش خود، روی ملت را سفید نمودید. اعتصاب شما هر روز و هر ساعتش با ارزش و کوبنده است، ارزشمند برای ملت غارت زده ایران که از جریان این طلای سیاه و مخزن پر برکت کشور که سال هاست خائنان به غارت داده اند و نفتخواران به غارت برده اند، جلوگیری کرده و از هدر دادن مال ملت فقیر به اندازه قدرتتان منع نموده اید، و کوبنده خائنانی که چوب حراجش را پشتوانه برای بقاء حکومت طاغوتی خویش و تخت لرزان شیطانی خود می دانند. هر ساعت اعتصاب شما خدمتی است به خداوند تعالی و به کشور اسلام. کسانی که به زور می خواهند این اعتصاب مقدس را بشکنند، مجرم و خدمتگزار اجانب و خائن به ملت و کشورند. بر ملت شریف ایران است که در مواقعی که کارگران و کارمندان شرکت نفت و سایر موسسات و ادارات دولتی دست به اعتصاب می زنند از آنان با کمال جدیت پشتیبانی کنند و ضررهای آنان را به بهترین وجه جبران نمایند و آنان را در اعتصابات مقدسشان که برای اظهار تنفر از شاه خائن و خاندان کثیف و پشتیبانی از مبارزات همگانی مردم است، تشویق و تقدیر کنند.

دولت نظامی، دوامی ندارد

دولت نظامی غیر قانونی سعی دارد با سرنیزه مردم را به حالت عادی خود برگرداند، غافل از آنکه با سرنیزه نمی شود رضایت ملت را جلب کرد، این سرنیزه ها بالاخره انفجار عظیمی را به بار خواهد آورد. دولت یاغی نظامی، آخرین راهی است که شاه برای نجات خویش به آن متوسل شده است، این دولت نیز، دوامی نمی تواند داشته باشد، چرا که این نظام از باطن پوسیده است. طرفداران کثیف و خائن شاه، مردم را از رفتن شاه و خلاء بعد از آن می ترسانند، باید دید که بودن شاه چه نقصی را تکمیل و چه خلایقی را پر کرده است، شاه غیر از پر کردن جیب اجانب و خود و بستگان طمعکارش، چه خلایقی را پر کرده است؟ به امید خدا دیر یا زود این خائنین مجازات خواهند شد.

آمریکا باید در پشتیبانی از شاه تجدید نظر کند

آمریکا باید بداند که اگر بخواهد با فشار خود دولت نظامی را سر پا نگاه داشته و مردم بی پناه ما را هر روز و هر شب زیر رگبار گلوله مزدوران خود قرار دهد و اگر بخواهد با تهدید و ارباب، هر چه بیشتر کارمندان محترم و کارگران محروم شرکت نفت را که خواستار رفتن شاه شده اند، زیر فشار قرار دهد، طرح هائی برای چاه های نفت داده می شود تا مخازن پر بهای ما برای نسل های آتیه باقی بماند. آمریکا باید در پشتیبانی از شاه تجدید نظر کند سیاستمداران آمریکا، دولت خودشان را از این سیاست ظالمانه و مخالف حقوق بشر که بالمال مخالف مصالح مردم آمریکاست، برحذر کنند.

سهمگین بودن قهر انقلابی ملت

نهضت مقدس اسلامی ما عمر چپاولگری ها و دیکتاتوری ها را در ایران به سر آورده است. صاحب منصبانی که بر روی ملت آتش می گشایند، باید بدانند که پیروزی ملت نزدیک است و انتقامش از خائنین، سخت. عهد و پیمان شاه، سست است و قهر انقلابی ملت، سهمگین و باید بدانند که شاه ممکن است آنان را نیز مانند نوکرهای وفادارش برای ابقای خود، به محاکمه و زندان بکشد. من از اعتصاب جمیع جناح ها، فرهنگیان و بازاریان و جمیع اصناف، اعتصاب شرکت نفت، اعتصاب مخابرات، اعتصاب شرکت واحد و مطبوعات و اعتصابات سایر ادارات و موسسات دولتی و خصوصی که برای نجات میهن و برای خدمت به اسلام و مسلمین بوده است، تشکر می نمایم و از حضرات روحانیون عظیم الشان سرتاسر کشور اعلی الله کلمتهم که هادیان طریق نجات و پیشقدمان نهضت بزرگ اسلامی و سد بزرگ در مقابل ابرقدرت های شرق و غرب و خدمتگزاران به ولی الله اعظم ارواحنا فداه هستند، با کمال تواضع و احترام تقاضا دارم که ضررهائی را که به مناسبت مسائل مبارزاتی از هر نوع، بر طبقه ضعیف که همیشه پیشقدمان مبارزات مردمی ما بوده اند، وارد شده می شود، از سهم مبارك امام علیه السلام و وجوه شرعیه ترمیم فرمایند. من از زحمات ملت شریف خصوصاً روحانیت تشکر می نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

مصاحبه امام خمینی با خبرنگاری انگلیسی رویتر

سؤال: در تحلیل شما از وضعیت فعلی و تحول آن در ایران، آیا از يك عكس العمل نمی ترسید؟

جواب: آنچه که به طور مختصر می توان گفت این است که فشار بیش از حد شاه، مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به يك قیام همگانی زدند. شاه استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است، مردم ایران را زیر شکنجه و سیاهچال های زندان کشته است، از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است. تمام اینها موجب شده است که مردم مسلمان ایران خواستار يك حکومت اسلامی باشند، حکومت اسلامی ای که بر پایه استقلال و آزادی بنا می باشد. و اما راجع به عكس العمل خشن نظامی، مگر اکنون ما گرفتار چنین حکومتی نمی باشیم؟ آیا خشونت را بیش از آنچه اکنون ملت ایران بدان گرفتارند در تاریخ دیده اید و سراغ دارید؟ آیا بیش از 50 سال نیست که ما با عكس العمل خشن نظامی روبرو هستیم؟ يك کودتای نظامی هم مانند دولت نظامی نمی تواند مبارزات مردم ما را متوقف کند. مبارزه تا برچیده شدن نظام شاهنشاهی و سقوط این دودمان ادامه دارد.

سؤال: چرا حضرت آیت الله راه حل میانه را نمی پذیرند؟

جواب: راه حل میانه یعنی تسلیم بر رژیم شاه، زیرا بساط سلطنت و همه بنیادهای فشار و اختناق و تمام برنامه ای که اجرایشان ایران را بدین روز انداخته است و کار را به بن بست فعلی رژیم کشانده است، پا برجا هستند. بنابراین راه حل میانه یعنی پیوستن به رژیم شاه و این نه تنها بن بست را از بین نمی برد بلکه کامل می گرداند و ملت کسانی را که به این راه حل ها گوش می دهند، نه تنها نفی می کند بلکه خائن می شمارد.

سؤال: آیا نمی ترسید پوشش گروه های مارکسیستی باشید؟

جواب: اصولاً "ما گروه هائی که دارای پایگاهی در بین مردم باشند، به عنوان گروه یا گروه های مارکسیستی نمی شناسیم و وجود هم ندارد. چند نفر بچه را بگذارند کنار که آنان نه تنها از جامعه ایران شناختی ندارند بلکه هنوز بیش از دو سه کتاب هم مطالعه نکرده اند. می بینید که چگونه شاه از این عده در قالب حمله، طرفداری می کند. می بینید که همه از چند بچه چیزی ساخته اند. نهضت ما عمیقاً مذهبی است و نفوذ معنوی آن به حدی است که دنیا از آن وحشت کرده است.

سؤال: آیا رژیم شاه باعث نشده است و یا نمی شود که ایران به طرف شوروی سوق پیدا کند؟

جواب: به همان اندازه که شوروی را خائن می دانیم، به همان اندازه آمریکا و انگلیس را استثمارگر و چین هم در همین ردیف است.

سؤال: حضور آقایان مهندس بازرگان و کریم سنجابی با شما چگونه بوده است؟

جواب: بارها گفته ام که ملت ایران خواهان برچیده شدن رژیم شاهنشاهی و سقوط دودمان منحوس و خائن پهلوی و برقراری حکومت اسلامی می باشد. هر کس اینجا آمده است من این موضوع را با او مطرح کردم. این دو آقا هم آمدند و من مطرح کردم، آنان پذیرفتند و رفتند. هر کس بر خلاف خواست ملت مساله ای عنوان کند، خائن به ملت و مملکت است.

سؤال: دولت های عرب و دولت های غربی از شاه حمایت می کنند، این حمایت چه تاثیری دارد؟ و اگر حمایت سلب بشود چه تاثیری در وضع خواهد داشت؟

جواب: البته اگر این دولت ها دست از حمایت شاه بردارند، رژیم شاه سریعاً سقوط خواهد کرد ولی این بدان معنی نیست که اگر از شاه حمایت کنند پیروز نمی شویم. پیروزی ما حتمی است، شاه رفتنی است و باید برود، چه دولت های عربی و غربی از او دفاع بکنند یا نکنند. ولی توقع ما از برادران عربمان این بود که آنان آگاهی دینی لااقل داشته باشند. ملت های عرب با ما هستند و در زمان پیروزی ما وضع تمامی آنان تغییر خواهد کرد.

سؤال: روابط شما با دولت فرانسه چگونه است؟

جواب: اخیراً محدودیت ها رفع شده است.

مصاحبه امام خمینی با رادیو - تلویزیون آلمانی زبان سوئیس

سؤال: حضرت آیت الله! در ایران همه چیز به شاه بستگی دارد، در اطراف او هیچ نهضت سیاسی قدرت نفس کشیدن ندارد، شما خواستار رفتن شاه هستید، آیا شما دعوت به بی نظمی و آشوب نمی کنید؟ آیا مارکسیست ها نخواهند توانست کشور را به طرف الحاد بکشانند؟

جواب: چیزهایی که به شاه بستگی داشت، از هم گسیخته شد و اکنون شاه در ایران هیچ نقشی ندارد. تمام این ناآرامی ها و اختلافات برای این بود که شاه، با استبداد و خیانت با این ملت عمل می کرد، این استبداد و خیانت باعث این مسائل شد. اگر شاه برود و حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی جانشین این رژیم شود، تمام این ناآرامی ها برطرف می گردد و ایران صورت دموکراسی حقیقی به خود می گیرد. و اما مارکسیست ها و کمونیست ها هیچ نقشی در ایران که بیش از 30 میلیون مسلم دارد و همه با فریادهای اسلام طلبی پیاخته اند، آنها هیچ نقشی ندارند و ما هیچ خوفی از آنها نداریم.

سؤال: شما حضرت آیت الله با کریم سنجابی از جبهه ملی در پاریس بحث مهمی داشتید، آیا شما با این حزب سیاسی مشترکا مبارزه خواهید کرد؟ یعنی آیا ائتلاف می کنید؟

جواب: من مسائل و مطالبی که داشتم و امکان ندارد يك قدم از آنها برگردم، به ایشان گفتم و ما با جبهه خاصی ائتلاف نداریم، همه ملت با ما و ما با همه ملت هستیم و هر کس این مطالبی که ما داریم و عبارت است از استقلال مملکت یا آزادی همه جانبه و جمهوری اسلامی که قائم مقام رژیم سلطنتی است، هر کس با اینها موافقت کند، از گروه ماست و از ملت است و اگر موافقت نکند، برخلاف مصالح اسلام و ملت گام برداشته است و ما هیچ ربطی با او نخواهیم داشت و آنهایی که با ما موافقت کنند، ما هم با آنها همصدا خواهیم بود و لیکن ربط خاصی با کسی نداریم.

سؤال: حضرت آیت الله! آمریکائی ها تاثیر به سزایی روی ارتش ایران دارند. چرا تا به حال ارتش

نسبت به شاه وفادار مانده است؟ آیا فکر می کنید وفاداری ارتش به شاه ادامه خواهد داشت؟ و آیا نیروهای مخالف آنقدر قوی هستند که شاه را علیرغم پشتیبانی ارتش به زیر بکشند و سرنگون کنند؟

جواب: با این وضعی که الان هست، قیامی که ملت کرده است، معلوم نیست ارتش وفادار به شاه باشد، چون ملت از خود آنهاست و آنها هم از ملتند و ملت به واسطه همبستگی که به هم دارند، قدرتی دارند که بالاخره ارتش را جذب می کنند. این آمریکائی ها هستند که به واسطه نفوذی که در ارتش دارند، ارتش را نگه داشته که از شاه محافظت کنند، والا خود ارتش معلوم نیست که وفادار باشند و اگر هم فی الجمله وفاداری باشد، ملت آنها را جذب خواهند کرد.

سؤال: ایران برای غرب از اهمیت اقتصادی و استراتژیکی به سزایی برخوردار است. آیا حضرت آیت الله فکر می کنند آمریکائی ها حاضر باشند موقع خودشان را در منطقه خلیج، با اجازه دادن به تغییرات اساسی در ایران، به خطر بیندازند؟

جواب: خطری که متوجه منطقه است، از بی لیاقتی شاه و فساد دستگاه وی و دستگاه حاکمه است. ما می دانیم که دولت های صنعتی به نفت و چیزهای دیگر نیاز دارند لکن ما به ملت متکی هستیم و جمهوری اسلامی، یک جمهوری متکی به ملت است که باید آزاد و مستقل باشد و به جایی پیوسته نباشد و ما نیازهای آنها را با مصالحی که داریم، در مواقع خودش به نحوی که احترام متقابل بین دول مزبور و ما باشد، ان شاءالله برآورده می کنیم و نفت را آنطوری که مشتریان نفت با رعایت و حفظ مصالح ما بخواهند، به آنها می دهیم و اگر خطری باشد، از ناحیه خود آنها خواهد بود که می خواهند با بیعدالتی با ما رفتار کنند، نه از ناحیه ما که می خواهیم با عدالت و احترام متقابل عمل کنیم. این پشتیبانی لجوجانه ای که آمریکا از شاه می کند، محتمل است موجب یک انفجار عظیم باشد که اشکالات سیاسی و اجتماعی و مالی به بار می آورد، باید آمریکا از این لجاجت دست بردارد.

سؤال: حضرت آیت الله! بانک ها یکی از هدف های حملات مردم است و سوئیس کشور بانک های مهم بین المللی است، چنین به نظر رسد که به طور قطع، مقدار زیادی از سرمایه های ایران به سوئیس منتقل شده باشد، در این باره شما چه فکر می کنید؟

جواب: خرابی هائی که در ایران پیدا شده و انقلاب ایران در اثر مفساسدی است که در هیئت حاکمه

وجود دارد و همچنین بر اثر کارهای مخالف عقل است که شاه انجام می دهد و خرابی هائی که با دست عمال شاه در سراسر مملکت انجام می گیرد، برای ضربه زدن به مردم و بد جلوه دادن مبارزات اصیل مردم ایران است که با حمله به مراکز استثمار و فحشاء و فساد، تنفر خود را از هر چیزی که موجب انحراف و غارتگری است، اعلام می کنند. الان خبرگزاری های داخلی و خارجی اطلاع می دهند که در شهرهای ایران دستجاتی از اشرار و یا عده ای از کماندوها به صورت کولی ها و بومی ها به شهرها حمله می آورند و خرابکاری می کنند و اینهاست که موجب شده ثبات مملکت متزلزل شود. اگر شاه برود و حکومت جمهوری اسلامی که حکومت دموکراسی واقعی است به جای آن بیاید، این ناآرامی ها از بین می رود و در ایران ثبات برقرار خواهد شد. رژیم ایران به يك نظام دموکراسی تبدیل خواهد شد که موجب ثبات منطقه می گردد و سرمایه ها به ایران برمی گردد و به نفع مردم از آن استفاده می شود.

سؤال: حضرت آیت الله! سیاست اقتصادی رژیم فعلی به وابستگی شدید ایران به خارجه منجر شده است، آیا برگشت به يك سیاست اقتصادی مستقل امکان دارد؟ و شما چگونه این کار را خواهید کرد؟

جواب: یکی از خیانت هائی که شاه به کشور ما کرده است، وابسته کردن اقتصاد ما به اجانب می باشد. اقتصاد ما به واسطه اعمال شاه، چه در اصلاحات ارضی که به طور کلی موجب فساد زراعت شده و چه هزینه های بسیار فوق العاده ای که به طور بیهوده خرج شده، مثل خریدن سلاح های بسیار زیاد که برای ملت ما نفع که ندارد، ضرر هم دارد و برای اجانب با آن سلاح ها پایگاه درست شده است و موجب ضعف اقتصاد و پاشیدگی اقتصادی و به هم ریختن بنیادهای اقتصادی است. مردم ما با انقلابی که شده است، قادر هستند همه امور را در مجرای صحیح و مستقل قرار دهند.

سؤال: حضرت آیت الله! دیروز امینی با شاه ملاقات کرده است، اگر او به نخست وزیری منصوب گردد، آیا به نظر شما این آخرین شانس برای نجات رژیم خواهد بود؟

جواب: دیگر هیچ چیز برای شاه، شانس بقاء ندارد. همه ملت ایران در تمام شهرستان ها قیام کرده اند و با این قیام ملت، تا شاه نرود، آرامش پیدا نخواهد شد و کسی نمی تواند شاه را نجات دهد، او چاره ندارد جز اینکه برود و ابرقدرت ها چاره ندارند جز اینکه با ملت ما مخالفت نکنند، اگر مخالفت کنند، برای آنها بدتر خواهد شد.

بیانات امام خمینی در مورد نفی اصل رژیم سلطنتی و لغو کلیه قراردادهای استعماری

اصل باطل رژیم سلطنتی باید ملغی شود

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

دنباله آن دو اصلی که از آن سه اصل ما و ملت ایران پیشنهاد دارند که اصل اولش اینکه این سلسله پهلوی سلطنت شان قانونی نیست و باید بروند و اصل دوم اینکه اصل سلطنت و رژیم سلطنتی يك امر باطلی است و باید برچیده بشود و همین ماده ای که در قانون اساسی هست ما باید يك توجهی به آن بکنیم. این ماده ای که مستند است سلطنت محمدرضا شاه و ایشان استناد به آن می کند که در قانون اساسی است که سلطنت موهبتی است الهی که ملت به شخص سلطان آن را اعطاء می کند، ملت يك جمعیتی هستند که بالفعل و در حال حاضر این جمعیت در این مملکت ساکن هستند و از اهالی این مملکت هستند و يك وحدت عقیده ای و یا وحدت جهات دیگر دارند. این که ملت است، این طبقه موجود، ملت است یا این که طبقاتی که الان دیگر نیستند، آنها هم الان ملت ایران هستند؟ آنها ملت بودند یا ملت هستند؟ خوب، شکی نیست در اینکه آنهايي که نیامدند حالا، مثلا 500 سال دیگر، خوب ایران هم باز دارای يك جمعیتی از خود ملت است اما آنها الان ملت ایران هستند؟ یا بعدها که آمدند ملت ایرانند؟ همانطور که مثلا علمای ایران، حزب مردم ایران، علمای ایران عبارت از آنهايي هستند که در 500 سال بعد از این می آیند! اگر گفتند باید يك چیزی به رای علمای مثلا ایران باشد یا به رای اطبای ایران باشد، آیا آنهايي که بعدها می آیند اطبای ایران هستند؟ آنها که الان نیستند تا اسمشان طیب باشد یا اسمشان عالم باشد. همانطوری که نسبت به اشخاصی که بعدها می آیند معنا ندارد این مطلب، یعنی این قانون منطبق نیست که اگر گفتند ملت ایران اعطا کند يك چیزی را، سلطنت را اعطا می کند، عبارت از آن ملتی که بعدها وجود پیدا می کند نیست. هر ملت، آنوقت ملت است که موجود است بالفعل. اینهایی که الان موجودند بالفعل، اینها اطبای ایران، طبیب هایشان اطبای ایران هستند، علمایشان علمای ایران هستند عرض بکنم که مهندسین شان مهندسین ایران هستند، طوایفشان - طایفه مثلا کردشان طایفه ایران است و اما آنهايي که در 500 سال بعد وجود پیدا می کنند الان نه از علمای ایران هستند و نه از مهندسین ایران هستند و نه از اطبای ایران هستند و نه ملت ایران. آنهايي که 500 سال پیش از این موجود بوده اند و حالا موجود نیستند، اینها علمای ایران يك

وقتی بوده اند اما حالا دیگر نیستند، تمام شد. مهندس هایشان مهندسین ایران بوده اند، نه مهندس ایران هستند. در قانون آنطوری که حالا اینها به آن تشبیه کردند این است که سلطنت يك موهبتی است الهی که ملت ایران به شخص سلطان می دهد. خوب روی این میزان باید همین ملتی که الان ملت است، این سلطنت را بدهد، آنهایی که فرض کنید در 500 سال پیش از این دادند، ما فرض کنیم 500 سال پیش از این آنها به علم غیب می دانستند که محمد رضاخان در سنه کذا می آید در ایران و آنها روی آن علمی که داشتند در آنوقت گفتند که سلطنت مال آن محمدرضا خان است که بعد از 500 سال می آید، آنها ملت ایران نبودند، ملت ایران در زمان خودشان بودند الان باید ملت ایران اعطا کند يك چیزی را به او، الان ملت ایران عبارت از اینهاست که موجود هستند، اینها ملت ایرانند. اگر این ملت ایران به حسب این قانون اساسی که مورد تمسک ایشان است، اگر این ملت ایران الان به ایشان رای دادند و گفتند شما سلطان باشید به حسب این ماده قانون اساسی ایشان می شود سلطان. این ملتی که الان هستند که رای ندادند به او، کدام يك از این ملت رای داده به ایشان؟ حالا ما آنهایی که راییشان را پس گرفتند نمی گوئیم، برای اینکه مردم می گویند (نه) حالا ما قبل از اینکه آن مطلب را بگوئیم، می گوئیم که شما می گوئید که قانون اساسی می گوید که سلطنت موهبتی است الهی که ملت به شخص سلطان می دهد، ملت باید به شخص سلطان، یعنی آنوقتی که به سلطان می خواهند بدهند، باید اسمش ملت باشد که بدهد. آنهایی که 500 سال پیش از این به جد اعلامی مثلا يك سلطانی رای دادند، نسبت به آن سلطانی که رای دادند ملت ایران بودند و رای دادند بر يك مصداقی که، شخصی که عبارت از آن سلطان بوده است، بسیار خوب، به حسب قانون اساسی آنهایی که در آنوقت رای داده بودند به ایشان، به آن آدم، او شد سلطان، اما نسبت به آن اشخاصی که در آنوقت بودند، نسبت به این آدمی که حالا است که رای ندادند، بر فرض اینکه رای داده بودند، حالا ملت ایران نیستند، رای داده بودند، خودشان پوسیدند و رای هایشان هم پوسید تمام شد رفت پی کارش، نه خودشان الان هستند نه رای آنها دارند. الان می تواند کسی بگوید که آراء اشخاصی که در 500 سال پیش از این است، آراییشان عبارت از این است حالا؟ خوب رای ندارند حالا، همه فوت شدند، خدا رحمتشان کند.

تفویض سلطنت (این موهبت الهی !!) به سلسله پهلوی با آراء ملت یا کودتا و سرنیزه !!

به حسب قانون اساسی ملت رای به ایشان ندادند برای اینکه ملت اجتماع بر این معنا (همه مان می دانیم که) نکردند که رای بدهند به ایشان. ما فرض می کنیم که آنها رای داده باشند، یعنی آن طبقه جلویی که زمان رضاخان بودند، آن طبقه ای که زمان رضاخان بود الان از آنها نیست الا چهار، پنج تا، ده تا، صد تا پیرمرد که اینها ملت ایران نیستند، الان ملت ایران را این طبقه ای که الان موجودند تشکیل کرده اند. خوب ما از این طبقه ای که موجودند که اینها ملت هستند، آنها دیگر حالا ملت ایران نیستند یعنی آنهایی که رفتند و فوت شدند ملت ایران نیستند و پدران ما ملت ایران نیستند، ملت ایران الان ماها هستیم که موجود هستیم، ماهائی که موجود هستیم، شما در تمام ایران بگردید و ببینید که کی رای

داده است به ایشان تا اینکه این ماده قانون منطبق باشد که عبارت است از اینکه سلطنت موهبتی است الهی که ملت اعطا می کند به شخص سلطان . پس بنابر این ، این قانون منطبق بر ایشان نیست . باز اشکال دیگر است و آن این است که در قانون دارد که (در همین قانون) سلطنت يك موهبتی است الهی که ملت اعطاء می کند به شخص سلطان ، در 50 سال پیش از این شخص سلطانی که می خواست اعطا کند ملت به او عبارت از پدر (فرض کنید ، اگر صحت داشت ، صحت که ندارد ، حالا اگر صحت داشت) ایشان يك شخصی آنوقت بوده است ، آنهائی که رای دادند بعدا گفتند و سلسله ایشان ، سلسله ایشان شخص نیست ، يك عنوانی است ، شخص عبارت از این است ، عالم شخص نیست ، این آقا شخص است .

قانون می گوید که سلطنت موهبتی است الهی که ملت می دهند به شخص سلطان . اینکه سابق آنها فرض می کنیم حالا این اشکال نبوده که ملت نیستند آنها ، خوب می گوئیم . ملت بوده اما قانون می گوید که باید اعطا کنند به شخص ، یعنی این آدم يك ذرع و نیمی دارای کذا و دارای وصف کذا و اسمش محمدرضاخان و دارای همچو اخلاق کریمه ای که همه مردم را می کشد و اینها ، این شخص موجود در خارج ، این يك سر و دو گوش که موجود است در خارج در اول سلطنت رضا شاه که آن هم همه جهاتش را گفتم که همه اش باطل اندر باطل اندر باطل است آنهائی که رای دادند نسبت به شخص رضاشاه ، بسیار خوب ، به شخص رضا شاه اینها این موهبت الهی را نعوذبالله دادند ، اما نسبت به ایشان که دیگر ندادند ، به شخص ندادند بعد گفتند سلسله پهلوی و اولاد او ، اولاد که شخص نیست ، يك چیز کلی می باشد ، این خلاف قانون است . قانون می گوید باید به شخص او بدهند ، ندادند به شخص او . اینها همه اش روی فرض این است که (يك فرض های باطلی است که ما می کنیم) خیر ، در زمان رضاخان ، در انوقتی که کودتا کرد و آمد و تهران را گرفت و آن کارها و رسوایی ها را کرد ، مردم ایران رای داده باشند به رضا شاه ، مردم ایران اطلاعی از این مسائل اصلا نداشتند ، کاری نداشتند به این که ، اصلا مخالف بودند ذاتا با رضاخان ، منتها سرنیزه بود همانطوری که الان حکومت نظامی ، حکومتی نیست ، سرنیزه ای است . سرنیزه بود و با سرنیزه آمدند و مجلس درست کردند . يك عده ای را آوردند در مجلس بدون اینکه اصلا ملت اطلاعی از این مطلب داشته باشد ، رضایتی روی این مطلب داشته باشد ، همه آن باب ، باب سرنیزه بود . با سرنیزه مجلس درست کردند ، با سرنیزه حکم کردند که باید خلع کنید قاجاریه را ، با سرنیزه گفتند باید نصب کنید رضا شاه را . قضیه همه اش سرنیزه ای بود ، هیچ وقت قضیه ای نبود که ملت روی این ماده قانونی تاکنون عمل نشده ، یعنی از اولی که دنیا سلطان به خودش دیده تا حالا ، شما رجوع کنید به تاریخ از اولی که دنیا (2500 سال است که اینها می گویند ، بگوئید 000/100 سال) سلطان به خودش دیده تا حالا يك دسته دزدی بودند که می آمدند به زور يك مملکتی را می گرفتند و بعدش هم حکمفرمایی می کردند ، مردم رای می دادند به اینها ؟ یا آنها کاری به مردم داشتند ؟ قبل از مشروطه که حرف این قانون هم نبوده ، هر که گرفت هر جا را ، گرفت . بسیار خوب ، هر دزدی اول دزد بود بعد هم که آمد رفت و مملکت را فتح کرد ، و آنوقت شد اعلیحضرت !

عدم دخالت اراده مردم در تفویض قدرت به مدعیان سلطنت

زمانی که مشروطه بوده، تا حالا هم چنین چیزی نشده از اول مشروطه که زمان مظفرالدین شاه بود تا الان که زمان شماها هست این چند نفر از سلاطین که آمدند که بعد از مظفرالدین شاه که یک چند وقتی هم محمدعلی میرزا بود و یک مدتی هم احمدشاه بود و بعد هم رضاشاه، شاه شد، بعد این شد، از آنوقت تا حالا به این ماده قانون هیچ عمل نشده. اینکه موهبتی است الهی که ملت اعطا می کنند به شخص سلطان، ایشان بیایند یک شاهی بیاورند که یک ملتی، یک دهی را ایشان چیز بکنند، یک ده را اگر ایشان درست کردند که، اما آزاد بگذارند مردم را / نه اینکه / خوب ممکن است همه مردم ربا سرنیزه وادار کنید که رای بدهند، نخیر اینها آزاد بگذارند مردم را یعنی سرنیزه را بگذارند کنار و بیایند مثل یک آدم عادی در میدان و بگویند که آقا به کی رای می دهید. اگر یک ده به ایشان رای داد ما تصدیق می کنیم که ایشان سلطان السلاطین هستند اما نیست همچو چیزی، نه رای دادند تا حالا، نه به این ماده از قانون تاکنون عمل شده است، نه در زمان سابق، نه در زمان سلطنت ایشان، به این ماده قانون عمل نشده است. بر فرض اینکه این اشکالاتی که ما راجع به این ماده داریم اینها را غمض عین کنیم لکن عمل نشده به این ماده. یک ماده معطلی است، مثل خیلی از مواد قانون اساسی معطل است. از اول عمل نشده تا حالا به آن. خوب روی این زمینه که سلطنت این آقا قانونی نیست، اولاً "یاغی است، کسی که سلطنتش قانونی نیست و آمده به زور دارد سلطنت می کند، به حسب قانون اساسی ایشان یاغی است، ایشان باید محاکمه بشود که چرا آمدی، چرا ادعای سلطنت تو داری می کنی؟ چرا تاجگذاری کردی؟ چرا مردم را چه کردی؟ چرا مالیات گرفتی؟ چرا حقوق سلطنت گرفتی؟ همه اش چرا، همه اش چرا. ایشان هم جواب ندارد بدهد و مهم این است که کلیه قراردادهائی که از زمان مشروطه تا حالا شده کلیه قراردادها باطل است به حسب قانون اساسی برای اینکه قانون اساسی می گوید که باید مجلس باشد به آراء مردم و سلطان وقت که قسم خورده است برای مردم و وفاداری و کذا و کذا، او هم امر بکند به اینکه انتخابات آزاد چه بشود و انتخابات درست بشود و بعد از انتخابات، آنها رای به مثلا هر چه دادند با قواعد دیگری که هست از قانون اساسی و متمم قانون اساسی آنوقت قانونیت پیدا می کند.

حق تعیین سرنوشت مملکت و انتخاب وکلای مجلس به عهده سفارتخانه ها یا ملت؟! !

این قراردادهائی که در زمان مشروطیت، چه زمان مظفرالدین شاه و چه زمان احمدشاه و چه زمان این دوتای دیگر، تمام این قراردادها که شده است، نه سلطنتش سلطان قانونی بوده به حسب قانون اساسی، نه مجلس، مجلس قانونی بوده. اما سلطان قانونی نبوده است که عرض کردم که مردم رای هیچ وقت ندادند بر سلطنت ایشان، ایشان باید خودشان قبول داشته باشند منتها اینها گویند که اصلا ملت زائیده که شده است، هر بچه ای که آمده است، او سلطنت را میل دارد! دوست دارد! الان هم که مردم دارند فریاد می زنند که مرده باد شاه، باز اگر از ایشان بپرسی، می گویند مردم

شاهدوست هستند ، این علامت شاهدوستی شان است . بنابر این ، خوب ، نه سلطنت ، سلطنت قانونی است و می آئیم سراغ مجلس ، مجلس هم تا آن اندازه ای که ما اطلاع داریم ، به آرا مردم نبوده که مردم بیایند رای بدهند يك چیزی را ، در زمان رضاشاه در زمان محمدرضاشاه اینها جزء واضحات است ، هر کس یادش است . خوب شما همه تان این مجلس ها را یادتان است تا حالا - این - شما که اطلاع دارید ، عقیده تان این است که در تهران ، در اصفهان ، در یزد ، در کرمان ، در هر جا خود مردم جمع شدند و يك وکیل درست کردند ؟ ! یا اینکه به قول خود شاه لیستش را از سفارتخانه ها آوردند ؟ خود ایشان گفتند لیست را از سفارتخانه ها آوردند و می دادند می گفتند اینها باید وکیل بشوند ، مردم چکاره اند ، اینها باید بشوند ، دولت چه کاره است ، شاه چکاره است آن که باید تعیین کند سرنوشت ما را سفارت آمریکا و سفارت انگلستان است و سفارت شوروی است و اینها و تا حالا همین کارها را کردند . لیست این وکلا را آنها تعیین کردند و آنهایی که دوستان آنها یا به تعبیر دیگر نوکرهای خودشان بوده اند ، آنها را تعیین کردند که اینها باشند تا رای بدهند به هر چیزی که آنها دلشان می خواهد . بنابر این آنقدری که ماها یادمان است در زمان این دو تا عرض می کنم که دیکتاتور ، در زمان اینها ابدًا يك مجلس قانونی ، يك مجلس ملی که ملت رای داشته و داده باشند به آنها ، ابدًا چنین چیزی نبوده است . ما فرض می کنیم حالا چهار تا وکیل هم ملت به او رای داده اما سایرین رای ندادند . چهار تا وکیل هم ، مثلاً فرض کنید تهران يك قدری چیزهایی بوده است ، ملاحظاتی بوده است به چهار نفر وکیل هم رای داده باشند مردم ، مثل مرحوم مدرس رای داده اند به او اما مجلس وقتی قانونی است که همه اهالی مجلس که می آیند به حسب قانون توی مجلس آمده باشند ، رایشان دخالت دارد در مطالب . اکثریتی که حاصل می شده در مجالس که به این اکثریت يك شرکتی را ، يك قراردادی را ، يك بساطی را درست می کردند ، این اکثریت اگر چهار تایشان هم فرض بکنیم که ملی بودند و ملت تعیین کردند لکن باقیشان نبوده . این را هیچ کس نمی تواند ادعا بکند . که در زمان سلطنت رضا شاه و محمدرضا شاه این مجلس يك مجلسی بوده است ملی و مردم آن را ، اینها را تعیین کردند ، هیچ کس نمی تواند يك چنین ادعائی بکند مردم تعیین کردند . اگر کسی هم ادعا بکند در يك دوره ، دو دوره مردم به مدرس رای می دادند ، بله به مدرس رای دادند ، بعضی اشخاص دیگر هم نظیر او را رای دادند اما یکی ، دو تا ، چهار تا وکیل که کار را درست نمی کند . باید تمام این وکلا ملی باشند یعنی ملت تعیین کرده باشد تا اینکه وقتی يك مجلسی تشکیل می شود يك مجلس قانونی باشد تا اینکه وقتی رای دادند ، اکثریت رای داد به حسب قانون ، اکثریت رایش مثلاً صحیح باشد ، درست باشد ، باید قانونی باشد لکن اینها که نبوده در کار .

تجدید نظر در قراردادهای غیرقانونی بعد از تشکیل حکومت اسلامی

تمام قراردادهائی که در زمان مشروطه شده است و این قراردادهائی که در زمان رضاخان شده است ، این قراردادهائی که در زمان محمدرضاخان شده است ، تمام این قراردادها بر خلاف قانون

اساسی است، به خلاف میل این ملت است.

این ملت مخالف با همه اینهاست. یکی از آن هم قانونی نیست. بنابراین تمام این قراردادها با هر که قرارداد کرده باشند، خوب فرض کنید يك قرارداد مفیدی برای ملت هم باشد قانونی نیست بلکه اگر چنانچه يك حکومت ملی اسلامی تشکیل شد و این قراردادها را مطالعه کردند و دیدند يك قراردادی مفید به حال ملت است (اگر توی آن باشد، نمی دانم هست یا نه) اگر دیدند يك قرارداد مفیدی به حال ملت است، خوب آن را امضا می کنند، آن را هم قبول می کنند یعنی قبول می کنند که از حالا قرارداد می شود، قبلاً "باز باطل بوده، از حالا قرارداد می شود، یعنی آن دولتی که قانونی است وقتی که فرادادی را قبول کرد، قانوناً صحیح می شود این اما نه اینکه عطف به جلو هم بکنند، جلو هم، مستقر بشوند، نه آنها همه آن خلاف قانون بوده و اگر اینهایی که پشتیبانی دارند می کنند از محمدرضاخان، این دولت هائی که پشتیبانی می کنند، اصرار بر پشتیبانی شان بکنند همه قراردادهايشان ولو اینکه مفید برای ملت باشد لغو خواهد شد، باید تجدید نظر در این مسائل بکنند.

ایستادگی قاطع مردم

ملت ایران زیر بار این زورها نخواهد رفت. بلکه ممکن است که بریزند، همین طور که الان الوات را دارند می ریزند به شهرها و مردم را کتک می زنند و یا کولی ها را یا - عرض می کنم - ارتشی ها را به صورت دیگری در می آورند و ریزند مردم را کتک می زنند و اینها، ممکن است که يك وقتی هم فرض کنید که دولت شوروی و دولت آمریکا بریزد جمعیتشان را ولی شعر است اینها حالا دیگر این حرف ها نخواهد شد، ممکن است، اما شعر است. الان نمی شود روی موازینی که دنیا دارد، دنیای امروز غیر از دنیای دیروز است، اینطور نیست که هر که هر کاری هر که هر زوری دارد، آن زور را باید اعمال بکند، اینطور نیست. باید روی موازین باشد و يك ملتی همه ایستادند و می گویند که ما می خواهیم مستقل باشیم یعنی ما می خواهیم که آمریکا دخالت نداشته باشد در مملکتمان، شوروی هم دخالت نداشته باشد، انگلستان هم نداشته باشد، يك مملکتی باشد مال خودمان.

اخطار به تمامی پشتیبانان رژیم شاه

حالا ما اعلام می کنیم که اگر چنانچه این دول به اصرار خودشان باقی باشند در پشتیبانی کردن از محمدرضاخان، دولتی اگر تشکیل شد، ملت ایران امر می کند به اینکه تمام این قراردادهايش که کردید ولو به نفع ما هم باشد نمی خواهیم. اگر آمریکا زیاد اصرار در این باب بکند دیگر با او قراردادی بسته نخواهد شد. از حالا باید مقام خودش را موضع خودش را احراز کند، درست کند. هر کدام از این رئیس جمهورها و این دولت ها از حالا باید حسابشان را درست کنند با مملکت ایران و میزان این است که پشتیبانی از این آدمی که این مردم را 50 سال خانواده اش اختناق کرده اند و الان در این چند سال و در این آخر يك سال اینهمه کشتار کردند و 15 خرداد آنقدر کشتار کرده يك نفر آدم و دشمن مردم است

و مردم دشمن او هستند، اگر چنانچه اینها پشتیبانی از این بکنند و اصرار به این پشتیبانی بکنند، ملت ایران تمام قراردادهائی که اینها دارند لغو می کند و بعد از این هم با اینها قرارداد نمی بندد، نه نفتی هست، نه چیز دیگری، زهر مار هم به آنها نمی دهیم. و اگر چنانچه نه، پشتیبانی نکنند و مثل آدم زندگی کنند، موضعشان را حالا با ایران معین کنند، نفت را ما نمی خواهیم بخوریم، می فروشیم نفت را، اما می فروشیم و از آنها پول می گیریم برای ملت، نه می فروشیم و برایشان اسلحه می گیریم که به نفع خود آنها باشد.

دلیل اصلی مبارزات مردم بر علیه شاه وابستگی او به اجانب است

همین دیروز، چند روز پیش از این که آقای کارتر صحبت کردند جزء حرف هائی که زدند این بوده است که الان مملکت ایران 18 میلیارد دلار از ما 18 میلیارد دلار از ما، اسلحه خریده و یک مملکت قوی ایجاد کرده است که این اسباب این می شود که برای ما یک منافی دارد، کمونیست ها را نمی گذارد چه بشود، مسلمان های چپگرا را نمی گذارد چه بشود، ژاندارم خلیج هست برای ما و ما این برایمان خیلی ارزش دارد.

ملت ایران روی همین حرف ها دارد می گوید ما این را نمی خواهیم که 18 میلیارد از شما چیز خریده و نفت ما را داده برای اینکه ژاندارم شما باشد، پاسدار شما باشد. ملت ایران برای همین جهت است که دارد جوان می دهد، دارد مال می دهد دارد همه چیز میدهد تا اینکه نباشد یک آدمی که اینطور خیانتکار به ملت است. همین مطلب را ایشان، یکی از مناقب ایشان حساب می کند که 18 میلیارد دلار اسلحه خریده و مملکت را یک قدرتی به آن داده که در مقابل کمونیست که دشمن ماست، در مقابل چپگراها از مسلمین که دشمن ما هستند و حافظ منافع ما در خلیج است و از این حرف ها می زنند همین حرف هائی که ملت ایران به واسطه همین حرف ها دادش بلند شده است که آقا ما نمی خواهیم بسته به غیر باشیم، ما نمی خواهیم همه منافع مملکت ما به شما داده بشود، ما می خواهیم منافع مملکت ما صرف این فقرا و بیچاره ها بشود، صرف اینهائی که آب ندارند بخورند و هیچ چیز ندارند. مناطقی در ایران هیچ چیز ندارند. شما خیال می کنید، اینها می آیند بعضی ها را نشان می دهند، آنوقت بنابراین بوده وقتی خواست مثلا شاه عبور کند از یک جایی با یک نفر رئیس کذا، مردم را الزام کردند به اینکه باید سر جاده همه کت و شلوار خوب از جایی پیدا بکنید بپوشید بایستید اینجا، اینها ببینند تا خیال کنند همه مملکت ما دارای لباس فاخر و چه هستند. بیچاره ها گرسنگی اینجا می خوردند لکن آنوقت باید از خارج یک عده ای بیایند با کت و شلوار بایستند آنجا، یا خود اینها بروند لباس نو از یک جایی تعیین کنند بایستند آنجا و زنده باد بگویند تا اینکه آن آدمی که آمده خیال کند که واقعا اینها یک مملکت مرفه هستند. چهار تا خیابان تهران را ملاحظه نکنید، بروید خوزستان را ببینید و اطراف خوزستان که آب همین طور هدر می رود و زمین همین طور هدر می رود و مردم همین طور گرسنگی می خورند. بروید آنجاها را ببینید که بر حسب روزنامه اطلاعات که در چند وقت پیش از این نوشته بود یا کیهان نوشته

بود به اینکه از بی آبی صبح که می شود بچه که چشمش به هم به واسطه تراخم چیز شده ، با بول چشم او را باز می کنند . شما تهران را نگاه نکنید چهار تا خیابان را درست کردند و چه می کنند ، به رخ دیگران می کشند که خیر ، مرفه و مرفه ، مملکت را باید ، همه مملکت را باید نگاه کرد . آن دور افتاده ها را نگاه کن . شما در خود تهران این زاغه نشین ها را ملاحظه کنید اینها چه می کنند ، چه زندگی ای دارند . داد مملکت ، ملت ایران که بلند شده است برای يك همچو وضعی است که الان پیش آوردند اینها از آن طرف در بلندگوهایشان و در تبلیغاتشان هی تا رادیو را باز می کردند (اعلیحضرت آریامهر) شما شاید پیدا نمی کردید که يك جائی که تا باز می کنند (اعلیحضرت چه کرد ، و الا حضرت چه کرد) از آن طرف آنهمه حرف ها بود ، از این طرف مردم را اینطور ضعیف و ذلیل و بیچاره نگه داشته بودند و همه گرسنه و بیچاره ، يك عده هم البته مرفه داشتند از باب اینکه از خودشان بود یا اینکه روابطی با خودشان داشت یا خیر ، فرض کنید يك دسته هم اینطور بود .

ایستادگی و مقاومت مردم در برابر حکومت نظامی و کودتای آمریکائی

در هر صورت الان مردم دیگر گوش به این حرف ها نمی دهند ، حکومت را نظامی کنید ، همین است که هست ، دولت را هم نظامی کنید ، خوب همین است که هست نظامی هست الان دیگر ، حالا تو تغییرش بده اسمش را دولت بگذار . الان مدت هاست که ایران با حکومت نظامی دارد می گذراند ، چند تا شهرش رسماً نظامی است ، بقیه اش هم غیر رسمی نظامی است . خوب غیر نظامی در کار نیست . مگر تو می توانی بدون سرنیزه زندگی کنی ؟ تو يك روز سرنیزه را بردارند به باد فنا خواهی رفت . نمی توانی زندگی کنی .

حالا فرض کنید که آمریکا نقشه اش هم این باشد که بعد از این يك دولت دیگری در کار بیاورد و شاه را ببرد و يك کودتای نظامی بکند ، همین نظامی است و همین بساط و همین کشتار و همین کردار ، مردم هم همانند که هستند . دست بر نمی دارند مردم ، مردم می خواهند از زیر این بار بیرون بیایند . باید فکر بکنند ، باید رها کنند ایران را ، باید بروند سراغ کارشان رها کنند ایران را . انشاءالله خداوند همه تان را توفیق بدهد . موفق باشید انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه امام خمینی با بولتن خبری خاورمیانه و مجله الاقتصاد العربی

سؤال: در مصاحبه با خبرنگار فرانس پرس اظهار داشتید که يك حکومت انقلابی باید با سقوط شاه تشکیل شود و اینکه شما پیش از سقوط شاه به ایران باز نخواهید گشت. به نظر می رسد که در اثر مذاکرات شاه با افراد سازشکاری مانند آقای سنجابی و همچنین در اثر فشار آمریکا به شاه، امکان این باشد که شاه ایران را ترك کند و حکومتی انتقالی متشکل از همین سازشکاران تشکیل شود، آیا در چنین شرایطی شما این دولت را به عنوان دولت انتقالی خواهید پذیرفت و به ایران باز خواهید گشت؟

جواب: اولین چیزی که درخواستی های ما آمده است و عموم ملت خواهان آنند برکناری شاه است و لکن مساله شخص شاه نیست، ما هر حکومتی را که از طرف خود مردم نباشد و تکیه به جهان قدرتی که شاه را سرکار آورد و حفظ کرد و قدرتی دیگر، به شدت طرد می کنیم و با او همان رفتاری را خواهیم کرد که با شاه کرده و می کنیم و مساله رفتن من به ایران یا بودن در خارج از ایران، تابع این است که در کجا بهتر بتوانم به ملت بیشتر خدمت کنم.

سؤال: اظهار داشتید کسانی که چه با عنوان موافق و چه با فرصت طلبی به عنوان مخالف، دم از قانون اساسی و انتخابات آزاد می زنند باید از تصدی امور برکنار شوند، آیا این بدان معنی است که قانون اساسی فعلی به نظر شما از اعتبار برخوردار نیست؟ اگر چنین است به نظر شما چه قانون اساسی ای باید برای اداره امور کشور تهیه شود؟

جواب: شاه و دار و دسته اش که دم از قانون اساسی می زنند شکی نیست که نه برای احترام به قانون است زیرا 50 سال است قانون را زیر پا گذاشته اند بلکه برای آن است که با این فریب، مقام سلطنت و شخص شاه را در این مقام حفظ کنند و من به دلیل همین توطئه شاه، مکرر به عموم ملت ایران و سران قوم تذکر داده ام که دم از قانون اساسی نزنند که ندانسته گرفتار توطئه شاه می شوند و قانون اساسی فعلی بدون اصلاحات از نظر من اعتباری ندارد.

سؤال: در یکی از بیانی‌های هایتان از کارگران ایران خواسته‌اید که بدون توجه بر وعده‌های رژیم به اعتصابات خود ادامه دهند، یکی از خواست‌های مطرح شده در این اعتصابات تشکیل اتحادیه‌های آزاد کارگری است، نظرتان درباره این اتحادیه‌ها چیست؟ اگر با تشکیل آنها موافقت می‌کنید، این اتحادیه‌ها در چهارچوب حکومت جمهوری اسلامی مورد پیشنهاد شما چه نقش و اهمیتی خواهند داشت؟

جواب: کارگران محروم و متدین ایران که آنان همان کشاورزان و زارعین فقیر و گرسنه می‌باشند حق دارند برای به دست آوردن حقوق حقه خود به مبارزه از هر طریق ممکن و مشروع بپردازند و در جمهوری اسلامی به آنها حق داده می‌شود که به هر شکل ممکن به دور هم جمع شوند و مسائل و مشکلات خود را بررسی کنند و در نتیجه دولت را در جریان مسائل خود قرار دهند و نیز از حقوق صنفی خود دفاع کنند.

سؤال: نظرتان درباره فعالیت احزاب سیاسی چپ بودن اتکا به هیچ قدرت خارجی در چهارچوب حکومت جمهوری اسلامی چیست؟

جواب: در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود و لکن هیچ فرد و یا گروه وابسته به قدرت‌های خارجی را اجازه خیانت نمی‌دهیم.

سؤال: نظرتان در مورد مبارزه مردم فلسطین چیست؟ با توجه به اینکه بیش از نیمی از نفت اسرائیل از ایران تامین می‌شود، چه اقداماتی باید از سوی ایران در این زمینه صورت گیرد؟

جواب: یکی از علل قیام مردم مسلمان ایران علیه شاه، حمایت بیدریغ او از اسرائیل غاصب است، نفت اسرائیل را تامین می‌کند، ایران را بازار مصرف کالاهای اسرائیل کرده است و حمایت‌های معنوی دیگر و برای فریب افکار جهانی، صرفاً به محکوم کردن اسرائیل می‌پردازد. ملت مسلمان ایران و هیچ مسلمانی و اصولاً "هیچ آزاده‌ای اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و ما همواره حامی برادران فلسطینی و عرب خود خواهیم بود.

سؤال: در پیام هایتان بکرات نقش نیروهای بزرگ: آمریکا، شوروی، انگلستان و چین را در صحنه جهانی محکوم کرده‌اید، نظرتان درباره فروش گاز و نفت ایران به این کشورها و وابستگان برخی از آنها مثلاً دولت آفریقای جنوبی چیست؟ به طور کلی چه مرامی برای اداره صنعت نفت پیشنهاد می‌کنید؟

جواب : من همیشه به ملت ایران گوشزد کرده ام که گول تبلیغات غلط را نخورند . آمریکا و انگلستان که دم از تمدن و پیشرفت می زنند و نیز شوروی و چین که دم از انقلاب و حمایت از انقلابیون می زنند ، هر کدام به نحوی با شاه ، این جنایتکار حرفه ای همکاری می کنند ، شاهی که در هر کجای عالم ، فردی و یا دولتی جنایتکار و ستمگر است ، شاه از آن حمایت می کند و به آن کمک می دهد . ملت ایران تصمیم گرفته است برای نجات از چنگال این آدمخواران به مبارزه ادامه دهد و بر مبنای همین استقلال ، سیاست های خود را تنظیم کند و در مورد نفت چه کسی به خود حق می دهد که به ما دستور بدهد که ما همیشه باید نفت خود را سخاوتمندانه تاراج کنیم و به دیگران بدهیم و خود از آن استفاده نکنیم ؟ و ما به دشمنان بشریت و انسانیت نفت نمی دهیم

ص: 179

مصاحبه خبرگزاری لیبی با امام خمینی

سؤال: نظر شما در مورد ادعاهای شاه مبنی بر اینکه می خواهید کشور را به قطعات گوناگون تقسیم نمائید چیست؟

جواب: نظر ما این است که شاه دروغ گفته است. ما اگر نظر نداشته باشیم که تمام اقطار اسلام یکی بشود، این چنین نظری نداریم که ایران از هم جدا بشود. اینها تبلیغاتی است که شاه می کند و واقعیت ندارد.

سؤال: موضع شما در مورد کشورهایی که از شاه حمایت نموده و از کشتار فرزندان مردم مسلمان ایران چشم می پوشند چیست؟

جواب: ما آنان را محکوم می کنیم و در موقع خودش اگر چنانچه اصرار بر این امر داشته باشند، تجدید نظر خواهیم کرد.

سؤال: به هنگام اعلان شما برای شروع مبارزه مسلحانه برضد حکومت پهلوی، آیا از جانب کشورها و خلق های عربی و اسلامی مترقی انتظار کمک دارید؟

جواب: اگر چنانچه موقع آن رسید البته مسلمین همه باید به هم کمک کنند.

سؤال: به ایرانی اسلامی و پیشرو، در میان خاورمیانه و مشکلات کنونی آن و اوضاع جهانی چگونه می نگرید؟

جواب: ملت ما مسلم مشکلات را رفع می کند و ما نسبت به همه مشکلات مسلط خواهیم شد انشاءالله و نسبت به سایر دول هم با احترام متقابل عمل می کنیم.

سؤال : موافقت نامه های (کمپ دیوید) و تنازل سادات در مورد بیت المقدس را چگونه ارزیابی می فرمائید؟

جواب : من جدا او را محکوم می کنم .

سؤال : آیا توقع آن را دارید که در جهان اسلام بر ضد رژیم های ارتجاعی که برای محافظت منافع استعمار عمل می کنند ، يك انقلاب اسلامی مترقی بوجود آید؟

جواب : ما امیدواریم اینطور بشود و همه مسلمین بر ضد استعمار قیام کنند و از دولت هائی هم که خیانت به ملت می کنند ، بر ضد آنها هم قیام کنند .

ص: 181

سخنرانی امام خمینی در مورد ضرورت قیام بر علیه ظلم به عنوان يك فرضیه و عمل بی چون و چرا به تکالیف مقدس الهی

تکالیف ما ، نتایج و احتمالات پیروزی

بسم الله الرحمن الرحيم

در این مسائلی که ما و شما وارد هستیم ، در آن که اصولش سه تا مساله است : یکی نبودن محمدرضا خان و این سلسله ، سلسله پهلوی و یکی نبودن اصل رژیم سلطنتی و یکی هم استقرار حکومت عدل اسلامی ، جمهوری اسلامی . در همه مسائلی که انسان اقدام می کند يك جورش اینطور است که ، يك قسم از مسائل اینطور است که انسان باید ملاحظه کند که در این عملی که می کند نتیجه حاصل می شود ؟ نمی شود ؟ آیا می رسد به این مقصدی که دارد ؟ نمی رسد ؟ اگر مطمئن شد که به آن مقصد می رسد ، اقدام می کند ، اگر مطمئن نشد ، اقدام نمی کند . يك قسم از مسائل اینطوری است . يك قسم از مسائل هم هست انسان تکلیف دارد از طرف خدا که اصل مطلب يك تکلیفی هست و نتایجی هم احتمال رود حاصل بشود و احتمال هم می رود حاصل نشود . در این مسائل که آدم تکلیف دارد که اقدام بکند ، دیگر نباید ما در آن مسائل علم به اینکه يك نتیجه ای ، يك مطلبی را که ما می خواهیم حاصل می شود ، این لازم نیست علم پیدا کند ، انسان دنبال این است که آن تکلیفی که به انسان شده است ، به آن تکلیف عمل بکند .

جلوگیری از ظلم يك تکلیف شرعی است

حضرت امیر (سلام الله علیه) که قیام کردند بر ضد معاویه البته می خواستند به اینکه معاویه را از مقام خودش کنار بزنند و يك حکومت آدم عادل را ، آدمی که فاسق است و مال مردم خور است آن را بزنند کنار و يك آدم صحیحی را به جای او بگذارند در شامات و سوریه و آنجاها . لکن جلوگیری از ظلم معاویه يك تکلیف شرعی بود که باید قیام کنند به این امر و به مردم بفهمانند که این ظالم است و باید اینطور اشخاص دفع بشوند و ایشان قیام کردند و منتهی به این شد که موفق نشدند به اینکه او را از آن مقامی که داشت منحطش کنند . حضرت سیدالشهدا قیام کردند بر ضد یزید و شاید (همانطور هم بود که) خوب ، اطمینان به این بود که موفق به اینکه یزید را از سلطنت بیندازند نشوند ، این اخبارش هم اینطور است که ایشان مطلع بودند بر این مطلب ، در عین حال برای همین معنا که بر ضد يك رژیم

ظالم قیام کنند ولو اینکه کشته بشوند، قیام کردند و کشته دادند و کشتند و خودشان هم کشته شدند. الان وضع حاضر دولت ایران و شاه این وضع است که همانطوری که، یعنی همانطور هم نه، معاویه، هم امام جماعت بوده است هم امام جمعه، آنطور نبوده است که معاویه اصلاً نه نماز بخواند و نه روزه بگیرد، خیر هم نماز می خواند و هم روزه می گرفته و هم امام جماعت بوده، می رفته مسجد و عقبش نماز می خواندند مسلمان ها، هم روز جمعه می رفته نماز جمعه می خوانده، همه این مسائل شرعی ای که بوده است، به حسب صورت عمل می کرده است لکن از باب اینکه يك آدم قاچاقی بوده و يك آدم ظالمی بوده و مال مردم را می گرفته و اگر چنانچه هر جور دستش می رسیده ظلم و آدم کشی و همه اینها را داشته، حضرت امیر نه اینکه این چون نماز نمی خوانده، چون کافر بود قیام کردند بر ضد او؟ نخیر، کافر نبود و مسلمان هم بود و اظهار اسلام هم می کرد و لکن بر خلاف موازین این مسند را گرفته بود. يك حکومت جائز بود که برخلاف موازین الهی مسندی را گرفته بود و در آن مسند هم به طور ظالمانه عمل می کرد، از این جهت حضرت امیر قیام کرد و ولو نرسید به نتیجه لکن تکلیف را ادا کرد، تکلیف این بود که باید با يك چنین آدمی معارضه و مبارزه بکند.

سلطنت غاصب پهلوی، مخالف قانون اساسی و حکم شرع است

الان وضع این حکومت این است برای اینکه غاصبانه مسندی را گرفته است و يك سلطنت غاصبانه دارد کند. همانطوری که معاویه سلطنت غاصبانه می کرد، این هم سلطنت غاصبانه است، بلکه تذکر دادم مکرر که ما اگر چنانچه ملتزم به قانون اساسی هم باشیم، روی این فرض هم سلطنت ایشان برخلاف قانون اساسی است و این قانون اساسی آن چیزی را که گفته است، این است که سلطنت يك موهبت الهی است که مردم می دهند به شخص سلطان و ما می دانیم که این مردم اصلاً يك همچین سلطنتی را نه به ایشان دادند و نه به پدر ایشان دادند لکن این يك سلطنتی نبوده است که مردم داده باشند به ایشان. بنابراین روی فرض قانون اساسی هم این مقام را غصب کرده است این، یعنی الان یاغی است به حسب قانون. به حسب قانون اساسی این آدم يك آدم یاغی است که مثل سایر دزدها که يك وقت بیایند يك جائی را بگیرند و يك حکومتی را غصب کنند، این هم همان است بر حسب حکم شرع هم که اصلاً لیاقت اینها ندارند برای حکومت شرع. آن که لایق است برای اینکه حاکم بر مسلمین باشد، آن شرایطی دارد که در اینها اصلاً آن شرایط موجود نیست. بنابراین، هم به حسب قانون اساسی، این سلسله غاصب این مقام هستند، پدرش و خودش و بعد از آن هم اگر بچه اش و هم بر حسب حکم شرعی اینها لایق از برای این مقام نیستند و غاصب این مقام هستند، حالا هر چه هم می خواهد زیارت برود و هر چه هم می خواهد عذر بخواد و هر چه هم می خواهد قرآن طبع بکند و هر چه از این حقه بازی ها می خواهد بکند لکن اصل مقام غصب است. يك آدم غاصب هر چه هم عذر بخواد، این مقام را تا دست از آن برندارد غاصب است.

وقتی که يك شخصى غاصب يك مقامی شد و همانطوری که ائمه جور اینطور بودند، مثل معاویه و امثال اینها و تکلیف مسلمین بود بر اینکه این را از آن مقامی که دارد کنار بزنند و حکومت را دست آن کسی که باید و شرع مقدس تعیین کرده است تسلیم بکنند، الان هم بر مسلمین این مطلب واجب است، لازم است. ما هم یکی از افراد مسلمین هستیم که بر ما هم واجب است که جدیت کنیم و این را از این مقام پائین بیاوریم، احتمالش را هم می دهیم که موفق بشویم، لازم نیست یقین بکنیم، ما احتمال این معنی را می دهیم بلکه بیشتر از احتمال الان هست در کار که با این نهضتی که مسلمین کرده اند و همه با هم فریاد می زنند که ما نمی خواهیم این را، این مطلب درست بشود و سقوط پیدا بکند ان شاءالله و بر فرض اینکه حالا ما نتوانیم، زورمان به او نرسد همان است که حضرت امیر هم نتوانست، یعنی جنگ کرد و 18 ماه هم جنگ خونین که از طرفین عده زیادی، همه اینها مسلم بودند، از طرفین، هم آنها مسلم بودند و هم اینها مسلم بودند، آنها مسلم فاسق بودند، اینها مسلم عدالتخواه بودند، اینها با هم جنگ کردند و عرض می کنم که موفق نشدند به اینکه معاویه را از حکومت کنار بزنند. ما از اینکه يك عده ای از ما کشته بشود یا ما يك عده ای از آنها را بکشیم باکی نداریم برای اینکه ما روی تکلیف داریم عمل می کنیم. خدای تبارک و تعالی ما را مکلف کرده که با اینطور اشخاص، با اینطور ظلمه، با اینهایی که اساس اسلام را دارند متزلزل می کنند و همه مصالح مسلمین را دارند به باد می دهند، ما مکلفیم که با اینها معارضه و مبارزه بکنیم، اگر يك وقتی هم دستمان برسد، دست به تفنگ می کنیم و معارضه می کنیم خودمان تفنگ به دوشمان می کنیم و معارضه می کنیم. هر وقت مقتضی بشود و دستمان هم به مقتضیاتش موفق بشود ما باک از این نداریم که ده نفر، بیست نفر، صد نفر، البته هم بیشتر از ده هزار نفر، بیشتر از بیست هزار نفر تقریباً در این جنگ ها در این 18 ماه کشته شد لکن زمان پیغمبر هم این طور بود. پیغمبر هم وقتی که يك حکومتی را می خواست کنار بزند، این کفار قریش را می خواست کنار بزند، خوب جنگ ها را کرد و در يك جنگ هائی موفق شد و در يك جنگ هائی هم شکست خورد و آدم کشته شد و اشخاص بزرگ مثل عموی پیغمبر مثلاً کشته شد، در جنگ چیز عمار یاسر کشته شد، آن مرد بزرگوار، آنقدر کشته دادند. در این اصل هیچ اشکالی برای ما نیست که ما کشته دهیم.

ملت، متحول شده است

بعضی ها نق می زنند که خوب کشته دادید چرا؟ ما تکلیفمان این است. چه شد؟ "اولاً" شد خیلی از چیزها. يك ملتی که يك پاسبان اگر توی بازارش می آمد و می گفت ببندید، بستند، با يك امر پاسبان توی بازار تهران، بزرگترین بازارهای ایران، يك پاسبان، چند تا پاسبان می رفت به آنها می گفت که ببندید، امروز روز چهارم آبان است، مثلاً چه شده، باید ببندید، باید بیرق بزنید، تخلف نمی کردند، اصلاً توی ذهنشان نمی آمد که می شود تخلف از پاسبان کرد. اگر يك صاحب منصبی با

چهار تا ستاره، با سه تا ستاره می آمد تو بازار و هر غلط کاری می خواست بکند کسی (چرا) به او نمی گفت .

این نهضت مقدس اسلامی باعث این شد که بچه های كوچك هم فریاد بزنند توی خیابان ها که مرگ بر این سلطنت پهلوی . این يك تحولی حاصل شد بین مردم که الان پاسبان را مردم هیچ چیزی بارش نمی کنند، صاحب منصبش هم نمی کنند، حکومت نظامی هم نمی کنند . آنوقت ها که حکومت نظامی می شد، به مجرد اینکه می گفتند این حکومت نظامی است، دیگر مردم می رفتند سراغ کارشان اصلا دیگر دنبال اینکه يك معارضه ای، مبارزه ای بشود توی ذهنشان هم ضمنی آمد امروز حکومت نظامی است، قانون حکومت نظامی خودشان می گویند که، اعلامشان این است به اینکه بیشتر از دو نفر نباید با هم باشند، هفتاد هزار نفر، صد هزار نفر، پانصد هزار نفر مردم می آیند بیرون و فریاد می زنند و همه فریادشان هم ضد شاه است . این يك تحولی است در يك ملت حاصل شده است، این يك چیز کمی نیست .

اثرات مقاومت مردم در پیشروی نهضت

از آنطرف هم ملاحظه می کنید که اینها پله پله (ما باید این را به مرگ بگیریم) پله پله دارند پایین می آیند دیگر . این حزب رستخیز، يك چیز آسانی بود که اینها دست از آن بردارند؟ شما دیدید که چقدر مداحی اینها کردند . خود این مردیکه چقدر حرف ها راجع به، حرف نامربوط راجع به حزب رستخیز زد (همه مردم این باید همه باید وارد بشوند، هر کس وارد این حزب نشود باید از این مملکت برود، این اصلا اینجائی نیست) و از این حرف هائی که زدند . يك دفعه با همین نهضت مردم، با همین مشت خالی، آنها توپ و تانک دارند، اینها مشت دارند، همین مشت غلبه کرد بر آن که يك وقتی حزب رستخیز معلوم شد خبری نیست اعلام کردند (نه این چیزی نیست بیخود است اصلا، اصلا دولت هم قبولش ندارد) (خنده حضار) مطلب این بود که بله، دولت هم قبولش نکرد با اینکه دولت از خودشان بود . تاریخ را تغییر داده بودند برگشتند از آن .

يك آدمی که حاضر نبود که به این ملت يك کلمه تعارف بکند، آمد ایستاد و همه طبقات ملت را خطاب کرد و عذرخواهی کرد که ما اشتباهاتی کردیم اشتباهات و غلطهائی بوده است و واقع شده است و حالا هم دیگر از این به بعد ما از این کارها دیگر نمی کنیم . این يك آدمی که شما در 15 سال پیش از این، بیست سال پیش از این دیده بودید وضعیتش چه جوری است، در چند سال پیش از این هم همین طور بود، در این ایام فترت بین 15 خرداد تا حالا که اصلا کسی را به حساب نمی آورد، يك آدمی بود که هر چه بود خودش کرد، هر کاری بود خودش می کرد و اینکه می گوید اشتباه، دروغ می گوید، همه کارها را خودش ملتفت بود و عالم و عامد بود و نوکر مردم بود . عالم و عامد بود که کرد کارها را، اشتباه توکار نبوده - همه اش کارهای غلط بوده است و عمدا هم کرده است و بعد از این هم اگر مهلتش بدهید، این اشتباهات زیاد خواهد کرد .

در هر صورت اینها يك کارهائی است که شده است تا حالا که پله پله است البته، ما نباید جلوی آن را بگیریم بگوییم مثلا ما همین قدر راضی هستیم، نه. ما آن معنائی را که دنبالش آمدیم این است که آن مطلب آخری حاصل بشود یعنی این مقدمات را طی بکنیم، این نباشد و سلسله پهلوی نباشد و رژیم شاهنشاهی نباشد و دست آمریکا و انگلستان و روسیه قطع بشود از این مملکت و مملکت برای خودمان باشد و حکومت اسلامی هم ان شاءالله برقرار بشود.

ما دنبال این مطلب هستیم و آنقدر هم که از قوه مان می آید ما دنبال این می دویم. اگر توانستیم که کار را انجام بدهیم که الحمدالله توانستیم و يك خدمتی به این ملت کردیم، اگر نتوانستیم، تکلیفمان را ادا کردیم یعنی پیش خدا دیگر چیزی نیست که ما بگوئیم ما نکردیم این کار را، عذر تراشی نکردیم، واقعا يك مطلبی را عمل کردیم و دستمان نرسیده نتوانستیم این کار را بکنیم، پیش خدا آبرومندیم. بنابراین ما این مراتبی که اصلش که عبارت از رفتن این آدم و به هم خوردن این سلسله و عرض می کنم کوتاه کردن دست اینها، اینها همه شان جزء مقاصد است منتهی مقصد اعلی عبارت از این است که يك حکومت عدلی، يك حکومت اسلامی عدلی، مبتنی بر قواعد اسلامی حاصل بشود، آن مقصد اعلای ماست و الا اینها همه اش جزو مقاصد شده حالا دیگر، ولو این هم مقدمه آن است و لیکن خود اینها الان جزو مقاصد هستند و ما همانطوری که حکومت اسلامی را خواهیم حکومت این را هم نمی خواهیم، البته توی حکومت اسلامی همه اینها هست. ما اگر می گفتیم ما حکومت اسلامی خواهیم معنایش این بود که این سلسله نباید باشد و این رژیم نباید باشد و آنها هم دستشان کوتاه باید باشد چون اسلام حکومتش اینجوری است که نباید کسی در مملکت اسلامی تصرفی داشته باشد، کفار، هیچ کس نباید تصرفی داشته باشد.

بنابراین ولو اینکه این اجمال این مطلب را داشت لکن ما تفصیل مطلب را گفتیم که ما این سه تا اصل را عرض می کنم که آمال و آرزویمان است.

مساله، يك مساله ای شرعی است

و حالا اینکه می خواستم عرض بکنم این است که شما خیال نکنید که اگر يك وقت ما نرسیدیم به مقصد، گفته بشود که، خوب چه شد؟ خون ها ریخت و از بین رفت و چه شد؟ اولاً" شده است خیلی چیزها، اینها الان از آن خر شیطان پایین آمده اند يك قدری و ثانيا (چه شد) نیست، تکلیف را ادا کردیم. این همان است که خوارج ممکن بود به حضرت امیر بگویند، خوب چه شد؟ شما 18 ماه جنگ کردید. چه شد؟ (چه شد) یعنی چه؟ خوب - من - تکلیف ماست. ما حالا نماز داریم می خوانیم، يك کسی بگوید خوب شما بیست سی سال نماز خواندید چه شد؟ خوب من بیست سال نماز، اطاعت خدا را کردم. (چه شد) کدام است؟ من اطاعت خدا را کردم. خدا گفت: بکن، من هم کردم. (چه شد) مال این است که يك مساله ای باشد که تکلیف شرعی نباشد و يك مساله خودمانی باشد، آدم بخواهد روی

مقصد يك كارى بكنند وقتى نشد ميگوئيم چه شد اما وقتى كه جلوگيرى از يك بنگاه ظلمى ، يك بنگاهى كه مى خواهد اصلا اساس اسلام را از بين ببرد ، اساس روحانيت را از بين ببرد ، اساس مليت را از بين ببرد ، مصالح مردم و مسلمين را به خطر انداخته است و از بين برده است ، تكليف مسلمين اين است كه قيام كنند و اين را برش گردانند از اين حرف هاى كه ميزند يعنى اين را بيرونش كنند از اين مملكت و اگر دست هم رسيد بگيرندش و محاكمه اش كنند و پول هاى مردم را كه برده از او بگيرند اگر هم ندارد و چيز كرده است ، ظلمى را كه كرده آن را مجازاتش بكنند . اين يك چيزى است كه لازم است بر ما ، بر مسلمين است كه اين كار را بكنند منتهى توانستيم اين كار را انجام بدهيم كه الحمدلله هم تكليفمان را ادا كرديم هم به مقصد رسيديم . نتوانستيم عمل كنيم ، به تكليفمان عمل كرديم ، نماز خوانديم . حالا- (چه شد) يعنى چه ؟ خوب ، نماز خوانديم ، مبارزه و معارضه اى با ظلم كرديم ، با ظالم كرديم ، با كسى كه مى خواسته يك مملكتى را خراب كند و خراب كرده است و همه مصالح مسلمين را زير پا گذاشته و به كفار داده است ، با اين جنگ و نزاع كرديم ، خون داديم ، خون گرفتيم همه اين كارها را كرديم اما تكليف بوده است كه كرديم ، رسيديم به مقصد الحمدلله ، نرسيديم به مقصد ، تكليفمان را ادا كرديم . هيچ باكى از اين مطلب نداريم و ان شاءالله مى رسيم . انشاءالله .

عكس العمل ما در مقابل با تبليغات

من از خداى تبارك و تعالى سلامت همه شما را خواهم و اين مطلب را من هر شب تقريبا تكرر مى كنم كه همه ما مكلف هستيم ، اين قضيه تكليف ، مال يك نفر ، يكى باشد ، يكى ديگر نباشد ، نيست ، من مكلفم ، آقا مكلف است ، همه ، همه كه اين نهضتى كه در ايران شده است و الان همه جوان هايشان را توى دست گرفتند و دارند مى دهند ، پير زن چند تا جوانش از بين رفته و ايستاده و گفته است كه من حاضرم همه چيز از بين برود . ما به اين نهضت بايد كمك بكنيم ، اينجا مى توانيد كمك بكنيد ، بايد كمك بكنيد يعنى كمك شما در اينجا تبليغات است مقابل تبليغاتى كه شاه و دستگاه شاه و روزنامه نويس هاى كه از شاه چيز مى گيرند و اجير او هستند و تبليغات كردند به اينكه اين مردم هرج و مرج طلب هستند ، اينها - عرض مى كنم كه - يك مردم وحشى هستند ، اينها چه هستند ، از اين حرف ها زياد زدند . وقتى تماس مى گيريد با رفقايتان ، با اشخاصى كه هستند تماس مى گيريد ، تظاهرات مى توانيد بكنيد ، تظاهر بايد بكنيد ، تماس با اشخاصى كه غفلت كرده اند از اين امور داريد مى گيريد ، هر جا يك عده اى را از همين اروپائى هاديديد يا از آمريكائى ديديد ، چند نفر بلند شويد فوراً بگوئيد با مسأله ايران اينطورى است ، مردم ايران اين را مى گویند ، مردم ايران وحشى نيستند ، مردم ايران مردم مترقى هستند كه مى گویند ما آزادى مى خواهيم ، ما نمى خواهيم كه آمريكا مالمان را ببرد . كسى كه مى گوید آمريكا مالمان را نبرد ، اين آدم وحشى است ؟ يا آدم عرض كنم كه بر خلاف موازين عمل كرده است ؟ ! مى گوید كه ما آزادى مى خواهيم و استقلال مى خواهيم ؟ اين يك مسأله اى است كه همه

مردم از او می پذیرند و به هر کس بگویند می پذیرند از او که اینها يك ملتی هستند قیام کردند برای استقلال خودشان ، برای آزادی خودشان ، نمی خواهند که سایر ممالک سلطنت بر اینها داشته باشند ، تا حالا اینها خیانت کردند ، این خائنین را می خواهند رد کنند بروند سراغ کارشان و مملکت را بسپارند دست يك دسته از اشخاصی که امین باشند ، لااقل جیب هاشان را پر نکنند اینقدر .

ویژگی های حاکم اسلامی

ما البته نمی توانیم يك حاکمی مثل حضرت امیر پیدا کنیم که حکومت کند ، که وضع زندگیش آنطور باشد اما خوب ما توقع نداریم که برسیم به يك حاکمی که زندگیش آنطور باشد که وقتی شب آخری که شبی است که (خوب سلطنت دارد بر ، حالا من جسارت می کنم بگویم سلطنت ، خلافت دارد بر يك همچو ممالک طویل و عریضی) می خواهد که شهید بشود حضرت ، یعنی ضربت خورد ، مهمان بود به منزل یکی از دخترها ، دخترهای خودشان ، وقتی که برایش به حسب تاریخ نمک آوردند و شیر آورند رو کرد که تو چه وقت دیده بودی که من دو تا چیز داشته باشم ، می آید نمک را بردارد ، می فرماید که نه شیر را بردار ، من همان نمک را می خورم . البته ما نمی توانیم يك همچین حکومتی پیدا بکنیم اما می توانیم که يك حکومتی که دزد نباشد پیدا کنیم ، يك حکومتی که مال مردم را اینقدر نخورد ، اینقدر نچاپد ، اینقدر ندهد به مردم . ما دنبال این هستیم که حالا يك حکومتی پیدا کنیم که اینطور نباشد که اموال مسلمین را خرج خودش و عائله اش بکند و يك مقداریش را ، زیادترش را هم بدهد به آمریکا بدهد به شوروی و بدهد به سایر ممالک دیگر تا آنکه تخت و تاجش محفوظ بماند .

میزان و تخمین خیانت ها بعدها معلوم می شود

اینهمه خیانت ، ما اصلا - ما - مطلع نیستیم ، بعدها شما خواهید فهمید که اینها چه خیانت هائی کرده اند ، نه من مطلع هستم نه شماها ، لکن اشخاصی هستند که مطلع اند ، نوشته اند این مسائل را ، محفوظ است پیششان و بعدها انشاءالله خواهید دید که اینها چه کارهائی کرده اند ، چه خیانت هائی به این اسلام و به مسلمین و به ممالک اسلامی و به ایران و اینها کرده اند ، اینها بعدها انشاءالله معلوم میشود . خوب ما می خواهیم که این حکومت خائن برود ، يك حکومتی که خائن نباشد - نه آنطور باشد ، ما نمی توانیم آنطور پیدا بکنیم يك حاکمی که خائن نباشد ، مال ملت را اینطور تفریط نکند ، اینطور نفت ما را ندهد همین طوری به آمریکا و عوضش آن پایگاه برای آمریکا در اینجا درست کند به صورت اینکه ما می خواهیم اسلحه بگیریم ، این اسلحه ، پایگاه درست کردن از برای آمریکا در ایران ، عوض نفت پایگاه برایشان درست می کنند ، می خواهیم اینطوری نباشد ، يك همچو حکومتی خیلی زیاد هم پیدا می شود . يك همچو اشخاص شریفی در ایران زیاد است ، در اروپا ایرانیانی که آمده اند اینجا ، زیادند اینطور اشخاص و ما اینها را برای حکومت انشاءالله انتخاب می کنیم ، درست می کنیم مسائل را .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در مورد تاءثیر جو اختناق در مهاجرات نیروهای عظیم انسانی

خودکامگی رژیم پهلوی، سبب مهاجرت نیروهای انسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

... خدا همه شما را حفظ کند ان شاءالله. ما امیدواریم که این نیروهائی که الان دارد در خارج از ایران مصرف می شود، نیروهای انسانی که مهمترین نیروهای مملکت است بسیاری الان در خارج ایران مصرف میشود و تقریباً از جیب ایران بیرون می رود و هدر می رود، این یکی از ضررهایی است که از شاه به ملت ما می رسد، علاوه بر ضررهای مادی ضرر معنوی است که دست شخص به آن رسد، چنانچه محیط ایران را جوری کردند که خود ایرانی ها، آن اشخاصی که موثر هستند نمی توانند در ایران باقی باشند. بسیاری از اطبا - عرض کنم که از دکترها، از مهندسين، از اشخاصی که می توانند در ایران خدمت بکنند، اداره بکنند ایران را، برای خاطر این دشواریهایی که در ایران هست و شاه پیش آورده است، اینها مع الاسف در خارج ایران به سر برند. همین امروز که دو نفر از آمریکا آمده بودند، طیب بودند، گفتند که طبائی که از ایران در آمریکا هستند با خانواده هاشان حدود بیست هزار هستند و بچه های اینها (طولانی است که اینها رفتند آنجا) بچه های اینها خوب فارسی را نمی دانند که در آنجا تربیت شدند و اینها يك گروه هائی هستند که باید در ایران باشند و صرف مصالح ایران بشوند و برای خاطر این که ایران اختناق است و مردم از وضع ایران به تنگ آمده اند، هر کس توانسته از ایران بیرون رفته است و الان از ممالک خارجه بسیار از نیروهای ما به هدر می رود در صورتی که باید اینها در مملکت خودشان خدمت کنند، به مملکت خودشان خدمت بکنند و ما امیدواریم که این نهضتی که در ایران پیدا شده است و تمام اهالی ایران که بپا خاسته اند و آزادی و استقلال می خواهند انشاءالله حاصل بشود و نیروهای عظیمی که از ایران در خارج هست برگردند به مملکت خودشان و در آنجا به آب و خاك خودشان خدمت بکنند.

تبلیغ اهداف ملت بر عهده ایرانیان مقیم خارج

و ما امیدواریم که شما جوان ها که در خارج هستید با ایرانی ها همصدا بشوید و مسائل ایران را به خارج ایران که هستید، برسانید. تبلیغاتی که از طرف شاه و دار و دسته اش شده است زیاد است و

ایران را بد معرفی می کنند و خواسته های ایرانی ها را بد معرفی می کنند و شاید بسیاری از خارجی ها خیال کنند که ایرانی ها به قول کارتر از باب اینکه آزادی همچو وسیعی به آنها دادند به صدا در آمده اند و شاید بسیاری از ایرانی ها هم خیال کنند که مردم ایران آشوب طلب و وحشی هستند در صورتی که اینها آزادی می خواهند که همه بشر خواهد، استقلال می خواهند که هر کس می خواهد و می خواهند که دست اجانب از مملکتشان کوتاه باشد، می خواهند که اقتصاد مملکتشان به دست خودشان اداره شود، می خواهند فرهنگ مملکتشان را خودشان مستقلاً اداره بکنند، می خواهند ارتش را دیگران اداره نکنند، مستشارهای آمریکائی نیابند و ارتش را قبضه نکنند، می خواهند پایگاه های آمریکا از مملکتشان برداشته بشود، یک مملکت آزاد و مستقل باشد. فریاد ملت ایران این است که حکومت عدل اسلامی می خواهند که همه این مفسده ها را از بین ببرد و ما امیدواریم که شما جوان ها هم در خارج از مملکت که هستید این مطالب ایرانی ها را برسانید به یک رفقای آمریکائی تان، ایتالیائی تان، انگلیسی تان، فرانسوی تان و به آنها حالی کنید که مملکت ایران، ملت ایران یک همچو چیزهائی می خواهند، نه آن طوری که از بس که آزادی به آنها دادند صدایشان در آمده، خیر از باب اختناق که در ایران هست.

الان هم که فریاد می زند این مردی که (آزادی ما دادیم و چه) الان هم همه روزنامه ها در اختناق هستند، رادیو در دست نظامی هست، مملکت اصلاً در حال غیر عادی الان هست و همه اش نظامی شد و سرنیزه الان حکمفرماست در ایران. هیچ آرامشی در ایران الان نیست و هر روز کشتار هست، هر روز گرفتاری هست. همین الان که تلفن آمده است از ایران، در مشهد تظاهرات برای قتل دیروز هست، قتل دیروز را من الان نمی دانم چی بوده و چقدر بوده.

به هر صورت خداوند انشاءالله به همه شما توفیق بدهد، خداوند همه تان را به مملکت خودتان به سلامت و با استقلال و آزادی برگرداند، موفق باشید انشاءالله.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در مورد مغایرت رژیم پهلوی با اصول انسانی و اهمیت تبلیغات گسترده جهت معرفی نهضت

کشتار و حکومت نظامی تأثیری در قیام استقلال طلبانه ملت ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

مطلبی که ما مکرر گفته بودیم، وزیر خارجه انگلستان فاش کرد. ما از اول گفته بودیم که آن شاه سابق به دستور انگلیس ها کودتا کردند و آمدند و منافع آنها را می خواستند حفظ بکنند و وقتی که او يك خطائی کرد، يك تخلفی کرد بیرونش کردند و بردنش به جزیره موریس و رفت سراغ کارش و شاه فعلی هم برای منافع متفقین، در ایران هستند و برای منفعت متفقین (شوروی - و اتحاد جماهیر - آمریکا و بریتانیا) مشغول کارند و وزیر خارجه بریتانیا همین مطلب را در چند روز پیش از این گفت که ما نمی توانیم که ساکت باشیم و کسی که برای منفعت ما در ایران هست و حافظ منافع ماست اینطور باشد. ملت ایران هم که الان قیام کرده است روی همین معناست که وزیر خارجه انگلستان گفته است. ملت ایران که الان اینقدر در خاك و خون کشیده شده است، جوانانشان را آنقدر کشته اند، تمام شهرهای ایران، شهرهای مهم ایران، قصبات ایران الان انقلاب است، زنجان را نوشته است تمام زنجان در آتش دارد می سوزد، تهران هر گوشه اش انقلاب است، قم، سایر شهرها، همه جا این مسائل هست و يك قیام همه جانبه و منتهی به يك انقلابی من ترسم بشود که دیگر نشود جلویش را بگیرند و عقل وزیر خارجه انگلستان و همین طور وزرای خارجه این ممالک استفاده جو سرجای خودش نیامده (عقلشان) که بفهمند با يك ملت نمی شود اینطور رفتار کرد. سران کشورهای ابرقدرت خیال می کنند که به واسطه همین که ابرقدرت شدند باید همه عالم را بخورند. اگر يك ملتی همگی قیام کردند و همه چیزشان را دارند می دهند برای اینکه آزادی و استقلال خودشان را به دست بیاورند، نمی شود این را با سرنیزه و حکومت نظامی و دولت نظامی این آتش را خواباند. این جزء اشتباهاتی است که اینها می کنند. اگر چنانچه بخواهند اینها فرض کنید که يك حکومت نظامی پیش کار بیاورند، خوب الان دوازده تا شهر رسماً نظامی است، همه ایران هم به غیر رسم نظامی است. الان حکومت ایران حکومت نظامی است لکن معذلك مردم زیر بار حکومت نظامی نمی روند، کسی که گذشته از همه چیزش، دیگر اعتناء به حکومت نظامی نمی کند. فرضاً که يك کودتای نظامی بشود يك نظامی سرکار می آید مثل این آدم، این آدم با نظامی سر کار آمدن فرقی ندارد. الان هم حکومت ایران حکومت نظامی است. مردم ایستادند و حق خودشان را می خواهند، يك چیزی نمی خواهند که غیر مشروع

باشد، مردم حق مشروع خودشان را می خواهند، مردم می گویند که ما پنجاه سال با اختناق زندگی کردیم و خسته شدیم. پنجاه سال است، بیشتر از پنجاه سال است این جوانهای چهل، پنجاه ساله ما، چهل ساله ما، چشم که باز کردند در حال اختناق بودند.

اصل رژیم پهلوی و سلطنت شاه مغایر با قانون اساسی است

مردم دو حرف دارند یکی اینکه این شاه، شاه مشروطه نیست، استبداد است و جنایاتی که کرده است قابل عفو نیست. بر فرض اینکه ایشان آنطوری که حالا دارد توبه می کند و قول می دهد به اینکه من دیگر از این به بعد از این کارها نمی کنم و دیگر مطابق قانون اساسی رفتار کنم، فرضا که راست بگویند (راست که نمی گویند لکن فرضا که راست بگویند) یک کسی که اینهمه جنایت کرده و اینهمه کشتار از مردم کرده حالا می گوید توبه کردم، مگر می پذیرند از تو؟ کسی که امر می کند به کشتن غیر، ولو خودش نکشد، امر می کند به کشتن غیر/یک نفر/ به کشتن یک نفر، این در اسلام محکوم به حبس ابد است. کسی که امر کرده است یک ملتی را فوج فوج کشته اند، حالا می گوید که من همین سلطنت می کنم و حکومت نمی کنم!! تو غلط می کنی سلطنت می کنی، سلطنت مال آن است که قانونی باشد سلطنتش، آنوقت مطابق قانون اساسی سلطنت بکند و حکومت نکند. ما همه اطلاع داریم که اصلا روی قوانین نیست سلطنت پهلوی و سلسله پهلوی اولی که رضاشاه آمد به ایران و کودتا کرد، اولش به شکل یک صاحب منصب بود و بعد وزیر جنگ شد و بعدش حکومت موقت شد و با سرنیزه تمام اینها شد. ملت ایران ابتدائاً ملتفت نبودند که این چه آدمی است، صحبتی نمی کردند لکن بعد کم کم آن روی واقعیش را نشان داد که یک آدمی است که از هیچ چیز نمی گذرد. تمام حیثیات ایران را از دست داد این آدم و با زور، با سرنیزه مجلسی درست کرده آن مجلسی که او درست کرد برای اینکه خلع قاجاریه را بکند و خودش به سلطنت برسد، یک مجلسی نبود که به مردم ارتباط داشته باشد، مردم اطلاعی از آن نداشتند، کاری به آن نداشتند و لکن خود آنها، خود سرنیزه مجلس درست کرد، خود سرنیزه اینهایی که در مجلس بودند برای او رای دادند، همه اش قضیه رای بود. این موادی که از قانون اساسی برداشتند و جایش یک مواد دیگر گذاشتند یعنی سلطنت قاجاریه را گفتند نه و سلطنت اینها را گفتند آره، آن همه اش روی سرنیزه بود، قانونی نبود اینها. اصلا این موادی که الان هست از مواد قانون اساسی نیست، قانون اساسی این مواد را نداشت، این با سرنیزه آمد، مردم هم هیچ اطلاع نداشتند. بر خلاف میل یک ملت، با سرنیزه ایشان، رضاشاه آمد سر کار، بر خلاف قانون اساسی، سلطنت بعد از او منتقل شد به پسرش و خود پسرش هم گفت که من را متفقین گفتند که باید باشی سر سلطنت یک سلطنت غیر قانونی، از اول یک سلطنت غیر قانونی یاغی است این شاه، نه اینکه شاه است. پدرش یاغی بود، خودش هم یاغی است منتها مردم نمی توانستند حرف بزنند، حالا بحمدالله می توانند حرف بزنند، حالا کشته می دهند و حرف می زنند. همه حرف ملت ما این است که این آدم یک آدمی است که خیانت کرده بر فرض اینکه یک سلطنت قانونی، فرض کنید، فرض کنید که خیر

سلطنت قانونی و به قانون صحیح هم که همه اش باطل است، لکن ما حالا فرض می کنیم یک نفر آدمی که سلطنت قانونی داشته باشد به حسب قانون اساسی اگر به یک ملتی خیانت کرد، اگر تخلف از قوانین اساسی کرد، این عزل است، این دیگر سلطان نیست. این آدم در تمام دوره سلطنتش - مردم را از آزادی - آزادی را از مردم سلب کرده، این را خودش هم قبول دارد، اینکه می گوید من آزادی می دهم دلیل بر این است که آزادی را گرفته بوده، تو جیشان بود حالا می خواهد بدهد!! این اقرار جرم است و اگر در محاکم این محاکمه بشود که انشاءالله بشود، اینکه می گوید (من آزادی به ملت دادم، آزادی به ملت دادم) این ملت آزاد هست به حسب قانون اساسی، به حسب شرع ملت آزاد است، قانون اساسی ملت را آزاد کرده، حالا شما آزادی دادید!! معلوم می شود که آزادی را گرفته بودید حالا می خواهید بدهید، این اقرار به جرم است. یک صدای مردم و فریاد مردم این است که ما آزادی نداشتیم در زمان سلطنت این و پدرش. از اول تا حالا آزادی را به چشم خودشان جوان های ماندیدند، نمی دانند مزه آزادی چیست هر جا چشمشان را باز کردند یک پاسبان بالای سرشان بوده یک نظامی بالا سرشان بوده، یک مامور دولت بالا سرشان بوده یک چپاولگر بالا سرشان بوده، ندیدند اینها، یک روز آزاد ندیدند، ما هم ندیدیم برای اینکه ما هم از زمان رضاشاه تا حالا هیچ مساله آزادی در کار نبوده، یک داد (فریاد) مردم این است که ما آزادی می خواهیم، بچه های کوچولو داد می زنند آزادی، مردهای بزرگ هم داد می زنند آزادی، دانشگاهی هم داد، فریاد می زند، غیر دانشگاهی هم فریاد می زند، همه آزادی می خواهند. ایشان سلب آزادی یک ملت را کرده، کسی که سلب آزادی ملت را کرده صالح نیست از برای سلطنت و بر فرض اینکه سلطنت این قانونی بوده، الان دیگر سلطان نیست ایشان.

دلایل محکم بر اثبات عدم صلاحیت شاه

علاوه بر این ما همه اینها را فرض می کنیم که واقعیته و ایشان هم سلطان بوده و ایشان هم چه، الان تمام ملت می گویند ما نمی خواهیم، الان گویند ما نمی خواهیم، الان می گویند که مرگ بر این سلطنت پهلوی، این رفراوند می است که همه مردم، همه مردم در همه بلاد ایران دارند فریاد می زنند که ما نمی خواهیم، بازارها را می بندند عرض کنم که موسسه های دولتی را تعرضی به آن می کنند، نمی خواهند او را. شاه به حسب قانون اساسی به حسب رای ملت شاه هست، اگر ملت رای بر شاه ندهد، شاه نیست. الان ملت ما می گوید که ما نمی خواهیم این را و یک جهش هم این است که سلب آزادی ما را کرده، پنجاه سال پدرش و خودش سلب آزادی کرده و ما او را نمی خواهیم. یک جهت دیگر این است که منافع ما را فروخته به غیر، ما هر چه داشتیم اینها دادند به غیر. خدا نکند که دوام پیدا کند سلطنت این چند سال دیگر. اگر یک چند دیگر سلطنتش دوام پیدا کند تمام این نفت ما را می دهد به آمریکا و انگلستان و سایر ممالک دیگر. تمام نفت ما را دارد همین طوری دهد بدون اینکه معلوم باشد که این برای چه - این - خرج می شود، چه جور هست. خوب، بله می دانیم این را که از آمریکا اسلحه می خردند، اسلحه هایی که فقط برای این است که پایگاه آمریکائی درست بشود نفت ما

را می گیرند می دهند به آمریکا آمریکا می خواهد يك پایگاه نظامی درست کند در ایران در مقابل شوروی ، نفت ما را می گیرد پایگاه برای خودش اینجا درست می کند ، هم خود نفت را می برد هم عوضش را می برد ، عوضش هم به نفع خود او هست . مگر ، چه احتیاجی ایران دارد به اینطور اسلحه های بزرگی که بی اطلاع است اصلش لشکر ایران ، ارتش ایران بی اطلاع هست از اینکه اینها چه جوری اصلا برای چی ، به چه درد می خورد ، این را خود کارشناس های آنها می دانند . يك آدمی است که اقتصاد مملکت ما را به هم زده است ، از آن طرف نفت ما را دارد می دهد به غیر و ما بعد از چند سال دیگر نه نفت داریم و نه مخازن دیگر اگر این بماند . از آن طرف زراعت ایران را به اسم اصلاحات ارضی از بین برده است و بازار درست کرده است برای آمریکا که ما همه چیزمان احتیاج به خارج دارد که اگر یکدفعه جلوی این را گرفتند ، بگیرند ، ایران می ماند بدون آذوقه ، اگر از خارج نیاورند . این اگر چند سال دیگر بماند ، نفت تمامش برود ، زراعت هم که از بین برده ، از این بین برده تر بشود ، این نسل آتیه به چه زندگی باید بکنند ؟ چه چیز دارند که زندگی بکنند ؟ هیچ چیز ندارند . این راجع به اقتصاد مملکت ما . راجع به فرهنگ ما ، يك فرهنگی که نمی گذارند ، دست غیر نمی گذارد که این اولاد ، این اولادهای ما تحصیل بکنند و خوب تحصیل بکنند ، مانع هستند از اینکه تحصیل بکنند . الان داد همه معلم ها و شاگردها و همه در آمده که ما می خواهیم مستقل باشیم ، ما خواهیم خودمان اداره بکنیم کار خودمان را ، نمی گذارید شما که ما زندگی بکنیم . فرهنگ هم مامورند که عقب نگه دارند ، نگذارند انسان پیدا بشود ، نگذارند يك آدم های تحصیل کرده صحیح مستقل پیدا شود که مستقل فکر کند ، می خواهند نگذارند که يك نسلی پیدا بشود که مستقل فکر بکند و زمام مملکت را آنها بخواهند دست بگیرند ، باید حتما يك اشخاصی باشند انگل ، مربوط به سیاست آمریکا و انگلستان و شوروی تا اینکه اینها بتوانند استفاده های خودشان را بکنند . پس ما فرهنگ هم الان نداریم ، هم فرهنگ ما را از بین برده ، هم اقتصاد ما را از بین برده ، ما چه داریم دیگر ؟ وقتی که به ارتش نگاه می کنیم يك ارتشی است تحت فرمان مستشارهای آمریکا . ما ارتش داریم ؟ ارتشی که استقلال ندارد خودش نمی تواند يك کاری را انجام بدهد ، مستقل نیست در کارش ، شصت هزار مفتخوار آمریکائی آمده به اسم مستشار ، حالا دیگر چه می کنند من نمی دانم اما ارتش ما تحت نظر آنهاست پس ما ارتش هم نداریم . چه چیز ما داریم دیگر ؟ ایران چه چیز دارد ؟ این ایرانی که ایشان می فرمایند که به تمدن بزرگ ، دروازه تمدن بزرگ ، این تمدنش ، این تمدن بزرگش است ؟ !

مفهوم آزادی در قاموس کارتر

آن آزادی که کارتر می گوید که چون شاه يك آزادی خیلی صریح و خیلی تنیدی به مردم داده ، از این جهت با او اختلاف می کنند . به منطق کارتر اینهمه فریادی که دارند مردم می زنند از این است که تخمه کردند برای آزادی ، آزادی اینقدر به آنها دادند که آنها دیگر نمی توانند هضمش بکنند فریاد

می زنند. این حرف ها، حرف های آنهاست دیگر. کارتر در چند روز پیش از این همین را گفت، در روزنامه هم اینها نقل کردند، می گوید يك آزادی تندي به مردم داده است و از این جهت - از این جهت - منشا اختلاف مردم با او این است، اینهمه داد کنند آزادی، برای این است. الان که شما اینجا نشستید من نمی دانم دقیقا، می دانم که خبرهاست اما حالا کدام نقطه است، کشتارچی است، امشب چند نفر را کشته اند، امروز چقدر کشتار شده است، اینها را ما الان اطلاع نداریم اما هر روزنامه ای که از ایران می آید با اینکه روزنامه ها معلوم نیست بتوانند تمامش را بنویسند، می چند تا کشته کجا بوده، چند تا کشته کجا. در کبوتر آهنگ، يك دهی است در اطراف همدان، يك دهی است در اطراف کبوتر آهنگ، نوشته است که 5 نفر کشته آنجا داشته، در يك ده! این آتشی که الان در ایران روشن شده، زبانه کشیده و دهات ایران را عرض می کنم که قصبات ایران را، شهرهای بزرگ و کوچک ایران را فرا گرفته و این مژده ای است برای ما که همه ناراضی ها صدا در آورده اند، کشته دادند، بیخود که نیست، برای فریادی است که می زنند که ما می خواهیم. تا فریاد مرگ بر شاه نکنند، نمی زنند آنها را. امرشان این است که هر وقت اسم شاه آمد و نگفتند که اعلیحضرت آریا مهر!! یالله بزیند. الان همه ایران از آن بچه های کوچک تا آن پیرمردهای بزرگ با يك کلام، يك کلام حرفشان است که ما نمی خواهیم این را، این برود و يك همچو ملتی نمی شود که پیروز نشود شما بدانید که پیروز است این ملت (انشاءالله)

خروج شاه از ایران کلید حل بن بست و ایجاد آرامش در مملکت

با يك ملت نمی شود بازی کرد. شما ترسید از اینکه کارتر از آن طرف می گوید ما پشتیبانی می کنیم و وزیر خارجه انگلستان از آن طرف می گوید که ما پشتیبانی می کنیم و نمی دانم کرملین از آن طرف می گوید ما پشتیبانی می کنیم، اینها همه حرف است که می زنند، هیچ از این معنا ترسید، يك ملت هر چه هم که ضعیف باشد، وقتی همه گفتند نه، این نه است، نمی شود آره بشود. نه می تواند نظامی این کار را بکند نه می تواند ارتش آمریکا و روسیه این کارها بکند، این يك چیزی است (نشد). چاره حل آن بن بست است که الان هست نه وزیر می تواند این را حلش کند نه وکیل می تواند حلش کند، حلش دست شاه هست و آن این است که بگذارد و برود، بگذارد و برود، بگذارد مردم را به حال خودشان، بن بستش این است که الان دولت ها بن بست آوردند شاه این بن بست را پیدا کرده است و بن بست به دست شاه واقع شده است می گویند بن بست است بیاید بنشینیم حلش کنیم حل چی و حل کی هیچ کس نمی تواند حلش کند این آتش را هیچ کس نمی تواند خاموش کند، فقط کلیدش دست خود ایشان است که گورش را گم کند و برود. وقتیکه رفت يك آرامشی هست، وقتی دنباله هایش هم رفتند یعنی آنهایی که پشتوانه او بودند، آنها هم قدرت هایشان را جمع کردند و رفتند مملکت آرام می شود. مملکت ایران چرا آرام نباشد؟ مردم ایران، مردم آرامی هستند لکن وقتی اینقدر فشار به آنها می آید آنوقت صدایشان در می آید و الا مردم نجیب آرامی هستند، الان از نجابتشان هست که این داد را دارند می زنند، از اصالت ایران

است که دارند این داد را می زنند .

تکلیف ایرانیان مقیم خارج ، تبلیغ نهضت و مقابله با تبلیغات سوء رژیم شاه

انشاءالله خداوند تایید کند همه شما را ، همه اهالی مملکت ما را و این را هر شب من دارم عرض می کنم که ماها تکلیف داریم آقا . شما الان که اینجا ایستادید یا نشستید تکلیف دارید یعنی ملت ایران الان يك دینی به عهده ما دارد . اینهایی که در ایران هستند بچه هایشان کشته شده است ، مادرها داغ پسر دیدند ، پدرها داغ جوان ها را دیدند ، آنها الان به ما يك دینی پیدا کردند یعنی ما مدیون آنها هستیم . آنها برای نفع همه ملت است که قیام کردند ، خودشان تنها نیستند ، برای ملت قیام کردند ، ما هم از ملت ایران هستیم پس برای ما هم قیام کردند ، ما باید در اینجا که هستیم یا در هر جا ، آمریکا هستید ، اروپا هستید ، انگلستان ، هر جا هستید ، شماها باید خدمت کنید به این مملکت ، خدمتتان به این است که تبلیغ کنید . شما می توانید ، هر کدام می توانید با چند نفر تماس که پیدا می کنید مسائل ایران را طرح کنید ، مسائل ایران را به واسطه تبلیغات سویی که شده اشتباه به مردم می گویند ، خلاف به مردم گفتند ، گفتند به اینکه ، نه ، اینها می خواهند -ارتجاع است - برگردانند مملکت را به حال نمی دانم هزار و چند صدسال پیش از این . نخیر ارتجاع نیست ، شما -ارتجاع - مرتجع هستید که تاریخ فعلی ما را برگردانید به تاریخ دو هزار و پانصد سال قبل و تاریخ گبرها ، این ارتجاع است ، نه ارتجاعی که ما می گوئیم ما تاریخ مان را می خواهیم ، تاریخ زنده اسلام خودمان را می خواهیم . گویند اینها مرتجع هستند ، نخیر مرتجع نیستند و مرفقی هم هستند و می خواهند که آزادی داشته باشند و استقلال . کسی که آزادی و استقلال می خواهد مرتجع است ؟ ! . مرتجع آن است که آزادی را سلب می کند ، برگشته به حال سلاطین قلدر و مرتجع آن است که آزادی را سلب می کند . مرتجع آن است که خیانت می کند به يك مملکتی و به يك ملتی ، نه مرتجع مردمی هستند که می گویند چرا خیانت می کنی ، چرا آزادی را به ما نمی دهی . انشاءالله امیدوارم که همه تان خدمت کنید و همه تان مسائل را ، در دانشگاه هستید دانشگاهی ها را وقتی چند نفرشان جمع شدند به آنها بگوئید ایران اینطور است ، اینطور است ، اینطور و مسائل ایران این است ، به ما اینطور ظلم کرده این مرد . وقتی ده هزار نفر ایرانی که فرض کنید که (اینجاها بیشتر از اینها هست) هر کدام به ده نفر بگویند ، يك جمعیت زیادی مطلع می شوند ، اطلاع هم دارند اما مطلع تر می شوند ، مطالب روشن می شود پیششان که این ملت ، يك همچو گرفتاری دارد و می خواهد آزاد باشد . انشاءالله موج در اینجا هم پیدا بشود و بلکه نتیجه اش زود حاصل شود ، نتیجه حاصل می شود لکن انشاءالله زود حاصل بشود ، انشاءالله خدا همه تان را حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در تشریح کیفیت خلافت از دیدگاه اسلام

کیفیت ولایت و برنامه حضرت امیر سلام الله علیه نمونه ای برای تشکیل حکومت اسلامی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

روز عید غدیر روزی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وظیفه حکومت را معین فرمود و الگوی حکومت اسلامی را تا آخر تعیین فرمود و حکومت اسلام نمونه اش عبارت است از يك همچو شخصیتی که در همه جهات مهذب، بر همه جهات معجزه است و البته پیغمبر اکرم این را می دانستند که به تمام معنا کسی مثل حضرت امیر سلام الله علیه نمی تواند باشد لکن نمونه را که باید نزدیک به يك همچو وضعی باشد از حکومت ها تا آخر تعیین فرمودند، چنانچه حضرت امیر خودش هم برنامه اش را در آن عهدنامه مالک اشتر بیان فرموده است که حکومت و آن اشخاصی که از طرف ایشان حاکم بر بلاد بودند تکلیفشان در این جهات چه هست.

به حسب آن تعیین رسول اکرم الگوی خلافت را و برنامه حضرت، کیفیت ولایت ولات بر افراد را آنطور که بیان فرموده اند، تمام این حکومت ها که سرکار آمده اند تا حالا، از بعد از حضرت امیر و يك چند روزی هم امام حسن سلام الله علیه، تمام حکومت هایی که تا حالا سرکار آمده اند چه حکومت هایی باشد که تا حدودی مثلا اگر هم که چیزی پیدا بشود- تا حدودی مودب به آداب حکومت ها بوده است و آن الگوی رسول الله بوده است و چه اینهایی که اصلا نبوده اند، هیچ کدام این حکومت ها لیاقت حکومت نداشته اند و خود حضرت امیر سلام الله علیه قیام کردند بر ضد معاویه، در صورتی که معاویه هم تشرف به اسلام داشت و کارهای اسلامی را می کرد و شاید اعتقادات اسلامی هم داشته است، شاید، شاید هم نه.

معدالك حتی آنهایی که حضرت امیر را به خیال خودشان نصیحت می کردند که شما يك مدتی معاویه را بگذارید در حکومت شما باشد و بعد که پایه حکومت شما قوی شد، آنوقت او را رد می کنید به هیچ يك از آن حرف ها اعتنا نکردند و حجتشان هم این بود که يك نفر آدمی که برخلاف موازین الهی رفتار می کند و ظلم را در بلاد راه می اندازد، من حتی برای يك آن هم نمی توانم که او را حاکمش قرار بدهم، بلکه اگر حاکمش قرار می دادند این حجت می شد بر اینکه شود يك فاسقی هم از طرف

ولی امر حاکم باشد و حضرت امیر مضایقه کردند از اینکه حتی اگر مصالحی هم آنوقت مثلا بود که اگر پایشان محکم می شد ممکن بود مثلا معاویه می شد ممکن بود مثلا معاویه را کنار بزنند ، معدلك برای خودشان اجازه نمی دیدند که معاویه را حتی يك روز در سلطنت خودش باقی بگذارند و این حجتی است بر ماها که اگر بتوانیم ، باید این حکومت هایی که حکومت جور است کنار بزنیم و اگر چنانچه خدای نخواستہ نتوانیم ، رضایت بر حکومت آنها ولو يك روز ، ولو يك ساعت این رضایت بر ظلم است ، رضایت بر تعدی است ، رضایت بر غارتگری مال مردم است و هیچ مسلمی حق ندارد که رضایت بدهد به حکومت ظالمی ولو يك ساعت و همه ما مکلفیم که این حکومت هایی که روی کار آمده اند و برخلاف موازین الهی و موازین قانونی (حتی قانونی خودشان) هستند ، همه ما مکلفیم که با آنها مبارزه بکنیم ، هرکس به هر مقدار که می تواند باید با اینها معارضه و مبارزه بکند و هیچ عذری پذیرفته نیست .

بیداری و فریاد حکومت اسلامی ملت ایران ، لبیکی به فرمایش رسول اکرم

امروز که ملت ایران قیام کرده اند و به طور آشنایی بر مسائل و بیداری قیام کرده اند و از شهرستان ها گرفته تا دهات ، تا کوره دهات يك مساله را عنوان کنند و آن اینکه این حکومت جبار را نمی خواهند و حکومت اسلامی خواهند ، می خواهند که آزاد باشند ، می خواهند که مستقل باشند ، می خواهند که حکومتشان حکومت اسلامی باشد ، این همان لبیکی است که مردم به فرمایش رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته اند . آن صفاتی که در حکومت ، آن حکومتی که پیغمبر اکرم قرار دادند ، آن صفاتی که در کلیات حکومت ، کلیات صفاتی که در حکومت معتبر است ، ما باید از کیفیت حکومت حضرت امیر سلام الله علیه اقتباس بکنیم و یاد بگیریم منتهی ما نمی توانیم تمام آن جهات را ، کسی نمی تواند همه آن جهات را مراعات بکند یعنی يك مقدار زیادش بر اصل قضیه حکومت بوده است ، يك کارهای نمونه ای مخصوص به خود آن بزرگوار بوده است لکن اصل مساله ای که حکومت باید يك حکومت عادل باشد و بین مردم هم ظلم نکند ، در حکومت اسلامی اگر يك نفر مثلا يك شخصی را کشت ، این را می گیرند و قصاص می کنند لکن يك سیلی اگر به او بزند کسی ، آن يك سیلی را باید انتقامش را بدهد برای اینکه آن زائد بر آن مقدار است . يك روز حبس ، اگر کسی را حبس بکنند برخلاف نظام اسلام است ، موارد خاصی دارد ، گاهی حبس می شود ، اینطور نیست که هر کسی آوردند از اول (مثل این حکومت هائی که روی کار هستند) هر کس را گرفتند ، اول يك مدتی کتکش بزنند و مدت هایی کتک بزنند و حبس بکنند و زجر بکنند و اینها بعدها که تفتیش کردند ، فهمیدند که اشتباه کردند ، آنوقت بگویند ما اشتباه کردیم .

توبه بدون جبران شاه ، حربه ای برای تحکیم حکومت جور

مردک که سی و چند سال بر مردم حکومت کرده است و مردم را زجر داده ، سلب آسایش از همه کرده ، سلب آزادی از همه کرده ، مطبوعات را سلب آزادی کرده ، فرهنگ را عقب زده ، مصالح مسلمین

را به کفار داده است، به اجانب داده است، اموال مسلمین را تاراج کرده و کسانی که همراه او بودند و رفقاییش بودند تاراج کردند، حالا تازه آمده است به مردم رو می کند که، به علما رو می کند که (مراجع عظام و علمای اعلام، من معذرت می خواهم و من اشتباه کردم، بیایید بسازید و این اسلام را همراهی کنید) یا به سوی سایر مردم دست دراز کرده معنا ندارد يك همچنين مطلبی، اصلا غلط است این. معذرت خواستن حتی در درگاه خدای تبارک و تعالی که ارحم الراحمین است، شرایط دارد. اگر يك کسی به مردم تعدی کرد و مال مردم را برد یا خورد یا ظلم به مردم کرد، مردم را زجر کرد، حبس کرد، از این کارهایی که اینها کرده اند و می کنند، حالا بیاید بگوید خدایا من توبه کردم!! غلط کردی توبه کردی، توبه وقتی است که تمام آن کارهایی که تا حالا انجام دادی جبران بکنی، بعد از اینکه جبران کردی آن کارها را آنوقت بگو توبه کردم. خوب این مساله ای است. اما اینهمه کارها که کرد، هیچ!! ده سال اشخاص محترم را در حبس نگه داشت، کمتر، بیشتر، هزاران نفر را در حبس ها آنطور زجر کردند، پاها را اره کردند، سوزاندند، آنهمه فضاحت رابار آوردند، حالا بیاید بگوید که من توبه کردم و ما هم بگوئیم که خوب، بسیار خوب، گوش بدهید، آقا توبه کردند و توبه هم مقبول است!! کجا توبه مقبول است؟ باید اینها را جبران بکند تا توبه را خدا بپذیرد و توبه باشد.

ما فرض می کنیم که ایشان صادق هم باشند در این حرف و نخواهند که مردم را بازی بدهند و حال آنکه مطلب اینها نیست، این حرف هایی که این آدم زده است، همان وقتی که زده شاهد برخلافش هست برای اینکه همان وقتی که آمده است و ایستاده است و گفته است که من معذرت می خواهم، من اشتباه کردم و از این وقت اشتباه نمی شود همان وقت مشغول شده حکومت نظامی را، دولت نظامی را روی کار آورد و مردم را آنطور زجر کردند و آنطور کشتند. پریروز بود باز در مشهد کشتار بوده است که نمی دانم حالا چقدر هم کشتار بوده است. کشتار دیگر يك امر عادی الان شده است در ایران. حکومت ها امر عادی شان این است که مردم را بکشند و جوان های ما را از بین ببرند، آنوقت يك نفر که بیاید بگوید که من توبه کردم، حالا کسی هم بیاید بگوید که خوب ایشان توبه کردند، بس است! بس است! دیگر کارها بس شد!! تمام شد کارها!! خیر، ایشان برای این است که مردم را بازی بدهد و پایش محکم بشود و اگر محکم شد، این دفعه بدتر از اول، صد درجه بدتر از اول چیز بکنند، برای اینکه حالا دشمن هایش را شناخته و بعد، بعد از شناختن دشمن وقتی پایش محکم شد بسیار بدتر عمل خواهد کرد.

اسلام، تدوین کننده برنامه حکومتی

علی ایحال اسلام کیفیت حکومت را و برنامه حکومت را تعیین کرده، اینطور نیست که برنامه ای در کار نباشد، این حرف های مفتی که زده می شود، خیر، هم اوصاف حاکم معلوم است در اسلام و مدون است و هم برنامه حکومت را حضرت امیر معین کرده است که - باید- چه جور حکومت باید باشد، باید عدلیه اش چه باشد، باید عرض می کنم که قضاتش چه وضعی داشته باشند، باید

دیگران و جناح حکومت - باید - چه جور باشند . يك مساله معلوم واضحی است که معین کرده است و این آقا که می گوید اگر من نباشم ، یا رفقای او می گویند اگر او نباشد خلا پیدا می شود ، يك حرف نامربوطی است که الان خلا هست ، بودن ایشان موجب خلا هست برای اینکه همه چیز از واقعیتش تهی شده است ، هیچ واقعیتی الان ما نداریم ، هر چه هست صورت است و حرف است و خالی است و تو خالی است همه حرف ها .

مفهوم استقلال و آزادی مملکت در تمدن وابسته

آنهمه داد و قال راجع به اینکه ما در دروازه تمدن وارد شدیم و می خواهیم وارد بشویم در دروازه تمدن ، خوب دروازه تمدن که همه می دانند که هیچ خبری در کار نیست ، از تمدن هیچ خبری نیست . اول مرتبه تمدن ، آزادی ملت است - تمدن - يك مملکتی که آزادی ندارد تمدن ندارد . يك مملکتی که استقلال ندارد و وابسته به غیر است و همه اش با عمل ایشان وابسته به غیر شده ، این نمی شود گفت يك مملکت متمدن . مملکت متمدن آن است که آزاد باشد ، مطبوعاتش آزاد باشد ، مردم آزاد باشند در اظهار عقائد و راءیشان و هیچ کس آزادی ندارد که تو می گویی خیر ، ما به دروازه تمدن رسیدیم ، فلان یا هر چیزی که هر روز می آمد و فریاد می زد و چه می کرد و يك حزب بازی و خیر حزب فراگیر و این حرف ها همه معلوم شد که الفاظ است و معنی ندارد . الان همه چیزهایی که ما داریم میانش تهی است ، خالی است ، يك صورتی بیشتر نیست .

افراد صالح متخصص ، عهده دار اجرای برنامه های مدون اسلام

و الان است که خلا در کار هست ، اگر این آدم برود هیچ خلایی نیست در کار برای اینکه کارندهای صحیح هستند ، اشخاصی که درس خوانده هستند ، هم در خارج کشور هستند که نمی توانند وارد بشوند در کشور و هم در خود کشور در انزوا هستند . به مجرد اینکه ایشان برود ، برنامه اسلام يك برنامه مدون معلوم است که حاکم باید چه جور وضعی داشته باشد ، چه جور آدمی باشد و عرض بکنم که ما به مردم می گوئیم که يك همچو حاکمی را باید تعیین بکنید و تعیین بکنید و مردم هم به اختیار خودشان تعیین می کنند و عرض می کنم که وکلای هم که می خواهند ، با اختیار خودشان است ، همه چیز به اختیار خودشان و هیچ خلایی در کار نیست . ایشان بروند ، خلاها از بین می رود ، نه که ایشان اگر بروند يك خلایی پیدا می شود ، اینها حرف شعر است که می گویند ، می خواهند بگویند .

برقراری حکومت اسلامی در ایران ، عامل شناسایی اسلام به جهانیان

در هر صورت ما امیدواریم که خداوند در این روز به ما رحمت نازل بفرماید و ما را توفیق بدهد بر این مبارزه ای که داریم و مسلمین را پیروز کند در این مبارزه ای که دارند و اسلام را تقویت کند و حکومت اسلامی را برقرار کند تا دنیا ببیند وضع حکومت چه هست ، معنای حکومت چه هست ، حاکم

چه جور رفتار می کند حاکم با رعیت چه جور رفتار می کند ، با عرض می کنم که سایر مردم چه جور رفتار می کند ، معلوم بشود چه جوری است ، یا کارمندان دولت چه جور اشخاصی باید باشند ، قضات چه جور اشخاصی باید باشند ، فرهنگی ها چه جور اشخاصی باید باشند ، اینها همه تعیین شده است و انشاءالله اگر حکومتی اسلامی بپا بشود همه امور بر طبق دلخواه ملت انشاءالله حاصل می شود .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 201

بیانات امام خمینی در مورد تائبان سازنده (اعتقاد به خدا) و بررسی حقیقتاصل نهضت استقلال طلبانه ایران

قیام لله کنید که هیچ خسروانی ندارد

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

(قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی) خدای تبارک و تعالی در این آیه می فرماید که یک موعظه، فقط من یک موعظه به شما می کنم، یک موعظه ای که واعظش خداست و آورنده موعظه پیغمبر اکرم است و می فرماید، فقط یک موعظه است، این موعظه باید همیشه خیلی زیاد باشد که در این تعبیر می فرماید و آن موعظه این است که (ان تقوموا لله مثنی و فرادی). اینکه قیام کنید برای خدا، برای اقامه حق قیام کنید. لازم نیست که اول یک اجتماعاتی باشد که من می خواهم بعد از اجتماعات قیام کنم. یکی یکی هم این تکلیف هست (مثنی و فرادی) فرادی هم هست، دو تا دو تا هم هست. این دیگر اقل جمعش است، یعنی تنهایی تکلیف به قیام لله هست و اجتماعی هم که اقلش دوتا است، از دو تا شروع می شود به بالا، هر چه بالا رفت، میزان این است که انسان تشخیص بدهد که لله هست این قیام، برای خدا هست این قیام، دیگر اگر لله شد و برای خدا شد، از اینکه تنها هستیم، از اینکه جمعیتمان کم هست، دیگر وحشتی نیست قیام اگر لله هست، برای خداست، قیام لله هیچ خسروان ندارد، هیچ ضرر توی آن نیست. قیام های برای دنیا دورو دارد، یک رویش ضرر است، یک رویش نفع است. تجارت انسان می کند، سایر کسب ها را می کند، این یک طرفش ضرر است، یک طرفش نفع است، گاهی انسان ضرر برد از این تجارت، گاهی نفع می برد و هر کاری که انسان برای دنیا بکند، خدا در کار نباشد و همان جهت دنیوی باشد، اینها صد درصد نفع نیست، گاهی نفع است، نفع مادی دارد، گاهی ضرر مادی دارد. اما اگر چنانچه قیام برای خدا باشد، انسان کاری را برای خدا بکند، این هیچ توی آن ضرر نیست. ممکن است که انسان تخیل بکند که ما رفتیم به جنگ با کفار مثلا و کشته شدیم، خیال بکند که این ضرر است، لکن این ضرر نیست، کشته ها پیش خدا زنده اند، اجرهایی که آنجا هست ربطی به این عالم ندارد. اینکه برای خداست، همیشه نفع دارد، همیشه از خسارت محفوظ است. مردهای تاریخ بسیارشان تنها ایستادند در مقابل قدرت ها، حضرت ابراهیم تنهایی ایستاد و بت ها را شکست که وقتی آمدند گفتند که چه کسی بود، ابراهیم را می گفتند این کارها را کرده، تنهایی قیام کرد در مقابل بت پرستها و در مقابل شیطان وقت و از تنهایی نترسید برای اینکه قیام، قیام لله

بود، برای خدا بود و چون قیام برای خدا بود، هر دو طرفش نفع است، چه پیش ببرد، نفع برده است و چه پیش نبرد، باز هم نفع برده است، یکی از دو خوبی ها را دارد یا خوبی دنیائی دارد یا اگر دنیائی گیریش نیامد، خوبی آخرتی بلاشکال است و هست. حضرت موسی يك شبانی بود، شبان حضرت شعيب بود مدت ها و تنهائی مامور شد که برود و قیام کند منتهی ایشان يك توقعی از خدای تبارك و تعالی کرد که برادرم هم باشد، آنوقت شد مثنی، اول خودش بود قیام کرد، بعد برادرش هم همراهش شد، شدند دو نفر، اما در مقابل چه دستگاهی؟ در مقابل دستگاه فراعنه که الان هم آثارشان در مصر و آنجاها، در قاهره و مصر و آنجاها هست، آن آثار عجیب و غریبشان، ایستاد در مقابلشان تنهائی، بعد هم که اضافه شد، يك نفر دیگر اضافه شد و آن عبارت از برادرش بود، بنی اسرائیل هم کاری از آنها نمی آمد جز شلوغکاری، چنانچه حالا هم همین، جز شلوغکاری کاری از آنها نمی آید. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از اول که قیام کرد، تنها، تنها قیام کرد و دعوت کرد مردم را، قومش را دعوت کرد به حق تعالی و به توحید و هیچ کس همراهش نبود، تنهائی قیام کرد اول، مثلا-زنش که در خانه شوهرش منزل بود، حضرت خدیجه به او ایمان آورد و حضرت امیر که بچه ای بود آنوقت، ایمان آورد و بعد کم کم در مکه هم که بودند در 13 سال، نشد يك کاری انجام بدهند، برای اینکه مکی ها همه مقتدر و پولدار بودند و می دیدند که اگر این رشد بکنند، با منافعشان مخالف است، از این جهت با او مخالفت می کردند از خوف اینکه این رشد پیدا بکند و با منافعشان چه بشود، این بت ها هم آلت بود پیش آنها، همچو نبود که بت پرست ها خیلی به بت هم پابند باشند، منافع مادیشان بود که آنها در مقابلش می دیدند که پیغمبر اکرم است و منافع مادی شان در ضرر است. تا در مکه بودند تقریباً می شود گفت تنها بودند، یکی دوتا، چند نفر مختصری به ایشان گرویدند و اینها، فعالیت هم در مکه، جز اینکه دعوت می کردند و دعوت زیرزمینی به اصطلاح می کردند، چیزی نبود تا وقتی که مقتضیات جور شد و رفتند به مدینه، آنوقت از مدینه شروع کردند و در مقابل قدرت های بزرگ.

خوف از قدرت ها کسانی باید داشته باشند که اعتقاد به خدا ندارند

وقتی که مطالب الهی شد دیگر خوف از قدرت ها، هیچ قدرتی مثل قدرت خدا نیست. خوف از قدرت ها کسانی باید داشته باشند که اعتقاد به خدای تبارك و تعالی ندارند، مسلمین، مؤمنین که اعتقاد دارند به مبدا قدرت، اینها از قدرت ها نباید بترسند. پیغمبر اکرم که ایمان به قدرت مطلق خدای تبارك و تعالی داشت، در صورتی که عددشان کم بود و چیزی نبود و فقیر هم بودند و از همین فقیرهای بیچاره بودند لکن قدرت ایمان داشتند و قیام کردند و قدرت ها را یکی بعد از دیگری شکستند و همه را دعوت به توحید کردند، توحید را در جامعه رشد دادند و در يك زمان کمی، مسلمین که در جنگ وقتی که می رفتند، چند نفرشان يك شتر داشتند، در يك جنگ مثلا مهمی شاید ده تا اسب داشتند، نداشتند چیزی، ده تا شمشیر داشتند، چند نفرشان يك شتر داشتند معذک چون قوت ایمان داشتند، دو تا امپراطوری را در يك صف کمی، یکی امپراطوری روم را که آنوقت مهم بود و یکی هم

ایران که مهم بود (این دوتا امپراطوری آنوقت در دنیا مقدم بر همه بودند) آنها را شکستند و غلبه بر آنها کردند و اسلام را بردند تا روم و تا عرض بکنم که اروپا هم رساندند. عمده همان روح ایمان است که بر انسان باید چه باشد. این قدرت هائی که الان ما مواجه با آنها هستیم، می ترسانند آدم را از اینکه ابرقدرت ها هستند، شوروی هست، آمریکا هست، انگلستان هست. صحیح است، اینها قدرت هایشان زیاد است لکن قدرت يك ملتی که حق می گوید، که برای خدا قیام کرده است، می خواهد که مملکتش، مملکت اسلامی باشد نه اینکه مملکت، مملکتی باشد که صورتش، صورت اسلام و واقعیتش بر خلاف. (بیشتر از آنهاست)

قیام ملت ایران، يك قیام الهی است

این قیامی که الان ملت ایران کرده اند در مقابل همه این ابرقدرت هاست و این ابرقدرت ها را شما اطمینان داشته باشید که نمی توانند کاری انجام بدهند یعنی خدای تبارک و تعالی اینها را مقابل هم قرار داده است که اگر او بخواهد حرکت کند آن یکی تشرش می زند. تازگی شوروی تشر زد به آمریکا که اگر بخواهی دخالت کنی در امر ایران، ما چه خواهیم کرد. نمی توانند بکنند. و باز از شوروی گفته اند که گفته است سران شوروی که ایران باید سرنوشتش را خود ملتش تعیین بکند. البته اینها هم حالا حرف می زنند اما مساله همین هست. مساله این است که هر ملتی باید سرنوشت خودش را خودش معین کند و اگر يك ملتی قیام کند اینطوری که الان ملت ایران قیام کرده است، این قیام يك قیام الهی است یعنی اینکه من اعتقاد دارم و همین طور هم هست، این است که يك همچو قیامی را نمی شود با تبلیغات بشری، با این حرف های ماها، نمی شود يك همچو قیامی درست کرد. ماها يك حوزه کوچکی را، يك فرض کنید موج کوچکی ما می توانیم تهیه کنیم، آن که این قیام را درست کرده است و در سرتاسر ایران، ایلاتی که اصلا کاری به این کارها نداشتند، نه آنها کار نداشتند، بازار تهران هم کار نداشت، بازار تهران هم که اصل بازارهاست، در این امور دخالت نداشت، کار نداشت به این کارها، سایر بازارها هم کار به این کارها نداشتند، خیر دانشگاه ها هم کاری نداشتند. ما می دیدیم که این جناح های سیاسی، چندین سال است الان هیچ ابدا از این حرف ها دیگر نمی زنند، هیچ کاری به این کارها ندارند، جناح روحانی هم دستش بسته بود و دهنش بسته بود و جرات حرف زدن نداشت، این جناح هایی که از آنها يك کاری می آمد، در این 50 سال سلطنت سیاه، همه اینها را خفه کرده بودند. در زمان رضاشاه، جناح روحانی را همچو به آن صدمه زده بودند که خود ملت در مقابل روحانیت ایستاده بود، خود ملت روحانیت را سوار اتومبیل، روحانی را سوار اتومبیل نمی کرد و می گفت که ما این طایفه را نمی خواهیم، من خودم سوار اتومبیل بوم و اتومبیل ظاهرا بنزینش تمام شده بود یا آب آن تمام شد، يك شیخی هم همراه من بود، می گفت که چون این شیخ سوار اتومبیل است از این جهت اتومبیل ایستاد، بالینکه ایستادنش، نشکسته بود (خنده حضار) یا آبش تمام شده بود یا بنزینش، حالا یادم نیست اما یکی از اینها تمام شده بود، معذالك تبلیغات زمان رضاخان و

مامورین رضاخان، دژخیمان رضاخان همچو کرده بود که این طبقه شوفری که الان شما ملاحظه می کنید یکی از طبقاتی است که در ایران فعالیت می کند و فلج می کند گاهی وقت ها کارهای دولتی را، آنوقت اینطور بود که اگر چنانچه بنزینش تمام می شد، می گفت شیخ، تازه تقال به او می زد، می گفت شیخ چون اینجا بوده، و همین طور سایر طبقات اینطور شده بود. در تمام ایران يك مجلس خطابه علنی نبود، اگر بود، بین نصف شب که يك مجلسی بود آن هم قاچاق، تمام تبلیغات، تبلیغات از هر طبقه باشد، درس بسته شده بود. سیاسیون هم همه در انزوا بودند و هیچ کاری از آنها بر نمی آمد و نمی توانستند کاری بکنند، صدائی از کسی در نمی آمد، چند دفعه روحانیون قیام کردند لکن شکسته شد. از آذربایجان قیام کردند شکسته شد، گرفتند همه را بردند به سنقر ظاهرا. از اصفهان قیام شد باز هم شکستند قیام را و متفرقشان کردند. قیام هائی شد اما قیام هائی بود که نتیجه ای نتوانست بدهد و ملت آنوقت بیدار نبود، درست توجه نداشت به مسائل خودش. می خواهم عرض بکنم که نه جناح سیاسی الان تواند بگوید که من کردم این کار را، تمام ایران را من به جنبش درآوردم، نه جناح روحانی، جنود خداست که این کار را کرده، امر خداست این کار و لهذا امید به آن است، مال بشر نیست که انسان بگوید پشتوانه ندارد. این کار، کار خداست که يك ملتی که در چند سال پیش از این، اگر چنانچه بازارش را می خواستند ببندند، يك پاسبان کافی بود، حالا ایستاده در مقابل همه قدرت ها، مشتش را گره کرده در مقابل همه قدرت ها ایستاده و نه می گوید، می گوید که ما نمی خواهیم این را. این حکومت نظامی که در سابق، همچو که اسم حکومت نظامی می آمد، دیگر نفس ها قطع می شد و هیچ کس حرفی نمی زد و نمی شکست، اصلا معقول نبود که حکومت نظامی را کسی بتواند بشکند، الان حکومت نظامی يك امر توخالی است که مردم به آن اعتناء نمی کنند. هی، بله هی هیاهو می کنند و هی اعلامیه می دهند لکن دنبال سراعلامیه (آنها می گویند 2 نفر بیشتر حق ندارند که اجتماع کند) دنبال سر این، صدهزار نفر جمعیت، دویست هزار نفر جمعیت قیام می کنند، می شکنند. در همان اصفهانی که حکومت نظامی است، در همان تهرانی که حکومت نظامی است و قومی که حکومت نظامی است، هر روز دارند می شکنند این حکومت نظامی ها را، هیچ اعتنائی بدان نمی کنند، بعد دولت نظامی را آوردند، دولت نظامی هم همان حکومت نظامی است دیگر، فرقی ندارد هر دو نظامی اند و هر دو از این پیرمردهای مفتخورند که مدتی ملت را دوشیدند و هیچ کاری هم از آنها بر نمی آید، قابل آدم نیستند، جز اینکه بگویند بکشید. این تمام شد، تمام می شود این حرف ها، دولت نظامی هم دیگر کاری از آن نمی آید و میان تهی است، حالا ما فرض می کنیم که بعد از این هم که این تیر آخری کودتای نظامی باشد که دولت شوروی هم گفته که (يك همچون خیالی را دارند اینها و اگر بکنند، من چه خواهم کرد). ما احتیاج نداریم شما کاری بکنید، ما خودمان خواهیم کرد، بعد از این ممکن است که باز این قضیه کودتای نظامی در کار بیاید ولی آخرش همین نظامی است و همین پیرمردهایند و همین تفنگ ها، بیشتر از اینها چیزی نیست که این ملت از آن رقمی که الان چند ماه هست که حکومت نظامی اش را دیده است و شکسته است حکومت نظامی را، دولت نظامی اش هم که حالا هست و می بیند کاری از آن بر نمی آید، شکسته او را، بعد هم کودتای

نظامی با يك نظام ديگر می آید ، چیز تازه ای نیست ، مردم ديگر آشنا شدند ، یعنی يك قدرت الهی در ایران دارد حکومت می کند . این را بيدار باشید يك قدرت بشری نیست ، بشر نمی تواند که همه مملکتی که سی و چند میلیون جمعیت دارد و بزرگی اش هم چند مقابل فرانسه هست ، يك مملکتی را نمی تواند بشر چیز بکند که این بچه کوچولوی هفت هشت ساله اش ، این بچه ای که در دبستان می رود بلکه قبل از اینکه در دبستان هم برود ، تازه زبان باز کرده است ، تا آن پیرمردهایی که خوابیدند در توی خانه و نمی توانند بیرون بیایند ، همه با هم بگویند که مرگ بر این سلطنت پهلوی ، این زبان خداست ، این القای الهی است ، این يك چیزی نیست که بشود بشر این را درستش کند ، یکدفعه مثلا متحول کند يك مملکتی ، تمام يك مملکت سی و چند میلیونی را که دیروز از يك پاسبان می ترسیدند ، می آمد توی بازار می گفت ، بیرق بزیند ، روز چندم آبان است باید بیرق بزیند ، هیچ تخلفی نبود در کار ، حالا اگر خود اعلیحضرت هم تشریف بیاورند توی بازار ، مردم با مشت خردش می کنند ، جرات هم نمی کند که بیاید بیرون ، (خنده حضار) الان وضع ، این چیز چین آمد در ایران ، جرات نکردند این رئیس چین را - عرض می کنم که - بیاورند از توی خیابان ها ببرند ، برای اینکه مردم ایستاده بودند و نمی شد همچین چیزی عبور بکند و از بالای سرشان با هلیکوپتر بردند به فرودگاه و از آنجا رفت سراغ کارش . الان يك همچو تحولی در ایران پیدا شده است که تمام قشرهایش ، شما خیال می کنید که این نظامی ها همه شان نظامی ای هستند که شاه را می خواهند ، این نظامی ها پیش من تا حالا چندین افراد آمدند و پیغام آوردند که ما حاضریم ، هم نیروی هوایی شان و هم نیروی زمینی شان ، منتهی الان آمریکا هست و مستشارهای آمریکا هست و نظامی های اسرائیل هست و از این مسائل الان در کار است و ما هم نمی ترسیم از اینها ما همین نظامی های آمریکا را بیرون می کنیم از ایران مستشارها را بیرون می کنیم از ایران و همان نظامی های اسرائیل و اینها که دارند زمین های مردم را می بلعند و از بین می برند منافع مسلمین را ، اینها را ما بیرونشان می کنیم انشاءالله و این دست خداست که این کار را دارد می کند ، دست بشر نیست که ما بترسیم که بشر از او نمی آید و بشری که سی میلیون فرض کنید هست - و چیز هم - و اسلحه هم خیلی ندارد در مقابل آن قدرت هایی که مثلا يك میلیارد جمعیت چین و يك میلیون ، چندین میلیون جمعیت کذا و چند صد میلیون جمعیت نمی توانند ، البته ما به اینکه يك بشری هستیم ، قدرتمان ناقص است ، اما وقتی که قیام لله شد ، موعظه می کند خدا که (اعظکم بواحده) یکی ، يك مطلبی را من موعظه میکنم ، این است که (ان تقوموالله) برای خدا قیام کنید ، اگر برای خدا قیام کردید ، ديگر ترس از بشر نیست ، تمام بشر چی هست ؟ تمام بشر را شما در مقابل قدرت خدا ، تمام این منظومه شمسی شما ، اگر گم بشود توی این منظومه های شمسی ، باید جبرئیل بگردد تا پیدایش بکند از بس که بزرگ است اینجا ، آنقدری که تا حالا کشف کرده اند ، محیر العقول است نسبت به عقل های کوچک ما ، آنقدری که کشف کرده اند ، بعضی ستاره ها از زمین آنقدر دور است که در شش بیلیون سال نورش می رسد به اینجا ، نور با آن قدرت حرکت در 6 بیلیون سال - نور - می رسد از آنجا به ما ، يك همچو وسعت دایره ای هست ، این قدرت قدرت الهی است ، قدرت خداست ، با این قدرت خدا ديگر بشر و

اینها چیزی نیستند تا بتوانند چه بکنند. کارتر نمی تواند يك ملتی را که برای خدا قیام کرده و برای حق قیام کرده، نمی تواند این ملت را خفه کند و بگوید که ما پشتیبانش هستیم. پشتیبانش باش، شما پشتیبانش باشید، آن یکی هم پشتیبانش باشد نمی توانید، قدرت خداست، با قدرت خدا نمی شود بازی کرد. مردم مردم الهی هستند، مسلم هستند. قیام لله کردند، برای خاطر حق قیام کردند، بچه کوچک و بزرگ دارد می گوید ما حکومت اسلام را می خواهیم، ما اسلام را می خواهیم، يك همچو قدرتی را نمی توانند بکشند با مسلسل و با اینطور چیزها، بالاخره اینها خاضع خواهند شد و بالاخره این مرد خواهد رفت انشاءالله (انشاءالله) منتهی زود و دیرش چیز است والا رفتنی، مسلم هم رفتنی است، يك هل دیگر می خواهد ایشان (خنده حضار) انشاءالله خداوند شماها را توفیق بدهد که این هل آخر را هم بدهید انشاءالله (انشاءالله) و همه شماها، شماها و ما موظف هستیم وظیفه خدائی داریم، وظیفه خدائی ما این است که به این قیامی که الان ایران کرده و نهضتی که کرده است ایران و هر روز دارد کشته می دهد، همین امروز در این چیزی که برای ما آوردند که تلفن کرده بودند، در یکی از شهرها را 100 نفر کشتند، 100 نفر در یکی از شهرهای ایران بر حسب آنطوری که برای ما آورده اند، گفتند 100 نفر کشته شده اند، در یکی 30 نفر کشته، در یکی 16 نفر کشته، همین مال دیروز و امروز و پریروز است. اینها الان افتادند به جان مردم به کشتن لکن اطمینان بر این معنا هست که انشاءالله این قدرت، این قدرت ها در مقابل قدرت ملت که قدرت الهی است، هیچ نخواهند کاری کرد.

وظیفه ایرانیان مقیم خارج، کمک تبلیغاتی به نهضت ایران

ما الان موظفیم که برادرهای ما الان در خون دارند می غلطند، ما باید به آنها کمک بکنیم. الان کمکی که شما که در اروپا هستید و هر کدامتان در ممالک دیگری هستند، کمکتان این است که تبلیغ کنید، یعنی این جنایت هائی را که این سلسله کرده اند و خصوصا این شخص کرده است، این شاه کرده است، این جنایات را به مردم بگوئید، به رفقایان که در دانشگاه ها هستند، در کارخانه ها هستند، هر جا که هستید به این رفقائی که دارید - اروپائی - بگوئید به اینها که مساله این است، او این خیانت ها را کرده است و مردم که قیام کرده اند، آزادی می خواهند، فریادشان این است که ما آزادی می خواهیم و استقلال می خواهیم، این مردمی که آزادی و استقلال می خواهند، اینها وحشی نیستند، اینها متمدنند که آزادی و استقلال می خواهند، وحشی ها آنها هستند که استقلال و آزادی را از آنها گرفته اند، نه اینها که آزادی و استقلال را میخواهند. استقلال و آزادی دو تا چیزی است که همه بشر، از حقوق اولیه بشر است و همه بشر این را مطلع هستند، آن که سلب می کند این را از مردم، او وحشی است، آن کسی که این حق را می خواهد، او متمدن است. ملت ایران، ملت متمدن است، گرفتار دولت های وحشی شده است. بنابراین بر ما همه است که به اندازه قدرتمان، هر کس هر مقدار قدرت دارد همراهی کند با ملت ایران. تبلیغ بکنید شما اینجا هستید، هر طوری که می توانید، جوان ها، هر جا که هستید، در دانشگاه ها که هستید، جاهای دیگر که هستید، مسائل را برای اینها روشن کنید، اینها از بس تبلیغات سوء شده

است نمی توانند باور کنند که این ملت يك ملتی است که برای حق ایستاده است و ملت متمدنی است که در مقابل وحشی ها ایستاده است ، آنها می گویند که اینها وحشی هستند لکن اینها متمدن هائی هستند که در مقابل وحشی ها ایستاده اند . خداوند انشاءالله همه را سلامت بدارد و حفظ کند . موفق باشید . انشاءالله

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 208

بیانات امام خمینی درباره دلائل اعتصابات سراسری و اهداف قیام ملت ایران

براندازی سلطنت پهلوی خواست صریح و بی ابهام ملت

بسم الله الرحمن الرحيم

این چند مطلبی که مردم ایران همه خواستار هستند و ما هم که یکی از این افراد هستیم ما هم خواستار هستیم، اشکالاتی بر هر يك از این امور گاهی می شود، يك امری که همه مردم می گویند این است که ما این سلسله پهلوی را نمی خواهیم، همه مردم. الان شما در دهستان های ایران هم بروید و در شهرستان ها همین مطلب هست که ما این را نمی خواهیم. گاهی تعبیر از شاه می کنند، گاهی تعبیر به سلسله می کنند که ما این سلسله را نمی خواهیم. این يك خواست ملت ایران است البته به استثنای آنهایی که نوکر هستند و نوکر آمریکا هستند یا نوکر شاه هستند و از او ارتزاق می کنند که اینها حسابشان از حساب ملت جداست. ملت ایران، آن که ملت است و بازارهای ایران را پر کرده و مزارع ایران را پر کرده و صنعت های ایران را دست دارد، آنها گفته شان این است که ما نمی خواهیم. این يك اصلی که ما هم همیشه صحبتش را داشتیم و در این اصل هیچ ابهامی نیست که کسی بگوید که مراد مثلا مردم چیست؟ یا مراد فلانی چیست؟ هیچ ابهامی ندارد، صریح در این است که ما سلسله پهلوی را که اولش رضاشاه بوده و حالا نوبت محمدرضاشاه است و اگر چنانچه خدای نخواستہ برقرار بماند بعدش نوبت رضا پهلوی است، ما اینها را نمی خواهیم. این هیچ ابهامی ندارد تا محتاج به شرح باشد و اگر کسی غیر از این بگوید، غیر خواست ملت ایران است، غیر خواست من هم که یکی از افراد ملت ایران هستم هست و کسی بگوید که ما قانون اساسی را می خواهیم، ما انتخابات آزاد می خواهیم، ما حکومت مردم بر مردم می خواهیم، حرف این را بزنند غیر از این مطلبی است که ما می گوئیم. این يك مساله ابهام داری است یا خیر مقصود این است که باید این سلسله باشد، قانون اساسی باید باشد و قانون اساسی معنایش این است که این سلسله باید باشند و انتخابات آزاد معنایش این است که امر انتخابات با شاه است که امر به اجرای انتخابات بکند و این برخلاف آن چیزی است که ما می گوئیم، ما می گوئیم اینها را نمی خواهیم، هیچ ابهامی ندارد. آن که می گوید که ما قانون اساسی را می خواهیم، آن لابد می گوید که ما آنها را می خواهیم پس ما بین این دو تا قول هیچ سازشی نیست که کسی بگوید که این دو تا قول يك مطلب است، نه خیر این دو تا مطلب است. مطلب ملت ایران هم، ما از

مردم باید بفهمیم که ملت چه می گوید و همه دیدید که ملت در آن تظاهراتی که کردند در شهرها، الان هم تظاهراتی که میکنند در همه شهرها، آن که فریاد می زند همین فریاد است که ما این سلسله را نمی خواهیم، گاهی هم می گویند ما این شاه را نمی خواهیم. بنابراین ابهام در این اصل هیچ نیست.

طرح خطر تجزیه مملکت، توطئه ای برای حفظ دستگاه شاه

بله يك اشکالاتی شاه کرده است به این طرح و به تبع او هم مرتب این اشکالات را گاهی اشخاص میکنند و گاهی هم کاغذ از ایران بعضی از کسانی که با همین دستگاه مربوطند و میل دارند که این دستگاه محفوظ بماند و میل هم دارند که بعضی هایشان خودشان بیایند در دستگاه و وزارت و نخست وزیری و چیزی بگیرند، گاهی اینها هم يك کاغذهایی نوشته اند و همین حرفی که شاه مکرر می زند همین را تکرار کرده اند. در عبارت بعضی از اشخاص محترم هم همین اشکال اشعار میشود و آن این است که شاه می گوید که اگر من بروم، استقلال مملکت به هم می خورد!! آن که استقلال مملکت را حفظ کرده است آن عبارت از من هستم که حفظ کرده ام!! گاهی تعبیر به اینطور میشود، گاهی تعبیر می شود به اینکه اگر من بروم این مملکت تجزیه می شود يك مقداریش را روس ها می برند، يك مقداریش را انگلیس ها می برند و ایران می شود ایرانستان! نظیر مثلا ازبکستان! که يك چیزی می شود از، يك تکه ای می شود از يك مملکت دیگری و بنابراین باید من باشم تا استقلال ایران محفوظ بماند و ایران تکه تکه نشود! گاهی هم می گوید چهار قسمت، خود ایشان می فرمایند چهار قسمت می شود ایران، خوب يك قسمتش را لابد شوروی و يك قسمتش هم آمریکا و يك قسمتش هم انگلستان و يك قسمت هم مثلا برای خود ایران باقی می ماند!! تهرانش مال خود ایران، دیگر از این طرف آن طرف هر کدام مال يك طایفه ای می شود!! این اشکالاتی است به اصل اول که ما می گوئیم که نباید این سلسله باشد آنها می گویند که بسیار خوب همه این حرف ها درست که خلاصه چیزهای دیگر هم گفته اند که من مکرر در صحبت هایم گفته ام.

ارتش شاهنشاهی حربه ای برای نامین مقاصد اجانب

این مطلب که اگر ایشان نباشد استقلال مملکت به هم می خورد، این مردم دارند همین مطلب را می گویند، می گویند که با بودن شما استقلال نیست. باید ما حساب بکنیم که بینیم استقلال يك مملکت عبارت از چیست، بعد بینیم که آیا با بودن ایشان استقلال هست و اگر نباشد به هم می خورد؟! یا با بودن ایشان استقلال نیست و اگر برود استقلال پیدا می شود؟! الان کدام دستگاه اساسی دولت ایران استقلال دارد؟ خوب مهمتر از همه که ایشان خیلی به آن مثلا می نازند قضیه ارتش است که يك ارتشی است که گاهی ایشان تعبیر می کند که دیگر ما در مقابل همه ممالک و ابرقدرت ها، خودمان قدرت کذا هستیم و اینکه یکی از چیزهایی که در يك مملکتی اصلا باید مستقل باشد و دنباله غیر نباشد و دست غیر در آن نباشد عبارت از ارتش است. استقلال ارتش به این است که ارتش در تحت نظام خود مملکت باشد و

اجانب و کسانی که خارج از مملکت هستند در آن دخالت نداشته باشند ، پیوند به آنها نباشد . مستقل مقابل این است که پیوند به يك جای دیگری باشد ، تحت نفوذ يك قدرت دیگری باشد . ارتش ما مستقل است ؟ یعنی تحت نفوذ نیست ؟ ! یا ارتش ما را الان به قولی چهل و پنج هزار مستشار آمریکائی در ایران دارد اداره می کند .

الان ما يك ارتشی داریم که همه تحت فرمان حکومت ایران باشند ؟ ! ما حالا يك حکومت مستقلی ، فرض بکنیم خود حکومت يك حکومتی است که اراده اش مستقل است می خواهیم حالا- ارتشش را حساب بکنیم ارتش ایران جوری است که مال خود ایران است و برای خود ایران است و برای این ملت است و خدمتگزار این ملت است ؟ ! (ارتش اصولا- مال ملت است ، ارتشی است برای حفاظت مملکت و برای خدمت به ملت ، چنانچه هر حکومتی در هر مملکتی باشد ، خدمتگزار ملت است و از ملت) خوب ما این ارتش ایران را حساب می کنیم ببینیم که يك ارتش مستقلی است و ارتش ملی است و برای ملت است و به نفع ملت است یا يك ارتش بسته به غیر است و در خدمت غیر است و برخلاف مصلحت مملکت و ملت است .

این نفتی که از ما دارد می رود و هدر دارد می رود و دیگر این را همه کس می داند که این نفت زیادتز از این اندازه ای که احتیاج خود مملکت است خارج می شود و میرود به جیب آمریکا و سایر کسانی که می برند و در مقابلش هم آمریکا آنچه به ما می دهد عبارت از اسلحه است . به قول خودشان هیجده بلیون دلار اسلحه ، این اسلحه هایی که ما اصلا نمی توانیم استعمال کنیم و نمی فهمند در ایران که این چیست ، باید چه جور کرد تا کار بکند و حتما باید مستشارهای آمریکائی باشند تا بتوانند این کار را انجام بدهند ، این اسلحه آمده است به ایران ، نه برای مصلحت ایران بلکه برای پایگاه درست کردن برای آمریکا منتهی آن عوضی که آمریکا به ما می دهد در مقابل این پایگاه ، این است که نفت مان را ببرد . هم نفت ما را می برد و هم آن چیزی که در مقابلش به ما می دهد این است که پایگاه برای خودش درست می کند یعنی اگر چنانچه ابتدا آمریکا می گفت که من خیال دارم پایگاهی در ایران درست کنم در مقابل شوروی ، آن ایستاده بود در مقابلش و می گفت غلط نکن . اینها با این صورت که نفت می برد و می خواهد مملکتش يك مملکت قدرتمند باشد ، از این جهت هیجده بلیون دلار تاکنون در مقابل نفت ، ایشان اسلحه خریده است به حسب آنطوری که کارتر گفته است و این هیجده بلیون دلاری که اسلحه خریده اند و اسلحه هائی که ما نمی توانیم ، ایران نمی توانند استعمال کنند ، جز برای این است که اینها می خواستند يك پایگاه هائی درست کنند ، با این صورت درست کردند ؟ الان هم در کوهستان های ایران ، پایگاه های اینها ، پایگاه های زیر زمینی شان موجود است . این نفت ما را که کارگرایش دست از کار برداشتند و گفتند نمی خواهیم نفت مان را بدیم ، کی فشار آورد به این کارگر که باید سر کار باشید و چرا فشار آورد ؟ چرا با سرنیزه می خواهند و ادار کنند ، (یعنی ارتش) چرا این ارتش با سرنیزه می خواهد و ادار کند به اینکه این کارگراها سر کار بروند ؟ این کارگراها سر کار بروند و این نفت را و این طلای سیاه را جریان بدهند برای ممالک دیگر ، برای آمریکا ؟ برای اینکه ارتش ، ارتش ما نیست ،

ارتش استقلال ندارد. اگر ارتش استقلال داشت نمی شد ما بگوئیم که ارتش مستقل خودش پیش خودی می خواهد به آمریکا نفت برساند. ارتش يك ارتش وابسته به آمریکا هست و تحت فرمان مستشارهای آمریکائی هست، از این جهت همین ارتش را استعمال می کنند برخلاف چیزی که ملت می خواهد. ملت می گوید نفت مال خودمان، ارتش می گوید نفت مال آمریکاست.

عمل ارتش این است که با سرنیزه، الان در آبادان و آنجا با سرنیزه مردم را می خواهند وادار کنند و کارگرهای شرکت نفت را می خواهند وادار کنند به اینکه بروید مشغول بشوید برای نفت، نفت را صادر بکنید. این کارهایی است که ارتش دارد به ملت ایران، خیانتی است که دارد به ملت ایران به دست ارتش، یعنی بزرگ های ارتش این خیانت را به مملکت ایران دارند می کنند اینها هم تحت نظارت کس دیگری هستند و خود آمریکاست که در اینجا این کار را دارد انجام می دهد. پس ما که ادعا می کنیم که اگر تو بروی مستقل می شویم، یعنی اگر تو بروی دیگر ارتش همچنین نیست که تحت فرمان آمریکا باشد و مردم را وادار کند که، یعنی کارگرها را وادار کند که نفت را بدهید. حالا وادار می کنند کارگرها را که نفت را به آمریکا باید جاری بکنید و از جیب ملت ایران در هر روز چقدر نفت بیرون بکنید بدون اینکه به این ملت ایران يك نفعی برسد. این همین طوری این اموال ایران دارد از بین می رود و يك مقداری از آن توی جیب شاه و این شصت هزار نفری که می گویند که اتباع خورنده این قضیه هست، يك مقدار زیادترش هم توی جیب آمریکا و انگلستان و گازش را هم شوروی می برد و حالا مردم می خواهند ندهند این را، ارتش می گوید بدهید. ارتش اگر مستقل بود نمی گفت بدهید، چون وابسته است می گوید. پس ما ارتشمان که یکی از اموری است که ایشان می گوید همیشه که ما استقلال داریم، استقلال داریم و ارتش داریم و ارتش داریم، ارتش ما به این صورت است، الان وضع ارتش ما این است، این ارتش ما در خدمت خلق است؟! در خدمت مردم است و ملت است؟! یا اینکه بر ضد ملت است؟! ملت کی هستند؟! ملت همین بازاری و همین - عرض می کنم که - زارع و همین کشاورز و همین صنعتکار و همین اداری و همین چیز است، اینها که همه ایستاده اند و می گویند ما نمی خواهیم. ادارات دولتی یکی پس از دیگری اعتصاب می کنند و فریاد می زنند که نمی خواهیم سر این کارها برویم که نفعش به دیگران برسد، ما کارها را رها می کنیم. دانشگاه ما الان تعطیل است دانشگاه های ما تعطیل است، مدارس علمی ما الان همه تعطیل است، همه بساط الان معطل است، تمام قشرهای ایران، هر جا بروی، دست روی هر کدام بگذاری تعطیل است الان. این تعطیلات، اینها روی چه مقصد تعطیل کردند و اینها روی چه مقصدی می شکنند این تعطیلات را؟ مردم که تعطیلات را و اعتصابات را می کنند، به چه مقصد اعتصاب می کنند؟ باید دید که چه می گویند، خواسته هایشان چیست. خواسته هایشان یکی این است که ما نمی خواهیم این سلسله را. این یکی از خواسته هاست که حتی در شرکت نفت همین یکی از خواسته هایشان بود که ما شاه نمی خواهیم، این شاهی که به ما اینقدر دارد خیانت می کند و ما، وجدانی این است که ما داریم چقدر نفت خارج می کنیم به ممالک دیگر.

ملت قیام کرده است که استقلال و آزادی بگیرد، ارتش قیام کرده است که نگذارد استقلال،

نگذارد آزادی، ارتش اگر يك ارتش در خدمت مردم بود، يك ارتش مستقل بود که ارتش بود برای ایران و تحت فرمان يك ملت، يك ملتی بود، و ملتی که همه چیز باید در دست او باشد، ارتش هم تحت فرمان او بود، استقلال داشت این ارتش، در مقابل ملت نمی ایستاد که يك ملت اعتصاب می کند ارتش اعتصاب را می خواهد بشکند، روسای ارتش فرمان می دهند و - عرض می کنم که - نخست وزیر ارتشی فرمان می دهد و اینها هم میریزند و می زنند می کشند، چه می کنند که اعتصابات را بشکنند. اعتصابات مردم روی این است که ما استقلال می خواهیم، ما آزادی می خواهیم و ما حکومت اسلام می خواهیم کسی که اعتصاب را می شکند این در مقابل این خواست ملت است که او می گوید آزادی می خواهم این می گوید نه نباید آزادی بشود، مقابلش است دیگر، اگر او هم با ملت همصدا بود که دیگر نمی آمد بشکند این اعتصاب را این اعتصابات را که می شکند برای این است که مخالفند با این خواست ملت. خواست ملت استقلال است، اینها با آن مخالفند، ارتش خود مملکت با استقلال مخالف است، ارتش خود مملکت هم فرمانده اولش عبارت از شاه است به حسب قواعد ارتشی و به حسب واقع فرماندهش عبارت از کارتر است، واقع مطلب این است، با مستشارهائی که حالا آمده اند. ما استقلال داریم؟ مگر استقلال با يك لفظ درست می شود؟ عرض کردم که الفاظ در زمان ما معانی خودش را از دست داده است، اصلا الفاظ خیلی الفاظ خوشگل است، خیلی بزرگ کرده است لکن محتوی ندارد الفاظ، (استقلال)، محتوی ندارد، (ما استقلال داریم، اگر من بروم استقلال مملکت از دست می رود! مملکت تجزیه می شود!) آن مردك هم می گوید که از باب اینکه آزادی تندی به مردم داده، سریع آزادی داده است، از این جهت صدای مردم درآمده است!! اصلا الفاظ معنای خودش را از دست داده است. لفظ يك لفظی است، معنا معلوم نیست این باشد، يك چیز دیگر معنایش است. ما استقلال داریم؟! هر جا که دست بگذاری استقلال نداریم، وابسته ایم. این ارتش که در راس همه چیزهاست نسبت به مقاصد شاه که همیشه به ارتش، این می نازد، این ارتشش که اینطور است، نه در خدمت مردم است و ملت است و در خدمت آمریکاست برای اینکه - منافع او را - می کشد ملت خودش را که منافع او چیز بشود تحقق پیدا بکند.

دانشگاه استعماری، تامین کننده منافع اجانب

خوب می آئیم سراغ فرهنگ، يك فرهنگ مستقل ما داریم؟ يك فرهنگی که دخالت غیر در او نباشد؟ يك دانشگاه هائی که مستقل باشد و خودش فکر کند، تحت فرمان خود رئیس های دانشگاه باشد، ما همچو چیزی داریم؟ ما همچو فرهنگی خواب دیدیم؟ از آنوقتی که فرهنگ، از اول مشروطه تا حالا، از اول مشروطه تا حالا ما يك فرهنگی که فرهنگ صحیحی باشد داشتیم؟ یا يك فرهنگ وابسته بوده یعنی يك فرهنگی بوده است که دیگران برای ما درست کردند، دلیل این است که اگر لوزه شاهزاده زهر ماری - چیز بشود - ورم بکند و مرض لوزه پیدا بکند از آمریکا و اروپا برایش طیب می آورند یا می برند آنجا. اگر ما يك فرهنگ صحیحی داشتیم، خوب آنوقت ما دانشگاه مستقل صحیح

داشتیم ، اگر دانشگاه مستقل صحیح داشتیم ، طیب صحیح مستقل داشتیم ، ما يك اسفالت وقتی که می خواهیم درست بکنیم دستمان را دراز می کنیم که از يك جای دیگر بیایند برای ما اسفالت کنند زمین هایمان را ، آنهم با آن فصاحت ها . محیر العقول است قضیه اسفالت های ایران ، قضیه آن افراط کاری هائی که در آنجا می شود و از بین بردن مال ملت به اسم اسفالت کردن يك جاده ای - ما اسفالتمان را هم - ما يك بنا می خواهیم و يك مریضخانه می خواهیم درست کنیم باید حتما از خارج بیاوریم يك کسی نقشه بدهد برایش که چه جوری درست کنیم . اگر ما يك فرهنگی داشتیم ، الان بیشتر از هفتاد سال است که ما مدارس جدید داریم ، از آنوقتی که دارالفنون درست شده است ، چقدر سالهاست که ما دانشگاه داریم ، اگر این دانشگاه ها يك دانشگاه هائی بود که به نفع این ملت بود یعنی این جوان های ما را گذاشته بودند تحصیل کرده بودند درست ، برنامه ، برنامه استعماری اگر نبود ، آدم درست شده بود حالا ، حالا جوان های ما جوان هائی بودند که در مقابل دولت می ایستادند . اگر ما يك دانشگاه مستقل داشتیم کار مملکت ما نمی رسید به اینجائی که هر جایش دست بگذاری خراب است . این نیروی مهم مملکت ما که عبارت از نیروی جوان است ، این را از بین بردند ، دیگر این نیروها را همه را به هدر داده اند . این جوان هائی که در خارج آمدند در همین قضیه نیروی اتمی و انرژی نمی دانم کذا ، اینجا کار می کنند در خارج ، اینها پیش من آمدند دو تا دسته شان آمد ، يك دسته شان هم زیاد بود ، جمعیت شان آمدند ، يك دسته شان می گفتند (که همه در آن متفق بودند) که این کار ، کار لغوی است که دارند می کنند کار بیخودی است برای اینکه این معنا را می گویند درست می کنیم برای اینکه اگر نفت باشد کذا ، بعد از آن نفت تا بیست سال دیگر فرض کنید هست بعد از بیست سال دیگر نیاز دیگر نیست ، اصلا این کار ، کار غلطی است و مهم این است که اینها می گفتند به اینکه ما را نمی گذارند تحصیل کنیم ، ما را در يك حد پائین نگه داشته اند نمی گذارند بالا برویم ، تحصیلات ما در ایران زیادتر از این مقداری است که حالا به ما اینجا چیز می کنند ، ما را آورده اند اینجا در يك سطح پائینی نگه داشته اند برای اینکه ترقی نکنیم ، نمی گذارند جوان های ما تحصیل بکنند . در داخل ایران و دانشگاه های ایران نمی گذارند که ، یعنی برنامه يك جور برنامه ای است که اینها را در يك حد معین نگه دارند ، برنامه استعماری است . يك فرهنگ وابسته ما داریم ، ما يك فرهنگ مستقل نداریم . آن فرهنگ - مستقله - وابسته به دولت های استعماری می خواهند که اینها را همین طور عقب مانده نگه دارند آن آقا که می گوید که من دروازه تمدن بزرگ !! به دست این آقا این جوان های ما در مرتبه پائین قرار گرفته اند و هیچ نمی گذارند اینها ترقی بکنند . این هم فرهنگ ما که فرهنگ استعماری است و عقب نگه داشته شده که نگذارند جلو برود ، نه طیب يك طیب تام و تمامی باشد نه يك مهندس درستی از کار در آید یا نمی دانم نه يك چیز دیگری ، تمام اینها را . اصلا مملکت را از حیث قوه نیروی جوان فلج کرده اند ، الان ما نیروی جوان نداریم . این فرهنگ ما ، جزء فرهنگ ما که الان خیلی رواج دارد ، این فسادهایی که در ایران هست ، اینها را جزء فرهنگ حساب می کنند! سینماها جزء فرهنگ است !! اینها از ثبات فرهنگ است ! کدام سینماها ؟ همین هایی که همه جوان ها ، نیروی جوان ما را از بین برده است یعنی

جویش کرده ، همچو فلجش کرده که هر چه ، هر چه واقع بشود به نظر او چیزی نیست ، او مشغول عیش و عشرتش باشد کافی است ، اینطور دارند درست می کنند . ریشه این مملکت را اینها از بین بردند و دارند می برند . هر مملکتی به نیروی انسانیش مملکت است . اگر نیروی انسانی در کار نباشد مملکت دیگر مملکت نیست . اینها نیروی انسانی دارند از بین می برند . همه جا نیروی انسانی از بین رفته است و خشکیده است تقریبا ، پس ایشان اگر بروند استقلال فرهنگی از بین می رود! کدام استقلال داریم که از بین برود ؟ حالا شما بروید ، استقلال می رود! این چه جور می شود دیگر ، مملکت ما چه می شود ، استقلالش از بین می رود و ما استقلال می خواهیم .

اصلاحات ارضی و صنایع مونتاژ حربه ای برای استعمار اقتصادی

درد مملکت ما این است که استقلال ندارد ، نه استقلال فرهنگ دارد ، نه استقلال ارتش دارد ، نه استقلال اقتصاد دارد . اقتصادش وابسته است ، یک کار صحیح نمی کنند اینها ، یک اقتصاد وابسته ای که مونتاژ است به اصطلاح خودشان ، باید از خارج بیاورند ، بخرند ، ما مصرف هستیم ، بیاوریم مصرف کنیم ، یک مملکت مصرفی هستیم . یک زراعتی این ایران داشت ، یک زراعت و کشاورزی ایران داشت که محتاج نبود به خارج یعنی صادر می کرد صادر کننده بود یعنی یک ناحیه آذربایجانش ممکن بود ایران را اداره بکند ، یک ناحیه خراسانش یا فارسش ممکن بود که ایران را اداره بکند ، حالا رسیده به آنجائی که خود اینها در حساب می گویند که 30 روز یا 33 روز ما برای مملکت مان چیز داریم بقیه اش را باید دستمان را دراز کنیم به غیر .

تمام این جهاتی که این مملکت ما ممکن استفاده بوده است ، تمامش را به غیر داده اند ، ملی کرده اند مراتع را . اینهایی که من عرض می کنم ، به من اشخاص با سند نوشته اند ، من الان پیشم نیست مع الاسف آن را به نجف فرستاده بودند ، آنجاها هست (حالا گم شده یا چیز شده ، نمی دانم) که بهترین مراتع (مرتع یک طرفی بود که نوشته بود مراتع کجا) ، بهترین مراتع که وقتی کارشناس های انگلستان آمدند آنجا گفته بودند بهترین مراتع ، مرتع فلان جای ایران است که در آن همه چیز دامداری می شود کرد و این را به ملکه انگلستان و یک دسته دیگری دادند . این مراتع . جنگل های ما ملی شده است . جنگل را هم دادند به یک دسته دیگر . اصلا دارند ، همین طور ریخته اند سر این سفره و همه دارند می چاوند ، یک قدری از آن هم به جیب ایشان می رود و برای حفظ ایشان است . اینکه می بینید که از هر گوشه صدا در می آید به اینکه ما طرفدار هستیم ، عاشق چشم و ابروی کسی نیستند آنها آنها نفت ما را می خواهند ، بهتر از این کسی نیست که نفت ما را به آنها بدهد . اینها می خواهند که یک مملکتی به اسم اصلاحات ارضی یک بازار بشود برای آمریکا . آمریکا گندم هایش را می ریخت دور ، توی دریا می ریخت ، حالا بهتر از این چی که بدهد به ایران و از آن نفت بگیرد ، از آن پول بگیرد . یک مملکتی را دامداریش را بکلی از بین بردند ، زراعتش را بکلی از بین بردند ، مراتعش را به غیر دادند ، همه چیز آن را از بین بردند و الان شما برای همه چیز محتاجید که اگر یک وقت جلویش را بگیرند ، مملکت ایران

بعد از 33 روز دیگر باید همه گرسنه بمانند. این مملکتی است که اگر ایشان نباشد دنیا به هم می خورد!! مملکت، دیگر مملکت نیست!! (ما مملکت که می خواهیم، پس بگذارید من باشم که این مملکت باشد!!) در نطق چند روز پیش از این گفت که: (بیائید همه فکر کنیم برای مملکت) ما هم همین را می گوئیم، همه ملت روی همین فکر است که دادشان بلند است. مردم به فکر مملکتشان نبوده اند، حالا افتاده اند به فکر مملکتشان، حالا دارند فکر می کنند برای مملکتشان که دادشان بلند شده است که آقا چه خبر است اینقدر می خورید؟ ورم کرده اند و خدا می داند، نمی دانید اینها چه جوری می چایند، ما هم نمی دانیم، شما هم نمی دانید بعدها اینها کشف می شود که چه کردند به روزگار این ملت و این مملکت. ما چه چیز داریم؟ چه استقلالی داریم که اگر شما نباشید استقلالمان می رود؟ استقلال فرهنگی داریم که برود از دستمان؟ استقلال نمی دانم اقتصادی داریم که از دستمان برود؟ استقلال ارتشی داریم که از دستمان برود؟ چه استقلالی داریم که شما اگر نباشید آن استقلال از دست ما می رود؟ حالا شما برو ما امتحان کنیم ببینیم که (خنده حضار) این منطق اینهاست برای همان حرف اولی که ما عرض کردیم که ملت ایران خواهانش هستند، که رفتن ایشان است، خواهان این هستیم، این هم اشکالش به اینکه اگر من نروم چیست، حالا خود اینکه همیشه از این حرف ها می زند.

قیام مردم ایران، قیامی بی نظیر در طول تاریخ

حالا يك دسته دیگری هم هستند که می خواهند او را نگه دارند، دیگر حالا چه مقاصدی آنها دارند، خوب بعضی از آنها معلوم است، دلشان می خواهد وزیری بشوند و چه بشوند و می بینند که ملت اگر روی کار بیایند آنها دیگر باید بروند سراغ کارشان، از این جهت آنها هم دست و پا می زنند به اینکه بلکه او را نگه دارند و این ملت دیگر زیر بار اینها انشاءالله نمی رود و این را بدانید که سرنیزه نمی تواند حکومت کند. يك وقت این است که مردم بیدار نشده اند و هر کس مشغول کار خودش است، آنوقت بله، این سرنیزه هم لازم ندارد، همان بدون سرنیزه، همان با ارباب، همان با ترساندن چند تا ستاره که اینجا باشد، مردم می ترسند. يك وقت تحول پیدا شده و حالا شده، حالا يك نمونه است یعنی شما در طول تاریخ در هر جایگاه کنید مثل این نمونه ایران پیدا نمی کنید، در تاریخ ایران که نیست در تاریخ های دیگر هم معلوم نیست پیدا بکنید که يك مملکتی ملتش يك جور بودند، در يك مدت کوتاهی شدند يك جور دیگری، اصلا عکس آن شده اند. يك روز بود که چهارم آبان را ابداء ممکن نبود که تخلف کنند از اینکه بیرق بزنند، میل باطنی نبود، نه اینکه برای خاطر مثلا میل باطنی شان این کار را کردند لکن پاسبان می گفت، دیگر با پاسبان که نمی شود در افتاد. اینطور بود مساله. در ظرف مدتی این ملت تبدیل شد به يك ملت دیگری، حالا يك ملت دیگری شده که بچه كوچك و پیر مردش هر دو فریاد می کنند، توی خیابانها داد می زنند به اینکه مرگ بر این کذا و شاه و بر این سلطنت پهلوی. آن تبدیل الان شده است یعنی يك مملکتی سر تا پایش عوض شده است، يك وقت يك جوری بوده حالا شده يك جور دیگر، این را نمی شود با سرنیزه خاموشش کرد، سرنیزه هم

چنین قدرتی ندارد و لهذا ما دیدیم حکومت نظامی کردند - باید دو نفر بیشتر - بر حسب حکومت نظامی، اعلام حکومت نظامی از دو نفر بیشتر نباید با هم باشند، مردم هم گوش کردند به این حرف!! 50 هزار، 100 هزار، 200 هزار، 300 هزار هر گوشه مملکت تظاهرات کردند، همان جایی که حکومت نظامی بود بعد از آن حکومت نظامی را بالاترش کردند (اگر بالاتری داشت) و نخست وزیر نظامی آوردند و دولت شد دولت نظامی، باز همان مساله است. دیگر نظامی را مردم دیدند و سنجیدند و شکستند نظامی را، قدرت ملت یعنی قدرت مشت بر تانک غلبه کرد. قدرت دین، قدرت ایمان غلبه کرد بر تانک و توپ. این قدرت، قدرت الهی است. قدرت الهی با همین مشت ها غلبه کرد بر تانک ها و بر توپ ها و بر مسلسل ها و اینها و لهذا نظامی اش، حکومت نظامی اش شکست و دولت نظامی آمد. دولت نظامی اش هم همین حرف است، چیز تازه ای نیست، آن وقت نخست وزیرش يك نفر آدم چه بود، حالا نخست وزیرش يك نفر آدم نظامی است، هر دو، دو تا پیرمردند که به درد نمی خورند (خنده حضار) و ما فرض می کنیم که اینهم که بگذرد، خوب پله بعدش اگر عقلشان باز به همین قدر باشد، این هم که بگذرد يك کودتای نظامی که شاه برود و يك نظامی روی کار بیاید، باز همان نظامی است و يك چیز تازه ای نیست، همان نظامی که آن روز حکومت نظامی بود و مردم شکستند، او را و الان شکسته است. فردا همین است، يك چیز تازه ای نیست، مردم همه چیز را دیده اند، يك چیز غریبه ای نمی بینند که بترسند از آن، همین نظامی است، اسمش را می گذارد کودتای نظامی، این هم شکسته می شود. نمی شود يك مملکتی که همه ایستاده اند و مشت ها را گره کرده اند و می گویند بزنید و ما استقلال می خواهیم، ما رد نمی شویم، مرد و زنش يك مطلب دارند آن زنی که چهار تا بچه اش را کشتند، در بهشت زهرا آنطور فریاد می زند و داد می زند و مردم را دعوت می کند به اینکه دست بزنید، بچه های مرا زدند گریه نکنید، دست بزنید که آن شخص می گفت که مردم گریه کردند و دست زدند. این چیز تازه ای است که مردم برای خاطر آن که کشته شده است گریه می کردند و آن زن می گفت که نه گریه نکنید دست بزنید، مردم، هم دست می زدند برای خاطر این و هم گریه می کردند برای مصیبتی که وارد شده، يك همچنین مملکتی را نمی شود با سرنیزه عقبش زد.

زنده نگه داشتن نهضت، تکلیفی بر تمام اقشار ملت

این نهضت را نگه دارید آقایان، تکلیف همه است، تکلیف من آخوند است، تکلیف آن آفاست، تکلیف شمای بازاری یا کارگر یا دانشمند است، همه، همه تکلیف داریم که این نهضتی که در ایران پیدا شده دامن به آن بزنیم. با این نهضت شما می توانید استقلال خودتان را بگیرید و می توانید آزادی برای خودتان تهیه کنید و شما و ما الان مسؤول خدای تبارک و تعالی هستیم و مسؤول نسل های آتیه هستیم که يك چنین نهضتی پیدا شده و نتوانستید و عرضه اش را نداشتید که از آن استفاده بکنید. عرضه داشته باشید که استفاده کنید از این نهضت. این نهضت را نگذارید بخوابد، نگذارند آنهایی که روسای امور هستند، احزاب هستند، علما هستند طلاب هستند، بازاری هست، دانشگاهی هست، -

عرض می‌کنم که - دادگستری هست ، وکلای دادگستری هست ، این قشرهایی که در مملکت هستند نگذارند که بخوابد این اعتصابات و نگذارند بخوابد این نهضت زنده ای که الان در ایران هست . اگر خدای نخواستہ این نهضت بخوابد تا آخر الابد زیر بار ظلم هستیم و این دفعه اگر این شمشیر این مرد کشیده بشود تمام نسل هایتان را قطع خواهد کرد .

سیاست قدم به قدم ، عاملی برای خاموشی نهضت

من به این بعضی از این آقایان که آمده بودند و می‌گفتند که سیاست قدم به قدم ، خوب حالا یک قدم بردارید و بعدش صبر کنید یک مدتی بگذرد بعد قدم دوم را بردارید ، گفتم آقا اگر شما این قدم را سست کنید ، قدم دوم قدم های شما را می‌شکنند ، اینطور نیست که اینقدر صبر کنید که شما قدم اول برداشتید حالا ایشان سلطنت کنند ، نه حکومت . (بعد از اینهمه جنایات حالا دیگر بیایند آقا سلطنت کنند نه حکومت!) این اگر پایش مستقر بشود ، دنبال این هستند که این نهضت را بخوابانند به هر شکل که می‌توانند اینها دنبال این هستند و اگر این نهضت بخوابد ، این آتشی که در دل مردم روشن شده است اگر این بخوابد و این آتش خاموش بشود دیگر امکان ندارد که این نهضت پیدا بشود یا شبیه آن پیدا بشود و من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که انشاءالله کمک کند به این نهضت و کمک می‌کند انشاءالله به شرط اینکه شماها همه برای خدا ، برای اقامه دین خدا قیامتان باشد . خداوند تایید می‌کند شما را انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در مورد اقدامات خلاف قانون اساسی و خائنانه رژیم رسوای پهلوی

اصل اول این است که ملت رژیم پهلوی را نمی خواهد

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

راجع به این مطلبی که ما می خواهیم و ملت خواست، که آن اصل اول که ملت می گویند که ما رژیم پهلوی را نمی خواهیم ما شاه را نمی خواهیم، این سلسله پهلوی را نمی می کنند، اینها تشبیهاتی کردند و دست و پاهائی هم دارند می کنند. در زمان آن نخست وزیر جلوتری تعبیرش این بود که مردم چون شعار برخلاف قانون اساسی می دادند از این جهت مردم را کشتند. مقصودش این بود که مردم می گفتند که مرگ بر شاه، ما شاه را نمی خواهیم و این خلاف قانون اساسی بود!

خوب، اول يك جهت را باید بگوئیم بعد هم يك بررسی بکنیم و ببینیم خلاف قانون بوده یا نه. يك جهت اینکه خوب حالا اگر يك کسی شعار برخلاف قانون اساسی داد او باید به مسلسل بسته بشود و کشته بشود؟ یا خوب قوانین دارد، يك کسی برخلاف قانون اساسی فرض کنید که مخالفی کرد، روی قوانین باید چه بشود و ثانیاً ببینیم که، بررسی در این موضوع که ملت برخلاف قانون اساسی شعار می داده یا شاه برخلاف قانون اساسی شاه بوده است؟ اگر يك شاهی بود که (حالا روی قوانین اساسی مباحث می کنیم) اگر يك شاهی بود، يك سلسله ای بود که به حسب قانون اساسی این سلسله روی کار آمده بود که قانون اساسی این است که ملت باید يك کسی را رای بدهند تا اینکه شاه بشود، خود همین آقای شاه هم گفتند که در قانون اینطور است که سلطنت يك موهبت الهی است که مردم می دهند به شخص سلطان، خوب باید ببینیم که آیا مردم این را اعطاء کردند به ایشان تا اینکه اگر شعاری برخلاف داده شد، شعار برخلاف قانون اساسی باشد؟ یا مردم اصلاً اطلاعی از این مسائل نداشتند؟

حکومت رضاخان نیز بر اساس سرنیزه و کودتا بود

اول که رضاخان آمد روی کار با کودتا آمد و تهران را گرفت و همه کارهائی که رضاخان کرد، کارهای سرنیزه ای بود اصلاً به ملت کسی اعتنا نداشت چنانچه حالا هم به ملت اینها اعتنا ندارند. از اول که او آمد روی کار، آن را من یادم هست از وقتی که او آمد، شماها شاید هیچ کدام یادتان نباشد،

(اکثرا البته) لکن خوب، من شاهد قضایا بودم، من یادم است همه را، ایشان کودتا کرد و آمد تهران و ابتدای امر خیلی اظهار دیانت و اظهار اسلامیت و در ماه محرم، در شبهای ماه محرم گاهی می گفتند پابرهنه این طرف آن طرف می رود برای عزاداری و همه این تکیه هائی که در تهران برپا بود ایشان می رفت این تکیه ها و پیش صاحب تکیه ها اظهار اسلامیت و اظهار ایمان می کرد تا وقتی که پایش يك قدری مستقر شد (ابتدائش اینطور بود) تا وقتی که حکومتش يك حکومت مستقری شد، آنوقت که حکومت، حکومت مستقر شد، دست به نيزه برد و سرنيزه برد و کوييد همه اقشار ملت را، آنوقت هم مثل حالا نبود که، یعنی مثل این يك سال که ملت يك تحولی درش پیدا شده باشد که مطالب را (چرا) بگويد و قیام برخلاف بکند، هیچ ابدأ صحبت از اینکه يك مطلبی برخلاف رای رضاخان بگویند هیچ این مسائل نبود، با سرنيزه آمد و با سرنيزه مجلس درست کرد بدون اینکه ملت اصلا اطلاعی از وکلایش داشته باشد و اطلاعی از مسائل اصلا داشته باشد. رضاخان هم معلوم نبود که خودش يك همچو کاری کرده باشد، لیست هائی از طرف (به طوری که شاه می گوید) سفارتخانه ها آوردند و می دادند و همین لیست تعیین می کرد که کی وکیل کجا، کی وکیل کجا، اینها را هم مامورها می رفتند و وکیل می کردند يك عده ای از وکلایی که انتصاب ابتدایی از سفارتخانه ها بود (زمان رضاخان سفارت انگلستان مهم بود و زمان ایشان هم سفارت آمریکا حالا- مهم است) لیست ها را آنها می دادند، افراد را آنها تعیین می کردند، منصوب از قبل آنها به حسب واقع بود و منصوب از قبل رضاخان و محمدرضاخان در آن زمان در دست دوم و به حسب ظاهر بود، اما مردم چه دخالتی داشتند؟

وکلاي مجلس فرمايشی شاه يا انتصاب دولت بودن يا سفارت آمريکا

اصلا در تمام دوره مشروطیت يك مجلس قانونی ما نداشتیم، يك مجلسی که همان قانون اساسی این مجلس را قبول بکند، حالا دوره اول مشروطیت همان دوره اولش چی بود آن را من نمی دانم اما آنقدری که ما در نظرمان هست، نبوده است يك مجلس قانونی. خوب یکی از چیزهائی که در متمم قانون اساسی است این است که باید پنج نفر از مجتهدین به تعیین مراجع تقلید، پنج نفر مجتهد در مجلس نظارت کند، اگر نباشد قانونی نیست مجلس، و در طول تاریخ مشروطیت شاید همان اول يك همچو چیزی شده است (حالا تمام یا نیمه تمام نمی دانم) لکن در این مدتی که ما خاطر داریم که تقریبا حدود شصت سالش را من یادم است این مسائل نبوده است، نه این پنج نفر اصلا در مجلس رفتند و نه مردم اطلاع داشتند از اینکه کسی را وکیل بکنند و اگر هم چنانچه در بعضی از جاها مثلا تهران گاهی وقت ها يك نفر را وکیل می کردند، مردم وکیل می کردند، اما در سایر جاها و تهران هم خوب بیشترش شاید وکلایش هیچ ارتباطی به مردم نداشتند، همه تعیینش از طرف خود دستگاه بود و در این زمان هم که همه ما می دانیم همه شما هم می دانید که هیچ ابدأ وکیل ملی ما نداشتیم که يك نفر، يك نفر از اینهائی که الان در مجلس هستند یا بودند اینها از طرف ملت نبودند، هیچ کدامشان از طرف ملت نبودند، اینها همه - را - از طرف دولت بود و نصب دولت بود و حالا یا لیستش را از سفارت

آمریکا می آوردند و می دادند که اینها وارد کنند یا به قول شاه، زمان پدرش لیست را آنها می دادند لکن زمان ایشان دیگر خیر، ایشان دیگر همچو چیزها نیست! علی ایحال يك مجلس رسمی ما نداشتیم که اگر قانونی در آن مجلس تمام بشود و به رای اکثریت واقع بشود قانون باشد. پس بنابراین آن مجلسی که در زمان رضاشاه تاسیس شد، مجلس فرمایشی بود که یا لیستش را سفارت انگلستان داده بود یا خود رضاشاه با سرنیزه مردم را، يك عده ای را وکیل کرده بود و مردم هم هیچ ابدا دخالتی در مساله نداشتند. پس آن مجلسی که او درست کرد يك مجلس غیر قانونی، غیر ملی، برخلاف قانون اساسی بود، آن مجلس برخلاف قانون اساسی آمد رضاشاه را نصب کرد به سلطنت و خلع کرد، یعنی مجلس مؤسسان درست کردند آنهم با سرنیزه نصب کرد او را به سلطنت و سلسله پهلوی را و خلع کرد سلطنت سابق را.

این طرز آمدن سلسله پهلوی روی کار و اصل اساس سلطنت پهلوی

شعار (مرگ بر شاه) ملت موافق قانون اساسی است

بنابراین شعار به اینکه (من سلطان هستم) خلاف قانون است، نه شعار به اینکه تو سلطان نیستی. اینکه آن مرد سابق، مردك سابق می گفت اینکه مردم را کشتم برای اینکه شعار خلاف ملی می دادند، شعار خلاف قانون اساسی می دادند! و مقصودش این معنا بود که شعار خلاف ملی، شعار خلاف قانون اساسی یعنی می گفتند مرگ بر شاه، دیگر مسائل دیگری را آنها ذکر نمی کردند، آنها داد می کردند مرگ بر شاه، ما شاه را نمی خواهیم، ما سلسله پهلوی را نمی خواهیم. این شعار برخلاف ملت، خلاف ملی بود، یعنی این ملت، ملت ایران چون همه شاهدوستند از این جهت کسی بگوید که ما شاه را نمی خواهیم شعار خلاف ملی است! با این که همه ملت گفتند، کدام ملت بوده است که این برخلاف او بوده است؟ خوب ملت، اکثریت ملت بلاشکال الان و سابق در دوماه پیش از این و در بعد از ماه رمضان و روز عید، این مردم، اکثر مردم بودند که می گفتند که ما نمی خواهیم شاه را و مرگ بر شاه، این شعار ملی است، ملی بوده است شعار ملت، نه شعار خلاف ملی بود، و شعارشان مخالف قانون اساسی نبوده است بلکه موافق قانون اساسی بوده برای اینکه قانون اساسی ایشان را به سلطنت نمی شناسد، ایشان سلطان نیستند به حسب قانون اساسی، مردم هم همین معنائی را که ایشان قانون اساسی گفته، گفتند. پس شعارهای مردم موافق قانون اساسی بوده است که شاه، نیست شاه، ما نمی خواهیم این شاه را و این شعاری که بگوید من سلطنت دارم و من سلطان هستم، من کذا هستم و این اعمالی که ایشان می کنند به عنوان سلطنت، علاوه بر اینکه اعمالش برخلاف قوانین اساسی است، قانون اساسی است حالا علاوه بر این اصل این نشستش به سلام به عنوان سلطنت، تاجگذاری به عنوان سلطنت، همه اینها برخلاف قانون اساسی است قانون اساسی ایشان را به سلطنت نشناخته، وقتی نشناخت تمام این و تمام فروعی که متفرع بر اوست برخلاف قانون اساسی است.

اگر سرنیزه و حکومت نظامی را بردارید، با انجام يك فراندم حقیقت آشکار می شود

در این دولت بعد از آن دولت هم این صحبت را می آوردند که هر کس قانون اساسی را قبول دارد این اشخاصی که در خارج مملکت هستند و زندگی می کنند، آنهایی که در اروپا هستند، اینهایی که در جاهای دیگر هستند، اینهایی که قانون اساسی را قبول دارند بیایند، هر که قانون اساسی را قبول ندارد نیاید و مقصودشان همین بود، یعنی هر که قبول دارد که این شاه، شاه است بیاید و هر کس قبول ندارد نیاید. این هم روی این ترتیبی که من عرض کردم این هم صحیح نبوده حرف اینها برای اینکه آن کسی که شاه را قبول ندارد او موافق قانون اساسی هست حرفش، نه آن کسی که می گوید شاه باید باشد. این یکی از تشبثاتشان بوده است که از اول (حالا هم باز همین مسائل را می گویند، همین مطلب را می گویند) از اول هم اینها می گفتند که اینکه گفته بشود و ملت بگوید که ما شاه را نمی خواهیم این خلاف قانون اساسی است، خوب حالا- ما فرض می کنیم که این قانون اساسی بوده و همه این اشکالات رفع و ایشان موافق با قانون اساسی آمده است و به اریکه سلطنت نشسته است، از چند جهت باز اشکال است. يك جهت اینکه خوب همین مردمی که شما را رای دادند و قانون اساسی شده است برای خاطر رای مردم و ماده قانون اساسی که این يك موهبت الهی است که مردم می دهند به شخص سلطان، همین مردم حالا می گویند (نه)، اگر می گویند درست نیست این حرف فراندم کن، فراندم کن، یعنی سرنیزه را بردارید، حکومت نظامی و دولت نظامی را بردارید و مردم را آزاد بگذارید بعد بگویند که آقا هر کس که این سلنت را قبول دارد بیاید در شمال شهر، هر کس قبول ندارد برود در جنوب شهر، ببینید شمال شهر بیشتر جمعیت پیدا می شود یا جنوب شهر. اینها امتحان کنند، اگر راست می گویند که می خواهند اینها مطابق قانون اساسی عمل کنند و عمل به قانون اساسی يك اصلی است پیش اینها، ما ادعای این را داریم که الان - ملت قانون اساسی - قبول می کنیم این ماده قانون اساسی را که قانون اساسی گفته است که سلطنت يك موهبتی است الهی که مردم به شخص شاه می دهند (حالا اشکالات دیگری که بعضی شب های دیگر کردم، آنها را ما همه را کنار می گذاریم قبول می کنیم این مطلب را از ایشان) لکن ملت باید این را هبه کنند و بدهند به شخص سلطان، حالا اگر ملت آمدند گفتند که بابا نمی خواهیم این شاه را، همان ملتی که اعطا کرده بودند حالا بگویند (نه)، به حسب قانون اساسی (نه) صحیح است، آن (آره) درست است یعنی آره تا حالا، از حالا به بعدش دیگر سلطنت نه. بنابراین به حسب قانون اساسی روی فرض ما قبول کردن اینکه از اول سلسله پهلوی صحیح بوده است سلطنتشان، موافق قانون اساسی هم بوده است، همه جهات را قبول کنیم، الان که مردم می گویند (نه)، الان دیگر ایشان سلطنت ندارند. پس الان ادعای سلطنت، قرار دادن نخست وزیر برای يك مملکت نمی دانم هر کاری که انجام می دهد که از شوون سلطنت است، ایشان حق ندارد قرار بدهد، حق ندارد که نخست وزیر قرار بدهد. پس نخست وزیر هم برخلاف قانون است، برخلاف قانون اساسی است.

سلطانی که به سوگند خود وفا نکند خائن و متخلف است

علاوه بر اشکالاتی که در خود اینها هست، علاوه اگر چنانچه ما يك سلطانی را، مردم يك سلطانی را قرار دادند و همه شان رای به او دادند، این سلطان (چنانچه خود ایشان هم این کار را کرده) آمده است و قسم خورده است به اینکه من خیانت نمی کنم و مذهب را حفظ می کنم، خدمت می کنم، وفادارم به مذهب و به ملت خیانت نمی کنم، این چیزی است که قسم خورده است، ایشان به این قسمش وفا کرده است؟! اگر يك سلطان قسم خورد که من خیانت نمی کنم و بعد خیانت کرد، این دیگر سلطان نیست این تخلف کرده پس سلطان نیست.

ایشان خیانت نکرده است به این مملکت؟! ایشان نفت ما را همین طوری نداده است به آمریکا؟! ایشان نظام ما را تحت نظر مستشارهای آمریکائی قرار نداده است؟! ایشان در خدمت آمریکا نیست؟! در خدمت شوروی نیست؟! اگر نیست چرا تاییدش می کنند؟! چطور شد که اینقدر یقه درانی می کند کارتر برای ایشان؟! قوم و خویشش که نیست. فرض هم این است که ایشان خدمتی برای آنها نمی کند، اگر ایشان خدمتگزار نیست، خوب فرق ما بین این و دیگری نیست. چطور شد که الان از هر گوشه ای اینهایی که منافع در ایران دارند و دارند مال مفت این مملکت را مفت می خورند، نفتش را می برند و پایگاه برای خودشان درست می کنند عوض پول نفت، نفت ما را می خورند و می برند و به اسرائیل که دشمن سر سخت مسلمین و اسلام است می دهند، اگر بنا باشد که اینها خدمتگزار به خارجی نباشند و خائن به مملکت نباشند، تسلط ندهند آنها را بر مملکت، چطور شد صدا در آمده حالا؟! چرا، چرا نخست وزیر انگلستان می گوید (ما آنجا منافع داریم، ایشان به ما خدمت کرده است، حالا باید ما عوضش کمک بکنیم به او) پس چرا تکذیب نکرد این حرف را؟

چطور کارتر می گوید که (ما هیجده میلیارد اسلحه دادیم به اینجا و خطر است برای ما، ما چطور هستیم، اینجا برای ما منافع دارد). شما هیجده میلیارد اسلحه ای که به درد ما نخورد به ایشان تحمیل کردید و ایشان به شما خدمتگزاری کرده است این خیانت نیست به يك مملکتی؟! خوب ایشان خیانت کرده، بعد از اینکه خیانت کرده است بر فرض اینکه مردم هم نگویند نه، اینکه خودش ساقط است.

تمام قراردادهای در زمان رضاشاه و محمدرضا برخلاف قانون و باطل است

تمام قراردادهائی که تا حالا بسته شده است در ایران، اگر از صدر مشروطه نگوئیم، در زمان این دو تا سلطان که عبارت از رضاشاه و محمدرضا شاه باشد، تمام قراردادهای برخلاف قانون است و قراردادهای همه باطل است برای اینکه مجلس، مجلس قانونی نیست تا تصویب کند، سلطان، سلطان قانونی نیست تا مثلاً عرضه بدارد به مجلس تا نخست وزیر تعیین کند، تا امر به فتح مجلس بکند. اینها همه روی قوانین، باید روی قواعد باشد، نه، هیچ کدام روی قواعد نبوده، روی قوانین نبوده. همه این قراردادهائی که کردند، قرارداد اسلحه کردند باطل بوده این قرارداد، بیایند پول ما را بدهند و آهن هایشان را ببرند. نفت ما را بریدند پولش را بدهید آهن هایتان را ببرید مال خودتان.

اصلاحات ارضی شاه یکی از بزرگترین خیانت ها

هر قراردادی که اینها کردند ، مراتع سر سبز بسیار غنی ایران را دادند (آنطور که به من نوشته بودند) به يك هیتی که یکی از آنها ملکه انگلستان است ، مراتعی که متخصصین ، آنهائی که آمدند دیدند ، گفتند بهترین مراتع در دنیا است از حیث دامداری ، اینها دادند به او و خود مملکت ایران مانده حالا گوشتش را باید گوشت یخ کرده های ، کثافت کاری های آنها را بیاورند و اینجا خودش ندارد . اینها خیانت نیست بر يك مملکتی ؟! این اصلاحات ارضی از بزرگترین خیانت ها نیست بر این مملکت که زراعت مملکت را بکلی از بین بردید و دهقان های بیچاره را همچو کردید که هجوم آوردند به شهرستان ها! تهران الان پر است از این بیچاره هایی که ، دهقان های بیچاره ای که از اطراف آمدند توی این زاغه ها و توی این چادرها و توی این کثافت کاری ها بیچاره ها دارند زندگی کنند با عائله در زمستان سخت ، اینها خیانت به يك ملتی نیست ؟! خیانت کردی ، وقتی خیانت کردی دیگر سلطان نیستی ، سلطان اگر خائن باشد سلطان نیست .

پس این اتخاذ این تخت و تاج را امروز ، قرار دادن نخست وزیر را امروز امر به فتح نمی دانم مجلس و بستن مجلس ، همه اینها چیزهایی برخلاف قانون اساسی است و این فریاد ملت که می گویند (که شاه را نمی خواهیم) موافق قانون اساسی است ، این شعار برخلاف قانون اساسی نیست نخیر ، شعار بر وفق قانون اساسی است ، شعار شما ، شمای نخست وزیر که می گویند (اعلیحضرت همایونی) ، این شعار خلاف قانون اساسی است ، ایشان اعلیحضرت نیستند ، ایشان سلطان مملکت نیستند . این یکی از مسائلی است که اینها می گفتند و دنبال کردند و اینها . یکی از مسائل هم قضیه این است که (اگر ما نباشیم ثبات منطقه از بین می رود) این هم باید بعد ببینیم چه می شود . اگر ایشان نباشند چه ثباتی از بین می رود و حالا چه ثباتی ما داریم ؟! انشاءالله خداوند همه تان را توفیق بدهد ، موفق باشید .

باید با مصاحبه و تبلیغات نهضت را معرفی کنید

شما هم خدمت کنید به این نهضتی که ایران هست ، هر جور خدمتی می توانید بکنید ، در داخل هستید خدمت های داخلی ، در خارج هستید خدمت هائی که در خارج امکان دارد مثل تبلیغات ، مثل مصاحبه با مطبوعات ، نوشتن مقاله در مطبوعات . اینها بد معرفی کردند ایران را و اهالی ایران را و شما موظفید ، همه ما موظفیم به اینکه مسائل را برای اینجاها هم روشن کنیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به ملت شجاع ایران به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم

محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر

بسم الله الرحمن الرحيم

با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد، ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله بر جبهه ستمکاران و حکومت های شیطانی زد، ماهی که به نسل ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سرنیزه را آموخت، ماهی که شکست ابرقدرت ها را در مقابل کلمه حق به ثبت رساند، ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، ماهی که باید مشت گره کرده آزادیخواهان و استقلال طلبان و حق گویان بر تانک ها و مسلسل ها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جا برانه می کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد پیا خیزید و استتکار کنید، اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمائید.

بر عموم است که با دولت نظامی مخالفت کنند

امروز رژیم شاه حکومت جائزانه بر ملت مستضعف می کند و برخلاف شرع اسلام و خواست ملت که در سراسر ایران علیه او قیام نموده اند مقام حکومت را اشغال نموده و مصالح عالییه مسلمین و احکام اسلام را به نفع سلطه شیطانی خود و اربابان مفتخوارش به نابودی کشیده است. بر عموم ملت پیا خاسته است که با تمام قدرت مخالفت خود را با شاه، گسترش و ادامه دهند و او را از سلطه خطرناکش به زیر کشند.

دولت نظامی، دولت یاغی و برخلاف قانون و شرع است و بر عموم است که با آن مخالفت کنند و از اعانت به آن احتراز نمایند و از دادن مالیات و آنچه به این دستگاه ظلم و طغیان کمک می کند سرپیچی نمایند و بر کارمندان و کارکنان شرکت نفت است که از خروج این ثروت حیاتبخش جلوگیری نمایند. آیا کارگران و کارمندان می دانند که اسلحه ای که سینه جوانان عزیز ما را می شکافد و زنان و مردان و کودکان ما را به خاک و خون کشد، از پول همین نفتی است که با زحمت جانفروسی آنان خارج می شود؟ آیا آنان میدانند که قسمت مهم نفت اسرائیل، دشمن سرسخت اسلام و غاصب حقوق مسلمین را شاه تامین می کند؟ اگر دولت یاغی با فشار به کارکنان نفت بخواهد این خیانت را ادامه

دهد، ممکن است تکلیف نقت برای همیشه معین شود.

بر اشخاص مطلع از اوضاع کشور است که لیستی از وزرای دولت یاغی و از خائنین به کشور و از صاحب منصبان که در سراسر کشور، امر به جنایات و آدمکشی ها می کنند، تهیه کنند تا در موقع خود، تکلیف ملت با آنان معلوم شود.

دولت و صاحب منصبان ارشد بدانند که اگر دست از حمایت شاه جانی و خائن به اسلام و کشور اسلامی بر ندارند، در آتیه نزدیک به سزای اعمال خود خواهند رسید.

افشاگری جرائم رژیم شاه، يك تکلیف الهی است

اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی مقام سیدالشهدا - علیه الصلوه والسلام است، باید حد اعلای استفاده از آن را بنمایند و با اتکا به قدرت الهی، ریشه های باقیمانده این درخت ستمکاری و خیانت را قطع نمایند که ماه محرم، ماه شکست قدرت های یزیدی و حيله های شیطانی است.

مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه باشکوهتر و فشرده تر بر پا شود و بیرق های خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود.

خطبای محترم و گویندگان عزیز، بیش از پیش به تکلیف الهی خود که افشاگری جرائم رژیم است عمل فرمایند و خود را در پیشگاه خداوند تعالی و ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - سرافراز و روسفید نمایند. طلاب و فضلالی حوزه های علمیه که در این ایام برای روشننگری به قراء و قصبات می روند لازم است دهقانان محروم و محترم را از فجایع شاه و کشتارهای مردم بیدفاع، آگاه گردانند، به آنان تذکر دهند که برخلاف تبلیغات مسموم شاه و بستگانش، دولت اسلامی، طرفدار سرمایه دارها و مالکین بزرگ نمی باشد، این حرف های بی معنی برای انحراف از راه حق است. این شاه است که به طرفداری از آمریکا کشاورزی را به تباهی کشانده است. این شاه است که به طرفداری از سرمایه دارها ذخائر ملت مستضعف را به نفع آنان از بین برده است. شما آنان را مطمئن کنید که در دولت حق، از شما به بهترین وجه حمایت خواهد شد.

جوانان عزیز حوزه های علمیه و دانشگاه ها و مدارس و دانشسراها و نویسندگان مطبوعات و کارگران و کشاورزان محروم و بازاریان و اصناف مبارز و آگاه و کارمندان محترم و سایر اقشار، از ایلات و عشایر غیور گرفته تا چادر نشینان و زاغه مسکنان محروم، همه و همه، همصدا و پشت بر پشت هم به سوی هدف مقدس اسلام یعنی برچیده شدن سلسله ستمگر پهلوی و هدم نظام منحط شاهنشاهی و برقراری جمهوری اسلام مبتنی بر احکام مترقی اسلام، به پیش که پیروزی از آن ملت بپاخاسته است. لازم به تذکر نیست که اقامه مجالس سوگواری باید مستقل بوده و منوط به اجازه شهربانی یا

سازمان خرابکار به اصطلاح امنیت نباشد . شما ملت عزیز ، مجالس را بدون مراجعه به مقامات برپا نمائید و در صورت جلوگیری در میادین و خیابانها و کوچه ها اجتماع کنید و مصائب اسلام و مسلمین و خیانت های رژیم شاه را برملا نمائید .

امروز تاریخ ایران شاهد حساسترین روزهایی است که بر اسلام و مسلمین عزیز یا گذشته و می گذرد . امروز شما ملت ، بر سر دوراهی عزت و عصمت همیشگی و خدای نخواستہ ذلت و خواری ابدی واقع هستید . امروز احدی از اقشار ملت ، معذور نیست و سکوت و انزوا در حکم انتحار و کمک به دستگاه جبار است . امروز خروج از مسیر بی ابهام ملت و اسلام ، خیانت به اسلام و ملت و حمایت از مخالفین اسلام و ملت است . خائنین که با سکوت خود و یا احيانا با گرایش خود به دستگاه طاغوتی شاه گمان کرده اند این نهضت اسلامی را می شکنند و شاه را نجات می دهند ، در اشتباهند . اول آنکه دیگر کار گذشته است و شاه رفتنی و با این خود فریبی ها شاه را نمی توان نجات داد و دیگر آنکه اگر نجات پیدا کند ، به آنان که او را نجات داده اند وفادار نخواهد ماند ، چنانچه دیدیم و دیدید .

من به ملت عظیم الشان ایران که با قدرت اسلامی خویش ، مشیت محکم بر دهان شاه و هواخواهان او زدند و می زنند ، دست صمیمیت و ارادت می دهم . من شهادت در راه حق و اهداف الهی را افتخار جاودانی می دانم . من به مادران و پدران جوانانی که در راه اسلام و آزاد منشی خون داده اند ، تبریک عرض می کنم . من به جوانان عزیز و غیوری که جان خود را نثار راه دوست کرده اند ، حسرت می برم . آوای انقلاب بزرگ ایران در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها طنین انداز و افتخار ساز است . شما ملت شریف ، به جوانان غیور ملت های اسلامی هشدار داده اید . امید است با دست توانای شما ، پرچم پر افتخار حکومت اسلامی در تمام اقطار به اهتزاز درآید ، این است مسئلت من از خداوند تعالی .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

روح اللہ الموسوی الخمينی

پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت کشتار مردم در حرم امام رضا (علیه السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

جنایات رژیم منحط شاه روز به روز پر اوج تر می گردد. افزایش حجم جنایات به قدری است که قدرت بیان را سلب می نماید. ضایعات این چند هفته اخیر سرتاسر ایران را به سوگ نشانده است و قدرت تفکر را از شاه سلب کرده است.

دولت یاغی نظامی به امر شاه تر و خشک را به آتش کشیده و یکی از بزرگترین ضربه های این جنایتکار به اسلام، به مسلسل بستن بارگاه قدس حضرت علی بن موسی الرضا صلوه الله علیه است. این بارگاه مقدس در زمان رضاخان به مسلسل بسته شد و قتل عام مسجد گوهرشاد به وجود آمد و در زمان محمدرضاخان آن جنایت تجدید و دژخیمان شاه در صحن و حریم آن حضرت ریخته و کشتار کردند.

ملت مسلمان باید از این شاه و دولت یاغی غاصب تبری کنند و مخالفت با آن لازم است. تمام اقشار ملت خصوصا اهالی قراء و قصابات باید بدانند که شاه غاصب و دولت یاغی او کمر به هدم مقدسات اسلام بسته اند و اگر مهلت پیدا کنند به محو آثار شریعت بر می خیزند.

بر تمام طبقات ملت لازم است با هر وسیله ممکن به سقوط این دستگاه جبار قیام کنند. اطاعت این دستگاه، اطاعت طاغوت و حرام است. خداوند مسلمین را از شر آنان حفظ فرماید. در این عزای بزرگ و جسارت به مقام امام امت، روز یکشنبه 25 ذیحجه عزای عمومی اعلام می شود.

انا لله وانا اليه راجعون

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در مورد توبه مفتضح شاه پس از مشاهده قهر و انتقام الهی

توبه شاه و استمداد او از علماء اعلام و مراجع عظام بعد از نزول عذاب الهی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

صحبت در این اصل اول بود که ملت ایران می خواهد، ملت ایران چند تا مطلب خواست که اولیش این بود که این شخص نباشد بلکه این سلسله نباشد. اینها تشبثاتی کردند که بسیاری را من ذکر کردم، من جمله از تشبثاتی که کرد شبیه آن تشبثی بود که فرعون کرد. فرعون بعد از اینکه عذاب نازل شد و غرق را دید که الان دارد غرق می شود، آنوقت گفت که من هم آنطوری که بنی اسرائیل می گویند من هم به همان ایمان آوردم. جواب بود که حالا دیگر ایمان آوردی؟ تو قبلا معصیت کردی (الان و قد عصیت قبل و كنت من المفسدین).

ایشان هم بعد از اینکه بیست و چند سال، بیست و هفت سال خیانت ها را کرد و جنایت ها را کرد، آنوقت که عذاب نازل شد، عذاب عبارت از همین مشت های گره کرده ملت ایران و فریادهای ملت ایران که من عرض کردم که این يك مساله الهی بود، نه يك مساله بشری، اینکه همه ایران در مقابل این قدرتی که اینها دارند بلکه در مقابل همه قدرت ها ایستاد و با دست خالی مشت ها را گره کردند و نه به حکومت نظامی و نه به دولت نظامی و نه به پشتیبانی های آمریکا و شوروی اعتنا نکردند و همه با هم در همه ابعاد کشور فریاد زدند که ما نمی خواهیم، مرگ بر این شاه، مرگ بر این سلسله، حالا که غرق را دیده، الان این موج که در ایران پیدا شده است، موج استنکار، موج اینکه ما نمی خواهیم، موج نفی سلطنت محمدرضا خان و سلسله او، حالا که خودش را در این موج دیده و غرق دیده است، حالا - می گوید که - در مقابل ملت می ایستد و اظهار ندامت می کند و می گوید که من تا حالا اشتباه کردم، خطاب به مراجع عظام و علمای اعلام که (بیایید من دیگر توبه کردم و شما بیایید نجات بدهید. حاصل حرفش این است که (نجات بدهید من را، نجات بدهید وطن را)، مقصودش خودش هست در مقابل ملت هم باز همین امر را تکرار کرده است، به طبقات مختلف، به جوان ها، به اینها و آخرش هم می گوید که بیایید يك فکری بکنیم برای وطن، ما خوب است به وطنمان فکر بکنیم.

این شبیه همان مساله فرعون است با يك اختلاف، فرعون بعد از اینکه دید که حالا دیگر دارد غرق می شود گفت که: امنیت به بنو اسرائیل. جوابش هم این بود که نه، دیگر گذشت - دیگر - مطلب، تو تا حالا معصیت کردی

تا حالا طغیان کردی ، بنی اسرائیل را به بند کشیدی ظلم کردی ، حالا که می بینی عذاب نازل شده و غرق توی کار است ، حالا می گویی که من معصیت کردم . حالا که عذاب نازل شده می گویی من معصیت کردم ، من توبه کردم ، این مثل توبه ای می ماند که بعد از اینکه مرد و عذاب جهنم را دارد می بیند بگوید من توبه کردم این توبه نیست ، اصلش توبه نیست .

ایشان هم بعد از اینکه عذاب را نازل دید و آن چیزی که خداوند به دست این ملت اجرا فرمود و آن استنکار و مقابله با مشیت در مقابل مسلسل ها ، حالا دیگر می بیند که غرق شده است و عذاب نازل شده است حالا می گوید که من اشتباه کردم و از این به بعد دیگر اشتباه نمی کنم . يك فرق هم با توبه ، اظهار توبه فرعون دارد و آن اینکه از این ور اظهار توبه ، از آن ور دولت نظامی این دو تا را با هم به میدان آورده ، دیگر فرعون این کار را نکرده بود ، همان می گفت توبه کردم ، دیگر اینطور نبود که از آن ور چماق دستش بگیرد ، از آن ور توبه بکند . این از توبه گرگ هم بدتر است برای اینکه گرگ هم می گوید توبه کردم مثلا ، اما اینطور ، اینطور نیست که در همان حالی که اظهار توبه می کند ، اظهار ندامت می کند ، توسل به علمای اعلام و مراجع عظام به اصطلاح خودش پیدا می کند ، توسل به قشرهای دیگر ملت پیدا می کند ، در همان حال يك کسی هم مامور می کند که بکش .

نظارت مستقیم شاه در کشتار و سرکوبی مردم توسط مامورینش

همه این کشتارهایی که واقع می شود با امر ایشان است . هیچ وقت باور نکنید اینهایی که می گویند مامورین چه کردند ، اینهایی که می گویند نخست وزیر چه کرده ، اینهایی که می گویند سازمان امنیت چه کرده ، اینها همه برای حفظ شاه است ، اینها همه از عمال شاهند ، گاهی وقت ها فهمیده و گاهی نفهمیده . در کشتن و قتل و مقابله با ملت با آتش - هیچ اقدامی - هیچ کس اقدام نمی کند مگر اینکه به امر خود ایشان باشد ، خود ایشان مستقیما امر می کند . حالا بعضی هم که می گویند که شاهد قضیه بودند که در جمعه سیاه از اشخاصی که شلیک کردند به طرف ملت ، خود ایشان مستقیما بودند با هلیکوپتر . حالا من این را نمی دانم اما بعضی از اجزای خودش ، از اعضای خودش که رفتند به انگلستان می گویند که او اینطور گفته است که ایشان خودش مباشر بود ، نه عامل ولی آنکه مسلم است این است که بدون امر ایشان هیچ يك از این وقایع واقع نشده است یعنی تبریز اگر قتل عام شده است ، اصفهان اگر قتل عام شده است ، شیراز اگر قتل عام شده است (آدم هر شهری را که اسمش را می برد قتل عام هم باید دنبالش باشد) شما در تمام طول تاریخ ، يك قضایایی که الان در ایران در جریان است و بوده است که در تمام طول تاریخ نبوده است اینطور وحشیگری که ایشان دارد می کند ، در تمام طول تاریخ نبوده است که هر روز در نقاط مختلف يك مملکت اسلامی ، با آلات مختلفه ، با ارتش يك طرف ، با کولی ها به اصطلاح خودشان يك طرف ، با رها کردن يك دزد آدمکشی که از سرهای بعضی از عشایر بوده است ، او را می گویند رها کرده است و يك پول فراوانی هم به اختیارش گذاشته است که برود جمعیت جمع کند و حمله کند به مردم ، اینها هم از يك طرف ، همچو چیزی در طول تاریخ نبوده

که يك كسى که مدعى سلطنت هست و ديروز آنطور فریاد می زد و برای خودش مدیحه خوانی می کرد و روزنامه ها را واداشته بودند و رادیو و هر چه هر كس می گفت جزشان ایشان نبود، حالا متوسل بشود به كولى ها که در زیر پناه چماق كولى ها خودش را نجات بدهد، متوسل بشود به مثلا كسانى که از اشرار بودند و آنها را اجیر کند که نجاتش بدهند از دست این ملت و نجات هم نمی دهند آنها، نه نجات آنها می دهند، نه ملت دیگر به این حرف ها اعتنا می کند .

ادای حق الناس و جبران خیانت های گذشته شرط پذیرش توبه شاه

فرق ایشان با فرعون این است که فرعون می گفت توبه کردم، دیگر در آن حالی که می گفت توبه کردم شمشیر را نکشیده بود به جان مردم . ایشان می گوید، خودش وقتی خطابه می خواند، خطابه می خواند که : ای علما! ای مردم! من اشتباه کردم، حالا دیگر از این اشتباه گذشتم و برگشتم . از آن طرف هم اینطور تشبثات را، حکومت نظامی می گذارد همه اش برخلاف قواعد، برخلاف قوانین همه اش برخلاف . از آن طرف هم مامور می کند، چیزها را، ارتش را به اینکه بریزند به جان مردم و دیگران را، عشایر را مثلا، بعضی از عشایر را البته عشایر خیلی گوش نمی دهند به حرف اینها، عده ای شان هم رفتند پیش علما و گفتند ما حاضریم برای موافقت کردن با شما . حالا دیگر مست آمدی و توبه می کنی آنها اینجور توبه ؟! بعد از بیست و چند سال جنایت، بعد از بیست و چند سال خیانت به يك ملتی - به يك - به اسلام، حالا هم جبران نکرده، خیانت ها سر جایش باقی، جنایت ها سر جایش باقی، حالا آمدی در مقابل علما ایستادی می گوئی که من توبه کردم! از توبه فرعون این بدتر است . جبران باید بکنی این چیزها را . اگر توانستی همه این جنایات بیست و چند سال را جبران بکنی، آنقدری که به جیب آمریکا ریختی برگردانی این پایگاه هایی که برای آمریکا در مملکت ما درست کردی، اینها را خراب کنی و برگردانی، آنها که آدم کشتی، اینها را زنده بکنی، آنوقت بگوئی که من توبه کردم . اما با اینکه جنایات را تو کردی و این جنایات ثبت هست در تاریخ، همه ماها دیدیم که توجه کردی و با این ملت داری چه می کنی و چه کردی . آن مردیکه می گویند در رادیو و تلویزیون گفته است که من خواهم همه را کشت، می گویند همچنین کلمه ای هم گفته . اینطور آدم است ولی موفق نخواهند شد انشاءالله .

يك آدمی که يك روز می گوید به علما که اینها را مثل حیوانات نجس ازشان اجتناب کنید، به روحانیون اینطور گفت : مثل حیوان نجس از اینها اجتناب کنید . يك روز گفت که اینها مثل يك كرم هائی می مانند که در نجاست می لولند، يك روز هم می آید می ایستد می گوید مراجع عظام و آیات عظام و مراجع کذا، علمای اعلام، آن دستش هم چماق! چطور باور کند كسى از تو این حرف ها را؟ که لااقل اگر در پیشگاه ملت، در پیشگاه علمای ملت، تو توبه می خواهی بکنی لااقل يك توبه ظاهر الصلاحی بکن . تو عقلت اینقدر نمی رسد که این توبه را هیچ بچه ای قبول نمی تواند بکند! خوب لااقل توبه می خواهی بکنی خوب بگو که من توبه کردم، برو کنار یا فرض کن لااقل بدنت را نجات بده

(فالیوم ننجیک ببدنك) تو نمی توانی بدنت را هم نجات بدهی. تو دیگر نتوانی، نمی توانی نجات بدهی خودت را. لاقل اگر چنانچه اظهار ندامت می کنی و راست می گویی که نادم هستی لاقل دیگر شمشیر نکش، در همان حالی که داری میگویی که من نادم هستم، لاقل حکومت نظامی را بردار، دولت نظامی نیاور روی کار، بگو - دولت - مردم بیاید، خودتان بیاید یک کسی را تعیین کنید، دولت، تا مردم احتمال بدهند که تو توبه کردی. آنوقت هم قبول نیست، نه آنکه - توبه - هر که هر غلطی کرد و آخرش هم بگوید که توبه کردم، خوب این چه منطقی است؟ توبه شرایط دارد. مگر خدا توبه هر کس را قبول می کند. یک کسی که بیست و چند سال به مردم ظلم کرده است حالا بگوید توبه کردم، عفو کردم این چیزهای سیاسی را، زندانی های سیاسی را! زندانی سیاسی که ده سال عمرش را اینجا گذرانده و آن وقت جوان بوده حالا پیر شده است و بیرون آمده است آن وقت ریشش سیاه بود و حالا ریش سفید بیرون آمده است، آن وقت بدن سالم رفته و حالا بدن مریض از این چال های سیاه بیرون آمده، ده سال، پانزده سال کمتر، بیشتر. من یکی از همین جوان هایی که الان در اینجا هست و سابقا من سابقه دارم با او، آن وقت وقتی دست من را می گرفت دست من توی دست او غرق می شد، یک قوه ای داشت من دستم که تو دستش می رفت می فهمیدم که چه جور قوه ایست و حالا وقتی با من مصافحه می کند یک آدم ضعیفی است ده سال یک کسی را تو می بری حبس می کنی، پانزده سال می بری حبس می کنی، جوان ها را پیر می کنی، سالم ها را مریض می کنی، اینها دیگر جبران ندارد؟ همین عفو کردم؟! غلط کردی عفو کردی، عفو چیه؟ چه حقی داشتی که بگیری که حالا عفو کردی؟ عفو مال این است که یک کسی گناهی داشته باشد، چه گناهی اینها کرده بودند که تو اینها را حبس کردی، پانزده سال عمر اینها را تلف کردی؟ حالا می گویی که عفو کردم، عفو کردم، این چه غلطی است که تو می کنی؟ عفو کردم چیه؟ از اول چرا کردی؟ نه اینکه عفو کردم، اول کار غلط کردی، نه اینکه یک کار صحیحی بود حالا عفو کردند، گناهکار بودند، گناهشان چی بوده؟ گناهشان این بوده است که می دیدند تو خطرناکی، یک کلمه ای گفتند. بعضی از این آقایان که چندین سال حبس بودند گناهشان این بوده است که به این، از قراری که می گویند گناهشان این بوده است که به عائله بعضی از این حبس ها رسیدگی کرده و نگذاشته این عائله زحمت ببیند، بعضی شان را. گناه آنها، گناه این اشخاصی که به قول شما مجرم سیاسی هستند این است که در مقابل ظلم تو، در مقابل اختناق همه جانبه تو گفتند که آقا چرا، چرا مردم را اینطور اسیر می کنی؟ در مقابل خیانت های تو میگویند چرا - به چیز - به آمریکا تو همه چیزها را دادی؟ کسی که این چرا را دارد می گوید، میگوید آزادی به ما بدهید، می گوید استقلال ما می خواهیم، مملکت می خواهیم مال خودمان باشد، نمی خواهیم مملکت مال دیگران باشد، می خواهیم آزاد باشیم، خواهیم مطبوعاتمان آزاد باشد، می خواهیم رادیو و چیزهای آلات تبلیغی مان آزاد باشد، این جرم است که اینها را گرفتید و حبس کردید و از زندگی اینها را انداختید، حالا جوانی شان را از بین بردید، سلامتی شان را از بین بردید، حالا اسمش را عفو می گذارید؟! توبه هم بکنید دیگر فایده ندارد. توبه باید با موازین باشد، مگر خدای تبارک و تعالی همین طوری توبه قبول می کند؟! حق الناس را خدا

قبول نمی کند تا ادا نشود تا اینکه ادا نکنید . تو حق الناس را تو قدرت داری که ادا بکنی ؟! قدرت این را داری که يك دانه حبسی را که ده سال در حبس بوده و جوانیش از بین رفته در حبس ، تو قدرت این را داری که جبران این را بکنی تا توبه بکنی ؟! توبه یعنی چه ؟ نمی توانی توبه کنی . قابل این نیست قبول بکند خدای تبارك و تعالی توبه تو را ، توبه حق الناس است دیگر ، حق ناس را خدا نمی بخشد به مردم . اگر شما توانستی که یکی از اینهایی که آنطور زجر کردی ، آنطور اره کردی پایشان را ، سوزاندی پایشان را ، پایشان را توی روغن داغ کردی ، روی صفحه نمی دانم فلزی خواباندی و برق را متصل کردی ، کباب کردی مردم را ، اگر تو توانستی جبران بکنی ، یکی از اینها را جبران بکنی ، آنوقت بگویی که اشتباه کردم بیائید دیگر ببخشید . تو بعدها دیگر از این اشتباه ها نمی کنی ؟ راست می گوئی این را حالا ؟ ما قطع نظر از این هم کردیم ، تو درست می گوئی ؟ صحیح می گوئی ؟ دیگر از این اشتباهات نمی کنی ؟ یا حرف است ، صحبت است . (الان وقد عصیت قبل و كنت من المفسدين) تو از مفسدین هستی ، تو آدم مفسدی هستی ، تو فاسدی ، تو مفسدی ، يك مملکت را به هم زدی ، يك ملت را از بین بردی .

مگر شوخی است اینطور جنایات ، تو همه قوای این مملکت ، این جوان های ما که یکی از ذخائر این مملکت هست ، اینها را به هدر دادی همه را ، حالا آمده می گوید که من اشتباه کردم ، بله ، حالا دیگر ما به منطق بعضی از اشخاص ، اینکه عجیب است این حرف ها ، عجیب آدم به نظرش می آید ، يك مردی که من نمی دانم کیست روی کاغذ هفت ، هشت ، ده ورقی نوشته است ، اول خودش را معرفی کرده است که من کی بودم و پسری بودم و کی ، آخرش هم نوشته خوب ما شاه از این بهتر از کجا پیدا کنیم ؟! (خنده حضار) انسان يك همچو حرفی می نویسد ؟ شما بیائید رها کنید و بیائید شما هم با فلان آقا همصدا بشوید و این را حفظش کنید و ما بهتر از این از کجا پیدا بکنیم !! چقدر انسان باید نفهم باشد . در هر صورت این توبه ها یکی از تشبثاتشان است و اینهم پذیرفته نیست ، ملت دیگر این حرف ها را نمی پذیرد . آن که جوانش ، آن پیرزنی که جوانش از دستش رفته ، پیرزن هائی هستند که چهار تا بچه شان یعنی يك پدر بوده ، يك مادر بوده ، چهار تا جوان ، امشب اینها سر سفره نشسته بودند پنج نفری ، شش نفری ، فردا شب سر سفره نشستند دو نفری ، چهار تا جوانش از بین رفته ، حالا از ما می پذیرد اینکه عذر بخواهی ؟! فقط به عذرخواهی ، آنهم بایستید و عذر بخواهید ، آنوقت ما هم بیائیم ، آخوند هم بیاید یا غیر آخوند و مثلا روشنفکر یا تاريك فکر هم بیاید بگوید که خوب ایشان سلطنت بکنند ، حکومت نکنند ، سلطنت کنند ، درست شد همین ؟! همین تمام شد ؟! جواب این پیرزن چی ؟ جواب این پدری که چند روز پیش از این اینجا بود ، پدری که چند تا جوانش کشته شده بود ، ما جواب اینها را چی بدهیم ؟ - بگوئیم شماها - بگویند شماها ساختید با يك آدمی که جوان های ما را کشت ، از بین برد ، حالا سلطنت بکنند ، حالا بالا بنشینند و در ایام عید هم بروند سلام بدهند و تعریف بکنند و که تو آنی که چه کردی ، تو آنی که حفظ کردی همه چیز را ، اسلام پناهی تو ، نمی دانم ظل اللّهی تو!! این حرفهای نامربوط چیه ؟ اینها خیانت به يك ملت ، به يك مملکت ، به اسلام است . کسی که تاریخ اسلام را تغییر داد و هیچ حیا نکرد ، مگر این يك چیز آسانی بود و چیز کمی بود که تو يك چنین اهانتی به پیامبر

اسلام کردی بعد به مجرد اینکه بگوئی نخیر دیگر غلط کردم، چیزی، مگر فایده دارد این حرف ها؟

قیام برای خدا شکست و انحراف ندارد

بحمدالله الان ملت ایستاده است و ما امیدواریم که این ایستادگیش باقی باشد و عمده این است که توجه به خدا باشد. باید همه شما، همه ما، همه ملت و جبهه نفسشان خدای تبارک و تعالی باشد، انحراف پیدا نشود، از قیام الهی باشد. (ان تقوموا لله مثنی و فرادی، قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی) برای خدا قیام کنید، این نهضت الهی باشد انشاءالله، انحراف از آن نباشد که خدای نخواست با انحراف شکست بیاید، الهی باشد و اگر الهی باشد پیروزی است انشاءالله. همه توجه به این معنا داشته باشید که مقصد، مقصد الهی، برای خاطر خدا و برای خاطر نجات يك ملتی که بندگان خدا هستند، قیام کنید و مطمئن باشید که انشاءالله با این وضع پیش خواهید برد.

کمک و ادای تکلیف به نهضت، با تبلیغ و انعکاس خواسته های ملت

و شما هم که در خارج ایران به سر می برید مکلفید، همه ما مکلفیم که کمک کنیم به ایران به هر طور که می توانیم. اینجا هر که می تواند تبلیغات بکند به مردم اینجاها بفهماند که این ملت ایران چی می خواهند، چی می گفتند. گوش نکنند به تبلیغاتی که بعضی روزنامه نویس ها پول گرفتند و يك حرف هایی می زنند، بعضی عرض میکنم که - تبلیغ چی ها تبلیغ می کنند برخلاف. ملت ایران داد دارد می زند که آزادی من می خواهم، داد دارد می زند که من استقلال می خواهم، او داد می زند آزادی می خواهم آن مردیکه می گوید که آزادی داده، چون آزادی داده مردم صدایشان در آمده! يك ملتی که قیام کرده و همه قیام کردند، نه اینکه يك کسی باشد قیام کرده باشد، یکی نه، در باطن ارتش هم این مطلب هست. شما مطمئن باشید آن روزی که ایشان بروند، باطن ارتش هم همراه با ملت است، نمی شود نباشد، به ما پیغام می دهند هر شب.

ما از خدای تبارک و تعالی پیروزی این ملت را و اینکه ما بتوانیم خدمت کنیم بر این جامعه، ما همه مکلفیم و بتوانیم تکلیفمان را ادا کنیم در مقابل خدای تبارک و تعالی و در مقابل ملت مسلمان و بتوانیم این مقدار از قدرتی که داریم صرف کنیم در راه خدای تبارک و تعالی برای نجات بندگان خدای تبارک و تعالی، نجات مستضعفین. از خدای تبارک و تعالی توفیق همه تان را می خواهم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه امام خمینی با روزنامه لبنانی السفير

سؤال: واشنگتن، انقلاب ایران را حرکتی بر ضد مدرنیته کردن به حساب آورده و با آن مخالفت دارد، موضع شما در مورد فعالیت های آمریکا بر ضد انقلاب چیست؟

جواب: آمریکا با کودتای نظامی، مجدداً شاه را بر ایران تحمیل کرد و به نام مدرنیته کردن مملکت، انقلاب آمریکایی شاه را به راه انداخت و دیدیم که نتیجه تمام این انقلاب به سود آمریکا و خرابی ایران بود. کشاورزی مملکت نابود شد و ایران بازار مصرف مواد غذایی آمریکا شد، مخازن زیرزمینی از نفت گرفته تا مس و سایر مخازن، همه به نفع آمریکا تاراج شده و می شود و در عوض سلاح هایی به ایران داده شد که به درد مملکت نمی خورد و زیان دیگرش هم تحمیل بیش از چهار هزار مستشار نظامی با هزینه های سرسام آور آن است که گذشته از اینکه ارتش ما را از حیثیت انداخته است، تمامی مقدرات کشور را هم به دست آنها سپرده است و به دست همین شاه، ایران را پایگاه نظامی آمریکا کرده و نیز با پول همین ملت، شاه را مامور و ژاندارم منطقه در خلیج کرده و اینها همه بخشی از ظلم هائی است که آمریکا به ملت ما کرده است، بنابراین چرا واشنگتن بر ضد انقلاب ملت ایران فعالیت نکند.

سؤال: آیا دخالت مستقیم آمریکا را بعید می دانید؟

جواب: هم اکنون هم چیزی کمتر از دخالت مستقیم نیست.

سؤال: جوهای بین المللی امپریالیستی دشمن با انقلاب وجود دارد انقلاب چگونه برای رویارویی با این جوها عمل خواهد کرد؟ آیا شما برای دستیابی به کمک نیروهای مترقی و اسلامی در جهان، کوشش کنید؟

جواب: دشمنان انقلاب اسلامی در امپریالیست ها خلاصه نمی شود، ولی اوضاع در سطح جهانی به نفع این نهضت است و به تدریج این انقلاب، هواداران خود را جذب و راه را برای

سؤال: اکنون موضع اتحاد شوروی به عنوان دولت چیست؟

جواب: تا کنون دولت اتحاد شوروی بسیار بد عمل کرده است، آخر شوروی هم گاز ایران را می بلعد و آیا کسی بهتر از شاه را دارد؟ ما روی پای خود می ایستیم و مطمئنا پیروزیم.

سؤال: موضع فعالیت های ارتجاعی و در پیشاپیش آن سعودی، برضد انقلاب چیست؟

جواب: بدیهی است که نهضت مقدس اسلامی همچنان که رژیم شاه را در ایران به خطر انداخته و به نابودی می کشاند، همچنین رژیم های ارتجاعی در سایر کشورهای اسلامی را نیز تهدید می کند، از این رو طبیعی است که آنها از شاه حمایت کنند.

سؤال: آیا توقع آن را دارید که در جهان عرب و جهان اسلام، مشکلاتی برای انقلاب اسلامی ایران پدید آورند؟

جواب: دشمنان اسلام از هیچ کوششی برای نابودی این نهضت فروگذار نمی کنند و لیکن به یاری خدای تعالی، نهضت مقدس اسلامی راه خود را به سرعت باز می کند و پیش می رود.

سؤال: پیمان های خارجی که انقلاب کوشش دارد برقرار نماید چیست؟

جواب: ما هرگز داخل درهای بسته زندگی نمی کنیم ولی این درها را نیز برای استعمارگران باز نمی نمائیم که اکنون شاه چنین کرده است. روابط خارجی ما بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است و بر این اساس، هر کشوری که مایل باشد، با احترام متقابل عمل می کنیم.

سؤال: شما ندهای متعددی برای ارتش داشته اید ولی ظاهرا ارتش هنوز وحدت خود را حفظ کرده است، آیا این درست است؟

جواب: طبق اخباری که به ما می رسد حوادثی در ارتش اتفاق افتاده و می افتد که نشانه بیداری آنهاست و ما مطمئنیم که دیر یا زود به ندای ملت پاسخ برادرانه خواهند داد.

سؤال: آیا اعتقاد دارید که شاه، کارت اقلیت‌ها و طایفه‌گری را در ایران به کار خواهد گرفت تا توده‌های ایرانی را متشتت سازد؟

جواب: "اولاً" بیش از 90 درصد مردم ایران مسلمان هستند و اقلیت‌ها در برابر یکپارچگی آنان نمی‌توانند اختلال کنند و ثانیاً چه کسی از ظلم شاه در امان بوده است که امروز به ندای او پاسخ بگویید، خواه مسلمان و یا غیر مسلمان.

سؤال: شایعاتی غربی وجود دارد مبنی بر اینکه انقلاب ایران بر نیروی روحی امام یعنی فرد تکیه دارد، آیا این درست است؟

جواب: اگر در گذشته نهضت ایران متکی به فرد یا گروه‌هایی بوده است، امروز این انقلاب از درون می‌جوشد و از فطرت آنان برمی‌خیزد، لذا ما معتقدیم با نبودن فرد خاصی نهضت خاموش نمی‌شود.

سؤال: در اذهان مردم، درباره برنامه انقلاب به عنوان يك انقلاب اسلامی، اشتباهی وجود دارد، مضامین فکری، اقتصادی و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران چیست؟

جواب: انقلاب اسلامی بر منای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می‌افکند. در اسلام، تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه انسان‌ها باید برای او یعنی برای رضای او عمل کنند، هیچ چیز و هیچ کس را نپرستند. در جامعه‌ای که شخص پرستی‌ها و شخصیت پرستی‌ها، نفع پرستی‌ها، لذت پرستی‌ها و هر نوع پرستش محکوم می‌شود و فقط انسان‌ها دعوت شوند به پرستش خدا، در آن صورت همه روابط بین انسان‌ها، چه اقتصادی و یا غیر اقتصادی در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود، همه امتیازات لغو می‌شود، فقط تقوا و پاکی ملاک برتری است، زمامدار با پائین‌ترین فرد جامعه برابر است و ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است.

سؤال: آیا شعار رویارویی مسلحانه با شاه، يك شعار واقعی و قابل تحقق است؟

جواب: برای ما در راه رسیدن به خواست‌های اسلامی، هیچ چیز غیر ممکن نیست.

سؤال: آیا خبر جدیدی در مورد امام صدر هست؟

جواب: اقداماتی شده است، امیدواریم سودمند باشد و ایشان که مورد علاقه من و نیز شیعیان بلکه مسلمین لبنان است، هر چه زودتر به وطن خویش برگشته و به کار خود مشغول شوند.

سؤال: آثار قراردادهای (کمپ دیوید) و خیانت سادات، بر انقلاب ایران چیست؟

جواب: قرارداد (کمپ دیوید) و یا هر اقدامی که موقعیت اسرائیل را محکمتر می کند، اصولاً نه تنها به ضرر فلسطینی ها و اعراب بلکه به ضرر همه کشورهای منطقه و در نتیجه تقویت همه نیروهای ارتجاعی منطقه است.

سؤال: آیا از طرف خود پیامی برای ملت عرب دارید؟

جواب: پیام من برای برادران عرب و مسلمان این است که بیائید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و همگام و هم پیمان با همه برادران مسلمان و غیر عرب، تنها اسلام را تکیه گاه خود قرار دهید. تنها با داشتن ذخائر مادی که از حساب افزون است و از همه آنها مهمتر ذخیره الهی و معنوی که اسلام است، می توانید قدرتی باشید که هرگز ابرقدرت ها هوس تسلط بر شما را نکنند و اینگونه شما را از چپ و راست مورد حمله قرار ندهند و همه چیزتان را غارت نکنند.

سؤال: نظر شما در مورد سرنوشت قدس چیست؟

جواب: قدس متعلق به مسلمین است و باید به آنان برگردد.

بیانات امام خمینی در نقد احساسات کذائی بشر دوستانه کارتر و افشای ماهیت واقعی ابرقدرت

دلسوزی و بشر دوستی کارتر مبنی بر هراس از عدم ثبات در منطقه (صلی الله علیه و آله و سلم)

بسم الله الرحمن الرحيم

راجع به رفتن شاه که یکی از خواست های ملت است ، از چیزهایی که گفته شده است که شاه نباید برود این است که ثبات ایران ، ثبات منطقه از بین می رود و متزلزل می شود . کارتر در این نطق آخرش اینطور که نقل کرده اند گفته است که یک ایران مقتدر و مستقل ، این ثبات بخش است ، ثبات آخرین است ، بعد هم فرموده اند که ما نمی توانیم ببینیم که یک مشت اراذل پست ، شاه را کذا و کذا است می خواهند ساقط کنند . حالا ما یک بررسی می کنیم از این دو تا مطلبی که ایشان فرموده اند که ببینیم اولاً "با رفتن شاه ثبات ایران ، ثبات منطقه به هم می خورد؟! و آنوقت یک مشت اراذل و پست هستند که شاه را نمی خواهند؟! و ایشان نمی توانند ببینند که یک مشت اراذل پست این شاه را ساقط کنند؟! مساله اینطور نیست که ایشان فکر می کنند ، خودشان هم دانند که اینطور نیست . اما قضیه ثبات ایران ، مقصود ایشان از اینکه ایران باید ثابت باشد و اینکه ایشان دلسوزی برای ایران می کنند که ایران باید ثابت باشد یا منطقه که خلیج و اینها هم داخلش است باید ثابت باشد و ایشان عدم ثبات ایران را ، عدم ثبات منطقه را نمی توانند تحمل کنند و ببینند ، نکته اش چیست؟ چطور ایشان چنین برای بشر دلسوز شدند؟ این ، از این است که یک حس آدمخواهی ، یک حس حقوق بشر آقای کارتر را وادار کرده است که اینجا اگر شاه برود ثبات منطقه یا ثبات ایران به هم می خورد؟! این از حس این است که حقوق بشر را ایشان می خواهند حفظ کنند و دلشان برای این ایرانیان می سوزد که مبادا یکوقتی آنجا یک تزلزلی پیدا بشود مردم ناراحت بشوند و با تزلزل ، خوب ممکن است که اموال مردم از بین برود ، نفوس مردم از بین برود ، از این جهت ایشان چون خیلی بشر دوستند و خیلی به حقوق بشر اعتنا دارند نمی توانند ببینند؟! این الان شب ها شاید خوابش نبرد برای اینکه این ایرانی ها در زحمت واقع شده اند . این طور است؟! یا از اعمال اینها ما مطلب دیگری می فهمیم . خوب اگر چنانچه حس بشر دوستی ، حس حقوق بشر ایشان را وادار کرده است که یک همچو فرمایشاتی می فرمایند ، چطور پس از این کشتاری که الان در ایران یک سال است دارد می شود و از آن کشتارهایی که 15 خرداد به این طرف شده است و اینها همه ، خود ایشان هم می دانند ، هر عاقلی می داند که این کشتارها به امر شاه بوده است که مرکز امر است و هیچ صاحب منصبی قدرت اینکه امر به قتل عام مردم بکند ، همچو

چیزی امکان ندارد تا اینکه خود ایشان امر بکنند. چطور جمع می شود ما بین این دو تا؟! بشر دوستیش اسباب این می شود که راضی نشود که این ثبات منطقه به هم بخورد و در عین حال این بشر که 30 میلیون جمعیت است، 35 میلیون جمعیت است و الان در خاک و خون دارد جوان هایشان کشیده می شود، مدارسشان، دانشگاه هایشان، معابدشان - ایشان - چطور جمع می شود ما بین این دو تا مطلب؟! ایشان که دلشان برای آدم ها سوخته - این ایرانی ها - برای ایرانی ها دلشان سوخته که مبادا ثبات ایران به هم بخورد که ثبات به هم بخورد اسباب این می شود که یک هرج و مرجی بشود، اسباب این می شود که اموال مردم از بین برود، اسباب این می شود که نفوس مردم مثلاً تلف بشود، معذالک از یک شخصی که نفوس مردم را این قدر تلف کرده و اموال یک ملتی را اینقدر به غارت داده و غارت کرده، ایشان پشتیبانی می کنند و نمی توانند ببینند که ایشان برود. ما چطور جمع کنیم ما بین دو تا کلامی که ایشان می گوید؟! جز این است که مطلب این نیست و خودش هم می داند که مطلب این نیست.

حفظ ثبات منطقه در گرو قدرتمندی و استقلال ایران است

ایشان که همچو دست و پایش را گم کرده که مبادا ثبات ایران یا ثبات منطقه به هم بخورد، برای این است که مبادا یک وقتی ثبات اینجا به هم بخورد و نفت را دیگر به ما ندهند، مبادا ثبات منطقه به هم بخورد و کشتیرانی برای بردن نفت ها و برای سایر منافع به هم بخورد. مساله آن است، چرا درست نمی گویی؟ خوب درست مثل یک آدم صحیحی، خوب بگو به این که ما می ترسیم که این منافی که در ایران داریم، همانطوری که وزیر خارجه انگلستان گفت، او تشریح کرد که ایشان بسته به ماست، ما منافع داریم در آنجا، ایشان حافظ منافع ماست و ما پشتیبانی از ایشان می کنیم، خوب شما هم صاف مساله را بگو که ما منافی از ایران داریم می بریم، یک نفت را می خواهیم ببریم، می خواهیم پایگاه در ایران داشته باشیم که اگر یک جنگ عمومی پیش بیاید ما سنگر داشته باشیم، می خواهیم سایر ذخایر ایران را ببریم و شاه هست که می تواند برای ما تامین کند این امور را، از این جهت ما پشتیبانی از شاه می کنیم، خوب این یک مطلبی است که آن مطلب را باید، خوب یک مطلبی است که صحیح است، راست است، یعنی یک مطلبی است که اگر گفته بود این را و راست مطلب را می گفت این بود لکن ایشان اینطور نمی فرمایند، ایشان می فرمایند که ثبات منطقه باید محفوظ باشد و از آن طرف هم می گویند که ما دخالتی در امر داخلی مملکت ایران نداریم و همه می دانند که ایشان (آمریکا) هیچ دخالتی در ایران به هیچ وجه ندارد!! مثل یک آدم اجنبی می ماند که آن طرف کوهستان ها زندگی می کند و هیچ کاری به ایران ندارد!! این ادعا را ایشان می کند. شوروی هم همین ادعا را می کند لکن کی از او باید قبول کند این حرف را؟ پس این مطلب که ایشان گفتند که یک ایران مستقل و یک ایران قدرتمند حافظ ثبات ایران است صحیح است اینکه یک ایران قدرتمند و یک ایران مستقل ثبات می آورد یعنی اگر چنانچه ایران مستقل بود و تحت نظر دیگران اداره نمی شد، دیگران در آن دخالت نداشتند و قدرتمند بود و نظامی پیوسته به نظام دیگران نداشت، ثبات از برای ایران حاصل می شد. ایران هم دنبال

همین می‌گردد، ایران هم می‌خواهد که، ایرانی‌ها هم می‌خواهند که ایران ثابت باشد، متزلزل نباشد، هر روز يك کسی در آن دخالت نکند، هر کاری می‌خواهند به دست نوکرانشان اجرا نکنند، دخالت در مقدرات مملکت نکنند - ایران می‌خواهد که - ایرانیان، ملت شریف ایران می‌خواهد که ایران را مستقل کند و يك ایران قدرتمند ایجاد کند. الان قدرت ندارد ایران، مستقل هم نیست. قدرت ندارد برای این که تحت قدرت‌های دیگر دارد اداره می‌شود، 45 هزار و یا 60 هزار یا در يك نوشته‌ای هم بود که 80 هزار آمریکایی که مستشارهای زیاد در آنها هست، اینها دارند نظام ما را اداره می‌کنند. پس - قدرتمندی - الان آنها قدرت دارند، در ایران آنها قدرت دارند، نه شاه قدرت داشته باشد. ما می‌خواهیم يك ایران مستقل باشد، يك ایران قدرتمند باشد و الان ایران قدرتمند نیست از باب اینکه نظامش که نقطه اتکای قدرت است مثلاً در دولت‌ها، نظامش وابسته به دیگران است، هر کاری آنها خواهند انجام می‌دهند و لهذا اینطور تصرفاتی که در ایران می‌کنند، ایران الان مثل يك مملکتی است که در قبضه این قدرت‌هاست. پایگاه دارند کوهستان‌های اطراف کردستان و آن سرحدات، اینها پایگاه‌ها دارند، پایگاه‌های زیرزمینی عظیم دارند و يك چنین مملکتی يك مملکتی است که از آن طرف ذخایرش را دارند می‌برند از آن طرف پایگاه درست می‌کنند برای خودشان. این ایران اگر يك ایران قدرتمند بود نمی‌گذاشت که این کار بشود، پس ایران الان قدرتمند نیست - نه اینکه - نمی‌توانید شما بگویند که ایران باید قدرتمند باشد و حالا قدرتمند است و اگر شاه برود قدرت از بین می‌رود. ما می‌خواهیم که این کسی که این ضعف را از برای ایران آورده، قدرت را به هدر داده است، آن برود و ملت خودش قدرتمند است به جای او باشد. ایرانی‌ها این را خواهند، ایرانی‌ها استقلال می‌خواهند، می‌خواهند که قدرت‌های دیگر را دستشان را قطع بکنند. صحیح است این مطلب که ایران قدرتمند و مستقل، ایران می‌تواند که ثبات منطقه را حفظ کند، این يك مطلبی صحیح است لکن الان منطقه، یا ایران ثبات ندارد الان، اگر ایران ثبات داشت که نمی‌گذاشت شما دخالت در آن بکنید. ایران متزلزل و هرج و مرجی است. حالا 35 سال است، بلکه 50 سال است که این هرج و مرج در ایران هست، پس این مطلبی که شما می‌گوئید این نیست که شما ثبات ایران را می‌خواهید، شما می‌خواهید که ایران ثبات نداشته باشد تا استفاده کنید. اگر ایران قدرتمند باشد و ثبات داشته باشد، اگر چنانچه - قدرت - مثلاً دولت ایران قدرتی داشته باشد برای خود ملت باشد، برای خود ایران باشد، اگر دولت‌ها، دولت‌های ناشی از اراده ملت باشند، اینها نمی‌گذارند که شما اینطور در ایران تصرف کنید و اینطور هرج و مرج به بار بیاورید. ایران ثبات ندارد که این بساط شده است. ایران الان ثبات ندارد از باب اینکه قدرت ندارد، از باب اینکه استقلال ندارد. ایرانی می‌گوید که باید ثبات داشته باشد - تا اینکه و ثبات تابع قدرتمندی و استقلال است و ما قدرتمندی می‌خواهیم و استقلال. قدرتمندی به این است که نظاممان را از گرفتاری که آمریکا برایش پیش آورده نجات بدهیم و يك نظام متکی بر ملت ما ایجاد بکنیم، نه يك نظامی متکی بر مستشارهای آمریکا و استقلالمان را هم حفظ بکنیم و يك مملکت مستقل باشیم، نه يك مملکتی که همه چیز آن در دست دیگران است، تا به واسطه این ثبات پیدا بکند

مملکت ما . وقتی ثبات پیدا کرد نه شما حق دارید که نفت اینجا را مجان و بلکه بدتر از مجان ببرید ، بدتر از مجان برای اینکه نفت را می برند پایگاه برای خودشان درست می کنند ، این مصیبت است خدا می داند برای يك مملکتی که نفت را ببرند آنوقت با اسم اینکه ما می خواهیم يك مملکت قدرتمند باشیم . در افزایش اسلحه 18 بیلیون دلاری را بخرند و بیاورند در ایران پایگاه برای آقای کارتر یا آمریکا درست بکنند ، خوب ملت ایران می خواهد این نباشد ، می خواهد پیوسته به دیگران نباشد ، مستقل باشد ، يك مملکت مستقل نمی گذارد يك همچو چیزی بشود .

پایمال شدن استقلال مملکت با دخالت و تصرف اجانب در همه شوون

اگر يك ملت پنجاه هزار نفری باشند و مستقل باشند ، يك ملت پنجاه هزاری نفری باشند و خودشان اداره بکنند مملکتشان را ، هیچ قدرتی نمی تواند بر آنها تحمیل کند این را ، اما اشکال سر این است که اینها از باطن خود مملکت ، فساد را ایجاد کنند . او خارج نشسته می گویند که ما دخالت نمی کنیم در مملکت . دخالت نکردن به این معنا که مستقیماً شما بفرستید نظامیان را بدون اینکه چیز باشد و با توپ و تفنگ بفرستید ایران را بگیرند ، خوب این حالا نیست اما مستشارها را به عنوان این که اینها خدمتگزار به ملت هستند ، اینها می خواهند تربیت کنند مثلاً ارتش را ، می خواهند چه بکنند ، فرستادید ، از آن طرف هم در تمام شوون این مملکت شما دخالت دارید و تصرف دارید . يك ایران آزاد ما می خواهیم و يك ایران مستقل ما می خواهیم ، يك ایران قدرتمند می خواهیم ، يك ایرانی می خواهیم که خود ملت بایستد و خود ملت اداره کند مملکت را . ما پنجاه سال است که اصلاً نه مجلس داشتیم ، نه دولت داشتیم ، نه شاه داشتیم ، هیچ يك ، هیچ نداشتیم ، همه اش تحت اداره دیگران بوده و دیگران اداره اش می کردند ، الان مملکت ما قیام کرده است که نگذارد این هرج و مرجی که دولت های خارجی می خواهند ، اینها باشد ، می خواهد نگذارد این بشود .

ثبات ایران از دیدگاه کارتر(صلی الله علیه و آله و سلم)

خوب حالا- جمله ثانی ایشان را ، خوب این هم از ایشان می پرسیم که الان ثبات است در ایران ؟ الان شاه هست ، الان که شاه نرفته ، الان که شاه نرفته است سرتاسر ایران این اختلافات هست ، مردم ایستاده اند و می گویند ما نمی خواهیم این مردیکه را ، اینهمه با توپ و تفنگ و چماق اراذل و اوباش به جان مردم ریخته و مردم را دارد قتل و غارت می کند ، الان ثبات است ؟! در دو سه روز پیش از این در مشهد ، مشهد مقدس ، در معبد مسلمین در حرم حضرت رضا سلام الله علیه با تانک رفتند تا توی (اینطور که چیز شده گفته اند) با تانک رفتند تا توی صحن و به دیوارهای صحن و به دیوارهای ایوان می گویند که آثار گلوله هست . این چندمین بار است که این سلسله پهلوی به معابد ما این طور می کند به همان معبد حضرت رضا ، این ثبات ، الان مملکت ما ثبات دارد ؟! خوب شاه هست الان ، الان يك مملکت ثابتی است ؟! الان مملکتی است که هیچ تزلزلی در آن نیست یا می خواهی يك چیزی

برای خودت بگوئی همین طوری؟ یکی نیست آنجا که جلوش بایستند بگویند آقا اینها چیست که تو داری می گویی، خوب این مردم دارند کشته می شوند، این مردم دارند چه می شوند، سر تا ته ایران الان مثل زلزله آمده به هم ریخته، یک دسته می گویند ما نمی خواهیم شاه را، یک دسته اراذل و اوباش هم به جان مردم ریختند که نخیر حتما باید ملت بخواد شاه را، با زور باید مردم دوست داشته باشند شاه را. این ثباتی است که دارد که ایشان می فرمایند ثبات دارد ایران و این ثبات را ما نمی توانیم ببینیم که متزلزل بشود!

اراذل و اوباش کیستند؟ فریادگران استقلال و آزادی یا ضایع کنندگان حقوق بشر

خوب جمله بعدش آنکه دیگر خیلی مرحمت فرموده اند که ما نمی توانیم ببینیم که یک مشت اراذل و اراذل پست، شاه را که کذا و کذاست ساقط کنند! ملت ایران که می گویند ما آزادی می خواهیم استقلال می خواهیم، اراذل و پستند؟! یا آنهایی که می خواهند مال مردم را ببرند اراذل و پستند؟ ملت ایران دارد فریاد میکند که ما آزادی می خواهیم. آن کسی که آزادی را سلب از مردم می کند اراذل و پست است در نظر دنیا؟ یا آن که می گوید آزادی من خواهم؟ آن کسی که می گوید من استقلال می خواهم پست است و اراذل؟ یا آن کسی که استقلال یک ملتی را به هم می زند؟ یک ملت 35 میلیونی که ایستاده است و - میگوید - جانم را دارد می دهد جوانم را دارد می دهد و می خواهد مملکتش را نجات بدهد از دست شما، آنها اراذل و پستند و شما آقا و با شرف؟! یک کسی که از یک طرف گوید حقوق بشر، از یک طرف حقوق میلیون ها بشر را به زمین می زند که ایرانش را ما شاهد هستیم و جاهای دیگرش را هم دیگران شاهد هستند، از آن طرف قضیه حقوق بشر را ذکر می کند و آن طرف بشر را اینطور می کند، این خیلی شریف است، اما ملت ایران که می خواهد از زیر یوغ اینها بیرون برود اراذل و پست است در نظر شما؟! نظرت صحیح نیست، برگردان این نظر را تو بعدها می خواهی با این ملت زندگی کنی، نمی گذارند زندگی کنی. ملتی که ببیند اینطور تو داری با آنها صحبت می کنی نمی گذارد دیگر شما حیات پیدا کنی، نمی گذارد که آمریکایی در ایران باقی بماند.

قیام برای خدا کنید که آن قیام پیروز است

یک قدری فکر بکن این آدم (ما نمی توانیم ببینیم که یک مشت اراذل و اراذل پست، شاه ایران را که کذا و کذاست ساقط کنند) خوب شما نتوانید ببینید چشم هایتان را هم بگذارید ملت ایران این کار را کند، انشاءالله میکند، البته با شرط اینکه لله باشد (قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا لله مثنی و فرادی) برای خدا یکی هم باشید، برای خدا وقتی که باشید پیروزی هست، جمعیت هم باشید، وقتی برای خداست پیروزی هست شما برای خدا قیام کنید، ملت ایران برای خدا انشاءالله قیام کرده است که دست ظلم را کوتاه کند و مملکت اسلامی را نجات بدهد و ما همه وظیفه داریم که کمک کنیم به این نهضت. آقایان اگر این نهضت خدای نخواست به نتیجه نرسد و خاموش بشود تا آخر الابد گرفتار

هستیم ، یعنی نسل های آتیه شما هم گرفتار هست زیر یوغ استعمار و یک قلدری که بیاید و نوکری کند به آنها . نگذارید این نهضت خاموش بشود بدون رسیدن به نتیجه ، بیائید دنبال این باشید به حق با تمام قدرت همراهی کنید تا این که این نهضت نتیجه بدهد و دست دیگران کوتاه بشود و این سلسله ساقط بشود و برود در پرتگاه انشاءالله خداوند همه تان را حفظ کند ، موفق باشید انشاءالله سلامت باشید انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 244

بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات سوء ابر قدرت ها جهت لوٹ نمودن مبارزات مشروع ملت ایران

بسیج و گسترش نیروهای تبلیغاتی در داخل و خارج بر علیه مبارزات ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

دامنه این مبارزات هر چه گسترده تر می شود دامنه تبلیغات هم بر ضد آن گسترده تر می شود، اول که مبارزات کمتر بود و آرامتر بود، تبلیغات هم به همان حجم کمتر بود در داخل و خارج و حالا که مبارزات بالا گرفته است دست و پا می کنند آنهایی که می خواهند شاه را نگه دارند، چه قشرهایی که در داخل دارد از عمال و چه قشرهایی که در خارج هستند، چه آنهایی که طمع به کیسه شاه دارند و چه آنهایی که طمع به مخازن ایران دارند، اینها همه دسته جمعی به دست و پا افتادند و دامنه تبلیغات را هر چه بیشتر گسترده تر کردند و می کنند.

سلطه شاه عامل موثر بر هم زنده ثبات منطقه

از جمله چیزهایی که اخیراً گفتند و تذکرش هم دادم و کلمه ای که صادر شده است از کارتر و من را بسیار متأسف کرده است و متاثر، اینکه ایشان ابتدائاً می گوید که یک ایران قدرتمند و یک ایران مستقل برای ثبات منطقه لازم است (با این تعبیر تقریباً) و دنبالش می گوید که ما نمی توانیم ببینیم که اراذل پست شاه را کنار بزنند و این رژیم را از بین ببرند. این یک تبلیغات است و یک تهدید، این که تبلیغ است آن است که خود شاه هم همیشه در حرف هایش هست و بوده است و عمالی هم که در خارج دارد و ارتزاق از او می کنند همین حرف را می زدند و می زنند و آنهایی هم که منافعشان را خواهند تامین بکنند به دست شاه، آنها هم این حرف را می زنند که ایران اگر شاه برود ثباتش از بین می رود. الان که شاه هست، الان ثبات دارد ایران؟! اینها اصلاً فکر این که این حرفی که می زنند، نمی کنند خوب منعکس می شود این یک آدمی است که قدرتمند است، از ابرقدرت هاست، حرفش را منعکس می کنند، در ایران منعکس می شود، در سایر ممالک منعکس می شود که الان که شاه هست الان ایران در ثبات و آرامش دارد زندگی می کند، همه آرام، مردم همه راحت منزل هایشان می خوابند اینجا هم به راحتی مشغول کسب و کارشان هستند و مدارس هم همه آرام، دانشگاه ها هم مشغول به تحصیلشان هستند با آرامش، با خوشی برای این که شاه هستند در ایران!! خوب این منعکس می شود در دنیا که یک همچو انقلابی که الان در ایران هست، در غیاب شاه هست یا در حضور شاه هست؟ شاه نیستند و این

ناآرامی های سرتاسری هست؟ یا شاه هم تشریف دارند، در حضور مبارك اعليحضرت!! همه مردم ایستاده اند و می گویند مرگ بر این شخص، مرگ بر این سلسله؟

این کشتارهایی که در سرتاسر ایران ما هر روز شنویم، هر روز تقریباً از تلفن هایی که از ایران می شود اطلاع دهند که فلان جا چند نفر کشته داشت، فلان جا چند نفر کشته داشت، فلان اعتصاب واقع شد، فلان جا اعتصاب شد، فلان اداره اعتصاب شد، فلان دستگاه اعتصاب شد، اینها همه آرامش است؟! با وجود شاه الان يك مهد آرامی است ایران و ثبات دارد؟! یا اگر شاه باشد آرامش نیست؟ ما می گوئیم که اگر شاه الان باشد و بخواهد ادامه بدهد این سلطنت غیرقانونی و این سلطه جهنمی را، ثبات ایران از بین می رود و رفته است و ایران در معرض سقوط است. آن شخص می گوید که اگر چنانچه شاه نرود يك ایران مستقل، يك ایران برومند، يك ایران قدرتمند، ثبات منطقه را، ثبات ایران را حفظ می کند! و دنبالش هم آن انگشت می گذارد روی آن قدرتمند و آن کسی که استقلال را در ایران ایجاد کرده است و يك دولت برومندی است که آن عبارت از دولت شاه است که آرامش را حفظ کرده و استقلال را حفظ کرده است و اگر چنانچه او برود، این استقلال و آرامش، این آرامش از بین می رود، استقلال از بین می رود، آزادی از بین می رود، همه چیز ما بسته به این وجود ذیجود است!! آخر این چه حرفی است که يك کسی که می گوید من رئیس جمهورم و ابرقدرت و از آن حرف ها و لاف و گزاف ها می گوید، این چه حرفی است که می زند؟ آخر چرا آدم يك حرفی بزند که ما در این گوشه دنیا هم انتقاد از او بکنیم و هر که بشنود و سرعقل باشد انتقاد از او می کند که آقا کدام ثبات را شما الان دارید حرف می زنید؟ الان ثبات در ایران هست؟ شما از کدام استقلال ایران حرف میزنید؟ ایران نظامش مستقل است؟ ایران فرهنگش مستقل است؟ ایران صنعتش مستقل است؟ اقتصادش مستقل است؟ آخر چه چیز ایران استقلال دارد تا این که به وجود شاه این استقلال می گویند هست و وقتی استقلال باشد ثبات پیدا می کند منطقه و الان استقلال هست و ثبات هم دارد منطقه! اگر برود ثباتش به هم می خورد! آخر چه استقلالی ما داریم؟ تو که می دانی، ما هم که دانیم که چه می گویی، تو هم می دانی که ما می دانیم دروغ می گویی، (خنده حضار) استقلال دارد ایران؟! تو خودت می دانی که ایران را پایگاه های آمریکا درست کردید، پایگاه برای آمریکا درست کردید. اگر يك مملکتی مستقل باشد تو دهن تو می زند که پایگاه در ایران بخواهی درست کنی. تو که می دانی که در کوهستان های ایران پایگاه برای شما درست شده است. يك مملکت مستقل، يك حکومت مستقل که نمی گذارد که در مملکتش پایگاه درست بشود و در کوهستان هایش چه بشود. تو می دانی که به سر اقتصاد ایران چه آوردی و خزائن ایران و مخازن ایران را چگونه غارت کردید و بردید. اگر يك حکومت با شرف ما داشتیم، يك سلطان با شرف ما داشتیم امکان داشت که این طور مخازن ما را به خورد شما بدهد؟ برای این که چند روز دیگر می خواهد، يك آدم قریب شصت سال می خواهد زندگی کند و زندگی پست و رذلش را می خواهد ادامه بدهد، منافع يك ملت بزرگ را همه را از دست می دهد و هیچ فکر آتیه این مملکت نیست و فکر حال این مملکت هم نیست، خوب، تو چرا این حرف را می زنی که

می دانی؟ جز این است که می خواهی اغفال کنی؟ خوب کی را اغفال کنی؟ اهل مملکت خود ما را اغفال کنی؟ خوب، مملکت ما می دانند که الان آرامشی در کار نیست، می دانند که استقلالی ما نداریم.

کارتر فریادهای آزادیخواهی رابه ارادل و اوباش نسبت می دهد

يك روز می گوید که يك آزادی تندي!! به مردم دادند و از این جهت که آزادی تند است، مردم به هیاهو در آمدند. من نمی دانم آدم چطور جواب این حرف ها را بدهد، خوب اگر يك آدم عادی بود، آدم می گفت خوب نامربوط گفته و لاش کن، اما يك کسی است که خواهد با این حرف ها تبلیغ کند، می خواهد با این حرف ها حکومت شاه را حفظ بکند - اگر ایشان هم - بعد دنبالش آن حرفی که هر انسانی را، هر انسانی را ناراحت می کند که يك آدم يك سر و دوگوشی که هوشش سر جایش است، باز دیوانه نشده است، می گوید که ما نمی توانیم ببینیم که ارادل پست این سلطنت را ساقط بکنند!! سی و پنج میلیون جمعیت مسلم که ایستاده اند و میگویند که ما می خواهیم آزاد باشیم، ما خواهیم مستقل باشیم. آزادی و استقلال طلبی، ارادلی و پستی است؟! شما که می گویند که آزاد کردند شما را و شما به واسطه آزادی! يك همچو حرفی میزنید، مردم ایران آزاد هستند؟! مطبوعات ایران الان آزاد است؟! پس چرا تعطیل است مطبوعات؟ اگر اینها آزادند چرا برای این که سانسور نباشد، الان همه مطبوعات ایران تعطیل است؟ مخابرات ایران چرا تعطیل است؟ همه چیز ایران الان تعطیل است، هر اداره ای که بروید تعطیل است، خوب چرا؟ چرا مطبوعات ایران الان تعطیل است؟ خوب این را از آقای کارتر پرسیم که چرا مطبوعات ایران الان تعطیل است. مطبوعات ایران هم به واسطه اینکه يك مردم ارادل پستی هستند تعطیل کردند؟! و چاپخانه ها هم هیچ روزنامه ای را طبع نمی کنند تا سانسور هست؟ یا سانسور و اختناق و کارهائی که خلاف انسانیت است در آنجا دارد انجام می شود و مردم بر خلاف این قیام کرده اند. مردم می خواهند که انسان باشند، مردم ایران می خواهند آدم باشند، انسان باشند نه اینکه تحت نظارت يك اشخاصی که هیچ چیز ندارند. آن وقت يك مردمی که قیام کرده اند و بچه هایشان را و جوان هایشان را دارند فدا می کنند برای آزادی، برای استقلال، برای اسلام، برای حکومت عدل، اینها ارادل و پست هستند در منطق شما؟!!

در منطق کارتر قتل و غارت حقوق بشر، امری ضروری برای نجات ایران است

اصلا يك وقت عرض کردم که الفاظ از معانی خودش تهی است. این عصر ما يك عصری است که الفاظ گفته می شود، لکن معنا آن معنا را نمی دهد. ایشان می گوید که ایران آزاد است، زیاد آزاد است! در همین حرفش هم گفته است من خوشحالیم از اینکه شاه آزادی به مردم داده است! شما خوشحالید که، این آزادی است که به ما داده؟! الفاظ را گویند، اما معنا ندارد این الفاظ، الفاظ بی معنی می گویند. آزادی یا معنایش به معنای اختناق است (ایشان آزادی را می گوید و مرادش اختناق

است) یا می گوید و سرش نمی شود که چه می گوید. نمی توانیم ما بگوییم که يك آدمی الفاضلی را می گوید و نمی فهمد چه دارد می گوید. تو ملتفت هستی که داری چه می گویی که (ایران آزاد است، من خوشحالم که ایران آزاد است، بله، من متاسفم که بعضی مثلا کشته شده اند لکن این لازم بوده) دنبال این که می گوید من متاسفم، می گوید لکن يك مطلب لازمی بوده!، (مطلب لازمی بوده) می دانید یعنی چه؟ یعنی اگر این آدمها را نکشند نفت ما نجات پیدا نمی کند. اگر اینها را نکشند پایگاه های ما ممکن است از بین برود. این لازم بوده است که برای استفاده خارجی ها، برای غارتگری اینها، برای این که نفت ما را ببرند و خودشان پایگاه درست کنند، عوض پول نفت پایگاه برای خودشان درست کنند می گویند لازم بوده است این، البته تاسف دارد، البته کاشکی که این مردم هیچ حرف نمیزدند تا ما نفت هایمان را می بردیم! چون مردم حالا حرف زده اند این يك خرده تاسف دارد! آدمکشی هم تاسف دارد لکن این آدمکشی لازم بوده است! يك انسانی که می گوید که حقوق بشر، اسم از حقوق بشر می برد آنوقت يك همچو حرفی می زند که يك مردمی که ایستادند و يك حق اولیه بشر را دارند مطالبه می کنند، اینها ارادل پست هستند و کشتن ایشان هم لازم است! اینها که می گویند که ما می خواهیم آزاد باشیم و می خواهیم مستقل باشیم، اینها کشتن شان لازم است، يك امر لازمی بوده ولو تاسف دارد که چرا اینها يك چنین حرفی می زنند، خوب بود این حرف ها را نزنند! - باشد - مردم باشند تحت همین مهمیز اعلیحضرت باشند تا ما هم نفت ها را ببریم و راه باز باشد برای ما. با سرنیزه ریختند آبادان و آن جاهای دیگر، باز می خواهند نفت ها را ببرند، مردم تا حالا هم حاضر نشده اند نمی دانم الان وضع امروز چه جوری است.

در هر صورت ما در يك محیطهائی واقع شدیم، در يك عصری واقع شدیم که عجائب و غرائب ما می بینیم، از آن طرف مردك دم از آزادی بشر می زند و حفظ حقوق بشر، از آن طرف می گوید که در مثل ایران دیگر حفظ حقوق بشر مطرح نیست. در یکی از فرمایشاتشان آقای کارتر این طور می گویند که: در مثل ایران که ما يك منافی داریم و قضیه سوق الجیشی است، اینجا دیگر حقوق بشر مطرح نیست، حقوق بشر در جاهای دیگر مطرح است، در مثل ایران و امثال ایران نه دیگر لازم نیست که حقوق بشر را ما حفظ بکنیم! از آن طرف هم این حرف ها را می زند که يك مشیت ارادل و عرض می کنم پست، اینها هستند! آیا آن کسی که سلب آسایش مردم را می خواهد بکند ارادل است یا آن کسی که گوید می خواهم آزاد باشم؟! آن کسی که منافع مردم را می خواهد بچاپد از ارادل و اوپاش است یا آن که می گوید منافعمان را ما برای خودمان خواهیم؟! خوب این را حساب بکنید، بی حساب حرف نزنید، حساب بکنید که این مردم چه می خواهند. ببینیم خواست مردم ارادلی است و پستی است یا آن که جلو این خواسته را می خواهد بگیرد ارادل و پست است؟

فریاد استقلال طلبانه و آزادیخواهی اقشار مردم بر علیه غارتگران

مردم ایران حرفشان واضح است، دارند داد میزنند، از بچه دبستانی و تا دبیرستانی، تا

عرض می‌کنم که همه جا تا برسد به پیرمردها، تمام مدارس ایران، جوان‌های ایران در مدرسه در دانشگاه، در هر جا فریادشان این است که ما آزادی می‌خواهیم ما استقلال می‌خواهیم، ما یک حکومتی که استقلال را از ما سلب کرده است این را نمی‌خواهیم. این آیا اسمش این است که مردم ارادلی هستند، مردم پستی هستند که می‌گویند ما آزاد می‌خواهیم باشیم، ما مستقل می‌خواهیم باشیم، ما می‌خواهیم تحت حکومت غیر نباشیم؟! این از پستی آنهاست که می‌خواهند نباشیم؟! که اگر تحت اراده شما باشند آن وقت خیلی مردم شریفی هستند؟! اگر نفت‌ها را توی مشتشان بگیرند و بیایند تقدیم کنند، کلیدهای مخازن را تقدیم شما کنند آن وقت یک مردم شرافتمندی و بزرگواری هستند؟! حالا که می‌گویند که غارتمان نکنید حالا پستند؟! اراذلند؟! این منطق است که شما دارید؟! یا منطق اوباش است اینها، منطق اراذل است این حرف‌ها، نه منطق یک انسان. انسان نمی‌تواند این طور حرف بزند. تو اگر این جور تعبیر نکرده بودی من هم این جور تعبیر نمی‌کردم، من عار دارم که با تو حرف بزنم.

با تبلیغ و انعکاس اهداف قیام ملت، به نهضت کمک کنیم

در هر صورت حالا وضع ایران ما به این جا رسیده و من امیدوارم که با خواست خدای تعالی پیش برد ایران و امیدوارم که پیروز بشود ایران و شمایی که اینجا هستید و از هر جایی که آمدید، همه تان مکلفید که به ایران خدمت بکنید و به این نهضت کمک بکنید. کمک تبلیغاتی این جا که هستید می‌توانید بکنید و تبلیغات می‌توانید بکنید تا این که این قشر تبلیغاتی که مرتزق از شاه هستند در دهانشان را ببندند. در خارج البته دارند اینها یک اشخاصی که تبلیغات می‌کنند برای حفظ شاه، شما هم تبلیغ بکنید، مردم را آشنا کنید به این که مردم ایران چه می‌خواهند. این ملتی که الان پانزده سال است (بیشتر) قیام کرده است و یک سال است که دائما دارد خون می‌دهد، دائما دارد جوان‌هایش را فدا می‌کند، اینها چه می‌خواهند؟ اینها چه ارزشی قائلند برای این آزادی و استقلال که جوانشان را می‌دهند و معذالک باک ندارند؟ باید کمک کنید به اینها، باید به مردم بگوئید، به مردم این حدود بگوئید که ایران یک همچو چیزی میخواهد. گوش نکنید به این حرف‌ها که، تبلیغاتی که از اطراف می‌شود که خیر، اینها یک مردم ارادلی هستند و یک مردم پستی هستند، اینها وحشی هستند آن مردیکه آمریکائی گفته بود که یک مردم وحشی هستند؟ که آن خبرنگار (باز آن هم اروپائی بود) گفت که آقا اینها که آزادی می‌خواهند، چطور وحشی هستند یک ملتی که اینطور ایستاده اند و دارند (در آن روزی که آرام هم مردم داشتند می‌رفتند) مردمی که این طور یک میلیون جمعیت آرام دارد می‌رود و لکن برای یک خواست انسانی است، چطور تو می‌گوئی وحشی است؟! آنها غیر وحشی را عبارت از این می‌گویند که منافع آنها را تامین بکند، هر که منافع آمریکا را تامین کرد، این آدمی است که خیر، آدم شریفی است! اراذل نیست! از اوباش نیست! پست نیست؟! شریف است! و هر کس که بخواهد منافعش را، در جیبش را ببندد که قاچاقچی نبرند مالش را، این آدم پستی است! آدم ارادلی است!

انشاءالله خداوند همه تان را توفيق بدهد و همه را پيروز کند ، يك روزی به وطن خودتان بيائيد با سرفرازی ، الان هم سرفراز هستيد . يك
ملتی را شما زنده كرديد ، شما ملت ايران زنده كرديد ايران را ، آن مرده ها را زنده كرديد شماها ، جوان ها ، خداوند انشاءالله همه تان را
حفظ کند ، موفق باشيد .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

ص: 250

بیانات امام خمینی پیرامون عمق جنایات و خیانت های شاه در ابعاد مختلف

مقصد نجات امت است

بسم الله الرحمن الرحيم

مقصد هر چه بزرگتر باشد، رنج در راه آن هر چه زیاد باشد، باید انسان تحمل کند و آسان تر است. اگر مقصد شما آقایان همین امور دنیائی باشد، رنج هایتان به هدر می رود و اگر مقصد خدا باشد، نجات بندگان خدا باشد، نجات يك ملت ضعیف مظلوم باشد، رنج ها هر چه زیادتر باشد هدر نمی رود، يك چیزی که برای خداست هدر نمی رود. این قوه هائی که صرف در راه این ملت مظلوم می شود، برای نجات خلق خدا هست، برای رفع ظلم هست، برای قطع يد اجانب از بلاد مسلمین هست. این قوایی که در این راه صرف می شود یا صرف شده است خیال نشود که هدر رفته است، اینها محفوظ هستند. الان شما مواجهید، ملت ایران، ملت اسلام مواجهند با يك قوای شیطانی که بر مقدرات آنها سال های طولانی است که تسلط پیدا کردند و بلاد مسلمین کم کم به فکر افتاده اند که خودشان را نجات بدهند و من جمله ایران است که حالا مدتی است در فکر این است که نجات بدهد خودش را از دست اجانب، از دست قوای شیطانی و در این راه رنج ها برده است و چون مقصد بسیار بزرگ است، مقصد نجات يك امت است، مقصد آن است که این بیچاره ها که زیر بار ستم و ظلم اجانب با توسط حکومت های جائزانه، با وساطت سلسله پهلوی جائز در رنج بودند و در عذاب بودند، مقصود این است که نجات اینها حاصل بشود و مملکت از دست کفار نجات پیدا بکند، از دست اجانب نجات پیدا بکند و مملکت بشود از خود شما و ذخائر مملکت از خود شما.

ایجاد پایگاه تسلیحاتی برای آمریکا در ازای ذخائر ملت

اینکه می بینید هی فریاد می زنند از اینکه بودجه کم است، کسر آمد، نه این است که درآمد ایران کم است، درآمد ایران زیاد است لکن دست هایی در کار است که نمی گذارد تامین بشود، خورنده هایش زیادند. نفت الان يك بودجه بسیار زیادی است و یکی از خیانت هایی که الان شاه بر ملت ما می کند این است که این ذخیره ای که باید برای سال های بسیار طولانی برای نسل های آتیه محفوظ بماند و زندگی بکنند با همین ذخائر، این آدم خواهد که در ظرف 20 سال، 30 سال، همه اش را به حلقوم آمریکا بکند و در ازایش هم چیزی دریافت برای منفعت ملت نکند. اینکه کسر می آید بودجه، یکی اش

برای همین معناست که این بودجه خورده شود. شما ملاحظه می کنید که 18 میلیارد دلار پول نفت را اسلحه خریدند 18 میلیارد دلار اینها اسلحه خریدند و باز هم خرند، اگر مهلتشان بدهند باز هم خواهند خرید، و این اسلحه ها چی هستند؟ خیال می کنید که ما محتاج به 18 میلیارد اسلحه هستیم برای تنظیم امورمان؟ خیر مساله اینها نیست، چون رقیب آمریکا که شوروی است توجه دارد به مسائل، اینها به عنوان اینکه ما پول نفت را داریم تحویل می دهیم، به این عنوان همین اسلحه هایی که هیچ به درد ایران نمی خورد می آورند در ایران و پایگاه برای خود آمریکا درست می کنند یعنی نفت ما را می خورند و به جای آن برای خودشان پایگاه درست می کنند، به اسم دادن پول نفت برای خودشان پایگاه درست می کنند. اگر پول نفت را به ما ارز می دادند و پولش را می دادند، زیادتر بود از اداره دولت و اداره ملت. این پول ها برای ملت ما کافی است منتها آنقدر خورده می شود، آنقدرش که آمریکا می آورد و عوضش آهن به ما می دهد، آهنی برای خودش، نه برای ما، یک مقداری هم که داده شود به حلقوم آقای محمدرضا خان و عائله و آن کسانی که به او مربوط هستند و آنهایی که می خواهند خدمت به او بکنند و مردم را می کشند برای حفظ او، که می گویند 60 هزار نفر (اینطور نوشته بودند) 60 هزار نفر اینهایی اند که مربوط به عائله سلطنتی هستند، مربوط به عائله سلطنتی یعنی آنهایی که باید از این سفره بخورند، بخورند و کار نکنند، بخورند و بیعاری کنند. خورنده خیلی زیاد است نه اینکه عائدات کم است.

شاه، مجری طرح آمریکایی اصلاحات ارضی

این عائدات نفت که باید صرف خود مملکت بشود، صرف این فقرایی که در مملکت هستند بشود، اینها برای اصلا برق و اسفالت و اینها در خود تهران تمام نشده، برق و اسفالت و آب که یک چیزهای اولی است حالا، باز خود تهران ندارد. خود تهران بعضی محله هایش چیزی ندارد، آب ندارند، باید بیایند سر این شیرهایی که هست. این زاغه نشین هایی که الان در تهران هستند یا چادر نشین هایی که در تهران هستند و حدود بیست، سی محله هستند که صورتشان را برای من داده بودند و الان پیش من نیست، اینها زندگیشان عجیب است، آنطوری که نوشته بودند برای من، اینها همان ها هستند که آقا گفتند: (مادهقان ها را از زیر بار نمی دانم آزاد می کنیم، ارباب و رعیتی به هم خورد و دیگر دهقان شدند همه و همه چه شدند). این زاغه نشین هایی که در اطراف تهران و در خود تهران و محلات تهران الان ساکن هستند و یا آن که حالش خیلی خوب است یک خانه گلی درست کرده است خودش با 10 نفر، 15، 5 نفر، 6 نفر عائله، باقی دیگر با چوب و با نمی دانم از نی و با اینطور چیزهایی که تا حالا برای ما تفصیلش را نوشته بودند، حدود 20، 30 تا محل را اسم برده بودند، فلان جا، فلان جا، فلان جا، اینها زاغه نشین هستند و یا چادر نشین هستند یا یک خانه هایی اینطوری درست کرده اند. نوشته بود که در این اینها در اینطور شرایط هستند که بعضی شان منزل هایشان در یک گودالی واقع هست که باید تا لب خیابان که خواهد بیاید، نمی دانم پنجاه تا، صدتا (خیلی زیاد)

نوشته بود من یادم نیست الان) باید پله طی بکنند تا بیایند به لب خیابان، آنجا يك جایی که شیر آب است بیایند آب بردارند. این زن بیچاره ای که می خواهد برای بچه هایش آب ببرد باید کوزه را بردارد از این گودال در این زمستان، در این برف، در این سرما از این پله ها برود بالا برسد به خیابان به آن شیر آب و يك کوزه آب را پر کند و ببرد برای بچه هایش. زندگی، خیال نکنید که حالا زندگی ایرانی ها مرفه است آنطوری که در بوق هایشان می گویند، يك دسته خاصی هستند که یا نور چشمی ها هستند یا اشخاصی هستند که وابسته اند، اینها هستند که يك قدری مرفه هستند، باقی مردم اینطور نیست که خود تهران اینطور است که 20، 30 محله دارد اینطور اشخاص ضعفا، همین هایی که در دهات مشغول زراعت بودند، زراعتشان را به اسم اصلاحات ارضی به هم زدند، دیدند که نمی توانند زندگی کنند آنجا، کوچ کردند بیچاره ها آمدند به اطراف تهران برای اینکه با کاری، با نمی دانم کسبی، يك کاری، يك حمالی بکنند، يك چیزی پیدا کنند که بچه هایشان نمیرند، اصلاحات ارضی که ایشان کردند این بود یعنی آمریکایی که می خواست، این نقشه آمریکایی بود برای ملت های این طرف که یکی آن هم ایران بود، يك نقشه ای بود برای اینکه بازار درست کند برای آمریکا. آمریکا گندمش زیاد بود، گاهی وقت ها آتش می زدند، گاهی وقت ها به دریا می ریختند، بهتر از این چی بود که زندگی ایرانی ها را به هم بزنند و زراعت ایران را به هم بزنند و کشاورزی بکلی از بین برود. حالا يك مملکتی که يك استانش کافی بود برای تمامش و باقیش بایست به فروش برود، يك آذربایجان اگر چنانچه سابقا بوده زراعت می شد کافی بود برای همه ایران، مابقیش باید به فروش برود، به خارج برود، صادر بشود، حالا اینطور که ملاحظه می کنید همه چیزش وارد می شود از خارج. دامداریش را به هم زدند، کشاورزش را به هم زدند، همه زندگی را به هم زدند. مراتع ما را، مراتع سرسبز خوب ما که بعضی مراتعش را اشخاص کارشناس که آمدند دیدند، گفتند بهترین مراتع برای دامداری است، در دنیا از این مرتع بهتر نیست، این را به يك دسته ای دادند که یکی اش ملکه انگلستان است از قراری که به من نوشته بودند و يك عده دیگری از آن مفتخورها، به آنها داده اند، اجازه دادند به اصطلاح خودشان. دامداری را از بین بردند، حالا ملت ایران با گوشت های عرض می کنم که یخ زده نجس دارند زندگی می کنند که از بلاد دیگری می آورند برایشان، یخ زده، خراب، فاسد و حرام میت است در صورتی که ایران يك ناحیه اش وقتی که دامداری حسابی بود کافی بود برای همه ایران و مابقی اش باید صادر بشود.

همکاری شاه با اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین

حالا شما همه چیز را از خارج وارد می کنید، هر چه هست یا از اسرائیل می آید (دشمن اسلام) خدا می داند که این مرد نسبت به اسلام چه خیانت ها کرده است، اسرائیل که دشمن اسلام است، با مسلمین الان در جنگ است، این از همان اول این را شناختند، از اول، از بیست و چند سال پیش از این، حدود سی سال، بیست و پنج سال پیش از این اسرائیل را که در جنگ بود با مسلمین، اینها به رسمیت شناختند و ابتدایش بروز ندادند و آخرش هم حالا که می بینید که الان یکی از افرادی که سینه

می زند برای محمدرضا خان، برای بقایش، اسرائیل است که می گوید نفت ما را از بین می رود، برای اینکه نفت او را اینها دارند می دهند، یعنی نفت بلاد مسلمین را می دهند به دشمن مسلمین که جنگ کند با مسلمین. يك همچو خائنی است این مردك، نفت ما را با تانکرهاى خودشان، با وضع خودشان می رسانند به آنها، آنهايي که با همين نفت جنگ می کنند با مسلمین و غضب کردند زمین های مسلمین را عرض بکنم همه چیز مسلمین را از بین بردند، فلسطین را چه کردند، بیت المقدس را غضب کردند. این یکی از خیانت هایی است که این مرد به اسلام و مسلمین کرده است که در ایران هم همين طور اینطوری که به من اطلاع داده اند، بهترین زمین ایران دست اسرائیلی هاست. بهترین زمین دست این یهودی های اسرائیلی است که آنها کار می کنند لکن منافعشان را آنها دارند می برند.

شاه، کهنه نوکری برای حفظ منافع اجانب

دهقان های ما باید بیایند در تهران، زندگیشان آنطور باشد که گفته اند و انسان تا نبیند، هر که را نبیند، مطلب را نرود بررسی کند نمی فهمد چه خبر است اینها چه کرده اند. این مال خود تهران که پایتخت است، از اینجا وقتی بیرون بروید و در شهرهای دیگر و در دهات دیگر بروید، آنجا چه خبر است خدا می داند چه خبر است، آب ندارند، بهداری نیست، در خود رزومه ها نوشتند بیست تا ده هست که يك بهداری در آن نیست، يك طبیب ندارد، آب ندارند. در روزنامه اطلاعات يك کیهان يك وقت دیدم در چند سال پیش از این که اینها از بی آبی اینقدر بی آب هستند که صبح وقتی این بچه از خواب بیدار می شود تراخم دارد، چشمش بسته است و چشمش را که به هم بسته است می خواهند چشمش را باز کنند، مادرش را با بول آن را، این چیزش می کند تا چشمش باز بشود. يك همچو زندگی ملت ما در دست این آدم دارد. پول ها رامی برند و در خارج برای خودشان ویلا درست می کنند و این کلمه را مکرر گفتم ولی باز هم عرض می کنم که (نوشته بود به من، حالا در يك مجله ای بوده است که یادم نیست اینها نوشته بود که من خواندم این را یا در يك چیزی بود که برای من خواندند آن را) يك ویلایی برای خواهر این شاه، يك کدام از این خواهرانش يك ویلایی خریده اند (به چه قیمت، آن را من یادم نیست اما نوشته بود) که 6 میلیون دلار یعنی 35 میلیون تومان خرج، 6 میلیون دلار خرج گلکاری آنجا شده است، يك همچو ویلایی از پول کی؟ ما که رضاخان را می شناختیم وقتی که آمد اینجا يك آدم لختی بود، يك سرهنگی بود که آمد اینجا. يك نفر از آقایان که نوارهایش را برای من فرستاده بود و من گوش کردم که چه کردند در این اسفالت که قرارداد کردند، نوشته بود که هر متری نمیدانم چقدر، چند صد دلار خرجش کردند یعنی خوردند و درست نکردند. ما الان هیچ نداریم، ما لختیم، بیچاره اگر این هم برود تا مدت های زیاد باید زحمت بکشند که این خرابی هایی که این کرده جبران بکنند، اگر بتوانند. (اگر ایشان برود زمین و زمان به هم می خورد! زمین و آسمان به هم می خورد! اگر ایشان برود ثبات ناحیه به هم می خورد!) کدام ثبات ناحیه به هم می خورد؟ بله اگر ایشان بروند ژاندارم نیستند برای خلیج و اینها، چون با پول ملت ما برای حفظ منافع آمریکا لشکر می فرستد حفظ

کنند آن خلیج و امثال ذالك را . اگر ایشان برود مملکت ما درست می شود ، اداره می شود ، صحیح اداره می شود ، هر کس بیاید صحیح تر از آن اداره می کند . اگر ایشان برود خلاء می شود ؟ ! چه خلایی می شود ؟ خوب يك دزدی برود ، يك نفر آدم صحیح تر بیاید سر جایش ، این خلاء است ؟ ! يك آدم صحیح تر می آید جایش ، ما نداریم آدم صحیح ؟ ! ایران اصلا دیگر ندارد کسی را که جای آقای محمدرضا خان را بگیرد ؟ ! ایشان چه می کند که دیگران نمی کنند ؟ ایشان دزدی می کند ، دیگری نمی کند . خلاء چیست ؟ اینها همه تبلیغاتی است که اینها می کنند . با هر زبانی که بتوانند تبلیغ می کنند که این را نگهش دارند و نگه داشتش برای این است که يك دسته داخلی می خواهند از قبل او بخورند ، يك دسته بیشترش هم خارجی ها خواهند به توسط او منافع مملکت ما را ببرند و غارت کنند . ما را بهتر از او کسی نیست که غارت کند زیرا این نوکری است که از همه نوکرها بهتر است ، اگر يك نوکر بهتر پیدا کنند فوراً این را کنارش می زنند لکن بهتر از این کسی نیست ، نوکری کرده و کهنه نوکر است این .

تکلیف ما ، تبلیغ و روشنگری بر علیه دستگاه های تبلیغاتی اجانب

البته کار بزرگ است ، مشکل است لکن اهمیتش زیاد است یعنی يك ملتی با يك قدرت هایی می خواهد مقابله کند کار بزرگ است ، مشکل هم است لکن برای این است که اسیر است در دست دیگران ، می خواهد که این اسارت ، قید اسارت را بشکند . کار مهم است ، وقتی مهم است ولو طولانی باشد ، ولو مشکل باشد باید درست بشود . تو باران شما هستید ، خوب با شدید ، دیگر بالاخره باید يك کار بشود . شما اگر يك تظاهری هم میکنید ، يك روشنگری می کنید ، خداوند توفیق تان بدهد ، حالا باران هم می خورید ، خوب بالاخره برای خداست ، برای نجات ملت ایران است و همه تان مکلفید مکلفیم به اینکه این تبلیغاتی که در خارج شده و دارد می شود و بعضی از این روزنامه های خارجی از آنها ارتزاق می کنند و بر ضد ملت ایران و بر وفق آقای محمدرضا خان چیز می نویسند ، روشنگری کنید شماها در مقابل آنها ، شما هم روشنگری کنید ، شما هم به هر کسی رسیدید بگوئید مسائل را که ایران وضعیتش اینطوری است ، صدای ایران نه از باب اینکه خیلی آزادی دارند بلند است صدایشان بلند است که ما آزادی می خواهیم ، از باب اینکه آزادی ندارند . کی آزادی دارد ؟ مطبوعات ما الان تعطیل است چندین وقت است که تعطیل است ، چرا تعطیل است ؟ برای اینکه سانسور است ، آنها می گویند سانسور نباید باشد . هر جا را می روی الان تعطیل است ، هر جا را می روی اعتصاب است برای اینکه مردم می بینند که دارد از بین می رود يك مملکتی در دست اینها . ادارات مطلعند که چه می گذرد منتها بیچاره ها نمی توانستند صحبت کنند ، حالا ، حالا اعتصاب کنند . هر جا بروی اعتصاب است ، مریضخانه اعتصاب است ، طیب اعتصاب است ، در دادگستری نمی دانم وکیل اعتصاب می کند ، قاضی اعتصاب می کند ، هر جا بروی اعتصاب است ، برق اعتصاب است ، همه چیز اعتصاب است ، چرا ؟ خیلی در رفاه هستند که اعتصاب کنند ؟ ! خیلی کارشان خوب است و آزاد هستند ؟ ! آزادی زیاد به ایشان دادند به قول کارتر که اینها همه در اعتصاب هستند و در زحمت هستند ؟ ! یا نه می بینند که

اعتصاب بکنند يك مدتی ، يك مدتی فلج کنند این کارها را بهتر از این است که اعتصاب نکنند و همیشه گرفتار باشند . باید اعتصاب بکنند تا اینکه رفع بشود این گرفتاری ها . ما مکلف هستیم مثل همه یعنی باید همه ما دنبال مطلب باشیم و اگر بتوانیم با روزنامه نگارها مصاحبه کنیم ، مسائل ایران را بگوئیم ، نتوانیم مصاحبه کنیم ، رفقا داریم در آمریکا ، در اینجا ، در انگلستان ، در هر جا رفقا داریم ، آشنایان داریم ، در بین آشنایان به ایشان بگوئیم ، چند نفر ایستاده اند توی مدرسه دارند با هم صحبت می کنند ، شما هم بگوئید آقا مساله ایران این است درد ایرانی هائی که الان قیام کرده اند این است ، خیانت هائی که این مردمك کرده است به مردم ، این است ، نه آن روزنامه ها یا مجلاتی که در خارج بعضی وقت ها منتشر می شود و بر ضد ایران صحبت می کند ، این مسائل نیست مسائل نیست ، مسائل این است که این دارد همه حیثیت ایران را به باد داده است .

استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی ، خواسته همه ملت - ایران آزادی - همه مردم دارند داد می کنند ما آزادی می خواهیم ، ما استقلال می خواهیم ، ما حکومت عدل می خواهیم حکومت اسلامی می خواهیم . حکومت اسلامی حکومت عدل است ، دیگر این دزدی ها تویش نیست ، اگر يك حکومت عادل صحیح پیدا بشود ، همه چیز ما اداره می شود . ان شاءالله خداوند همه تان را توفیق بدهد ، موفق باشید ، سلامت باشید . من باز تکرار می کنم از اینکه آقایان می آیند اینجا از راه های دور و ما جایی که آنها را پذیرایی کنیم نداریم معذرت می خواهم . خدا همه تان را حفظ کند ، موفق باشید انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه روزنامه نگاران نروژی و فاینشال تایم لندن و الرأی تونسسی با امام خمینی

سؤال: برنامه های آینده حضرت آیت الله برای ایران چیست؟

جواب: ما انشاءالله وقتی که شاه رفت يك حکومت اسلامی در ایران ایجاد می نمایم و شکل رژیم را که جمهوری اسلامی است به آراء عمومی می گذاریم و تمام نواقصی که تا کنون شاه پیش آورده است، حتی الامکان ترمیم می کنیم.

سؤال: در صورت سقوط شاه آیا حضرت آیت الله به ایران باز می گردید و دولت جدیدی را تشکیل خواهید داد یا نه؟ بعضی ها معتقد هستند در ایران که قبل از سقوط شاه به ایران باز می گردید، نظر حضرت آیت الله چیست؟

جواب: من هر وقت که صلاح بدانم به ایران برمی گردم، چه قبل از سقوط شاه باشد و چه بعد از سقوط او.

سؤال: آیا دولت جدید مورد نظر شما صد در صد اسلامی است؟ به این معنی که حکومت آینده، محلی برای یهودیان، مسیحیان و سایر اقلیت های مذهبی خواهد بود یا نه؟

جواب: البته که در حکومت اسلامی، محلی برای اقلیت های مذهبی وجود دارد و آنها الان هم وکیل دارند و در مجلس واردند، ما در حکومت اسلامی هم برای آنها این حق را قائلیم.

سؤال: روابط دولت آینده با غرب چگونه خواهد بود؟ آیا تمام خارجی هائی که در ایران هستند باید ایران را ترك کنند؟

جواب: ما با ملت های غرب نه تنها هیچ نظر سوئی نداریم، بلکه با آنان صمیمی هم هستیم و آن دولت هائی که با ملت ایران بدرفتاری کرده اند، ما با آنها نظر خوبی نداریم و در هر صورت با

غریبی‌ها ما رفتارمان عادلانه است و هیچ وقت با هیچ کس رفتار ظالمانه نخواهیم داشت .

سؤال : نظر حضرت آیت الله درباره روسیه شوروی و کمونیست‌ها چیست ؟

جواب : روسیه هم یکی از دولی است که به ما تندی کرده است و ما از او ناراضی هستیم . شرائط اجتماعی ایران به صورتی است که کمونیسم هیچ راهی در آن ندارد .

سؤال : آیا شما خواستار تاسیس و تشکیل يك فدراسیونی از دولت های اسلامی در منطقه هستید ؟

جواب : در صورتی که مقتضی بشود امکان دارد .

سؤال : آیا حضرت آیت الله با معمر قذافی در لیبی روابطی دارید ؟

جواب : خیر ، لکن راجع به يك قضیه ای من به ایشان پیغام دادم و ایشان هم جواب دادند .

سؤال : اگر چنانچه رژیم فعلی کنونی کنار برود و حکومت اسلامی برقرار شود ، این اصلاحات ارضی ای را که شاه انجام داده کنار خواهد رفت و شما این زمین‌ها را از دهقان‌ها گرفته به مالکین برخواهید گرداند ؟

جواب : خیر ، زمین‌ها به مالکین برنمی‌گردد . مالکین مالیات اسلامی را در طول تاریخ نداده‌اند و تمام املاک آنها به دولت برمی‌گردد .

سؤال : برنامه شما ، نظر و رهنمودتان برای طرفدارانتان در ماه محرم چیست ؟

جواب : من در مورد محرم به دوستانم دستور داده‌ام و به آنان گفته‌ام که مجالس را هر چه بیشتر باید برپا نمایند و مراسم این ماه را بدون اجازه از دولت انجام دهند و اگر دولت جلوگیری کرد در خیابان‌ها و کوچه‌ها و خارج تکایا مسائل روز را بگویند و نهضت را ادامه دهند .

سؤال : ما می‌بینیم که يك اتحاد کاملی بین مخالفین شاه اعم از سیاسی و دینی ، داخل ایران به وجود آمده و آن اینکه همه می‌گویند که شاه باید برود ، تنها چیزی که برای ما مبهم است اینکه شما چه نظام و مجتمعی را جایگزین شاه خواهید کرد که بتواند مورد موافقت همه قرار گیرد ؟

ص: 258

جواب : ما قصد داریم حکومت اسلامی به معنای حقیقی خودش جایگزین رژیم سلطنتی بشود . ما نظام جمهوری را به آراء عمومی گذاریم و ایران چون همه شان مسلمان هستند رای بدین قضیه خواهند داد و بعد از رای آنها حکومت جمهوری اسلامی تشکیل خواهد شد .

سؤال : ملت تونس و مسلمانانی که در تونس هستند گرایشی به حرکت های دینی در ایران دارند ، گرچه عده ای می خواهند به این حرکت برچسب واپسگرایی بزنند . آیا مطلبی برای ملت تونس دارید ؟

جواب : من برای تمام ملل جهان و خصوصا مسلمین جهان این پیام را دارم که ملت ایران برای احقاق حقوق از دست رفته اش قیام کرده است و سلاطین در طول تاریخ مانع و غاصب حقوق آنان بوده اند ، لهذا از تمام مردم جهان و مسلمانان شریف تقاضا دارم که به نهضت اصیل اسلامی و مردم ایران کمک کنند . انسانیت مردم جهان اقتضا دارد که صدای ملت مظلوم ما را به جهان برسانند ، علاوه بر این که تکلیف اسلامی مسلمانان است که اگر کسی مظلوم واقع شد باید به آنان کمک کرد .

ص: 259

بیانات امام خمینی در مورد نتایج سلطه دست های جنایتکار بر ذخائر ملت

مقدرات مملکت ما همه به دست دیگران (اجانب) است

بسم الله الرحمن الرحيم

عذر می خواهم که منزل ما کوچک است و شما بحمدالله جمعیت زیاد هستید و ما نمی توانیم که از شما پذیرایی کنیم . من از خدای تعالی توفیق شما را خواهم و امیدوارم که شما جوان های يك روزی به ایران برگردید پیروز و سلامت که ذخائر شما از خود شما باشد و حکومت به دست خود ما باشد . ما امیدواریم این سلسله به زودی منقطع بشود و دست جنایتکار اجانب از ذخائر ما قطع بشود و شما آقایان با سلامت و سعادت مقدرات مملکت خودتان را خودتان دست بگیرید . الان چنانچه ملاحظه می کنید مقدرات مملکت ما همه به دست دیگران است . دیگران با دست های جنایتکار خودشان این سلسله را آوردند و با دست های جنایتکار خودشان بر ما مسلط کردند و این سلسله در تمام طول تاریخ ، از پنجاه و چند سال پیش از این تا حالا بر ما ظلم کرده اند ، بر ملت ما خیانت کرده اند ، ذخائر ما را به دیگران دادند ، مملکت ما را پایگاه ظلم قرار دادند ، پایگاه از برای آمریکا قرار دادند . من از خدای تبارک و تعالی خواهم که شما را حفظ کند ، موفق باشید و اهالی مملکت ایران را موفق و پیروز کند . انشاءالله خداوند به همه شما سعادت و سلامت عنایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در مورد پوچی ادعای بر هم خوردن ثبات منطقه در صورت نبودن شاه

خطر تجزیه ایران و کمونیسم داخلی، از تشبثات شاه برای دوام سلطنت

بسم الله الرحمن الرحيم

از جمله تشبثاتی که کردند برای حفظ شاه، این است که ایران هم مرز با شوروی است، چند صد کیلومتر هم مرزی دارند و شاه است که ایران را حفظ کرده از تجاوز شوروی، اگر چنانچه شاه برود، به واسطه این هم مرزی که هست ایران در دامن شوروی می افتد و در کلمات خود ایشان هم مکرر هست که (اگر چنانچه من نباشم ایران می شود ایرانستان) و ما باید حساب کنیم ببینیم که آیا صحیح است این مطلب که الان شاه، مملکت ایران را از شر شوروی نگه داشته و اگر ایشان بروند مملکت ایران به دامن شوروی می افتد، یا صحیح نیست این؟ يك صحبت این است که، يك فرض این است که اگر شاه برود شوروی مستقیماً حمله می کند به بلاد و ایران را می گیرد یا لااقل آذربایجان را می گیرد. يك فرض این است (که ما این فرض را باید حساب کنیم) يك فرض دیگر این است که اگر چنانچه شاه برود، به واسطه تحریکاتی که می کند شوروی، کمونیسم داخلی آنجا را به دامن شوروی می اندازد. این هم باید ما حسابش را بکنیم ببینیم صحیح است یا نه.

قدرت شاه اتکال به ملت ندارد

اما فرض اول که شوروی حالا- که حمله نکرده به ایران، قدرت شاه جلوگیری کرده، این شاه اتکال به ملت دارد؟ یا نه بی اتکال به ملت همچو قدرتی دارد؟ اگر ادعا بکند که من اتکال به ملت دارم و این ملت است که می تواند، قدرت این را دارد که نگذارد کسی تعدی بکند، خوب این را باید مطالعه کرد در احوال ایران و بالفعل که ببینیم که ایران یکسره پشتیبان اعلیحضرت است؟ این پایه ای، الان پایگاهی دارد در ایران؟ یا این هم به همان شکل پدر درآمده است؟ که خوب، این را من یادم است، شماها شاید هیچ کدام یادتان نباشد که وقتی که جنگ عمومی شروع شد و متفقین ایران را خواستند قبضه کنند برای اینکه پلی باشد - برای - بین آنها و جاهای دیگری که دعوا داشتند، سه تا لشکر از سه جنبه به ایران حمله کردند، مال انگلستان بود و مال آمریکا بود و مال شوروی و آن حرف هائی که رضاشاه می گفت مثل همین حرف هائی است که این می زند که (قدرت ما دیگر به آنجا رسیده که کسی نمی تواند تعدی کند، به آنجا رسیده است و کذا) یکدفعه معلوم شد که يك ادعایی بوده است که تویش

خالی بوده است، فقط این يك حرفی بوده. آنوقت می گفتند که اعلامیه ای که دوم نداشت اعلامیه لشکر ایران بود که اعلامیه اول را که اعلامیه جنگشان بود، دومی نداشتند که ظاهراً سه ساعت طول کشید، وقتی که رضاشاه به سردارهایش گفته بود که آخر چرا سه ساعت، گفته بودند سه ساعت هم زیادی بود برای اینکه ما هیچی نداشتیم، آنها همه چیز، راه می آمدند، سه ساعت راه می آمدند و الا چیزی در کار نبود. حالا ایشان همچو قدرتی دارد که ملت را استثناء کنیم و - خود قدرت ایشان را - که قدرت ایشان جلوگیری کرده است از این ابرقدرت که شوروی باشد؟ یا يك مسائل دیگری در کار هست؟ قدرت ایشان همین است. وقتی هم که يك قدرتی اتکال به ملت نداشته باشد نظیر همان رضاشاه می شود که این سه تا مملکت، این سه تا لشکر ریختند به ایران و ایران را گرفتند و همه چیز ایران در معرض خطر بود، خطری بود از همه چیز ایران، در عین حال يك مطلب وجدانی برای ماها بود و مشهود بود که مردم شادی کردند که اینها آمدند شر رضاخان را کردند برای اینکه آنها که آمدند رضاخان را فرستادند رفت. يك همچو وضعی پیش آورده بود که در عین حال که اجنبی، دشمن، سه تا دشمن بزرگ همه چیز ایران را در معرض خطر داشت معذالك از آمدن این دشمن ها مردم شادی کردند و به هم عرض کنم شاید مبارك باد می گفتند که خوب شد آمدند که این مردیکه رفت، شرش را کند و رفت. اینطور با مردم عمل کرده بود که از دشمن، سه تا دشمنی که به حسب دیانت با اینها مخالف بود و همه چیزشان مخالف بود، اینها آمدن آنها را برای رفتن او ترجیح می دادند آنها بیایند و او برود. الان هم وضع این آقا اینطور است که همچو در نظر مردم این مبعوض است که اگر خدای نخواستہ يك قدرتی بیاید و این برود، آن را مردم ترجیح می دهند برای اینکه آنها باز ممکن است يك حسابی داشته باشند. لهذا آنها که آمدند بی حساب نبود که به مردم تعدی بکنند، البته بود يك تعدیاتی اما نه آنطور تعدی که رضاخان کرد، شوروی هم نکرد، انگلستان هم نکرد، آمریکا هم نکرد، دشمنان ما نکردند آنطور با ایران، آنطور که این سختگیری کرد و مردم را آزار داد، آنها همچو کاری نکردند، اینها آمدند البته قبضه کردند، بسیار بد بود، بسیار زشت بود لکن معذالك اینطور بود. الان هم وضع ایشان اینطور شده که بودن ایشان در ایران به طوری در نظر مردم يك امر ناگواری است که اگر چنانچه يك قدرتی بیاید و این برود معلوم نیست که همان شادی ها را نکنند، همانطور که آنوقت بود حالا هم شادی نکنند. حالا در هر صورت الان قدرت ایشان که اتکال به ملت هم ندارد و ملت همه اصلاً با او موافق نیست.

هراس دو ابرقدرت از یکدیگر مانع تعدی آنان به ایران است، نه قدرت پوسیده شاه

باز ما فرض می کنیم که ارتش تمامش هم با این موافق است و حال اینکه فرض است، الان ارتش تو خالی شده، الان پوسیده تویش و با ایشان موافق خیلی نیستند، خوب يك دسته ای که خورد و بردشان زیاد بوده و هست، آنها هستند و اما همچو نیست که همه موافق باشند، حالا ما فرض می کنیم که تمام ارتش هم با ایشان موافق باشند لکن در قبال يك قدرتی مثل قدرت شوروی اینطور نیست که

اینها بتوانند يك كاری بکنند . پس مساله این نیست که الان قدرت اعلیحضرت مانع شده است از اینکه شوروی حمله کند به ایران ، خیر مقابلش قدرت های دیگر است ، جهات دیگری است که نمی شود ، نه آن یکی می تواند تعدی کند ، نه آن یکی می تواند تعدی کند . همچو که آمریکا می خواهد يك کلمه بگوید ، از شوروی اعلام می شود این مخالف با مصالح ماست ، ما آرام نمی نشینیم ، اگر این هم بخواهد چیز بکند آن یکی می گوید که مخالف مصالح ماست . این بین این دو تا قدرت بزرگ اینجا حفظ شده است ، نه اینکه ایشان حفظ کردند . پس بنابراین قدرت منهای ملت ، يك قدرت پوسیده ای است که ایشان دارند و این همچو قدرتی را ندارد و اگر چنانچه ایشان بروند ، ما فرض کنیم که ایشان بروند و دیگر جهات دیگری نباشد که آمریکا در مقابل شوروی ، انگلستان در مقابل شوروی که اگر این بخواهد تعدی کند اینها نمی گذارند ، اگر اینها بخواهند تعدی کنند آنها نمی گذارند ، این هم نباشد در کار ، بخواهد شوروی حمله کند به ایران ، ملت ایران که الان با هم هستند ، با این ملت نمی تواند حمله کند ، ما فرض می کنیم خیر ، ارتشش رازد و وارد کرد ، زندگی نمی تواند بکند ارتشش ، یعنی هر ده کوره ای که برود پدرشان را در می آورند ، چنانچه دیدیم بیرونش کردند از آذربایجان . آذربایجانی ها بودند که بیرون کردند ، شوروی را در جنگ عمومی که بنا گذاشتند بماند اینجا ، بعد که آذربایجانی ها بیرون کردند آقا راه افتادند به رجز خوانی که این من بودم که آذربایجان را نجات دادم . این را همه مردم می دانند که ایشان نبودند که آذربایجان را نجات دادند ، آن کسی که نجات داد آذربایجان را ، ملت آذربایجان بود که نجات داد . حالا هم اگر بنا باشد شوروی حمله بکند و ایشان نباشد ، ملت است ، اگر ایشان باشد ملت نیست برای اینکه ملت پشتیبان ، او نیست و اگر شوروی بخواهد حمله بکند شاید يك تاییدی هم از آنها بکنند ، این اشخاصی که رنج دیدند از این خانواده ، يك تاییدی هم شاید بکنند چنانچه آنوقت خیلی هم خوشحال بودند و اگر ایشان نباشد بهتر ایران حفظ می شود از شوروی و حال آنکه اصل مطلب اینطور است که قضیه اینکه شوروی تعدی نمی کند به ایران و آمریکا تعدی نمی کند و انگلستان تعدی نمی کند این است که خود اینها قدرت هایی در مقابل هم هستند و اگر اینها بخواهند هر کدامشان چی بشوند ، يك جنگ عمومی پیدا می شود و اینها الان می دانند که جنگ عمومی مطابق است با قطع نسل بشر . اینطور نیست که جنگ عمومی بکند و آن یکی غلبه کند بر او ، او را از بین ببرد و خودش زندگی کند ، برای اینکه قضیه جنگ های ذره ای است ، اتمی است و تمام بشر از بین می رود و هیچ عقلی اقتضای این را هم نمی کند که يك جنگ عمومی را . این جنگ عمومی غیر آن جنگ عمومی اول و دوم بوده . جنگ عمومی اول و دوم جنگ عمومی بود که این ابزاری را که الان پیدا شده ، نبود این ابزار . جنگ اول که خیلی کم بود ، جنگ دوم هم بود اما اینطور نبود . الان وضع جوری شده است که اگر يك جنگ عمومی بخواهد در دنیا پیدا بشود ، عقلای دنیا می دانند ، همین ابرقدرت ها می دانند که این جنگ مثل آن جنگ ها نیست . این جنگ ، بشر را به نابودی کشیدن است یعنی هم شوروی نابود خواهد شد ، هم آمریکا نابود خواهد شد هم سایر ممالک نابود خواهد شد . يك همچو جنگ عمومی نخواهد پیدا شد ، اگر هم پیدا شد ما هم مثل همه مردم ، ما عاقبتمان به خیر است آنها

ادعای باطل شاه مبنی بر قدرت‌مندی او در جلوگیری از تعدی ابرقدرت ها

در هر صورت این حرف ، این منطق ، يك منطق فاسدی است که اگر اعلیحضرت نباشند آمریکا از آن طرف شروع می کند به تعدی کردن و انگلستان از آن طرف آمریکا از آن طرف ، و این قدرت است که در مقابل همه قدرت های عالم ، ادعا این است که قدرت ایشان در مقابل این سه تا ابرقدرت که انگلستان و آمریکا و شوروی باشد ایستاده است ، نه فقط در مقابل شوروی ، در مقابل این سه قوه ایستاده است و الان کارتر وقتی فکر می کند که يك همچو قدرتی در ایران هست به خودش می لرزد یا فرض کنیم در کرملین اگر يك همچو صحبت بشود مردم به خودش می لرزند یا در انگلستان . ایشان اینطور ادعا را دارد که من هستم که تجزیه نشده است ایران ، اگر من نباشم ایران تجزیه خواهد شد . این حرفی است که می زند . از بچگی تاحالا عادت کرده است از این حرف ها بزند و حالا هم از این حرف ها می زند .

ادعای باطل شاه مبنی بر حفظ ثبات کشور و ممانعت از فعالیت کمونیست های داخلی

خوب حالا-فرض دوم را پیش می آوریم که رفت ، ادعا این است که اگر ایشان نباشد اینها حمله می کنند لکن حالا که ایشان هست يك ثباتی هست و این داخلی ها ، کمونیست های داخلی نمی توانند که الان کاری انجام بدهند لکن ایشان به مجردی که رفت اینها شروع می کنند به چیز کردن و شلوغ کردن و آذربایجان را می دهند به شوروی یا ایران را می دهند به شوروی و این حرف ها را می زنند یا خیر نمی دهند به شوروی لکن ایران می شود کمونیست . این هم همچو ادعایی دارد . گاهی آنطور می گویند ، گاهی اینطور می گویند که خیر ایران می شود کمونیست . این را وقتی حسابش را بکنیم يك حرف نامربوطی است برای اینکه الان این کمونیست هایی که در ایران هستند از قدرت ایشان می ترسند که اگر قدرت ایشان نباشد دیگر مردم دیگر را هیچ حساب نمی کنند؟! سی و چند میلیون جمعیت ایرانی يك عده کمی شان کمونیست هستند آن هم نه آن کمونیستی که بخواهند شوروی را بیاورند در ایران ، کمونیست اند ، اینهم من خیلی باورم نیست که کمونیست اصیل باشند به اصطلاح خودشان ، اینها هم بسیارشان ، سرانشان حالا شاید جوان هایشان اینطور نباشند اما آن سرانشان آنهایی هستند که از دربار سر در آوردند و در آنجا کارهایی انجام می دهند و الان بعضی شان نوکر دربار هستند ، اینها از آنجا سر در می آورند ، اینها به اصطلاح من کمونیست آمریکایی هستند نه کمونیست واقعی .

حالا ما فرض می کنیم که يك عده ای هم کمونیست باشند ، خوب ما در این چیز ایران دیدیم این را ، همین الان ، همین الان که ایران این انقلابات است ما می بینیم که شعار چه است . در ایران شعار کمونیستی است یا شعار اسلامی ؟ همه هم می دانند این معنا را که اگر يك شعار کوچکی هم يك جانی داده بشود و ما فرض هم بکنیم که از کمونیست ها هست يك قطره ای است در مقابل يك دریا . همه

اقشار ایران، سرتاسر اقشار ایران تمامش فریاد حکومت اسلامی دارند می زنند، يك عده مختصری هم هستند فرض کنیم که به قول اینها، که اینها شعار کمونیستی می دهند. این عده مختصر در مقابل این سیل و این دریایی که الان راه افتاده و همه دارند ادعا می کنند که ما حکومت اسلامی می خواهیم، اینها منحلند. اینها يك حرف نامربوطی است که ایشان خیال می کند، خیال نمی کند ایشان می خواهند اغوا کنند والا خودش هم می داند این مسائل نیست، نمی تواند اغوا کنند این را، خوب تجزیه چیست؟ کمونیست شدن چیست؟ يك جا می گوید تجزیه می شود یعنی يك طرف ایران را شوروی اخذ می کند، يك طرف ایران را انگلستان می گیرد يك طرف ایران را مثلا آمریکا می گیرد. يك وقت هم می گوید ایران کمونیستی می شود، یعنی همان تیکه اش می شود؟ دیگر باقی جاهایش نمی شود؟ کمونیست ها فقط آذربایجان را می گیرند یا خیر، شوروی می آید آذربایجان را می گیرد؟ این حرف ها يك حرف هایی است که اینها می زنند و می گویند که اگر شاه نباشد کذا و همه اش برای حفظ این است. آمریکا هم همین حرف ها را اگر بزند برای حفظ این است، شوروی هم پشتیبانی از این می کند و از این حرف ها ممکن است القاء بکند که ایشان را نگه دارد، انگلستان هم ممکن است همین حرف ها را بزند برای نگه داشتن ایشان، البته همه اینها موافقند با اینکه ایشان باشد برای اینکه بهتر از ایشان برای اینکه منافعشان را تامین کند ندارند الان. اگر يك نوکر بهتر پیدا می شد خیلی پشتیبانی نمی کردند لکن حالا این يك کهنه کاری است که بلد است راه ها را، فهمیده چه جوری کار بکند ولو الان از کار افتاده است و اینها میل دارند که این باشد بلکه منافع اینها باز يك مدتی ادامه پیدا کند.

وظیفه ایرانیان مقیم خارج، تبلیغ و انعکاس خواسته ملت در رسانه های گروهی

و ملت ایران الان در مقابل همه اینها ایستاده است و می گوید که نه، ما منافعمان برای خودمان می خواهیم باشد و ما می خواهیم آزاد باشیم، خواهیم مستقل باشیم، ما يك حکومت عدل اسلامی می خواهیم نه يك حکومت جائری که همه چیز ما را به باد بدهد، ما يك حکومت امینی می خواهیم که امین باشد برای مردم و ما داریم در ایران، در خارج ایران مردم امینی که می توانند جانشین بشوند از برای این آدم و این دستگاه.

و این مطلب را باز هم تکرار می کنم که ماها همه مان مکلفیم به اینکه در خارج اینجا که هستیم، در خارج ایران که هستیم به ایرانی ها کمک کنیم. به ملت ایران که همه چیزش را الان در طبق اخلاص گذاشته و دارد برای نفع همه ماها، همه ملت دارد قیام کرده است و همه چیز را دارد می دهد، ما هم آنقدری که قدرت داریم به آنها کمک کنیم و الان ما در اینجا این قدرت را داریم که با مصاحباتمان با مطبوعات، اگر می توانیم چیزی در مطبوعات بدهیم بنویسند، با مردم وقتی که صحبت می کنید حرف هایتان را بزنید و روشن کنید که این مردم ایران اینطور نیست که به قول آقای کارتر (اراذل پست باشند) و بخواهند يك آدم شریفی را از مملکت بیرون بکنند، خیر اینها يك مردمی هستند که حقوقشان را می خواهند، حق اول بشری است که عبارت از آزادی و استقلال است می خواهند و می خواهند يك

کسی که تعدی به این حق کرده است از ایران بیرون برود و کسانی هم که تعدی به این حق کردند ، به حق آنها کردند دستشان را قطع بکنند و این را به کسانی که با آنها روابط دارید ، این مطلب را گوشزد کنید ، مکرر کنید تا اینکه يك موجی هم در خارج پیدا بشود و انشاءالله زودتر به نتیجه ، به نتیجه می رسید من میل دارم زود برسید . انشاءالله خداوند همه شما را توفیق بدهد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 266

مصاحبه امام خمینی با تایمز انگلستان

سؤال: حضرت آیت الله! شما وضعیت کنونی کشورتان را چگونه می بینید؟

جواب: اوضاع کنونی کشور بر ضد شاه اوج گرفته و انشاءالله نزدیک است که به نتیجه قطعی برسد که رفتن شاه و برقراری يك حکومت عادلانه است.

سؤال: چه آینده ای برای شاه در نظر گرفته اید؟ آیا او باید برود و یا اینکه او می تواند به صورت سلطنت باقی بماند؟

جواب: شاه به صورت مقامی در سلطنت باقی نخواهد ماند و ما هم هرگز چنین اجازه ای را نمی دهیم و اما رفتن او در صورتی است که فرار کند والا ملت ایران او را دستگیر نموده و محاکمه کرده و مجازاتش می نماید.

سؤال: دلایل اصلی شما برای مخالفت با شاه چیست؟

جواب: خیانت های بیش از حد شاه در تمام زمینه ها دلیل اصلی مخالفت ما با اوست. او سال های زیادی برخلاف تمام موازین قانونی حکومت کرده است. کشتارهای بیش از حد او، وابستگی او به اجانب، هدم استقلال کشور به تمام ابعاد، حکومت غاصبانه او را محکوم می کند. ملت او را نمی خواهد. او باید برود.

سؤال: آیا نظر دارید که اعلان جهاد کنید؟

جواب: الان خیر، لکن اگر چنانچه اینطور باشد که اجانب از او پشتیبانی کنند و مبارزات به طول بیانجامد، در این امر تجدید نظر می کنیم.

سؤال: آیا صحت دارد که شما اعلان فرموده اید که در تاسیسات نفت خرابکاری کنند؟

جواب: خیر، خرابکاری را اجازه نداده ام لکن اگر چنانچه قرار باشد که نفت ما را تا آخر ببرند ممکن است يك کارهائی بشود که نتوانند ببرند.

سؤال: ممکن است با توجه به بعضی جزئیات بفرمائید که حکومت اسلامی چیست؟

جواب: حکومت اسلامی یعنی يك حکومت مبتنی بر عدل و دموکراسی و متکی به قواعد و قوانین اسلام و بیش از این فعلا وقت ندارم.

سؤال: چه تغییراتی در نظر دارید که در ایران آینده بدهید؟

جواب: خرابی هائی که شاه کرده ترمیم می کنیم و نقائصی که اصولاً از نظام شاهنشاهی به وجود آمده است اصلاح می کنیم و تمام چهار چوب های پوسیده و بی محتوایی را که در طول این پنجاه سال مردم را به غریزدگی کشانده است خراب می کنیم و حکومتی مبتنی بر عدل و انصاف نسبت به همه اقشار وطن می سازیم و از مردم می خواهیم تا بر پایه های اسلامی خویش تکیه زنند و بر غرب و غریزدگان که موجب نابودی فرهنگ آنان شده است پشت پا زنند. خود را از وابستگی نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هر وسیله شده است نجات می دهیم، البته خوب می دانیم که با چه گرفتاری هائی روبرو خواهیم شد ولی تقریباً باید از صفر شروع کنیم.

ص: 268

مصاحبه امام خمینی با لوژورنال - فرانسه

سوال: آیا آروزی پیوستن ارتش را به مردم دارید؟ آیا مطمئن هستید که ارتش طرفداران شما را سرکوب نخواهد کرد در صورتی که فرمان جهاد بدهید؟

جواب: در میان ارتش فرماندهانی هستند که از شاه پشتیبانی می کنند و خود آنان در غارتگری و چپاول شریک جرم شاه هستند. بدیهی است که اینان حساب خودشان را از مردم جدا کرده اند و هرگز به مردم نمی پیوندند و لیکن سربازان و افسرانی که با مردم پیوند دارند و خود آنان از وجود رژیم شاه رنج می برند، دیر یا زود به مردم می پیوندند و از آثار این پیوستن است (طبق اخبار واصله) خودکشی بعضی از سربازان و افسران و گاهی هم بعد از کشتن فرماندهان خود، و نیز اخبار اعدام بعضی از سربازان و افسران به دست رژیم که گاهی گفته می شود اعدام بعضی از سربازان افسران به دست رژیم انجام شده است ولی آنچه مسلم است شاه با تکیه بر ارتش و با سرکوبی مردم نمی تواند به حکومت خود ادامه دهد.

سؤال: سیاست نفتی جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ سطح تولید نفت در حد حاضر باقی خواهد ماند؟ قراردادهای بسته شده از طرف رژیم قبل، سر جای خود باقی خواهد ماند؟ موضع شما در مورد قیمت نفت چیست؟

جواب: آنچه از هم اکنون می توان گفت این است که ما چاه های نفت را نمی بندیم و لیکن چوب حراج هم بر آن نمی زنیم ولی کسی هم نمی تواند بر ما تحمیل کند که استفاده کردن ما از نفت، فقط باید از طریق فروش آن به دیگران باشد. چرا ما نتوانیم به جای پول نفت، خود آن را در اقتصاد کشور جا بدهیم. و اما در مورد سطح تولید و یا قیمت آن و نیز در مورد قراردادهای بسته شده، دولت آینده که منتخب نمایندگان واقعی مردم است، باید تصمیم بگیرد.

سؤال: جمهوری ای که شما می خواهید تشکیل دهید، اسلامی خواهد بود، بنابراین آیا خواهید پذیرفت که در راس آن قرار گیرد؟

جواب : اولاً این مردم هستند که باید افراد کاردان و قابل اعتماد خود را انتخاب کنند و مسئولیت امور را به دست آنان بسپارند ولیکن من شخصاً نمی توانم در این تشکیلات مسوولیت خاصی را بپذیرم و در عین حال همیشه در کنار مردم ناظر بر اوضاع هستم و وظیفه ارشادی خود را انجام می دهم .

ص: 270

فرمان امام خمینی به مهندس بازرگان در مورد رسیدگی به اوضاع شرکت نفت

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

پس از اهداء سلام و تحیت ، به طوری که مسموع هستید ، کارگران و کارمندان محترم شرکت نفت به منظور همکاری و همگامی با مبارزات ملت مسلمان ایران به منظور جلوگیری از صدور نفت به خارج ، دست به اعتصاب زده اند اما دولت حاکم و غیر قانونی نظامی با تهاجمات سبعانه خود و اعمال زور و ارباب می خواهد این اعتصاب را جهت ادامه غارت نفت بشکند و همچنین در حالیکه نفت فرآورده های نفتی برای مصارف داخلی تولید می شود و یا موجود می باشد ، از پخش آن در داخل جلوگیری نموده و سعی می نماید تا فشار و ناراحتی های بیشتری را برای مردم فراهم آورد . برای مقابله با این برنامه های دولت غاصب و تامین نیازهای مردم در داخله تحقق شرائط زیر لازم است :

1- نظامیان و مامورین انتظامی از مناطق و مراکز نفتی بیرون بروند و دخالتی در امور مربوطه ننمایند و از ایجاد هرگونه ارباب در میان کارکنان خودداری نمایند .

2- نفت و فرآورده های نفتی فقط به اندازه مصرف داخلی تولید شود و از صدور نفت به خارج تا سقوط رژیم غیر قانونی جلوگیری کامل به عمل آید .

3- ارتش و نظامیان حق احتکار موادنفتی را که برای مصرف داخلی تولید می شود ندارند و از آن باید جلوگیری شود .

با توجه به مراتب بالا ، مقتضی است جنابعالی که در اداره منابع عظیم نفت دارای سوابق و تجارب فراوان هستید ، يك هیئت پنج نفری مرکب از حجت الاسلام جناب آقای حاج شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی و جناب آقای مهندس مصطفی کتیرائی و دو نفر دیگر را با نظر خودتان و مشورت آقایان تعیین نمائید ، این هیئت تحت سرپرستی جنابعالی مناطق نفتی را بازرسی نموده و در امر تولید نفت با احراز شرائط ذکر شده در بالا نظارت بنمائید و ضمن ابلاغ مراتب ایران از کارگران زحمتکش و کارمندان محترم ، عده لازم را به بازگشت به سر کار و ادامه تولید نفت در حد مصارف داخلی دعوت فرمائید و آن شرائط بالا را به کارمندان و کارگران تذکر بدهید که اگر دولت غاصب هر يك از شرائط بالا- را نقض نمود ، جریان نفت به کلی قطع گردد و به سایر اعتصاب کنندگان ملحق گردند و بدین ترتیب مسوولیت عواقب قطع نفت به عهده دولت غاصب و غیر قانونی خواهد بود و از

مدیریت نفت نیز انتظار داریم که در این امر مهم و حیاتی و در این مرحله حساس کنونی با این هیئت همکاری صادقانه و همه جانبه بنمایند .

از خداوند متعال استقلال و عظمت کشور و توفیق ملت را برای به دست آوردن آزادی و استقلال خواستارم .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 272

مصاحبه امام خمینی با خبرنگار آمریکائی

سؤال: حضرت آیت الله خمینی! شما در بیانیه خودتان به مردم ایران خطاب کرده اید که در اول محرم که از فردا آغاز می شود، با هر وسیله ممکن، برای سرنگونی رژیم اقدام بکنید، منظور شما از (با هر وسیله ممکن) چیست؟

جواب: اعتصابات است، تظاهرات است، نطق ها و بیانات سر منبر است. ماه محرم، ماهی است که مردم آماده اند برای شنیدن مطالب حق والاین مطلب حق ما قضیه ای است که پیش داریم که آزادی و استقلال است و ماه محرم را معین کردیم که راجع به این مسائل صحبت بکنند و مجالسی داشته باشند و اگر چنانچه منع کردند، آنها بریزند در خیابان ها و تظاهر کنند.

سؤال: آوای شما چگونه به گوش میلیون ها نفر از طرفداران شما در ایران می رسد؟

جواب: مردم، طرفدار من هستند و این مسائل، مسائلی مردمی است که مربوط به خودشان است و آنها خود را موظف می دانند مطالب ما را به همه جا برسانند.

سؤال: چگونه مطالب شما به دست مردم می رسد؟ آیا يك سلسله مراتبی در فرماندهی وجود دارد که آنها مطمئن باشند که این مطالب، فرمایشات خود حضرتعالی است؟

جواب: مردمی مورد اطمینان هستند که به ما اتصال دارند و ما به آنها اطمینان داریم و به وسیله آنها می رسد.

سؤال: چنانچه روش های مسالمت آمیز و روشهای سیاسی کنونی به نتیجه نرسید، آیا شما دستور خواهید داد که طرفداران شما بجهنگند و واقعا اسلحه بردارند؟

جواب: ما حتی الامکان میل داریم که با مسالمت تمام بشود و با همین ترتیب که الان ملت ایران مشغول

هستند که مهمترین آن اعتصابات و تظاهرات است که در ماه محرم هم زیادتر خواهد شد و اگر چنانچه به نتیجه نرسید ، ممکن است که تجدید نظر کنیم .

سؤال : حتی اگر چنانچه این به معنی این باشد که طرفداران خودتان را بفرستید در جلوی گلوله های شاه ؟

جواب : البته طرفدارهای ما نمی خواهند جلوی گلوله ها بروند ، آنها می خواهند حق خودشان را استیفا کنند و مسالمت هم می کنند ، لکن آن شاه است که امر می کند به کشتن آنها و برای احقاق حق ، این امری است ضروری .

سؤال : شاه در این ماه های اخیر ، کوشش زیادی به کار برده تا به طرق مختلف با يك مصالحه ای ، با شما و مخالفین خودش کنار آید آیا به نظر حضرتعالی ، زمان این مصالحه فرا نرسیده است تا بتوانید جلوی کشتار تعداد زیادی از طرفداران خودتان را بگیرید ؟

جواب : اگر او راست می گوید که می خواهد مصالحه کند ، به خواست ملت عمل کند و آن این است که او برود مشغول کار دیگر بشود ، لکن او درست نمی گوید و نمی خواهد مصالحه کند ، او می خواهد اغفال کند مردم را و بعد از آن بدتر از اول رفتار کند .

سؤال : دولت شاه گفته است که ما در دو شهر ایران مقادیری اسلحه کشف کرده ایم ، آیا این به این معناست که شما و طرفدارانتان اسلحه جمع کرده اید ؟

جواب : طرفداران ما مشغول هستند برای مهیا شدن در مقابل ظلم ، لکن حالا دولت ایران راست بگوید من نمی دانم .

سؤال : حضرت آیت الله ! آیا خود شما مطلع هستید که طرفدارانتان مسلح شده اند ؟

جواب : به ما گفته اند که ما می خواهیم مهیا بشویم و من هم اجازه مهیا شدن را داده ام .

سؤال : از کجا شما این اسلحه ها را به دست می آورید ؟

جواب : نمی دانم .

سؤال: اینجور به من تفهیم شده که بعضی از این اسلحه ها، از جبهه آزادیبخش فلسطین می آید، آیا این حقیقت است؟

جواب: اطلاعی ندارم.

سؤال: آیا باعث تعجب شما نخواهد شد که این اسلحه ها از طرف فلسطینی ها آمده باشد؟

جواب: نمی دانم.

سؤال: آیا این درست است که شما طرفدار اهداف جبهه آزادیبخش فلسطین هستید؟

جواب: ما طرفدار مظلوم هستیم، هر کس در هر قطبی که مظلوم باشد، ما طرفدار آنها هستیم و فلسطینی ها مظلوم هستند، و اسرائیلی ها به آنها ظلم کرده اند، از این جهت ما طرفدار آنها هستیم.

سؤال: اگر چنانچه شاه برود و دولت مورد نظر حضرتعالی بیاید روی کار، چه تغییری در روابط دولت شما با اسرائیل رخ خواهد داد؟

جواب: ما اسرائیل را رد خواهیم کرد و هیچ رابطه ای با او نخواهیم داشت، او دولت غاصب است و با ما دشمن.

سؤال: این به این معنی است که اسرائیل از ایران نفت دریافت نخواهد کرد؟

جواب: نخواهد کرد.

سؤال: اگر دولت مورد نظر شما بیاید سر کار، چه تغییری در روابط دولت شما با آمریکا بوجود خواهد آمد؟

جواب: ما نمی خواهیم به آمریکا ظلم بکنیم و نمی خواهیم زیر بار ظلم آمریکا برویم، کارهایی که کرده اند، ظلم به ما بوده که آن را تحمل نخواهیم کرد. ما روابط دوستانه با همه ملت ها داریم و دولت ها هم اگر با ما به طور احترام رفتار کنند، احترام متقابل را داریم.

سؤال: آمریکائی‌ها چه بلائی به سر شما آورده اند که شما به آنها اعتراض می‌کنید؟

جواب: دولت‌های آمریکائی، بزرگترین خیانتی که به ما کردند این است که این دودمان پهلوی را به ما تحمیل کردند و مخازن ما را به دست این دودمان برده‌ند و به جای آنچیزی که به درد ملت بخورد نداده‌اند ارتش ما را در تحت حمایت خودشان قرار داده‌اند که بر ضد ملت قیام کنند و پایگاه‌هائی درست کرده‌اند در ایران که مخالف با استقلال ما بوده است و ما با بودن حکومت این شاه هیچ وقت نمی‌توانیم زندگی بکنیم و آمریکا است که از او پشتیبانی می‌کند و الان هم رئیس‌جمهور آمریکا پشتیبانی خودش را مکرر اعلام می‌کند یک ملتی که برای احقاق حق خودش، برای آزادی و استقلال قیام کرده است، رئیس‌جمهور آمریکا تعبیر می‌کند که اینها مردم پست و رذلی هستند و این منطق آقای کارتر است و ما از ملت آمریکا می‌خواهیم که به این آقای کارتر بگویند که ملتی که مظلوم است، ملتی که تحت فشار است، ملتی که آزادی و همه آزادی‌ها از او سلب شده، ملتی که استقلال ندارد، ملتی که کشته می‌دهد، ملتی که ظالمین بر او غلبه کرده‌اند، اینها می‌خواهند برای خود احقاق حق بکنند، فریاد می‌زنند ما آزادی می‌خواهیم، ما استقلال می‌خواهیم، آیا یک همچین چیزی پستی و رذلی است که کارتر تعبیر می‌کند؟ ما امیدواریم که روسای خودشان را مواخذه کنند، ما میل نداریم که در بین ملت‌های مسلمان، ملت آمریکا به نحوی بشود که از نظرها بیفتد و ملت آمریکا را یک ملت ظالم بدانند، در صورتی که اگر ملت آمریکا با ما همراهی کند، از آنها تشکر هم خواهیم کرد.

سؤال: قراردادهای نظامی به مبلغ 22 میلیارد دلار بین ایران و آمریکا است، اگر چنانچه دولت شما بر سر کار بیاید، شما با این قراردادها چکار خواهید کرد؟

جواب: ما اینها را خلاف مصالح مملکت می‌دانیم. یکی از جنایاتی که شاه به ما کرده این است که اینطور قراردادهائی که برخلاف مصلحت ملت ما بوده است بسته و ما کلیه قراردادهائی را که برخلاف مصلحت ملتمان باشد برایشان ارزش قائل نیستیم و اگر قراردادی باشد که انصاف داشته باشد و برای ما فائده‌ای داشته باشد، آن قرارداد را تصویب می‌کنیم.

سؤال: چه قراردادهائی مفید هستند و چه قراردادهائی مفید نیستند؟

جواب: این مساله‌ای نیست که من حالا بتوانم بگویم که چه قراردادهائی مفیدند. هر کس می‌داند این قراردادها را که بسته‌اند، نفت ما را گرفته و در ازای آن، اسلحه‌هائی که به هیچ وجه به درد ما نمی‌خورد، داده‌اند. این نوع قراردادها مضرند برای ملت ما. قرارداد مفید این است که

قراردادی می بندند چیزهائی که برای ایران مفید است ، بدهند ، چیزهائی که برای زراعت و صنعت ایران مفید است ، بدهند . آن چیزهائی که اصلا فائده ای برای ایران ندارد ، اینها قراردادهای غیر مفید هستند .

سؤال : از هاری راجع به پایگاه های نظامی صحبت کرده ، شما در صورت قدرت یافتن ، می خواهید دولت این پایگاه ها را ببندد ؟

جواب : این پایگاه ها برخلاف مصلحت ماست ، البته بعدها کارشناس ها در این امر باید نظر بدهند .

سؤال : آیا اخیرا از طرف آمریکائی ها یا از طرف مقامات رسمی آمریکا ، هیچ گونه تماسی با شما وجود داشته است ؟

جواب : خیر ابد .

سؤال : آیا دولت آمریکا کوشش می کند که شما را ندیده بگیرد ؟

جواب : نمی دانم .

سؤال : برای ریاست دولت ایران ، به ما اینجور گزارش داده اند که شما آن کس را که بعدا بایستی از طرف شما کاندیدا بشود ، انتخاب کرده اید ، قویا چنین است ؟

جواب : در نظر داریم که انتخاب کنیم .

سؤال : آیا شما تصور می فرمائید یا مورد توجه دارید که دولت مورد نظر شما از طریق يك خونریزی های عظیم بخصوص در ماه آینده روی کار بیاید ؟

جواب : خیر ، ابد ، ما میل به خونریزی نداریم ، ما می خواهیم مطلب با مسالمت تمام بشود .

فهرست آیات قرآن کریم

| موضوع | سوره آیه | شماره صفحه |
|--|----------|------------|
| لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا | نساء ۱۴۱ | ۴ |
| وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ | انفال ۱۷ | ۱۱۱ |
| إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ | فتح ۱۰ | ۱۱۱ |
| قُلْ إِنَّمَا أَعْطَيْتُكُمْ بِوَأِحْدٍ أَنْ تَقُومُوا فِيهِ مَثَلًا فَرَادَىٰ | سبأ ۴۶ | ۲۰۲، ۲۴۳ |
| أَلَا إِنَّكَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُنْفِكِينَ | یونس ۹۲ | ۲۲۹ |
| فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ | یونس ۹۳ | ۲۳۲ |

| فهرست راهنما | |
|---|-----|
| ابرقدرتها، ۸۶، ۸۹، ۱۰۹، ۱۶۰، ۱۶۸، ۲۵۵ | ۲۶۳ |
| اتباع بیگانه، ۷۳، ۱۴۳ | |
| اتحاد ← وحدت | |
| اجانب ← بیگانگان | |
| احزاب سیاسی ← حزبهای سیاسی | |
| احکام اسلام، ۱۱۷، ۲۶۸ | |
| اختناق، ۱۳، ۵۳، ۱۲۷، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۴۷ | |
| ادارات دولتی، ۱۶، ۲۲، ۴۳، ۵۹ | |
| ادیان ← دین | |
| ارتجاع، ۸۱، ۵۵، ۱۹۶ | |
| ارتش، ۱۶، ۲۸، ۳۲، ۴۱، ۴۶، ۵۹، ۶۲، ۹۱ | |
| ۱۵۹، ۱۵۴، ۱۴۷، ۱۳۲، ۱۲۷، ۱۱۴، ۹۷ | |
| ۱۶۶، ۱۹۴، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳ | |
| ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۹، ۲۷۱، ۲۷۶ | |
| اروپا، ۴ | |
| استبداد، ۱۱۶ | |
| استثمار، ۵۳، ۵۴، ۱۵۵، ۱۶۸ | |
| استعمار، ۳، ۴، ۱۲، ۲۵، ۱۱۶، ۱۵۴، ۱۸۱ | |
| ۲۳۶ | |
| استقلال، ۱۶، ۲۹، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۷۱، ۸۹ | |
| ۹۶، ۱۵۵، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۱۰ | |
| ۲۱۵، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۴۹ | |
| آب، ۲۳، ۲۵۲، ۲۵۴ | |
| آتش سوزی، ۱۵۵ | |
| آذربایجان، ۲۶۳ | |
| آزادی، ۲۹، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۸۹، ۱۹۰ | |
| ۱۹۳، ۲۳۲، ۲۴۹، ۲۵۵ | |
| آزادی بیان، ۸۸، ۱۷۸ | |
| آزادی عقیده، ۱۰۰، ۱۷۸ | |
| آلمان، ۹۶، ۱۴۳ | |
| آمریکا، ۱۲، ۱۸، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۲ | |
| ۳۳، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۶۴، ۶۷، ۷۳، ۹۸، ۱۰۴ | |
| ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۷ | |
| ۱۲۸، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۳، ۱۶۵ | |
| ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۴ | |
| ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۲۳ | |
| ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۴۸ | |
| ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۷۳ | |
| ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷ | |
| الف | |
| ابراهیم خلیل، ۲۰۲ | |

| | |
|---------------------------------------|--|
| امیرالمؤمنین (ع) — امام علی (ع) | اسرائیل، ۵۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۶۰، ۱۷۸، |
| امینی، علی، ۱، ۱۶۸ | ۲۰۶، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۷۵ |
| انتخابات، ۳۷، ۵۷ | اسلام، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۲، ۲۶، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۸، |
| انرژی اتمی، ۶۵، ۱۵۴، ۲۱۴ | ۸۲، ۸۴، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۵۸ |
| انسان، ۱۲۳ | اسلام شناسی، ۱۲۰ |
| انقلاب اسلامی، ۱۲، ۱۳، ۵۰، ۱۶۷، ۱۹۱، | اسلحه، ۱۸، ۹۸، ۱۲۷، ۱۶۸، ۱۷۵، ۲۱۱، |
| ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۷۷ | ۲۲۳، ۲۴۲، ۲۵۲، ۲۷۴، ۲۷۵ |
| انقلاب سفید، ۲۷، ۱۳۵ | اصحاب صفه، ۵، ۶ |
| انگلستان، ۲۲، ۲۵، ۶۷، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۵، | اصلاحات ارضی، ۱۱، ۲۷، ۱۴۷، ۱۵۷، ۲۲۴، |
| ۱۷۹، ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۵۳، ۲۶۵ | ۲۵۳ |
| انورسادات، محمد — سادات، محمد انور، | اصناف، ۱۶ |
| ایدئولوژی، ۲۶ | اعتصاب، ۱۶، ۴۳، ۴۵، ۵۹، ۷۳، ۸۹، ۹۳، |
| ایران، ۷، ۲۰، ۶۴، ۱۰۹، ۱۵۳، ۲۳۹، ۲۴۱، | ۱۶۲، ۱۶۳، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۴۷، ۲۵۵، |
| ۲۴۸ | ۲۷۱، ۲۷۲ |
| ایرانیان خارج از کشور، ۳۹، ۱۱۳، ۱۸۷، | اعراب، ۳۰، ۵۶، ۱۰۳، ۱۱۹، ۱۶۰، ۱۶۱، |
| ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۰۰، ۲۵۰، ۲۶۵ | ۱۷۸، ۲۳۸ |
| ایمان، ۲۰۳، ۲۱۷ | افشاگری، ۱۸۷، ۲۲۶ |
| ب | افغانستان، ۵۴، ۱۳۹ |
| بازرگان، مهدی، ۹۵، ۱۶۵، ۲۷۱ | اقتصاد، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۱۱۸، ۱۵۴، ۱۵۸، |
| بازرگانان، ۹۳ | ۱۶۸، ۱۹۴، ۲۴۶ |
| بانک، ۵۲، ۹۴، ۱۶۷، ۱۶۸ | اقلیت‌های مذهبی، ۲۹، ۴۸، ۵۳، ۷۵، ۸۰، ۸۸، |
| برنامه، ۲۸، ۴۷، ۴۸، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۵۸ | ۹۵، ۱۰۳، ۱۵۹، ۲۳۷، ۲۵۷ |
| بودجه، ۲۵۱ | امام حسن (ع)، ۱۹۷ |
| بهداشت، ۲۳، ۲۵۴ | امام حسین (ع)، ۸۰، ۱۸۲ |
| بیت المقدس، ۱۰۵، ۲۳۸ | امام خمینی، ۱۴، ۱۷، ۳۰، ۴۲، ۴۵، ۵۱، ۵۶، |
| بیگانگان، ۴۲، ۴۹، ۷۳، ۹۱، ۱۴۳ | ۷۵، ۸۶، ۸۸، ۹۲، ۹۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۷، |
| پ | ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۷، ۱۸۰، ۲۳۷، ۲۵۷، ۲۷۰، ۲۷۳، |
| پانزده خرداد، ۳۸، ۷۹ | امام علی (ع)، ۸، ۱۰، ۱۱، ۶۹، ۸۱، ۱۸۲، |
| | ۱۸۸، ۱۹۷ |
| | امپریالیسم، ۲۳۵ |
| | امدادهای غیبی، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۷ |

| | |
|--|--|
| توحید، ۲۳۷ | بایگامهای نظامی، ۱۲۸، ۲۱۱، ۲۴۱، ۲۴۶ |
| تونس، ۲۵۷ | ۲۵۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۶۰، ۵۲، ۵۱ |
| تهران، ۱۹۱، ۲۵۲ | بزنشک، ۲۳، ۱۸۹، ۲۵۴ |
| تهرانی، عباس (شیخ)، ۱۱۰ | بهلوی (دوره)، ۱، ۱۶، ۳۴، ۵۲، ۵۶، ۶۷، ۷۲ |
| ج | ۱۰۰، ۱۳۴، ۲۶۰ |
| جانبازان انقلاب اسلامی، ۹۳ | بیامبر اسلام ← حضرت محمد (ص) |
| جبهه ملی، ۴۷، ۸۹، ۱۶۶ | پیروزی، ۱۷، ۲۵، ۲۶۷ |
| جمعه سیاه ← هفده شهریور | یشرفت، ۴۸، ۵۵، ۷۲، ۱۵۸ |
| جمهوری، ۱۴۱ | ت |
| جمهوری اسلامی، ۱۶، ۲۷، ۳۳، ۴۳، ۴۷، ۵۲ | تاریخ اسلام، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲۲ |
| ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۲، ۱۰۵، ۹۱، ۷۲، ۵۸ | تاریخ ایران - سلسله بهلوی ← بهلوی (دوره) |
| ۱۵۶، ۱۷۸، ۲۵۷، ۲۵۹ | تسلیفات، ۳، ۳۹، ۵۹، ۸۰، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۸۷ |
| جنگ، ۵، ۲۶۳ | ۱۸۹، ۱۹۶، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۳۲، ۲۴۵ |
| جنگ صفین، ۱۸۴ | ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۵ |
| جنگل، ۲۱۵ | تجزیه طلبی، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۸۰، ۲۱۰، ۲۶۵ |
| جوانان، ۴۴، ۶۶، ۸۲، ۱۴۸، ۱۵۴، ۲۱۴، ۲۳۳ | تحصیل در خارج، ۶۷ |
| جهان، ۲۵۹ | تشکیلات، ۲، ۱۰۰، ۲۱۰، ۲۱۱ |
| جهان اسلام ← کشورهای اسلامی | تشیع ← شیعه، ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۱ |
| ج | نظارات، ۱۳، ۷۳، ۸۹، ۲۷۲ |
| جماعتداری، ۲۰، ۴۳، ۱۲۴، ۲۳۱ | تعدیل ثروت ← عدالت اجتماعی |
| چین، ۲۵، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۹، ۲۰۶ | تعطیل، ۲۴۷ |
| ح | تفریحات، ۹۲ |
| حج، ۱۲۰، ۱۲۳ | تکلیف الهی ← تکلیف شرعی |
| حرم امام رضا (ع)، ۲۲۸، ۲۴۲ | تکلیف شرعی، ۶۵، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۹۶، ۲۱۷ |
| حزب رستاخیز، ۱۸۵ | ۲۵۶ |
| | نمن، ۷۰، ۸۲، ۲۰۰ |
| | نوبه، ۳۳، ۶۰، ۶۲، ۸۰، ۱۳۶، ۱۹۹، ۲۲۹ |
| | ۲۳۱، ۲۳۲ |

| | |
|---|--|
| دانشجویان، ۴۴ | حزب‌های سیاسی، ۹۷، ۱۷۸ |
| دانشگاه، ۱۵، ۴۴، ۲۱۴، ۲۵۲، ۲۷۲، ۲۷۳ | حسن بن علی ← امام حسن (ع) |
| دموکراسی، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۸۵، ۱۹۶، ۱۴۱ | حسین بن علی ← امام حسین (ع) |
| ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳ | حضرت علی (ع) ← امام علی (ع) |
| دولت نظامی، ۲۱، ۳۲، ۴۳، ۵۵، ۵۷، ۷۱، ۷۳ | حضرت محمد (ص)، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۶۸ |
| ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۶، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۶۲ | ۲۰۳، ۱۱۱ |
| ۲۲۵ | حقوق بشر، ۲۴۳، ۲۴۸ |
| دین، ۳، ۴، ۵ | حکومت، ۱، ۱۳، ۴۲، ۴۷، ۵۲، ۷۵، ۱۱۲ |
| دین مسیح ← مسیحیت | ۱۴۱، ۱۷۷، ۱۸۸، ۲۷۰ |
| دین یهود، ۱۲۱ | حکومت اسلامی، ۲، ۹، ۱۱، ۲۵، ۴۱، ۶۹، ۸۲ |
| | ۸۴، ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۹۸ |
| | ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۵۶، ۲۶۵، ۲۶۸ |
| | حکومت نظامی، ۲۱، ۳۱، ۶۰، ۱۷۶، ۱۹۱ |
| | ۲۰۵ |
| رادیو تلویزیون، ۱۹۰ | |
| رجال سیاسی ← سیاستمداران | |
| رژیم شاه، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۷۲، ۷۷، ۷۸، ۹۱ | |
| ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۸ | |
| ۱۵۶، ۲۲۸، ۲۲۶ | |
| رضا پهلوی، ۱۳۸ | |
| رضاخان، ۱۱، ۱۹، ۳۴، ۳۵، ۶۶، ۹۴، ۱۲۹ | |
| ۱۴۰، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۷۱، ۱۹۱، ۱۹۲ | |
| ۲۰۵، ۲۱۹، ۲۶۱، ۲۶۲ | |
| رفراندم، ۱۶، ۲۷، ۳۳، ۳۷، ۵۲، ۵۷، ۲۵۹ | |
| رفسنجانی، علی اکبر هاشمی ← هاشمی | |
| رفسنجانی، علی اکبر | |
| روحانیت، ۱۱، ۱۹، ۲۲، ۴۴، ۴۸، ۶۶، ۷۰، ۷۹ | |
| ۸۰، ۱۳۵، ۱۴۷، ۱۶۳، ۲۰۴، ۲۲۶، ۲۳۱ | |
| روستا، ۲۳، ۲۷، ۱۵۷، ۲۵۳ | |
| روسیه ← شوروی | |
| روضه خوانی، ۳۴، ۳۸، ۶۹، ۷۹ | |
| روم، ۶، ۷ | |
| | خ |
| | خارجی ← بیگانگان |
| | خانواده شهدا، ۹۳ |
| | خاورمیانه، ۲۵، ۲۶، ۵۶، ۲۳۸ |
| | خرید اسلحه ← اسلحه |
| | خطبه جمعه ← نماز جمعه |
| | خلیج فارس، ۵۰، ۹۹، ۱۶۰، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۴ |
| | خمینی، روح الله الموسوی ← امام خمینی |
| | خودکفایی، ۲۸، ۴۹، ۵۲، ۵۹ |
| | خوزستان، ۲۳ |
| | د |
| | دامپروزی، ۲۵۳ |
| | دامداری ← دامپروزی |

| | |
|--|---|
| سنجایی، کریم، ۲۹، ۸۹، ۹۵، ۱۰۸، ۱۴۵ | رهبری، ۵۲، ۸۸، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۷، ۲۳۷، ۲۷۳ |
| ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۷، ۱۸۲، حساب، نخبه | ز |
| سهم امام، ۹۳، ۱۶۳ | زارع ← کشاورز |
| سیاست، ۱۲۰، ۱۲۱ | زاغه‌تشیان ← کوخ‌تشیان |
| سیاست خارجی، ۲۹، ۳۱، ۷۲، ۸۹، ۹۲، ۹۶ | زراعت ← کشاورزی |
| ۱۰۳، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۳۶، ۲۷۵ | زمین، ۲۵۸ |
| سیاست گام به گام، ۲۱۸ | زن، ۴۸، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۴۳، ۱۵۹ |
| سیاستمداران، ۱۰۷، ۱۱۳ | زندان، ۶۱، ۱۹۱ |
| سینما، ۵۲، ۶۹، ۸۲، ۹۲، ۲۱۴ | زندانیان سیاسی، ۷۷، ۲۳۲ |
| ش | س |
| شاه مخلوع ← محمد رضا پهلوی | سادات، محمد انور، ۱۱۹، ۱۸۱ |
| شرق، ۴ | سازشکاری، ۱۵، ۲۳، ۳۸، ۴۱، ۴۳، ۶۵، ۸۳، ۱۰۷، ۱۶۴، ۱۷۷ |
| شرکت نفت، ۱۶، ۱۶۲، ۱۶۳، ۲۱۲، ۲۲۵، ۲۷۱ | سازمان امنیت ← ساواک |
| شریعتداری، کاظم، ۱۴۵ | سازمان عفو بین‌المللی، ۱۰۰ |
| شعارها، ۱۰۰ | ساندی تلگراف (هفته‌نامه)، ۷۴ |
| شکجه، ۲۷، ۲۳۳ | سانسور، ۲۴۷، ۲۵۵ |
| شورای سلطنت، ۱۳۸ | ساواک، ۵۹، ۷۵، ۲۲۷ |
| شوروی، ۳، ۱۲، ۲۲، ۲۵، ۳۱، ۵۰، ۵۴، ۶۴ | سرمایه‌داران، ۲۲۶ |
| ۶۷، ۷۳، ۸۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۴ | سرمایه‌گذاری خارجی، ۱۴۳ |
| ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۹ | سقط جنین، ۴۹ |
| ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۲۳، ۲۳۶، ۲۴۰ | سلطنت، ۱۳، ۱۶، ۲۵، ۳۱، ۳۷، ۴۳، ۴۸، ۵۰ |
| ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵ | ۵۱، ۵۲، ۱۰۰، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۹ |
| شهادت، ۴۱، ۴۵، ۲۰۲، ۲۱۷، ۲۲۷ | ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۶۹، ۱۸۳، ۱۹۲، ۲۲۱ |
| شیعه، ۱۵۸ | ۲۲۲، ۲۶۷ |
| ص | |
| صدر، موسی (حجت الاسلام)، ۳۰۰، ۱۰۵، ۲۳۸ | |
| صدر اسلام ← تاریخ اسلام | |

| | |
|---|---------------------------------------|
| لیبی، ۲۵۸ | ۱۷۵، ۱۹۵، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۴۵ |
| م | ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۷۶ |
| مادیت، ۵۳ | کارشناسان خارجی ← مستشاران خارجی |
| مارکسیسم ← کمونیزم | کارگران، ۱۶، ۲۸، ۱۷۸ |
| مالکین بزرگ ← فتودال | کارمندان دولت، ۱۶، ۴۳ |
| مالیات، ۲۲۵ | کتابخانه، ۷۰ |
| ماه محرم، ۲۷۶، ۲۷۳، ۲۵۸، ۲۲۵ | کتاب موش و گربه ← موش و گربه (کتاب) |
| مبارزه با ظلم، ۸، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۵۵، ۱۸۲ | کتیرائی، مصطفی، ۲۷۱ |
| ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۲۸، ۲۴۵، ۲۵۱ | کردستان، ۲ |
| مبارزه مسلحانه، ۱، ۱۳، ۲۹، ۳۲، ۵۸، ۷۴، ۸۷ | کناورزان، ۲۸، ۹۲، ۱۵۷، ۱۷۸، ۲۲۶، ۲۵۳ |
| ۸۹، ۹۹، ۱۰۴، ۱۴۵، ۲۳۷، ۲۶۷، ۲۷۳ | کناورزی، ۲۸، ۶۶، ۹۲، ۱۵۶، ۲۱۵، ۲۵۳ |
| ۲۷۴ | کشورهای اسلامی، ۳۰، ۹۲، ۱۸۱، ۲۳۶، ۲۵۸ |
| مبدأ تاریخ، ۱۹۶، ۲۳۲ | کشورهای خارجی، ۱۷۴، ۱۸۰ |
| متخصص، ۱۰۷، ۱۱۳، ۲۷۷ | کشورهای عربی، ۳۰، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۶۵ |
| متفقین، ۳۵، ۱۹۱، ۲۶۱، ۲۶۲ | ۱۸۰ |
| مجالس سوگواری ← عزاداری | کمپدیوید (موافقت نامه)، ۵۷، ۱۸۱، ۲۳۸ |
| مجلس شورای ملی، ۳۷، ۶۷، ۱۳۱، ۱۳۲ | کمونیزم، ۴۸، ۵۴، ۵۶، ۷۱، ۸۶، ۱۰۰، ۱۰۸ |
| ۱۵۳، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۲۰ | ۱۱۸، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۶، ۲۵۸، ۲۶۱ |
| مجلس مؤسسان، ۹۴ | ۲۶۴، ۲۶۵ |
| مجرورحین انقلاب ← جانبازان انقلاب | کنفرانس اتحاد اسلامی، ۵۴ |
| محاکمه، ۳۲، ۴۶، ۷۶، ۷۷، ۲۶۷ | کوچ ← مهاجرت |
| محرم ← ماه محرم | کوخ نشینان، ۲۵۲ |
| محرمات، ۹۲ | کودتای نظامی، ۲۸، ۱۱۱، ۱۶۴، ۱۹۱، ۲۰۵ |
| محمد رضا پهلوی، ۸، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۲۳ | ۲۱۷ |
| ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۶ | گ |
| ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱ | گروه‌های سیاسی، ۲۹، ۵۵، ۱۰۲، ۱۷۸ |
| ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۶ | گودنشینان ← کوخ نشینان |
| ۹۱، ۹۵، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳ | ل |
| ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۹ | لبنان، ۱۰۶ |

| | |
|---|---|
| مصونیت بیگانگان ← کابیتولاسیون | ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶ |
| مطبوعات، ۱۲۷، ۱۴۸، ۱۹۰، ۲۴۷، ۲۵۵ | ۱۷۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵ |
| مطبوعات خارجی، ۱۱۳، ۲۵۵ | ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴ |
| معاویه، ۱۸۳، ۱۹۷ | ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲ |
| مملولین انقلاب ← جانبازان انقلاب | ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵ |
| ممنوت، ۵۳ | ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۷۶ |
| مقامات مملکت (رژیم شاه)، ۷۷، ۱۳۲، ۱۳۶ | مدرس، حسن، ۳۴ |
| مملت، ۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹ | مدرسه فیضیه، ۱۸ |
| ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۶۰ | مذهب، ۵۳ |
| ۶۷، ۷۲، ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۷، ۹۵ | مراجع، ۲۱۵ |
| ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۱ | مرکز فساد، ۸۱، ۱۵۵ |
| ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵ | مساجده، ۱۲۰ |
| ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۴۲ | مسائل اجتماعی، ۱۲۱ |
| ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۰ | مسائل سیاسی، ۱۲۱ |
| ۲۷۳، ۲۷۶ | مشتراران آمریکائی، ۴۰، ۴۶، ۴۸، ۱۲۹، ۱۵۹ |
| ملی گرای، ۱۵۹ | ۲۴۱ |
| منابع طبیعی، ۲۸، ۶۶، ۸۳ | مشتراران خارجی، ۴۹، ۶۵ |
| الموسوی الخمنی، روح الله ← امام خمینی | مستضعفین، ۵، ۶، ۲۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۵۶ |
| موسی کلیم (ع)، ۲۰۳ | ۱۷۵ |
| موش و گربه (کتاب)، ۱۹ | مستکبرین، ۵، ۱۱، ۲۲۶ |
| مونتاز ← صنعت وابسته | مسلمانان، ۲۵۹ |
| مهاجرت، ۲۷، ۱۵۷، ۱۸۹، ۲۵۳ | مستولین مملکت، ۴۷، ۱۱۲، ۱۸۸، ۲۳۷، ۲۷۰ |
| ن | مسیحیت، ۱۲۱ |
| نظام سلطنتی ← سلطنت | مشهد، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۲۸، ۲۴۲ |
| نفت، ۲۲، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۶، ۶۶، ۷۱، ۷۲ | مصاحبه، ۱، ۱۳، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۴۱، ۴۶، ۵۱ |
| ۸۹، ۹۸، ۱۰۸، ۱۲۸، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰ | ۵۵، ۵۷، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۸۶، ۸۸، ۹۱ |
| ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۹۳، ۲۱۱ | ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۴۳ |
| ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱ | ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۶۶ |
| نماز جماعت، ۱۲۰، ۱۲۴ | ۲۳۵، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۳ |
| | مصنق، محمد، ۲۵، ۳۶ |
| | مصرف، ۴۹، ۲۱۵ |

| | |
|---|--------------------------------------|
| واردات، ۴۹، ۲۵۳ | نماز جمعه، ۱۲، ۱۲۱، ۱۲۴ |
| وحدت، ۴۴، ۷۰ | نمایندگان مجلس، ۱۳۶، ۱۳۳ |
| وحدت اسلامی، ۲، ۱۰۵، ۱۸۰، ۲۳۸، ۲۵۸ | نهضت اسلامی، ۱۶، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۶ |
| | ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۵۰، ۵۱، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۴ |
| ▲ | ۷۹، ۸۱، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۹ |
| | ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۶۴، ۱۶۹ |
| هائمی رفسنجانی، علی اکبر (حجت الاسلام)، | ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۷، ۲۱۸ |
| ۲۷۱ | ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۹ |
| هفته شهریور، ۲۳۰ | نیروی انسانی، ۵۰، ۱۱۳، ۱۸۸، ۲۰۰، ۲۱۵ |
| هویدا، امیرعباس، ۸۸، ۹۵، ۱۰۴ | و |
| | وابستگی، ۲۷، ۵۵، ۲۱۵، ۲۶۷ |

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

